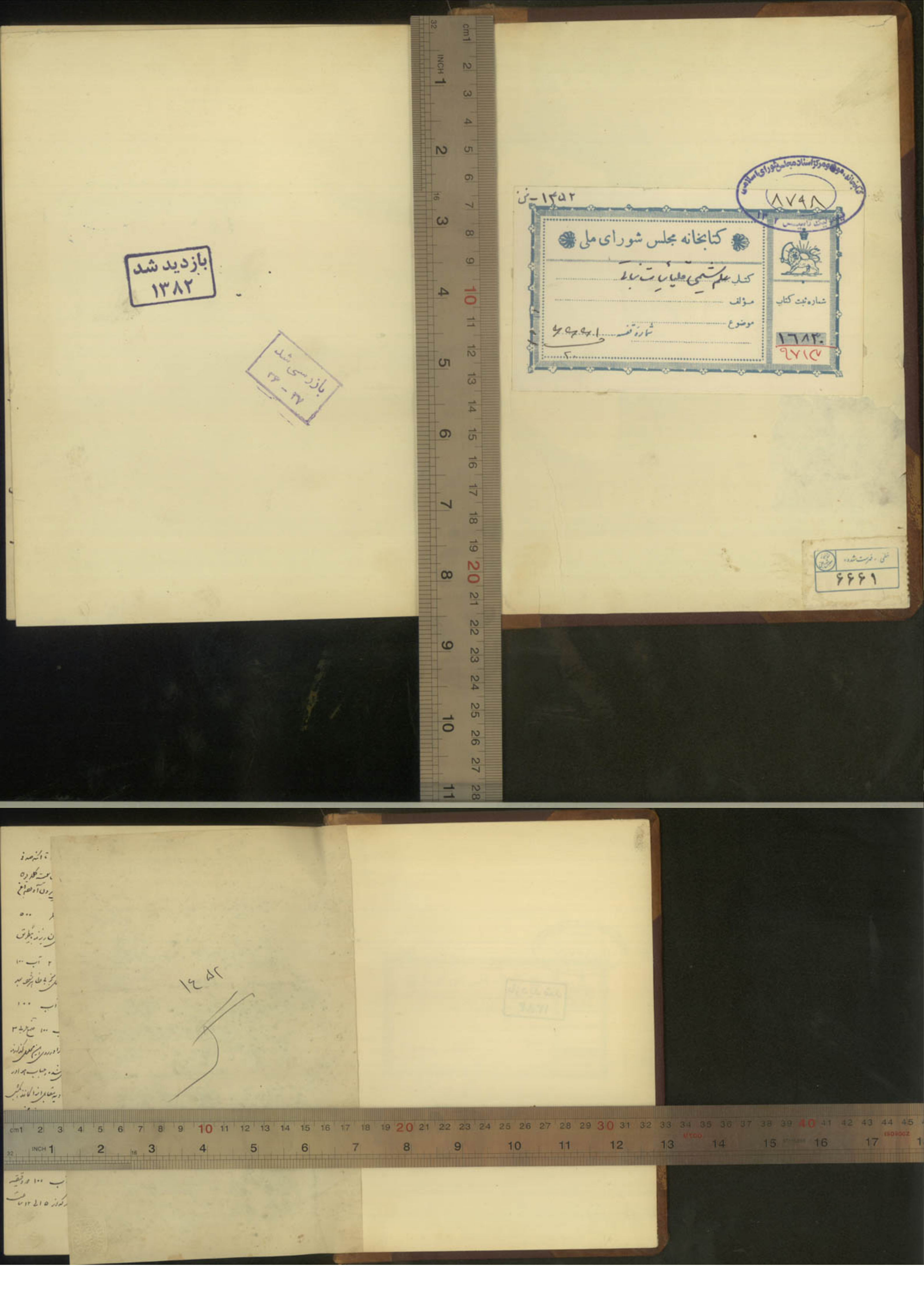



بازدید شد
۱۳۸۲
بازرسی شد
۲۷ - ۳۳
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
۱۶۸۳۰
۹۷۱۷
۸۷۹۸
۶۶۶۱
۱۴۵۲

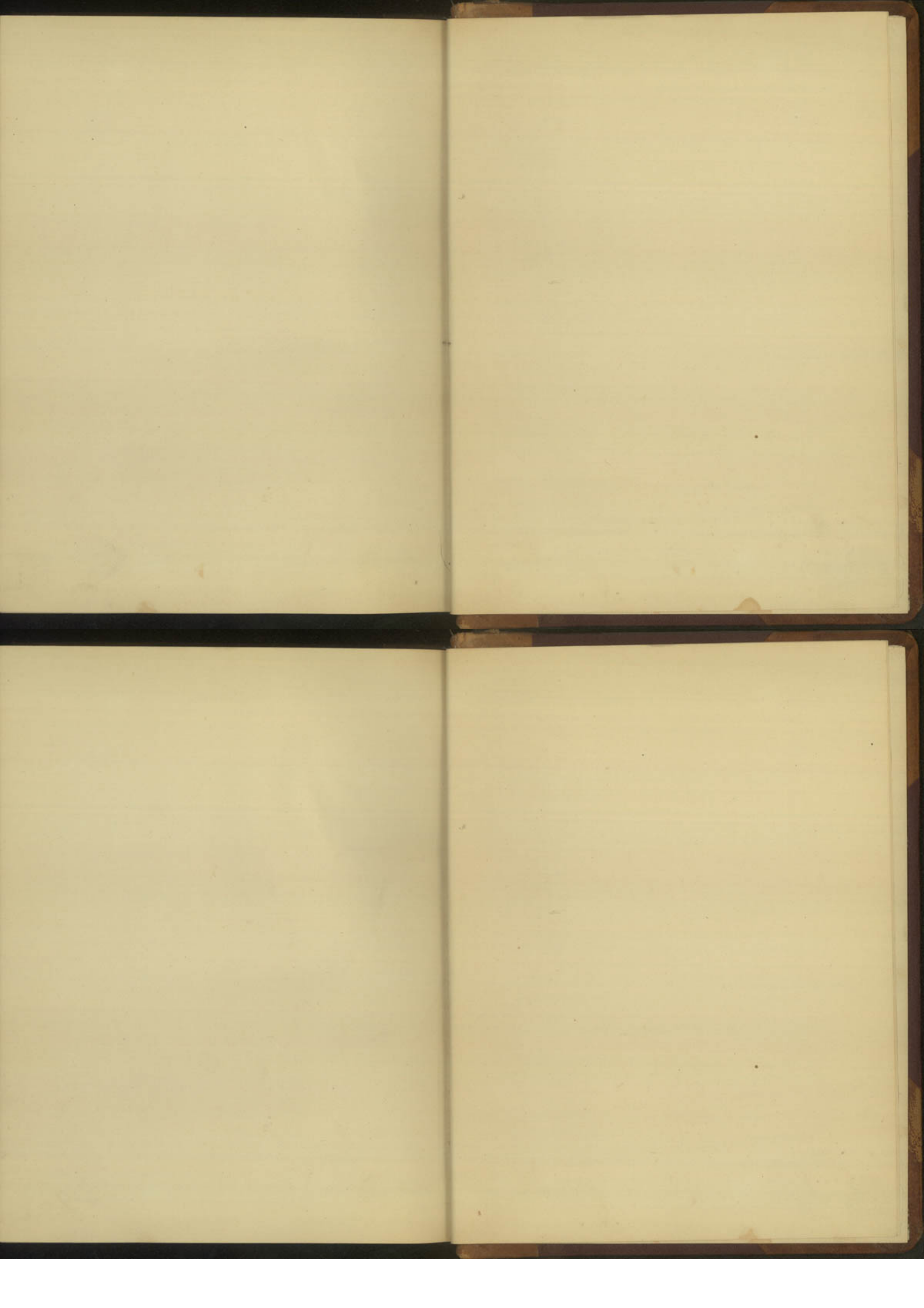
نسخهٔ اول: نیترات و سیمور ۴ درم، الکل و رنگ ۱ درم، اسید کاربلیک ۱/۲ درم، وازلین
۸ انس

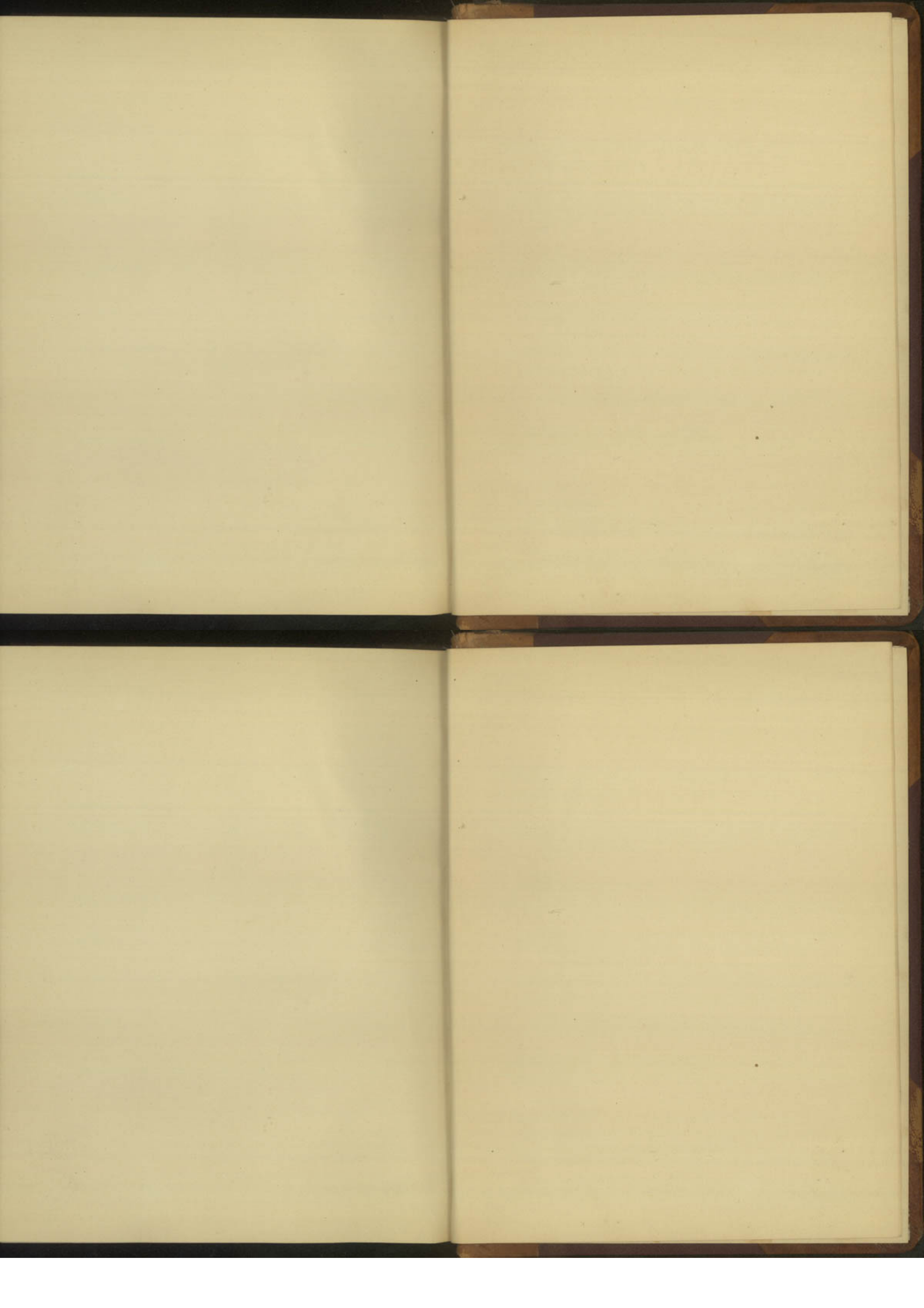
نسخهٔ دیگر: نیترات و سیمور ۳ درم، الکل و رنگ ۱/۲ درم، گلیسرین ۱۵ درم، اسید کاربلیک ۲۰ قطره
وازلین ۶ درم

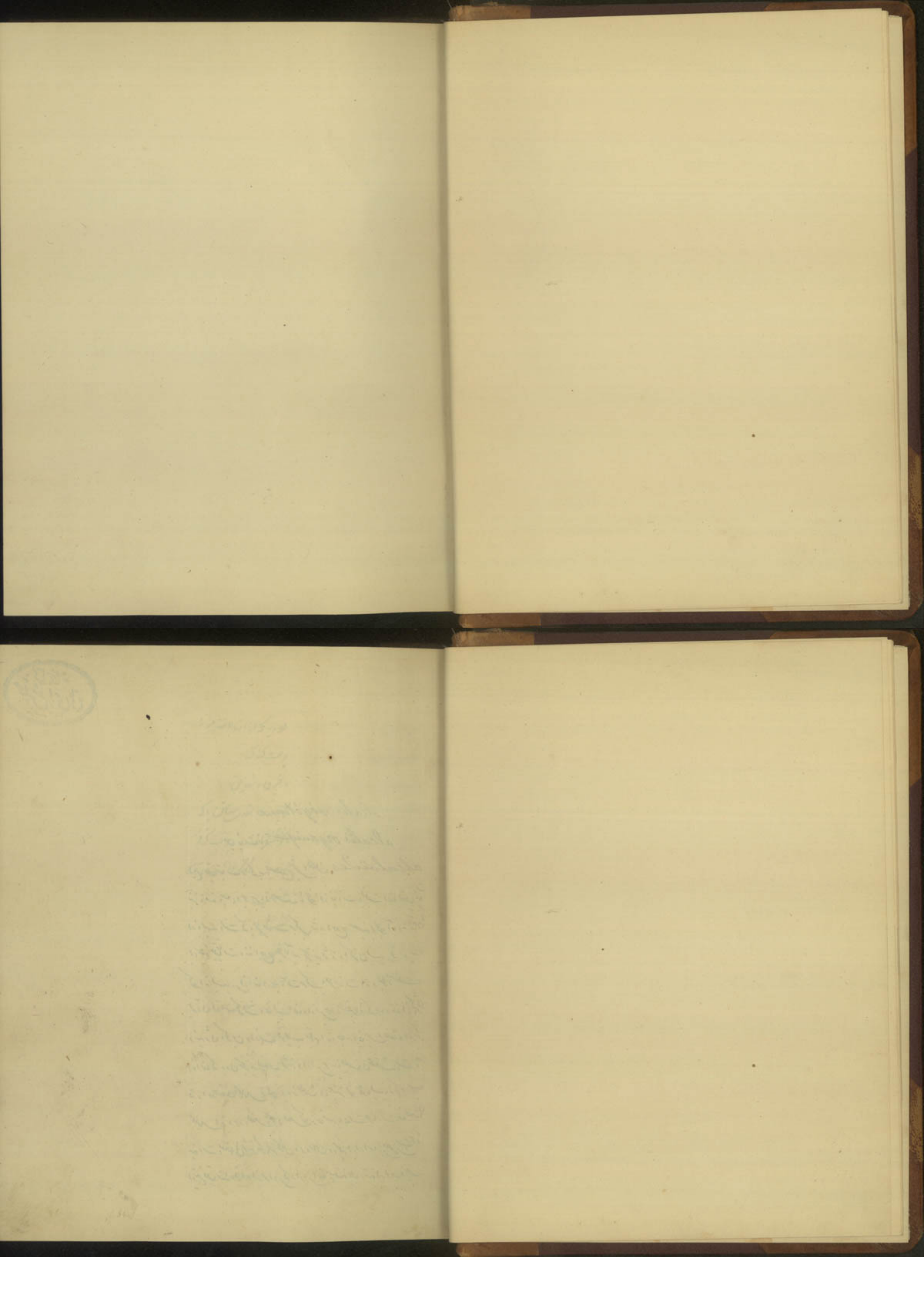
جهة نوراتی خرتیانیت ۳ گرم، رنگات و گلیسرین ۲ گرم

بو، هضم قهوه را فوراً میک

پس از اینکه کلودیون را در روی شیشه بکار انداخته در این محلول فرو برند سنگ جهنم ۸ جزو آب ۱۰۰ جزو تا اینکه صد و
رنگ شود پس از آن در تاریکی گذاشته مطابق معمول دوا بهر عکس را شیشه که در گذارند و بعد از آن در آب شسته بی بعد کلودیون
دو درجه روشنائی است که از حد معمولی اوقات برداشته به اطاق تاریک مراجعت نمایند و از شیشه بیرون آورده اغ
محلول را روی آن بریزند جوهر سرکه کریستال ۳۰ الکل ۱۰ درجه ۹۰ زاج سبز ۴۰ آب مقطر ۵۰۰
و قدری شیشه را حرکت داده این محلول را از روی شیشه بریزند و شیشه را با آب صاف بشویند و بعد از آن این دو محلول را بر روی آن بریزند به طریق
محلول اول آب مقطر ۲۰۰ جوهر سرکه ۲۰ الکل ۱۰ جوهر مازو ۱ محلول ثانی سنگ جهنم ۲ آب ۱۰۰
آن وقت قدری از محلول اول و قدری از محلول ثانی در شیشه کوچک و دهان گشاد ریخته روی شیشه زنیخ ریزند تا شکل بخوبی ظاهر شود بعد
از آن جهة ثبوت عکس نیف ظهور شکل این محلول را روی شیشه بریزند پس از شستن شیشه سیانور ۵ آب ۱۰۰
بعد از آن نیز شیشه را شسته گذارند خشک شود چون خشک شده این ورنی را بر روی شیشه ریزند آب ۱۰۰ صمغ عربی ۳
و مدتی گذارند خشک شود و بصورت عکس نیف تمام است جهة برداشتن از نیف باید کاغذ آلبومینه را در روی این محلول گذارند
سنگ جهنم ۱۵ آب ۱۰۰ و دیگر جنبه ... گذارند تا مطمئن شوند که تمام کاغذ آلبومین بمحلول شده و حباب هوا در
زیر آن نمانده و گذارند تا ۵ دقیقه در این محلول باشد آن وقت بیرون آورده زاویه از آن را بقدر بزند و زاویه مقابل آن را کاغذ انگشت
به واسطه رطوبت خود کاغذ بچسبانند و گذارند خشک شود پس از خشک شدن قطعی که لازم است ببرند و بر روی شکل وضع نمایند در شاسی مخصوص
بر نیف گذارند و گذارند در آفتاب رنگین شود بعد از شاسی بیرون آورده بصورت در آب ... در اطاق سیاه بقدر یک
دقیقه گذارند و بعد خارج ساخته در این محلول گذارند طلا ۱ استات ... ۲۰ آب ۱۰۰۰ تا خوب رنگین
شود پس از آن بیرون آورده جهة ثبوت در این محلول گذارند هیپو سولفیت ... ۲۰ آب ۱۰۰ در دقیقه
الی ده دقیقه و نیم باید جهة ثبوت در این محلول باشد پس از آن بیرون آورده در آب تمام گذارند که از ۵ الی ۱۲ ساعت
در آن باشد بعد بیرون آورده در لای جزو کاغذ آبکش گذارند تا خشک شود بعد بچسبانند







alcalis végétaux

قلیائیات نباتیه alcalis organiques

این قلیائیات را که به اصطلاح شیمی الکلوئید alcaloïdes
نیز نامند اجسام و جواهر نباتیه هستند ماخوذ از نباتات و نسبت اینها قلیائیت
از این است که با حموضات مرکب شده املاح معینه بوجود آورند و آنها
با بعضی قلیائیات مانند املاح غیر آلیه تجزیه شوند و اکنون بسیار قلیا دیده اند
که اغلب بسیاری از اینها در نباتات مرکب با حموضات اند و بلا صنعت
جدا کردن از اینها کرده و غالب اینها دارای چهار عنصراند که عبارتند از ایدروژن
و نیتروژن و کربن و ازت قریب بتمام اینها جامد و قابل انعقاد اند بجز
از اینها که بدون تجزیه تصعید شوند دارای بو و طعمهای مختلف است و بهر
قدر املاح اینها محلول تر بود طعمهای بیشتر شود غالباً بسیار کم در آب
محلول اند و در الکل بخوبی حل شوند خاصه با اعانت حرارت خاصیتهای
سمیات استعمال شوند مگر استرکنین و بروسین و آنچه در دواسازی معمول است خواه
از این قلیائیات و خواه از موادی که دارای اینها هستند عبارتند از آنچه ذیل

قلیائیات نباتیه	لوبیه که از اینها اخذ میشوند
کنین و سنکنین	پوست کنه کنه
مرفین و کدئین و نارکتین	افیون و شقایق
استرکنین و بروسین و ایگازورین	کوچوله و باقلای سنتیناک
استرکنین و بروسین	انگوستور کاذب و چوب کولو
وراترین	سوادیل cévadille
کلشیسین	عنصل
دلفین	کشمش کولی
اکنیتین	اکنیت
ایمنین (?)	ایمن (?)
اتروپین و داتورین و حیسامین و سولانین	تمام نباتات طایفه سولانه
نیکوتین	تنباکو
سیکوتین	شوکران
امتین	ایپکاکوانا و کاینکا
بوکسین	شمشاد
منیسپرمین	مرگ ماهی
کافئین	قهوه و چای و گوارانا

،، کینین و سنکنین quinine cinchonine

این دو جوهر نباتیه به خواص پوست کنه کنه اند و شهرت تامه این پوست در استعدادات
طبیه مخصوص بوجود این دو ماده است این دو جوهر را در سه قسم پوست کنه کنه بیشتر یافته اند
و اینها عبارتند از پوست خاکستری و پوست زرد و پوست قرمز یکی از معلمین
شیمی پوست تازه که از جنس کنه کنه است کینین را یافته ولیکن معلوم نیست که آیا
آن از چه قسم بود بعضی از معلمین در اقسام دیگر نیز اینها را یافته اند ولیکن معمول
در کارخانه جات دوا سازی است اکنون ۲۰ سه قسم مذکور است و در بعضی از اینها
جوهری دیگر نیز موسوم به کینیدین quinidine

،، کینین $C^{40}H^{24}Az^{2}O^{4}$

یکی از جواهرات قلویه نباتیه است غالباً بشکل گرد سفید بی شکل منجمد شود ولیکن ممکن است
از الکل بشکل بلورات سوزنی منعقده که حجمیست لطیفه و براق و بسیار تلخ و
سریع الذوبان و بطی الانحلال در آب جوش در الکل بخوبی حل شود خاصه با اعانت
حرارت در اتر نیز محلول گردد با حموضات املاح منعقده حاصل آید که در حالت
اجتماع شفاف هستند و دارای طعمهای بسیار تلخ است و غالب اینها در آب و اتر
و الکل حل شوند قلیائیات معدنیه کینین را از املاح خود جدا کنند ولیکن اینها
اینها را تجزیه کنند بلکه در حالت جوش کینین املاح قوی در دوا تجزیه شود املاح
کینین و بعضی از دو در دو شوند

طرز جدا کردن آن املاح از ... اینها که در دو کنند و اگر بخواهند منعقده از ... است
آورند در الکل ۹۰ درجه محلول نموده و بسرعت تبخیر نمایند

،، سنکنین $C^{40}H^{24}Az^{2}O^{2}$

سنکنین منعقد میشود بشکل منشورات مربع که منتهی شده اند بروس مورب و در نتیجه
آب انعقاد در اینها نیست حجمیست براق با طعم تلخ و در ذوب شود در ...
فنا و تجزیه شود در ۲۵۰۰ برابر آب سرد حل شود و در آب گرم اندکی بیشتر
محلول است در الکل بخوبی حل شود ولیکن کمتر از کینین در اتر نیز بسیار کم محلول است
بسهولت با حموضات مرکب شده قلویه املاح با خواص شیمیائی این املاح
بسیار نزدیک اند با املاح کینین ولیکن با وجود کمال شباهت اینها را از یکدیگر
بسهولت جدا توان کرد اگر کینین با ... در روغن ... ولیکن سنکنین
ذوب میشود و با ... قلیائی تجزیه میگردد

سولفات دو کینین sulfate de quinine

و سولفات دو سنکنین sulfate de cinchonine

سولفات کینین دو انواع است یکی خنثی و دیگری بی سولفات و آنکه متداول در طب
است همان نمک اول است و این نمک دارای یک برابر کینین و یک برابر جوهر
گوگرد و یک برابر آب است و در صورتیکه منعقد شود ۱۴ برابر وزن خود آب انجماد
دارد و در مجاورت هوا شکفته شود و سه ربع آب خود را در هوای گرم از دست

و در حقیقت از گنه گنه در آب سرد بسیار کم حل شود ولی در آب جوش ۳۰ برابر
بیشتر محلول است بهترین حلال آن الکل است خاصه با معاونت حرارت
بی سولفات دو کینین بغایت محلول‌تر است و در طب استعمال نشود مگر در صورتی که
فوراً اثر از محقن سولفات خنثی با جوهر گوگرد به دست آورند
سولفات دو سنکنین محلول‌تر است از سولفات دو کینین و بی سولفات آن
بیشتر محلول است ولی در طب معمول نیست

طرز ساختن گنه گنه متعارفی

بهترین قسم پوست گنه گنه که در کشیدن این جوهر معمول است پوست گنه گنه زرد
است که از اسطلاح ... نیز نامند و پیش از گرفتن این جوهر باید به واسطه علامات مشخصه
تعیین مقدار جوهر آن را نمود زیرا که صورت ظاهری غالباً باعث اشتباه است
و به چندین تجربه ... معلوم شده ولی ... کم ...
تقریباً مقدار ... پوست گنه گنه متحصر شده ... مطبوخ پوست گنه گنه
که دارای مقدار زیادی قلیانیات نباشد به واسطه مطبوخ مازو ... رسوب
سفید یا خاکستری فراوانی میدهد و به واسطه ... رنگ میدهد
و این درد ... به واسطه ... پوست گنه گنه است به سولفات ... رنگ ...
این پوست را تیره کند و کاهی مقدار زیادی درد سیاه خاکستری ...
رنگ مایع سبز گردد ... به واسطه ... است

سهل‌ترین قاعده ساختن سولفات گنه گنه این است که ... پوست گنه گنه را
کوبیده و با ... الکل ۸۰ درجه ... بیرون کشند [illegible]
و با ... محلول الکل ... جوهر گوگرد اضافه کنند ... تقریباً تا ... شود
کنند تا در ... جوهر گوگرد بریزند تا اینکه حموضت حاصل
پس از آن تقطیر ... تقطیر ... کنند تا اینکه ... رسوب ...
پس از آن مایع مصفا را ... ریخته ...
... افزایند تا سولفات تجزیه شود ... الکلیه ...
پس از تبخیر این مایع ...
طرز ساختن سولفات دو کینین پوست گنه گنه را نرم کرده کنند و در ...
پوست گنه گنه ۳۰ مثقال جوهر نمک در ... ریخته باشند ... پس از ...
از ... تا ... از ... در ...
که ... مثقال جوهر نمک در آن ...
... جوهر ...
پوست گنه گنه ... کینین و سنکنین در آب حل ... به واسطه ...
که ... مطبوخ پوست گنه گنه را ...
قلیا اضافه کنند ...
کنند که ... دیگر ... جمع کرده

و در ...
کینین و سنکنین ... و سنکنیک ... کینیک ... acide quinique
و جوهر نمک است ...
کینات ... که در ... محلول ...
کینین و سنکنین و ... از قلیا و ... سنکنیک ...
... محلول ...
در الکل ۸۰ درجه ...
... کینین و سنکنین و ...
است ... الکل را جمع کرده جوهر گوگرد رقیق ... که در ...
معروف ... تقطیر ...
جسم ...
کنند و ...
خارج شود ...
سولفات دو کینین که به دست می‌آید رنگین است جهت زوال رنگ آن ...
زغال و آب ... در آب جوش ...
منعقد ... آورند و ... سولفات دو کینین منعقد ...
از سولفات دو کینین سفید به دست می‌آید به واسطه ... تا تمام کینین

و سنکنین ... آب ... با جوهر گوگرد حل کنند ...
... زغال حیوانی ...
قوام آورند ... منعقد شود ...
...
آن از جوهر گنه گنه بسیار ...
۳۰ درجه ... کینین ... سنکنین را ...
دیگر منعقد سازند

امتحان سولفات دو کینین — گنه گنه چون دارای ...
... امتحان آن ...
حل شود ...
... در الکل ۶۰ درجه محلول ...
... سنکنین و سولفات ...
... در الکل ۳۰ درجه ...
... جوهر گوگرد ...
...
رنگ ... caramel است جوهر گوگرد
گنه گنه را ... سیاه رنگ کند ...

مانند گنه گنه‌ها نسبه خالی از تقلب اند و در صد جزو آنها ۲ ۳ سولفات دو سنکنین باشد
شود و گاهی عمدا اضافه می‌نمایند جهت شناختن این تقلب و اله جوری را که یک
طرف آن مسدود باشد گرفته پنج نخود گنه گنه در آن ریزند و ده سانتیمتر مکعب اتر
و دو سانتیمتر مکعب آمونیاک اضافه نمایند و لختی بهم زنند با سولفات دو کنین
که مخلوط عاری از سنکنین باشد در مایع حل شود و اگر سنکنین داشته باشد در وسط
مایع آمونیاک که علاوه شده قوس و قزح رنگ موجود شود مقدار آن هم
دلیل است بر مقدار سنکنین و بهتر آنست که بواسطه حل در اتر و تبخیر آن وزن سنکنین
معین کنند و بواسطه کلروفرم وزن سنکنین را

سولفات دو کنین یکی از ادویه بسیار گران بها است در معالجات طبیه مخصوص
است برای جمیع امراضی که دارای دوره اند و خصوصا برای نوبه و نیز مقوی
قوی است و داده میشود بمقدار یک گندم الی ۲۰ نخود در شبانه روز بعضی اوقات
لازم میشود ترکیب آن با افیون و چنین بالا است که از مقدار از ۱
تا ۴۰ نخود در شبانه روز استعمال مینمایند در رماتیسم rhomatisme
[illegible] مفصلی

و بکار برده میشود بصورت کوی و حب و جزو مشروب و غسول وغیره
و لاحب آن هم استعمال شود از بابت طعم بسیار تلخ آن و اصطلاحی
تجربه بعضی از دواها شربت قهوه پس از خوردن گنه گنه

موجب زوال تلخی آن است و بعضی گنه گنه را در قهوه ریزند چون این جوهر غیر
محلول است در قهوه مانند غبار غیر محسوس در آن معلق ماند و طعم آن بواسطه
طعم قهوه پوشیده شود و اینکه تانات دو کنین نیز بجهت آنکه غالبا جهت استعمال
۱۲ گندم گنه گنه در مثقال قهوه و ۲۰ مثقال آب استعمال کنند و کم کم به مریض
بخورانند

غیر موافق است با آن استعمال قلیائیات و کلرویه و یدیات قابض و جوهر مازو
و مازو و غیره و غیره

شراب گنه گنه vin de sulfate de quinine

گنه گنه	۵ نخود	شراب قوی	۲۰۰ مثقال

مطابق معمول حل کنند شراب سولفات دو سنکنین را نیز چنین سازند و لکن
مقدار هم باید را ضعف کنند

شربت گنه گنه sirop de sulfate de quinine

شیره شکر تصفیه	۶۰ مثقال	آب مقطر	۲۰ نخود
گنه گنه	۵ نخود	الکل کوکور	۴ قطره

گنه گنه را در آب و بواسطه الکل کوکور حل کنند و آن محلول را با شیره شکر
مخلوط نمایند شش مثقال این شربت دو گندم گنه گنه دارد شربت سولفات
دو سنکنین را نیز چنین سازند و لکن مقدار آن یک باره برابر کنند

قرص گنه گنه pastille de sulfate de quinine

گنه گنه	۱	قند مسحوق	۲۰۰	لعاب صمغ عربی بمقدار کافی

مطابق معمول اقراص پنج نخودی سازند هر قرص ۵ میلیگرام گنه گنه
دارد

روغن جهت داء الثعلب huile pour alopécie

مغز قلم	۲٫۵ مثقال	گنه گنه	۵ نخود
روغن بادام شیرین	۲۵ نخود	عطر گل سرخ	۲ قطره

اول گنه گنه را خوب مخلوط با اجزا و دسمه کنند و بعد عطر را افزایند و گاه گاه
کم از این روغن را صبحی در سر تدریج کنند تا منع ریختن مو کند

ارسنیات دو کنین arséniate de quinine

نمک است سفید غیر محلول در آب و محلول در الکل مرکب است از یک معادله آب و یک معادله
کنین و یک معادله اسید ارسنیک [illegible] porphyrisé [illegible] مسحوق
و ۵۰۰ جزو الکل ۸۰ درجه اول گنه گنه را در آن که [illegible]
یک از جوشانیدن حل کنند و بواسطه آمونیاک کنین خالص را در [illegible] نمایند
و درد را در [illegible] جمع کنند و با آنکه با آب شویند و [illegible]
و با الکل و اسید ارسنیک در قرع ریزند و آنکه حرارت دهند تا حل شود
صاف نموده در روی شعله [illegible] خشک نمایند

نمک در امراض جلدی و حمیات دائره معمول بود ولی نسبت مقدار اسید ارسنیک
بمقدار کنین بسیار مختلف است زیرا که در صد جزو آن ۸۴ جزو کنین و ۱۳
جزو اسید ارسنیک است قدر شربت آن از ۵ الی ۱۰ میلیگرام است غیر مستعمل است

و معمول آن از استعمال کنین به [illegible] سایر ترکیبات ارسنیک

والریانات دو کنین valériande de quinine

این نمک بشکل [illegible] که یکی از شاهزادگان [illegible] مرکب است
از یک جزو کنین و یک جزو اسید والریانیک [illegible] این نمک [illegible]
شود [illegible] که غالبا شفاف [illegible] دارد طعم
آن تلخ است [illegible] والریانیک دهند در ۱۱۰ برابر آب سرد
و [illegible] برابر آب جوش حل شود در الکل [illegible] محلول است و در ۹۰ درجه
حرارت [illegible] آب [illegible] نشده [illegible]
[illegible] که دیگر در آب حل نشود

طرز ساختن آن این است که مقداری اسید والریانیک در [illegible] الکل
کنین ریزند [illegible] آب اضافه کنند [illegible] که پس از
پنجاه درجه حرارت [illegible] تبخیر نمایند والریانات دو کنین [illegible]
بسیار کم داخل امراض دائره است [illegible] متعارف [illegible]
[illegible] کمتر است و اثرش در امراض عصبانی بیشتر مخصوصا در [illegible]
امراض و حمیات [illegible] استعمال کنند صورت دوائی آن حب یا [illegible]

potion نیز مشروب است قدر شربت آن از یک الی دو کرنا است
و گاهی در امراض شدیده بیشتر که هم نیز استعمال کنند

پوست گنه گنه quinquina

اگرچه عدد اقسام این پوست زیاد است ولی آنچه بیشتر معمول است و در تجارت یافت شود پوست خاکستری و پوست زرد و پوست قرمز است پوست گنه گنه خاکستری پیچیده و دانه کالیفی خصوصیت آن بیش از تلخی است و مخصوصا دارای سنکونین است و یا کینین آن کم است و یا بالمره عاری از آن است و پوست گنه گنه زرد ضخیم تر و کثیر الالیاف و تلخ تر و تقریبا خالی از عفوصت است رنگ سائیده آن از زرد تیره یا نارنجی است و بهترین اقسام است و کینین دارد که غالبا با جگر و نیک قلیا میتواند در و داد و پوست گنه گنه قرمز برزخ مابین آن دو پوست اول است طعم آن هم تلخ و هم قابض است غبار آن قرمز است هم کینین و هم سنکونین دارد پوست گنه گنه در قطع حمیات بسیار معمول است تمام اینها متعلق اند بجنس سنکونا cinchona (rubiacées) و اما خواص بطور یقین تمام این پوست را با قسام این جنس نباتات نسبت داد

اعمال شیمیایی پوست گنه گنه بطور تحقیق در کتب ثبت شده اند و اما خاصیت دوائی دارند بسیار اعمالی که مصنوعا بکینین و سنکونین می سازند

صورت دوائی و قدر شربت آن که از ۲۰ نخود الی ۶۰ نخود جهت قطع حمیات و در مطبوخ

استعمال

استعمال پوست گنه گنه زرد اولی است و از نیم نخود الی ۱۰ نخود مانند مقویات و از نصف روز آن یا حب آن ۲ گرمی الی ۲۰ نخود و از شربت مائیه شراب آن ۴۰ نخود الی ۲ یا ۳ مثقال و از تنقیع آن ۲۵ نخود الی ۴ مثقال و ۱۰ نخود ماء (۲۰ جزء و ۱۰۰۰ جزء) بوضع شده بطور استعمالات خارجی (۵۰ جزو در ۱۰۰۰ جزو) و همچنین ترتیب میدهند از آن قرص و آب جو و مرهم و نیز جزو بسیار از ادویه مرکبه طبیه

غیر موافق است با آن استعمال حموضات مخلوط قلیائیات املاح آهن جوهر زاج سنگ جهنم دار ابکشه مقل مطبوخ بابونه و کلب و ریوند و کات هندی و غیره

اگرچه پس از کشف و استعمال مرکبات کینین و بعضی ترکیبات دیگر آن در بسیاری از اقسام حمیات دائمه ولادیه پوست گنه گنه مسحوق را استعمال نمی کنند ولی بسیاری از ادویه با اقسام این پوست ساخته اند جهت تقویت مزاج نه آنکه جوهرات ماخوذه از آنها معین بر تقویت نباشند ولی ترکیبات طبیعی آنها و سایر اجزاء پوست گنه گنه اثر مخصوصی در تقویت دارند و بدیهی و معلوم است که نمیتوان اختلاف کلی فیمابین پوست گنه گنه زرد و خاکستری داد زیرا که اگرچه پوست زرد مقدار جوهرهایش بیشتر است و تلخ تر است ولی پوست خاکستری معطر تر و مقدار تنیک آن بیشتر و دارای مواد کثیره محلوله در الکل است و از اینجا ثابت است که از کل پوست ۴ را بواسطه جوهریات آنها نمیتوان در دستور العمل

کلیه اسازی فرنگستان پوست گنه گنه خاکستری را ترجیح میدهند و در صورتیکه طبیب بملاحظه مزاج مریض پوست زرد را مصلحت بداند باید مخصوصا بدوا سازی بنویسد (از حیثیت مقدار تقریبا دو اقسام) پوست گنه گنه چندان تفاوتی نیست

tablettes de quinquina

شعبه اول در ادویه که نخود پوست گنه گنه جزء آنها است

قرص پوست گنه گنه pastille de quinquina

پوست گنه گنه مسحوق — مثقال ۲ — قند مسحوق — مثقال ۱۸
دارچین مسحوق — نخود ۵ — لعاب کتیرا — مقدار کافی

مطابق معمول اقراص ۵ نخودی بسازند هر قرص دو گرم پوست گنه گنه دارد

سنون مصلح دندان Dentifrice de quinquina

پوست گنه گنه مسحوق — ۱ — کوزغال نباتی — ۱

مطابق معمول مخلوط کنند

معجون قاطع حمی electuaire febrifuge

پوست گنه گنه زرد مسحوق — مثقال ۷ — کربنات دو پتاس — نخود ۲۰
انتیمون مقی — نخود ۳,۵ — شربت افسنتین — مثقال ۱۹

مطابق معمول مخلوط کنند این معجون مقی نیست زیرا که تاخیر پوست گنه گنه و کربنات دو پتاس انتیمون را تجزیه کنند و محل دیگر بوجود سازند

bolus ad quartanum

پوست گنه گنه قرمز — مثقال ۱ — شربت افسنتین — مقدار کافی
انتیمون مقی — نخود ۴

مطابق معمول معجون کنند

ضماد جهة غانقرایا cataplasme antiseptique

آرد جو — مثقال ۴۰ — آب مقطر — مثقال ۱۰۰
پوست گنه گنه خاکستری کوبیده — مثقال ۲

مطابق معمول بپزند و پس از آنکه ضماد اندکی سرد شد ۲۰ نخود کافور مسحوق مخلوط آن کنند

شعبه دوم محصولات مائیه پوست گنه گنه

خیسانده و دم کرده و مطبوخ پوست گنه گنه هر سه مستعمل اند ولی از حیثیت خواص شان به نسبت خیسانده پوست گنه گنه بسیار کم قوت است و دارای کینات دو کینین و کینات دو سنکونین است و سایر قلیائیات گنگینا در آن بسیار کم است و بیشتر این قلیائیات در تفاله میماند خیسانده آن مقوی است ولی قاطع حمی نیست ولی بواسطه جوش تام مواد دنه کوره در آب حل شده و بعد بر نتیجه قدری نشاسته و ترکیبات قرمز سنکونیک را حاصل میشود و از این است مطبوخ پوست گنه گنه جهة قطع حمیات نافع است این مطبوخ تا هنگامیکه

۹

کیمیاست لطیف است و لیکن پیش از برودت که در شود و بواسطه اینکه تانن و
تانن با یکدیگر ترکیب شده جسمی تولید آورند که بمحض نزول درجه حرارت راسب
شود و این درجه حرارت از ۳۰ و ۴۰ کمتر نیست ثانیاً اینکه چون قرمز سنکنیک
rouge cinchonique قوت انحلالش در حرارت بسیار و در برودت
کم است و با علت برودت راسب گردد مطبوخ پوست گنه گنه دوائی است بسیار
مجرب و لیکن پیرایش کدورت استعمال کنند زیرا که تصفیه آن مضعف
قوه است و بشیوه ... که در مطبوخات ... پوست گنه گنه بکلی عاری از
کنین و سنکنین نمیشود و این مایه در سفلی ته مانده ... پوست گنه گنه
و تتش کمتر از مطبوخ است وقتی که پوست گنه گنه را مانند تیزان استعمال کنند
قدر شربتش در هر یک تیرو این آب از پنج مثقال الی ۲۰ مثقال است و بجا
بر حد حفظ است طبیب حنف نموده یا جوش نموده یا دم کرده از الکل ریزند و در خارج
جهة تغسیل و حقن بسیار معمول است

عصاره پوست گنه گنه extrait de quinquina

پوست گنه گنه خاکستری	مقدار منظور	الکل ۵ درجه		مقدار کافی

با نصف وزن پوست گنه گنه الکل اضافه کنند و در اسباب لیکسیویاسیون
lixiviation (اسبابی است که جهة اخراج ... و قهوه در جم بکار میرود)
ریخته تقطیر نموده پس از انقضای مدت بقیه الکل آن پوست را از مواد محلوله عاری کنند

ودر دفعه

ودر دفعه اخیر بواسطه آب الکل را خارج کنند و ملتفت شوند که بمحض که پوست
ضایع است از عمل باز دارند و جهة گرفتن الکل محلولات را تقطیر نموده مایع
مانده را در حمام ماریه بغلظت عصاره قوام آورند غالباً یک پس عصاره
بدست آید جمیع مواد عاملی پوست گنه گنه در این عصاره جمع است و قرمز سنکنیک
که غیر محلول در الکل است در این عصاره نیست

عصاره نرم گنه گنه extrait mou de quinquina

جهة ساختن این عصاره عصاره الکلی گنه گنه را با مقدار کافی آب سرد
مجاور سازند وصاف نموده با حمام مری بغلظت عصاره قوام آورند این عصاره
نرمها و تلخی و قبض و عطر پوست گنه گنه خاکستری است

قرص عصاره گنه گنه pastille ext. de quinq.

عصاره گنه گنه	مثقال ۲	قند نفید			مثقال ۱۸
دارچین مسحوق	نخود ۵	لعاب کتیرا			مقدار کافی

مطابق معمول اقراص ... کنند و میسازند هر قرص یک گنه عصاره خشک گنه گنه
دارد

شربت پوست گنه گنه sirop de quinquina

پوست گنه گنه خاکستری نیم کوب	۱۰۰	الکل ۵ درجه	۳۵۰
قند شکسته	۵۰۰		

۱۰

و بواسطه الکل ... جوهریات پوست گنه گنه را خارج کنند و پس از آن ابر ... انبیق
معین آن گنه نقیم که از هر حیثیت ۵۰۰ جزو مایع بدست آید جهة گرفتن
الکل تقطیر کنند و گذارند ... تقطیر سرد شود و در ... قندهای شکسته ... را
صاف کنند و بطرق شربت ساخته سازند که ۷۵۰ جزو ... رقیقه بدست آید
این شربت در نهایت خوب طعم قابض و تلخ و معطر پوست گنه گنه را دارد لطیف
است و ... بدون کدورت ... میماند

شعبه سیم در محصولات الکلی پوست گنه گنه

الکل در صورتیکه بسیار رقیق نباشد بخوبی کینات در کنین و کینات در سنکنین را
محلول میسازد و علاوه بر آن ترکیبات قرمز سنکنیک را حل کند

تنتور الکلی پوست گنه گنه extrait alcoolique de q.

پوست گنه گنه خاکستری	۱	الکل ۵ درجه	۵

پانزده روز بماند بعد از آن را بپارچه بگذرانند و با کاغذ صاف کنند این تنتور بسیار در
جهاز داروها مفید است و تقویت ... بسیار است

سفوف تنتور پوست گنه گنه saccharolé de quinquina

تنتور پوست گنه گنه	۱	قند	۸

مطابق معمول مخلوط نموده در کرمخانه خشک نموده صلایه کنند

تنتور مرکب پوست گنه گنه Teinture de quinquina C.

پوست گنه گنه قرمز	۶۴	پوست نارنج	۴۸
زعفران	۴	... serpentaire	۱۲
قرمز فرنگ	۳	الکل ۵ درجه	۱۰۰۰

شعبه چهارم محصولات خمری پوست گنه گنه

شراب پوست گنه گنه vin de quinquina

پوست گنه گنه	۱	شراب قرمز	۱۶
الکل ۵ درجه	۲		

پوست گنه گنه را نیم کوب کنند و الکل را بر آن افزوده پس از ۲۴ ساعت شراب را
افزوده تا هشت روز گذارند بماند و بعد صاف کرده در بطریهای محکم در سرداب نگاه
دارند

شربت خمری پوست گنه گنه sirop de quinquina au vin

عصاره نرم پوست گنه گنه	۱	شراب قرمز	۲۰
قند نفید	۳۰		

عصاره را در شراب حل کنند صاف نموده در ظرف دهان بسته با حرارت
ملایم قند را در آن محلول سازند

فقاع پوست گنه گنه biere de quinquina

پوست گنه گنه خاکستری	۱	فقاع	۳۲

درو زیاده از صافی بگذرانند

قلیائیات افیون

در افیون و کوکنار و شقایق سه ماده خاصه مخصوصه اند و بواسطه آنهاست که
آثار کندرتی و تخدیر در افیون و ترکیبات آن موجود است و آنها عبارتند از
مرفین و کدئین و نارکتین

مرفین morphine $C^{34}H^{19}AzO^{6}+2aq$

در سنه ۱۸۱۶ عیسوی این جسم بواسطه [illegible] sertuerner کاشف
کشف شد جسمی است جامد کریستالیزه بشکل منشورهای چهار سطحی و با طعم بسیار
تلخ در حین انعقاد دو ماده آب دارد و در ۱۲۰ درجه حرارت آب آن
زایل شود و در ۲۵۰ هنگام کثیف گردد در حرارت مرتفع تر ذائب شود تقطیر
بعمل نیاید تا در ۱۰۰۰ جزو آب سرد حل شود و در آب جوش بیشتر حل گردد
و بیرازسرد شدن و انهار مرفین منعقد شود در ۴۰ برابر الکل خالص گرم
و سی برابر الکل متعارفی جوش حل شود و در حرارت متعارفی تقریباً غیرمحلول است
در اتر نیز بسیار کم حل شود در ادهان چرب و ادهان فراره محلول است
محلولات مرفین رنگ مطبوخ زرد چوبه را قرمز و رنگ شربت بنفشه
را سبز کنند و شعاع نور در polarisation را بسمت چپ
منحرف کند در قلیائیات محرق محلول است و در امونیاک کمتر حل شود

را آثار

تیزاب ازوت حل منعقد برنگ قرمز خونی شود و قتیکه دانهای آنرا در محلول غلیظ
زاج سبزی که اندکی ترشی داشته باشد اندازند ابی رنگ شود اگر محلول بوده است
در نعمتی (?) آنچه از لقات (?) مرفین و مرفین تر شود محلول یدیک فوراً بسط
مرفین تجزیه شود و بعضی از معلمین که منفعت این شده یدیک را معرف مرفین
قرار داده جهت شناختن مرفین قدری [illegible] از مایع منظور را در ظرفی بخته
با مطبوخ نشاسته صلایه کنند و چند قطره ید یک با محلول رقیق پرکلرور دو یر
اضافه نمایند فوراً رنگ نشاسته ابی شود مرفین یا از مواد قلیائی نباتی است
که خواص بسیار نمایان است املاح مرفین غالباً بحالت انعقاد منظم انهائی ثابت
دائماً بخود در الکل حل شوند و در اتر غیرمحلول اند اثر آنها در حال حیوانات
خود مرفین مسکت اوجاع و تخدیر است با کربنات های قلیائی در دو شوند و اگر
مقدار زیادی قلیائیات محرق اضافه کنند دوباره حل شوند نمک املاح مرفین را
در دو تا پرکلرور دو یر(?) این املاح در دو زلو(?) تا بین آبی در نقره نمک جهنم
رفته رفته بمجاورت املاح مرفین احیا شود و رنگ محلول خاکستری مایل بسیاهی
گردد خواص طبی آن منظم قوی و معلوم است

قدر شربت آن از خمس گندم الی یک گندم است در روز یکجزو از مرفین
معادل است با ۲۵ را لرلفات (?) مرفین و ۲۵ را کلرهیدرات مرفین
و ۱۳ را لاکتات مرفین غیر منتقل است ... آن جوهر بازو ... و
... و بعضی قلیائیات نباتی

کدئین codeine $C^{36}H^{21}AzO^{6}$

در سنه ۱۸۳۲ ربیکه robiquet صاحب کشف این جوهر را نمود و قتیکه
با مرفین که معادله اکثرش است در صورتیکه در اتر منعقد شده باشد دارای آب
انعقاد نیست ولی در انعقاد با مائی و آن در معادله است بشکل منشور مائی صورت
۱۵۰
رمبیه مستقیمه است بواسطه حرارت آب انعقاد خود را از دست دهد و در
ذائب شود بدون تصعید کدئین در آب محلول است در ۱۵ درجه حرارت
صد جزو آب یکجزو و بیست و شش صدم از آن حل کند و در صد درجه حرارت
۸ و ۵۸ جزو از آن را محلول مینمود و قتیکه بیش از مقدار در آب جوش
موجود باشد چون زیادتی آن حل نشود آن جزو زیادتی در آب انعقاد خود را از
دست داده ذائب شود و در قعر ظرف بطبقه دهنی بشکل بسته شود در الکل محلول
است خاصه باعانت حرارت و در اتر نیز بخوبی حل شود و این مایه امتیاز
است از مرفین و علاوه بر اینها یکی از امتیازات آنست که در قلیائیات
محرقه محلول نشود و ید یک و املاح آهن را تجزیه نکند و با جوهر شوره
برنگ خون نگردد کدئین حموضات را اشباع کند و ظرفیت اشباعش
معادل مرفین است و مایه امتیاز املاح کدئین از املاح مرفین
آنست که در دو که بواسطه قلیائیات کربناته ترجمه آمده دوباره در قلیائیات
محرقه محلول نشود و املاح پرکلرور و فرو و ید یک را تجزیه ننماید
خواص طبی آن منظم است

قدر شربت آن از خمس گندم الی یک گندم است غیر مستعمل است انرا به غیر مستعمل است با مرفین

نارکتین narcotine $C^{44}H^{23}AzO^{14}$

نارکتین در سنه ۱۸۰۳ بواسطه درسن derosne صاحب کشف شد
جسمی است جامد و سفید و بی بو و میتواند کریستالیزه شود بشکل منشورات در ۱۷۰ درجه حرارت
ذوب یابد و در ۱۳۰ درجه حرارت مجدداً منجمد شود و در اینصورت از ۳ الی ۴ صد
وزن خود را از آب خارج شود در آب سرد غیر محلول است و یکجزو آن در ۵۰۰ جزو آب
جوش تواند حل شود صد جزو الکل سرد یکجزو آنرا حل کند و در الکل جوش بیشتر حل شود
در اتر نیز بخوبی محلول است و این مایه امتیاز آنست از مرفین در ادهان فراره و ثابته
نیز حل شود در املاح پرکلرور فر اثری نداده و ید یک را تجزیه نکند جوهر شوره رنگ
آنرا قرمز کند و اگر مقدار آن کافی باشد ایجاد رنگ حنائی در آن اثر کند که زایل از
لمعه مشتعل گردد نارکتین با اسیدهای غیر قوی مرکب شود و جوهر نمک و جوهر گوگرد آن
ترکیبات ثابته تولید کنند جوهر شوره که در ۷ درجه حرارت مقدار کثیری از نارکتین را
حل کند و بالعکس آنکه این محلول را که آهسته نارکتین در دو شود املاح نارکتین از املاح
مرفین تلخ تر اند محلول بارزند نارکتین آنها را بواسطه ... پتاس و لو نیز این اثر را
دارند ولی نارکتین دوباره در زیادتی این قلیائیات حل نشود املاح پرکلرور فر
املاح نارکتین را آبی رنگ نکنند

جهت ساختن آن سبع که از ساختن مرفین باقی میماند در جوهر نمک که ۲ یا ۳ درصد

حل کنند و بجوشانند و از صافی بگذرانند و با کاغذ صاف کنند و با امونیاک
دو نامند و بواسطه حل و حصه در الکل و اسقاط زغال حیوانی دیگر از قصفیه آن
خالص کنند

در طب بسیار قلیل الاستعمال است فقط اگر یکبار بعمل آمده و در وجع عصبانی
مجاری بول بی قسم که دو ار کنم از آن با بیجه و نحو عصاره حلوان و نم مطبوخ
کو کار محلول بخور برفعات از زود کاسته

در تریاک غیر چند جوهر الکالی دیگر است که عبارتند از نارسئین narceine
و کدئین thébaine و تبائین méconine و میکونین
opianine و اپیانین papavérine و پاپاورین
خاصیت دوائی ندارند و مقدار آنها بسیار کم است ذکرشان لازم نیست

طرز ساختن مرفین و امتحان آن

و اساس را به اول در انتخاب تریاک سعی بلیغ کند تریاک که در فرنگستان جهة ساختن
مرفین بیشتر استعمال میکنند تریاک ازمیر است اگرچه این تریاک بالنسبه مقدار مرفینش
زیاد است ولا در نظر اول محض امتحان و صورت خطر برای ارزان تمام نمود و بهر دو قسمت
که مقدار کار تریاک باید خرید لا محاله باید امتحان کرد به این قاعده امتحان باید
که سه مثقال تریاک را در ۱۲ مثقال الکل ۷۰ مخلوط کنند و ۲۴ ساعت وا دارند چه
بگذرانند و بعضی از آن بفشرند و آن بعضی را با ۸ مثقال الکل دیگر مخلوط کنند

دمه دار از صافی بگذرانند و بفشرند و تصفیات را با یکدیگر جمع کنند و در شیشه
دهان گشادی که قبل از عدد ۲ نخود امونیاک ریخته اند بریزند پس از ۸ و ۴ ساعت
مرفین و نارکتین منعقد شده اند دانه های منعقده را جمع کرده در پارچه
پاکی ریخته با الکل ۷۰ شسته و بعد از آن در ظرف آبی بریزند و بهم زنند و بواسطه
عمل انحراف نارکتین که بسیار خفیف و منحه به است جدا کنند و بعد
کمال اطمینان بهتر است که دانه های منعقده را جمع نموده خشک نمایند
و صیدلیه نموده در اتر بریزند و ملتفت باشند که اتر عاری از الکل باشد
مرفین که در اتر حل نشده خشک نمایند و وزن آن را بسنجند و از خوبی و بدی
تریاک آگاه شوند

طرز ساختن مرفین قاعده است که افیون را قطعه قطعه نمایند و یکشب نه ...
در ۷ یا ۸ برابر وزن خود آب بخیسانند پس از آن با دست مالش
دهند تا اجزاء آن پراکنده گردد و بگذارند یکشب بماند روز دیگر باز پس از آن
از صافی بگذرانند و بفشرند و در باب سه نوبت ابتعمیر را در بعضی آن مکرر کنند
بلکه بعضی از اهل ساز آن بحالا چهار نوبت تکرار عمل میکنند تا آنکه تمام مواد
محلول افیون از آن خارج شود محلولات افیون را جمع نموده بغلظت عصاره
قوام آورند و آن عصاره را با آب سرد مجاور کنند محلول ... صاف
نموده مجدداً تبخیر کنند تا میزان الغلظه ۵ نشان دهد بگذارند سرد شود

و بعد از آن امونیاک بسیار رقیق به آن افزایند که به هر افیون دست از مواد
الکالیه آن بردارند تقریباً در ۱۰۰ مثقال افیون ۷ مثقال امونیاک ۲ قیراط است
که در مقدار زیادی آب مخلوط کرده باشند با کاغذ صافی در ورقه صاف نمود جمع کنند
و آن را که صاف شده جوش آورند و قدری بیشتر از اندازه امونیاک بر آن افزایند
تقریباً در ۱۰۰ مثقال افیون ۱۰ مثقال امونیاک کافی است پس از افزودن امونیاک
هشت نه دقیقه دیگر بجوشانند تا زیادتی امونیاک خارج شود مقدار امونیاک باید
بقدری باشد که پس از برودت بوی آن را را امونیاک در آن باقی بماند پس از سرد شدن آن
مایع را در ظرف و بر صافی ریزند تا رسوب و آب باقی را از یکدیگر جدا نمایند با آب
جاری باریک مرفین را بشویند و بعد آب باقی و آب باران را با جمع نمایند
آن را پس از برودت باز کریستالهای مرفین منعقد میشود مرفینی که از عمل حاصل
میشود در جوهر نمک بسیار ضعیف حل کنند و قوام آورند و بگذارند تا کریستالات
در مرفین قبول نشود کریستالها را در آب حل کنند و مجدداً بواسطه امونیاک مرفین
آزاد در نمایند بجهة منعقد کردن آن در الکل ۸۰ درجه ریخته در حال جوش
بسیار قطره قطره آورند و در این حالت ده دقیقه مداومت کنند و بجهة
تنقیه الکل بسیار مخلوطه که در جمله اول ذکر کردیم بکار برند پس از آنکه تقریباً
کفایت غلیظ شده و صاف بسیار ابهر شده و در حالت جوش صاف کنند
حتی الامکان دهان بسیار قصفیه به سه چهار آن دیگر که در ظرف صافی

غیر محلول باشد مجدداً با الکل تازه مجاور نموده تکرار عمل کنند این الکلها پس
از برودت مرفین را منعقد کنند ابهار باده از قوام آورند و بگذارند مجدداً
منعقد شود و بواسطه انحراف آهکی که دور ظرف کریستالهاست خارج کنند اگر
وجود این اعمال مرفین بقیه نداشت از آن در الکل قوی محلول کرده باز زغال
حیوانی مخلوط نمایند و مجدداً صاف نموده منعقد سازند آب سرد در حالی
مجاور است با افیون اعلاح طبیعی مرفین و کدئین دانه کنار کتین
و مکونین و نارسئین و تبائین و ماده خاصه عصاره و قدری تقوز و
دهن دیم از آن عمل میکند پس از آنکه بغلظت عصاره قوام آمد و مجدداً
در آب سرد حل شد آنچه غیر محلول میماند دهن و تقوز و نارکتین و ماده خاصه
آن امونیاک جزئی که بدون حرارت مجاور محلول نموده موجب ترکیب تمیمه
اجزاء خارجه است و مایه سهولت اخراج مرفین است امونیاک
زیادی که با حرارت خارج میکنند مایه تجزیه املاح مرفین و کدئین میشود
و تولید کمات و لولفات و امونیاک میگردد که هر دو در آب محلول اند
و در دیگه حاصل میشود عبارت است از مرفین و ماده ملونه و اندکی نارکتین
و کدئین و تبائین و تقوز و دهن خاص افیون و کمات و قوام امونیاک
و آهک مقداری کثیری از کدئین در ابهار باده محلول میماند اگر کریستالات
مرفین را عمل کنند پس از برودت چون مرفین کسالت دارد با بلورین منعقد

میشود جمع کردن شیشه‌های آن آسانتر است و منظور از امتحان اد غلیان است که
درجه حرارت که اجزا باید بقوام آیند

قاعده دیگر — افیون را با آب سرد عاری از مواد محلوله کنند و بغلظت
عصاره قوام آورند و بعد در آب سرد حل کنند و صاف نموده بغلظت
شربت قوام آورند بهتر است که غلظت آن از ده درجه میزان المثقل
تجاوز نکند و در حالت حرارت محلول هنوز در حالت غلیان است درجه مثقال
افیون سمی ۱۲ مثقال الکل و در کلیسوم خشک جا داده کنند و دقت کنند
که این الکل و هیچ جسم دیگر نداشته باشد زیرا که این با اسید مکنیک قلیه یک
و گمی که اخراج آن در تصفیه بسیار مشکل است آن محلول را خوب سرد
نموده مخلوط با آب سرد کنند مقدار کثیری سکنات و سولفات الک دیده
شود و همچنین بسیاری از مواد ملونه و روغن افیون رسوب کرده بعد
از صاف کردن آن بعد که مقدار کثیری الکل و در کلیسوم محلول داخل خواهد
آورند مقدار تازه از سکنات در شراب شود آن رسوب را جدا
نموده بعد که آب سرد ریخته شود آب خالی از ضمیمه محلول را باشد و محلول
بغلظت شربت قوام آورند از قوام این محلول مقدار کفایت بلور
روز نمکها متبلور شود و عبارت است از کلریدرات مرفین و در
کدئین که قابل انحلال در آب مادر سیار که دارای دو سکنات

و اینکه مرفین و نارسئین و تبائین و کدئین و نارکتین است غالباً
آنها را در میبرند ولی در صورتیکه تجزیه شیمیایی منظور باشد
ابتدا که در کتب مبسوطه شیمیایی ضبط است باید تجزیه کرد و کلریدرات
مرفین را در آب ترش محلول کنند و تبخیر کنند و بگذارند منعقد شود
فایده ترش کردن آب است که ماده ملونه بیشتر حل شود و در حالت انعقاد
مقدار کثیری از آن در آب مادر میماند و یک منعقده سفید تر شود ولی این
آب مادر مقدار کثیری از مرفین محلول دارد و باید از آن گرفت این کلر
ئیدرات را در آب گرم حل کنند و باید کمی سفیده تخم مرغ از آن
زیادی و از غال حیوانی افزایند مقدار آب باید بقدری باشد که
بدون اعانت حرارت تمام الکل در آن حل شود و درجه حرارت از
۸۰ نباید تجاوز کند پس از ۲۴ ساعت آن محلول را صاف کنند و چند
قطره جوهر نمک به آن میافزایند تا رنگ زنگ زایل شود و علاوه
بر اینها نمک در مایع ترش زودتر منعقد میشود و مایع را قوام آورند
و بگذارند منعقد شود کریستالهای این انعقاد ثانی در نهایت شفافیت
و سفیدی است آنها را بفشرند تا رطوبات آن خارج شود و در گرمی آن
بخشکانند تمام آبهای مادر که در این اعمال حاصل شده جمع نمایند و بقسم
مذکور عمل کنند تا تمام مرفین گرفته شود این کریستالها خشک شده

عبارت است از کلرور در تمام مرفین و کدئین و نارکتین جزء آنها نیست زیرا که املاح نارکتین
منعقد نشوند و در ابهای مادر میمانند این نمک قوام را در آب حل کنند و جوش
آورند و بواسطه امونیاک مرفین را رسوب کنند و از انشته تقسیم
ذکر شده در الکل منعقد سازند اگرچه بواسطه این قاعده ثانی انفکاک مقدار
مرفین کمتر بدست میآید ولی محققاً خالص است و هیچ جسم نارکتین با او
پس از اینکه بواسطه امونیاک مرفین را رسوب کنند نوشت در و کدئین
در آب محلول میمانند که مرفین نیز با آنها حل شود مایع را قوام آورند
و بگذارند منعقد شود دسته‌های منعقد متراکم که شفاف است بلکه دارای
منعقد شود اینها عبارت است از کلریدرات در کدئین مخلوط با اندکی مرفین
مرفین های بازاری غالباً ممزوج اند با نارکتین بهتر است که آنها را
جلوگیرت تا تصفیه کنند مرفین در اثر حل شود و خالص
و صرفه در این است که در جوهر سرکه بسیار ضعیف آنها را حل کنند تا نارکتین
غیر محلول باشد بهترین قواعد شناختن خلوص مرفین این است که آنرا در جوهر نمک
ضعیف حل کنند و پتاس محرق برای آن افزایند مرفین فوراً در زیادتی جوهر
قلیا حل شود و نارکتین نماند مرفین در طب جهت تسکین اوجاع معمول است
و غالباً آنرا حب سازند
بنابر عقیده مژندی صاحب اثر مرفین کمتر از املاح است ولی

اثرش بیشتر ولی اکنون آنچه معمول طب است املاح مرفین است نارکتین خیر
معمول است ولی مژندی صاحب گفته اگرچه محلول نمک نارکتین اثرش بسیار کم است
ولی محلولات دهن آن قوی الاثر اند ولی این عقیده مخالف عقیده بسیاری از
اطبا است که کدئین بسیاری از اطبا برآنند که اثرش در مرض ... و سبک است و
... مرفین سنگین سر آورد و مژندی صاحب گفته که کسی که کدئین بکار برده
مرفین را میکند ... کدئین مؤثرتر است بعض اطبای معالج سلب این خواص را
از کدئین کنند

شربت کدئین sirop de codéine

کدئین ۱ آب مقطر ۱۰۰ قند نغیه ۱۹۰

در کاسه چینی یا بلوری کدئین را صلایه کنند و کم کم آب بر آن افزایند تا قوام آید
در قرع ریخته پس از آن دهان قرع را از پوست آهو مرطوب پوشانند و آن پوست را
سوراخ کنند و حرارت دهند تا کدئین حل شود پس از آن پارچه‌های قند را
بیفزایند و با حرارت بسیار ملایم شربت سازند و به درجه غلیان هرگز حرارت
نرسانند و این شربت رنگین خواهد شد این شربت را با کاغذ صاف کنند ... مثقال
این شربت ... کدئین دارد

سولفات دو مرفین sulfate de morphine

این نمک بشکل لوله‌های دسته دسته منعقد شود بجهت ساختن آن مرفین را در آب

ترش و بعضی جوهر کوکو حل کنند و کم کم زغال حیوانی بر آن افزایند و بغلظت شربت های قیصقه قوام آورند این نمک مرکب است از یک معادله مرفین و یک معادله جوهر کوکو و ۷ معادله آب و نامش معادله آب انفعالی است و یک معادله جزو ترکیبی این نمک است صد جزء این نمک ۷۵ جزء مرفین منعقده دارد

شربت سولفات دو مرفین sirop de sulfate de ~~morphine~~

سولفات دو مرفین ۱ شیره شکر مصفا ۲۵۰۰

این نمک را اول در مقداری آب حل کنند و با شیره شکر مخلوط نمایند هر ۳۰ مثقال از این شربت یک ربع گندم سولفات دو مرفین دارد

کلریدرات دو مرفین chlorhydrate de morphine

طرز ساختن آن مانند سولفات دو مرفین است که بجای جوهر کوکو جوهر نمک بکار برند صد جزء آن ۷۹ جزء مرفین منعقده دارد و با آن شربتی سازند مانند شربت سولفات دو مرفین بجز آن در بیست جزء آب سرد و کمتر از جوش محلول است

در بیست آب از ۱۵ تا ... است

استات دو مرفین acetate de morphine

این نمک مرکب است از یک معادله مرفین و یک معادله جوهر سرکه و یک معادله آب صد جزء آن ۹۴ جزء مرفین منعقده دارد

جهت ساختن آن بهتر است که ده جزء مرفین منعقده را در یک جزء جوهر سرکه خوب [illegible] چوب در ۱۰۰ جزء قصد به کنند پس از آنکه زمانی چند بجای خود بسته شود که از آن بکشانند

روز باشد بعد از آنکه به دو شیشه محکمی محافظت کنند و مایه بحسب تقاضای وقت و بعد میتوان اتقاعده را بنابر اقتضای حکمت شیمیائی تغییر داد شربت استات دو مرفین نیز مانند سولفات دو مرفین است قدر شربت آن از حیث کیفیت [illegible] است

افیون opium

افیون شیره کوکنار است که متعلق است بطایفه [illegible] papavéracées

اگرچه تاکنون در منبع افیون نیست ولی دواسازان در طرز گرفتن آن مختلف اند بعضی آنچه که مانند اهالی ایران از شکافتن کوکنار رسیده بدست آورند و برخی کوکنار را می فشرند که در آب جوش شده عصاره از آن گیرند غالبا بر حسب وضع و طبیعت اقلیم و جنس کوکنار [illegible] تفاوت طرز گرفتن مخصوص دارد که باید از طرز گرفتن آنها آگاه شد زیرا که خاصیت آنها الحاصل بر اثر مختلف شود افیونهائیکه در فرنگستان بیشتر معمول است متعلق است به از میر و ... و خصوص [illegible] و چنانکه تاکنون افیون ایران نیز معمول است بسیاری از حکمای طبیعی افیون را تجزیه کرده اند ماحصل تجزیه آنها از قرار ذیل است

مرفین	کدئین	نارکتین	اسید مکنیک
ماده قابض	عصاره قهوه رنگ	پرفرکسین	پاپاورین
سقز	دهن دلیم	تبائین	مکنین
نارسئین	باسرین	صمغ	کائوچو
ماده چوب	ماده فرار با بوی شامه		

مرفین و کدئین و نارکتین در حالت قلیائی اند و املاح آنها در آب محلول اند غالب رایها بر آنست که مرکب اند با اسید مکنیک و قدری اسید سولفوریک ولی باید دانست که با سایر حامضات نیز ترکیب شده اند زیرا که در افیون سه نوع و چهار اسید است بر آنها عبارتند از مرفین و کدئین و نارکتین و اسیدها عبارتند از اسید مکنیک و آنچه قهوه رنگ عصاره و سقز و دهن دلیم و مقداری کثیری از نارکتین در حالت نمک نیست زیرا که بلا واسطه بواسطه اتر آنرا میتوان گرفت

صورت دوائی افیون — اگرچه حکمای طبیعی مکرر بکمال دقت افیون را تجزیه کرده اند ولی هنوز از حقیقت بعضی خواص تردید در حقیقت ترکیب افیون است که تاکنون کشف صورت کلیه متعلق است بر مرفین و ما نمیدانیم که کدئین و نارکتین معین بر عمل مرفین اند یا نه و همچنین مکنین و نارسئین و تبائین که بانفراده اثری ندارند محقق است که در حالت امتزاج با سایر مواد افیون مؤثر باشند بعضی دواسازان بر آنند که محقق است آن اجزائیکه در افیون اند بالطبع در آن موجود نباشند و غالب آنها بواسطه استعمال معرفین موجود شده اول حد حفظ که در افیون باید کرد مقدار مرفین است و نباید محض شکست بعقیده بعضی بصورت ظاهری افیون را منتخب کرد و اما از درست کاری باید همیشه قبل از استعمال افیون از مقدار مرفین آن مطلع شود غالب از یک عشر مرفین کمتر نباید داشته باشد افیون تنها را اطبای فرنگستان کم استعمال کنند مسحوق آنرا گاهی در دهن

ضمادات می شوند

محصولات ماده افیون — پس از مجاورت با آب سرد افیون اجزاء قابل انحلال خود را به آن میسپارد و آنها عبارتند از املاح طبیعی مرفین و کدئین و ماده عصاره و صمغ و آنچه که نارکتین و نارسئین و مکنین و تبائین و دهن دلیم نیز با غلظت اجزاء محلول ممزوج به آب شوند ولی اگر آب جوش استعمال کنند مقدار سقز زیادتر حل شود و مطبوخ افیون را غالبا در خارج استعمال کنند

تغسیل افیونی lotion opiacé

افیون ۴۰ نخود آب ۲۰۰ مثقال

افیون را در کب کمی آب جوش بالای آن ریزند و در ساعت گذارند دم بکشد و گاه گاهی بهم زنند و بعد از آن گذارند ته نشین شود و صاف نمایند بجهت کنه ... جراحات موضعی تغسیل کنند

عصاره افیون extrait d'opium

از جمیع محصولات ماده افیون عصاره آن مستعمل تر و معروف تر است افیون را قطعه قطعه کنند و در شش برابر وزن آن آب بخیسانند و پس از ده ساعت با دست مالش دهند و محصول را پس از ۱۲ ساعت از صافی بگذرانند و بعضی به مایع مصفا را قوام آورند و بعضی را با آتش [illegible]

آب دیگر مجاور کنند و از صافی بگذرانند و بفشرند و مایع‌ها را ضمیمهٔ مایع اول نموده بغلظت عصاره قوام آورند و عصاره که حاصل میشود در شش نخود برابر آب حل نموده و صاف کرده مجدداً بغلظت خمیره چوب قوام آورند و تریاکی که خوانند اکثر از وزن نخود عصاره میدهد و عصاره تریاک جو و طعم مخصوص داشته که بکرم عادت فش نموده اند و در صورت امتحان خوب و بهتر از انواع دیگر مرفین باید داشت و عصاره تریاکهای خوب شش در عشر مرفین داشته باشد و عصاره افیون بسیار معمول است و قدر شربت آن از خمس الی حبه گندم است و گاه او را به تنهائی استعمال کنند و غالباً جزء نسخ مکتوبه اطبا است

قطور افیون — Collyre d'opiacé

افیون ۱ — نخود — کلاب — مثقال ۲۴

مطابق معمول حل کنند

شربت افیون — sirop de l'opium

عصاره افیون ۱ — آب ۱۶

شیره شکر ۶۰۰

عصاره افیون را در آب سرد حل کنند و صاف نمایند و شیره شکر را در حالت جوش ممزوج با آن نمایند و مقداری در حرارت نگاه دارند تا زیادتی آب بکار شود و شش مثقال این شربت یک گندم عصاره افیون دارد

از

شربت افیون کهربائی — sirop

عصاره افیون ۱ — آب ۲۰

شیره شکر ۶۰۰ — جوهر کهربا ۲

مطابق معمول اول عصاره افیون شربت سازند بعد از سرد شدن شربت جوهر کهربا را در آن اضافه کنند و هر شش مثقال این شربت یک گندم عصاره افیون دارد

تقطین عصاره افیون — teinture d'extrait d'opium

عصاره فی افیون ۱ — الکل ۵ — ۱۲

محلول نموده صاف کنند

قرص افیون — pastille d'opium

عصاره افیون ۱ — قند ۶۰

لعاب کتیرا — مقدار کافی

مطابق معمول اقراص شش گندمی سازند و هر قرص یک عشر گندم عصاره دارد

حب لسان الکلب — Pilules de cynoglosse

پوست خشک ریشه لسان الکلب بزرالبنج عصاره فی افیون یکه ۸ مر کی ۱۲ زعفران جند بیدستر یکه ۳ لیبان olibanum ۱۰ شربت افیون مقدار کافی بزرالبنج و ریشه لسان الکلب را با هم کوبیده و سایر اجزا را هر یک جداگانه صلایه کنند و با شربت افیون عصاره را از آن نمایند و سایر اجزا ممزوج با آن کنند و حبی یک وزن

این جوب عصاره تریاک است

دهن افیون — cérat opiacé

روغن منسوب بجالینوس cérat de galien ۹۸ — عصاره افیون و آب یکه ۱

مطابق معمول مخلوط کنند و هر یک مثقال این روغن یک گندم عصاره دارد

محصولات الکلی افیون

الکل ۵ درجه که مجاور افیون از بیشتر از آب از اجزاء آن حل کنند و نارکتین و تقرد و روغنی آن نیز حل شود و از این جهت است که عصاره الکلی افیون تند دیرتر است بخوبی افیون تا عصاره آبی آن

عصاره الکلی افیون — extrait alcoolique d'op.

افیون را قطعه قطعه نمایند و در الکل ۵ درجه بخیسانند و با فشار از پارچه بگذرانند و با کاغذ صاف کنند و بر تفاله آن مجدداً الکل افزوده مجدداً عمل از عمل نمایند و مایعات محصوله را جمع کرده بجهت گرفتن الکل تقطیر نمایند و آنچه در دیگ باقی میماند بغلظت عصاره قوام آورند و این عصاره اکنون چندان استعمال نمیشود

تقطین افیون — Teinture alcoolique d'opium

افیون ۲ — الکل ۵ درجه ۲۳

هشت روز بخیسانند و با فشار از پارچه بگذرانند و با کاغذ صاف کنند ۲۴ جزء این تقطین هر جزء افیون دارد

بطور

اِلکسیر افیون — élixir d'opium

افیون ۴ — جوهر حب لبه و زعفران یکه ۶

عطر بادیان ۱ — الکل ۸۰ درجه ۱۸۰

انیسون ۲۰

هشت روز بخیسانند صاف کنند ۵ نخود این اِلکسیر یک گندم افیون دارد

نسخه دیگر

عصاره خشک الکلی افیون و جوهر حب لبه و عطر بادیان یکه ۱

کافور ۷ ره — الکل ۵ درجه ۲۰۰

هفت روز بخیسانند و بعد صاف کنند ده نخود این اِلکسیر یک گندم عصاره دارد

محصولات خمری افیون

شراب تمام اجزاء افیون را که در آب محلول است حل کنند و بواسطه الکلی که در آنست از نارکتین و تقرد و روغنی آن نیز محلول میشود عصاره خمری افیون اکنون نیز معمول است و بجهت ساختن آن یک جزء افیون را قطعه قطعه نموده و در چهار جزء شراب لفیه بخیسانند و صاف کنند و بر تفاله آن دو جزء شراب دیگر بیفزایند و این مایع را با یکدیگر جمع نموده صاف کرده بغلظت عصاره قوام آورند

شراب ساده افیون — vin d'opium

افیون ۱ — شراب ۱۰

مطابق معمول تخمیر شده صاف کنند و در بعضی فرمولها نظر به ارزانی شراب را بجای لودانم استعمال کنند

شراب معروف به لودانم سیدانهام vin d'opium composé
laudanum liquide de sydenham

افیون ۱۶ زعفران ۸
دارچین و میخک هر یک ۱ شراب قوی ۱۲۵

افیون را قطعه قطعه نموده و زعفران را خرد کرده و دارچین و میخک را هم کوب کنند و تمام اجزا را پانزده روز در شراب تخمیر نموده و از پارچه صافی بگذرانند و فشرده و با کاغذ صاف کنند هر نخود این لودانم قدری بیشتر از خمس گندم مرفین دارد و ده گندم تریاک

روغن لودانم huile de laudanum

مسکه بادام مثقال ۳ لودانم سیدانهام ۲۰ نخود

مطابق معمول مخلوط کنند

طلای مخدر liniment narcotique

بابونه مثقال ۱۳ لودانم ۴۰ نخود

شراب افیون حاصله از تخمیر vin d'opium par fermentation
laudanum, opium ou gouttes de rousseau
که همان لودانم روسو نامند

افیون

افیون ۴ عسل تصفیه ۱۲
آب نیم گرم ۶۰ کف خمیر مقدار کافی

عسل را در مقداری آب مخلوط کنند و افیون را در طرف دیگر با بقیه آن آب ممزوج نمایند و یک با نخود مقدار افیون کف خمیر در آن ریخته و مایع را مخلوط کرده کنند و آن مخلوط را در جای گرمی گذارند تا وقتیکه انقلاب خمیری پیدا شود و بعد مواد را از پارچه بگذرانند و با کاغذ صاف نمایند و این مخلوط را تقطیر کنند تا ده جزء الکل آن مقطر شود و آنچه در دیگ تقطیر است قوام آورند تا ده جزء آن باقی ماند و فوق آن الکل را بر آن افزوده مجدداً صاف نمایند این لودانم با نخود درجه میزان الغلظة را نشان میدهد و هر ده نخود آن شش گندم تریاک دارد و قوه این از حیثیت کمیت برابر لودانم سیدانهام است

محلولات خلی افیون

سرکه را چون آن میتوانند تمام اجزاء محلوله افیون را حل کنند ولی مادهٔ رزینی و اجزاء آن را بیشتر حل کنند

عصاره خلی افیون extrait acétique d'opium

افیون ۱ سرکه مقطر ۳۲

تخمیر شده صاف نموده بغلظت عصاره قوام آورند

سرکه افیون vinaigre d'opium

افیون ۱ سرکه تصفیه قوی ۸

افیون را قطعه قطعه نمایند و ۲۴ ساعت در سرکه تخمیر نموده بعد از آن با دست مالش دهند و بگذارند تا پنج شش روز تخمیر و بعد مواد را از پارچه بگذرانند و صاف کنند در کتب دوا سازی مقدار افیون و سرکه مختلف است میتوان گفت که در هر مملکتی نسخهٔ مخصوصی بکار میبرند و این مقدار که بسیار شبیه است با مقدار افیون لودانم سیدانهام

تنطور خلی افیون teinture acétique d'opium

افیون ۱ سرکه بسیار تند ۶
الکل ۸۰ درجه ۴

مطابق معمول از ۸ تا ۱۰ روز تخمیر نموده و از پارچه صافی بگذرانند و با کاغذ صاف کنند

مقدار شربت این افیون میتوان گفت جمیع صور داروسازی را بتوان خوراک مستعمل است صورت کوچک اکثر عصاره از ۱ تا ۵ سانتیگرام شربت از ۵ تا ۳۰ گرم تنطور ۵ تا ۲۰ قطره لودانم از یک تا ۲۰ قطره

ادویه غیر موافقه — غیر موافق است با افیون و علاج آن قلیائیات و شربت قلیائی و چیزهائی که اسباب تجزیه آنها میشوند و جوشانده‌های قابضه نباتی و املاح آهن و سرب و مس و زیبق و روی و طلا و املاح الفار

کوکنار pavot

خشخاش دارای اجزای افیون است ولی مقدار کمتر قوه خشخاشها مساوی نیست و مختلف

است

میشود باختلاف فصلیکه آنها را میچینند و در بلدان مختلف بحسب تفاوت آب و هوا نیز مختلف میشوند غالباً هر چه بطرف جنوب میروند خشخاش قویتر است در پوست و ساق کوکنار نیز اجزاء افیونی است ولی کمتر از خود کوکنار فصل چیدن کوکنار وقتی است که دانهای خشخاش کوچک و سبز باشند وقتیکه از سبزی بسفیدی میشود هر چند که کیسه کوکنار بیشتر غالباً بسته بوده است گاهی خشخاش را در آب دم کرده مانند مسکنات استعمال کنند و در بیرون میریزند ولی غالباً در خارج تغنید کنند مقدار شربت این جوشانده منقع ازا در سی و ده سیر آب دم کرده استعمال دارند و جهت حقنه ۳ الی ۴ مثقال از آن کرده معمول دارند

عصاره کوکنار extrait de pavot

کوکنار را با الکل تفاله نموده دوا را استخراج کنند و با الکل ۸۰ درجه مطابق معمول عصاره سازند صد جزء کوکنار بدون تخم ۱۷ جزء عصاره الکلی میدهد مقدار مرفین در این عصاره کمتر است و از تجزیه ها معلوم شده است که مقدار مرفین در این عصاره هشت برابر کمتر از عصاره افیون است که از شیره کوکنار بدست میآید

شربت خشخاش sirop de pavot

عصاره فوق ۱ آب مقطر ۸ شیره قند ۱۰۰

عصاره را در آب حل کنند و صاف نمایند و بر شیره قند جوشان بیفزایند و جوش را تمامی کنند تا آن آب مضاف خارج شود هر شش مثقال این شربت نیم گندم عصاره خشخاش دارد

در فرنگستان نیز قبل از این مانند اهل ایران شربت خشخاش را از نخود کوکنار می‌ساختند
بدین طریق که در آب می‌جوشانیدند و قند صاف را نیز تا به غلظت شربت قوام می‌آوردند
و لیکن این قاعده به بعضی ملاحظات متروک است زیرا که استعمال آب معتدل به جهت
دواکرا بهار شرب متعارف را بکار برده اجزای آن آب بر حسب ترتیب مرغان میشوند
غالباً این شربتها که با نخود خشخاش میسازند سریع الفساد اند

استرکنین و بروسین و ایکازورین

این سه ماده قلیائی نباتی از قبیل آن با یکدیگر مشابه میباشند است در کوچوله هر سه
موجود است و در قسم دیگر کوچوله که معروف است به باقلای سنتقناس به تنهائی استرکنین
یافت شود و در آن کوتر کاذب بروسین تنها یافت شود تمام نباتاتی که دارا
این جوهر میباشند از یک طایفه اند که در گیاه شناسی استرکنیه strychnées
نامند چوب درخت کوچوله نیز دارای استرکنین است و ماهیت ارکم

استرکنین strychnine $C^{44}H^{24}Az^{2}O^{8}$

یکی از قلیائیات نباتی است که در سنه ۱۸۱۸ بواسطه پلتیه و کاوانتو در جنین نباتات مکشوف شد

بشکل منشور منقعه مربع القاعده یا هشت وجهی که منتهی شده اند بمخروطات
بسیار کوچک طعم آن در نهایت تلخ است و خیلی سمیت را دارا بود ذوب و بخار شود در
۳۱۲ حرارت آغاز فساد کند دارای انحلال در آب سرد $\frac{1}{2500}$ و
در ۱۵ $\frac{1}{6667}$ انحلال کند بعلاوه آب انحلال کند و در جوهر متعارفی
محلول است در اتر نیز حل نشود در الکل خالص محلول است غالب با جوهر شوره قرمز رنگ

شود ولی این خاصیت را از تنفس میگیرد که در نهایت خوبی در حرارت ذوب گردد
و در آن حین تجزیه گردد و بخار دیگر از آن متصاعد گردد اگر مقداری
بسیار کمی استرکنین را با یک قطره جوهر گوگرد صلایه کنند و یک قطره جوهر کوکرومات که $\frac{1}{100}$
جوهر شوره داشته باشد بر آن بچکانند فوراً یک رنگ آبی بسیار قشنگی پیدا کند
که رفته رفته بنفش گردد و کم کم قرمز شده و به زردی روشن میگردد اگر در جوهر
کروکرومات در آن اضافه کنند این آثار زودتر و بهتر ظاهر شود استرکنین یکی از
زهرهای بسیار قوی نباتی است و غالب الکلئیه آن نباتات را از آن احداث جدا میکنند
آن محسوب اند و بواسطه تأثیر در دو نخاع و با جوهر شوره قرمز گون نه دیگر در انها
در رو کنند

قدر شربت آن از ۵ تا ۲۵ میلیگرام است در روز

بروسین brucine $C^{46}H^{26}Az^{2}O^{8}+8aq$

بروسین یکی از قلیائیات نباتی است که در سنه ۱۸۱۹ بواسطه پلتیه pelletier
و کاوانتو caventou در پوست انگوستور کاذب fausse
angusture کشف شده ولی از آن در چندین نوع از نباتات
طایفه استرکنوس strychnos یافته منشور منقعه بشکل منشورات
چهار صفحه غالب از محلولات الکلی بوجود در دو شود مانند جوهر حل شده است
انحلال صفحه دارا بود طعم آن بسیار تلخ است و یک نوع تند ... دارا بود که غالب در دهان

ماده‌ای بی‌مزه در درجه ۱۵ ... ۸۵۰ جزو آب سرد ۵۰۰ جزو آب جوش محلول است مسئله ترکیبی
آن با آب بسیار است و غالب آب انحلال خود را قبل از درجه ذوب از دست نده
اگر چندین درجه از حد غلیان آب تجاوز کنند بروسین ذوب شود انجماد آن
مر منقعه میگردد و اما اگر آنکه آن ماده موی شکل را با سینه مخلوط کنند با آب
از سه چهار روز معلوم شود که آب انحلال در انها موجود است در الکل بعد از حل شود
از روغنهای دسمه از هم جدا نکنند و در روغنهای فراره بعسرت محلول است جوهر شوره
از اضافه شکل کند و بالقوه زرد رنگ که از دو جهت اتر متصاعد شود که معروف

ether nitreux

است به اتر نیتر بروسینیکه بواسطه جوهر شوره زرد شده باشد بر مقدار
در آن نقش نوشته شود و در همان حین در دو رنگ ... حادث گردد و استرکنین
در این تجزیه در دو مواد در یکدیگر در درجه per chlorure d'
املاح بروسین را در دو که در دو رنگ شربه ... شد غالب املاح بروسین منعقد
اند و بواسطه مرغان و استرکنین تجزیه میشوند و مایه امتیاز این املاح از املاح استرکنین
است که بعد از افزودن جوهر ... قلیائیات ... بروسین
در الکل ضعیف محلول است و در اول امتیاز این خاصیت مایه معرفت آن است

ایکازورین igasurine

در سنه ۱۸۵۲ کشف شد و خواص کلیه آن هنوز مکشوف علمای طبیعی نیست ولا شد
در الکل مانند استرکنین و بروسین است و قوت آن ضعیف‌تر از اول و اقوی از ثانی است

طرز ساختن استرکنین و بروسین

کوچوله را در آب بجوشانند و قسمت قبل از کفایت نرم از آن خارج کنند و اسیا
نمایند و مسحوق از آن را با یک بشیره در آن جوشیده شده با بوره ریزند و اتلاف در ساعت
بجوشانند و به فشار از صافی بگذرانند و با بعضی آن سه نوبت تکرار عمل کنند و ابهای
مذکور را جمع نمایند تا مایعات را بغلظت شربت قوام آورند و الکل بر آن بیفزایند
تا قسمتی دیگر دو مرتبه جوا لطه تا ماده طبیعیه کوچوله را بیرون نماید و جزئی چرب
فوراً ایگاسورات استرکنین igasurate de strychnine
و نمک ایگاسورات بروسین و ماده ملونه و اندکی ماده دسمه محلول نمایند از صافی بگذرانند
بعضی را با الکل شویند و حبه کرفته الکل محلول را تقطیر کنند و آنچه در دیگ
مانده با حرارت مایه بغلظت عصاره قوام آورند پس آن عصاره را در آب سرد حل
کنند و با تیزاب تجزیه نمایند در صورتیکه محلول عصاره را بحرارت جوش کرم کنند
بعد بروسین و استرکنین و ماده ملونه رسوب شوند رسوب را از صافی بگذرانند و
فشرده و خشک کنند و دو یا سه نوبت با الکل قوی جوش محلول نمایند و الکل را
تقطیر کنند و محصول تقطیر را که در دیگ مانده قوام آورند تا خشک شود چیزیکه
باقی میماند مرکب است از استرکنین و بروسین و ماده ملونه در این حال با الکل
الکلیکه ده درجه ... بروسین و ماده ملونه در آن حل شوند و استرکنین در آن غیر
محلول مانده استرکنین را در سه نوبت در الکل هشتاد درجه جوش حل کنند و کذا از منعقد

شود بقدر ضعیف که بروسین و ماده خونه را حل کند بعد شربت قوام آورند با
جوهر گوگرد آنقدر که بیش از اندازه حل کند لیر از روی بیست روز تمام آن مخلوط منجمد شود
در حالت انفعال در دیگ آب ... بیامیزند حاصله بان پارچه منجمد ... پارچه
را در لگن قرار دهند تا رطوبت آن خارج گردد لوفات را او باره در آب حل کنند
و با زغال حیوانی رنگ از آن ... کنند و با امانیاک بروسین را رسوب دهند
بعد از آن قاعده را ترجیح میدهند چنانچه ... در آب قوه کوچوله را بگیرند
و ماهیات محصوله را بعد شربت قوام آورند و در لگن کوچوله ۵ یا ۳ متقال
... ریزند و آن لگن را با آب بتر سازند و با ... قوام آورند تا خشک
شود آنچه باقی بماند با الکل ۸۰ مجاور کنند استرکنین و بروسین و قدری ماده خونه
حل شود الکل این مخلوط را با تقطیر بگیرند و آنچه باقی بماند ... استرکنین
کنند و بواسطه ... اقسام حل کنند و عاقبت بواسطه امانیاک استرکنین
را رسوب کنند

استرکنینی که در تجارت معمول است غالباً ممزوج است با بروسین و بواسطه الکل ضعیف
... گرفت چه الکل بروسین در الکل حل شود و استرکنین ... استرکنین
را در الکل قوی جوش ... منعقد کنند ... امتزاج بروسین را
با استرکنین معین کنند ... قاعده آنست که استرکنین را در قدری آب حل کنند
و چند قطره از ... بریزند و ... آورند و امانیاک ...

داروها کلی

اگر استرکنین خالص باشد در دیگر حاصل میشود غبار ... است اگر بروسین داشته باشد
... است و ...
کاهی استرکنین را در ... مغشوش کنند بهتر است که ... منعقد ...
... با الکل ... باشد
استرکنین و بروسین در طب ... معمول است و در حین استعمال ... مواظبت را
که قوه بروسین کمتر از استرکنین است
... استرکنین و بروسین ... است زیرا که مرض از ...
آن خارج شود

collyre d'henderson قطره در چشم

استرکنین	گرین ۲	آب مقطر	۳۰ گرم
جوهر ...	... ۲		

... معمول ... کنند ... آب ... معمول است

sulfate de strychnine سولفات استرکنین

استرکنین را در جوهر گوگرد ضعیف حل کنند ... تقطیر نمایند اگر ...
... منعقد شود و اگر ... داشته باشد
... منعقد ... استرکنین است باید ... استرکنین را
نیز به طریق سازند

noix vomique کوچوله یا ...

کوچوله ثمریست از نباتات ... است ... دوا در ...
... است ... معمول است کوچوله مرکب است از ... استرکنین
و ... بروسین و ... و ماده ...
و ... صمغ ...

جهت ساختن کوچوله ... کنند از بابت آنکه کوچوله بسیار سخت ...
... است و ... بهتر است که کوچوله را ...
ظرف آب جوش بگذارند تا ... کوچوله ... کنند ...
... آسیا کنند ...
اگرچه کوچوله کمتر استعمال شود در طب ساختن ... از بابت آنست که ...
... باشد

poudre de hufeland گرد ...

کوچوله سحق	گرین ۲	قند	گرین ۸

... معمول ... کنند ... منفعت ...

teinture de noix vomiques تنتور کوچوله

کوچوله ...	۱	الکل ۸۰	۵

۱۵ روز ... صاف کنند

...

نسخه دیگر ...

عصاره کوچوله	گرین ...	الکل ۸۰	متقال ۲

... صاف کنند

extrait de noix vomique عصاره کوچوله

کوچوله	۱	الکل ۸۰	...

... در الکل ... روز ...
محصوله را جمع کرده جهت گرفتن الکل تقطیر نمایند و بعد تقطیر را بعد غلظت عصاره
آورند ... fève
l'upas tienté ... saint ignace
در خواص ... کوچوله اند ولی ضعیف اند
...
...

... $C^{64}H^{52}Az^{2}O^{16}$ vératrine

این جسم ... در سنه ۱۸۱۹ ...
... colchicacées ...
...
...

بعضی از نباتات این طایفه نیز در سبزی کول اند سابق برین شمیت های فرانسه
مشتبه کرده بودند وراترین را با مواد مختلفه دیگر زیرا که ماده دیگر در کندش است
مولم به زردین و در عنصر سپیچه وراترین نیست و ماده مخصوص است موکوم
به کلشیسین colchicine وراترین جسمی است جامد بی‌بو بی‌رنگ
رنگ و حالت غبار که بصورت منفعه بود طعم آن کلی حریف است را داوطلب
جزئی آن که بمنخرین رسد موجب عطسه شدید شود و مقدار جزئی چون داخل معده کرد
قیهای موجب فراوان زیر دهد و قی که در هر حال از ابتدا احداث حرارت
بالا کند و امر موجب دل نیقو و لیس ازانه که زمانی جسمی مخصوص بی الوده بقوة
الکتریسیته electricite دارای اثر مخصوص است و به آلات مجاور
سرایت کند بعض اطبا وراترین را در امراض عصبانی در درد جنب استعمال کنند موجب
احداث حرارت و بروز حرکت عصبانی در دست و انگشتان شود پس از آن احداث
برودت عام در بدن کرده وراترین در ۱۱۵ درجه حرارت ذوب میشود و انبار نمیکرد
و در آب سرد غیر محلول است و در الکل و اتر محلول میشود با حامضات مرکب شده املاح
منفعة وجود آورد مخصوص جوهر نمک و جوهر گوگرد املاح معینه بحسب معادله
بوجود آورد

طرز ساختن آن — جهت ساختن وراترین بگیرند کراودین را دیم کوب
کنند و سه نوبت الکل ۳۶ درجه گرم روی آن ریخته و الکلها را جمع نموده تقطیر کنند

بقیه ...

(حاشیه: و در آب گرم اندکی حل شود)

و بقیه تقطیر را در حمام مری بخففت عصاره قوام آورند این عصاره الکلی را
در آب حل کنند و از پارچه صافی بگذرانند و این حل و تصفیه را سه نوبت تکرار
کنند و در نوبت چهارم ابدا با کمی از حامضات ترش کننده تمام مایعات را جمع
نموده با زغال حیوانی کم کنند و صاف نموده قوام آورند پس از سرد شدن بقایات
غلیظه با خیزی منکلس وراترین را رسوب کنند آن رسوب را جمع نموده بعضی از آبهای
ماده را مجددا قوام آورند و با خیزی رسوب کنند آن رسوبی که از خیزی حاصل شده جمع
نموده در الکل ریزند و صاف کرده قوام آورند تا خشک شود مجددا رسوبها را
در آب ترش ریخته بجوشانند و زغال حیوانی افزوده صاف کنند و قوام آورند
و اما بجای افزاینه این وراترین خالص نیست و لهذا جهت استعمالات طبی ضرور
نه اند و در شیمی الحداثق خلوص آن مذکور است از اطبای طبیب دواساز این
وراترین ضروری نه اند

وراترین را در خارج و داخل بدن جهت امراض عصبانی بکار برند الم المفاصل
رقعان ترجیح دارند زیرا که زود تر حل شده خاصه در صورتیکه طبیب در
امراض مفاصل خواسته باشد که تعریق هم حاصل شود قدر شربت آن از
داخل عشر گندم است (۵ میلیگرم) و لهذا میتوان در شبانه روز دو تا سه گندم
این مقدار را استعمال کرد بصورت مشروب و تعقین و بهتر از همه بصورت
حب است و در خارج استعمال مینمایند آنرا بصورت مرهم و مخلوط خفیف است

(حاشیه: و مفاصل و نقرس)

تنتور وراترین teinture de vératrine

وراترین	گندم ۲	الکل ۸۵ درجه		مثقال ۳

مطابق معمول حل کنند چند قطره این تنتور را با سایر تنتورها بکار برند استعمال
کنند و برای ترجیح معده و بعضی اطبای انگلیس که تنتور وراترین را در خارج
طلاء میکنند یکجزو از آن در ۱۶ جزء الکل محلول سازند و گاهی یکجزو وراترین
را در ۳۲ جزء الکل محلول ساخته قطره از آنرا در گوش قطور نمایند

حب وراترین pilule de vératrine

وراترین	گندم ۱	صمغ عربی	مقدار کافی
شربت صمغ		مقدار کافی	

مطابق معمول دوازده حب کنند سه حب از آنها بعوض مسهل میخورانند
حب دیگر جهت امراض عصبانی ترتیب میدهند از یک گندم وراترین و چهار
گندم عصاره بذرالبنج تقسیم بر ده حب

محلول وراترین

سولفات وراترین	گندم ۱	آب مقطر		مثقال ۱۳

بر ورق قاشق قاشق بخورانند

روغن وراترین pommade de vératrine

وراترین	گندم ۴	روغن ساده		مثقال ۷

مطابق معمول مخلوط کنند این روغن را در نقرس و التهاب لحم طلاء کنند و بعضی
دیگر در امراض عصبانی بکار برند

طلاء وراترین liniment de veratrine

وراترین	نخود ۱۰	روغن زیتون		نخود ۲۰
روغن ساده	مثقال ۷			

مخلوط کرده در امراض عصبانی و مفاصل در عضو مؤف و ملک نمایند

طلاء وراترین یدوره liniment de veratrine iodure

وراترین	نخود ۵	یدور پتاسیوم		نخود ۷،۵
روغن ساده	مثقال ۷			

کراودین graine de cévadille

این اسم تعلق میگیرد به ثمر یکی از نباتات طایفه کلشیک که از بیخ دنیای
جنوبی آورند خاصیت آن بسته به وراترین است که مرکب است از ماده
دسمه و اسید کراودیک و موم و گالات و وراترین و ماده ملونه زرد و صمغ
در زمان کوبیدن کراودین باید کمال دقت را کرد بعلت سمیت وراترین و احداث
عطسه شدیده و چون بذر آن که اقوی است داخل کرده ه شود باید از آن پرهیز
کرد و گرد کاکل مولم است poudre des capucins
پودر دکاپوسن جهت کشتن شپش در جامه ها باشد

(حاشیه: cévadille)

صورت دواهای آن

حقنه لوادین lavement de cévadille

لوادین ۲ نخود آب ۶۴ مثقال

شیر ۷۵ مثقال

لوادین را در آب بجوشانند تا ۳۲ مثقال باقی بماند صاف نموده شیر را اضافه

نمایند این حقنه جهت قتل دیدان مستقیم معمول است

تعفین لوادین teinture de cévadille

لوادین ۱ الکل قوی ۲

هشت روز بماند بعد از آن از صافی بگذرانند

عصاره لوادین extrait de cévadille

به این منظور از تعفین لوادین که دارند بغلظت عصاره قوام آورند و با آن

حبها سازند که هر یک عشر گرم از این عصاره داشته باشد در مراضی [illegible] معمول است

قدر شربت آن از ۲ الی ۱۵ گرم است

کندش ellebore blanc

این نبات متعلق است بطایفه کلشیکاسه و در خواص شبیه است بسورنجان و دارای

ورا ترین و جزو مخصوص است موسوم به ژروین که فرمول آن [illegible]

است و آن جسمی است سفید و متبلور و قلیل الانحلال در آب و کثیر الانحلال

در الکل

در الکل و بواسطه حرارت ذوب شود و آب انحلال خود را از دست دهد و بیرون [illegible]

کند که با ۹۵ درجه حرارت خامه نگردد

جهت ساختن آن ریشه کندش را با آب ترش با جوهر نمک مکرر مجاور کنند و بواسطه

نمک قلیای آن ابها را ترسیب نمایند و در دوا شوینده و در الکل محلول سازند و باز تحلیل

حیوانی آن را از هر کنند و قدری از الکل را تبخیر نموده کذارند سرد شود ژروین منعقد

گردد و بواسطه کرار صرف و حقه انرا خالص نمایند

صورت دواهای آن

گرد و مرهم و تعفین است

گرد کندش poudre ellebore blanc

کندش را بدون آنکه نفخ یا تر کذارند بکوبند و با اجزاء منظور مخلوط نمایند

روغن کندش pommade d'ellebore blanc

کندش مسحوق ۲۰ نخود روغن ماله ۱ مثقال

عطر بهار لیمو ۳ قطره

[illegible] معمول محفوظ کنند در لفع امراض جلدی ترتیج کنند

غسل کندش lotion d'ellébore blanc

کندش ۳ مثقال آب ۲۰۰ مثقال

بجوشانند و صاف کنند و ۲۵ مثقال تعفین کندش بر آن بیفزایند در کنج دیرو

ریک porrigo معمول است

تعفین کندش teinture ellebore blanc

کندش ۱ الکل ۵۶ ۵

هشت روز کذارند بخیسد و بعد فشار از پارچه بگذرانند و با کاغذ صاف کنند

قدر شربت از کوکال از ۳ الی ۱۵ صد گرام است

سورنجان colchique

سورنجان عبارت است از غده و ریشه یکی از نباتات طایفه کلشیکاسه و صورت تجزیه

آن از این قرار است ماده [illegible] ماده [illegible] ماده صمغیه قوی [illegible] کلشیسین صمغ

نشسته ماده چربی وار [illegible] inuline

برگهای نباتات تام این طایفه خاصه نباتات سورنجان طعم تندی دارند

و عطاس [illegible] دواب [illegible] سورنجان در خواص شبیه است با غده های

بعضی اطبا از اتر جیح داده اند از بابت جدیدیت عمل آن

[illegible] قدیم مشتبه کرده بودند کلشیسین را با ورا ترین زیراکه در

اغلب خواص شبیه اند کلشیسین منعقد نشود بشکل بلور [illegible] متبلور [illegible]

[illegible] است [illegible] طعم آن بسیار تلخ است [illegible] ورا ترین

[illegible] در آلات [illegible] و ورا ترین [illegible] در آب [illegible]

شود و حال آنکه ورا ترین [illegible] است در الکل و اتر [illegible]

gallate acide de colchicine

انها

رنگ شد و ترکیب املاح نمایند که غالب منعقد اند این املاح تلخ و تند اند و جوهر گوگرد

انها را زرد رنگ کند و تعفین یازود [illegible]

طرز ساختن کلشیسین بطرز ورا ترین است با الکلی که اند کی جوهر گوگرد داشته باشد مکرر مجاور

کنند و الکل [illegible] اجزا نمایند و صاف کنند و بجوهر گوگرد [illegible] نمایند و جهت گرفتن الکل تقطیر

نمایند و بعضی قطر کرباتدا [illegible] نمایند و در دیگ [illegible] حاصل شود باز تحلیل حیوانی و الکل

بجوشانند تا [illegible] ان زایل شود و بحرارت ملایم قوام آورند و کذارند منعقد شود

سمیت این ماده بسیار است [illegible] هزار [illegible] جهت کشتن [illegible]

در معده و امعاء احداث [illegible] سورنجان دارای بسیار نفع است در [illegible] و نقرس [illegible]

و چنین معروف است که در نقرس علاج فوری [illegible] فایده میشود و از این بابت

ورا ترین را ترجیح داده زیراکه قوه و اثرات کمتر از سورنجان نیست و عیب [illegible]

را هم ندارد اطبا در استعمال سورنجان موافقت ندارند بعضی بر آنند که [illegible]

[illegible] داد [illegible] از اطبا بر آنند که [illegible]

صورت [illegible] سورنجان [illegible]

اند

[illegible] سورنجان — [illegible] سورنجان [illegible] مختلف میشود [illegible]

[illegible] است که در فصل [illegible] [illegible] است [illegible] زیراکه [illegible]

تابستان این [illegible] قوه را دارند [illegible]

غده کوچک تا فصل بهار بزرگ شود و در این فصل است که گل و تخم آن نمودار میشود
این غده کوچک چون قوه نمو میگیرد بواسطه غده بزرگ پس هر قدر بزرگتر شود از قوه
آن غده اول کاسته میشود و در فصل بهار این غده کوچک بزرگ شده و غده بزرگ
و از جاست ... این است فصل جمع لورنجان است ولی در این فصل
هیچ علامتی ... نیست و این غده ... است در خاک
و نه برگ و نه گل دارد در ... فصل چهار ... ۵ ... در خصوص
آن غده بزرگ بواسطه غده کوچک از قوتش کاسته است ...
... از قوه آن کاسته شود در فصل بهار
آن غده کوچک هنوز قوه گرفته ... معلوم میشود که قوه
لورنجان که در جاهای مختلف است ... بعضی جای آن است
... اگر ...
... در فصل ... تقریبا ۱۰۰ مثقال لورنجان
تازه ۳۵ مثقال لورنجان خشک میدهد

صور دوائی آن

انگبین لورنجان mellite de colchique

لورنجان خشک ۱ آب جوشان ۱۶

عسل مصفی ۱۲

لورنجان را دم کنند تا ۳ ۲ ساعت و صاف کنند که گذارند ته نشین شود بعد آن را قدری
بغلظت شربت قوام آورند

تنتور لورنجان teinture de colchique

لورنجان خشک ۱ الکل ۶۰ ۵

چند روزی بخیسانند از پارچه بگذرانند و با کاغذ صاف کنند

تنتور دیگر نیز جهت نقرس معروف است منسوب به هوسون husson

لورنجان تازه ۱ الکل ۹۰ ۲

قدر شربت این تنتور از پنج تا شش قطره است در یک قاشق آب

عصاره لورنجان extrait de colchique

لورنجان خشک مقدار منظور الکل ۶۰ مقدار کافی

لورنجان را نیم کوب کنند و با نصف الکل آن را بخیسانند دو بار از ۶ تا ۲۴ ساعت ... ورت
باقی مانده الکل دیگر ... عصاره آن را خارج کنند و بواسطه آب الکل اخیر آن را خارج
کنند و جهت گرفتن الکل مایع محلول تقطیر کنند و بقیه تقطیر را بغلظت عصاره
قوام آورند تقریبا در ۱۰۰ جزء لورنجان ۲۲٫۵ جزء عصاره است

شراب لورنجان vin de colchique

لورنجان خشک ۱ شراب قرمز ۱۶

۱۲ روز بخیسانند پس از پارچه بگذرانند و با کاغذ صاف کنند بعضی دیگر دو جزء لورنجان تازه را

در ۳ جزء شراب قرمز بخیسانند

نسخه دیگر

لورنجان تازه ۶ شراب ۱۲

الکل ۱

هشت روز بخیسانند و صاف نمایند ۲۰ قطره از آن در فنجان شربت بچکانند در نقرس
و مفاصل معمول دارند

طبیب باید هر گاه این نسخ را بجای یکدیگر بکار برند مطابق آنچه در ترتیب ...
هم معالجات نوشته شده معمول دارند

سرکه لورنجان vinaigre de colchique

لورنجان خشک ۱ سرکه قرمز ۱۲

مطابق معمول ... کنند

سکنجبین لورنجان oxymel de colchique

سرکه لورنجان ۱۰۰ عسل ۲۰۰

اول سرکه را در حمام ماریه تبخیر کنند تا ۲۹ جزو آن باقی بماند و پس از آن مطابق
معمول سکنجبین میسازند

عصاره خلی لورنجان extrait acétique de colchique

لورنجان خشک مقدار منظور سرکه مقطر مقدار کافی

پس از ۲۴ ساعت ... دیگر از پارچه بگذرانند و صاف کنند و بغلظت عصاره قوام آورند
بنا بر قول بعضی قوه این عصاره از عصاره الکلی و مائی بیشتر است و در بعضی از سرکه لورنجان
است که همه بهتر این را تهیه میکنند

بزر لورنجان semences de colchique

بعضی از اطبا بزر لورنجان را بر غده آن ترجیح میدهند زیرا که اثر آن ثابت است و
مختلف نمیشود باختلاف فصل و اختلاف آنها از یکدیگر بسیار کم است خاصیت ...
آنها مانند خود لورنجان است

شراب بزر لورنجان vin semences de colchique

بزر لورنجان ۱ شراب قرمز ۱۶

بزر را نیم کوب کنند و هشت روز در شراب بخیسانند و باقی را از پارچه بگذرانند
و با کاغذ صاف کنند این شراب را بر شراب خود لورنجان ترجیح دهند زیرا که عملش
دائم تر است ... معین ... ده قطره از آن در یک فنجان چای ...
شربت بچکانند و ... کم کم بر قدر شربت آن بیفزایند

قدر شربت صور مختلفه آن — از گرد لورنجان ۵ تا ۳۰ سانتی گرم و از عصاره
مائی و الکلی و خلی آن ۱ تا ۱۰ سانتی گرم و از تنتور آن ۱ تا ۵ گرم و از سرکه آن
۱ تا ۵ گرم و از شربت عسل oxymel و شربت قندی sirop
آن ۲۰ تا ۵۰ گرم و از ساکارور saccharure

مکرر هر گاه این لوسیون از تخم کرزمان ساخته شده باشد باید قدری از این قدر کمتر داد

دکتر ژوزف [illegible] در معالجات مفاصل و نقرس خود سالها در ازاله آن ترتیب داده از مقدار شیره کهنه تازه کرزمان ۱۰۰ قمحه ۵۰۰ مخلوط نموده در حالی که از هوا محفوظ باشد قدر شربت آن ۴ گرم است در روز که به دفعات منقسم نموده ساعتی یک دفعه میل نمایند

دلفین Delphine $C^{29}H^{19}AzO^{2}$

یکی از قلیائیات نباتیه است که یافت شده است که در بزر یکی از نباتات طایفه رانونکوله renonculacées دلفین عبارت است سفیده که در هنگام رطوبت منعقد نظرایه دارای بوئی نیست و طعم آن در نهایت تند و تلخ است اما تحریکی را باشدت تحریک نماید و اموجب عطسه نگردد در درجه ۱۲ حرارت شروع در ذوب کند در آب بسیار کم محلول است اثر و الکل بسهولت آن را حل نماید محلول الکلی آن شربت سبزه را سبز کند با حامضات مرکب شده املاح را به عمل آورد و املاح آن تلخ و تند است و بصعوبت منعقد شوند و با قلیا تجزیه شده دلفین مانند سریشم سفیده از آنها جدا شود

طرز ساختن آن

کشمش کولی را با دهنه چند دفعه با الکل جوش داده عصاره الکلی آن را ساخته

و با آن محلولات مطابق معمول عصاره ساخته و این عصاره را با آب ترش از جوهر گوگرد جوشانند و چند دفعه این را تکرار کنند تا قسمت دیگر آن آب رنگین نشود با آنکه قلیائیات معدنی با آن را توبیخ نمایند محلولات آن را جمع کرده با پتاس یا امونیاک در آن کنند و در دوا در الکل جوش محلول سازند و با زغال حیوانی رنگ آن را زایل کنند و تبخیر نمایند تا خشک شود اگر دلفین نه کرر تقطیر باید فاسد است و معتبر است که مجدداً با آن لوسیون سازند و دوباره با قلیائیات راسب کنند عبارتی که حاصل میشود سفیده و سبکتر است دلفین یکی از محرکین قوی اعصاب است اثرات آن در سلعه های عضلی مزمنه استعمال کنند و لیکن بسیار کم معمول است و اثرات خطرناک دارد و باید در استعمال آن کمال دقت را نمود بعضی از اطبا اثرات آن را در امراض عصبانی عضو درد داخلی و خارج استعمال کنند طلای آن حلبه را به کار برند و همچنین از این روز کنند در امراض عصبانی دهان و اوجاع دندان بر ورای آن ترجیح دادند

از حیثیت قدر شربت و طول استعمال نظیر ورای آن است

کشمش کولی که مغز آنها است فرنگی staphisaigre نامند

بذر است این نبات معمول است و متعلق است به طایفه رانونکولدیه و مرکب است از استوین و stéarine و دهن و سم ملایم الانحلال در الکل و دهن و سم سریع الانحلال در الکل و صمغ و نشاسته و مایه از قلیائی نباتیه محلول

الرایجه نباتیه منجمد و دلفین و مایه حامضه فراره و املاح و فقرات و رنگ

staphisaigre poudre

اثر و مزی

خاصیت این بذر کولی نسبت به دلفین و آن مایه فراره است آن همه خاصیت از جنس اسیده است سفیده رنگ منعقد و جوهر و محرک است غالب این بذرها را در خارج استعمال کنند و یکی از اطبا استعمال دافع اثرات در مرض اگزما eczema زخم دیده در ... گوی این بذرها باید ثقل باقی گذارد

غسول است فرنگ lotion de staphisaigre

است فرنگ مسحوق از ۳ تا ۷ مثقال آب ۲۰۰ مثقال

بجوشانند و صاف کنند در جرب و بعضی امراض جلدی بسیار نافع است

تنتور کشمش کولی teinture de staphisaigre

کشمش کولی	۱	الکل ۳۶	۲

مطابق معمول تنتور سازند مانند تنتورات دلفین و ورای آن طلا به کنند

روغن کشمش کولی pommade de staphisaigre

کشمش کولی مسحوق	۱	روغن ناله	۲۴

در حال مایه ذوب کنند و محفوظ نمایند و بعد از سرد شدن روغن زیر آن را خارج کنند

نسخه دیگر

کشمش کولی مسحوق	۱	روغن ناله	۳

مطابق معمول مخلوط کنند این روغن را در دفع شپش استعمال کنند

روغن جهت جرب

کشمش کولی مسحوق	۳	روغن ناله	۵

در حمام مریم ۲ ساعت گذارند بعد از آن صاف کنند

اکنیتین aconitine و انمنین anémonine

اکنیتین یافت شده است که در اکنیت که نباتی است از طایفه رانونکولدیه فرانسوی آن [illegible] میباشد یکی از بزهای نباتی بسیار سم است منعقد میشود بشکل دانه سفیده و گاهی یکپارچه و لطیف است دارای بوئی نیست طعم آن در اول تلخ و بعد از آن گرم و تند و سوزاننده است در ۸۵ حرارت ذوب شود و در ۱۲۰ حرارت متصاعد گردد و مقداری کثیری از آن تجزیه شود در اثر بسیار محلول است و در الکل بیشتر با حامضات مرکب شده املاح غیر قابل انعقاد حاصل نماید این املاح با اطلاق و مطبوخ سازد و در دشوار بعضی از اطبا اکنیتین را در امراض عصبانی و امراض چشم و گوش و دندان و وجع عصبانی گونه استعمال کنند و غالباً جزو به این جوهر را با ورای آن و دلفین متوالیاً در رفع امراض استعمال کنند از خواص آن جمله احداث حرارت و احساس قشعریره شود در امراض گوش خاصیت مخصوص آن است که رفع ترشح و منع عفونت را اجبار میسازد

طلای اکنیتین liniment d'aconitine

اکنیتین ۵ نخود روغن زیتون ۱۰ نخود

روغن ساده ۷ مثقال

مطابق معمول مخلوط کنند و روزی دو سه نوبت در امراض عصبانی و آب بردگی که تازه پیدا شده باشد و بعضی امراض گوش تدریج کنند

طلاء اکنیتین embrocation d'aconitine

اکنیتین ۵ نخود الکل خالص ۲۵ مثقال

مطابق معمول حل کنند و طلاء نمایند یا در گوش قطور کنند

حب اکنیتین pilules d'aconitine

اکنیتین ۱ گندم اصل السوس مسحوق ۵ نخود

شیره شکر مقدار کافی

مطابق معمول ۱۲ حب کنند و هر سه ساعت یک حب بدهند

طرز ساختن آن

ریشه تازه اکنیت را با وزنه الکل ۹۰ درجه در ده روز عصاره کنند و آن محلول را بعد از آنکه بهم زنند و صاف نمایند و با آنکه جوهر گوگرد اشباع کنند و مجدداً صاف کنند و بجهت گرفتن الکل آن مایع را تقطیر نمایند و بقیه تقطیر را صاف نموده با کربنات دو پتاس بهم زنند و اتر را فرا نمایند بعد از تبخیر اتر اکنیتین بدست آید که در الکل و اتر و آب ترش کرده محلول است

قدر شربت آن از ½ تا ۱ میلیگرم است

اکنیت aconits

این نبات متعلق است به نباتات طایفه رنونکولاسه و از جنس مخصوص که موسوم به اکنیتوم است و قسمی از این جنس که مستعمل است موسوم است به aconitum napellus اکنیت علاوه بر اکنیتین که ماده سمی است دارای ماده حریفه فراره دیگر است و علاوه بر اینها ماده عصاره و ماده البومینی نباتی و موم سبز و صمغ و جوهر سرکه و املاح معدنی و بعضی املاح است و شک که در آن بیشتر یافت شود اکنیتات و بی تترات است و در بعضی اقسام این نبات این ماده و ماده عصاره تفاضل پیدا میکند

اکنیت دوائی است خطرناک و پیرامون آن نتوان گشت مگر با کمال احتیاط و در امراض عصبانی و مفاصل و ابتدای حمیات دارای رتبه اول است در صورت دوائی اکنیت غالب خطر میکنند و در بعضی امراض اثر منظور را بروز نمیدهند بی آنکه در وضع خشکانیدن و طرز محافظت و ملاحظه حرارت در حین طبخ عصاره بلکه منفعت نبات را بکلی زایل نماید تا یقین در خاصیت دوائی اکنیت کم و چون این حالت همیشه طبیب را در تردید دارد تا ناچار نشود دوائی باین قوت و خطر را استعمال نکنند تنطین الکلی و شربتی که با آن الکل ساخته باشند بیشتر معمول اند و طبیب از آنها مطمئن تر است آنچه تجربه رسیده است

نیم آن قوی تر است از ابتدای آن در کوهستان اکنیت کوهی را از سفلیات رویند

محصولات دوائی اکنیت

آب در کمال سهولت مواد دوائی این نبات را حل میکند و شیره نبات تازه آن کمال شباهت را دارد با عصاره‌ای که حاصل شود از مجاورت آب با نبات خشک مگر آنکه در این مایع اجزاء ماده فراره موجود نیست بجهت گرفتن عصاره اکنیت شیره نبات تازه را در شقاق بخار ریخته در کرمخانه میخشکانند این عصاره در امراض مفاصل و عصبانی مستعمل است و قدر شربت آن در ابتدا اخمس گندم و در افزایش کنند بلکه بعد از مداومت چند روز ازدیاد کنند هم بیشتر میتوان داد

محصولات الکلی اکنیت

الکل در حل مواد اکنیت بر آب ترجیح دارد و اگر نبات تازه استعمال کرده باشند تمام مواد فراره و حریفه اکنیت در الکل حل شود

تنطین خشک اکنیت teinture sec d'acon

برگ خشک اکنیت ۱ الکل ۶۰ درجه ۵

هفته روز باید باقی را با پارچه بگذرانند و با کاغذ صاف کنند بعضی از اطبا میگویند ریشه اکنیت را با دو جزء الکل خالص تنطین کنند و در مواد اکنیتین طلاء نمایند

تنطین دیگر

تنطین دیگر

برگ تازه اکنیت ۱ الکل ۹۰ درجه ۱

برگها را قطعه قطعه کنند و الکل افزوده ده روز بخیسانند و از صافی بگذرانند و از کاغذ صاف کنند این تنطین علاوه بر مواد ثابته اکنیت مواد حریفه فراره را نیز دارد و هرگز نباید این تنطین را بجای تنطین پیش معمول داشت مگر به نسخه طبیب

شربت اکنیت sirop d'aconit

تنطین فوق ۱ شیره شکر ۱۵

مطابق معمول مخلوط کنند

صورت دوائی و قدر شربت آن — از گرد برگ آن ۵ تا ۵۰ سانتیگرم دم کرده برگ آن (۵ در ۱۰۰۰ جزء) ۱۰۰ از عصاره دوائی آن از ۵ تا ۳۰ سانتیگرم از عصاره شیره خوانی ۵ تا ۲۰ سانتیگرم از عصاره الکلی آن ۵ تا ۱۵ سانتیگرم از تنطین آن ۶ تا ۴۰ قطره از الکلاتور alcoolature ۳ تا ۱۸ قطره از تنطین اتری آن ۳ تا ۱۸ قطره و ساکارور saccharure

انمنین anémonine C H O [illegible]

جهت منفعت قدر شربت و محل استعمال آن مانند اکنیتین است

انمن anemone

نباتی از طایفه رنن کولاسه و چند نوع است و مستعمل است در طب
صورت ادویه و قدر شربت آن — از کرد ۲۰ تا ۴۰ صد م گرم از عصاره مائی
۱۵ تا ۳۰ صد م گرم از عصاره الکلی ۵ تا ۱۰ صد م گرم الکلاتور ۲ تا ۲۰ قطره
ترتیب ترکیبات و قدر شربت آن کلی شبیه است با ادویه انکیت در صورت صرف

سلانین solanine و اترپین atropine و
هیسیامین hyoscyamine و داتورین daturine
این چهار جوهر در نباتات طایفه بزرگ سلانه solanée یافت شود
غالب نباتات این طایفه سمیت دارند و این سمیت در تمام اجزاء آن نبات
است ولی در میان این طایفه نباتاتی یافت شوند که سمیت ندارند بلکه بعضی از آنها
غذای عمومیه انسان و حیوانات میشوند ولی در هر صورت بجهت آنکه غالب نباتات
متعلق باین طایفه سمی اند باید از استعمال غذائی آنها اجتناب کرد ریشه نباتات
این طایفه غالبا مخدر اند و آنها که بیشتر معمول اند بلادونه و بزرالبنج و تنباکو
و داتورن و مردم گیاه که بر ریح البطن نیز گویند چنانکه بعضی نباتات این طایفه
مانند سیب زمینی دارای ماده آردی هستند که غذای انسان کنند ولی از این نوع
تخمی دارند چنانکه بعضی اطبا چنین ترا سیب زمینی را مانند خلالات محرکه استعمال
میکنند در بذر این نباتات سلانین موجود است و بعضی اطبا حکایت کنند که در

بعضی حیوانات از خوردن بعضی سیب زمینی فورسته که جهت ساختن عرق تدارک کرده بود
حالت سمیت پیدا شده بجهت آنکه سلانین خورده باشند نباتات این طایفه ریشه
شان تخم است و اگرچه معمول نیستند مقوی میتوانند بود و در میان چند نبات از این
طایفه ریشه شان مانند مرارات معمولی اند و یکی از آنها این نبات در ماده
کالنکار ریشه اش معمول است و او قاطع حمی نیز هست خاصیت مخدره در غالب و مسکنی
از برگهای نباتات این طایفه موجود است چنانکه در بلادونه و مردم گیاه و بزر
البنج واقعی و تاتوره دیده میشود و برگهای عنب الذئب سمیت دارند چنانکه
ثمره آنها قابل صدقه او دانه و لامع هذا در بسیاری از مواقع معمول است از
ثمره عادت که میخورند و علاوه بر آنها فلفل که میوه آنها است اخراج میشود
کثیری از ماده سمیه میشود بااینکه تغییری در ترکیب آن ماده پیدا شده باشد منقلب
میکردد ساق یاسمین بری تلخ است و هم در امراض جلدی معمول است و
مانند سایر نباتات این طایفه ماده مخدره را دارا بود بعضی از نباتات
این طایفه که قبت نیکا دنیا بخوبد و جزایر بحر محیط است تخم اندرونی آنها
مقوی است و قاطع حمی معمولی اند بعضی میوه های این طایفه مانند کول
مانند بادنجان و گوجه بادنجان قرمز فرنگ و امثال آن ولی مقدار
کثیری از این میوه ها سم و مضراند مانند ثمر بلادونه و مردم گیاه و تاتوره
و بعضی سیب زمینی ها که در ماه و جزایر بحر محیط میروید

اثر این آثار مانند سایر اجزاء این نباتات است معده هر از بذرهای این
نباتات معروف طب اند و آنچه بیشتر معمول اند تاتوره و بزرالبنج و بز
رالبنج عربی است ماده مخدره نباتات طایفه سلانه گویا همیشه یکی باشند
بااینکه اثرش در اعمال بدن مشابه است و در تمام اجزاء این نباتات خاصیت
مخدره موجود است این ماده مخدره اثر مخصوصی دارد در دماغ و مورث صداع
و غشی شده و تب خسته ظاهره و دوار و خوابهای پریشان و اگر مقدار آن بسیار
باشد انقلابات شدید کند و علاوه برای ضعف عضلات و تخدیر اعضاء
اعضاء مرکز دهد یک خاصیت مخصوص در این ماده مخدره است که اتساع حدقه
آورد و از این بابت است که جراحان و کحالان در حین عمل آب مروارید
این ادویه را استعمال کنند مانند محلولی از عصاره این نباتات را در چشم
بچکانند خاصیت مهم و سمی این نباتات بسته بالکلوئید های آنها است
ما اولیکه در آنها یافته اند سلانین است سمیت در دماغ باب تجارب متعدده
که اند ماهیت در نفوذ اساس نمو دیگر چندین جوهر معدنی از این
نباتات کشیده نمودند ولی بوند در خواص و موارد استعمال آنها
تحقیقات عدیده اترپین و داتورین و هیوسیامین و سلانین
از حیث خواص شبیه است کاملا یکدیگر دارند و تمام آنها دارای ازت اند
واگرچه از حیث خواص شباهت شان تام است ولی آنها را الحجه از یکدیگر میتوان

تمیز داد
اترپین atropine یافت شود در ریشه و برگ و ساق بلادونه
فرمول آن $C^{34}H^{23}AzO^{6}$ میباشد ماده ایست متبلور که بشکل
منشورات بسیار باریک منعقد شود و شفاف حریری دارد طعمش تلخ و تند است
مورث اتساع حدقه و ذوب شود در ۹۰ حرارت و ذوب یابد در ۱۴۰ تصعید
شود و قدری از آن فاسد گردد در دویست جزء آب سرد و ۵۴ جزء آب جوش
حل شود در ۲٫۵ الکل محلول است ۳۵ جزء اتر سرد و ۶۰ جزء اتر جوش
اترا حل کنند محلول جوش اتر آن پس از سرد شدن مانند لزوجت لطیفه
بسته دیده اترپین را در دکنه برگ تقطیر کرمی محلول اترپین اثر
مطبوع نمود در دو دقیقه فراوانی دهد و کرور در دو زنو رنگ دهد و کرو
و بعد تی در روز دو چرکین دهد اگر اترپین مدتی جا و در هوا و آب بماند
حرارت متعارف تغییر یابد پیدا کنند و آنها منعقد نا پدید گردد و
زنو رنگ و انعقاد نا پدید شود پس از تبخیر این مایع ماده محلول در ابتدا
ماند با بوی مخصوص با وجود اینکه تغییری در خاصیت سمیت آن پیدا نشده
و اگر از در یکی از حموضات محلول کنند و رنگ آن محلول را بزوال دهد
بگیرند با قلیا نیات میتوان اترپین را بصورت اول در دو نمود اطلاع
اترپین بصورت منعقد شود در آب و الکل محلول اند ولی در اتر کمتر حل شود

طرز ساختن آن

در مطبوخ برگ خشک بلادانه جوهرها و رزینها در دو حال حل شود آن دردها را
بشویند و آتش را بچکانند و مخلوط با پتاس محرق نمایند و در اثر بهم زدن آتروپین
در آن حل شود

قاعده دیگر اینست که ریشه تازه بلادانه را با الکل ۹۰ از ماده متحلل عاری کنند
و $\frac{1}{25}$ وزن ریشه آهک شکفته بر آن تفصیل بیفزایند بعد از ۲۴ ساعت مجدداً
صاف کنند و با اسید جوهر گوگرد مایع را ترش نمایند و مجدد صاف نمایند
و با تقطیر زیادتی الکل را بگیرند و بقیه تقطیر را با حرارت ملایم تبخیر
کنند که $\frac{1}{12}$ وزن ریشه باقی ماند محلول کربنات پتاس افزایند تا وقتیکه
در دو فاکتر تیره مایع کدر شود و باید دقت کنند که بیش از اندازه از آن محلول قلیائی
نیفزایند تقسیم که مخلوط قلیائیت پیدا کند بعد از ۲۴ ساعت صاف کنند و در
مایع قدری که در دو مسیحه کربنات پتاس افزایند پس از ۱۲ ساعت دیگر آن دردها را
در روی کاغذ صافی جمع کنند و در لای کاغذ آبکش خشکانند و در آفتاب یا جائی گرم
خشکانیدن را به انجام رسانند پس از آن آنرا در ۵ برابر الکل ۹۰ حل کنند و
کمی زغال حیوانی افزایند و بهم زنند تا وقتیکه تقریباً رنگ زغال مایع برطرف شود
صاف کنند و قدری الکل آنرا بخار نمایند باقیمانده آن محلول را با شش برابر کیله آن
آب مقطر مخلوط کنند و در جای تاریک و خنک گذارند تا آتروپین منعقد شود

داتورین Daturine

موجود است در برگ و بذر تاتوره Datura متعارف داتورین
اقسام تاتوره بسیار به سهولت میتوان آنرا بدست آورد زیرا که از سایر جنسهای
سابق الذکر زودتر منعقد میشود بعضی بر آنند که ترکیب باطن آن عین
آتروپین است و در بعضی خواص ظاهری و باطنی مشارکت است با آن ولی بلورهای
طلائی یقینه در دو ... در دو محلول طلائی آن یقینه رنگ است از محلولات
مائی و الکلی خود بخود متبلور ... معینه برنگ بسیار تند ... منعقد
شوند

هیوسیامین hyoscyamine

موجود است در برگ و بذر بذرالبنج jusquiame و طرز
از تخم آن ... ساختن آن مشکلتر است از آتروپین زیرا که در آب محلول است
در غالب خواص شبیه است به آتروپین منعقد شود ... بو ... آن
تند و با مطبوع است ... را تسع کند ... ان ... شود ... تجزیه شدن و ...
قلیه ... اگرچه آنرا با آب گرم کنند ... در ... و با مطبوخ ...
در دو یقینه ... طلائی ... در دو یقینه ... طلائی یقینه در آن درد
... در مجاورت ... هوا ... آتروپین تغییر حالت پیدا کند و ...
سمی آن زایل شود

سولانین solanine

این جسم قلیائی را ... Desfosses در میوه و برگ ...
نبات از طایفه سولانه کشف کرد (solanum nigrum,
s. Dulcamara, s. tuberosum, ...
s. verbascifolium) و طرز ... در جوانه سیب زمینی
... و طرز ... آن بسیار ... سیب زمینی را با آب ترش جوهر
گوگرد ... کنند ... عصاره ... جوهر گوگرد ... آنرا با ...
کنند و ... با الکل ۸۰ آنرا بجوشانند و صاف نمایند و ...
... سولانین را خالص کنند
سولانین جسمی است ... منعقد شود ... ان ... است و ...
آن ... در ... میان ... اصلاح آن ... خاصیت را دارد به سهولت ...
شود و قدری از ... در آب ... محلول است ...
... خاصیت قلیائیت ... در ...
isomères ...
پیدا شود ... منعقد است ... منجمد ...
آن $C^{28}H^{2}...$ ... اصلاح آن ...
... منجمد ... سولانین ... شکفته شود

دانه ... که دانه ها در آن ... سولانین ...
با سایر جوهریات طایفه سولانه ... قوت ... آن بسیار است
و در اعضای اطراف ... آدمی ... جوهری موجود است که ...
در فصل ... خواهیم داشت

بلادانه belladone و تاتوره و بذرالبنج

این سه نبات در خواص مشابه اند و در غالب موارد ...
شبه بلادانه را سردفتر آنها قرار دهیم زیرا که اقوی است و بیشتر استعمال شود
و در ... این ادویه را بصورت ... مطبوخ و عصاره و تنقیه ...
و تنقیه آن ... استعمال کنند در خارج عصارات ...
... ولکن ... اوجاع عصبی ... استعمال کنند در اول ...
... برگ بلادانه را ...
... ربع ... کنند ...
برگ بذرالبنج و تاتوره را نیز ... و قتیکه این برگها را ...
... ادویه بسیار ... آنها ...
بلادانه و سایر نباتات طایفه سولانه در حالت ...

محلولات بلادانه

آب ... طایفه سولانه ... چنانچه خاصیت ... در ... نباتات

وادویه که از عصارت بلادونه با آب ساخته شود موجود است جهت گرفتن شیره
بلادونه نبات تازه را پاک کنند و در هاون مرمر کوبند و شیره آن را فشرده نماید در
است که این شیره را به تنهائی استعمال کنند غالباً جزء سایر ادویه کنند و بعضی طریق
شیره بزرالبنج و تاتوره و توتون و عنب الذئب را ذکر نمود

عصاره بلادونه *extrait de belladone*

از بلادونه چندین نوع عصاره گیرند و طبیب لازم است که از طبیعت عصاره
بلادونه و طرز ساختن آن در دواخانه مستحضر باشد زیرا که در قوه تغییر میکند
قسم اول نبات تازه را کوبند و شیره آن را گرفته و ثفل را مجدداً کوبیده در منگنه
گذارند آن شیره را در یک ظرف ریخته گرم کنند تا آنکه اجزاء عصاره البومینی
منجمد شود از پارچه لیتمی بگذرانند و در حمام ماری غلظت عصاره قوام آورند
این عصاره نه البومین دارد و نه کلرفیل *chlorophylle*
زیاده جز نباتات و سایر اجزاء غیر محلوله که در شیره بلادونه ممکن است که باشد
در این عصاره نیست این عصاره معمول به دوحت فرانسه است و اطبا
مخصوصاً در نسخه قسم قسم دیگر کنند و دوا سازها باید از این عصاره بدهند
قسم ثانی نبات تازه بلادونه را در هاون مرمر کوبیده با دست فشرده
شیره آن را بگیرند و ثفل را مجدداً کوبیده اول با دست فشرده بعد در منگنه
نهند و آن شیره را از پارچه کتانی بگذرانند همینقدر که آن قطعات نبات

جدا شود این شیره را الکل بخیه بسیار نازک در بشقابهای چینی گسترانند و در گرمخانه
از ۳۵ تا ۴۰ حرارت داشته باشد خشک نمایند بعد از گرمخانه بیرون آورده
گذارند که جذب رطوبت هوا کند و نرم شود با چاقو از بشقاب جدا کنند
در ظروف دهان بسته محفوظ دارند چون در حرارت بسیار زیاد خشک نموده
البومین این شیره منجمد نشود و ضرر کاملیت اجزاء موثره محلوله در آن میماند و البومین
و کلرفیل که غیر موثراند در این عصاره یافت شوند بکار از دیاد مقدار که در این
عصاره یافت میشوند اجزاء موثره آن محفوظ تر مانده اند و علاوه بر این معلوم
گشت که بعضی اجزاء غیر محلول این نبات یکی از خاصیت موثره عاری است
قسم سیم برگ بلادونه خشک را نرم کوب کنند و با نصف وزن آن آب سرد
بخیسانند و چند نوبت با آب ۲۰ لیکیمی یکون نمایند مایعات را صاف
کنند و در ظرف با حرارت حمام ماری قوام آورند بهمین قاعده که ذکر کردیم عصاره
بزرالبنج و تاتوره را بدست میآورند
عصاره نباتات طایفه سلانه در طب بسیار معمول اند و وقتی که درست ساخته
باشند ادویه مجربه بسیار خوبی هستند کلیه این عصارات معمول است
و گاهی جزء سایر ادویه نما کنند و در غسولات و حقن نیز داخل کنند حب آنها
نیز بسیار معمول است

شربت بلادونه *sirop de belladone*

عصاره بلادونه	۱	آب مقطر	۱۶
شیره شکر	۳۰۰		

عصاره را در آب حل کنند و صاف نمایند و بر شیره شکر افزایند و بواسطه
حرارت آن شیره شکر را بغلظت اول رسانند شش مثقال این شربت
درکه عصاره دارد شربت بزرالبنج و تاتوره را نیز چنین سازند

روغن بلادونه *cérat belladone*

عصاره بلادونه	۱	روغن جالینوس	۴

مطابق معمول مخلوط کنند در تشنج رحم تفریح نماید

مطبوخ بلادونه *hydrolé de belladone*

آب اجزاء محلوله بلادونه را اگر به کلی سازند و مطبوخ این نباتات
باید بر عصاره اینها ترجیح داشته باشد زیرا که از غلیان متصاعد میگردد
چنانچه برگ بلادونه را در آب جوش دهند و در دافع استعمال کنند و جهت
غسول و حقن سی مثقال برگ خشک را در ۱۳ سیر آب دم کنند معمول دارند که گاهی
بزرالبنج و تاتوره و عنب الذئب نیز موجود استعمال و تقریباً به قدر بلادونه
است گاهی این چهار برگ را مخلوط میکنند و سی مثقال از این مخلوط را در ۱۳ سیر
آب دم میکنند و از آن غسول و اماله مخدر نمایند

بخور بلادونه *fumigations de belladone*

مطبوخ آن	شقیق ۲۰۰	بلادونه مسحوق	۲۰ نخود

در ظرف مخصوص بخور ریخته چنانچه سابقاً ذکر داشته ایم با حرارت ۴۰ تا ۵۰ بخور
نمایند و هر ۲۴ ساعت از ۱۰ تا ۲۰ نخود برگ بلادونه مصرف نمایند این بخور جهت رفع
سیاه سرفه معمول است و در سل الریه نیز استعمال کنند

محلولات الکلی بلادونه

عصاره الکلی بلادونه *extrait alcoolique de b.*

برگ بلادونه مسحوق را با نصف وزن آن الکل ۸۵ درجه مخلوط کنند و در ظرف مخصوص
لیکیویاسیون نقطیر نمایند ولی از ۱۲ ساعت با الکل ۵۶ درجه دیگر اجزاء محلوله آن را جدا
نمایند و آن الکل را فوراً با آب خارج کنند بمحض آنکه یک قطره آب داخل محلول الکلی
نشده و موجب کدورت آن گردد دست از عمل باز دارند محلولات الکلی را جمع
نموده جهت گرفتن الکل تقطیر نمایند و بعد تقطیر را بغلظت عصاره قوام آورند
این عصاره البومین ندارد زیرا که بواسطه الکل منجمد شده و کلرفیل دارد و
همچنین اجزاء عامله بلادونه در آن موجود است عصاره الکلی بزرالبنج و تاتوره
را نیز چنین سازند

شمع بلادونه *emplatre de belladone*

عصاره الکلی بلادونه	۹	سقز الی	۲
موم سفید	۱		

موم و نقره را ذوب کنند و عصاره را مطابق معمول جزو مواد ذائبه نمایند شمع

بزرالبنج و تاتوره را نیز چنین سازند

شیاف عصاره بلادونا suppositoires d'extrait de bel.

موم سفید ۳ عصاره الکلی بلادونا ۱

مرهم پوپولئوم populeum ۸

مرهم را با موم ذوب کنند و با ورقهای مقوی شیافهای کوچک بریزند این شیافها

در بواسیر بسیار نافع اند سابقاً عصاره مایه استعمال میکردند ولی اکنون جوهرات

رات الکلی در مواد دسمه زودتر محلول شوند این نسخه معمول تر است

تنطور بلادونا teinture de belladon

بلادونا خشک ۱ الکل ۶۰ درجه ۵

با ...

تنطور بزرالبنج و تاتوره و توتون را نیز چنین سازند

تنطور بلادونا تازه teinture de belladon

بلادونا تازه ۱ الکل ۹۰ درجه ۱

نباتات را بکوبند و الکل را در هاون ریزند پس از چند روز خیس با فشار از صافی گذرانند

و با کاغذ صاف کنند اینگونه تنطور در نهایت خوب است از تمیز نباتات طائفه سلانه را

معمول نگاه میدارند

محصولات اتری بلادونا

تنطور اتری بلادونا teinture éthérée de belladone

بلادونا خشک ۱ اتر کوهی ۴

بلادونا را نیم کوب کنند و در اسباب لیکسیویون ریخته اتر در آن ریزند پس از

سه روز هم ورت و واسطه آب اتر را خارج کنند بعضی از اطبا این تنطور را بسیار خوب

میدانند تنطور اتری بزرالبنج و تاتوره را نیز چنین سازند

محصولات دهنی بلادونا

روغن بلادونا huile de belladone

برگ تازه بلادونا ۱ روغن زیتون ۲

برگهای تازه را بکوبند و با روغن در هاون آتش بجوشانند تا تمام آب نباتات خارج

شود بعضی از دواسازان تنک داده در اینکه ماده عامله نباتات طائفه سلانه در روغن

بحد کافی حل نشود روغن بزرالبنج و تاتوره را نیز چنین سازند

بلسام ساکت baume tranquille

(syn. baume de pièce tranquille)

برگ تازه بلادونا ۴ برگ تازه بزرالبنج سیاه ۴

برگ تازه عنب الثعلب ۴ برگ تازه توتون ۴

برگ تازه کوکنار ۴ برگ تازه تاتوره ۴

بن گل افسنتین ۱ بن گل اسطوخودوس ۱

بن گل نعناع ۱ بن سیر ۱

بن گل زوفا ۱ بن گل بودنه ۴

بن گل مرزنجوش ۱ بن گل قنطوریون ۱

حاشا ۱ برگ خشک اقطی ۱

برگ خشک رمان ۱ روغن زیتون ۱۰۰

بعضی دواسازان بجای نباتات معطره چند قطره عطر آنها را استعمال کنند و طرز ترکیب

هم بدانند و قاعده کلیه است که نباتات تازه را در هاون مرمری بکوبند و با روغن

زیتون در پاتیل مسی با آتش ملایم بجوش آورند تا آب نباتات خارج شود با فشار از

دستمال صافی بگذرانند و قبل از سرد شدن آن در نباتات خشک که قطعه قطعه

کرده اند ریزند و بیست روز گذارند بعد مجدداً از صافی بگذرانند و گذارند ته‌نشین

شود این بلسام سکت معمولی است از مواد مخدره نباتات طائفه سلانه واد

۵۴ قراره نباتات معطره در اوجاع مفاصل تدریج نمایند غالباً این روغن را از

چند روز چرکین و کدر گردد سبب این کدورت رطوبت مواد سبز نباتات است

در آن این رطوبت باستعانت حرارت جزئاً محلول شود پس از سرد شدن مجدداً رسوب

کرده باید این روغن را از روشنائی محفوظ داشت و گرنه زود رنگ شود

روغن بلادونا huile de belladone

بلادونا تازه ۱ مرهم لاله ۲

چنانچه در روغن سابق ذکر کردیم عمل کنند

ریشه بلادونا racine de belladone

اگرچه خاصیت تمام اجزای ریشه بسیار است ولی در طب بندرت استعمال شود مگر در گرد

که منسوب است به وتزلر حکیم

گرد وتزلر poudre wetzler

ریشه بلادون مسحوق ۱ نخود قند ۲۰ نخود

جفت را دو قسمت کنند و در شبانه روز از دو الی شش قسمت از آن در سیاه سرفه

اطفال بخورانند

ثمر و بزر بلادون fruits et semences des solanées

ثمر و بزر بلادون اگرچه خاصیت تمیز آن بسیار است ولی در طب بسیار کم معمول اند

تخم بزرالبنج در بعضی نسخ جزء بعضی حبوب میشود

عصاره تخم تاتوره extrait de semence datura

تخم تاتوره ۱ الکل ۶۰ درجه ۶

تخمها را بکوبند یا آسیا کنند و دو نوبت با الکل گرم جدا در نمایند محلولات الکلی را

جمع نموده پس از سرد شدن صاف نمایند و بغلظت عصاره قوام آورند و مجدداً

عصاره را در آب گرم حل نموده و مجدداً صاف کرده بغلظت عصاره قوام آورند

شراب تخم تاتوره vin de semence de datura

تخم تاتوره ۲ الکل خالص ۱

شراب قوی ۸

مطابق معمول خیس نموده پس از چند روز صاف کنند بعضی از اطبا سازوان این شراب را
بسیار دوای خوبی میدانند

پطیون مسکن potion sédative

تخم بزرالبنج ۵ نخود جلاب ترشی ۸ عدد
آب ۲۵ مثقال

بزرالبنج و جلاب را کوبیده مطابق معمول شربه کنند

صور دادن و قدر شربت بلادن — از کو ۲ تا ۲۰ صدم گرم از عصاره الکلی
تا ۱۰ صدم گرم از عصاره الکلی شده آن ۲ تا ۲۰ صدم گرم از [illegible]
۵ تا ۳۰ صدم گرم از الکلائوئید ۱ تا ۶ قطره از تنتور الکلی و اتری ۲ تا ۱۲
قطره از شربت ۵ تا ۳۰ گرم — در شیاف بجهت استعمالات خارجی (۱۰ تا ۵۰
جزء در ۱۰۰۰ جزء) و نیز ترتیب میدهند دهن و گلیسیره glycéré از بلادن
و عصاره از بدن و کلی از روغن و غیره

صور دادن و قدر شربت تاتوره stramoine از کو ۵ تا ۱۰ دگرم
از عصاره ۵ دگرم تا ۲ دگرم از عصاره الکلی ۱ دگرم تا ۱ دگرم از عصاره شده آن
۵ دگرم تا ۲ دگرم الکلائوئید ۱ تا ۶ قطره از تنتور الکلی و اتری آن ۲ تا ۱۲ قطره

مطبوخ ان بجهت استعمالات خارجی (۱۰ تا ۵۰ جزء در ۱۰۰۰ جزء آب) و همچنین مشتقات
سیگارت برگ آن و غیره

صور دادن و قدر شربت بزرالبنج — از کو ۱ دگرم تا ۵ دگرم از مطبوخ (۱ جزء در
۱۰۰ جزء آب) از عصاره دهنی ۱ دگرم تا ۵ دگرم عصاره الکلی ۵ دگرم تا ۲ دگرم
از عصاره [illegible] ۱ دگرم تا ۳ دگرم از تنتور الکلی ۵ تا ۲۰ قطره از الکلائوئید
۲ تا ۱۰ قطره و از تنتور اتری همچنین و از شربت ۱۰ تا ۵۰ گرم

جمیع این صور متعمل است در خارج و داخل بجهت ازخیج [illegible]

پاسمین بری که بفرانسه در شیرانیز Douce - amère و هم در لاطینی آنرا
نامند Dulcamara

نباتی است متعلق بطایفه سلانه و غالبا در مواضع مرطوبه و کنج دیوارها میروید ساق
آن باریک و منشعب و پیچیده است گلهای آن بنفش و طعم آن تلخ و بعد شیرین است و از این
بابت است که آنرا بفرانسه دوس امر مینامند و غالبا آنرا در امراض جلدی و اوجاع
مفاصل و کوفت استعمال کنند و معرق نیز هست و کسیکه همیشه این نباتات را استعمال
میکنند یک نوع حرکت اعضا و کیجی در آنها پیدا میشود از این بابت غالبا بایدچند
روزی ترک کنند و خاصیت عمده آن مربوط بسلانین است ساق و شاخهای جوان
و برگ آن مستعمل است و جز ترزان و عصاره آن صورت دادن دیگر از آن معمول نیست

عصاره پاسمین بری extrait de Douce-amère

ساق خشک پاسمین بری مقدار منظور آب ۵ ۲ مقدار کافی

پاسمین را اول نرم کنند و با نصف وزن خود آب تر نمایند پس از
دو ساعت مجاورت در ظرف لیکسیویاسیون بفشرند و کم کم آب تازه
تا تمام ماده قابل الانحلال حل شود در حمام ماریا بغلظت عصاره قوام
آورند

تیزان پاسمین بری tisane de Douce-amère

ساق پاسمین خشک ۴ مثقال آب جوش ۲۰۰ مثقال

دو ساعت دم کنند این نسخه معمول مریضخانه های پاریس است

شربت پاسمین بری sirop de Douce-amère

پاسمین خشک ۱ شربه شکر ۸

پاسمین را در دو برابر و نیم وزن خود آب جوش دم کنند و مایع حاصل را
با شربه شکر بغلظت شربت قوام آورند شش مثقال این شربت ۲۰
نخود ساق پاسمین دارد

نیکوتین $C^{20}H^{14}Az^{2}$ nicotine

تنباکو tabac نباتی است متعلق به نباتات طایفه سلانه و صورت
تجزیه آن از قرار است نیکوتین و نیکوسیانین و ماده عصاره و صمغ و گلوتن و البومین و نشاسته و اسید ملیک و نیترات و املاح دیگر

نیکوتین در برگ تنباکو یافت شود خواه قبل از انقلاب برگ یا بعد از انقلاب
او و در ریشه تنباکو نیز این جوهر یافت شود و این جوهر یکی از مواد قلیائیه
بسیار قوی است و از سموم بسیار خطرناک و بالنسبه ازت بسیار دارد و از
اکثر ان تشکیل عارت است و غالبا مایع است لطیف و دهنی شکل ولی در زیر
سرپوش ظرفهای دانهای ریفیه منعقده رابسته کنند که بسیار باشکال میتوان آنها را
جمع کرد زیرا که چنان جاذب الرطوبه است که بمحض خروج از زیر سرپوش
جذب رطوبت هوا نموده مبدل میشود اگرچه نیکوتین در سرما بو ندارد
ولی به اعانت حرارت بوی تندی از آن استشمام شود و بخار آن بسیار تند
است و در حلق کمی حس و قلقلی میدهد و با نصف کیله خود آب حل شود لطیف
و بخودی خود ولی اگر آب از حد مقدار تجاوز نماید مایع کدورت بهم رسانده و در
الکل و اتر داخل است و بسیار قلیائی است و بالا مرکب شده
املاح معینه تولید آن و املاح نیکوتین قابل انحلال و جاذب الرطوبه اند
و بسیار محلل اند در آب و الکل و اتر قلیائیات و جوهر مازو مانع ترکیب آنها شود
و طرز ساختن آن است که مطبوخ تنباکو را قوام آورند تا یکی رجه به بند و این
عصاره را با سه مقابل خود الکل ۳ هم زنند تا درد رسوب کند آنچه که بیشتر
آن عبارت است از ماده دیگر و یک مایع زرد رنگی نیز بدست آید آن مایع را جمع نموده
بغلظت شربت قوام آورند و بهتر است که مجدداً باز با الکل حل و دوباره تقطیر کنند

حل کنند عصاره را تا قوام آید با پتاس محلول در آب مجاور کنند و بگذارند
سرد شود پس از سرد شدن با اثر بهم زنند نیکوتین در اثر محلول گردد و کم کم در آن
اثر باید یک لیک مسحوق ریزند تولید یک ملح نیکوتین شود و قطرات این
نمک در قعر ظرف جمع شوند بازجهد بجهت تجزیه این نمک پتاس محرق افزایند
و با اثر مجاور نمایند و با حرارت آب جوش اثر را بخار کنند ولی این جوهر
پس از خشک کفایت نمیکند بلکه باید یک شبانه روز در حمام روغن ۱۴۰ درجه
حرارت گرم کرده بخار شیه در حین قرع را از اکسیژن خالی نمایند و در انبیق
میرانند حرارت را به ۱۸۰ درجه رسانند جوهر تنباکو تقطیر شود بدون رنگ
و خالص این جوهر در ۱۰۰ اجزاء از تنباکو از ۴ تا ۱۲ اجزاء موجود است و
تنباکوی منقلب مقدار جوهرش کمتر است و این تنها تأثیر است ولی نهایت
که در حین انقلاب اینها تولید میشود و نمک نیکوتین را تجزیه میکند این
است و لیکن بسیار احتمال میشود در طب تنباکوی منقلب را کاملاً استعمال میکنند
مواد است بسیار تند و خطرناک است ... این جهت اوائل عطسه بسیار
معمول است و بخور آن در مستقیم اشخاص غرق شده مجرب است و حقنه آن
از ۱۰ تا ۲۰ نخود در مفلوجان و سبات عمیق و در خفه مختنق معمول است
و در خارج عموماً جهت جرب رطب و یابس استعمال شود (۱۰ اجزاء در ۱۰۰۰ اجزاء آب)

کنیین Conicine
ou Cicutine.

شوکران Cigue مقصود متعلق است به نباتات طایفه چتری و دارای جوهر
قلیائی است که موسوم به کنیین Conicine یا سیکوتین Cicutine
و کنیئی Conicine و کنین Conine نامند فرمولش C⁸H¹⁵Az
جانشه دیگر ... با بوی موش است و این تغییر رنگ با هم بسیار تند این آن
قلیای شوکران و تنباکو دارای بوی موش است و مدتی شوکران که میل از انحلال
و قوه سمیت آن بسیار است چنانچه یک قطره آن سگ را فوراً هلاک
میکند و ذوب میشود است در درجه ۷ حرارت بجوش آید آب سرد $\frac{1}{100}$ وزن
خود از آن حل کند و آب جوش کمتر حل نماید و در الکل به مقدار محلول است
و محلولی که از یک جزء کنیین و چهار جزء الکل ساخته باشند با آب در دو نیم
آب ... شش وزن خود از کنیین حل کند در ادهان فراره و ثابته
نیز محلول است این جوهر در مجاورت هوا بسیار سریع الفساد است اول برنگهای
قسمتی مختلف متلون شود و عاقبت قهوه تیره گردد محلول آن از اثر دو
فاسد در مجاورت هوا تقطیر شود زیرا که بسهولت تجزیه شده تولید انبانک
و ماده تغییر کنند محلولات این جوهر رنگ قرمز تورنسل را آبی نماید با جوهر مقطرات
مرکب شده تولید املاح معدنی نماید و املاحی که با جوهر حامض انها جوهر
کوکو ... و فسفر و اسید یک لیک انها تا بحال انعقاد ...
املاح کنیین غالباً دارای بوی ... شفته و در مرطوب انها ... کنیین

میوه این جوهر را از برگ شوکران کشیده اند ولی بذر شوکران مقدار جوهرش
بیشتر است
جهت اخذ آن بذر شوکران را با محلول رقیق پتاس تقطیر نمایند تا وقتیکه
بعد آن تا بحال شود مایع مقطر را با جوهر گوگرد اشباع کنند و بغلظت شربت قوام
آورند و بعد از آن مایع مخلوط از دو قسمت الکل و یک قسمت اثر بیفزایند و بعد از
آنها که دراین باکارشانه تا دیگر در دو لوله سه دانها که حاصل شود بعد از آن
الکل را بواسطه تقطیر از آن مایع بگیرند و بعد تقطیر را با قدری پتاس محرق
مخلوط در قرع ریخته مجدداً تقطیر نمایند کنیین با قدری آب مقطر شود رطوبت آنرا
بواسطه تجزیه تقطیر در درجه کلرور دو کلسیم بگیرند

شوکران Cigue مقصود

بشکال استعمال شوکران واجزاء آن در زمانهای حقیقت مقدار کنیین است
و بخصوص فساد است در اعمال شیمیائی و مطلقاً میتوان گفت که ثمر شوکران
از سایر اجزاء این نبات سکوتینش بیشتر است و این جوهر در آن ثمر بهتر
محفوظ مانده و دوامش بیشتر است از این باب است که متأخرین اطبا و دوا
سازان ثمر را بر سایر اجزاء شوکران ترجیح داده و سایر اجزاء را تغییر داده
تهیه به ثمر مخصوصاً تازه انها را باید در دسترس داد و کم کم بمقتضای ضرورت
از آنها کوبیده و در ظرف دهان بسته محکم حفظ نمود از قرار یکه بعضی از

در امتحان تجزیه کرده اند تقریباً در پنج نخود ثمر شوکران خمس گرین کنیین موجود است
بعضی برآنند که مقدار این جوهر در بعضی اثمارش از اینها است و میگویند که باید در
جمیع نسخ معمول مقدار این ثمر را کمتر کرد ولی چون این نسخ در اعمال طبا مجرب
شده اند و ضرری وارد نیامده تغییر لازم نیست همین قدر باید دانست که میل از اینکه
اطبا متقدمین در رشته این سیکوتین داده

حب ثمر شوکران pilules de fruits de ciguë

ثمر شوکران مسحوق	۵ نخود	شیره بکو	مقدار کافی

صد حب سازند و این حب را نمره اول نامند و حب نمره دو پنج برابر مقدار
ثمرش بیشتر است

شربت ثمر شوکران sirop de fruits de ciguë

ثمر شوکران مسحوق	۲ مثقال	شیره بکو	۴۰۰ مثقال

بواسطه الکل ماده عامل ثمر شوکران را بگیرند و آن تفتیت الکلی را به شیره بکو بیفزایند
و با هر عطری که خواهند معطرش نمایند هر قاشق از این شربت قوت دو گرم بذر
شوکران دارد

اثر شوکرانی

بست مثقال ثمر شوکران را کوفته نرم کوبیده و ۲۰۰۰ سانتیمتر مکعب الکل
بر آن افزوده پس از ۲۴ ساعت مجاورت مطابق معمول لیکسیویاسیون

کنند بقسمی که ۴۰۰ تا قیمت تنطین الکلی داشته باشند این تنطین را با ۴۰
مریه غلظت شربت قوام آورند و با قدر کمی آب مجاور نموده روغن سبزی که در ان
پیه انقوز کبر نزودان محلل باشد را در شیشه ریخته با قدری تکان محرق و بیخ
شقایق اتر بهم زنند و اتر را از ان جدا نمایند و کمیه دا اتر را افزایند چند
دفعه تکرار عمل کنند تقریبا ۲۰۰ شقایق اتر جهت حل مواد عامله شوکران
کافی است این محلل اتری در استعمالات طبی شوکران معمول است

بلسان شوکرانی — baume cicuté

اتر شوکرانی ۲۰ مثقال — روغن باله ۲۰ مثقال

در هوای آزاد اتر این شوکران را که آنها را بخار نمایند و وقتیکه کنیسین شروع
کند در اطراف ظرف قطره قطره جمع شود روغن را اضافه نموده
بشدت بهم زنند تا تقریبا تمام اتر بخار شود این روغن را در بعضی علوم
تمریخ میکنند و در بعضی قروحات نیز استعمال میشود

احتقان کنیسین — injection de conicine

تنطین الکلی شوکران ۲۰ مثقال — آب آهک ۱۸۰ مثقال

مخلوط نموده صاف کنند آهک املاح کنیسین را تجزیه نموده تولید کنیسین آزاد
بقسمی که بعینه مخصوص آن استشمام گردد

برگ شوکران — les feuilles de ciguë

دارای

برگ و ساق شوکران دارای سکوتین هستند و مادۀ جوهر مطلق در انها کمتر
است باید شوکران را زیاد کنده نرات و مکرر تجربه نمود و در ظروف دهان بسته
محفوظ داشت و در صورت تهیه صور دوائی آن باید کمال دقت را مرعی داشت
زیرا که کنیسین بسهولت تجزیه شود کنیسین بالطبع در نباتات بحالت
ملح است و هر قدر بیشتر برای تجزیه میشود و اگر مدتی در دست از او محفوظ
نگاه دارند بعد از آن بخوبی شمیم میشود بهترین اوقات جهت آن وقتی است
که برگ و ساق نمو کامل نموده گل آن شروع در شکفتن نموده برگها را
باید خوب پاک کرد و در کمال تعجیل خشکانید بقسمی که بو و رنگ آن جنبه آن تغییر
نکند تقریبا شوکران تازه یک خمس شوکران خشک میدهد

لوازمی که در انها تمام شوکران معمول است

سفوف شوکران — poudre de ciguë

شوکران را در هاون مرمری بکوبند تا سه ربع آن کوفته شود در صورتیکه درست
کوبیده باشند و خوب پاک کرده باشند سفوف برگ شوکران سبز خوش رنگ است
وقتی شوکران بخوبی از آن استشمام میشود از خواص بحالت سفوف با شکر حب
میخورانند و غالبا با ادویه بسیار منضم مینمایند که البته است بحالت ترخص
و نسخه طبیب

ضماد شوکران — Cataplasme de ciguë

شوکران سحوق ۲ مثقال — آرد بزرک ۷ مثقال

آب ۳۸ مثقال

مطابق معمول بحرارت ملایم ضماد سازند

ضماد دیگر

شوکران سحوق مقدار منظور آب مقدار کافی در حمام ماریه بجوشانند طبخ جزئی دهند

محصولات شوکران

املاح طبیعی کنیسین در آب محلولند و در شیره نباتات و آبیکه از مجاورت
شوکران خشک و آب حاصل میشود این املاح یافت شوند شیره شوکران را از فشردن
نبات تازه آن بدست میآورند معمولا این شیره را با کاغذ صاف نموده تقریبا هرگز
به تنهائی استعمال نشود و ماجزو بعضی نسخ دیگر میشود

عصاره شوکران — extrait de ciguës

بقواعد مختلفه با شوکران عصاره میسازند ولی باید ملاحظه کرد در قدر شربت آنها
زیراکه در قوه متساوی نیستند

عصاره شیره مصفی شوکران — ext. de ciguë (suc dépuré)

شیره شوکران را بواسطه حرارت حمام ماریه و گذرانیدن از صافی پشمی تصفیه کنند و با
حرارت ملایم بغلظت عصاره قوام آورند بعضی برآنند که قوه این عصاره از سایر
اقسام آن کمتر است ولی در هر صورت معمول ترین عصارات شوکران مطابق دکودکس

دوائی

دوائی فرانسه همین عصاره است و تا وقتی که طبیب بخصوصه قسم دیگر از عصاره
را نخواهد باید همین قسم را استعمال کنند از جمیع صور دوائی شوکران عصاره
آن بیشتر معمول است غالبا بعضی کوهای غیر مؤثر از آن استعمال کنند یا آنکه کوه
خود شوکران یکی از غیر مؤثر دیگر حب سازند

عصاره شوکران غیر مصفی — extrait avec fécule de c. de

شوکران را بکوبند و داخل پارچه بفشرند و در قسمت نشسته و از پارچه صافی
بگذرانند و هنوز صاف نشده در بشقابهای چینی بگسترانند و در گرمخانه که از
۳۵ تا ۴۰ حرارت داشته باشد بقوام آورند با غلظت عصاره شود
باید دقت کرد که پرده عصاره بسیار ضخیم نباشد ۲۴ ساعت توقف در
گرمخانه کافی است این عصاره در کمال خوبی بوی شوکران را میدهد سابق
بر این این عصاره را بحرارت حمام ماریه قوام میاوردند ولی اکنون چون
احتمال میرفت که قدری از ماده عامله در حین انجماد ابوی جزء آن تلف شود
این قاعده متروک است ۱ جزو این عصاره قوتش مساوی ۵ جزو عصاره
سابق است

extrait de ciguë (suc non dépuré)

عصاره مائی شوکران — extrait aqueux de ciguë

شوکران سحوق را با نصف وزن آن آب ترکنند و بعد از دو ساعت
مجاورت در اسباب لیکسیویاسیون بفشرند و مطابق معمول اجزاء عامله

الکل با آب ۵ و ۲ بگیرند و در حمام ماریه بغلظت عصاره قوام آورند این
نوع عصاره بندرت استعمال شود زیرا که شوکران در حین خشک شدن ۵
از قوه و ریکه ذاتی خود را فاقد کلی بهم میرساند

محلولات الکلی شوکران

الکل اتلاف طبیعی کنیین را حل میکند و علاوه بر اینها کلروفیل و مایه
صمغی از او محلول ساخته شود و متقدمین دواسازان او مایه صمغی را ماده
عامل شوکران میدانستند

عصاره الکلی شوکران ext. alcoolique de ciguë

شوکران خشک را کوبیده با ضعف وزن خود الکل ۵۶ درجه بخیسانند در
وسط دو کرده ها بر لیکسیو بالیون بفشرند بعد از ۱۲ ساعت با الکل ۵۶
دیگر با ده عامل از او محلول کنند و قطیکه عمل با تمام رسید بعض اجزاء
فزایند تا الکل اخیر آن خارج شود و قطیکه قطرات آب مایه کدورت محلول الکلی
نشوند علامت اتمام عمل است این عصاره از سایر قسمهای عصارات شوکران قوی
بیشتر است و یکی از ادله قوه او قلت زمان تبخیر است [illegible] در مجاورت هوا
این عصاره جزء اصلی شمع شوکران است

شمع شوکران emp. de ciguë de planche

این شمع منسوب است به پلدنش صاحب این نسخه معتبرترین نسخ سابق ا

که در کتب قدیمه دواسازی شرح از عصاره الکلی شوکران و صمغ [illegible]
مصطفی ۲ موم صفید ۱ صمغ و موم را با حرارت ملایم ذوب کنند و عصاره را
افزوده بهم زنند قوه این شمع بسیار است زیرا که ربع او عصاره شوکران
است

تنطور الکلی شوکران teinture alcoolique de ciguë

شوکران خشک	۱	الکل ۵۶	۵

۱۵ روز بخیسانند و باقی را از صافی بگذرانند و با کاغذ صاف کنند

الکلاتور شوکران alcoolature de ciguë

شوکران تازه کوبیده	۱	الکل ۸۶	۱

۱۵ روز بخیسانند و باقی را از صافی بگذرانند و با کاغذ صاف کنند

محلولات اتری شوکران

تنطور اتری شوکران teinture éthérée de ciguë

شوکران خشک کوبیده	۱	اتر کوگلی	۴

مطابق معمول بواسطه عمل لیکسیویاسیون تنطور کنند

محلولات دهنی شوکران

ابدال دسمه و صمغ به تنهائی یا با هم با شوکران از قدیم الایام معمول بوده از
دهنو زجوز کتب دواسازی هستند و بعضی از معتبرین دواسازان در دوجه

تنک طبیعی نیکوتین در دهن لوله رنگ دارند

روغن شوکران huile de ciguë

شوکران تازه کوفته	۱	روغن زیتون	۲

در دیگ آتش ملایم بریزند تا آب نباتات خارج شود پس از آن باز قدری با آتش
ملایم ترکیب را گرم دارند و باقی را از پارچه صافی بگذرانند و بگذارند ته نشین شود
یا با کاغذ صاف کنند

روغن تمرخ شوکران pommade de ciguë

شوکران تازه کوفته	۱	روغن پیه	۴

با حرارت ملایم بریزند تا رطوبتش خارج شود باقی را از پارچه صافی بگذرانند و بگذارند
ته نشین شود [illegible] نباتات از اجزاء الکلیه این روغن را در لیتن قرحات کوفته
بکار برند

شمع شوکران emplatre de ciguë

صمغ کاج	۱۵	موم زرد	۱۰
صمغ بورگنی	۷	روغن شوکران	۲
برگ تازه شوکران	۳۲	اشق	۸

مواد دهنی را ذوب کنند و شوکران کوفته را بیفزایند و طبخ دهند تا تمام
رطوبت نباتیش خارج شود و در لای قیمه یا مسکنه گذارند و بعد از سرد شدن ال

نباتی از اجزاء الکلیه [illegible] با پارچه شمعی را ذوب کنند و اشق را در الکل ۵۶
حل نموده بغلظت عصاره قوام آورند و بر شمع بیفزایند این نسخه در بسیاری از دوا
خانها تغییرات کلیه یافته و آن شمعی که منسوب است به پلدنش صاحب رجحان
کلی بر همه دارد

مقدار دوائی و قدر شربت آن از ۵ سانتیگرم تا ۱ گرم از عصاره ۱۰ تا ۲۵
صد گرم عصاره غیر مصفی [illegible] ۵ تا ۲۰ صد گرم عصاره
الکلی ۵ تا ۲۰ صد گرم از شربت و تنطور الکلی ۱۰ تا ۳۰ قطره الکلاتور و تنطور
اتری ۳ تا ۱۲ قطره

امتین émetine $C^{30}H^{22}Az^{2}O^{8}$

یکی از قلیائیات نباتی است که در سنه ۱۸۱۷ بواسطه اتحاد magendie
و پلتیه [illegible] در سه قسم ایپکا که متعلق یکی از نباتات طایفه روبیاسه
rubiacées که معمولی ترکیبات نباتات امتین را یافته اند و بعد از آن
برانتس brandes صاحب [illegible] در ریشه کاینسا claïnça که
متعلق به نباتات همین طایفه است پیدا کرد ایپکا بغیه یافته اند که
سه صد یک [illegible] در ۵۰ درجه حرارت ذوب شود در آب سرد محلول
در آب گرم محلولتر است الکل [illegible] در اتر و دهنیات تقریبا غیر محلول است

جوهر شوره قلیائی از آنچه می‌کنند با آنکه تغیر داده باشند کالمیک مطبوع سازد و محلول سه
کالمیک از آن از محلولات نخورد آب کنند جوهر خالص بی نمک سرب در آن رقیقه
و اگر رنگین بیش آنرا در دکنه خامضات را نخورده اشباع کنند و احدی که بوی
می‌آید انفعالات ناپدید از محقق ارکسیر یکی للذات که محقق از قبیل امتین ساخته
شود خالی بر سر آنکه قاعده ساختن آن هنوز ناقص است

طرز ساختن آن عصاره از اپکا با الکل ۹۲ می‌سازند و آن عصاره را
در ده جزء آب صاف کرده صاف نمایند تا آنکه چرب آن خارج شود بعد آن را
بعد در عصاره که استعمال کنند از عنبر مکلس خرفانیه و حرارت دهند تا خشک
شود آنچه باقی میماند نرم کوبند و با چهار یا پنج جزء آب سرد شویند و بعد داخل قرابه
و با الکل جوش حل در کنند تمام این الکل را تقطیر نمایند و نفع که باقی میماند با
جوهر کوکرد رقیق و زغال حیوانی حل در کنند و بعد امتین را بواسطه امانیاک
در د نمایند در جمیع مدت عمل مایعات غلیظ بشوند زیرا که امتین در آب
محلول است از همین بابت است که در محصول از عنبر را نمی‌شویند با وجود
این حال قدری از امتین در آبهای ماله میماند و از این بابت است که همیشه از
محقق از اپکا محقق از کمی امتین بدست می‌آید مثلا از ده نخود اپکا که غالبا
قدر شربت است جهت قدری امتین بدست نمی‌آید که متعلق بعضی اطبا است
بعضی دیگر میسازند بعضی از اطبا امتین را ترجیح میدهند بر نخود اپکا حاضر در شربت

امتین

و قرص در شربت یک جزء امتین و ۰۰ جزء شربت مخلوط میکنند و در قرص
یک جزء امتین و ۵۵ جزء قند و مقدار کافی لعاب مخلوط کرده قرص ۱۲ اکنه می
سازند

اپکاکوانا ipécacuanha

نباتی است بسیار خوب که یک قدم طول دارد و در سر شاخهای آن از چهار الی
هشت برگ است و در سمت تحتانی آن یک نوع ساق ریشه مانند است که بند بند
تسبیح با مغز و محکم است و ماده معمول طبی این نبات عبارت است از همین ریشه
و این ریشه خاکی رنگ و قطر دو متلث (مانند تقمه و قلم) اپکا نشو و این نبات از
مملکت برزیل است و آنچه در دولت فرانسه معمول است اپکای خاکی رنگ است موجود
استعمال آن در طب مانند مقیئات است ولی در سایر موارد نیز معمول است
اپکا شهرت تمامی دارد در معالجه در سینه و استعمال همه نکات اخراج بلغم در
نزلات مزمنه دارد و اخر دکام ... نوع دارد که تمام مردم فرانسه طبیب استعمال میکنند
صورت تجزیه آن از این قرار است مانند کفه بلتیه امتین و صمغ و نشاسته
و موم و ماده دسمه و ماده عصاره امتین در این ریشه بحالت نمک است
و اسید اپکاکوانیک از حیثیت ترکیب طبی و خواص بسیار شبیه به اسید کالمیک
است و طعم آن تلخ و به سهولت در هوا فاسد شود خاصه در مجاورت قلیائیات
و جذب اکسیژن

کرد اپکاکوانا poudre ipécacuanha

اپکا را بقدری بکوبند و بیزند که سه ربع آن گرد شود و آنچه باقی میماند ... خشک
سهل الانعطاف و لیکن است و انها را علاحده نگاه دارند و در ساختن امتین
یک ربع و بعضی اسبابها بدانند که باید اول اپکا را در هاون نرم کوب کوبند و
الیاف داخل آنرا چرا داخلکان بیرون آورند و آنچه باقی میماند بدون عمل کوبیده و
بهم خلاف از این کمال نیست زیرا که غالب اپکاهای بازار مخلوط هستند از ریشه
های مختلف که دانه‌ها از حیثیت قوا بسیار مختلف‌اند و بعضی از انها بقدری
ثقیل‌اند که چه اگر انها از لیف متعسر است و سفوف اپکا از خواص قوی
بیشتر است و بیشتر بیرون کردن آن الیاف خبر است

قرص اپکا pastilles ipécacuanha

اپکای مسحوق	۱	قند نفید مسحوق	۴۷
لعاب کتیرا		مقدار کافی	

اقراص ۱۲ اکنه می‌سازند و این اقراص را باید با قند بسیار نفیه ساخت زیرا که
سفوف اپکا همیشه رنگ انها را از کم تغییر میدهد و لعاب آن باید بسیار غلیظ باشد
و در هر یک صاف مخلوط را بسیار ریش دهند بدون آنکه آنرا در هاون بمزند
غالب اقراص بازار بواسطه ایتمون مقر مغشوش اند جهت تنخفیر آن باید دانه از این
اقراص را در آب حل کرده و کف دارند ... تا اقلا از روی معلوم شود که ایا اپکا

Tablette d'ipécacuanha

اپکا

محلول جزء این قرص بعد باید نیا آب از اصاف کرده اند با جوهر نمک ترش کنند
و بیرون لولفوره محلول یکبار در آن داخل نمایند رنگ آن محلول زرد شود بلکه در
زرد نارنجی اگر ایتمون داخل داشته باشد

قرص شکلات اپکا tablettes d'ipécacuanha au chocolat

اپکای مسحوق	۱	شکلات خوب	۱۲

شکلات را در حرارت ملایم با آب کمی محلول نمایند و اپکا را جزء آن کنند و اقراص
۱۳ اکنه می‌سازند این اقراص جهت اطفال گوارا است زیرا که بدون زحمت
میخورند

روغن اپکا liniment de hannay

اپکای مسحوق	۱	روغن زیتون	۱
روغن ماله	۲		

مطابق معمول روغن کنند روزی سه چهار نوبت هر نوبتی تقریبا یک ربع ساعت
در روی جلد تریح نمایند بثورات نمود قرمز رنگ در جلد پیدا شود در اطفال نسبار
ضعیف بجهة بعضی امراض جلدی معمول است

محصولات مائی اپکا hydrolé d'ipécacuanha

چون اپکاکوانا نشاسته بسیار دارد وقتیکه جزء مائی آن بخواهند استحصال
شود باید از آدم کنند و بجوش نیاید و وقتیکه در دو نسخه ریا خواسته باشند

استعمال نمایند اما بایه جوش نه زیرا که لعاب نشاسته ایپکا در صورت جوشانیدن
نیست بعضی از اطبا این نسخه را معمول میدارند

ایپکا ۴۰ نخود آب ۷۵ مثقال

سه خوراک تقسیم نمایند و هر خوراکی را علیحده بجوشانند و لیه نوبت بخورانند

عصاره مائی ایپکا *extrait aqueux ipécacuanha*

این عصاره را بواسطه لیکیویابیون [illegible] ثلث ریشه عصاره بدست آید این
عصاره را استعمال نکنند مگر به نسخه مخصوص طبیب

محصولات الکلی ایپکا

alcoolique

الکل ۵۶ درجه ایپکا را از جمیع مواد مؤثره عاری میکند از این بابت است که محصولات
الکلی این ریشه اکثر الاستعمال و متعدد دارند

تنطور ایپکا *teinture d'ipécacuanha*

ایپکا ۱ الکل ۵۶ درجه ۵

با نقع [illegible] باز [illegible] بگذرانند و با کاغذ صاف نمایند

تنطور [illegible] ایپکا *Teinture*

ایپکا ۱ عرق رازیانه ۴

مطابق معمول تنطور کنند جهت [illegible] اطفال معمول است

عصاره الکلی ایپکا *extrait alcoolique ipécacuanha*

[illegible]

با الکل ۵۶ درجه ایپکای مسحوق را تر کنند و در اسباب لیکیویابیون [illegible] از ۱۲ ساعت
مطابق معمول با الکل تازه عمل را باتمام رسانند و جهت گرفتن الکل آن تنطور را
تقطیر کنند و نفس تقطیر را بغلظت عصاره قوام آورند این عصاره معمولی [illegible]
[illegible] ایپکا ۲۲ جزء عصاره میدهد

شربتی ایپکا

تنطور الکلی ایپکا ۱۵ قند سفید ۹۷

مخلوط نموده در کرمخانه بخشکانند هر یک مثقال این [illegible] ایپکا دارد

شربت ایپکا *sirop ipécacuanha*

عصاره الکلی ایپکا ۱ آب مقطر ۸

شیره شکر ۱۵۰

عصاره را در آب حل کنند و صاف نمایند و در شیره شکر جوش بیفزایند و تا ۳۰ درجه
میزان الکل قوام آورند ۸ [illegible] مثقال این شربت یک نخود عصاره ایپکا دارد که
معادل است با چهار نخود ایپکا

امتین قهوه *emetine brune*

ایپکا [illegible] الکل ۹۲ درجه [illegible]

بواسطه الکل قوت ایپکا را بگیرند و تنطور الکلی را تقطیر نموده عصاره [illegible]
[illegible] این عصاره را در آب سرد بسیار حل کنند [illegible] قوام آورند [illegible]

بغلظت شربت [illegible] بگذرانند و در کرمخانه بخشکانند این عصاره
[illegible] و نه صمغ دارد بلکه [illegible] عصاره را نیز دارد زیرا که جمیع مواد
غیر [illegible] در الکل ۹۲ درجه [illegible] مواد [illegible] در آن موجود است زیرا که
[illegible] در آب کنند آن [illegible] جدا شود [illegible] امتین است غیر خالص
از امتین قهوه [illegible] و آن [illegible] است [illegible] استعمال
کنند

شربت امتین *sirop d'émétine*

امتین طبی [illegible] شیره شکر [illegible] مثقال

امتین را در آب بسیار کمی حل کنند و در شیره شکر جوش بیفزایند و بگذارند جوش
بزنند تا آب زیادی آن خارج شود [illegible] مثقال این شربت یک [illegible] امتین
دارد اکنون غیر مستعمل است

قرص امتین *tablettes d'émétine*

امتین ۱ قند ۱۰۰

لعاب کتیرا مقدار کافی

مطابق معمول اقراص ۵ [illegible] سازند [illegible] این اقراص را بواسطه
[illegible] مواد [illegible] کنند هر قرص [illegible] امتین دارد این اقراص [illegible]
[illegible] استعمال [illegible]

[illegible]

قرص معقی امتین *tablettes d'émétine*

امتین ۳ قند ۹۷

لعاب کتیرا مقدار کافی

مطابق معمول اقراص ۵ نخودی سازند هر قرص قدری [illegible] امتین دارد
و جهت [illegible] اطفال کافی است

محصولات خمری ایپکا

شراب ایپکا *vin ipecacuanha*

ایپکا ۱ شراب [illegible] ۳۲

مطابق معمول [illegible] کنند و صاف نمایند

شربت ایپکای مرکب *sirop d'ipecacuanha com.*

ایپکا ۱ سنا [illegible] ۳

شراب سفید ۲۴

[illegible] روز مخلوط نموده [illegible] بگذرانند [illegible]
نمایند [illegible] ۳ [illegible] آب ۱۰۰ بگذارند ۱۲
ساعت [illegible] کنند و [illegible] از پارچه بگذرانند و با شراب [illegible] مخلوط
نمایند و [illegible] جزء [illegible] بیفزایند و [illegible] قند
شربت [illegible] بواسطه [illegible] و صاف نمایند این شربت جهت [illegible]

سعال خاصه در اطفال مستعمل است

کاینچا caïnça

این نبات نیز متعلق است به نباتات طایفه روبیاسه و در قشر آن اسید خاصه است که از اجزای معمول است صورت تجزیه آن از قرار است ماده دسمه سبز با جوهر سمروالیه کافه تنیک و اسید کاینسیک acide caincique و ماده زرد عصاره تلخ و ماده ملونه از تج (pelletier et caventou) فیلتیه و کاونتو ما اسانس در این ریشه امتین نیز یافته اند و جای تعجب نیست زیرا که قشر این نبات با قشر ایپکا از یک طایفه اند

قدر شربت و صورت استعمال آن مطبوخ ۳۰ جزو در ۱۰۰۰ جزو آب تقریبا از ۱ الی ۲ گرم گرد عصاره از ۱ الی ۵ دسی گرم تنطور از ۵ الی ۲۰ گرم مستعمل است

مطبوخ کاینچا potion de caïnça

پوست ریشه کاینچا ۴۰ گرم آب سرد ۵ منقال

در شبانه روز خیسانیده و ده دقیقه بجوشانیده صاف کنند این مطبوخ را به خوراک دهند

تنطور کاینچا teinture de caïnça

کاینچا ۱ الکل ۵ درجه ۵

یک هفته روز خیسانیده و صاف نمایند

عصاره الکلی کاینچا extrait alcoolique de caïnça

کاینچا ۱ الکل ۵ درجه ۵ مقدار کافی

مطابق معمول عصاره کنند قدر شربت این عصاره چهار دانگ است

اثر

شربت کاینچا sirop de caïnça

عصاره الکلی کاینچا ۱ شیره شکر ۱۵۰

عصاره را در اندکی آب حل نموده در شیره شکر بیفزایند و به درجه میزان الکل قوام آورند و هر مثقالی از این شربت یک نخود عصاره دارد

شربت کاینچا

عصاره کاینچا ۱ قند سفید ۱۹

عصاره را در اندکی آب بلکه در اندکی الکل محلول کنند و در قند سفید بریزند و در گرمخانه خشک نموده و دانه دانه کنند

شراب کاینچا vin de caïnça

کاینچا ۱ شراب قوی ۱۶

هشت روز خیسانیده و صاف کنند

شربت خمری کاینچا

شربت کاینچا ۸ شراب قوی ۵

در حال با یکدیگر مخلوط و صاف کنند

بوکسین buxine

بوکسین شمشاد که نباتیست از طایفه اوفوربیاسه euphorbiacées ریشه و پوست در طب مستعمل است ریشه آن را بعضی از اطبا چوب ساده جهت در آن شربتی که ...

از او جاع مفاصل ماده حاصل میشود استعمال کنند و پوست آن معرق است و کسانی ماده است که بواسطه فوره faurée کشف شده جسمی است برنگ قهوه تیره و ترکیب قریب به جوهر سیاهی با طعم بسیار تلخ بدون حرارت غیر محلل در آب محلل در الکل و اندکی در اتر و غیر محلل در قلیات با حامضات مرکب شده املاحی تولید آورد که صورت منعقد شود این املاح در آب و در الکل لیته محلل اند فی الحقیقه قدر کفایت هنوز جهلکا وجود اساس در حقیقت این ماده تحقیق روا نخواهد

جهت ساختن این عصاره الکلی از پوست شمشاد به زنده و آن عصاره را در آب محلل نموده و به شکر سرب درد کنند و بعد از آن ترسب را بواسطه شیره ... فنوره راسب نمایند و مایع را صاف نموده با چیز مکرر خشک نموده در درجه حاصل می شود و کسانی ... از آن با الکل شوینده ... تجزیه بعضی از اشجار در بیاید اجزاء این نبات نیز وکسانی موجود است و بعضی از برگ این هم در جزء گرفته اند و پوست این نبات معرق است و در جای استعمال بدان مطبوخی ترکیب دهند و بها است که با کرا قدر شربت آن از شش الی ۱۲ مثقال است

کافه این caféine $C^{16}H^{10}Az^{4}O^{4}$

این الکلیه در سه نبات مختلف الجنس هست که عبارتند از قهوه (...) و چای (...) و گوارانا (martius) اگرچه خاصیت این سه نبات شبیه یکدیگر نیست ولی شکی نیست که وجود آن به خاصیت

théine, guaranine

کافه ایت ماده ایست قابل انعقاد که با آب منعقده گردد و این آب بلور را در صد درجه حرارت از دست دهد یا از هوا و از ته بسیار قریب و تقریبا از آن از جمیع اجزاء الیه معروفه بیشتر است که در صد جزو آن جزو ازت دارد و سفید رنگ و دو پوست طعم آن اندکی تلخ است و استقلال آن تلخ و بالتغافت او لیته اند در ۱۸۰ حرارت ذوب شود و در ۳۰۰ حرارت متصاعد گردد در آب سرد $\frac{1}{50}$ از ماده اولیه و در آب گرم بیشتر حل شود بطور قوی نیز از آن کم حل کنند و در الکل حلی است اما از اینها که محلل نماید در اتر و جوهر تربانتین غیر محلل است

جهت ساختن آن قهوه را با آب جوش مکرر رها نموده و عصاره سازند عصاره را در آب محلل نمایند تا ماده دسمه آن خارج شود و در آن محلل باشد و رات در ایسه در مرحله آخر اینه تا مواد ملونه آن جدا شوند و باقی این در ... را جدا کنند و تغلیظ شربت رقیقی قوام آورند تا بعد از سرد شدن کافه این منعقد شود و بواسطه حل و دفعه متوالی و فرو در زغال حیوانی از آن خالص نمایند

قهوه café

قهوه بذر یکی از نباتات طایفه روبیاسه است و بسیار از شعبات ها متوجه تجزیه آن شده اند و با حاصل جمیع آنها مختلف بوده است یقین در ترکیب بذر آن هنوز معلوم نیست اجزای که یافته اند عبارتند از کافه این و کافه ات در پتاس و

grains de coffea arabica

[illegible]

[illegible]

کافئین و جوهر لیمو و دهن فرّار و ماده صمغیه و موم قهوه رنگ و روغن زرد و موم و روغن جامد
و ماده شبیه به روغن نارجیل و مواد عصاره و گلوکوز و اسید کافه تانیک و اسید کافئیک
در حین بو دادن قهوه آن ادهان فرّاره متصاعد شوند و باعث خوشبو شدن میگردند
بهترین قهوه‌ها آنست که از مخا می‌آورند قهوه بو نداده قاطع حمی است مطبوخ آن معمول
است قدر شربت آن دو مثقال است بطور مطبوخ و جوشانده و شربت

بهم عامل آن کافئین است
خواص هیجان‌آور مقوی و محرک است

چای thé

چای برگ درختی است که از یک جنس از متعلق از نباتات طایفه
کاملیه camelliées و از جنس‌ها قسم مختلف دارد و خوب و بهترین آن چینیه
است به قسم و مبیت و نازه‌ها و لکتی برگ و جنس مخلوط و مثال آن مقدار کافئین
در چای کاهی به عده ده میزان و سایر اجزای چای نیز تفاوت زیاد دارند تعیین که در بعض
مقدار است در صد جزء شش جزء و نیم میزان دهن فرّار چای زیاد است و مخلوط
و جنس از ارباب است بعد از آن بسیار نیست بلکه ممکن است مواد استعمال چای قدری
معروف است که محتاج به بیان نیست لغوف آن محرک است بسیار قوی
دم کرده چای (۵ تا ۱۰ جزء در ۱۰۰۰ جزء آب) محرک و دافع خستگی است
غیر متعفن است با آب اگر سرشته املاح آهن و جا نیز هست دم کردن
در ظرف چینی که قطع ادهان و ... نباشند

گوارانا guarana

این مواد خمیری است مرکب از تخم یکی از نباتات که از جنس paullinia
و از طایفه سابینداسه sapindacées که زیران نبات را خوب کنند
و دانه‌ها را آب کوبی مسحوق نمایند و خمیری سازند و با آن خمیر کلوه‌های استوانه ترتیب دهند
گوارانا دوای قابض است بسیار مقوی و در ینگی دنیا معمول است

ادویه حیوانی

médicaments d'origine animale

موادی که از حیوانات در طب معمول است بسیار کم و قلیل و بکلی متروک شده و عبارتند از
زهره گاو و گوشت عصاره گوشت و شیر و تخم مرغ داوره و دوای نافع

زهره گاو bile de boeuf

هیچیک از مواد حیوانی مانند صفرا بنا به کمبود حکمای طبیعی نشده و هیچ جسمی نیست که ترکیب
باطن آن به صفرا اینگونه و سبب کافیست که در کمال سهولت اجزای صفرا منقلب
شوند و تولید اجسام جدیده کنند و آن اجسام جدیده نیز بواسطه اسباب جزئیه منقلب شوند
صفرای گاو در صد جزء هفت جزء اجسام جامده دارد و این اجسام جامده یا بالاصاله
در صفرا موجود است یا بعلت انقلاب تولید شده اگر صفرا را با اسید معدنی بگذارند
در انحلال عمل سازند بلغم آن خارج شود و قدری ماده بران عمل انحلال افزوده
مواد خونه آن گرفته شود و آن عمل را با دوا که آن اثر مخلوط کنند عمده‌ترین آن
جسم آنست و در آن اختصاص شود و صفرا خالص منجمد در شود صفرا خالص را گرفته بر زلال
مرکب است از یک ماده جسمیه که billine نامیده‌اند و با عرض بعض

املاح کاهی در آن یافت شود و صابون شود و ماده خونه نیز در آن موجود است
و اجسام دیگر که از خلاء بلین منقسم شده و از همه مخلوط‌اند اگرچه هنوز از مراره‌ها قطع
نشده باشند بلین از حیث خواص معادن صفراست که آن صورت عمده دارد طعم آن
تلخ است و پیرازکه تلخی ... جزء عدد و دو جسم کنند رنگ آن از کامل زرد ... است به
مقدار با آب ممزوج شود و عمل رقیق مانند آن مانند صابون کف کند در بعض
نباتات عمل است و در آن غیر عمل عمل ... آن تأثیر به درونه در آن است
از ابتدا سهولت از تمام اجزاء خارجه صفرا متعدد شود که یکی از خواص مختصه این جوهر
صفرا است که در کمال سهولت دیگرگون شود و میتوان از آن کار کرد و دوا از آن جزئیه
شود و خاصیت کلیه صفرا در اعمال بدن بسبب شرکت استحاله است حقیقه رکه
بعد از آنکه از منصب شد علی الاتصال متحلل شود و اعانت کند در هضم غذا خصوصاً به تکلیه
صفرا سرعت بیرون امکنه بواسطه حموضات و قلیات نباتات با حموضات معده متحلل شود
به امانیاک و تورین و مواد دیگری تر این جسم است منقسم کند عمده را تجسم می‌سازند
و لطیف در زیر دندان صفرا و هر طعم ای گزنده است در ۱۵ جزء آب منحل شود
کمتر در آب جوش محلول است ماده است غیر و غالب معرفان در آن تأثیر ندارد مرکب است
از کربن و ئیدروژن و اکسیژن و ازوت و گوگرد ماهی از ربع وزن آن متجاوز
گوگرد در آن یافت شود یکی از جواهرات متولده در صفرا معلوم است به دلیل فرزین
و آن غبار است که به عوض از آن و گوگرد و ماده خونه صفرا که معلوم است یکی از

cholépérine دارا ازوت است و رنگ قشنگ زنگاری
تغییر زرد دارد و طعم در بوست در انحلال نگاه جدا شود و در آب تقریباً غیر محلول است در
صفرا الکالت انحلال است و ماده در مراره امانیاک غارامینه یا اراب در
اطراف آن مانند حصاة یافت شود قلیانیات تجزیه از احل کنند جوهر نوره
از مخصوص در این ماده خونه دارد و جمله قدری جوهر نوره در عمل گلیسرین ریزند
رنگ مایع متغیر شود اول سبز و بنفش و قرمز و بالاخره زرد تیره شود و خاصیت
دیگر بیه الکحل است که بواسطه این سهولت میتوان مقدار بسیار کمی صفرا را استخراج
یعنی که دارد با دو کف حجم آن جوهر گوگرد مخلوط کنند و سعی کنند که درجه حرارت
مرتفع نشود پس از آن چند قطره محلول قند نیشکر بر آن افزایند اگر صفرا در آن
موجود باشد فوراً رنگ بسیار قشنگ بنفش نمودار شود مخصوص که ممزوج است با صفرا
یا با کلت اختلاط است یا کلت انحلال یا الکحل و حموضات میتوان از آن است
تو ساییده‌ای که علی الاتصال صفرا اینم ممزوج بوده است و بواسطه امتزاج اینم رنگ
صفرا سبز شود و طعم آن تند و نامطبوع گردد و بالاخره طعم امانیاک از آن استشمام
شود زهره گاو را به شکل عصاره معمول دارند

جسته سازان عصاره زهره گاو extrait de fiel de boef
مراره گاو را با مقراض جدا و مایع از آن خارج نموده از پارچه پشمی بگذرانند تا آب
بلغم و اجزاء خارجیه آن جدا شود به در حمام ماری تغلیظ و به عصاره قوام آورند

مغز، مهره و دماغ کم، و کنون که مستعمل است قدری شرح آن از ... داده میشود

گوشت عضلات حیوانات

تمام اجزاء حیوانات دارای رشته‌های کثیره اند که در حقیقت خواص کلی گوشت همه را
بکار دارند و آن رشته‌ها مرکب از بیاض البیض و الیاف است و رشته‌ها از حیثیت
ترکیب باطنی و اجمال در بدن مشابه اند هر چند بواسطه اختلاف حیات گوکو و فیغوزیا
متفاوت شوند و تمیز بین آن‌ها بالخصوص که گوشت اصلا انها بعد و مواد است به بیاض البیض
albumine چنانچه سابقا ذکر داشتیم ... الیاف مرکب اند از اکسیژن و
نیدروژن و ازت و کربن و همچنین قدری فسفر و گوگرد نیز دارند ولی از احتراق خاکستر دهند
ختن تقریبا تمام آن مرکب است از فسفات و کربنات ... ظاهر آن ترکیب
الیاف منجمده بی‌رنگ بد بو و بد طعم است مرطوب اند اگر مدتی در هوا بمانند علی الاتصال تجزیه
شوند و جذب اکسیژن ولیه کرده ... از آن متصاعد شود و قسمت خالص کرده اسید
حل بکنند و اما موجب فساد آن گردد ... و اند ... تریک تولید
acide butyrique شود و در این هنگام ... بعضی معلمین
اند که از فیبرین تمیز شود به ترکیب به ... که محلول‌اند و تقریبا تمام بقیه
آن بحالت ... غیر محلول شود الکل و ازت نیز فیبرین را حل کننده ... گوگرد
غلیظ ... بکنند مانند که در ... آن محلول شود و ... محلول بواسطه
... فیبرین را حل کننده و گوگرد و فسفر آنرا گرفته

تمییز بین ... تقریبا تمام ... خاصه دارا ... با فیبرین مرکب شده و تولید
ترکیبات غیر محلوله مانند بسیاری از املاح قلیائی ازا محلول میکنند خاصه شوره ...
بواسطه حرارت مانند بیاض البیض منجمد گردد از آنچه ذکر کردیم معلوم میشود که خواص فیبرین
از هر حیثیت همان خواص البومین منجمد است چنانچه در جلد اول ذکر شد خواص ممیزه این
دو ماده در کیفیت منحصر است به اینکه فیبرین بواسطه داشتن صورت لیف آب ...
به اکسیژن و آب ... این خاصیت در تمام انسجه حیوانی موجود است و بواسطه خون ...
با الکل ... اصلا از ... فیبرین مواد الیاف حیوانی است و مانند البومین یک
از اجزاء اصلیه دم است ... ماده در عضلات حیوانی ... شود و در آن عضلات
علاوه بر اینها ... که ... ارتباط الیاف است ... حقیقت
ترکیب باطنی کلی ... را با اینها داد

ژلاتین یعنی ماده سریشی gélatine $C^{13}H^{10}Az^{2}O^{5}$

جمله حیوانات دارای تار و رباطات و نسج ... و تمام مواد غیر محلول در آب
سرد بواسطه غلیان متمادی اینها در آب تبدیل شوند بماده مخصوصی که اگر قدری از آن رسانیده غلیظ شود
مانند سریشم میشود و این ماده موسوم است به ژلاتین و از حیثیت ترکیب باطنی ...
را با البومین و فیبرین دارد جسمی است ... بیرنگ و بی بو و بی طعم و بسیار چسبناک و از این
ژلاتین است که باختلاف ... کثرت خلوص سریشمهای مختلف بازاری و ژلاتین
های ... را درست میکنند آب سرد ژلاتین را خوب حل نکنند ولی در آب

جوش ... محلول است ... درصد جزء آب بیش از ... جزء ... ژلاتین ...
بعضی ... متمادی ژلاتین در آب موجب فساد آن شود و قدری
از آب جزء ترکیب باطنی آن ... الکل ... الکل غلیظ
ژلاتین را حل نکنند ولی الکل ضعیف از الکل ...
... متعدد ...

بجهت ... ژلاتین مواد ... را در آب ...
... در حیوانات موجود نیست ... حیوانی ...
شود و اینچنین بنظر آید که ... بواسطه تغییر ترتیب ذرات عناصر مواد حیوانی است
زیرا که از حیثیت ترکیب ... عناصر و ذرات آنها در ژلاتین و مواد مولده
آن یکی است رباطات ... بواسطه جوشیدن با آب ... ژلاتین میدهند که
بواسطه ... بعضی از معلمین اورا chondrine
گفته‌اند ... گوشت عضلات حیوانات در طب بجهت ساختن آبگوشت ...
مستعمل است

آبگوشت bouillon

آبگوشتها محلول ... اجزاء حیوانی است و ترکیب باطنی آنها ... مختلف است
باختلاف نوع گوشت ... که غالبا ضمیمه میکنند آبگوشتها را ... آب گوشت
غذائی و آبگوشت دوائی ... آبگوشت غذائی از گوشتهای حیوانات ...

و آبگوشتهای دوائی را غالبا از گوساله یا مرغ یا مار و وزغ ...
... آبگوشتهای دوائی غالبا ... محلول ...

... آبگوشت غذائی

بیاض ... جسمی است که ... بواسطه ...
... که ... گوشت غالبا از الیاف و بیاض
البیض است و علاوه بر اینها ... hématosine ...
... که مرکب از ... oléine و ...
مخصوص ... acide inosinique
... آبگوشت ...
... موسوم ... créatine ...
... ترکیب باطنی ...
... منعقد ... درعرق ...
مواد ... فیبرین که ماده ...
گوشت است در آب غیر محلول است و بواسطه ...
... حیوانی محلول ...
... بیاض البیض ... البومین در گوشت ...
در آبگوشت ... زیرا که بواسطه حرارت منجمد شود ...

bouillons alimentaires

غلیظ ...
...

اینها وجود البومین در خود آبگوشت به خصیت کم دارد زیرا که بواسطه استمرار
غلیان تولید یک ماده غذائیه محلول میکند ماده مزبوره خون محلول است در آب اما غ[illegible]
ثابت است که بمحض مجاورت گوشت با آب رنگ آن قرمز میشود و اما بعد از کم
کردن و جوشانیدن حرارت آب بر طرف شود زیرا که بواسطه حرارت بیاض البیض
ماده مزبوره هم منجمد شده و در سطح آب جمع شده و معروف است بکف غش، لهذا
گوشت در پختن آبگوشت به خصیت کم دارد زیرا که بواسطه استمرار غلیان قسمی
از آن تبدیل به ژلاتین شود و در آب محلول گردد و قدری دیگر آن در داخل
گوشت باقی میماند و مرتخمی است و مایه گوارا بودن آبگوشت میشود استخوان
چون تولید ژلاتین میکند و چربی هم دارد در آبگوشت اثر بزرگی دارد و لا
بعلت صلابت استخوان آب بالکل در آن نفوذ کند و بقدری که باید
تولید ژلاتین نشود اما کراتین ماده ایست محلول در آب که یکی از اجزا
عمده آبگوشت است طعم آن اندکی تلخ است در صد جزء آن ۲۸ جزء
ازوت است با حموضات مرکب نشود با حموضات معدنی املاح تبدیل کند
یک ماده قلیائی که لیبیک liebig نامیده است از او کراتینی
creatinine ($C^8H^7Az^3O^2$) نامیده اند و این
ماده [illegible] در گوشت موجود است و از خواص مخصوصه او اینست که با کلرور [illegible]
در [illegible] مواد عصاره گوشت متعدد اند و محلول اند در آب ولی بواسطه استمرار

غلیان

غلیان رنگین شوند و بو و طعم آبگوشت بواسطه آنهاست حموضت آنها بواسطه اسید
فسفریک و اسید لاکتیک و اسید [illegible] و [illegible] اسید است و علاوه بر اینها
در آبگوشت املاح [illegible] موجود است که مایه نمک است اگر چه قدری از آن بواسطه حرارت
متصاعد شده و لکن قدر کفایت باقی میماند که موجب گوارا شدن آن شود و این
املاح [illegible] عبارتست از املاحی که بواسطه ترکیب و تجزیه شدن عناصر آب بر این
موجود میشود بنا از یک ماده گوگرد دار که نقره را سیاه میتواند کرد و گویا در حین
انجماد البومین تولید میشود [illegible] ماده که گوشت [illegible] و طبیعت
آن چنانچه باید مشخص نشده [illegible] ماده ایست [illegible] شبیه قیر و [illegible] حاصل
از اول در مغز قلم [illegible]

قرص آبگوشت tablettes de bouillon

پروت صاحب از [illegible] دیگر گوشت استخوان دار صد مثقال [illegible]
که نصف آن اجزا سریشمی و نصف دیگر آن اجزاء آبگوشت است و بواسطه
تبخیر [illegible] ساخته و قرصهای متعدده قهوه رنگ ساخت که جاذب الرطوبه نیست
لهذا آنها را در ظرف دهان بسته محکم باید نگاه داشت قرصهای پنج مثقالی
قائم مقام صد مثقال گوشت اند

قرص غذائی pastilles nutritives

این قرص مرکب است به ماده صاحب [illegible] [illegible] گوساله [illegible]

برنج [illegible] شده چهار [illegible] مثقال صمغ عربی
۸۰ مثقال

آبگوشتهای دوائی bouillon médicinaux

آبگوشتهای دوائی غالبا از گوشت ساخته میشوند که طعم زیاده نداشته باشد بیشتر اوقات
از گوشتهای حیوانات جوان میسازند که البومین زیاد و فیبرین کم دارد بعلاوه اینست
که در [illegible] تغییر را جاری کنند و اگر [illegible] باشند که [illegible]
[illegible] غالبا در آبگوشتهای دوائی نباتات [illegible] آبگوشتهای دوائی را پس از
سرد شدن صاف میکنند تا چربی آن گرفته شود

آبگوشت گوساله bouillons de veau

گوشت گوساله ۲۵ مثقال آب [illegible] مثقال در ظرف دهان بسته [illegible] ساعت
بجوشانند پس از سرد شدن صاف کنند آبگوشت مرغ و [illegible] و [illegible] گوشت
دیگر را نیز چنین سازند

ژلاتین gélatine

در ترکیب بعضی ژلاتین و [illegible] خواص [illegible] گفتگو کردیم و اکنون از آن جمله
حیوانات را که عمده ترکیب آنها بواسطه ژلاتین است گفتگو میکنیم [illegible]
بالطبع در آلات حیوانی موجود نیستند و لاکن بواسطه استمرار غلیان با آب از
بافته های حیوانی خاصه جلد و غشاها و اجزاء غضروفی و شاخ و [illegible] تار

[illegible]

و رباطات و امثال آنها موجود است و ژلاتین را غالبا از غلیان متمادی این
اجزا با آب میسازند و از این جهت استعمالات طبی شاخ گوزن را ترجیح میدهند
زیرا که چون اجزاء [illegible] ندارند [illegible] سریشم شاخ گوزن [illegible]
[illegible] از [illegible] که اکنون تهیه شده است سریشم [illegible] زیرا که
[illegible] سریشمهای عبارتست از آلات [illegible] چند قسم ماهیهای بزرگ [illegible]
آلات تقریبا بالتمامه مرکب است از ماده حیوانی که بسهولت تبدیل به سریشم میشود
در حین استعمال سریشم را با مقراض قطعه قطعه کنند و [illegible] آب مخلوط نموده
گذارند چند جوش بزنند و اگر [illegible] غلیان [illegible] طعم [illegible] میکنند و بسهولت
بسته نشود [illegible] استعمال سریشم [illegible] کافی است که قدر کفایت غلیظ شود سریشم
[illegible] ژلاتین [illegible] ماده مخصوص دارد معروف به کندرین chondrine
و آن [illegible] ژلاتینی است ماده که بسهولت در آب حل شود بدون اینکه طعم و رنگ [illegible]
[illegible] ده کنند آن [illegible] مثقال [illegible] کافی است در [illegible] حیوانی [illegible]
[illegible] مخلوط میکنند [illegible] که از آبگوشت و آب [illegible] و امثال آن
میسازند [illegible] ترجیح [illegible] مناسب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

در خوراندن بعد از کباب و ترید نیتن و سایر اغذیه‌ای که اندکی جبر [illegible] در این حالت با

مرض مردن جانیه‌ای انها را جمع کنند

ارزانک غذائی

سریشم ماهی	مثقال ۵	آب	مثقال ۱۵۰
جوهر لیمو	نخود ۱۰	قشر پوست نارنج تازه	مثقال ۲٫۵

مطابق معمول ارزانک کنند

ارزانک کرنتین

کرنتین	مثقال ۵٫۶	آب	مثقال ۱۵۰
قند	مثقال ۱۰۰	جوهر لیمو	نخود ۱۰

اول کرنتین را در آب حل کنند و بعد قند و جوهر را افزایند و یک سفیده تخم مرغ نیز با

آب افزوده بجوش آیند و کف از او گرفته از پارچه نازک در کرده با قشر پوست تازه نارنج

یا لیمو معطر کنند جهت تنبیهات الکل را نیز بطریق در نسخه سابق مرقوم شد ممکن است ازا انها

کم کنند پس از صاف کردن ارزانک ۳۰ مثقال از جوهرات فرنگی از قبیل [illegible]

[illegible] و مثل آن مخلوط کنند و قبل از آنکه در قالب ریزند

ارزانک شاخ گوزن gelée de corne de cerf

شاخ گوزن رنده شده	مثقال ۵۰	قند	مثقال ۲۵
لیمو تازه فشرده	عدد ۲	سفیده تخم مرغ	عدد ۲

آب

آب	مثقال ۴۰۰

اول با آب نیم گرم شاخ را بشویند و یک ساعت در ظرف دهان بسته بپزند تا تقریبا نصف

لیتر مایع بدست آید باقی را از پارچه بگذرانند و قند و سفیده تخم مرغ و آب لیمو را افزایند

و بعد از آنکه جای البیض منجمد شد کف از او بگیرند و مجددا بقوام آورند تا ۵۰۰ مثقال ارزانک

باقی بماند و با اندکی قشر پوست نارنج یا لیمو معطر کنند ترشی لیمو لازم است تا ارزانک

لطیف شود و اگر ترشی نیفزایند بد رنگ می‌شود

لبتی معروف بلقمه خوانند

لبتی شاخ گوزن	مثقال ۵	بادام پوست کنده	مثقال ۷
قند	مثقال ۳٫۵	بهار نارنج	مثقال ۷
قشر پوست تازه لیمو	قطره ۱۲		

با قند و بادام و بهار نارنج خمیر نرمی کنند و در لبتی شاخ تا گرم است داخل نمایند و از صافی

گذرانده معطرش کنند و در کوزه‌های کوچک قالب گیر نمایند

زلاتین در طب غیر از ارزانک بصورت دیگر نیز معمول است

شربت سریشم

سریشم ماهی	نخود ۴۰	آب	مثقال ۱۳
شیره شکر	مثقال ۱۰۰		

سریشم را قطعه قطعه نموده ۱۲ ساعت در آب نیم گرم نرم نموده و با حرارت حمام ماریه حل سازند

و گاهی کم از پارچه نازک بگذرانند و شیره شکر جوش اضافه کنند

شربت دیگر

خرما	۵	عناب	۵
کشمش	۵	چوب چینی	۱
شش گوساله	۳۲	قند	۶۴
ریشه انجبار	۱	آب	۴۰
برگ بولموز	۵		

شش گوساله را قطعه قطعه نموده با آب سرد بشویند و با سایر اجزا و آب مخلوط نموده در

حمام ماریه سربسته گذارند و گذارند ۶ ساعت اجزا و گرم شود باقی را از پارچه بگذرانند

صاف آن مایع را بگیرند و قند را اضافه نمایند این شربت جهت سینه نافع است

تافته انگلیس taffetas d'angleterre

سریشم ماهی	۱	آب	۸
الکل ۵ درجه	۸		

سریشم را قطعه قطعه نمایند یکشبانه روز در آب نرم نمایند و الکل افزوده به آتش

حمام ماریه حل سازند و از پارچه بگذرانند و با قلم مو در روی تافته بکشند و

گذارند خشک شود و چندین دست این بچه‌ها را تکرار کنند و بعد یک بچه از

قشر غلیظ بلسان تولو در روی آن کشیده پس از خشک شدن یک بچه دیگر

سریشم در روی آن بکشند و گذارند خشک شود و پارچه‌های مربع از آن ببرند

تافته منسوب به بلسان صاحب

سریشم ماهی	مقدار منظور	الکل ۵ درجه		مقدار کافی

سریشم را قطعه قطعه نموده و الکل افزوده با حرارت حمام ماریه حل سازند و از صافی

گذرانده گذارند سرد شود پس از بستن مجددا ذوب کنند و در روی پارچه‌های مشمع مالیده

بکشند جهت بستن جراحات در ولایت [illegible] معمول است سریشمی را که در خارج بدن

استعمال میکنند غالبا از استخوان و غضروف حیوانات میگیرند

حمام سریشم bain gélatineux

سریشم مسحوق	۱۳	آب	۳۵

با اعانت حرارت حل نمایند و اضافه بآب حمام نمایند

حلزون hélix, limaçon

اقسام انواع که صدف دارند در طب استعمال شد بهترین انها درست انهاست در

حین استعمال انها باید خود حلزون را بخوبی بکشند وزن گوشت انها را بدست

صدف دار حلزون تا کله با صدف شان ۲ سیر وزن دارند تقریبا ۱۲ مثقال

گوشت صدف دارند پس از اینکه انها را از صدف در آورده و مناسبه کنند و

حلزون متعارفی باغستان و مزارع غالبا بیش از ۲ مثقال گوشت

ندارند حلزون دارای یک ماده لعابی حیوانی است که طبیعت [illegible]

معلوم نیست ولی از حیثیت خواص ظاهری طبی بسیار نزدیک است به ابریشم و بلغم بسیاری

از اطبا این را در امراض صدری بسیار نافع میدانند خاصه ... از امراض سینه

جمع کنند در صورت دوائی است بسیار مفید و اخیراً بعضی بر آن اند که منفعتش بیشتر

است و بعضی را عقیده بر آنست که خاصیت آن بیشتر بواسطهٔ روغن کوکردی دار است

که از حلزون گرفته و از آن hélicine نامیده اند و بعضی دارند

که در استعمالات دوائی این روغن فرار خاصه ... است که گوشت

این حیوانات را با قند صلایه میکنند بدون استعانت حرارت

آبگوشت حلزون bouillon de limaçons

گوشت پاک کرده حلزون	۲۵ مثقال	آب	۲۰۰ مثقال
پرسیاوشان	۲٫۵ مثقال		

صدف آنها را بشکنند و امعاء این حیوانات را که رنگ سیاه در پشت این حیوانات

جای دارد جدا کنند و با آب گرم بشویند و گوشت آنها را بکشند و تا دو ساعت با آب

بجوشانند ولی با حرارت ملایم ... با پرسیاوشان ... صاف کنند

لعاب حلزون mucilage de limaçons

حلزون تاک	۴ عدد	شیره شکر	۶ مثقال
بهار نارنج	۴۰ مثقال	آب	۲۰ مثقال

مطابق معمول گوشت حلزون را جدا کنند و قطعه قطعه نمایند و تا یک ربع ساعت

[illegible]

با چوب چاره ... بهم زنند و با آن آبیکه ذکر شد باهم که بدست می آید با پارچه نازک

صاف کنند و شیره شکر و بهار نارنج را بیفزایند

شربت حلزون sirop de limaçons

گوشت حلزون	۴	آب	۱۰
شیره شکر	۴۰	بهار نارنج	۱

چنانچه در لعاب حلزون ذکر شد عمل کنند پس از ساختن لعاب باندازه وزن آن

لعاب و بهار نارنج شیره شکر را قلم اندازند تا از آب آن کم شود بعد با لعاب مخلوط نموده

پس از آنکه اندکی سرد شد بهار نارنج را بیفزایند

روغن حلزون pommade de limaçons

حلزون تاک	۵۰ عدد	موم سفید	۱۰۰ مثقال
روغن بادام شیرین	۲۰۰ مثقال	عطر گل سرخ	۲ قطره

از یک طرف گوشت حلزون را صلایه کنند و از طرف دیگر موم و روغن را مخلوط نموده

و گوشت را ضمیمه آن نموده ... حرارت ملایم ... و در آخر عطر گل سرخ را بیفزایند

این روغن جهة ... معمول است

شیر که بعربی لبن و بفرانسه lait نامند

شیر مایعی است که از غدد پستانی حیوانات ذو الثدی خارج میشود این مایع ...

... و ... در آن ... است و ... شیر ترکیب ... بسیار کوچک ... و در ...

شیر گاو تقریباً صورت اجزاء متوسطش از قرار ذیل است که ۳۰ مالهٔ جبنیت غیر محلول

و مالهٔ جبنیت محلول و ... ۳۵ املاح و قند ۴۰ آب ۸۸۵ املاح آن عبارت

از فسفات ... و ... کلرور پتاسیم و ... و ...

جبنیت که باصطلاح شیمی کازئین caséine نامند مقدار کثیری از آن در شیر

... غیر محلول است ... و ... بسیار خورد که با ذره های ...

... غیر محلول را از صافی ...

معاین ... مالهٔ جبنیت ... مختلف ...

... که اگر مقدارش ... حرارت و مالهٔ جبنیت

محلول که بواسطه سرکه منجمد میشود ... بسیاری که ممکن است در حین ...

... ماده ... تقریباً در آب غیر محلول است ...

... ترکیب ... معاین ... است ... نباتات ...

... قابلیت ... میکنند ...

... مالهٔ جبنیت ... آب ...

آب ... در سطح ...

... مالهٔ جبنیت ...

که بالطبع در شیر محلول است ترکیب است از مواد ... مالهٔ جبنیت غیر محلول و ...

میکنند ... مالهٔ جبنیت ... بواسطه حرارت منجمد نمیشود

[illegible]

و ... ذکر ... فرانسه ... اکنه

کره ... beurre که ماده دسمه شیر است در شیر بشکل ... بسیار کوچک است

که قطر آنها از $\frac{1}{100}$ الی $\frac{1}{1000}$ میلیمتر است ... که هر یک از این ...

پوشیده شده ... از ... جنس ... که مرکب است از سه ماده

دسمه مختلفه و آنها عبارتند از ... stearine و élaine که هم

مارگارین margarine نامند و ... butyrine ...

... با قلیات صابون ...

... بوی ...

... که اگر ...

... متمایل ...

قند شیر sucre de lait که ... باصطلاح شیمی ... lactine

... میکنند ...

... فرمول آن ... در ...

... در ... آب ... محلول است ...

... تبدیل ...

... از ... تجزیه ...

... acide lactique ... است ...

مرکب نشود شیر در وقت خروج از پستان حرارت کثیف انعقاد آن است و غالب اوقات
قلیائیت و املاح خنثی و گاهی اینکه حامض است ولی کم دارد که بواسطه حرارت از این
میشود اگر اضافه کنند ماده جبنیت و دم او در کاغذ نساخته باشند و آب صاف خارج
میشود که بواسطه حرارت منجمد میشود با کدورت پس اینکه بیاض مانند بیاض البیض که در
آن موجود است وانچه که از انجماد بیاض البیض است حاصل بواسطه افزودن جوهر سرکه در
پس هر که عبارت است از ماده جبنیت و نیز از اینکه اینکه در شیر میشود علامه هنوز در پستان است
کیموس تجزیه پس اینکه که بواسطه ان ترکیب پس در کتب موسوم lactique است
واکالی ان پوشیده میشود از یک بعضی لبن الملسن نوری وان عبارت از بزرگترین
جاجا ... و در تحت این بعضی ... پس اینکه عبارت از شیر ...
وزن مخصوص سکه چند ان ... وزن مخصوص شیر ... وازین است است
که ... میشود ... که ... زود ترکرفته میشود
وانچه ... از کره ... سود ... است شیر کره و تمام اجزاء شیر در ان موجود
است و ... ماده جبنیت آن بسیار است ... بسیار زود ... و
حموضات بسیار رقیق و ضعیف شیر سرد را منجمد کنند ولی ... حرارت با انجماد
متحقق میشود الکل و قند و صمغ اگر مقدار شان زیاد باشد مانع انعقاد شیر میشوند
و بسیاری از املاح نیز مانع انعقاد ان میشوند زیرا که با ماده جبنیت مرکب شوند
و قلیائیات شیر را منعقد کنند و بالعکس شیر منعقد که ... باز ... اول

را نیز ...

شیر را سیاه کنند و یکی از جراحان معتبر فرانسه ... بواسطه آن بعضی شیرها در حال غلظت
که است و شیر قابل انعقاد بخار است و الکل که بوجود می‌آید بواسطه تجزیه قند
شیر است ولی این انعقاد سببی ... از حامض شدن شیر در فرنگستان اسبابی
مخصوص است جهت تعیین وزن مخصوص شیر و کفچه چون که شیر را میگیرند این اسباب
جهت تعیین این فقره است ... بیشتر خمیر میسازند و تخمیر شیر صورت میگیرد
... از ترش شدن آن زیرا که ماده حامضه شیر موجب انعقاد قند آن میشود لیکن اگر
... ماده جبنیت موجب انعقاد ... شود

میزان اللبن lactometre

چون غالباً شیر را خاصه در شهرهای بزرگ مغشوش میکنند و بیشتر ... غش آن است
که چربی آن را میگیرند و آب به او داخل مینمایند ... که شیر ... سنگین‌تر است پس میتوانند که
شیر را بگیرند و بقدر آب بر آن افزایند که وزن مخصوص آن نزدیک بوزن مخصوص
شیر خالص باشد لهذا میزان اللبن کافی نیست و باید میزان ... و آن عبارت
از استوانه که به صد قسمت تقسیم شده است شیر را در آن ریزند و بگذارند تا ۱۲
ساعت بماند هر شیری که از ۱۵ تا ۱۲ ... کره ... معلوم میشود که ... است
گرفته‌اند lait écrémé

روغن شیر — میزان ... منقسم ... که ۱۲ ساعت شخص را منتظر
میگذارد لهذا قاعده سریع‌تری ... داده‌اند که ۲۰۰ تا ...

galactomètre میزان ...

مکعب شیر را بعد آهسته بجوشانند و بگذارند ... دقیقه ... بعد الانفصال ... و بگذارند
سرد شود تا ... حرارت داشته باشد پس از ان ... را البته از ...
و ... تا اینکه تمام کره آن خارج شود ... بواسطه ...
... از خارج ... بیشتر شیر خوب ... مثقال کره ...
Donné
... است و ... اسباب دیگری ...
صاحب ... که به ... کره شیر معین میشود
وانرا موسوم نموده به لاکتسکپ lactoscope وان عبارت
است که ذرات ... شیر ... وان اسباب عبارت از ...
که در وسط انها شیر را میگذارند و ... شمع کافوری
افروخته ... میکنند ... را از یکدیگر کم ... میکنند
و قتیکه چراغ دیگر دیده نشود ... ضخامت ... شیر که باعث ...
چراغ میشود ... است ...
... انها را از یکدیگر دور میکنند و فاصله ... انها را ... از
... میکنند ... انها را ... تا وقتیکه ... بقدری ...
... که چراغ ... فاصله چراغ ...
تاریک ... و ... ثابت است و دیگر ...
... است که ... حرکت ... میشود ... این اسباب

اگرچه سریع است ولی عیبش این است که کثافت شیر مختص بمواد دسمه نیست و
جبنیت که در حالت تعلیق است نیز باعث کثافت ان است پس ...
کم از ... حاصل نیست ... در تاریکی ... است

شیر بریده — petit-lait

منظور از بریدن شیر انست که شیر را کلیه از ماده جبنیت و دسومت عاری
کنند و چیزی جز قند شیر و املاح و حموضات که جزء ... است باقی نماند
... در ... شیر ... حامض ریزند که مواد قلیائیه را خنثی کند و ماده
جبنیت تنها ... دسومت شیر را در ... ترکیب ... همراه
آورد غالباً سرکه استعمال میکنند ولی ... جوهر طرطیر بسیار ترجیح دارد زیرا که
سرکه همیشه ... شیر بریده ... مواد ... و مواد معطره
... سرکه است ... شیر بریده ... شیر را بجوش آورند ...
رقیق جوهر طرطیر که یک جزء جوهر ... آب ... برای ...
و بهتر انست که این عمل را کم کم ... کنند تا وقتیکه ماده جبنیت انجاد ...
... که از آب ... و ... در ... لطیف اگر ...
... از ... شیر بریده ... زیرا که قدری از ماده جبنیت ...
... میشود پس ... جبنیت شیر منجمد شد ... صاف ...
... را ... و از طرف دیگر در ظرف یک ... آب سرد ...

sérum;

بهم زنند تا محلول شود و آنرا که با الجین بیفزایند و جوش آورند تا بیاض البیض
منعقد گردد و تمام اجزاء جبنی که در حالت تعلیق آمیخته با الجین بوده با بیاض
البیض منجمد گردد و در حین مایع جوش قدری آب سرد افزایند تا کف آن بهتر
جدا گردد و بعد از کاغذ صافی بگذرانند و اول کاغذ صافی را با آب جوش گرم نمایند
تا هیچ طعمی جز [illegible] الجین نشود بعضی از اطبا شربت میکنند که در حین تصفیه [illegible]
الجین و [illegible] طرطیر [illegible] بیاض البیض بیفزایند [illegible] طرطیر [illegible]
[illegible] که [illegible] باعث [illegible] از ساختن [illegible] الجین کدورت [illegible] امیسکنند و سبب
این کدورت [illegible] طرطرات [illegible] وقتیکه فرصت [illegible]
[illegible] شیر را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] محلول میکنند [illegible] شیر [illegible] افزایند و این مخلوط را در ظرف
خاکستر گرم [illegible] تا تمام [illegible] جبنیت شیر منعقد شود و مطابق معمول [illegible] الجین
را صاف کنند [illegible] که در فرنگستان معمول است عبارت از معده چهارم گوساله
که جز شیر [illegible] معده را بیرون آورده شیر منجمد [illegible] [illegible]
[illegible] از [illegible] شیر افزایند و [illegible] در معده [illegible]
استعمال نمایند

شربت شیر — sirop de lait

شیر	۴	قند	۳

عرق ورق الغار کلدی — [illegible]

شیر را در کاسه ریخته در محلی [illegible] بگذارند و پس از شش ساعت [illegible] آنرا از روی جمع
کنند تا کره آن جزو شربت نشود این شیر را در ظرف [illegible] و ظرف [illegible]
[illegible] غلیان [illegible] از [illegible] کرده قند را [illegible] محلول ساخته از پارچه
صاف بگذرانند [illegible] شربت [illegible] عرق [illegible] را از [illegible]
[illegible] شربت [illegible] عرق [illegible] شیر [illegible]

تخم مرغ — oeuf

تخم که از طیور معمول است متعلق است بمرغ خانگی که باصطلاح معرفة الحیوان موسوم است
به گالوس دمستیکوس gallus domesticus [illegible]
طیور [illegible] ترکیب [illegible] مرغ خانگی است تخم مرغ مرکب است
از قشر منجمد [illegible] و بیاض البیض و زرده و قشر منجمد [illegible] مرکب است از ماده
حیوانیه [illegible] قدری کربنات [illegible] و فسفات [illegible] قلیلی [illegible]
این ماده حیوانیه [illegible] عناصر معموله [illegible] و اکسید [illegible] تخم مرغ [illegible]
[illegible] از [illegible] مرکب [illegible] [illegible] [illegible]
این [illegible] آنچه داخل تخم مرغ [illegible] از عناصر [illegible]
[illegible] بیاض البیض [illegible] تخم مرغ blanc de l'oeuf
[illegible] albumen [illegible] مرکب است از [illegible] البومین [illegible]

pellicule de l'oeuf ; membrane de la coque

coque
coquille

و این البومین در تمام نقاط تخم مرغ [illegible] و انواع البومین عبارتست از
محلول البومین و بعضی املاح و قدری [illegible] قلیا و آنرا که [illegible] سفیده تخم مرغ در آب [illegible]
[illegible] محلول [illegible] در آب جوش [illegible]
کثرت [illegible] البومین [illegible] اگر [illegible] صورت [illegible]
سیاه [illegible] و سبب [illegible] البومین است در [illegible] سفیده تخم مرغ و [illegible]
[illegible] زرده تخم مرغ jaune [illegible] vitellus [illegible] مرکب است از
[illegible] margarine [illegible] vitelline [illegible]
oleine [illegible] [illegible] magnesie
[illegible] که در [illegible]
[illegible] آب زرده تخم مرغ را اگر در [illegible] بهم زنند
[illegible] [illegible] تجزیه [illegible] آن
[illegible] زرده تخم مرغ [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] تخم مرغ [illegible] که [illegible]
تخم [illegible] تخم [illegible] خارج [illegible] که [illegible]
نفوذ میکند [illegible] تخم مرغ را [illegible]
[illegible] که تخم مرغ [illegible] در [illegible] که [illegible]

باعث [illegible] انها شود و در [illegible] آب [illegible] و قدری [illegible]
[illegible] آب بیفزایند و در [illegible] غالبا زرده تخم مرغ را استعمال میکنند [illegible]
ساختن [illegible] سفیده تخم مرغ [illegible] ضایع میشود لهذا [illegible]
[illegible] بحرارت [illegible] که موجب [illegible]
[illegible] استعمال [illegible] در آب سرد محلول میکنند [illegible]
[illegible] صلابه [illegible] و در تصفیه شربتها [illegible] سفیده
تخم مرغ در تصفیه [illegible] معمول است خاصه [illegible]
آن جهت ساختن [illegible] [illegible]
و نیز [illegible] مرهمها [illegible] و اگر [illegible] در آب [illegible] محلول کنند [illegible]
افزایند [illegible] معطر کنند مایع [illegible] که در
[illegible] و در فرنگستان معروف است به شیر مرغ
lait de poule

آب بیاض البیض — eau albumineuse

سفیده تخم مرغ	۲	آب	۱۰۰۰

سفیده تخم مرغ را با آب [illegible] بهم زنند [illegible] امتزاج [illegible] از پارچه
[illegible] بگذرانند این مایع [illegible] است [illegible] استعمال
[illegible] این مایع جهت تریاق [illegible] زیراکه البومین [illegible]

و رسوب آن تقریباً اثری نخواهد زیرا که غیر محلول است ولیکن نباید بیش از اندازه از این
مایع استعمال کنند زیرا که در باره از آن محلول کند و اثر سمیت بروز نماید اگرچه بعضی از
مصنفات اول نخواسته اند یکی از اطبا فواید کلی در استعمال آب بیاض البیض در رفع
مسمومیت دیده و در روزی چهار رنج لطر بمریض میخورانیده و اثر آن را تقویت میکرد و بالطف
سه چهار نوبت احتقان بدو زده بفیه تخم مرغ

شربت تخم مرغ [illegible]

تخم مرغ	۱۰ عدد	۶۰	قند مسحوق	۱۰۰	
نمک طعام		۲	بهار نارنج	۳	

سفیده و زرده تخم مرغها را با هم در شش جزء آب خوب بهم زنند پس از آنکه خوب مخلوط کامل از
پارچه بگذرانند تا ماده کفین آن خارج شود پس از آن قند و بهار نارنج و نمک طعام
را اضافه کرده در حرارت معتدل محلول شود و گاه گاهی بهم زنند و از صافی
بگذرانند این شربت در رفع سرفه معمول است و در کتب [illegible] ادویه و زبان
مریض [illegible] اکثر [illegible] این نسخه متعلق است
به پایان payant صاحب که ابتدا او در نخود استعمال نمود

روغن تخم مرغ huile d'œufs

زرده تخم مرغ تازه را برداشته در ظرف نقره تبخیر کنند و مع الاتصال بهم زنند
تا وقتیکه اگر آنرا در مابین دو انگشت فشار دهند [illegible] آن نمایان شود

پس از آن در کیسه ریخته در مابین دو تخته گرم فشار دهند و روغن که خارج میشود گرماگرم
صاف کنند و نگاه دارند بهترین قواعد است خاصه در صورتیکه این روغن را بجهت
شقاق پستان استعمال کنند

طریقه دیگر که معمول و خوبتر است

اولا تخم مرغ را با پوست در آب بجوشانند تا خوب سخت پخته شود پس از آن زرده را
خارج نموده با دست بمالند تا نرم شود پس از آن در تابه نقره ریخته
از قرار دستور العمل سابق که برای آن صاحب داده عمل نمایند یا به طریق
که پس از آن در تابه نقره و هر گاه ممکن نشود در تابه قلع اندود ریخته روی آتش
ملایم گذارند و مع الاتصال بهم زنند که نسوزد و گاه گاه کمی الکل [illegible] ریخته
تا نسوزد و بر روغن نتیجه افزوده تا به درجه که گذاشته تا روغن زرد رنگ [illegible]
شده در جانب [illegible] جمع شود و بواسطه انحراف تابه روغن مجتمعه را در
ظرف دیگر ریزند و در اول [illegible] که دیگر روغن از زرده جدا نشود آن تفاله را
در پارچه ریخته فشار دهند و روغن را در ظرف دهان تنگ حفظ نمایند و اگر در
عمل از تفاله از بهم زدن نمایند تخم مرغ سوخته و روغن سیاه رنگ گردد
و اگر روغن زرد لیموئی بجهت [illegible] بسیار خوب است

روغن تخم مرغ پخته سوخته

زرده تخم مرغ پخته عدد ۱ موم زرد مثقال ۳

روغن بادام شیرین مثقال ۱

مطابق معمول [illegible] کنند

اوره urée $C^2H^4Az^2O^2$

این جسم از موادی است که در اجزاء حیوانی از بابت خواص شیمیائی بسیار قابل ملاحظه
است و حکمای شیمی در تجزیه و ضبط خواص آن بسیار کوشیده اند جسمی است سفید و بی بو
با طعم خنک دانه ها گرفته و منعقد شود بشکل بلورات مستطیل [illegible] السطح و
لطیف و قابل الانحلال در آب و الکل و محلول مائی خالص آن مدتی بدون فساد
محفوظ میماند و محلول خالص آن بواسطه غلیان تجزیه نشود ولی در صورتیکه اگر
از آب مقطر و درجه حرارت به ۱۴۰ برسد اوره تجزیه شود و تولید سیانات
دامونیاک نماید و پس از آن بواسطه ازدیاد حرارت این سیانات تجزیه شود به اسید سیانیک
و امونیاک فرمول اوره عبارت است از $C^2H^4Az^2O^2$ و این فرمول معادل
است با معادلات سیانات و امونیاک به اضافه یک معادله آب ولیکن باقی جسم
تباین کلی ما بین این دو جسم است بلکه در کمال خود با جوهر شوره مرکب شود و تولید
املاح [illegible] نماید با جوهر شوره فورا [illegible] بحسب طریقه [illegible]
اوره است [illegible] شربت رقیق قوام آورند و بدون اعانت حرارت
از آب ۵ را با هم وزن خود جوهر شوره مخلوط کنند و این مخلوط را در ظرف یخ
نگاه دارند تا نیترات اوره [illegible] و بهتر آنکه جوهر شوره

که استعمال میکنند یک جوش خورده باشد تا کلا از بخارات نارنجی عاری شود زیرا که آن بخارات
موجب تجزیه فوری اوره شود و [illegible] نیترات اوره را در چند پارچه صافی جمع نموده با آب
یخ بشویند و در زیر منگنه گذارند و در آب گرم محلول کنند و [illegible] کربنات
[illegible] در حمام ماری [illegible] آورند تا درجه [illegible] آن [illegible] خشک [illegible] را دوباره بدون
اعانت حرارت در الکل [illegible] حل کنند اوره در الکل حل شود و نیترات غیر محلول
و بواسطه تبخیر الکل اوره خالص بدست آورند و اگر لازم شود [illegible] زغال حیوانی از آن گذرانند
مطابق آنچه در شیمی حیوانی مبسوطاً ذکر شده است اوره را مصنوعی میتوان ساخت
بدون آنکه محتاج اخذ از ادرار باشیم و در طب اوره چندان معمول نیست بعضی از اطبا
از برای [illegible] ادرار بمقدار ۱۰ الی ۲۰ گرم استعمال نمایند

ذراریح cantharides

منسوب است بحیوانات طایفه coléoptères و در تاریخ طبیعی [illegible]
[illegible]
صورت تجزیه آن از قرار است کانتاریدین cantharidine
(Regnault [illegible]) [illegible] روغن سبز [illegible] زرد
[illegible] سیاه [illegible] اسید اوریک [illegible] فسفات [illegible] فسفات [illegible]
و کیتین chitine [illegible] خواص ذراریح عبارت است از کانتاریدین و بنابر
تجزیه رینولت صاحب مرکب است از [illegible] کربن و [illegible]

۲۲۸/۲۲ کردن و جسمی است لفیه و منعقد و با کمال چربی و بواسطه مجاورت
غیر مستعد با جسم تولید طاول کند و سمی است بسیار شدید در ۲۱۰ درجه حرارت ذوب شود
ولی بسیار سریع التصعید است بقسمی که محلول الکلی آن در صورت عدم احتیاط تبخیر شده جزء هوا
میشود و غیر محلول است در آب ولی در الکل و اتر و قلیائیات بدون فساد حل شود و ادویه
نباتیه و فراره نیز از آن حاصل کنند بهترین طریقه برای ساختن آن اینست ذراریح سحوق
را در الکل ۸۵ درجه خیس کنند و مطابق معمول تصفیه و قسمت تقطیر نموده و از آن الکل
است الکل را بقرابه و تمام الکل را جمع کرده جهت گرفتن الکل آنها را تقطیر کنند
بقیه تقطیر را گذارند تا مدتی آرام و ساکن بماند تا بتدریج منعقد شود و لفیه است که
از او الکل سرد شود بعد روغن سبزی که ممزوج به اوست حل نموده بعد از آن الکل جوش
افزایند تا این ماده محلول گردد و بعد از آن بارنگی جواهر سبز رنگ شود مشتاق محلول است
در جسم این جسم حیوانی دفعتاً فی الحقیقه عبارتست از ... بند این حیوان و
سایر حیوانات معروف به طایفه آن ذراریح در طب بسیار مستعمل است در خارج جزو
جزو مقرحات معمول است و در داخل محرک است بسیار قوی و اثر مخصوص دارد در آلات
بول و تناسلی و جمله از اینجهت است که در بعضی امراض مزمنه ادویه جلد و فلج مثانه
و نزله مزمن مثانه و استسقا موقتی ذراریح مستعمل است و اطبای و دوا سازان
که در هنگام استعمال آن کمال مراقبت را بکار آورند زیرا که از جمله سموم با تریاق
است

طرز محافظت ذراریح

ذراریح را اگرچه در ظرفهای بسته محکم حفظ کنند باز هوام متعدده چند خاصه در آن
مشخص که در زبان فرانسه میت mite گویند در آنها مهیا شود که فوراً منع
بروز میت کنند و اثری در اقسام دیگر هوام که عارض ذراریح میشود بعضی برانند
که اگر در قعر ظرف ذراریح قدری زیبق بریزند منع تولید هوام کند

سفوف ذراریح poudre de cantharides

ذراریح را بدون آنکه قطع با قدری گذارند بکوبند تا غبار بسیار نرم شود و در هنگام کوبیدن
باید دقت کنند و دهان و بینی و موی سر را از پارچه بپوشانند تا از اثر سمیت آن غبار
محفوظ باشند موی سری که در بیختن ذراریح استعمال میکنند باید علاوه بر آن و اسم ذراریح را
و در جای آن بنویسند و موارد استعمالش منحصر باشد به ذراریح قبل از کوبیدن باید ذراریح را
خشکانده و مدت خشکاندن را نباید امتداد داد زیرا که اگر زیاد در گرمخانه بمانند
روغن آن متصاعد میشود مسحوق ذراریح بسیار سریع الفساد است لهذا باید هر دفعه زیاد از آن
نسازند و کم کم تهیه کنند

(syn. pommade de cantharides verte)

روغن سبز ذراریح pommade épispastique verte

ذراریح سحوق	۱	موم لفیه	۴

مرهم پوپلیوم populeum ۲۸

مرهم را با موم بواسطه حرارت ذوب کنند و ذراریح سحوق را مطابق معمول با آن ممزوج کنند

درست ممزوج نمایند

شمع ذراریح emplâtre de cantharides

سقز لفیه	۱	پیه گداخته	۱
موم زرد	۱	ذراریح مسحوق	۱

سقز و موم و پیه را ذوب کنند مطابق معمول ذراریح افزایند بعضی دوا سازان
برانند که قدری از خردل ذراریح بجهت حرارت ملایمی برسانند و بگذارند سرد شود
و چسبنده قدری غلیظ شده از دانسته است بهم زنند بطریق مالش حرکت در جسم حیوانات را ...
در شمع کرده لهذا سریع الاثر است و در تابستان این شمع بسیار نرم میشود لهذا ۱/۴ سقز
به آن موم زرد کنند یکی از دوا سازان معروف نصیحت کرده است که اکنون در فرانسه
معمول به تمام اطباست و آن اینست که شمع را بدون واسطه با جلد گذارند بلکه یکپارچه
کاغذ یا کتان را روغن آلوده نموده فاصله دهند با این شمع و جلد فاصله اینجهت
دارد که اثر ذراریح مقداری است که موجب بروز طاول میشود و ابداً جذب و حل شود تا
سمی و تحریک آلات بول بروز نکند بسیار از اطبا و دوا سازان قدری کافور ضمیمه شمع
میکنند و بعضی را عقیده این است که تحفظ از اثر ذراریح کافور ممزوج در شمع میسازند

شمع محرق انگلیسی emplâtre vésicatoire anglais

موم لفیه	۳	پیه	۱۰
سقز لفیه	۱	ذراریح مسحوق	۷

سقز و پیه و موم را با حرارت ذوب کنند و از پارچه صافی بگذرانند و ذراریح
افزایند این شمع یک ثلث ذراریح دارد و چون مواد چربی آن سریع الذوبان
است در جلد زودتر از شمع متعارفی اثر کند و چون مدت التصاق آن
با جلد کمتر است مریض بیشتر متحمل صدمه آن شود

محرق دائمی ژانن vésicatoire perpétuel de janin

ذراریح مسحوق	۱	فرفیون مسحوق	۱
تربانتین	۱۲	مصطکی مسحوق	۱۲

با حرارت ملایمی تربانتین را ذوب کنند و گرما گرم فرفیون و ذراریح را
جزو آن نمایند و مصطکی افزایند و تا وقتی که خوب سرد شود بهم زنند

محرق مشهور به مگس میلان mouches de milan

(syn. épispastique Dollé)

سقز لفیه	۶۴	پیه	۶۴
ذراریح	۶۴	تربانتین	۱۶
عطر اسطوخودوس	۱	عطر تیم	۱

سقز و موم و پیه را ذوب کنند و ذراریح افزایند و دو ساعت گذارند در
جای گرمی باشد و تربانتین افزایند و بهم زنند تا خوب سرد شود و در نزدیک
اتمام عمل عطریات را بیفزایند این شمع را روی پارچه کرده کنند منقسم
کنند و هر یک از آنها را در چهار پارچه تافته که بیخ با نیم تر مربع باشد بگذارند

قسمی که آن کهنه و ناتیز قطر داشته بیش از [illegible] که در لفافهٔ کاغذی گذارند و
در آن کاغذ مگس میلادن نوشته باشند مگس میلادن مانند مصرفات در نزله
ها و صداعها و امراض چشم و وجع مفاصل استعمال نمایند در موضع منظور یک پارچه
مگس ضبط کنند و در روی آن پارچه قرار دهند و مگسها را [illegible] گذارند که
رطوبت زیادی پس دهند و خود [illegible] ساقط شوند

مصنوعات مائیهٔ ذراریح

اگرچه کانتاریدین غیر محلول است در آب ولی بواسطهٔ سایر مواد ذراریح آب جاذب
کانتاریدین میشود

آب ذراریح hydrolé de cantharides

ذراریح مسحوق	۱	آب	۱۲۵

مطابق معمول کنند و اطبا [illegible] از این گونه ادویه را بکمال مواظبت
و احتیاط استعمال نمایند و بهتر آنست که خود آن این ادویه را داد که ما بین روغن ذراریح
را با یکی از لعابات مخلوط میکنند یا اینکه تنطور الکلی ذراریح را با ماده ملایم کننده
ممزوج مینمایند و در دهن استعمال میکنند امتزاج لعابات بواسطهٔ آنست که مجاورت
مواد ذراریح را با مجاری معوی ملایم کنند و سبب تحریک آنها نشود و باید احتراز کرد
از استعمال سفوف ذراریح در دهن زیرا که هر قدر نرم سائیده باشند محتمل است
که آن غبار در سطح یکی از اعضا [illegible] بنشیند و موجب [illegible] شود

مصنوعات

مصنوعات الکلی ذراریح

الکل بیش از مجاورت با ذراریح کانتاریدین و روغن سبز دانه که روغن چرب
آن دانه که از ماده سیاه و [illegible] است را محلول کند

تنطور الکلی ذراریح teinture alcoolique de cantharides

ذراریح	۱	الکل ۸۵	۸

یکهفته روز بخیسانند و از پارچه صاف گذرانند و با کاغذ صاف کنند

شراب ذراریح vin de cantharides

تنطور ذراریح	۲	شراب قوی	۷

مطابق معمول مخلوط کنند

تنطور مرکب ذراریح lithontriptique de tulp

ذراریح مسحوق	۱	[illegible]	۱
الکل ۸۵	۸	جوهر شوره [illegible]	۴

مطابق معمول بخیسانند و با کاغذ صاف کنند

عصارهٔ ذراریح extrait alcoolique de cantharides

ذراریح مسحوق	مقدار منظور	الکل ۸۵	مقدار کافی

[illegible] ذراریح را در الکل بخیسانند تا اجزاء قابل الانحلال آن جزو
الکل شود و تقطیر نمایند [illegible] عصاره [illegible]

که از بین تقطیر حاصل شود [illegible] نگاه دارند و [illegible] استعمال کنند که در
ساختن عصاره [illegible] از ذراریح تقریبا ۱/۵ وزن خود عصاره میدهد

روغن دوپویتران pommade de Dupuytren

مغز قلم گاو	مثقال ۷	[illegible]	مثقال ۷
عصاره الکلی ذراریح	۸	روغن گل	۲۰

baume nerval

عصاره را در مقدار بسیار کمی الکل حل کنند و مواد دیگر را [illegible] با آن
ممزوج نمایند این روغن را جهة تحریک [illegible] و [illegible] استعمال میکنند که بقدر
[illegible] روزی [illegible]

مصنوعات اثری ذراریح

تنطور اثری ذراریح teinture éthérée de cantharides

ذراریح نیمکوب	۱	اثر	۲

هشت روز گذارند بخیسد در ظرفی که بسیار محکم بسته باشد را از پارچه صاف گذرانند
و با کاغذ صاف کنند این تنطور یکی از محرقات بسیار قوی است [illegible] تنطور
[illegible] ذراریح مسحوق و [illegible] اثر [illegible] ذراریح میخواهند [illegible] تنطور
[illegible] اگر مقدار [illegible] در روغن داخل این تنطور را مخلوط کنند [illegible]
نماید موجب [illegible] بسیار شود [illegible] و همچنین هرگاه مقدار [illegible] در این تنطور
را با [illegible] ممزوج [illegible] از آنجا [illegible]

منوار

منوار شود

عصاره اثری ذراریح extrait éthéré de cantharides

ذراریح	مقدار منظور	اثر ساده	مقدار کافی

مطابق معمول در ظرف مخصوص [illegible] قوه ذراریح را بواسطه اثر گرفته تنطور
محصول را تقطیر نمایند [illegible] تقطیر [illegible] عصاره [illegible] این عصاره [illegible]
است [illegible] و محرق است بسیار [illegible] آن جهت که هر قدر [illegible]
از قوه آن کاسته شود [illegible] کانتاریدین آن [illegible] trousseau [illegible]
[illegible] کاغذ را [illegible] روغن چرب میکنند و در وسط شمع [illegible]
[illegible] قرار [illegible] منوار شود

تافته محرق taffetas vésicant

عصاره الکلی ذراریح	۴	[illegible] خالص	۱
آب	مقدار کافی		

[illegible] را در آب حل کنند و عصاره را در آن ممزوج نمایند و [illegible] زده
را در [illegible] کنند و [illegible] از محلول فوق در روی آن بکشند و [illegible]
کنند که [illegible] حرکت کند و [illegible] خشک شود [illegible]
[illegible] این تافته مطابق تجربه مؤلف کتاب
بسیار خوب است [illegible]

پارچه نازکی موم کشیده مخلوط از دو جزء موم سفید و یک جزء عصاره اتری ذراریح کسترانیده

انچ تا شده طوق غالبا دارای لوزنهای منعقده کانتاریدین است و باید آنرا در

ظروف دهان بسته محفوظ داشت و یک دفعه مقدار زیادی از آن نساخت

مصنوعات خل ذراریح

ext. acétique de cant. de ferrari عصاره خل ذراریح

ذراریح مسحوق	۴	الکل ۶۰	۱۶
جوهر سرکه	۱		

گذارند در ۴۰ یا ۵۰ درجه حرارت بخشد با فشار از پارچه صاف نکرده اند و با

کاغذ صاف کنند و در حمام مری تقطیر اورند محصول است بسیار خوب محققه رکانی

است که پارچه کاغذی را با آن چرب کنند و در جلد اثر از نوعی تند مخلوط است

و جوهر سرکه منضمه آن شده است مشکل در دکانتاریدین را سبب گشته لهذا این عصاره

اتری ترجیح داده

مصنوعات دهن ذراریح

huile de cantharides روغن ذراریح

ذراریح مسحوق	۱	روغن زیتون صاف	۸

با حرارت معتدل شش ساعت مخلوط را نگاه دارند و با فشار از پارچه صاف نکرده اند

و گذارند نه تا نشین شود صاف از جدا کنند این روغن محرک است شاید و کانتاریدین

و روغنهای زرد و سبز حروف آن شده اند

pommade de cantharidine روغن کانتاریدین

کانتاریدین	گندم ۱	پیه گداخته	مثقال ۶
موم سفید	نخود ۲۰	الکل ۹۰	مقدار کافی

کانتاریدین را با الکل صلابه نمایند و اجزا دیگر را بر آن افزایند و در هاون

رانرم کنند تا کمال امتزاج حاصل شود

pommade épispastique jaune روغن جاذب ذراریح

ذراریح نیم کوب	۱	پیه	۱۳
موم زرد	۲	زردچوبه مسحوق	$\frac{1}{16}$
عطر لیمو	$\frac{1}{16}$		

چهار ساعت در حمام مری پیه و ذراریح را گذارند با فشار رطوبت آن را از پارچه بگذرانند

و مجدداً ذوب کنند و زردچوبه افزایند و گذارند قدری در آن بماند باز به مو

دم افزایند پس از آنکه موم ذوب شد مخلوط را از پارچه پشمی بگذرانند تا وقتیکه

مقداری از آن سرد شود آنوقت عطر لیمو را افزایند

صورت دواء و مقدار شربت ۰۱ - در داخل از کو ۲ تا ۵ صد [illegible] مطبوخ (۵ جزء

در ۱۰۰۰ جزء) از تنقیع الکلی و تنقیع اتری از ۱ تا ۱۰ قطره از عصاره

الکلی و عصاره اتری و سرکه ۱۰ تا ۵۰ هزارم گرم (که از $\frac{1}{5}$ تا الکل تر)

(Syn. pommade de cantharides doubles)

ذراریح جزء جمیع لوویه مهیه و لوویه لواوویه و غیره میشود

برای استعمالات خارجی ترتیب میدهند مرحم و تا فته ها و کاغذهای معتدل و پارچه آب

و دهن و واسطه دی تنقیع الکلی و معتبر کیا که اشاره باشد چنانچه در

دهن مستعمل است اکنون منسوخ است کاربجه حومه در خارج و از دهن حاصل می شود

در محلول آب ترتیب میدهند لعاب و مترد است

کرم ابریشم (حاشیه)

زنبور عسل که بعربی نحل و بفرانسه ابیل abeille نامند

جانوری است از سلسله حشرات hyménoptères و از طایفه mellifères

در ممالک ترکستان بعضه از آنها را در خانه نگه میدارند و در بعضی ممالک دیگر در کانو چنانچه

در شکاف درختهای کهن و شکاف احجار و غیره و هر دسته از آنها دارای نظم و ترتیب مخصوصی

که همیشه منظور نظر ادبا و شعرا است

و هر دسته از آنها دارای سه قسم زنبور است بدین تفصیل یک ماده که عبارت از ملکه و چند

صد نر که مخصوص به تولید توالد و تناسل و قسم دیگر زنبور کارگر است که عقیم و منشاء کار بعد

با کمک او هر چه را به اطراف برد و از بعضی از گلها و میوه ها شیره را جمع کرده

جهت حفظ و نگاه داری عسل که در انها وضع میشود

گرم فراموش نشود زنبورها را در استعمال خارجی طبی تغییر دادن که جمع نمود

زنبور را سابقاً استعمال مینمودند در داخل بجهت ادرار دهنده و در شراب بخیه که

نقعه شده جهت رفع امراض مثانه تجویز شده و گاه او را استعمال نموده از خارج در دواء

جهت مالیات که بجهت دو قطعه اند که خواص نیکو دارا است به زنبور سائر حال زنبور حضرت عصاره تقطیر

المعدیه است دیگر به اثر بیک و حرض داده و از شراب که ۲۰۰ گرم آب جوش را با مقدار

در ۳۰ یا ۴۰ دانه زنبور تازه کشته شده پس از آن کیسه صاف کنند و [illegible]

نوبت میل نمایند

جهت موم و عسل و غیره باید رجوع باسم آن الفاظ نمایند

eponges اسفنج

اسفنج عبارت است از حیوانات متعدده بسیار خوبی که در شطها و مرداب ها و دریاها

منزل دارند غالباً از آنها زوجی در بازار طالب صید میکنند و قسم از آن معمول است اسفنج

دقیق و اسفنج متفاوت درشت و درشت قسم اول معمول است اسفنج مرکب است از ماده

حیوانی که شباهت تامی با پیاض البیض دارد و در سیلیس و جوهر شوره و جوهر

کرکو و جوهر نمک حل نشود و در قلیات و قلیهای ابی را سبب گردد و مطبوخ آن زرد

از ادرار دهد و علاوه بر این اکثر یک و نیم از آن و کربن دارد که جزء غالب

اجزاء حیوانی اسفنج است و کرکو و فسفر نیز دارد

eponges a la cire اسفنج مومی

اسفنج دقیق eponge fine را منتخب نموده کوبیده تا شن آن خارج

شود و با کمال دقت بشویند و خشک کنند و قطعه قطعه نمایند و در موم زرد گداخته

فرو برند و گذارند تمام رطوبت آن خارج شود پس از آن هر یک از آن قطعات را در قید

نمنه و فشار دهند بنحوی که قطعات را منفصل در سطح تخته آهنی گرمی بگسترانند و یک
تخته دیگر بر روی آن گذارند از آهن گرم، و تخته ها را در میان قید گذارده بفشرند و گذارند
در میان قید سرد شود این اسفنج جهة وسیع کردن مجاری منقرضه معمول است یک پارچه کوچک
از او در زخم فرو برده رطوبت باید از دیاد حجم آن شود لهذا فشار بر اطراف وارد
آورده جراحت را وسیع کند

اسفنج رشته éponges à la ficelle

اسفنج دقیق را منتخب نموده چنانکه مذکور شد بواسطه کوفتن شستن پاک کنند و از رشته
های درگ کتان اطراف اسفنج را مانند تار زیاد بپوشانند بقسمیکه حتی الامکان حجم این اسفنج
کم شود اینگونه اسفنج ها را در گرم خانه گذارند تا خوب خشک شود و قسیکه میخواهند استعمال
کنند قبه را اندازه منظور رشته اطراف یک سر اسفنج را باز کنند و تتمه را که تازه رشته
[illegible] استعمال آن مانند اسفنج معمول است و چون زودتر و منظم تر حجم میشود بران ترجیح
دارد

éponges torréfiées (syn: éponges calcinées)

اسفنج مکلس éponge brulée

اسفنج را قطعه قطعه کنند و بکوبند و بشویند و آن قطعات را در خاک انداز
که قدری بوسیله آتش گذارند و بو دهند تا وقتیکه قهوه رنگ شوند بلکه مایل بسیاهی گردد
و بعد بکوبند و در شیشه دهان بسته محفوظ نمایند سابق براین تکلیس اسفنج را [illegible]
و [illegible] صاحب [illegible] که در صورت شدت تکلیس [illegible] منفعت میشود اسفنج مکلس

بسیار

بسیار قدیم الاستعمال است و شهرت تامی داشت در گواتر goitre و محقق شده صحت
این بواسطه ید است

قرص اسفنج مکلس tablettes d'éponges torréfiées

اسفنج مکلس مسحوق	۱	قند مسحوق	۳

لعاب کتیرا با عرق دارچین ساخته شده مقدار کافی
مقدار معمول از قرص ۱۲ است [illegible] به عبارت است که این اقراص را تازه بتازه بسازند
این اقراص در گواتر و خنازیر معمول اند بسیاری از نباتات طایفه فوکس fucus
از قبیل وارک varec نیز در گواتر و خنازیر فایده ای دارند

قرمزدانه cochenilles

این حیوانات عبارتند از coccus cacti و اینها عبارتند از حشرات
نیم بالها (hémiptères) و اصل اینها در مکزیک mexique است
و در روی درخت نپال زندگانی کنند [illegible] بسیار خوبی دارند که جهة صباغی و نقاشی
و در طب جهة سیاه سرفه استعمال میکنند جوهر قرمزدانه بسیار خوش رنگ است و یک
است [illegible] و قابل انعقاد است در ۵۰ درجه حرارت ذوب شود در آب و الکل
بسیار محلول است در اتر غیر محلول است حموضات از او قرمز روشن کنند و قلیائیات
از او [illegible] که [illegible] جوهر قرمزدانه جهة [illegible] مستعمل است
بجهة ساختن این قرمزدانه را با کربنات [illegible] و زاج و طرطیر [illegible]

و بعد یا از حموضات نباتی اضافه کنند این جوهر قرمز که بفرانسه carmine
کارمن نامند رسوب شود و [illegible] سفیده تخم مرغ یا سریشم ماهی از او
جدا نشده جوهر قرمز در [illegible]
قرمزدانه را در سیاه سرفه استعمال میکنند اگرچه [illegible] اثر کند و [illegible]
شده [illegible] بعضی اطبا او را در سرفه شدیدی که [illegible] عارض میشود استعمال کرده فایده
بخشیده اند

potion de cochenille

نسخه جهة سیاه سرفه

قرمزدانه مسحوق	۱۰ گندم	کربنات دپتاس	۱۰ گندم
قند	۶ مثقال	آب	۲۲ مثقال

مخلوط کنند و ساعتی یک قاشق بخورانند

در ادویه شیمیائی

حموضات acide

حموضات گوگرد — جوهر گوگرد متعارف و اسید سولفوریک در طب معمول اند و سایر ترکیبات
گوگرد و اکسیژن استعمال ندارند اسید ایپو سولفورو [illegible] و [illegible]
لازم است زیرا که هر چند خواص مستعمل نیست و ترکیبات آن معمول است

جوهر گوگرد acide sulfurique $SO^3 + aq$

این جوهر را چند [illegible] است [illegible] که در صنعت معروف [illegible] عبارت است

(syn: huile de vitriol)

از روغن

از روغن [illegible] زاج سبز جوهر گوگردی که در طب معمول است مرکب است از یک معادل
جوهر گوگرد حقیقی و یک معادل آب و نسبت اکسیژن آب به اکسیژن جوهر گوگرد نسبت
یک است به سه [illegible] است [illegible] وزن مخصوص آن ۱.۸۴۵ را
دارد در ۱۵ درجه حرارت [illegible] در ۳۲۵ + بجوش آید و در
حرارت شدید به اکسیژن و اسید سولفورو تجزیه شود [illegible] بسیار شدیدی است تمام الیاف
اجسام نامیه را [illegible] و با حرارت [illegible] حرارت [illegible] اجسام [illegible]
تغییر دهد [illegible] در جذب رطوبت دارد و در حین امتزاج با آب احداث
حرارت [illegible] شود [illegible] است در صنعت و [illegible] زیرا که چون از حموضات
بسیار قویه است بسیاری از [illegible] را با [illegible] آن [illegible] و در طب صنعت بسیاری
از [illegible] آن معمول اند جوهر گوگرد متعارف همیشه [illegible] دارد و [illegible] دارای
اجزاء [illegible] و گاهی [illegible] نیز دارد بجهة گرفتن [illegible] باید او را تقطیر کرد
و جهة [illegible] مرکبات [illegible] زاج سبز [illegible] است زیرا که اگر در [illegible]
جزو آن [illegible] جوهر [illegible] فوراً [illegible] بطریق [illegible] قطره [illegible] زاج سبز
خالص را بجوهر گوگرد منظور اضافه کنند فوراً رنگ قرمز [illegible] حاصل شود بعضی از حکما
چنین تجربه کرده اند که اگر در جوهر گوگرد [illegible] رنگ [illegible]
اسید [illegible] داشته [illegible] تنفس [illegible] بجهة زوال [illegible]
در حین تقطیر [illegible] مثقال گوگرد [illegible] مثقال جوهر اضافه کنند و [illegible]

آلیه اسید سولفوری میشود چند قطره جیوه که اضافه کنند و مجددا تقطیر کنند تا تولید
جوهر گوگرد و جوهر نمک شود بواسطه غلیان جوهر نمک نیز متصاعد شود اگر در جوهر گوگرد هم
الغاز نیتر و بواسطه اسباب مرش معلوم کنند هفت یا هشت برابر آب بر آن جوهر گوگرد افزایند
دوباره دیگ که عاری از ازار نمک باشد عمل کنند چنانچه در کتب شیمیائی مسطور است و وجود دیگر
وجود اسم الغاز در جوهر گوگرد ثابت شد با جملی شیره زرد نولوده از او اهم زنند و کذا
در دیگ که حاصل میشود نه فقط شود چون جهت عاری کردن جوهر گوگرد از سولفات سرب ناچار
باید از او تقطیر کرد و تقطیر جوهر گوگرد در ظروف متعارف خیلی مشکل است زیرا که
از غلیان جوهر گوگرد بو شیشهای معطر سه شود که غالب ظروف را بشکند و همچنان کار است
جوهر گوگرد که باید در قابله میعان چه اگنه غالبا باعث کسر قابله میشود لهذا در قرع
قدری سنگ چور گرفته ریزند برزلیوس صاحب کتاب مختصر جهت همین عمل معمول کرده است
دقایق ده که گاه این است که سطح جوهر گوگرد را گرم میکنند و از زیر تولید جوش نشود و کم
در فرنگستان معمول است حباب که مرکب است از یک منقل و چه پنجه شیشا [illegible] که
قعر قرع به چوبه حرارت زنند و در حین تقطیر بواسطه لوله‌ای که سطح را نگیرد

از تخته

از تخته آهن ساخته از قرع را پوشانند تا حرارت به سر و جدار قرع نفوذ و از انکشاف جوهر
گوگرد خالص محرق است بسیار شدید و در حین از افزودن آب بالا تحریق آن باطل
شود و قابض گردد در شیشهات قابض بسیار معمول است بکار میبرد دارند خاصه در صورتیکه
ملاحظه قبض هم داشته باشند و همچنان جهت رفع عوارض قولنج سرب در غرغره های خاصه
نیز استعمال کنند و در لیمون و قطور و حقنه بسیار معمول است و لب صاحب در
محرقات بیشتر جوهر گوگرد استعمال کنند با زعفران که خمیری از جوهر گوگرد میسازند
ترف ضماد میکنند و اکثر در هنات سیالها از او استعمال کنند سرایت به اطراف نموده و عمق
جراحت بالا شود از این بابت است که مایع از او ترجیح داده اند در تحریق مرض
لذع سگ هار
غرغره افق است با آن استعمال قیانیات ذکر نباتها و غیرانها و احدی که اسید آن
ضعیف است ولی قوی

اسید سولفورو acide sulfureux SO^2

جسمی است گازیه بیرنگ با بوی تند و گزنده و بواسطه برودت زیاد یا فشار گاز میعان آن
کنند یک کیلو آب ۳۷ کیلو از این بخار را اخذ کنند وزن مخصوص جملی آن ۲۲۵۰ را و در
میزان انقضی ۲ تا ۱۰ درجه و بسهولت جذب اکسیژن نموده تبدیل به اسید سولفوریک
و اسید سولفوریک گردد از این بابت است که جملی این بخار را باید در ظروف کوچک
نگاه داشت جملی اسید سولفور غالبا در لیمونهای منبر دات و قاطعات جهة [illegible]

چند قطره معمول است

جهة ساختن این عمل جوهر گوگرد را با زیبق تجزیه کنند ۲ جزء زیبق و ۳ جوهر
گوگرد در قرع اختلاط نموده در یک لگن گرفته ریزند و از اتصال کنند با اسباب و لف
سه رجا قرع را گرم کنند چون زمان غلیان نزدیک شود زیبق شروع در متوارث شدن
نماید و آن اسید سولفور میشود بهتر آنست که جملی اسید سولفورو شیشه اول را دور ریزند
زیرا که خالص نیست و بجهة این قاعده دیگر این بخار را در شیشه می زده و یا در جرا خانه
که اسید سولفورو بلا معمول است این قاعده مذکور را بیشتر استعمال کنند زیرا که سولفات
در مرکوری که حاصل میشود در ساختن دوا انگنه معمول است
در صنایع بکار برده میشود جهة سفید کردن مواد مختلفه و در انقاذ حیوانات پشت

سولفیت دو سود sulfite de soude

سولفیت خنثی و بی سولفیت [illegible] در طب معمول اند و فرمول بی سولفیت شود [illegible]
می باشد
جهة ساختن آن بهمان طریق که اسید سولفورو را می سازند عمل کنند و یا بر خالص
جملی نمک قلیا استعمال نمایند جهة ترکیب نمک دو جزء آب [illegible] اسید سولفورو
و الوان کشته که از حد اشباع نیز تجاوز کند و قابله را سرد نکنند [illegible] ۱۵۰ درجه
سولفیت دو سود متبلور شود [illegible] سولفیت که گوگرد گرفته است آب [illegible] در
با قیمانها اگر در ظرف سر بسته نگاهدارند جو متغیر شود [illegible] از سولفیت [illegible]

[illegible]

است آن را این نمک را جهة صاف کردن شراب و عصیرات نباتی بکار برند بجهة اینکه
سولفیت خنثی است آورند بقدر کربنات دو سود در جمله سولفیت سابق عوض اینها
که اثرات در کارخانه معروف قیانی شود پیش از سرد شدن سولفیت خنثی منعقد شود
این نمک را در تشریح خانه ها جهة حفظ و رفع تعفن نعش استعمال میکنند تقریبا بکمی
جملی از او در اداره احتقان نماینه باید این سولفیت را در ظرف محکم حفظ کرد
زیرا که بواسطه اثر هوا تبدیل به سولفات شود

هیپوسولفیت دوسود hyposulfite de soude

$NaO, S^2O^2, 5aq$

اگر سولفیت خنثی را با گوگرد بجوشانند کمیاله گوگرد حل شود و هیپو سولفیت دو سود
با جوی آید جسمی است سفید و لطیف [illegible] متبلور شود [illegible]
که منتهی شده به سطوح مورب در آب حل و در الکل غیر محلول است [illegible] آن اجتماع
[illegible] این نمک در عکاسی بسیار معمول است و در طب جهة [illegible] استعمال
[illegible] از امراض شری [illegible] اسید [illegible]
هم استعمال میکرد

ترکیبات ازت

از ترکیب اکسیژن و ازت پنج جسم بوجود آید و اولا در طب جز جوهر شوره معمول است

جوهر شوره AzO^5, aq acide azotique
(syn. acide nitrique, esprit de nitre, eau-forte)

این جوهر را تیزاب فاروق نیز نامند و در اصطلاح شیمی اسید ازتیک و آب
نیز تیک گویند خالص ذات آب اجزا از اثر گوگرد خشک در سنگ چخماق حک بدست
آورند جسمی است جامد و منعقد لیکن متبلورات مصفی و لطیف که در ۲۹
حرارت ذوب شود و در ۵۰ بجوش آید جامد آن معمولی نیست جوهر شوره که درجه
که کمال غلظت را داشته باشد مایعی است بیرنگ با بوی تند و خواص طعم ترش در
نهایت حریفیت و شدید الاحتراق جلد را زرد رنگ کند و این رنگ زایل
نشود مگر بزوال بشره یا از سموم قتاله است قابل تصعید است و با حرارت
تجزیه شود و هر جسمی که مایل مجذوب اکسیژن باشد او را تجزیه کند جوهر شوره متعارف
از ۳۰ تا ۴۰ میزان الحموضه نشان دهد و لا جهت بعضی استعمالات شیمیائی
به ۴۶ هم توان رسانید

جهت ساختن آن اهل صنعت چنین سازند شوره مصفا یک جوهر گوگرد
[illegible] یک شوره را کوبیده در قرع انداخته [illegible] ریزند و جوهر گوگرد را از
لوله کوچک قرع داخل کنند و اگر قرع لوله دار نداشته باشند باید قیف لیبا
بلند استعمال کنند که جوهر گوگرد داخل ته قرع شود و در کوچک آن نازک
قرع را در حمام مثلث [illegible] حرارت دهند و انبوبه و قابله را از آن
شده وصل کنند بهتر است که قابله قرعی باشد که در دهان آن لوله باشد و لوله
بلور نازک داخل کنند تا بخارات زرد نارنجی که در ابتدا [illegible]

بوجود می آید در بالای محل عمل جمع و پیدا کنند که زیرا که استنشاق آن بخار
جهت صحت مضر است قابله را بواسطه آب جاری سرد نگاه دارند و نشده وصل
را با کهنه آلوده به خمیر بلغیه و تخم مرغ و آهک ناشفته آتش خفیف را در ابتدا
باید ملایم داد و هرگز نباید حرارت بقدری باشد که جوهر شوره از قرع و انبوبه
جاری شود بلکه باید قطره قطره بچکد از خیلی چون جوهر گوگرد اقوی است از جوهر شوره
شوره را تجزیه کند و با ماده قلیائی آن مرکب شده تولید سولفات پتاس
نماید و جوهر شوره تنها مانده از اثر حرارت بخار شده در انبوبه و قابله مجددا سرد
شده میعان یابد در ابتدا و ختم بخارات زرد نارنجی فراوانی پیدا شود و زمان آخر
عمل نیز نظر به تولید بخارات زرد نارنجی شود که علامت اتمام عمل است
در کارخانه جات جوهر شوره را مقدار زیاد با اسبابی که بدست آورند و اسباب
کار آنها مختلف است و تفصیل این اسبابها در شیمی مبسوطا مذکور است در ایران تیزاب
را از تکلیس زاج سبز و شوره بدست آورند

جوهر شوره آبدار *acide azotique dilué*

جوهر شوره	۳۵	آب مقطر	۲۲۵

بخور مذهب به اسم صاحب

شوره	۱۶	جوهر گوگرد	۱۶
آب	۱۶		

مطابق معمول آب و جوهر گوگرد را ممزوج کنند وقتیکه این مخلوط هنوز بحالت گرمی
باقی است اندک شوره بر آن افزایند و در ظرف خاکستر گرم گذارند بخارات زرد
نارنجی متصاعد شود وقتی که صعود این بخارات کم شد قدری شوره افزایند و همین
قسم عمل کنند تا تمام شوره بمصرف رسد این نسخه را جهت رفع تعفن فضائی که مساحت
آن ۱۲۰ ذرع مکعب باشد بکار میبرند

شربت مبرد جوهر شوره *limonade azotique*

جوهر شوره	۲۰ نخود	آب	۱۵۵ مثقال
شربت شکر	۲۵ مثقال		

مطابق معمول مخلوط کنند این شربت را در امراض جلد و دواء فرنجی میخورانند
با دوائی دیگر [illegible] از اثرات مخلوطه [illegible]

غسول جوهر شوره

جوهر شوره	۲۰ نخود	آب	۱۰۰ مثقال

مطابق معمول مخلوط کنند این آب را در شستن قروحات عفنه معمول داشته
قدر شربت و موارد استعمال آن — اسید ازتیک غلیظ را استعمال خارجیه [illegible] جهت
زوال لحم زاید و زگیل و ثآلیل [illegible] و جهت داغ کردن جراحات عفنه [illegible]
دکتر ریوالیه *Rivallié* [illegible] از چکانیدن قطرات جوهر شوره بر جسم
کتان رقیق شده ترتیب داد و این خمیره را وضع اینده در مواضعی که میخواهند بسوزانند

استعمال

استعمال خارجیه محلول خیلی رقیق آنرا در جوشها و بثورات در حمیات مطبقه و [illegible]
و در امراض جلدی و جوش خوره [illegible] و همچنین استعمال آن در داء
معمولی است در مرض [illegible] خصوصا هنگامیکه اثر در عطش [illegible] باشد و نیز ترتیب
سینه از آن لیمونادی [illegible] جوهر شوره خالص رقیق منضم بشربت و [illegible]
استعمال شده است جهت رفع سیاه سرفه مقدار ۵ تا ۶ قطره (و ضعف آن)
در یک فنجان آب قند که در دو نوبت در روز بیاشامند و استعمال شده است مانند
[illegible] الصوت در صاحبان صوت قدر شربت این مقدار است که [illegible]
مطبوع [illegible] حاصل شود

دکتر گسلن *gosselin* استعمال نموده است جوهر شوره را که معادله [illegible]
در عرق [illegible] که [illegible] را برداشته [illegible]
[illegible]

حموضات فسفر

این حموضات ماخوذه از فسفر جوهر اسید فسفریک *acide phosphorique*
([illegible]) در طب معمول نیست این اسید در سنه ۱۷۴۰ بواسطه *margraff*
مارگراف کشف شد جسمی است جامد بیرنگ بی بو با طعم بسیار ترش و قابل ذوب و تصعید
حرقت او از جوهر گوگرد و شوره بسیار کمتر است بمقدار در آب حل شود بلکه هرقدر
بر درجه حرارت آن بیفزایند قدری از او را همیشه با خود نگاه دارد جهت استعمالات

محلول از آب زنه نقمی که ۲۵ را وزن مخصوص داشته باشد و با میزان الشعر ۶۰ درجه
نشان دهد

جهت ساختن این فعل را با جوهر بوره محترق نمایند بر طریق فعل که جوهر
بوره ممزوج با آب ۸ بهاب بگذارند جاهای اشیش و قرع و غدد طوله لوله دار و ارده به
و قابله الست موله که یا دران لوله با انبوبه شده و حس میشود دیگری دارای لوله
باریک بلندیست تا بخارات موزی را در بالای محل عمل بوده و اللوله گرکنند در
وقت عمل به هیکل احتیاط را بکار آورند و خیلی علامت آتش داد و بخش صعود بخره
تا بخر آتش را از کوره بیرون اورده و بعد از انکه عمل تمام ریه عمل تغلیظ را در کیول
ملاوی نقیه با تمام رسانند

ودر عهد ابتدا بر فعل عمل کرد

acide borique ou boratique اسید بوریک

BO^3

این جسم را بطلب همبرگ homberg کشف شده و او را از تقطیر بوره و زاج سبز
بدست آورده و بعد از آن ... صاحب ... اسید در ... بدست آورده تا زمانیکه
کیولوسک صاحب قیاس وجود او را نموده بود اسید بوریک را یکی از اجزای مفرده میدانستند حکمای
جامد و منعقد ترکیب فلسهای ورقه باریک سفید و بوی باطعم اندک حامض و در ملمس چرب
جزو آب سرد در بیست درجه حرارت چهار جزو این اسید را حل نماید و در ۱۰۰ درجه حرارت
۳ جزو محلول سازد محلول سردان رنگ آبی نباتی را قرمز شرابی کند و محلولیکه با حرارت

رانده

سرشده باشد رنگ آبی نباتی را قرمز پیوازی کند اگر اندکی جوهر نمک در محلول اسید بوریک ریزند
رنگ کاغذ زرد شده و بواسطه زرد چوبه را الیاه کند خیلی محلول در الکل است و محلول الکل
از دو چون آتش زنند میسوزد با شعله سبز خوشرنگی که مخصوص به امتیاز این جسم است و اعتبار است
که در حین اشتعال محلول الکل را بهم زنند تا شعله کوچک نمایان شود در صورتیکه مقدار اسید قلیل
باشد اندکی جسته در محلول گذارند و آتش زنند تا شعله کوچک پیدا شود و الکل که اشتعال یابد
با ید با آب باشد هرگاه الکل ضعیف باشد رنگ شعله اش ابی است اسید بوریک مذاب وزن
مخصوصش ۱.۸۳ را است و وزن مخصوص اسید بوریک منعقد ۱.۴۸ را است و اسید بوریک منعقد
۴۳ ره آب دارد و در ۱۰۰ درجه حرارت تبدیل میشود بجسم زجاجی که پیش از ذوب اسید
بوریک متعارفی آب را دارد این اسید بعد از ذوب میتواند مانند منفعل کشیده شود و مانند
تخته شفاف منجمد گردد

طرز ساختن آن - این اسید در طبیعت یافت شود گاهی مرکب با چیزی که براکیس
نامند و گاهی مرکب با سود که بغاری بوره نامند این قسم اخیر در بسیاری از مرداب‌های شور
که واقعند در هندوستان و کوههای تبت و جزیره سیلان و در جنوب تا تارستان
و در دولت ترانسیلوانیا و سکسن و لوزینش و آب گرم وقس بادن و جبال پیرنه
شرقی و ابهای بانیز و بارژ و کنز و ولدینه و ویلش یافت شود و در معدن فلز ایتالیا
و کمانتیه و جابسی یا زار و ...کر نیز یافت شود و در بوراخ کوههای آتش فشان نیز
بحالت آزاد و ترکیب با ... و در ... یافت شود و انچه محلول است در آبهای بعض

مردابها که در اینها مسافه ابهای معدنی جاری است

طرز حصول این مصنوعات از قرار است که یکجزو بوره را در سه جزو آب جوش حل نمایند و
در آن محلول جوهر گوگرد بقدر قطره ریزند تا یکی از غلیان بفقه از حضور لوالقات در لوله
و اسید بوریک حاصل شود و با محلول که ایست هرچه محلول میانه و بعد از سرد شدن اسید
بوریک در قعر و اطراف ظرف منعقد گردد و لوالقات هرگاه محلول بازیر از آن جسم منعقد را
جدا نموده تقسیم نمایند و بخشکانند و بجهة احتیاط که مبادا جوهر گوگرد داشته باشد از آن در آب
ذوب کنند تا دیگر کاری از آن متصاعد نشود آنگاه مذاب را در آب جوش حل نموده که اسید
تا اسید بوریک خالص منعقد شود و میتوان بکار جوهر گوگرد جوهر نمک استعمال نمود بشرطیکه مقدار
اب بوره را شش برابر بوره نمایند و بعلاوه در روند و بشرکه از صنعت حاصل میشود مقتضی اذلال ترا
ولوالقات و بوره است و در خلوص اسید بوریک انحلال آن شرط کارست

سابقا از او استعمال مینمودند مانند رادعات و مخدرات و محللات و بجهت ادامه تا ۸ گرم آنرا
در صد گرم آب حل نموده در مرض قلاع دهان غرغره نمایند و حال مستعمل نیست مگر مرکب ان کل است
بوره و جهة ساختن طرطر محلول

قدر شربت آن از $\frac{1}{2}$ الی ۲ گرم است

اسید کاربنیک acide carbonique CO^2

جسمی است گازیه بیرنگ طعم آن مایل است به ترشی و موجب اختناق حیوانات است
آب در حرارت متعارفی تقریبا مساوی حجم خود از آن حل کند و لهذا بواسطه فشار و برودت

زیاد

زیاد و برودت مقدار کثیری از آن را حل نماید و از بابت این خاصیت است که میاه معدنی گازی
و سیفونی سازند

جهت ساختن این شیشه دو لوله را بردارند و در یکی از آن لوله‌ها لوله باریک
بلندی که تا قریب بقعر شیشه برود نصب کنند و در لوله دیگر لوله منحنی مخصوص
که قابل حمل و نقل بخار است در بالای آن در تحت سرپوش قرار دهند و در آن شیشه
قدری سنگ چخماق یا کرب ریزند و جهة آن آب افزایند که ذوک تحتانی آن لوله مستقیم
جبه وار داند آب شود جوهر نمک بر آن افزایند فالفور جوش کنند هر وقت که از
جوش ایستاد که جوهر نمک کنند غالب در سرپوش اول این بخار را اخذ میکنند
تا از هوا عاری شود و بعد سرپوش ۴ را محافظت نمایند معلوم است جوهر نمک
سنگ مرمر را که اکسید مکلس است تجزیه کنند و قلیل دیگر در محلول نماید و اسید
کربنیک تنها ماند درین باب شرح مفصل در اواخر این مجله در باب آبهای معدنی
ترش ذکر خواهیم کرد

جوهر نمک HCl acide chlorhydrique

جسمی است گازیه وزن مخصوص آن ۱.۲۶ را علم ان بسیار ترش و بخران بسیار تند
است در حین استنشاق زمینه ال میه اکنه لسیار محلول است در آب بقسمی که در صفر
درجه حرارت یک کیلو آب ۴۸۰ کیلو از این بخار حل کنند از او از تجزیه نمک
طعام با جوهر گوگرد بدست آورند و درین باب شرح مفصل در پیش نوشته ایم

دیباب این عمل معروف است با باب وُلف woulf و بهتر است که یک نمک آب بریزد تا مانع از طوفان شود و در ضمن عمل آب تجزیه شود و ید از آن با گوگرد ترکیب شده تولید جوهر نمک کنند و اکثر آن با نمک ترکیب شده تولید نام و آن کو با جوهر گوگرد تولید نرکیب کنند غالباً محلول جوهر نمک دسته اول است و بخار آن سبب دفع آن استعمال است و در طب از آن با محتوی از گیرد آب مخلوط فرمایند در دفعات عفونت استعمال کنند

جوهر نمک سمی است شده بود و مالک و در محلول فرمایند از دو دوا دیده و تلخ و محلله و رافع تعفن و استعمال فرمایند محلول از آن در آب زیاد در دواهای در دهان مطلقه و تحلیک و امراض کبد و آثار جلدی و غلیظ از آن استعمال فرمایند جهة حرق و استعمال شده است در خناق و بجهة لوزتین و دانهای گرفتن و زخمهای و حمل رقیق آن استعمال فرمایند در آب ترکیبه جهة مهر در دال عطای متقرحه

جوهر نمک حامض را استعمال فرمایند در باب امراض جلدی از آن در حل فرمایند در غرغره ها و غسولات و حقن و استحمامات و بخورات و جدوال الکعل و بیمارات که در آن نام خوانده می‌شود و ترکیب فرمایند غیر مستعمل است با آن اعلاج جوهره و شرب و غیره

جوهر نمک مایع acide chlorhydrique dilué

جوهر نمک	۱	آب مقطر	۳

لیموناد جوهر نمک limonade chlorhydrique

شربت گل	۲۵ مثقال	آب	۱۲۵ مثقال
جوهر نمک	مقدار کافی		

بقدر جوهر نمک افزایند که طعم این شربت اندکی ترش شود

شربت جوهر نمک sirop chlorhydrique

جوهر نمک	۸ گرم	شربت گل	۵۰۰

مخلوط کنند

غرغره جوهر نمک gargarisme chlorhydrique

ماء الشعیر	۵۰۰ گرم	جوهر نمک	۲ گرم
عسل	۶۴ گرم		

مخلوط کنند این غرغره در منع کثرت بزاق در استعمالات زیبق معمول است

الکل جوهر نمک acide chlorhydrique alcoolisé

جوهر نمک	۱	الکل ۹۰	۳

مخلوط کنند اگر این مخلوط مقداری فرمایند توقیه از حیث این مخلوط در امراض داخلی از جوهر نمک معمول است زیرا که اندازه قوه آن در دست است

ارزن جوهر نمک pédiluve chlorhydrique

جوهر نمک	۱۰۰۰ گرم	آب	۲۰۰ لیتر

مخلوط کنند در کچلی و سایر امراض جلدی معمول است

تیزاب سلطانی acide chloro-azotique, eau régale

جوهر نمک	۳	جوهر شوره	۱

مخلوط کنند در حین امتزاج این دو ماده حامضه صفوت آن بیدا شود زیرا که ید از آن جوهر نمک با مقداری از اکثر آن جوهر شوره تولید آب کنند لهذا کلر آزاد و موجود آید و نیز بخارات شوره تولید شود تیزاب سلطانی را در طب در رفع امراض کوفتی مینمایند و در خارج از آن استعمال محرکات کاویه و در حمام کبد و غیر از امراض جلدی استعمال نمایند

حمام تیزاب سلطانی Bain acide chloro-azotique

تیزاب سلطانی	از ۱۰۰ تا ۵۰۰ گرم	آب	۳۰۰ لیتر

مخلوط کنند

حقنه تیزاب سلطانی

تیزاب سلطانی	۱۰۰ تا ۲۰۰ گرم	آب	مقدار کافی

مخلوط کنند

بخور تیزاب سلطانی

شوره	۶	نمک طعام	۳
مغناسیا	۴	جوهر گوگرد	۶

آب		۱

اول آب را با جوهر گوگرد ممزوج کنند و کم کم بر سایر اجزا بیفزایند تا وقتیکه دیگر تولید بخار نشود

جوهر سرکه $C^4H^3O^3 + aq$ acide acétique

تا کنون جوهر سرکه خالص بی آب بدست نیامده و هر چه در ساختن آن کوشش کنند باز کمیاب آب جزء آن است وزن مخصوص آن ۱٫۰۶۳ است و در میزان الثقل ۵ درجه نشان دهد آب وزن مخصوص آن را زیاد کند تا وقتیکه در میزان الثقل ۱٫۰۷۹ نشان دهد در این حالت مقدار جوهر سرکه حقیق ثلث وزن آن مخلوط است و اگر مجدداً آب افزایند از وزن مخصوص آن رفته رفته کاسته شود خالص این جوهر تا ۱۷ درجه جامد است جسمی است نفیه با بوی تیز رنگ و مطبوع در صورتیکه آب زیادی ممزوج با آن نشود مخلوط آن قدری حدت دارد و جلد را می‌سوزاند سریع التصعید است و در ۱۲۰ درجه حرارت بجوش آید در آب و الکل بهر اندازه حل شود جوهر سرکه در طب بچند صورت معمول است اول بصورت سرکه دوم بصورت سرکه مقطر سوم سرکه بیدار شده چهارم جوهر سرکه خالص در باب سرکه متعارف و سرکه مقطر در جلد اول شرح داده‌ایم

vinaigre radical

جوهر سرکه اعلا acide acétique concentré

زنگار منتقه خشک را بدست آورند و در قرع ریگ ریزند و با انبوبه و قابله لوله دار شده وصل کنند و شکافها را با خمیره چوب متعارف بگیرند (بهتر از همه خمیره آهک و لعاب و کتیره)

است) و در کوره پرویش دار تقطیر کنند و قابله را با آب سرد جاری سرد نگاه دارند
که درجه حرارت قرع را پاک کنند در آخر عمل حرارت بسیار لازم است علامت آن
عدم تصعید بخارات حاصل اول تقطیر جوهر سرکه است که آب فراوان دارد زیرا که
آب بانعقاد اینجا زودتر از روی آن تقطیر میشود و بعد از آن جوهر سرکه تقطیر شود
و در آخر عمل تولید جسم مخصوص شود که باصطلاح حکمای انگلیس esprit pyro
acétique و acetone نامند و در شیمی معمول است به اشتعال و در
همان منکشف تولید آب و بعض از مواد محترقه نیز شود و آنچه در قرع باقی میماند مس خالص
است بحالت غبار بسیار نرم که مخلوط است با زغال غالبا اینگونه جوهر سرکه رنگین است
زیرا که زنگار بواسطه حرارت قدری تجزیه شود و اندکی [illegible] در بالای قرع منجمد
شود در حین عبور جوهر سرکه مجددا آن [illegible] را حل کند و بواسطه تقطیر مجدد رنگ آن
زایل میشود این جوهر سرکه در خارج مانند محرکات معمول است در غش استشمام آن باعث
تحریک حواس خمسه است غالبا آن را در شیشه های کوچک ریزند و آن شیشه ها را قبل
از جوهر سرکه پر کنند از [illegible] منعقد این نمک اگر زیاد [illegible] از دیاد
سطح بجوهر سرکه افزایند

سرکه معطر انگلیسی vinaigre aromatique anglais

جوهر سرکه	مثقال ۲۵	کافور	مثقال ۲
عطر الطوخودوس	گرم ۲	عطر میخک	گرم ۱۲

عطر دارچینی گرم ۴
کافور را باید که جوهر سرکه در هاون چینی بسایند و در شیشه ریزند و تتمه جوهر سرکه و عطریات
را بیفزایند و نگذارند چند روز بماند بعد از آن صاف از آنجا کنند

جوهر سرکه خالص acide acétique pur

این جوهر اکنون بمقدار کثیری در کارخانجات مصنوعا تولید میشود زیرا که در تقطیر چوب
بوجود می آید باید هشت درجه میزان انجماد [illegible] ولی [illegible] نداشته باشد و [illegible] آن
بکار شود بدون اینکه [illegible] با اکسیدات [illegible] درجه [illegible] باید
درجه [illegible] غالبا جوهر سرکه خالص را چنین سازند

شکر سرب منعقد ۱۶ جوهر گوگرد ۹

شکر سرب را در قرع لوله دار ریزند و دهان قرع را در حمامی گذارند و با [illegible]
شد و دهن کنند و جوهر گوگرد را از لوله قرع داخل نمایند و با لوله [illegible] این جوهر [illegible] را
خوب ممزوج کنند و [illegible] درجه حرارت بیفزایند تا وقتی که دیگر جوهر سرکه متصاعد نشود

جوهر سرکه قابل انعقاد

استات دو سود خشک ۳۰۰۰ گرم جوهر گوگرد غلیظ ۹۳۷۵ گرم

مطابق معمول بحرارت ملایم تقطیر کنند غالبا اجزا خارجه دارد و بهتر است که
مجددا آن را در حین [illegible] و تقطیر نمایند اگر کاغذ را آلوده کنند بجوهر سرکه غلیظ
محرق معروف باشد آنچه که منسوب است به [illegible] وزن که [illegible] آن در حین [illegible]

مشمعات مقرحه محمره

سرکه vinaigre ou acide acétique faible

این اسم داده میشود بمایعی که از انقلاب [illegible] که تعلق میگیرد بجمیع مایعات الکلی
و قسم انها عبارتند از سرکه چوب و سرکه شراب و سرکه آب جو و شراب سیب
که [illegible] cidre نامند و غیره سرکه شراب و سرکه چوب برای [illegible] و صنایع [illegible]
برده میشود جهت کارهای ادویه سرکه شراب سفید [illegible]
و علاوه بر جوهر سرکه دارای جمیع مواد ثابته و اجزا مختلفه که در شراب است
جسمی است روشن و صاف بطعم ترش و گوارا و مطبوع وزن مخصوص آن مختلف میشود
از ۱۸ ۰ را تا ۰۲۰ ۰ را که از میزان ثقلی (aréomètre de baumé)
۵ و ۲ تا ۵ و ۳ [illegible] درجه اساس سرکه شراب سفید را باستعمال [illegible]
در ساختن سرکه های طبی [illegible] سرکه [illegible] شود از الکل [illegible] و چنین مواد
[illegible] خشک [illegible] و سرکه که تهیه شود بواسطه تقطیر انواع سرکه های مقطر
(acétolats) که مشتمل اند سرکه مقطر ساده [illegible] حاصل میشود بواسطه تقطیر
سرکه شراب سرکه های مقطر معطر عبارتند از سرکه مقطر که تقطیر میشوند [illegible] با جسم
معطره [illegible] سرکه vinaigre radical
یا ترشی زنگار acide de verdet جوهر سرکه [illegible] که حاصل
میشود از تقطیر زنگار منعقد وزن مخصوص آن ۱۰۷۵ را تا ۱۰۸۰ را است

(که از ۱۰ تا ۱۱ میزان ثقلی است) و همیشه دارای قدری [illegible] است
سرکه را مانند منبهات در دواها و جهت تسکین [illegible] در [illegible] عفونت [illegible]
مطبقه و [illegible] که از خارج مخلوط با آب و در [illegible] خون و در حالت غش و جهت
ساختن سرکه معطر انگلیسی و اعدادی که ماحصلشان سرکه است بکار برند
طرز ساختن سرکه در ممالک ایران دو گونه است طریقه اول انست که در ماه آخر
پائیز که انگورها خوب شیرین شده اند صد من انگور را در خمی ریخته و در دهن آن
با پارچه [illegible] و بعد از انکه سه روز گذشت و انگورها شکسته [illegible]
در دهن آن انگور ریخته سر خم را باز نمایند [illegible] ریزند
و بعد از چهل روز [illegible] زمستان [illegible]
خم قدری نمک ریزند و با پارچه [illegible] و در ماه [illegible] بهار در
[illegible] حفظ نمایند [illegible]
شیرین [illegible] داغ [illegible] روز [illegible] ترش
شود [illegible] صاف [illegible] حفظ نمایند
طریقه ثانی انکه قدری کشمش را در خمی ریخته و سه برابر آن آب در آن ریزند و بهتر
انست که آب گرم یا جوش در آن ریزند و جهت سرعت انقلاب [illegible]
[illegible] در شیشه های [illegible] در سرداب و انبار گذارند و [illegible]
در آفتاب تا بجوش آید و منقلب گردد بعد از اینکه خوب ترش شد صاف نمایند

طرق دیگر نیز در ساختن هست که ذکر شان لازم نیست

غسول سرکه

سرکه نقیه	۲۵۰ گرم	آب سرد	۱۰۰۰ گرم

در شستن قروحات محرک ضعیف است

افشره سرکه

سرکه نقیه	۳۲ گرم	آب متعارفی	۹۰۴ گرم
شیره شکر	۶۴ گرم		

مخلوط کنند در حمیات حاده و امراض جهت تبرید میخورانند

سکنجبین

عسل مصفا	۲	سرکه نقیه	۱

مخلوط نموده بجوش آورند تا درجه غلظت به ۱۰۳۱ رسد و صاف نمایند

غرغره سکنجبین

بوره	۸ گرم	سکنجبین عسل	۳۲ گرم
آب	مقدار کافی		

مطابق معمول ۲۵۰ گرم با شیر سازند و سکنجبین را برای غرغره

اسید لاکتیک یعنی ترشی acide lactique $C^6H^6O^6$

در سنه ۱۷۸۰ بواسطه شیل scheele در آب شیر ترش کشف شد

[illegible] $C^6H^5O^5$ [illegible]

۱۰۲

ست زمانها مشتبه بود با جوهر سرکه و به توسط دو لبسیار از مواقع قائم مقام آن قرار
داده میشد و یافت میشود در رطوبت معده و در نوعه تخم مرغ و در بسیاری از مواد متعفنه
و حاصل میشود از تجزیه لاکتات در شیر یا لاکتات در بیت بواسطه جوهر گوگرد یا بعد
بواسطه از تبخیر آب ساخت ترش شده تا اینکه ثلث رسد پس از آن بواسطه انحراف
صاف نموده اشباع مینمایند از او بواسطه شیر آهک و حاصل میشود رسوبی که عبارت است از
لاکتات در شیر از آن صاف نموده صاف نمایند پس از آن در تماس مینمایند از او بواسطه
اسید اکسالیک یا اسید سولفوریک آمده از در نمالت اخر جهت اینکه تمام لاکتات
در شیر راسب شود و غیر محلول شده جدا برابر الکل بر آن افزایند و صاف نموده
محلول حاصله را در مسکن ذارند تا هر گاه چیزی در آن باقی مانده در دو گرمی از آن
قوام آورند تا مخلوطه شربتی پس از آن در الکل ریخته بهم زنند تا اینکه لاکتات
ammoniacal در قند شیر داخل آن در دو شیر از آن صاف نموده جهت گرفتن الکل تقطیر
کنند باقی مانده عبارت است از اسید لاکتیک یا خالص و نیز میتوان از آب برنج و
آب روغن نشسته و غیره گرفت و لا واقعه بسهولت و معمول نیست که ذکر شود
اسید لاکتیک خالص مایع است بقوام شربت بی رنگ و بو و غیر قابل انجماد و جاذب رطوبت
در هوا با طعم حامض و مخصوص و محرق و از میزان الثقل ۱٫۲۱۵ در ۲۰ و در وزن مخصوص آن
در ۲۰ حرارت ۱٫۲۱۵ را است قابل حل است در الکل و اتر شیر و البومین را
منجمد نماید و هر گاه او را در محلول لاکتات در غیر با املاح است همه رنگ ریزند درد بعضی

حاصل شود و از مایع اشتعال ریزه سرکه گرده و بسهولت فسفر و اهک را حل نماید و
و اینها از صفات مخصوص و ممیزه او میباشد

قره قروت اسید لاکتیک است غیر خالص

مازاندی magendie ازا انتقال نموده در سوء هضم غیر مستعمل است
قدر شربت آن بقدری است که ترش معتدل بایع دهد

اسید اکسالیک aq acide oxalique $C^2O^3 + Aq$

یکی از جوهریات حامضه بسیار قوی است جسمی است جامد و منعقد بشکل منشورات چهار
صفحه مورب دارای بو نیست و طعم آن بسیار ترش است در ۸ برابر آب سرد قابل حل
است و در الکل نیز بسهولت حل شود در ۱۱۵ درجه حرارت تجزیه شود و تولید
اسید کربنیک و اکسید دو کربن نماید و در حال استحکام تجزیه شدن قدری اسید کربنیک
مصعد کرده و ما با یک معادله آب صفات ممیزه این جوهر از سایر جوهریات نباتی
است که تمام محلولات آهک را راسب کند و طلا از کلرور در را احیا نماید از او
تجزیه کردن یک مدت در پای کیمیاگات طبیعی و در ترکیب یافت میشود ست آ
ورند تا اینکه بواسطه اثر جوهر گوگرد در قند شسته مصنوعی حاصل سازند اسید
اکسالیک با آب و جوهر او بعضی اینکه آب از معنوعا گرفته تجزیه به
اسید کربنیک و اکسید دو کربن شود فرمول مصعد آن $C^2O^3 HO$ است و فرمول منعقد
آن $C^2O^3, 3HO$

از خط ۱۶

طرز ساختن آن – قاعده اول قند مسحوق ۱ جوهر شوره ۳۲ ۸ قند را در قرع
بزرگ داخل نموده که لوله دار ریزند و در حمام ریگ قرار دهند و انبیق و قابله آن متصل
نمایند قابله نیز باید دارای لوله مستقیم باشد پس نصف جوهر شوره را بر قند افزایند و با کمال
ملایمت گرم کنند جوش و طوفان شدیدی پیدا شود پس از اینکه از جوش ایستاد حرارت را بیشتر
نمایند تا قوام آید اسید اکسالیک که تولید شده منعقد شود از بیرون آورند بعد باقیمانده را
دوباره در قرع ریزند و تتمه جوهر شوره را افزوده مجدد گرم کنند و قوام آورند و بگذارند
منعقد شود در ضمن بواسطه احتراق کربن قند با اکسیژن جوهر شوره تولید اسید اکسالیک میشود
و در ضمن تولید آب و اسید کربنیک و اکسید دو ازت نیز میشود و در قابله جوهر شوره رقیق
و اسید ایپ از یک جمع شود سبب اینکه جوهر شوره را دو نوبت اضافه کنند این است که
اگر مقدار جوهر شوره زیاد باشد خود اسید اکسالیک که تولید شده نیز تبدیل به اسید کربنیک
شود و با قاعده که ذکر کردیم نیز همیشه این عمل جاری میشود و لا محاله مقداری از آن
از دست میرود که هرگز نمیتوان با این عمل مطابق مسائل علمیه تمام را کفایت اسید
اکسالیک ساخت معلوم است که جوهری را که با این قسم ساختیم خالص نیست و لابد است
او را بواسطه مکرر حل و عقد تصفیه کنیم و چون همیشه قدری جوهر شوره مخلوط با او هست
که در گرم کردن که او را شکفته شود تا بیشتر جوهر شوره با آب انفصال خارج شود مکرر
حل و عقد نمایند و در اعمال تجزیه یعنی بهتر است که این شکفته و حل و عقد
را مکرر کنند علامت اینکه جوهر شوره هنوز در آن باقی است این است که چوب پنبه

ظرف بلور را زنو کند

قاعده دوم – ثلث ستا جوهر لیمو شده ۳۳ به مطابق معمول در دو ساعت
حرارت در قرع محفوظ کنند و بعد از آنکه جوش و طوفان آن با تمام رسید یک برابر دیگر
جوهر لیمو شده بیفزایند و بحرارت ملایم گرم کنند و وقتی که بخارات لیمو تمام شد قدری
منعقد سازند و دوباره آب داده با جوهر لیمو تازه بیفزایند و مجددا عقد کنند غالبا
سه چهار نوبت و بواسطه افزودن جوهر لیمو در میان ماده قلیه سنگ لیمو تازه شود
و منعقد گردد

قاعده سیم – این قاعده معمول صناع است که ترلک منقا شده را قرض قدر
در کیل کلان در پاتیل نقره در آب حل کنند و کلر سرب بیفزایند تا سنگ لیمو
بحالت یک مدت و رسوب شود و درد را با آب کرم بشویند و بگذارند قطرات آن
بچکد و بگیرند و قدری از آن را خشک کنند تا نسبت مقدار رطوبت و یک مدت دوم
معلوم شود بعد از آنکه مقدار این نمک خشک را بخیه نموده برای هر ۳ ۳ جزو آن
کوکرد که با ده جزو آب آمیخته اند بریزند و بگذارند در پاتیل سربی یک شبانه روز
با هم و مکرر بهم زنند قدری از محلول صاف از آن با آب زلال مخلوط کنند و برات باریان
بخوابانند تا معلوم شود که دیگر جوهر کوکرد مرکب نشده با سرب باقی است یا چیز دیگر
بقدر جوهر کوکرد باید مدت چند قطره امتحان کنند که اگر لازم است قدری یک مدت
دوم تازه باریان افزوده درد و مایع را از یکدیگر جدا کنند و درد را بشویند و

با آب حوض

آبهای غساله را با آب اول جمع کنند و قوام آورند و بگذارند عقد شود از آبهای مانده
مقدار تازه از این ماده میتوان گرفت و بواسطه تکرار حل و عقد تصفیه شود به یک لیک
را که بر قاعده ساخته باشند خالص تر است از آنچه به تیزاب میزنند زیرا که اخراج
تمام تیزاب خالی از صعوبت نیست و اما در قاعده اخیر نیز محقق است که قدری جوهر کوکرد
مخلوط آن بماند به یک لیک باز داری کاهی مغشوش اند بواسطه امتزاج با رفعات
بتاس با رفعات و غیر ها بواسطه الکل کشف این غش شود زیرا که الکل جز به یک لیک
جزی دیگر را حل نکند و گاهی از آن با نمک ترلک مغشوش کنند جهة کشف این غش
باید قدری از آن را تکلیس کنند در صورت عدم خلوص نقش غلیانی باقی میماند باری در بازار
نیز به یک لیک به دست آید که بکرستال ترکیب زاج سفید مغشوش که از درین
حالت الکل زاج را حل نکند آنچه حل نکند میماند در آب محلول کنند و بتاس محرق
یا باریان افزایند رسوب سرخی نگشیه پیدا شود که مجددا در زیادتی بتاس محلول گردد

قرص به یک لیک

به یک لیک صلابه شده	۴ گرم	قند	۵۰ گرم
عطر و بست یبو	قطره ۸	لعاب کثیرا	مقدار کافی

مطابق معمول اقراص ۱۲ گرمی سازند این قرص جاذب رطوبت نباشد لهذا
غالبا قرص نمک ترلک را ترجیح میدهند

جوهر الطرطیر $C^8H^4O^{10} + 2\ aq$ acide tartrique

جوهر طرطیر جسمی است جامد سفید و منعقد بشکل منشورات منحرف با قواعد معینه خالی
از آب در هوا محلول در آب سرد و الکل آب جوش دو بار وزن خود از آن حل
کند املاح نباتی اکثر محلول را تجزیه میکند یعنی اسید آنها را دو کند و املاح خفیف
اکثر را تجزیه ننماید و بمعنی پیدا امتیاز است از به یک لیک و علاوه بر این
از خواص است که اکثر مرکب را بزیادتی جوهر طرطیر حل کنند جوهر طرطیر
از حامضات با برکت است و غیر محلول جهة قلیه املاح و معادن و غیرهم

دالو

جهة ساختن آن بگیرند نمک طرطیر ۴ گل سفید ۵ را در پاتیل بزرگ قلع از چهار
آب را بجوش آورده ممتد رجا طرطیر را در آن حل کنند و گل سفید را بیان قراضه
قدری بجوش نه بلکه مدت غلیان را تا چهار پنج ساعت ممتد دهند و بعد از آن کلها
ته نشین شود درد که بوجه آید عبارت است از طرطرات و آهک آب فتش نباشد
مجددا گل سفید افزاینده تا مقدار تازه رسوب پیدا شود وقتی که طرطرات دیگر
اثر درد کاغذ معروف کنند مایع و درد را از یکدیگر جدا کنند و درد را با آب
گرم بشویند و آب غساله را ضمیمه مایع اول کنند و در آن مایع محلول کلرور دو
کلسیوم اضافه کنند تا وقتی که دیگر درد پیدا نشود این درد را ضمیمه درد اول
کنند و باز وقت بشویند و درد را در پارچه صاف بریزند تا آب آن بچکد در جای از
گل سفید در طرطیر احداث جوش و طوفان شده میشود و بواسطه خروج کاز اسید

دایلز

کاز کربنیک از این است که باید پاتیل بسیار بزرگ باشد و گل سفید را کم کم اضافه
نمایند نصف جوهر طرطیر بحالت طرطرات کلس درد شود و نصف دیگران بحالت
طرطرات پتاس حل شده باقی ماند و از این جهت است که جهة درد شدن تمام اسید باید
کلرور دو کلسیوم استعمال کنند در عمل تجزیه تبادل حاصل شود و اسید کلرور پتاس نشود که در
زیر ماند و طرطرات در شوراب میشود که از حیثیت وزن معادل درد اول است درد ها را با
یکدیگر قوام کنند و با آب یک خمیر ترمی سازند و مقدار جوهر جزو و نیم جوهر کوکرد غلیظ با آن
افزوده متصل بهم زنند و بگذارند ۸ روز با هم و گاهی گاهی از هم زدن غفلت نکنند و پس
از آن آب زلال باریان افزایند و بگذارند ته نشین شود مایع و رسوب را جدا کنند و
درد را بقدری بشویند که تقریبا جوهر ضمیمه آن تمام شود آب غساله را ضمیمه مایع اول کنند
و مایعات را در دیگ سربی قوام آورند تا بیست و پنج درجه میزان الثقل نشان دهد
و بگذارند سرد شود و از پارچه صافی بگذرانند تا مقدار قلیلی گچ که محلول بوده است و در آب
گشته است در صافی باز ماند و مجددا قوام آورند تا چهل درجه میزان الثقل نشان دهد
و بگذارند سرد و منعقد شود بعد از دو سه روز دانهای منعقده را بیرون آورند و آبهای
مانده را تا ۵ ۵ میزان الثقل قوام آورند و مجددا بگذارند منعقد شود دیگر از قوام
و عقد کنند تا وقتی که تقریبا تمام شود هر قدر که بعد از عقد اول جوهر طرطیر
منعقد شود رنگین تر است مطابق دستور العمل دولت فرانسه ابعادی
آنها را در کرمخانه منعقد کنند عقد اول جوهر طرطیر تقریبا خالص است و اما تتمه را

باید تصفیه کرد جهت تصفیه آنها کل ارضی و عقده کافی است که بگذارند از آن
در زوال بودن جوهر طرطیر قدری کلرات [illegible] استعمال میکنند جوهر گوگرد را
تجزیه کند و ترکیبات کلری باید زوال ماده طرطیر [illegible] غالب جوهر طرطیر
که منعقد میشود از گوگرد که [illegible] خاصه در عقده [illegible] جهت خلوص آن
کل ارضی و عقده کنند تا وقتیکه کلرور باریوم در آن درد نکند [illegible] غالب
مغشوش میکنند گاهی با جوهر طرطیر علامت آنست که [illegible]
وگاهی با [illegible] مغشوش کنند در این صورت با املاح [illegible]
فراوانی [illegible] جوهر طرطیر [illegible]
خالص و مغشوش است

شربت جوهر طرطیر

جوهر طرطیر	١	آب	٢
شیره نگر	٥٠		

جوهر را در آب حل کنند و صاف نمایند و به شیره نگر جوش بیفزایند

افشره جوهر طرطیر

شربت جوهر طرطیر	مثقال ١٢	آب	مثقال ١٩٠

[illegible] مخلوط کنند

جوهر لیمو $C^{12}H^{5}O^{11}+5aq$ acide citrique

این جوهر در صورتی است که جوهر لیمو منعقد باشد و اگر از نصف درجه حرارت بخشکانند
بیشتر از سه معادله آب در آن باقی نماند و این معادلات آب میتوانند خارج شوند
و بعد دخول ٥٠ ان عده معادله جوهر لیمو منعقد [illegible] و لفیه است [illegible]
با جوهرات مفرط منعقد شود شکل مخروطات [illegible] rhomboïdale
که منتهی شده اند به چهار سطح [illegible] در سه ربع وزن خود آب
سرد حل شود و در نصف وزن خود آب جوش [illegible] املاح [illegible]
آهک را در [illegible] این خاصیت مایه امتیاز است از جوهر طرطیر
جهت ساختن آن اول [illegible] به طریق که در [illegible] لیمو [illegible]
و کل [illegible] که [illegible] افزایند [illegible] جوش و طوفان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
از شرایط عمده است [illegible] جوهر گوگرد که
[illegible] آب [illegible] جوهر گوگرد
[illegible]

صرف حرارت [illegible] آب و جوهر گوگرد [illegible]
[illegible] از اسید [illegible] وقت [illegible]
[illegible] جوهر گوگرد در آن
[illegible] آب [illegible]
و صاف [illegible] آب جوش [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آورند [illegible] منعقد شود
[illegible]
[illegible] جوهر لیمو منعقد [illegible]
[illegible]
[illegible]
جوهر لیمو [illegible] جوهر گوگرد [illegible]
[illegible] جوهر لیمو [illegible] جوهر گوگرد [illegible]
[illegible] جوهر گوگرد [illegible] جوهر لیمو غالبا
مغشوش است با جوهر طرطیر [illegible] صاحب قطره قطره
محلول جوهر لیمو را [illegible] آب آهک میریزند اگر جوهر طرطیر داشته باشد

آهک که درست [illegible] صاحب در محلول جوهر لیمو [illegible] از املاح [illegible]
[illegible] اگر جوهر طرطیر داشته باشد [illegible] منعقد طرطیر [illegible]
آید

شربت جوهر لیمو

شیره نگر لفیه	٥٠	جوهر لیمو	١		
آب	٢	تعفین پوست لیموی تازه		مقدار کافی	

جوهر لیمو را در آب حل کنند و به شیره نگر جوش افزایند و بعد از سرد شدن با عطریات
لیمو معطرش کنند

افشره جوهر لیمو

جوهر لیمو	١	شیره نگر	٦٤
آب	١٣٥	عرق پوست لیمو	مقدار کافی

افشره خشک

جوهر لیمو	٤ گرم	قند	١٢٥ گرم
جوهر پوست لیمو	٨ قطره		

مطابق [illegible] کنند در حین ضرورت یک قاشق از آن در یک فنجان آب [illegible]
[illegible] جوهر لیمو جوهر طرطیر استعمال میکنند در این صورت از حیثیت [illegible]
نیست

جوهر جاوی بسیط $C^{14}H^{5}O^{3} + aq$ acide benzoique

جوهر جاوی به قبول بعضیه بسیاری از حکمای طبیعی مرکب است از اکسیژن و بنزوئیل
benzoile فرمول بنزوئیل عبارت است از $C^{14}H^{5}O^{2}$ و فرمول جوهر
جاوی به ۵ و ح و در تبخیر آب در فصل روغن بادام تلخ اشاره کرده ایم جوهر جاوی به
جسمی است جامد و لطیفه و منعقد بشکل سوزنهای مستطیل براق اند که رنگ ندارند خالص آن
بی بوست در ۱۲۰ + ذایب شود و در ۲۴۵ متصاعد گردد و بخار آن بواسطه
برودت بشکل سوزنهای شفاف منعقد شود در آب سرد تقریبا غیر محلول است و در ۱۲
جزو آب جوش حل شود در الکل و جوهر تربانتین بسیار محلول است جوهر شوره در آن
اثری نکند

جوهر جاوی به متصاعده که از راه گل جاوی به fleurs de benjoin
نامند

acide benzoique sublimé طرز ساختن جوهر بواسطه تصعید
آنست که جاوی به را در ظرف و اسبابیکه قابل تصعید و تبرید بخارات جاوی به باشد گرم
کنند و در ورقه دانهای منعقده را جمع کنند و لا اکنون طرز خاص سته اول است
ظرف چدنی یا تخته آهنی که تقریبا ۲۵ سانتیمتر قطر داشته باشد و چهار سانتیمتر ارتفاع
منتخب کنند و در آن ته رنگ کیلی و گرم جاوی به سحوق گسترانند و در او
این ظرف بورق کاغذ بدجیب که الیاف آن بسیار سخت نباشد بگسترانند و بچسبانند

الوه

و یک علاوه محدودی از کاغذ ضخیم بر اطراف قماش
دهند جوهر جاوی به که بواسطه تصعید بعمل می آید
خالص نیست و دارای رنگ و عطری است که از
قماش معلوم خواص طبی آن لیته با آن دهن است
و آنچه از این عمل بعمل می آید معروف است
به شکوفه جاوی به

ac. benzoiq. par voie humide جوهر جاوی به از راه رطب
جاوی به سحوق ۴ آهک شکفته یک آب ۳۲ آهک و جاوی به را مخلوط کنند و کمی
جزو آب نمایند و بجوش آورند و تا نیم ساعت غلیان دهند و ... از
بار چه صاف بگذرانند و جوهر را بالا بجوشانند و جوش آورند و صاف کنند
در حین غلیان جوهر جاوی به با آهک مرکب شود و ترکیب بنزوات محلول نماید و لاجون
بنزوات آهک بسیار کم محلول است جزو محلول نشود و از این بابت است که در این عمل
آهک بسیار غلیان بنزوات ترجیح داده اند ... را صاف نموده قوام آورند تا کیله
انفاریح شود و جوهر نمک بر آن بیفزایند تا آنکه ایجاد یک صفت کرده الکل و کلسیوم بوجود
آید و اسید بنزوئیک و لقرار دو شوند و بواسطه تبرید با آب سرد و فشردن در لای قماش
اجزاء خارجه انها را بیرون کنند و بواسطه تصعید با این طرز جوهر جاوی به تفریق
کنند در هر حال جوهر جاوی به را بهر یک از این قواعد بسازند خالص نیست بلکه خواص

آن ...

آن با جوهر شوره جوشانند جوهر شوره در جوهر جاوی به اثری ندارد و لا مواد دیگر
دو بهم که همیشه جزو او میباشند بر طرف کند در صورتیکه جوهر جاوی به را از بازار بخرند باید
امتحان کنند که ایا بکلی در الکل محلول است یا نه و یا تماما قابل التصعید است یا نه و چون
مخلوط با قند دیگر از مغشوش میکنند بواسطه چند قطره جوهر گوگرد و قهوه شدن رنگ آن
کشف این غش شود و اگر بواسطه امتزاج با اسید هیپوریک
مغشوش کرده باشند پس از امتزاج با جوهر شوره و گرم کردن چند قطره اما بوی کره از خواص
پیه الکنه شکوفه جاوی به را در امراض مزمنه قصبة الریه خاصه در شیوخ و ... استعمال
استعمال کنند و لا اکنون بندرت مستعمل است

اسید انتیمونیو $Sb\,O^{4}$ acide antimonieux
حاصل شود از گرم کردن انتیمون با جوهر شوره و تکلیس آن غباری است سفید غیر محلول
سابقا او را استعمال مینمودند نه موقت بجة ارا ... کرم

اسید انتیمونیک $Sb\,O^{5}$ acide antimonique
اطبای سلف از آن بکاه استعمال مینمودند ولی اکنون متروک شده و به اعتقاد اطبای این زمان
وضع استعمال آن مانند ولاد سابق است
حاصل میشود از ترکیب آب با ملح انتیمونیات و تیزاب بواسطه حامض
غباریست سفید و غیر محلول

جوهر کافور $C^{10}H^{8}O^{4}$ acide camphorique

آن

در سنه ۱۷۸۵ میلادی بواسطه کزگارتن kosegarten کشف شد
غبار کافور ۱ جوهر شوره ۳ تا ۱۵
در قرع رنجیه متصل نمایند قرع را بقابه تقطیر نمایند و بواسطه حرارت ملایم تا آنکه
بخار زیاد دیگر متصاعد نگردد بعد از آن دو قرع را در کیلوی رنجیه که از آن منعقده
گردد بیرون آن کاسته راجع المنعقد در رفع حاصل رنجیه است شوند بیرون آن
مجددا در آب گرم حل منعقد تحریر نمایند تا وقتیکه روی آن کف به بند دوگر از آن
مجددا منعقد گردد

منعقد میشود بشکل بلورهای سفید با بوی شبیه بزعفران و طعم اندک تلخ محلول در صد
جزو آب سرد لسیار محلول در الکل و اتر و ادهان ثابته و فراره تا نوع دیده اند
از او در رفع اثار درجه ثالث کرده ... غیر مستعمل است

اسید کرمیک $Cr\,O^{3}$ acide chromique
در سنه ۱۷۹۷ بواسطه ووکلن vauquelin صاحب کشف شد ...
منعقد شد بشکل بلورهای منشور زاویه با رنگ احمر قوی و طعم تند و حامض و جاذب الرطوبه
بسیار محلول در آب و الکل است زیرا که الکل در آب او را تجزیه میکند و اسید و کم
نماید و چون سهولت اکسیژن خود را از دست میدهد استعمال میشود از آن در کار خانه
جات جهة اکسید کردن خواه بحالت جامد و خواه محلول و ... در حال کار بوجود آید
از اختلاط بی کرمات در تیزاب و اسید سولفوریک

جهت ساختن آن حمض اسید یکجزء بیکرومات پطاس را در ده جزء آب مقطر و بعد
چهار یا پنج برابر آن گداخته سرد شود تا آنکه درجه به ۲۵ + الی برابر آن میافزایند
۲۰ جزء اسید سولفوریک که ۱۸۴ را وزن مخصوص آن باشد و بهم میزنند و میگذارند
۲۴ ساعت بکلی محو باشد و بواسطه انحراف آب از آن خارج سازند و بریزند
در ظرفی قیف که دهانه آن بواسطه در شیشه مسدود شود تا قطرات آب آن بچکد پس
از آن اسید منعقد کهربائی را جمع آوری نموده میگذارند در گرمخانه که ۳۵ درجه
حرارت داشته باشد [illegible] ساعت میریزند [illegible] بنقال منخلی تا خشک شود
(porcelaine) اسید متبلور [illegible] از مصنفین [illegible] ۱۳۸ [illegible]
[illegible] مانند محرق بکار برده میشود
از [illegible] اسید منعقد و آب مقطر [illegible] ۴۷ را میزان [illegible] ۱۵
درجه حرارت

اسید کرمیک [illegible] جهت احتراق [illegible] در نهایت سهولت [illegible]
حیوانات را [illegible] جهت زوال [illegible] و [illegible]
و غیره و محلول رقیق آن (یکجزء در [illegible] جزء آب) استعمال میشود مانند [illegible]
و جهت [illegible] امراض جلدی و محلول غلیظ آن (۵ جزء در ۱۰ [illegible] ۱۵ جزء آب
مقطر) استعمال میشود جهت معالجه [illegible] و [illegible]
(hairion) و همچنین جهت [illegible] (cimmeneng)

اسید per chromique [illegible] اسید دیگر [illegible] که معروف است در [illegible]
یا بور کرمیک sur chromique که کشف شده است در سنه ۱۸۴۳
بواسطه بارزویل barreswil صاحب جهت حصول آن میریزند
در [illegible] اسید کرمیک یا بکرمات و [illegible] آب اکسیژنه را [illegible] و بواسطه [illegible]
که [illegible] میتوان [illegible] که [illegible] آب [illegible]

اسید فلوئوریدریک fl H acide fluorhydrique
در سنه ۱۷۷۱ بواسطه شیل صاحب کشف شده خالص آن [illegible] در سنه ۱۸۰۸
بواسطه گیلوساک صاحب و تنار صاحب [illegible] از [illegible] دو جزء [illegible] غلیظ [illegible]
یکجزء فلوارور
کلسیم یا اسپات
فلوار در جوهر گوگرد
از [illegible]

بسیار [illegible] بشکل [illegible] از [illegible]
ظاهر است

[illegible] فلوار [illegible] که [illegible] اول [illegible]
که [illegible] ترکیبی است از [illegible]
اسید فلوار [illegible] که [illegible] به فلوار یا phtore که بسیار شبیه است به [illegible]

[illegible] از [illegible] اگرچه [illegible] جهت [illegible]
آلودن آن کشیده اند
[illegible] شیشه [illegible] را [illegible] که دارای [illegible] است و [illegible]
در ظروف سربی و نقره و طلا و طلای [illegible]
اسید با آب [illegible] رنگ [illegible] در آب محلول آن که [illegible] اسید [illegible]
[illegible] رنگ وزن مخصوص آن ۱۰۶۰ را و در ۳۰ + بجوش آید [illegible]
و در هوا بخار [illegible] مستغرق [illegible] آب مخلوط [illegible] جهت [illegible]
[illegible] صورت آهن [illegible] که [illegible]
[illegible] است [illegible] شیشه را [illegible] بکار
میرود جهت نقش [illegible] شیشه و جهت [illegible] تقسیمات [illegible]
[illegible] میزان الحراره و غیره نقش که بواسطه [illegible] کثیف است بر [illegible]
که [illegible] لطیف و غیر [illegible]
[illegible] eau forte [illegible] جهت [illegible] نقاشی روی شیشه [illegible]
[illegible]

اسید فرمیک [illegible] $C^2H^2O^3$ acide formique
[illegible] که [illegible] اسید [illegible] که این اسید [illegible]
جوهر [illegible] بواسطه [illegible] در [illegible]

[illegible] قرمز [illegible] از [illegible] مختلف [illegible]
آلوده [illegible] Doebereiner [illegible] را تغییر داده [illegible]
[illegible] از [illegible] ۵۰۰ گرم [illegible]
۲۰۰ گرم [illegible] قرع و [illegible] که ظرفیت آن ۲۵ تا
۳۰ لیتر باشد و [illegible] آب [illegible] و [illegible] ۲۰۰۰ گرم [illegible]
[illegible] آب [illegible] تا ۱۰۵ + [illegible]
بواسطه تقطیر ۱۲ تا ۱۵ لیتر [illegible] بواسطه [illegible] آب [illegible] قرع [illegible] که
[illegible] را همیشه [illegible] و تعیین [illegible] بواسطه
[illegible] بواسطه [illegible] آلوده تقریبا ۴۱۲
[illegible] اسید فرمیک [illegible] اسید فرمیک را
از [illegible] اسید [illegible] (berthelot)
[illegible] طریقه تغییر داده شده است بواسطه [illegible] صاحب که [illegible] اسید فرمیک [illegible]
غلیظ [illegible]
[illegible] اسید فرمیک [illegible] را از تقطیر آب با مورچه های قرمز [illegible]
[illegible] رنگ [illegible] و [illegible] مورچه
اسید فرمیک را [illegible] داغ [illegible] و محلول آن را در [illegible]
[illegible] خیر [illegible] است

اسید گالیک acide gallique $C^{7}H^{3}O^{5}+3HO$

این جسم در سنه ۱۷۸۶ بواسطهٔ شیل صاحب کشف شد

حاصل میشود از تجزیهٔ تانن tannin

جهة بدست آوردن آن تر میکنند مازوی نیم کوب را میگذارند از دو تا سه ماه بانعقاد

گالیک (fermentation gallique) حاصل شود و نیز همیشه

بهمین رنگ داده و در انتهای این زمان شیرهٔ آنرا بواسطهٔ فشار خارج نموده باقی

آنرا در آب جوش ریزند صاف نمایند وقتی سرد شد اسید گالیک را میگذارند منعقد شود

ولی کریستال را بواسطهٔ زغال حیوانی صاف و منعقد نمایند

این اسید منعقد میشود به ترکیب سوزنهای طولانی ابریشمی بیرنگ بابو و طعم ترش دارد در هوا تغییر

نمیکند حاصل و درهم کشیده رنگ آن نباتات را قرمز نماید محلول در صد جزء آب سرد و در سه جزء

آب جوش بسیار محلول در الکل و بسیار کم محلول در اتر برخلاف تانن در دوغ ظاهر

زلالی و املاح الکلی واملاح دیگر املاح آهن را با املاح پرالکیل ابریشم رنگ آبی

تیره دهد (Codex)

از ادویهٔ قابضه است بمقدار ۵۰ سانتیگرام تا ۲ گرم تجویز شده است جهة رفع

امراض اسهال و بواسیر نزف الدم

اسید گالیک را چون تا ۲۱۰ سانتیگراد گرم نمایند تجزیه شود به اسید که عبارت است از

اسید کربنیک و اسید پیروگالیک که منعقد میشود بترکیب سوزنهای منعقد

این اسید پیرو را (acide pyrogallique) پیروگالیک نیز میتوان بطریق

ذیل تهیه حاصل نمود از گرم کردن عصارهٔ خشک مازو در ظرفی ریگی و بنابر گفته لوئی

esperandieu صاحب و ایران در lugnes صاحب از گرم کردن

به ۲۰۰ یا ۲۱۵ درجه اسید گالیک را با ۲ یا ۳ برابر وزن خود آب و بطرق

متعدد دیگر نیز میتوان آنرا حاصل نمود استعمال مینمایند آنرا در شیمی جهة تجزیهٔ هوا و در

عکاسی و در رنگ کردن مو

اسید یدیدریک acide iodhydrique IH

جسمیست هوائی بیرنگ که بواسطهٔ گلوسک صاحب در سنه ۱۸۱۴ مکشوف شده

محلول آنرا بدست آورند از دو اکوالان سیاه بکار و آب فسفر در محلول ازید و آب و قوام

آوردن آن بحرارت ملایم و با اکنون بنابر گفتهٔ بوشاردن صاحب حاصل مینمایند آنرا

بسهولت از حل کردن ۱۴ گرم اسید تارتاریک و ۱۵ گرم آب مقطر و ید ازان با یکدیگر

۱۷ گرم ید و پتاسیم را نیز در ۱۵ گرم آب مقطر ید ازان مخلوط نموده و گذارند تا تمام

طرطرات و پتاس کم حل شده ته نشین شود ید ازان صاف نموده و جدا نمایند از آن انقدر آب

تا ۲۰۰ گرم باقی بدست آید

بسهولت تجزیه شود

منعقد است مانند سایر ترکیبات یدی و لزوما

اسید مالیک acide malique $C^{8}H^{6}O^{8}$

و فرمول هیدرات آن hydrate $C^{8}H^{4}O^{8}+2HO$

این جسم را در سنه ۱۷۸۵ بواسطهٔ شیل صاحب در سیب یافت و در بسیاری از نباتات تجدید

مختلف یافت میشود اکنون بجاره تریست در میوه ازمنهٔ ذرشک و زرشک و ساق ریواس و تمر و در انگور

و ساق ریوند و به ترش و گلابی و غیره

بجهة حاصل آن معمولا بدست آورند شیرهٔ نخجه یا ریس را در دیگ میریزند و آهک و خوش میسازند تا

منجمد میشود عبارت است از مالات و ارث با مالات قابلیت جوشیدن در یک جمع نمایند پس از آن

مایع را گذارده سرد شود نیز مجدد از مجدد از مالات و ارث منعقد گردد که با مالات سایر جمع

کرده با آب سرد شسته در تغییر اسید ازان میریزند در آب اسید که ۱/۱۰ حجم بوده و دانسته

تا تمام آن محلول شود انگاه در حالت جوش صاف نمایند پس از سرد شدن اجسام منعقد را

اخذ نموده در آب مقطر صاف نمایند جهة تجزیهٔ مالات و ارث اسید محلول بمالات سرب خود نمایند

تا رسوب در دو موقف کرده انگاه در دو راه جمع نموده تغییر اسید ازان در آب ریخته

دوان آن را با اسید سولفیدریک داخل نمایند تا سرب ترکیب شده جزء محلول شده و اسید

مالیک خالص محلول شده ازان صاف نموده در ظرف بابسته فلز آورند تا منعقد گردد

را ازان در گرمخانی که اندکی آب آن متبخر گردد شده به ترکیب شمش انجماد نماید

جسمیست بیرنگ بو و محلول در آب و الکل ذوب الاماده بواسطهٔ حرارت تجزیه شود و محلول

آن منعقد شود در ظروف دهان بسته

هنوز در جزء ادویه استعمال نشده

اسید فنیک acide phénique $C^{12}H^{6}O^{2}$

در سنه ۱۸۳۴ بواسطهٔ رنژ در قطران زغال سنگ مکشوف گردید

اگرچه بوجود آن بعد بواسطهٔ درجه وادرار مرد و سرب ماکه کار و ما میتوان از آنها حاصل نمود

از تقطیر خشک چوب و زغال سنگ و استخوان و تغرحن لیه و اسید کیفیک و اسید

سالیسیلیک یا سالیسیلاتها لذا آن از روغن قطران زغال سنگ تهیه شود

و به صرفه تر است باین قسم که این روغن را مجددا در ملکی تا سی که منظف آن متوسط بعد

باشد الکلی نمایند و فقات و مایع که حاصل میشود بواسطهٔ اسید کلریدریک تجزیه نمایند

و آنرا خالص نمایند بواسطهٔ تکرار تقطیر منعقد میشود بشکل صفحات کوچک یا بلور سوزنهای

طویل منشوری اول بغیه لطیف باوجه قریب به کرازت یا طعم قابض و لزاج و حاصیت فاسد

در روی جلد اثر لوحکی ورز مخصوص آن ۵۰۶۵ را است در ۱۸ + وذوب شود در

۳۵ و بجوش آید یابین ۱۸۷ و ۱۸۸ و تقطیر میشود در ۲۰۰ بدون اینکه تجزیه

شود و مشتعل شود با شعلهٔ قرمز تیره با دودی کم اگرچه جاذب الرطوبه است و مایع کم محلول است

در آب در ۱/۲۰ ولی محلول دارا طعم و الی آن است ولی بسهولت در الکل و اتر و گلسیرین

و جوهر سرکه و کلسیفره و دهانهای ثابته و تجاره محلول است ورنگ آبی نباتات را قرمز نکند

و کربنات ها را تجزیه ننماید و در رحی کاغذ لکه چربی مسکن اندو که بعد ها زایل میشود

تر را حاصل نمود قرمز قهوه نشود و همچنین کوکو را حاصل نموده رنگ آن زایل کرده و با جوهر

شوره طوفان شده مزایاء و با جوهر گوگرد اسید سولفوفنیک میشود و با پوتاس در رنگ مخلوط

جوهر شوره شده مخلوط اسید پیکریک حاصل نماید خیلی مؤثر است در دفع جرب و در
رفع فساد و تطهیر هوا وغیره منجمد نماید خون و البومین را و حفظ نماید پوست
ها را از فساد و نگاه دارد نماید اشیاء را از تجزیه و همچنین استعمال میشود جهة حفظ
جراحات غانغرایائی و تقرحات عفن و حفظ نماید ادرار و شیر و دوا از اتلاف
و حفظ نماید چوبها را و نعشها را و ضد است کرمها را و جراحات سمی را که از نیش
داده میشود و مستعمل است در بیطاری جهة معالجه بسیاری از امراض حیوانات و بکار
میرود جهة معالجه ناسور و دوالی و دوالس lupus و بسیاری از امراض جلدی را استعمال
مینمایند اورا در دفع و رفع جذام و در اسهال مزمن و قدما بطور محلول در (eau
phéniquée) یا محلول در الکل (alcool phéniqué)
و محلول در گلیسرین (glycérine phéniquée) و یا در اتر (éther
phéniqué) یا در روغن (huile phéniquée)
یا در سرکه (vinaigre phén.) و بصورت مرهم و حب (هر حب یکقطره
اسید دارد) و کولودیون وغیره استعمال مینمایند محلولهای او را بدرجات مختلف که میتواند
تغییر نماید از 1/1000 تا 5% (محلول غلیظ اسید فنیک) بنابراینکه مذکور میشود
محلولهای آن بمیزان 1/1000 ترتیب داده میشود برای شرب خواه بحالت خلوص
یا مخلوط با مشروبات الکلی و همچنین مشروب دافع سمی بطریق ذیل مقابل شرب
شراب و آب جو و شراب سیب و شراب عسل ترتیب میدهند با یک گرم اسید

فنیک

فنیک منعقد و یک لیتر آب چشمه و ده گرم عرق بادیان و ده گرم قند قدر شربت آن
یک لیتر است در روز در اشخاص بالغ اسید فنیک الکلیزه (acide
phénique alcoolisé) که اسید فنیک با بزرگ نامند مخلوط است
از ۹ جزو اسید منعقد و یک جزو الکل این ترکیب را که دارای ده صد الکل است
و اختیار نمودم برابر نماید با ترکیبات دیگر که دارای ۳۳ یا ۵۰ صد الکل اند و
کافی است جهة نگاه داشتن اسید فنیک تا ۱۵ - بالت میزان این مایع منجمد
که باین وضع حاصل شود مایع میشود که جهة میزان آن محتاج بحرارت نشوم میتوان استعمال
نمود بنا بر محرق و جهة تطهیر هوا و جهة عدم فساد و تعفن امراض وغیره فوائد بسیار
در مواد مختلفه بطرز آن مخلوط از 1/10 الکل فنیکه را (اسید فنیک منعقد ، الکل ۹)
میتوان خوب نمود در مضرة که شرح آن شده مخلوط به قند با ترتیب مخصوص بعض فنیکه
یا نمک از liniment irritant خوب به دیگر آن
lemaire (اسید فنیک منعقد ۲ الکل ۸ ۱۰۰) خیلی جید است در
مواضعی که درد داده شده مخلوط
تفصیل میدهند بعد از استعمال محلولهای اسید فنیک محلولات غلیظ در بدن و در بعضی
دواها بنا کر را بمقدار 1/10 یا بصورت مرهم دیگر فتایل ساخته شده اند و بواسطه
bolaeuf از عصر قیر محرق در روغن غلیظ که حاصل میشود بواسطه تقطیر
قطران زغال سنگ (coaltare) و با سترات که با اسید فنیک منعقد

منعقد ب ... مخلوط بسیار کم ثبات و به عاقبت در اول مرتبه دارای
خاصیت قلیائی و بعد اثر اسید فنیک را ظاهر سازند تجدید میشود علوم ترکیبات
اسید فنیک خیلی زیاد اند که تحقیق از تألیف و ترکیب آنها کتاب رنج حاصل میشود
اسید پیکریک acide picrique $C^{12}H^{3}Az^{3}O^{14}$
یا نجم در سنه ۱۷۸۸ بواسطه مسمان haussmann کشف
شده
حاصل میشود بواسطه عمل جوهر شوره در مواد الیه از که بعضی از آنها ابریشم و پشم
و نیل و اسید انیلیک acide anilique یا اندرکلینیک
indigotique و حتی صمغ و بلسان برو و صبر زرد و ساپیسین و مکان
coumarine و اسید فنیک یا روغن قطران زغال سنگ است و نجم
اخیر نسبت بسایرین میتوان این اسید را بهتر از زیاد حاصل نماید بانتقسیم که ۱۰ جزو روغن
غلیظ قطران زغال سنگ را مجاور مینماید با ۱۲ جزو جوهر شوره متعارفی که وزن
مخصوص آن ۴۲ را است پس از آنکه تمام عمل و انفعال آن تمام نمایند تا غلظت شربت را
پس از مدتی اسید پیکریک جدا میشود بترکیب بلورهای زرد که یک مدت در بلو پیکرات دارد
حاصل نماید که تجزیه نماید از آن بواسطه قدری زیاد بر اندازه جوهر گوگرد و میتوان از آن منعقد
نمود بواسطه انحلال در الکل اسید پیکریک منعقد میشود بلورها را مشخص بشکل بلورهای
بترکیب صفحات کوچک قائم الزوایا با رنگ زرد روشن و با طعم بسیار تلخ و دارای خاصیت

و با بودی که نسبت داده بعضی جوهر باران تلخ و محلول در آب کم و الکل و اتر و قابل
ذوب و تبخیر میشود و با شعله مشتعل میتوان کرد مخلوط این اسید تجزیه میشود با کسیژن
explosion میشود دارای رنگ زیادی است بطوریکه یک هزارم از آن
دانسته مخلوط دارای رنگ زرد محسوس میشود
پیکراتها بصورت منعقده میشوند و کمتر محلول اند و با طعم تلخ و ذوب شده و چون بحد
درجه کم شوند احداث صوت نمایند پیکراتهای جیوه و نقره میسوزند و منتشر مینمایند پیکرات سدیم
زننده و پیکرات دیگر بواسطه صدمه میسوزند با صدا پیکرات در تماس لب کم محلول است
در آب لهذا اسید پیکریک بکار برده میشود در تجزیه های شیمیائی جهة تشخیص املاح پتاس اسید
پیکریک و املاح آن رنگ مینمایند جلد را رنگ زرد باقی و رنگ ادرار را نمایند شستن نمایند
تا بعضی دیگر ... اسید پیکریک و پیکرات دوا بنا کر را ، نمایند ادویه دافع
کرم و مقویات اطبا و قیمتی بکار برده ، و همچنین واسطه است استعمال بد شبیه پیکرات
و کنین
acide succinique impur $C^{8}H^{6}O^{8}$ 3 HO
جوهر کهربای غیر خالص
حاصل تقطیر خشک است کهربا نمایند از جسم به گون قرمز را فعل طول و در با جوهر
۴ دورقابلها ریاب ۴ تا که بکار برده میشوند بعد تقطیر کهربا و سابقا از آن استعمال
مینمودند بمقدار ۲ ، ۵ تا ۲ ۱/۲ ، بنا لو در صفه تنفس و لوده معرقه

میتوانند اسید اوکسیک خالص منعقد و الفید ثقاف را حاصل نمود و بواسطه انقلاب
حالت ورثو

اسید اولفیدریک HS acide sulfhydrique

در سنه ۱۷۹۸ بواسطه برتو berthollet شناخته شده

اسید اولفیدریک بخاری است بیرنگ با بوی خفتی شبیه به بوی تخم مرغ گندیده حاصل میشود
انواع بواسطه جوهر نمک که وزن مخصوص آن ۱۷ را با پنج (۲۰ جزء) در سولفور
دو فتیمون (۵ جزء) بواسطه حرارت جدید یا بواسطه جوهر گوگرد خیلی رقیق در
سولفور دو فر

در اسباب المان خانه و در دوا خانه دارای اسباب مخصوص هستند برای تهیه آن سولفو
که همیشه بالفور میتوان تهیه کفایت و بمقدار
منظور این بخار را حاصل نمود بطوری که بتعادت دوا
سازی تهیه و این اسباب را باشکال مختلفه
ساخته اند و با اسباب کیپ appareil de kipp صاحب
مطابق شکل میز است بطریقه جوانی بخار تهیه آن
که لوساک gay-lussac صاحب
ترتیب داده نیز دارای یک منفذ یک بواسطه شیر
باز و بسته میشود جهة اخراج و جمع بخار و تمکه اسبابها که خیلی با صرفه است نیز میتوان

ترتیب داد

ترتیب داده و آن عبارتست از شیشه و لوله و یک ظرف کوچک که قرار گرفته است در
ظرفی که دارای [illegible] است (اسید اولفوریک رقیق) مخصوص جهة حصول بخار و بواسطه
عمل [illegible] پارچه های سولفور دو فر که قرار گرفته بروی [illegible] مشبک که به ته ظرف گذاشته شده
وضع و عمل این اسباب نیز مانند اسباب کیپ appareil صاحب است و عمل اوکه
میتوانند از قطع و جریان بواسطه باز یا بسته شدن انبرک موهر pince de mohr
صاحب است که عمل تهیه را میتوان در انتهای لوله مخرج خون که وصل میشود بر این شیشه
و لوله

بخار آن اسید اولفیدریک eau hydrosulfurée
را بطور استنشاق بکار [illegible] در امراض صدری و محلول بسیار رقیق آن را جزو مشروبات در
قولنج نقاشان و نقرس و عمل ریتین و اخراج جهة دفع چوب و جمیع امراض جلدی
و نقوس دارای بوی مخصوص است مانند اسهال معدنی که اهالی انگلیس کوینه
آب تهیه آن سولفوره را میتوان [illegible] در شیشه های بسیار کوچک [illegible] وقت
[illegible] بسته و در انبار [illegible] بالنسبه باشد عبارت است صاف با بوی عفن شبیه به تخم
مرغ گندیده در درجه ۰° + و ۷۶۰ [illegible] آب [illegible] حجم خود گاز اسید
سولفیدریک را حل میکند یا $\frac{1}{322}$ از وزن خود را

اسید اوریک $C^{10}H^4Az^4O^6$ acide urique
این اسید در سنه ۱۷۷۶ بواسطه شل scheele کشف شده

بخش میشود و از آن [illegible] و حیوانات گوشتخوار از این بیشتر است و حیوانات همه از [illegible]
مانند [illegible] بازلور رنگ در جزو [illegible] از فضله مار؟
کوانو guano از این حیثیت [illegible] که همه از [illegible] و با صرفه میتوان از آن
اسید اوریک را گرفته

وضع و کیفیت عمل آن از قرار است که بجوش میآید کوانو را با مقداری زیادی برابر
[illegible] تا اینکه [illegible] مقتضیه بشود بعد از آن پتاس افزایند و بجوش آورند
بعد از آن محصول [illegible] باید صاف نمود و آن را [illegible]

این مایع صاف بواسطه [illegible] مقداری زیاده برابر از اسید کلریدریک در دو ده
بعد از چند ساعت درورا و در ظرف [illegible] رسته شسته و خشک نمایند بجوش آیند [illegible]
اسید کلریدریک غلیظ بجوش آید و بواسطه غلیان کوانین guanine
($C^{10}H^5Az^5O^2$) به انتها آنها اسید اوریک که با این طریقه حاصل
بعد در پتاس حل نموده بعد از آن بواسطه جوهر نمک در وقت [illegible]
خود ظاهر میآید

خالص آن جامدی است سفید و بی طعم قدری محلول در آب غیر محلول در الکل و اتر
بواسطه اثر جوهر شوره در او (اسید اوریک خشک با جزء جوهر شوره که وزن مخصوص آن
۱٫۴۲۵ را تا ۱٫۵۵ را مخ [illegible]) تولید الکسان alloxane ($C^8H^2Az^2O^{10}$)
نماید که [illegible] منقضه بشکل [illegible] بزرگ و [illegible] محلول است در رنگ زرد او

[illegible]

در [illegible] مخلوط از جوهر شوره رقیق دو هم وزن خود از این اسید حاصل نماید و آن محلول
دفعة بواسطه امونیاک اشباع کنند حاصل میشود پورپورات داما یاک purpurate
d'ammonia و مورکسید murexide که رنگ
است بسیار رایج و لیکن با [illegible] میشود نیز در رنگ کردن ابریشم
اسید اوریک اکنون هیچ استعمال با [illegible] در طبابت ندارد

پتاس KO potasse

پتاس اول درجه ترکیب اکسیژن است با پتاسیم potassium
جسمی است سفید و شفاف محرق و الکل خالص [illegible] است [illegible] بواسطه
اثر بواسطه اکسیژن با هوای خشک در پتاسیم فلزی [illegible] مخصوصه خالص
آن در طب غیر مستعمل است و آنچه استعمال میکنند در طب پتاس مرزوبینه
عبارت است از ترکیب پتاس با آب

ئیدرات دو پتاس KO + aq hydrate de potasse
ئیدرات دو پتاس جسمی است سفید با [illegible] طعمی بسیار محرق و اکال قبل از حرارت
قرمز ذوب شود و بواسطه آتش تجزیه ناپذیر است در آب بسیار محلول است بلکه جاذب
الرطوبه است و از مجاورت هوای مستعد رطوبه [illegible] سیال مرطوب میشود
در رفته رفته [illegible] که عبارتست از کربنات دو پتاس جاذب الرطوبه
است و در الکل محلول است در صد جزء ۱۶۰ جزء آب داده بهترین [illegible]

آن استعمال کربنات دو پتاس خالص است که بواسطهٔ احتراق طرطیر بدست آورده باشند
با الک سکس برین قسمه کربنات دو پتاس خوب از طرطیر ۴ الک آب مزیده ۲
آب اقد ۳۰ آب و کربنات دو پتاس را در باطین نقرهٔ یا چدنی ریزند و محلول
تجربه بجوش آورند و در ظرف خلاصهٔ الک را شکفته کنند و آب جمیع پساریر قیق
سازند درحینی که محلول پتاس درحین غلیان است کم کم آن شیر الک را بان بیفزایند
تقسیمی که منع غلیان نکند پس کنند که سطح آب در باطین نزول کند پس از انکه تمام
الک مصرف شد باز قدری بجوش آنند و گذارند سرد شود و قدری از آن مایع را صاف کنند
و ما در کیله آن آب مقطر افزایند اگر آب الک در آن که دوانیده انگیز
علامت اتمام عمل است والا باید مجددا با آب الک جوشانند و درصورت لزوم
آب افزوده پس از انکه بواسطهٔ آب الک دیگر دوانده آتش از ان بکشند و سرانرا
بپوشانند و گذارند ته نشین شود معلوم است که در شیر الک جذب ابیه کربنیک کنند
و کربنات دو ترشه که غیر محلول است رسوب شود و پتاس ئیدراته محلول باز جهت اینکه از
عمل تجزیه و ترکیب مجری شود باید که محلول غلظت مفرط نداشته باشد و الا تجزیه صورت
نمیگیرد پس از انکه محلول پتاس خوب ته نشین شد بواسطهٔ سیفن مایع زلال صاف
را جدا کنند و دورد را در ظرفی ریزند لیکن غالب قند و با آب بشویند تا وقتیکه
آب غسله اثر قلیائیتش بسیار ضعیف شود پس از ان در باطین نقرهٔ آن محلول را
قوام آورند و جدا کنند در قوام آوردن احتیاط که مبادا پتاس انفعال

بايد

که است و بعد از آن در اقوعی محلولات غلیظه را اضافه کنند حتی الامکان کوشش
نمایند که زمان غلیان و قوام مستمر نشود زیرا که درصورت امتداد زمان پتاس مجددا
جذب اسید کربنیک هوا نماید و تبدیل به کربنات شود و قدری آتش دهند که در حرارت
شدید قرمز دیگر بخار راب از پتاس خارج نشود درینصورت پتاس در حالت ذوب است
انرا در صفحه تختهٔ نقرهٔ ریزند و قطعه قطعه کنند و در ظرف دهان بسته محکم نگاه
دارند و این پتاس معروف است به پتاس ال کال خالص نیست و خالص آن باید بالتمام
در آب محلول شود و بعد از افزودن جوهر شوره در آن محلول رنگ جنم و کرد و جایی درد
در آن نرسد در هر صورت این پتاس جهت استعمالات طبی کافی است

تپاس الکلی potasse à l'alcool

اجزاء خارجی که باعث اختلاط پتاس بازاری میشود عبارتند از کربنات دو پتاس
و کلرور دو پتاسیوم بواسطهٔ الکل میتوان جدا کرد و املاح مذکوره در الکل حل نمیشوند
زیرا که اینکه کلرور را با ته میانه و الا ده برنها الکل مجاورت از ان قلیه مانع خواهد شد
الیه میکنند پتاس بازاری را صلایه کنند و با الکل ۸۶ درجه در شیشه ریزند و دارای
تا دو روز گاه گاهی بهم زنند و گذارند ته نشین شود و بواسطهٔ لولهٔ منحنی که پر کرده انرا از
الکل صاف انرا خارج کنند اگرچه رنگین است و بعد شیر را با الکل تازه می دهند
کنند محلولات الکل را تقطیر کنند در حال شیشه تا وقتیکه جم انها ربع شود بعد از ان
نمیتوان قوام آورد زیرا که ظروف شیشه مقاومت نکنند و خواهد گرداند آن مایع

غلیظ را در باطین نقرهٔ ریزند و قدری تبخیر نمایند که دیگر بخار آب متصاعد نشود
بعد از ان یکدفعه آتش زیادی دهند تا پتاس ذوب ناری پیدا کند پس از ان انرا
در صفحه تختهٔ نقرهٔ ریخته قطعه قطعه کنند و فورا در ظرف دهان بسته محفوظ دارند
ولا در دواسازی چون پتاس در ازمان فروحات خجسته معمول است شکل کنند
در وقتیکه پتاس ذوب ناری پیدا کند سطح آن پوشیده میشود از یک بخهٔ سیاهی که قلیلان
بواسطهٔ تجزیه الکل یا مواد الیه است قدری لذوی بجه بواسطهٔ مجاورت هوا حرف
تتمه آنرا با کفگیر نقرهٔ بر دارند

پتاس رنج

همین عمل در ساختن این مایع مطابق است با آنچه در پتاس ئیدراته ذکر کردیم
فقط پتاس بازاری را در آب حل میکنند و قوام می آورند تا وقتیکه میزان البعقین ۳۳
نشان دهد ثقل وزن این محلول پتاس ئیدراته است

محرق وین Caustique de vienne

پتاس ال کال یک الک آب مزیده یک پتاس را بسرعت در هاون آهنی داغ صلایه
کنند و بسرعت الک را ممزوج آن کنند و فورا در شیشهٔ دهان بسته محفوظ دارند
در زمان حاجت معلم دواساز را که را که در مزاب استعمال میکنند از این ترکیبات مطلوب
معین با آب الک را شکفته میکنند و بعد از ان بحرارت قرمز تکلیس میکنند تا آب
آن خارج شود

قرق

محرق فیلهس Caustique filhos

پتاس ال کال	۲	الک آب مزیده محرق	۱

پتاس را در قاشق آهنی در روی آتش تند ذوب کنند و به وقت الک محرق را
اضافه نمایند و گذارند در روی آتش بمانند تا دیگر حباب از ان متصاعد نشود و در غالبهای
مخصوصی ریزند درحین استعمال از مانند مداد تراشند این محرق را مخصوصا استعمال کنند
در لوزامون قروحات رحم و خصوصا ... که مانند پتاس متقارن نمیشود ۵
پیه الیکنند و اطراف مجاور قرحه را اذیت نمیرسانند

لاله زیر تنز

پتاس ال کال	یکم	آب مقطر	مثقال ۳۰

در ظرف دهان بسته مطابق معمول حل کنند و انرا در ابتدای مرض gonorrhée
استعمال کنند

قطور زهره

پتاس	۱ ۰ ۲ گرم	آب مقطر	مثقال ۲

چند قطره انرا در چشم ریزند جهت زوال لکه و فورا با یک آب طبیعی بشویند

کربنات دو پتاس KO, CO² carbonate de potasse

در طب دو کربنات دو پتاس معمول است یا کربنات خنثی و دیگری بیکربنات و علاوه
بر اینها پتاس بازاری که کربنات غیر خالص است نیز مستعمل است پتاس بازاری عبارت

از کربنات خنثی که دارای پتاس محرق و سولفات دوپتاس و کلرور دوپتاسیوم و [illegible]
و سیلیس و اکسید دوفر و اکسید دو منگنز میباشد و مقادیر این اجزاء خارجه آن مختلف میشود بسته
خاکستر نباتات متفاوته و قاعده معموله در ساختن آن این است
۱) کربنات خنثی که از الکل کربنات تیز نامیده عبارتست از [illegible] که [illegible]
نفیه شده و غیر محرق بسیار جاذب الرطوبه و لهذا کثیر الانحلال در آب [illegible]
شود از آن باید است که از آن همیشه در حالت جوهری استعمال کنند غیر قابل انحلال
است در الکل شربت نفیه را [illegible] کنند خالص از آن [illegible] کربنات
دوپتاس بدست آورند حرارت زیاد [illegible] و رطوبت از آن خارج کنند و بعد
آب [illegible] کربنات دوپتاس محلول شود و سیلیس غیر محلول رسوب شود و تبخیر نمایند
تا به حرارت را به درجه قرمزی رسانند زیرا که در این درجه حرارت [illegible] سیلیس با پتاسی
ترکیب شده سیلیکات دوپتاس محلول [illegible] کربنات دوپتاسی که [illegible]
[illegible] معمولی است و آنچه معمول است کربنات دوپتاسی است که بواسطه [illegible]
بدست می‌آورند

قاعده اول - موسوم است به [illegible] طرطر - طرطر غیر مصفی را در [illegible] بحرارت
قرمز کم کنند تا [illegible] دیگر دود از آن متصاعد نشود [illegible] میانه در آب سرد
حل کنند و صاف نموده در [illegible] نقره قوام آورند تا خشک شود بعضی دیگر طرطر را
[illegible] کنند و در [illegible] کاغذ ریزند و در آب فرو برند و در آتش

والی ف زغال در کوره بگذرانند و فاصله آن قطعها را از زغال پر کنند و از زیر
فرش زغال را آتش دهند پس از آنکه تمام زغالها سوخت نفع که از طرطر باقیمانده
در آب حل کنند و صاف نموده قوام آورند تا خشک شود بعضی [illegible] این قاعده تقریبا
در بعض اوقات متروک است زیرا که در آتش دادن طرطر مخصوص مهارت و مواظبت مخصوص لازم
است که اگر حرارت کافی آتش بدهند طرطر تجزیه نشده باقیمانده و اگر بیش از اندازه حرارت
دهند آن [illegible] ذوب شود و از شیشه کوره و در خاکستر زغالها [illegible] سیلیس خاکستر ترکیب
شود از این باید است که [illegible] صاحب بعضی گفته که طرطر را در ظرف [illegible]
تا لوله آن [illegible] باشد این کربنات دوپتاسی خود از طرطر تقریبا خالص است خاصه در صورتیکه
بجای طرطر متعارف نمک مصفی را از استعمال نمایند در اینحال [illegible] طرطر تجزیه شود
و عناصر آن [illegible] اسید کربنیک نامیده و اسید کربنیک [illegible] پتاس [illegible]
خالص [illegible] و بواسطه از [illegible] اسید [illegible] در [illegible] اسید و کربن [illegible]
ورده

قاعده دوم - معروف بشوره است زغال - شوره را در بوته گلی ریزند پس از آنکه
ذوب شد با قاشق کم کم زغال مسحوق جاذبه کنند تا وقتیکه دیگر زغال اثری نکند در دفعه
اول که زغال میریزند تمام [illegible] هر شود پس از آنکه زغال [illegible]
[illegible] ظاهر شود پس از آنکه [illegible] زغال [illegible] زود [illegible] سرد
شود در آب حل نموده صاف کنند و تبخیر نمایند این قاعده اکنون در کتب [illegible]

و حکایت مندرج است و این قاعده بهتر است اگرچه زغال جوهر شوره را تجزیه میکند ولی
اسید کربنیک [illegible] و با همه [illegible] شوره بدون تجزیه شده باقیماند
قاعده سوم - معروف بشوره است و طرطر است - مخلوطی بجز و شوره و یک جزو طرطر
[illegible] از آن در دیگ [illegible] که در حرارت قرمز [illegible] باشد [illegible]
[illegible] که [illegible] اجزاء آن شود
آنچه از [illegible] حاصل میشود حل کنند و صاف نموده تا خشک قوام آورند و بحرارت قرمز تکلیس
کنند کربنات دوپتاسی [illegible] تقریبا خالص است [illegible] که پتاسی که از شوره
و هم از طرطر گرفته میشود و در این [illegible] که کربنات دوپتاس تولید میشود ازت و کا
از [illegible] اسید کربنیک و بخار آب نیز متصاعد میشود [illegible] بواسطه حرارت زیاد [illegible]
[illegible] در [illegible] ([illegible]) که عبارتست از
ازت و کربن در جوهر شوره و طرطر [illegible] بواسطه حرارت قرمز [illegible] است که [illegible]
دوپتاسیوم شود

تصفیه پتاس بازاری - پتاس تصفیه بازاری را قطعه قطعه کنند و در قیف [illegible]
[illegible] که گلوی آن [illegible] شیشه [illegible] مانع از خروج [illegible] پتاس
[illegible] ریزند [illegible] این قیف را [illegible] و در سرداب برند و در [illegible]
[illegible] چند روز [illegible] کم کم قطرات محلول غلیظ [illegible] پتاس از قیف بچکد و در [illegible] جمع
شود پس از آنکه دیگر رطوبتی از قیف تراوش نکند محلولات را جمع نموده در [illegible] نقره

قوام آورند تا خشک شود در صورتیکه کربنات دوپتاسی جاذب الرطوبه است و در شود
از سولفات دوپتاس و کلرور دوپتاسیوم که از صورت [illegible] میشود [illegible]
است [illegible] کمی که از آن [illegible] طرطر می‌نامیده
بجز این قاعده دیگر نیز معمول است پتاس بازاری را [illegible] کرده با همان وزن آن آب سرد
مخلوط کنند پس از [illegible] صاف از خارج نموده مطابق معمول قوام آورند
این پتاس خود از پتاس بازاری [illegible] سیلیکات محلول دارد و [illegible]

تیزاب سکاین

کربنات دوپتاس ۴ [illegible] متعارف ۲۰۰ مثقال [illegible] مخلوط
نموده قاشق قاشق در [illegible] مرفق [illegible] در یک شب نه روز
کربنات دوپتاسی خالص بعضی اوقات [illegible] میشود در دواخانه جهت تفتیت
حصاة [illegible] و [illegible] ادرار و جهت رفع [illegible] و در [illegible]
استعمال میشود [illegible] محللات و جهت رفع [illegible] امراض [illegible] و جهت حمام
ترجیح میدهند کربنات دوپتاسی [illegible] را جهت کمی قیمت آن
قدر شربت آن ۲۵ سانتیگرام تا یک گرم است بطور محلول
محلول [illegible] کربنات دوپتاسی ([illegible]) مرکب است از ۶۲۵
کربنات دوپتاسی و ۵۰۰ آب مقطر
غیر مستعمل است [illegible] واحد [illegible] واحد [illegible] که [illegible] خورد را

بعلاوه مدت این کربنات داد و کلهای و دار اشکنه و املاح آهن و دیگر فلزی
و املاح و نقره و املاح امانیاک و انتیمون متفرق

$KO, 2CO^2 + aq$ *bicarbonate de potasse*

بی کربنات دو پتاس

این نمک که سابقاً معروف بود به کربنات خنثی منبلور میشود بشکل منشورات مستوی
طعم آن قلیائی است بدون حرقت الوان بنفشه را سبز نمیکند در چهار برابر وزن
خود آب محلول است و محلول آن اگر بجوشانند تبدیل به اسید کربنیک و نمک کربنات
میشود معلوم است که در نیمکربنات زیادتی اسید کربنیک متصاعد میشود و کربنات جدید
الترکیبه محلول میماند و اگر مدت غلیان متمادی شود تبدیل بکربنات خنثی میشود
بجهة ساختن آن بخار اسید کربنیک را داخل محلول کربنات خنثی کنند و اما چون
جذب بخار اسید کربنیک بسیار بطی است و عمل بطول انجامد همیشه تمداری از آن
بکار برند و از این محلول میکنند بدون اینکه مجبور شوند یکی از دو اسباب را که تشخیص
اسبابی اختراع کرده که در آن حباب اسید کربنیک تولید میشود و به تدریج که مجذوب
پتاس میشود و اما عیب این حباب است که لوله که در محلول پتاس واقع است بواسطه
تولید کربنات بی کربنات دو پتاس دائماً مسدود میشود و کرراً باید شسته و جدا کرد
برهم زد و از این باب لوبران صاحب معلم و استاد ترتیب حباب را تغییر داده
است چنانچه در شکل دیده میشود. سه شیشه و لوله است که حاوی جوهر نمک با

جوهر گوگرد است B ظرفی است سفالی که در آن مخلوطی از چهار جزو آب و یک جزو نمک
سفیده که ...ه بواسطه شیر که بوده است در شیشه واقع است که آن حباب که لوله داده

راه جوهر را باز میکنند که داخل بر کلس سفیده شود ... جوده است که بواسطه نشانه شده
و صل میان ظرف کلس سفیده که ... و فایده آن بهم خوردن محفوظ است تا شیشه
است پر از پارچه های کلس سفیده مرطوب و فایده آن جذب ترشحات خارجی است که مختلط است
با اسید کربنیک متصاعد شده پنج اینچ شیشه بواسطه لوله اول مربوط است با ظرف
سفالی دو بواسطه لوله دوم مربوط است با شیشه که جوهر داخل این رابطه متوالی است
است که در تمام اجزاء اسباب یک ... حاصل شود D شیشه ایست که اندکی آب
دارد و سبب نظم حرکت بخار میشود لکن چون بخار اسید کربنیک باید از آن آب عبور
کند و بشکل حباب خارج شود کثرت و قلت آن حبابها دو اسباب را راه نماید میکند
در سرعت و بطؤ عمل و علاوه بر اینها لوله چهارم بواسطه ارتفاع لوله این که در آن
واقع میشود میان مقدار فشار حباب را میکند D مربوط است با شیشه C بواسطه لوله

پنجم که ... قابله ایست سفالی و لوله پنجم که از سرب است مربوط است با جزء تحتانی این
قابله در وسط این قابله سه ردیف ... که بشکل حکمت به آن شده و ... کمی از آن دور
فوقانی این سه ردیف لوله سرب ششم واقع است که داخل میشود بطرف بالا از جهت آنکه
بخار جدا بواسطه خارج شود در قابله E ظروف سفالی هستند شبیه به بشقاب مانند منطبق
چیده شده بواسطه قطعات کوچک چوب با سفالها فیما بین آنها فاصله داده اند
در هر یک از این ظروف بقدر زیادی از محلول غلیظ کربنات دو پتاس خنثی که ۳۰ درجه
میزان ... میباشد میگذارند پس از آنکه حباب را به تطابق شده و چند
گوشه دهان لوله ششم را از آب خارج کنند و شیر را باز کنند جوهر را داخل کلس
کلس سفیده کنند تعیین که اسید کربنیک زیادی در کمال سرعت تولید شود و تقریباً تمام
هوای حباب را خارج که خود تمام مقام آن شود پس از آن دهان لوله را در آب فرو
برند و بعضی را تعیین فقط کنند که همیشه بخار اسید کربنیک به نظم عادی تولید شود به نظم ... آنچه
بخار بواسطه لوله چهارم معلوم میشود پس از آنکه معلوم شد که دیگر اسید کربنیک مجذوب
نمیشود و و صل حباب را بر هم زنند و کریستالهای تولید شده را از آب ... جدا کنند و آن آب را جمع و دانه دانه عمل اول از اسید کربنیک پر کنند و ابحاث جمع
عمل اخیر را بواسطه حرارت کرمان عادی تبخیر نموده متبلور کنند و ابحاث و معمول است
همین قاعده است که ذکر شد بی کربنات دو پتاس بازار غالب بواسطه لوفات
دو پتاس و کلرور دو پتاسیوم و کربنات خنثی مغشوش است از آن در نمک اول بواسطه خراب

در بیت اسید و نمک جنس اسید معلوم میشود اما کربنات خنثی بواسطه استعمال یکی از
املاح محلول فلزی مشخص نشود اگر دو کربنات دو پتاس خالص باشد بنا به در املاح
فلزی رسوب دهد

NaO *soude* سود

سود اول درجه که سیه ایون سدیوم است در غالب خواص و کیفیات مانند پتاسیم
است جسمی است سفید محرق و در حالت خلوص در طب غیر معمول است

$NaO + aq$ *hydrate de soude* ئیدرات دو سود

ئیدرات دو سود کمال شباهت را با ئیدرات دو پتاس دارد و تفاوتش این است که از
مجاورت متمادی هوا اول میعان پیدا میکند ولی بعد از آن خشک میشود مانند
گرد سفیده که عبارت است از کربنات دو سود در صد جزء آن ۲۲،۳۵ است

soude caustique a l'alcool سود الکلی

سود الکلی بعینه مانند پتاس الکلی گرفته میشود یعنی یک جزء کربنات دو سود خشک را اقلا در
۸ جزء آب حل کنند و ۸ ... آهک بفزایند و اگر کربنات دو سود خالص استعمال
که باشند از حل کردن در الکل مستغنی اند سود خالص ایشان بالتمامه در آب محلول است
ولی از افزودن جوهر شوره بر محلول آن با محلول اسید نمک جنس و کلرور اسید بارون
و اکس ... داد و ... دهد

soude caustique liquide, lessive,

روبیع liqueur des savonniers

دهند به آن ربیع دست می‌آورند اگر خواسته باشند این محلول غلیظ بی‌رنگ با یکجا
تبخیر را استعمال کنند تا درجه جوشیدن برسد و پس از آن حرارت دهند تا در بنادر خشک سفید کنند
و بعد در آب خالص سرد حل کنند قلیای که ۳۰ درجه میزان اشتغال شد در این
محلول معروف است به تیزاب صابون سازان اما آنچه در صابون سازی استعمال است
خالص نیست و پس از آنکه مدت زمانی باشد اصلاح خارجیه نیترات و سود در صابون تیزاب
صابون سازان اند که از ثلث وزن آن کمتر سود نیترات خشک دارد

کربنات سود carbonate de soude

در طب و کربنات معمول است کربنات خفیف قرمز عبارت است از نمک قلیا و بکربنات
سود که معروف است به داروش و نیز سود بازاری را که کربنات غیر خالص است
که استعمال کنند فرمول کربنات خفیف CO^2 و na یک سیم و منعقه ۱۵/۱
$na\ o\ 2\ CO^2$ معادله آب داده تقسیم که در صد جزء آن ۹ و ۲۶ است فرمول چهار جوش
یک سیم و منعقه آن معادله آب داده یعنی در صد جزء ۷۲ و ۱۰ است
$na\ o,\ CO^2 + 10\ aq$ carbonate neutre de soude
کربنات خفیف سود

یک قلیای منعقه شود یعنی اکثر ازآنکه قاعده آن منشوریه است و نوک آن از سر
منقطع است طعم آن تند و شبیه صابون است در هوا شکفته شود و سریع آب منعقده

خود را از دست دهد در برابر آب سرد و یک برابر آب جوش محلول است در الکل
حل نشود رنگ شربت بنفشه را سبز کند
بجهت دست آوردن آن در ایران با بقیای متعارف را صاف نموده چنین که ...
حل و صاف کنند و اما در فرنگستان چون این نمک را بسیار بکار می‌برند و بقیه رنگها
قلیا نیز از انواع ابرمختلفه دست می‌آورند مثلاً اول نمک طعام را با جوهر
گوگرد تبدیل به سولفات سود کنند و این سولفات سود را با زغال و آهک مخلوط
نموده در کوره‌ها منجمد تکلیس کنند پس از جوشاندن این مواد دیگر آنها را بهم زنند و صاف
در قالبهای چدنی بزرگ بریزند آنچه می‌ماند و مایه است تیره رنگ زغال اند
آنها را در دیگهای بزرگ چدنی ریخته آب افزایند و صاف کنند و قوام آورند و
گذارند منعقد شود این کربنات سود خالص نیست و معروف است به نمک سود جهت
خلوص آن باید آن را در ظرف چدنی با آب جوش حل کنند و از کاغذ صافی گذرانند
و بعد در ظرف چدنی ریخته قوام آورند تا پوسته در سر آن به بندد و گذارند منعقد
شود آبهای باقیمانده را نیز قوام آورند بعد از آن منعقد شود ولی غالباً این منعقد کمتر
می‌شود و اگر خواسته باشند بواسطه تکرار حل و منعقد رنگ آنها را از بین ببرند نمک قلیا که
از تکرار حل و منعقد دست می‌آید غالباً از سولفات سود و نمک طعام دارد ولی با مخلوط
الیه نمک جنس دیگر در داروخانه‌ها در دوا نه هر کربنات و سود بواسطه قلیا تحمیش
در مرض گراول gravelle استعمال شود و نیز جهت تقویه اضافه معمول است

و یا نمک جوش در حالت تبرید ترجیح داده و در امراض مثانه زیرا از ماده مره
با زقوام می‌کنند و در مرض استسقاء و در ضمادها جهت رفع بعضی از امراض جلدی معمول
است قدر شربت آن از ۱ تا ۲۱ گرم و بیشتر است و جهت استعمال کربنات سود
تجارتی متعدد است

حمام قلیایی

یک قلیا از ۵۰ تا ۱۰۰ مثقال آب گرم داده مخلوط کنند باید درجه گرمی این
آب از ۲۸ تا ۳۰ درجه باشد

$na\ o,\ 2\ CO^2 + aq$ bicarbonate de soude

بکربنات سود

این نمک در سهولت هضم بسیار معمول است و نیز در حل حصاة الیه او ویا معمول است و در
بسیاری از امراض معده معتدل و نیز داخل شود منعقده شود و یعنی مخروطات مربع القاعده
و یا غالب به شکل کثیف است و در باطن مرکب است از عده‌ها محصور کرسیتهای بسیار
خرد و لطیف طعم آن اندکی قلیایی است صد جزء آب نزدیک به ۹ جزء از آن حل کند
در صفر درجه حرارت و در درجات بیشتر از حرارت اندکی بیشتر محلول است آب
جوش از آن به سبب ترکیب کربنات و سود و الیه ترکیب کند
جهت ساختن آن قاعده وسیع است باید نمک قلیای منعقده را متوسط از سیال
الیه ترکیب و بهترین قواعد در این قاعده ... صاحب است لویران حاصل

وقتی که بجایی دیگر در ساختن بکربنات و بیان معمول کرده استعمال می‌کنند الیه ترکیب
تا مرکز کریستالها نفوذ می‌کند بدون آنکه تغییر در شکل کریستال بدهد ولی اشکالات
و لطافت آنها را از بین ببرد اگر در وسط آنها جزء لطیف پیدا شود علامت عدم تأثیر
الیه ترکیب است در آن جزء پس باید ابتدا عمل را بیشتر کنند چون نمک قلیای ده
معادله آب داده و نمک جوش یک معادله هر قدر از نمک اول تبدیل به نمک ثانی
می‌شود زیاده آب از کریستالها جاری می‌گردد و این آب محلول غلیظ است از نمک
جوش از این بابت است که طبقات قابلی که الیه ترکیب در آنها نفوذ می‌کند
می‌کنند تا این ابها بسهولت خارج شود و در ظرف مخصوصی که در زیر طبقه زیرین قرار داده
اند جمع گردد و یکی از منافع این است که اگر نمک قلیا آلوده بود بنمک طعام و سولفات
سود این دو نمک در آن رطوبت متخرجه محلول می‌شوند و نمک جوش که بدست می‌آید خالص
است

نمک جوش را در ساختن لیمونات و سود چنانچه عنقریب ذکر می‌کنیم دهند اجزای آن
دست چون آن علامت خلوص نمک جوش معادل است با علامات خلوص
بکربنات در بیان نمک جنس و اصلاح آن است و اصلاح چیزی باید در آن درد
دهند این نمک چنانچه ذکر کردیم در تقویت معده بسیار معمول است و چیزی است که در
بعضی مواضع فرنگستان قفلهای بدون کفه طبیب برحسب اقتضای حالت مزاج
دار جوش با قرص از آن می‌خورند

خیلی مستعمل است مانند ادویه رافع حموضت معده و هاضم و برای انحلال سنگهای
بولیه اوریک
جزو غالب کوهائیکه دارای جوش اند میشود و همچنین جزو آب و قرص ویشی
vichy و سودا واتر soda-water است قدر شربت آن
۰٫۵ تا ۱٫۵ گرم است
غیر متعمل است بای کربنات جزو آنکه غیر متعمل است با کربنات دو بای
چیزی را که سابق میشناختند با نام ناترون natron و ترونا trona است که از
قرص اشیم معروف به قرص ویشی pastilles de vichy

بسیار معمول که از آبهای معدنی از ... مصر و هنگری و امریکا و غیره

دارای جوش	۴	قند	۷۵
بای تر	۱	الکل ۸۵	۲
لعاب کتیرا	مقدار کافی		

بای تر را در الکل حل کنند و در قرع سطح القعری ریزند و آب قرابه و قند را حل کنند و
صاف نمایند و با این آب لعاب کتیرا سازند و قرص های مخروطیت کنند که
هر یک یک گرم دارای جوش دارند و غالبا این قرص را با یکی از جوهریات فرار
از قبیل عطر بو دهند و دارچینی معطر سازند ولی عیب این عطریات است که
پس از کهنه شدن قرص طعم آنها را صابونی میکند بجهت رفع این منقصت
باید قرص را بدون عطر ساخت و قریب باستعمال قدری از آنها را معطر

نمود و بعد از آن قرص را میتوان در خصوصیت جزو لعاب بکار برد

li o oxyde de lithium ou lithine

(LiO)

لیتین

در سنه ۱۸۱۷ بواسطه ارفوسدن arfuesdon کشف شد
در معادن چند در لوله این کلیه جسمی است سفید و قلیایی و محرق و ثابت شربت بخشد
را شبیه آب دارد و همه کربنیک هوا را جذب نماید و محلول آن را فسفه این جسم را در
سایر معادن دیگر مانند لپیدولیت lépidolithe یا میکا اول دیدم
میکا روز دو بوهم micarose de bohême و در چشمه آبهای معدنی کارلسباد
گارود garrod تا که معلوم است استعمال کربنات دولیتین را جزو ادویه مخصوصه
دانسته در رفع مرض نقرس و استعمال مینمود بقدر ۱۵ تا ۲۵ سانتیگرام دوری است
محلول در آب خالص یا در شده دار سودا واتر soda-water (لغت است
انگلیسی معنی آب سود محلول در کربنات دوسود (سودا) در اینکه تغییر داده شده و بواسطه
هوا را جذب اسید کربنیک (الیتر) و بکار رفته میشود مانند آب ویشی)

li o, co² carbonate de lithine کربنات دولیتین

(LiO, CO^2)

حاصل میشود بواسطه تکلیس سیترات یا بواسطه انعقاد محلول کلرور دو لیتیوم و کاربنات دامونیاک
یا انعقاد محلول سولفات دولیتین و کربنات دوسود
غبار است سفید و خیلی خفیف کمی محلول در آب یعنی تقریبا ۱۰۰ گرم از آن تمامی نماید خیلی

زیاد محلول است در اینکه دارای اسید کربنیک بود غیر محلول است در الکل ذوب میشود در حرارت
قرمز و در حالت ذوب حفظ مینماید اجزاء خود را از تجزیه
گارود garrod صاحب ملاحظه نموده است از اما مانند ادویه مخصوصه نقرس منظم
با کاربنات یا سیترات و دولیتین منظم با فسفات دامونیاک و داخل میشود در آب
سنگی که مرکب است به آب لیتین (کاربنات ۰٫۲ و آب سنگی ۵۰۰) بعضی
از اشخاص با تجربه و کار آزموده ملاحظه نموده اند که آب سنگی قائم مقام میشود لیموناد
سیتریک را و همچنین استعمال مینماید لیکن دوادانی که جوش مینماید - gr-
annules effervescents -
کربنات دولیتین موجود دارد در هر آب معدنی طبیعی (آب ماریان باد
soultzmatt آب سولتزمات eau de marienbad
و آب ویلباخ weilbach و غیره) و داخل میشود در ترکیب
غالب آبهای معروف

ba o baryte باریت

(BaO)

جسمی است سفید خاکستری محرق و صعب الذوبه در حرارت متقارن جذب اسید کربنیک
هوا که بسیار جاذب الرطوبه است و رطوبت هوا را جذب نموده تبدیل به هیدرات
دو باریت منقلب شود در ۳۰ جزو آب سرد و ۳ جزو آب جوش محلول است استعمال
آن در طب بسیار کم است در بعضی از اقراباذین جزو معمول است

روغن باریت

آب باریت	۱	روغن زیتون	۶

مطابق معمول مخلوط کنند کربنات دو باریت نیز در بعضی از اقراباذین جزو معمول است

ca o oxyde de calcium, chaux آهک

(CaO)

جسمی است سفید و بو شدید جاذب الرطوبه ولی قلیل الانحلال در آب و از خواص مخصوصه او
آنست که در آب سرد بیش از آب گرم محلول است از این بابت است که اگر آب آهک را
بجوش آورند کدورت پیدا کند و آنچه تحقیق کرده اند اینست که ۷۷۸ جزو آب سرد
و ۱۲۷۰ جزو آب جوش تجزیه آهک را حل میکنند آهک را از تکلیس کربنات
دو کلسیوم بدست می آورند غالب آهک بازاری میتواند مولد استعمال شود در صورتیکه دوا انتخاب
باشد خود آهک خالص خالص جسمی است آورده باید مرمر سفید را پارچه پارچه کنند و بعد بریزد
بفاصله ۲۰۰ زغال در کوره سرپوش دار بگسترانند و آتش کنند تا بسهولت اسید
کربنیک آن خارج شود و بقیه ارکی خاکستر که الحال بر سطح آهک میماند بسهولت میتوان آنرا
کم در صورتیکه سنگ مرمر بخوبی تجزیه شود اگر آهک از اسیده با آب کنند باید با
هیچیک از خاصیات جوش کند باید آهک را در ظروف دهان بسته محکم حفظ کرد
زیرا که جذب رطوبت و اسید کربنیک هوا کند و رفته رفته به هیدرات و کاربنات
دو کربنات مبدل شود در طب بسیار کم معمول است و یکی از اطبا انرا از یک
۱ الی ۳ گرم در لکنتی عطش تدریجا میخورانند

هیدرات آهک CaO + aq hydrate de chaux

جسمی است سفید با جسم ... و بواسطه حرارت تجزیه شود بمجاورت ... هوا تبدیل بکربنات

به کربنات ... و در صد جزء ۲۴ جزء آب دارد

آهک شکفته chaux éteinte

آهک آب ندیده را بردارند و پاره پاره در آب فرو برند و فی الفور بردارند تا دیگر

حباب بیرون آمدن تمام شود و در ظرفی بگذارند تا ... یا آنکه مانند متعارف آب

روی آهک بپاشند و آنچه را در ظرف سفالی حاضر کنند آهک حرارت شدیدی

احداث کند و بخار آب متصاعد شود با صدای مخصوص ... و آهک شکفته

متورم و غبار گردد که اگر تمام آهک شکفته شود و دانه‌ها ... باقی ماند که مجددا

آب افزایند حرارتیکه در حین اطفاء آهک احداث میشود ... است

یکی از جهت آنست که آهک با آب ترکیب شیمیائی پیدا میکند و در حین

ترکیب چنانکه در حکمت شیمیائی ذکر شده همیشه بروز حرارت میشود و دیگری از

جهت آنست که آب مایع در حین ترکیب با آهک حرارت مخفیه خود را از دست

میدهد و حالت ... میشود درجه حرارت غالبا به ۳۰۰ درجه

و سبب غبار شدن آهک آنست که در حین صعود بخار آب از اندرون

آهک بواسطه قوه انبساطیه آن ذرات آهک را از یکدیگر منفصل و متلاشی

میکند

شیر آهک lait de chaux

آهک آب دیده ایست که ممزوج شده است با مقدار اکثر آب و ذرات آن

در آب آمیخته و معلق مانده است و مانند خمیر بسیار رقیق شده است در ساختن

بسیاری از ادویه نباتی و حیوانی معمول است

آب آهک eau de chaux

آهک آب دیده ۱ آب ۱۰۰

آهک را با آب ممزوج کنند و در ظرف دهان بسته ریخته گاه گاهی بهم زنند و پس

از دو سه ساعت گذارند ته‌نشین شود صاف آنرا خارج کنند و بر تفاله آن

مجددا آب افزایند و چندین نوبت مکرر کنند آب آهک را باید در ظرف

دهان بسته حفظ کرد زیرا که اسید کربنیک هوا با آن مرکب شده آنرا تبدیل

بکربنات میکند و از این بابت است که در سطح آن از مجاورت هوا قشری بهم میرسد

آن آب اول آهک را باید دور ریخت زیرا که قلیائیت آن بیشتر است و بواسطه

پتاسیکه از خاکستر در سطح آهک مانده و آن پتاس بواسطه آهک تبدیل به

پتاس محرق شده ... غالبا آب ... آهک معمول است آب

آهک در ۱۰۰۰ جزء ۱.۲۰ جزء آهک دارد ... [illegible]

که بسیاری از مرضی ... خواه ... بعد از امتزاج با مقدار مجدد آب با

آهک از ادویه بسیار خوب است و در دفع ... [illegible]

و بطریق ... استعمال کنند و در خارج جهت ... [illegible]

... [illegible]

قدر شربت آن از یک الی سه گرم در یک پیاله آب بعد از خوردن غذا

شربت آهک

شیره شکر	۱۵	آب	۱۰
آهک آب ندیده	۲		

آهک را شکفته کنند و با آب ممزوج نمایند و در ظرف دیگر شربت را گرم کنند و تا

دیگر درجه غلیان گرم آن شیر آهک را بر شربت بیفزایند و بهم زنند و ... صاف

کنند و وزن آنرا سنجیده و قدری شربت ساده افزایند که ... چهل جزء ...

این شربت ... آهک دارد طعم این شربت بسیار ... است ... در

امراض اطفال ... بسیار ... است

روغن و آهک منسوب به ...

نمک قلیا ۱۲ آهک ... ۲۰ ... روغن ساده ۴۴ مثقال ...

... و بواسطه ... که بسته است خارج کنند و با صابون

بشویند ... روزی ... با این روغن چرب کنند و سر را پاکیزه

نگاه دارند و با شانه آلوده بر روغن ... شانه کنند و هفته چند نوبت با

صابون بشویند ... دیگر ... روزی ... این

که ... ۱۵ جزء ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

میکنند تا آنکه رنگ ... طبیعی رسد

کربنات دو آهک CaO, CO2 carbonate de chaux

کربنات دو آهک جسمی است سفید ... و بسیار ... در آب ... حموضات

... تجزیه کنند و اسید کربنیک ... خارج نماید این نمک بالطبع در

کره ارض پراکنده و فراوان است از آنجمله است مرجان و مروارید و صدف

و پوست تخم مرغ و ... که ... این اجزا را در طب ... ادویه ...

استعمال میکنند عبارتند از کربنات دو آهک ... در هر صورت ...

ادویه ... است و در صورتیکه بخواهند در ... استعمال کنند ...

از تجزیه ... آورند ... بسیار رقیق ... خالص را با ...

قلیای خالص ممزوج کنند ... دیگر ... رسوب ...

... آب ... بشویند ...

آب آن ... کنند

کربنات دو آهک استعمال میشود جهت رفع حموضت و ... جهت ...

و ... قدر شربت آن ... [illegible]

دوکرم است

مغنزی mgo magnésie

جسمی است سفید بی‌طعم و بی‌بو نامذاب در آب تنفس را سبز کند اسید ها در سایر کمی
در آن حل کند ولی کم کم از مجاورت متمادی با آب با آن ترکیب شیمیائی پیدا کند
و تولید ئیدرات دو مغنزی نماید در مجاورت هوا جذب آب و اسید کربنیک کند
ولی آب زود تر از اسید کربنیک جذب شود اصطلاح طب و دوا سازان این جسم مغنزی مکلس

و مغنزی خالص است magnésie calcinée

بهتر است او در آن با مغنزی سفید بازاری صلایه نمود پس تحویل ببخار
نمود با ظروفی که از آن در چینی مو بیز باشد و ظروف مخصوصه سفالها را از آن
غبار پر کرده و دو ساعت به حرارت قرمز تکلیس کرد بهتر است که ترتیب این ظروف
سفالها را مانند لگن قرار داد اطبا بسیار طالب اند که مغنزی در حالت غباری

نرم باشد از مغنزی است تا از دوا سازان معروف از اسکاتلند غبار زیر دوا
متراکم کردن آن تکلیس میکرد و مغنزی مکلس باید در آب ترش بدون جوش حل شود

و هر وقت آن را ممزوج به آب میکنند نباید گرم شود تا دلیل بر فقدان الکلی باشد
و اگر آن را در جوهر نمک حل کنند و صاف نمایند باید با نمک جوش در دو نه هر دو الا
علامت وجود آهک است مغنزی مکلس را مانند دوا به در جموضت معده
بسیار استعمال کنند و اگر معده از زیادی ازان بکار برند متعدد از ترکیبات متقال
مسهل است دیس ... صاحب آن را مانند تریاق سم الفار استعمال
کرد زیرا که اگر آن را در آب امتحه کنند و بمریض خورانند با سم الفار در دیگر
محلول بوجود آید که باید دفع شود

سفوف مرکب مغنزی

قند	۱	مغنزی مکلس	۱

مطابق معمول مخلوط کنند و در شیشه‌ها در آن بسته محکم حفظ نمایند

قرص مغنزی

مغنزی مکلس	۱	قند	۵
لعاب کتیرا	مقدار کافی		

مطابق معمول قرص ۵ نخودی سازند هر قرص شش کنند مغنزی دارد و لا
غالبا این اقراص را با کربنات دو مغنزی سازند زیرا که اگر آنها را از هم
نگه ندارند یا در جای مرطوب نگاه دارند مغنزی اثر در قند کند و آن را از تلخی
و قرص بد طعم شود

mgo + aq hydrate de magnésie

ئیدرات دو مغنزی

این جسم در ۲۰۰ جزء ۳۰ جزء آب دارد و در حالت خلوص معمول به
اهل صنعت و مخصوص اعمال شیمیائی است ولی در بازار بعض مغنزی‌ها پیدا
میشود که در ۱۰۰ جزء از ۱۲ تا ۲۰ جزء آب دارند و با طعم جی و رتب هوای
مرطوب در صورتیکه در آن نخواسته باشند این گونه مغنزی است آن‌وقت بهتر است
که مغنزی مکلس مذکور را در ظروف سطح عریض بگسترانند و جای در هوای مرطوب
کنند ولی در خصوصیات علاوه بر رطوبت اسید کربنیک هم جذب میشود پس بهتر
است که بکار بردن معمول ها جذب این جسم کنند بعض این طبقات و چه
ها مغنزی را در قابله قرع و انبیق نقطیر آب قرار دهند ئیدرات دو مغنزی
غالبا ترجیح بر مغنزی مکلس دارد زیرا که حس ثقل معده نیاورد

مسهل مغنزی potion a la magnésie

مغنزی مکلس	۲۰ نخود	قند	۱۰ مثقال
بهار نارنج	۴ مثقال	آب مقطر	۸ مثقال

مغنزی را بکوبند و پس از آن قند اضافه نمایند و بعد بهار نارنج را افزوده از صافی
لک نزدیک گذرانند این دوا مسهل است در نهایت قوه بدون اینکه دل درد
و خشکی پیدا شود

lait de magnésie شیر مغنزی

مغنزی مکلس	۱	آب	۸
بهار نارنج	۱		

مغنزی را با آب صلایه کنند و بجوش آورند و بعد از اتصال بهم زنند و از موی نرم چیده
کش در بگذرانند و بهار نارنج افزایند هر قاشق از آن ده نخود مغنزی دارد در قوت
معده و خاصیت این شیر کمتر از مغنزی مکلس خالص است

قدر شربت مغنزی مکلس از ۳۰ دره تا ۵۰ دره کرم است هر یک مرتبه در روز جهت ترشی
معده و از ۲ تا ۸ گرم مانند مسهل

carbonate de magnésie کربنات دو مغنزی

سه کربنات از مغنزی در شیمی پیدا کرده اند کربنات خنثی در معمول به اطبا نیست
با کربنات دو مغنزی که در ساختن بعض از آبهای معدنی معمول است و کربنات
دیگر که معروف است بمغنزی سفید و او کربنات دو مغنزی فرمول است
$3 (mgo, co^2) + mgo, HO + 3 aq$ مغنزی سفید بی‌طعم و بی‌بو و نامذاب
نامذاب در هوا است و در جوهر نمک بسهولت حل شود با جوش فراوان
و غالبا آنچه در بازار است خالص است

دوا ئیاک و یا جوهر نوشادر $az H^3$ ammonique

این گاز معروف است قدیم به alcali volatil جسمی است گازیه و

بیرنگ و بو دارند و مختنق طعم آن محرق و الکالی است وزن مخصوص آن ۰٫۹۱ است
است شربت بنفشه را بشدت سبز کند باسباب مخصوص مگر در ۴۰ زیر صفر منجمد
نمیشود که این بخار بسیار محلول است در آب بقسمی که یک کیله آب ۶۷۰ کیله از این
بخار حل کند و محلول آن مرسوم است به امانیاک مایع

امانیاک مایع ammoniaque liquide

این جسم عبارتست از محلول امانیاک بخاریه در آب در تمام خواص شبیه است به امانیاک
بخاریه اگر دهان شیشه آن باز باشد علی الاتصال بخار امانیاک از آن متصاعد
میشود و بواسطه همین تمام این بخار از آب خارج میشود لکن آن تحمل نمیکند و
طعم آن بشدت محرق است

جهت ساختن آن نوشادر را بواسطه آهک تجزیه کنند آهک مرکب شود با کلر
نوشادر و بخار امانیاک چون تنها میماند متصاعد شود و در آب شیشه‌ها جذب
و لوله که بقرع شده و قسمی که از محلول مشغول کنند این اسباب را اسباب
وولف مینامند شیشه اول را کوچک تر گیرند و قدری آب
از آن اکتفا کنند و در حین عمل از او سرد کنند خاصیت آن فی الحقیقه تنقیه
داشتن نوشادر از اجزاء است که بعوض جزء بخار شده اند و از ظرف غسل
بر نامند سایر شیشه‌ها را نیز بیش از نصف آب نکنند زیرا که بواسطه جذب بخار
امانیاک حجم آب خیلی زیاد میشود و چون هر قدر آب سردتر باشد جذبیت

الکولش بیشتر میشود شیشه‌ها را در آب سرد جاری یا ظروف مبرد مخصوص قرار دهند
آهک شکفته شده را با نوشادر باید در کمال سرعت مخلوط کنند و فوراً در قرع
بریزند زیرا که در حرارت متعارفه آغاز تجزیه و ترکیب شود در ابتدا حرارت
ملایم دهند و کم کم آتش را بیشتر کنند تا وقتیکه دیگر بخار امانیاک متصاعد نشود امانیاک
که حاصل میشود در میزان بنقص ۲۲ نشان دهد تقریباً خمس وزن مایع امانیاک حقیقی
است و اگر ۲۵ نشان دهد ربع و اگر ۳۰ نشان دهد ثلث وزن آن امانیاک
است در فرنگستان غالباً بکار نوشادر در ساختن امانیاک کربنات امانیاک استعمال
میکنند امانیاک محرک است قوی و در حالت غلظت جزء ادویه محمره بل محرقه است
و اکنون معالجه معروف عامه است در دفع لسع عقرب و زنبور و سایر حیوانات در
داخل کمتر استعمال کنند در بعض امراض عصبانی بسیار نافع است و در رفع مستی
غالباً بسیار منفعت کند به طریقی که پنج قطره از او در نیم سیر شربت قند ریخته
بنوشانند

قدر شربت آن در داخل از ۵ تا ۲۰ قطره است در مایع موافق
غیر موافق است با آن حوامض و املاح فلزی و نباتی و زاج

کماد محلل

نوشادر	۱	آهک شکفته	۱

این دو جسم را مخلوط کنند و در وسط دو پارچه چند جا بگذارند و یک پارچه نازک

از قبیل بسمنقر و در حین آن بگذارند و بالای آن پارچه را [illegible] سوراخ
کنند بخار امانیاک که در تولید میشود و جلد ظرف را متورم میکند بهر وقت
که دیگر امانیاک متصاعد نشود تجدید مخلوط کنند و این دوا است معروف به گردن
بند Collier de morand مرانه صاحب این عبارتست
از مخلوط از نوشادر و دو مثقال آهک و بانفخ مکس مواد آهک [illegible]
در نوشادر اثر کند و بخار امانیاک متصاعد شود این مخلوط در گواتر goitre
[illegible] معمول است

سفوف [illegible] poudre leayson معروف به [illegible]

نوشادری collyre ammoniacal

آهک شکفته	۳۲	نوشادر	۴
زنجار نباتی	۱	دارچین مسحوق	۱
میخک مسحوق	۱	گل ارمنی	۲

در قعر شیشه بلور در داری یک طبقه از آهک مخلوط با زنگار گسترانند و در حین آن
یک طبقه نوشادر بریزند و بهمین ترتیب تمام آهک مخلوط با زنگار را با نوشادر طبقه
به طبقه در روی یکدیگر بگسترانند و اجزاء معطره را با تتمه آهک و گل ارمنی
در روی آنها بریزند خاصیت زنگار و گل ارمنی منحصر است به پنهان
کردن اجزاء اینها و فی الحقیقه هر شیشه اسباب تولید امانیاک است

به جهت خوشبوئی دارچین و میخک

لیمون نوشادری یا آله potion ammoniacale

آب مقطر	۳۰ مثقال	عرق نعناع	۳ مثقال
امانیاک مایع	۳ قطره		

مخلوط کنند در صورت زیادتی ترشی معده به دو نوبت در روز بنوشانند

شربت امانیاکی potion ammoniacale

آب	۱۰۰	امانیاک مایع	۵ ره
شربت قند	۳۰	(گرم)	

شربت امانیاکی تریاکی potion ammoniacale op.

شربت صمغ	۱۲۵	امانیاک ۲ و داروی تریاکی	۳۰

هر ده دقیقه یک قاشق در رفع مستی بدهند

شربت رافع سکر potion contre l'ivresse

قند	۶ مثقال	آب	۲۰ مثقال
امانیاک	۵ قطره		

مخلوط کنند و بنوشانند

نسخه دیگر

امانیاک مایع	۲۰ قطره	آب خالص	۱۲۵ گرم

الکل امنیاکی alcool ammoniacal

امنیاک مایع	۱	الکل ۸	۲

حالا ازآن با چند قطره عطر بادیان یا میخک یا پوست لیمو مخلوط کنند و این الکل
را در ساختن تعفین انقوزه و غیر الطیب و امثال آنها بکار برند

روغن کهربا مصفا	۲	صابون سفید	۱
بلسان تو	۱	الکل ۸	۹۶

هشت روز بگذارند بعد صاف کنند و در شیشه محفوظ دارند و در حین استعمال بجز
ذره تعفین را در سه اجزاء امنیاک مخلوط کنند و صابون محض مخلوط کردن این
است و این آب را در لدغ جانوران گزنده استعمال میکنند و در ضعف مفرط و اغما
استنشاق میزانند

روغن امنیاکی liniment volatil ammoniacal

روغن زیتون	۲۵ مثقال	امنیاک	۳ مثقال

در شیشه دهان بسته مخلوط کنند فی الحقیقه این روغن صابون ناقصی است از امنیاک و
اما زهره که ساخته باشند مخلوط بدون ترکیب الزاما نیاک و زیت و کم کم این مرهم در
یکدیگر اثر کنند و پس از چند ماه صابون حقیقی امنیاک و نمک املاح دیگر او تولید شود
و این روغن محرکی است بسیار قوی که از تمریخ آن جلد قرمز شود بلکه در اشخاص ضعیف
المزاج طاول نیز بروز کند و اگر خواسته باشند قوتش کمتر باشد باید مقدار امنیاک

را کمتر کنند و این روغن را غالبا با کافور یا خردل مرکب میسازند

اپ دلدوک baume opodeldoch

صابون سفید	۱۶	کافور	۱۲
امنیاک	۴	عطر اکلیل الجبل romarin	۳
عطر صعتر thym	۱	الکل ۸	۱۲۵

عطریات را در الکل حل کنند و در حمام ماریه تقطیر نمایند بدون آنکه تغییر کند
و این الکل را در قرع ریخته صابون رنده شده را بر آن افزایند و با ملایمت حرارت
حمام ماریه حل کنند و کافور را افزایند ولی از آنکه کافور حل شد امنیاک افزوده فورا
حالت گرمی صاف کنند و مایع مصفی را در شیشه‌های کوچک ریخته گذارند سرد شود
و چوب دهان شیشه را بهتر است که در موم مذاب فرو کنند و یا آنکه از ورقه قلع بپوشانند
و فایده تقطیر کردن الکل با عطریات است که بنا بر تجزیه چون صابون خاص عطریات را نفیه
ترشیده و خاصیت و رقت قطع است که از مجاورت امنیاک و عطریات با چوب پنبه
روغن رنگین نشود و محرک است بسیار معمول و تمریخ آن شایع است

روغن گندره pommade de gondret

پیه	۱	امنیاک	۲
موم	۱		

پیه و موم را بحرارت حمام ماریه ذوب کنند و در شیشه دهان گشاد در دار گذارند

سرد شود امنیاک افزایند و فورا دهان شیشه را مسدود کنند و شیشه را حرکت دهند
و در آب سرد فرو برند تا منجمد شود و این روغن است بسیار جالا که از کثیری آن در جلد
پس از چند لحظه طاول بروز شود و باید در حین استعمال محکم نگاه داشت

2 az H^3, 3 C O^2 + aq carbonate d'ammoniaque

کربنات دامنیاک

کربنات دامنیاک که هر چند با نسبه مقدار اسید کربنیکش بیشتر است در هوا همیشه بوی امنیاک
میدهد از آن اشتباه میشود و نامهای مختلف بر داده اند چنانچه جوهر نمک فرار
انگلیسی و بوکربنات دامنیاک و سزکوئی کربنات دامنیاک و سزکوئی دامنیاک هم گفته
اند و اینها هم خیر صحیح است زیرا که مرکب است از دو معادله امنیاک و سه معادله اسید
کربنیک سزکوئی کربنات دامنیاک جسمی است سفید بلوری امنیاکی نشیه پر شدت تند
واکنش قلیائی دارد در سه برابر وزن خود آب سرد حل میشود در آب جوش تجزیه
از اسید کربنیک آن منتشر شود و کربنات خنثی باقی ماند و اگر دهان شیشه این
سزکوئی کربنات خوب مسدود نباشد یک ربع امنیاک آن منتشر شود و تبدیل
با کربنات شود

بجهة ساختن کربنات دامنیاک نوشادر را با کربنات دو تجزیه کنند این
نمک را مخلوط کنند به ربع قرع ریگ را از این مخلوط پر کنند و در کوره
سرپوش دار نهند و به تدریج و وصل نمایند که تا لوله طرف اسیتا دیسته نگه

و تدریج حرارت دهند و قابله را سرد نگه دارند در دواخانه مرکزی پاریس بهای
پاریس آلات صاحب ابابه وضع کرده است که بسهولت مقدار زیادی از این سزکوئی کربنات
بدست میآید و آن عبارت است از دیگ چدنی که سرپوش سربی دارد تا بخار آن متصاعد شود

و آن سرپوش متصل است به قابله که بواسطه اتصال و واسطه آب جاری سرد میشود و فوق
قاعده چون نوشادر و نمک آهک خیز مکلس که عبارت است از کربنات دو تجزیه بر روی قیمه
باید از قبیل و انفعال این دو نمک در جه بزرگ تولید کلرور کلسیوم و آب و کربنات دامنیاک
خنثی شود و با هر کس با علم این نکته خنثی وجود نیابد و آنچه به تجربه رسیده است اگر
خواسته باشند بلا واسطه کربنات دامنیاک خنثی بدست آورند باید از دو طرف بخار
اسید کربنیک بسیار خشک را با بخار امنیاک بسیار خشک وارد ظرفی کنند و وجود اینکه
رطوبت موجب تولید سزکوئی کربنات میشود و مقداری از امنیاک جدا میشود از این باب
است که همیشه در ساختن چون بخار آب نیز تولید شده است تولید سزکوئی کربنات
دامنیاک شود قدری از آب که بواسطه فعل و انفعال آهک و نوشادر تولید شده است

جزو ترکیب باطنی کربنات دامونیاک گردد و سطح بعضی از مواضع این نمک را تیره میکند
در کارخانه جات هوا سازی [illegible] ضرری ندارد اما مواضع مرطوب را ملاحظه
در ظرفی ریزند و در وقت ساختن نباتات دامونیاک از آن استعمال کنند در فرنگستان
اکنون کربنات دامونیاک مصعد صاف بعضی کارخانه جات است از این بابت قیمت
بسیار نازل دارد باید انها منفعته لطیفه انها را انتخاب کرد زیرا که انچه بعضیه
رنگ و کثیف شده است تبدیل به بیکربنات گردیده است

محرک و معرق خفیفی است و خیلی زیاد تکیه شده است استعمال آن در [illegible]
و در [illegible] مزاجی و در دیابت مفید بود

و ترتیب میدهند از آن ادویه و محلول و شربت و استعمال خارجیه بطور
استنشاق و لکن زیاد بکار میرود جهت ساختن بعضی ادویه تازه استعمال خارجیه
از آن جهت [illegible] و خیلی سبک نمودن خمیر نمود

قدر شربت آن از دو ضرائ ۵ صد گرم است تا ۲ گرم و در خارج استعمال میشود
بشه محمرات

کربنات خفی و بیکربنات دامونیاک مشتعل شیشه
غیر موافق است و در استعمال جراحات و کیسه‌ها در مرتبه اول و ثانی داخل
خون و غالباً دوا را گشته

نمک فرار انگلیسی sels volatils anglais

الکل

سرکه کربنات متبلور را قطعه قطعه کنند و در شیشه‌های کوچک بگذارند چند
قطره از عطریات معموله بر آن شیشه افزایند بکار استعمال امونیاک مانع چون
صدمت امونیاک در نمک کمتر است این شیشه‌ها را در فرنگستان بسیار
معمول دارند

قطور انگلیسی

جوهر امونیم نیم پخته	۳۲	عطر اسطوخودوس	۱
الکل ۹۰ درجه	۴		

هر سه جزو را مخلوط نموده در قرع و انبیق تقطیر کنند که هیچ نمک باقی نماند جوهر امونیم
نیم پخته مایعی است که کربنات و استات و [illegible] دامونیاک دارد و یک دهن
محترقه دارد که بوی آن بسیار دهن است

الکل معطر امونیاک معروف به جوهر حکیم سیلویوس

پوست لیمو تازه	۱۲	پوست نارنج تازه	۱۲
وانیل	۳	میخک	۱
دارچینی	۲	نوشادر	۶۴
کربنات دوپتاس	۶۴	عرق دارچینی	۶۴
الکل مصفی	۶۴		

مواد نباتیه را در قرع ریزند که یک مقدار برابر اجزاء ظرفیت داشته باشد و کمی نمک

alcool aromatique ammoniacal,
esprit volatil aromatique,
esprit huileux de sylvius.

فراخ باشد و در جوف آن ها الکل و عرق دارچینی ریزند هشت روز گذارند
بخیسد پس از آن نوشادر و کربنات دو پتاس بر آن اضافه کنند و با انبیق
و قابله شد و وصل نموده در حمام مری تقطیر کنند در شش تولید کلرور دو پتاسیوم
و کربنات دامونیاک میشود کلرور دو پتاسیوم در قرع باقی میماند و کربنات دامونیاک
متقطر میشود در ابتدا که متصاعد میشود جامد و سخت است و اگر کدون قرع کامل غیر
وسعت داشته باشد مجری مسدود کند الکل که بتقطیر میشود کربنات دامونیاک
و اجزاء معطره در آن محلول است

روغن حکیم رشو

روغن [illegible] بد آب	۲	کربنات دامونیاک	۲

مخلوط کنند و در کروپ croup در خناق بکار برند ماله

کلر chlore Cl

جسم مفرد است و این اسم ماخوذ است از لغت یونانی و بمعنی سبز رنگ
است جسمی است گازیه و دارای غلظت زیاد است مخلوط و فشار زیاد مایع
میکند بو و طعم آن بسیار تند و مخصوص است تنفس در آن جایز نیست اگر
هوای زیادی مخلوط آن باشد سینه را تنگ کند و حرکت سرفه نماید و نقص
الدم عارض شود وزن مخصوص آن ۲٫۵ است در میان عناصر شیمیائی
کلر از حیثیت شدت میل ترکیبی خود با اجسام بسیار معروف است از باب

الکتر

الکتریسیته منفیه بسیار شباهت دارد با اکسیژن بلکه در بعضی موارد غلبه
میکند مثلاً در ترکیبات کلر با فلزات معادله آن ۳۲٫۴۴ است و وجه
اینکه کلر اکسیژن را از حیثیت قوه الکتریسیته با اکسیژن دارد و قاعده
کلیه ترکیبات شیمیائی است که هر قدر تباین و مغایرت جسمان بیشتر است میل
ترکیبی انها بیشتر است و [illegible] اکسیژن با هیچ جسم ترکیب نکند که [illegible]
[illegible]

جهت ساختن آن جوهر نمک و [illegible] را با هم [illegible] کنند تولید آب و کلرور و کلر شود
بدین فرمول $MnO^2 + 2HCl = 2MnCl + Cl + 2HO$

و در صورتی که جوهر نمک گران تر از جوهر گوگرد میتوان با جوهر گوگرد و نمک
طعام [illegible] این کار را بدست آورد زیرا که از مجاورت جوهر گوگرد با نمک
تولید جوهر نمک شود و از وقت جوهر نمک در معرض اثر [illegible] بدین فرمول

$NaCl + HO + SO^3,HO = NaO,SO^3 + HCl + HO$

و پس از تولید جوهر نمک همان فرمول اول مجری میشود و کلر متصاعد
میگردد و نیز میتوان جوهر گوگرد و جوهر نمک را ممزوج ساخته در معرض [illegible]
[illegible] کلر جوهر نمک متصاعد شود زیرا که [illegible] صرف تبدیل [illegible]
اکسیژن منفصل میشود به آب و جوهر گوگرد [illegible] تولید
شده است تبدیل بسولفات [illegible] بدین فرمول

$2HO + Cl + \ldots = \ldots HCl + HO, \ldots$

ولا در تعیین اینه جوهر کوکو چه باشد انتخاب این قاعده مذکوره مختلف میشود باید
فرصت و صرفه بنا بر قیمت اجزا معموله درصورتیکه با جوهر کوکو باب زده تجربه
مغناسیا و چهار جوهر کوکو که ۲ است اگرچه مقدار مغناسیا قدری زیاده بر اندازه
است ولی بنا بر تجربه هواس زان بهتر است که چنین باشد زیراکه مغناسیا تجزیه
نشده که در نفس ... رابطه تفسیر بسهولت جدا میشود و در بعضی دیگر جواهر
معمول شده که اگر هم جوهر نمک و هم جوهر کوکو استعمال کنند ۲ مغناسیا و ۲ جوهر
نمک و یک جوهر کوکو است اول کم کم آن دو جوهر را ممزوج کنند ولی در
ظرفیکه واقع باشد در آب سرد زیراکه چون رابطه میل ترکیبی جوهر کوکو
و آب احداث حرارت شدید میشود اگر این ملاحظات را نکنند حرارت
موجب تصعید مقدار کثیری از جوهر نمک شود و اگر خواسته باشند با نمک و جوهر
کوکو کلر بزنند مقدار آن ازین قرار است نمک طعام ... ۲٫۵
جوهر کوکو چهار آب ۳ مغناسیا ۲ قیراط و جوهر کوکو را
ممزوج کنند وگذارند سرد شود و مغناسیا و نمک را نرم بکوبند و پس از آن
بتدریج مخلوط یکدیگر کنند و بعد مطابق معمول جوهر کوکو ... اگر لازم باشد اندک
حرارت دهند

کلر مایع chlore liquide

یک کیلو آب بنابر اختلاف درجات حرارت مطابق تجربه کیلویک صاحب
کیلوهای مختلفه کلر را حل میکند چنانچه درین لوحه مذکور میگردد

درجات حرارت	کیلو کلر	درجات حرارت	کیلو کلر
۰٫۰	۱٫۴۳	۱۰٫۰	۳٫۰۰
۳٫۰	۱٫۵۳	۱۷٫۰	۲٫۳۷
۶٫۵	۲٫۰۸	۳۵٫۰	۱٫۶۱
۷٫۰	۲٫۱۷	۱۰۰٫۰	۰٫۱۵
۸٫۰	۳٫۰۴		

بجهة ساختن کلر مایع بخار از او ادو آب مقطر کنند و اسباب کلرکشی را متصل کنند به ...
دو لوله و مقدار اسباب شیشه هر لوله را ۱۲۰ تا ۱۶۰ برابر وزن مغناسیا معمول
کنند و این آن شیشهها را از روشنائی محفوظ داشت مثل کاغذ سیاه در پشت آنها چسبانیده
از شده و در وسط اسباب آتش کنند و در تکیه دیگر جابه در آن ظرف ... انه از دهن دست
کشند باید در لوله شیشه اخری یک لوله باریک جور باید نصب کرد و ... لوله دو کش
بخار شود تا از استنشاق کلر آلوده باشد و در آن بخار قدری آهک شکفته ریزند آنگاه
لوله را متصل کنند شیشه دیگر که قدری شیر آهک داشته باشد کلر جذب آهک شود ...
... آلوده ... در روز شده و وسط اسباب را باید بکلی دقت ... ظرف کلر مایع
باید مدتی از کم ساخت در شیشهها ... تار و مواضع تاریک و سرد محافظت کنند زیراکه ...

از سبب تجزیه آب و تصعید کردن و تولید جوهر نمک میشود
در طب ملاحظه نموده اند استعمال کلر را و در ضمن حکایت ملاحظه و دلالت مخلوطها با هوای
زیاد برای تنفس در مسلولین (کنار صاحب) و بعد از آن ملاحظه نموده جزء مشروب
در حمای مطبقه و سرطان و در امراض کبد و مخملک scarlatina
و جهة رفع سمیت ... سیانیه زیک و ... لوکلسیه ... و در ضایع لکه ... میشود جهة
تغسیل و حقنه جراحات متعفنه استعمال آب کلر را مفید دیده اند و در رفع
سمیت جراحات تشریح و نشقاق و خراشها ... استعمال بخور آن ملکیات ... اصلاح
هوای خانه است و بهمنظور کیلین تن مرد guyton - morveau
اسبابی اختراع نموده و اسبابی که معمول به مریضخانهها است مطابق شکل مرکب است از یک
شیشه بلوریکه در او یک قسمت مغناسیا ... کوبیده
و چهار یا پنج مقابل جوهر نمک ریخته اند در
این شیشه مخروطی است و تمام شیشه واقع است
در یک اسباب چوبیکه در سر آن پیچی است و آن
پیچ واقعست در دهن در شیشه و در لوله ... که
در دو طرف جعبه چوبی هستند معبر کلر اند هر وقت که میخواهند جائی را بخور کلر دهند
پیچ را اندکی باز کنند کلر متصاعد شود و از دو سوراخ جعبه خارج گردد و پس از اتمام عمل
دوباره پیچ را محکم ببندند و در جائی نگاه دارند قدر شربت کلر مایع یک تا ده گرم است

مخلوط

مخلوط با آب نباید
غیر موافق است با ان سنگ جهنم و ژلاتین و ... سریشم
و نیز در اعمال شیمیائی و تجزیه جهة ... ساختن ... و کلسیه ... انها بکار
رود در صنایع مقدار زیادی مستعمل است جهة زوال لون پارچهها و ... کاغذ
و غیره ولا نادر است که کلر در این استعمالات صنعتی خالص بکار برده شود بلکه همیشه
مرکب با آهک و پتاس یا سود است که انها را کلرور رنگ برنده نامند کلر در کار
خانه کلورات ... پتاسیم و غیره استعمال میشود

لیمون کلر

کلر مایع	۱۵ تا ۲۰ قطره	آب	۲۵ مثقال
شربت کلر	۷ مثقال		

روغن کلر

کلر مایع	۱	روغن	۴

مطابق معمول مخلوط کنند این روغن را در جرب ... و لوداد ... استعمال کنند و باید در دوری
استعمال ساخت

بخور رافع عفونت

نمک طعام	۲٫۵	مغناسیا	۲
آب	۳	جوهر کوکو	۴

در کاسه کوچکی ریزند و در خاکستر گرم گذارند این بخور در امراض عفونیه که بسیار نافع است

باید مریض پیش از اطاق بخور خارج بشد

بخور کلر و ... بسیار نافع است در مختنقین از بخار هیدروژن سولفوره مشترک که در

چاه منجلاب خفه میشوند ولیا باید بیش از اندازه تنفس نکنند لهذا اگر باید تنفس کنند

بتفاوت سیال صاحب در جواب چنین است و استعمال را اجبار تا کنند و فرو برند

در سرکه و لب انان در وسط آن و استعمال بجار تا قدری کلر در او گذارند و کر

تاز دیگر کنند و نزدیک بینی مریض برند و گاه گاهی با صحت این استعمال انقطر

تصعید کلر بیشتر باشد بجهت اینکه دهن علامت تنفس در آن پیدا شده و بره ای

چیزی او اند که حرکتی کند و استعمال را دور کنند و دوباره نزدیک بینی او ببرند تا فاصله

ما با تا به آزادی تنفس ق هوا که به تنفس مریض گاهی سرکه و گاهی کلر و مسکنه و

فاصله چنانچه اینها باید انحو صحت معرفی است

در جیب کلریت hypochlorites یا کلورکه ها ele ... me

و قسمتی که عمده ... کار کلر را از محلول رقیق بتاس یا سود با شرائطی که نصف آن را

قلیا را تجزیه کند و اکسیژن از آب جذب نماید و باید تولید کند این اسم عبارت

از اسید جیب کلرو مرکب است از یک کیله یا معادله کلر و یک کیله یا یک معادله اکسیژن

در این عمل تمام قلیا که اکسیژن خود را از دست داد و مرکب شود با قدری کلر و تولید

کلرور نماید پس معلوم میشود که در تمامی معادله کلرور و معادله جیب کلریت موجود است

در اراده

و هر یک از این دو جسم مرکب از حقیقت محتوا کلر است و بنابراین مخلوط مذکور معروف به

به کلرور آهک ... میبرد نه که کلر مرکب شده است با آهک فقط

آهک جیب کلر   معروف است بجهت خون که در

۲ حرارت کوشی آید و در آب بسته حل شود از آهک ضعیف است چنانچه بسیاری

از آهک امرکب شود و آهک کلرنک از ترکیبات خود خارج کند و باطله عنصر ترکیب کننده

این آهک که کلر و اکسیژن است بسیار ... از جا و در آن خانه شوند و نحو این اسید بسیار

سریع الفعال است و غالبا بدون جیب ... هرگاه اکسیژن و کلر تجزیه شود ... جیب کلریت

و محلول ... را ... کنند تا ... کنند و باطله کلرور و باطله اکسیژن جیب

کلریت و باطله هر اسیدی ... که تجزیه شوند و در تجزیه جز کلر و ... اکسیژن

اسید جیب کلرو نمیتوانند ... در آن اسید مستعمل شود و کلر منتقل گردد و لا اکثر

از مقدار اللازم اسید مصرف باشند اسید جیب کلر یا که از تجزیه جیب کلریت حاصل شده است

محلول بدون فساد باقی میماند و قسمتیکه بخواهند اندازه قوه محلول کلر را محلول جیب کلریت

را بسنجند باید تعیین کرد که قوه اینها در سرکه کردن نیل چقدر است که اندازه است

این تجربت از بعضی دوا سازان تقریبا کافی است و لیکن قیمت را مستقیما

اند که این مقاله صحت تحقیق دارد زیرا که محلول نیل هیچ بالطبع فاسد پذیر است و

علاوه بر اینها مشکل است که دانست که در کدام لحظه عمل ازاله آن لون یا تمام رسیده است

گیلوسک صاحب ... که عمل نیل را بعمل اسید الفار که جذب اکسیژن میکند

و تعیین در کمال تحقیق مقدار قوه جیب کلریت را مشخص میکند گیلوسک واحد قوت

را عبارت دانست از اثر یک کیله کلر خشک در صفر درجه حرارت و فشار ۷۶ سانتیمتر فشار که محلول شده باشد در کیله ها و آب این واحد را تقسیم بصد قسمت متساوی

نمود و هر یک را درجه قرار داد پس هر یک از آن درجات یک صد یک کیله کلر را دارد

به طریق محلول از کلر سازند و در ظرف دیگر محلول از اسید الفار سازند تعیین که با حجم متساوی

آن در محلول کلر را بکلی از حالت ترکیب اول متغیر کنند و تعیین این تجزیه میشود که

آن با اسید الفار مرکب شود و اسید ژن با کلر ترکیب شده و تولید جوهر نمک کند که هیچ در

ازاله لون تاثیری ندارد و اسید الفار تبدیل به اسید ارسنیک شود که مقدار ارسنیک که ۹۴

وزن داشته باشد علاوه بر مقدار اکسیژن که ۳۰ وزن داشته باشد تولید یک معادله اسید

الفار میکند که ۱۲۴ وزن داشته باشد و کمعادله اسید الفار که ۱۲۴ است جذب دو

معادله اکسیژن از آب میکند تبدیل به اسید ارسنیک شود و بید روژن این آب که عبارت

از دو معادله باشد با دو معادله کلر که ۸۸ر۷۰ باشد تبدیل به اسید کلر ... میشود پس نسبت

ما بین اسید الفار و کلر که یکدیگر را خنثی میکنند مثل ۱۲۴ است به ۸۸ر۷۰ کنون فرض

کنیم یک لیتر آب یک لیتر ... کلر را حل کرده باشد وزن این کلر ۳۱۸ر۳ گرام خواهد بود در

ظرف دیگر در یک لیتر آب بقدری اسید الفار حل کنند که نسبت آن به ۳۱۸ر۳ مثل ۱۲۴

باشد به ۸۸ر۷۰ و آن عبارت میشود از ۴۱ر۴ این محلول اسید الفار در حجم متساوی

تمام کلر را زایل میکند و در حالتیکه اسید الفار در آن محلول است تبدیل به اسید ارسنیک

میشود پس معلوم میشود که اگر مقداری معین از این محلول اسید الفار بردارند و مخلوط کنند با

حجم مساوی آن از محلول کلر که قوت آن معلوم نیست میتوان تعیین مقدار کلر را بتحقیق

نمود مثلا اگر یک کیله محلول اسید الفار بجهت ازاله حالت کلر لازم باشد معلوم میشود که

محلول کلر یک کیله کلر حل کرده و اگر نیم کیله محلول اسید الفار لازم باشد معلوم میشود که یک کیله آب

نیم کیله کلر حل کرده و بالعکس اگر دو کیله لازم باشد معلوم میشود که در یک کیله آب دو کیله

کلر حل است و در جیب کلریت نیز معاینه محلول بخود کلر است زیرا که اسید جیب کلر

مرکب است از یک کلر و یک اکسیژن و لا قوه ازاله لون جیب کلریت مثل اینست

که دو معادله کلر مرکب شده داشته باشد همین است که طرز اثر تغییر کرده

بجهت ساختن محلول اسید الفار که مقیاس کلر است نسخه چنین است اسید الفار خالص

۹۴ر۴ گرام جوهر نمک خالص ۳۲ گرام آب مقطر کافی اسید الفار را اصلاح کنند

و خشک نموده بکشند و در قرعه با جوهر نمک بریزند و نصف کیله جوهر نمک در او

آب افزایند و در حرارت آتش ملایم اسید الفار را حل کنند و پس از انحلال بقدر آب

مقطر بر آن افزایند که تمام کیله آن آب مقطر یک لیتر شود این محلول با تحقیق

بحجم مساوی محلول کلری را که یک لیتر از آن بکار حل کرده باشد بیرنگ میکند لکن از

امتزاج این دو محلول تمام اسید الفار تبدیل به اسید ارسنیک میشود و تمام کلر تبدیل

بجوهر نمک میشود و شروح مفصله و لوحه ها مربوطه درباره سنجیدن مقدار کلر در

فصل مخصوص بشیمی که معروف است به کلرومتری ذکر شده

هیپ کلریت دو شو   *hypochlorite de chaux*

این جسم را کلرور دو شو و کلریت دو شو نیز [illegible] دو قسم هیپ کلریت دو شو موجود
است یکی از آنها معمول است و فرمول آن $CaCl + CaO, ClO$
می‌باشد اگر کلر را از آب گیرند جز کلرور دو کلسیوم چیزی باقی نماند هیپ کلریت دیگر [illegible]
کیمیادانان نیز دارند و از هیپ کلریت خشک و از هیپ کلریت [illegible] نامند
وقتیکه آن را با آب کنند نصف آهک جدا شود و کلرور دو [illegible]
محلول گردد

اما هیپ کلریت خشک

مخلوطی است از کلرور دو کلسیوم و هیپ کلریت دو شو که آن را از رسانیدن بخار کلر
در روی آهک آب دیده بسیار نرم بدست می‌آورند تا وقتیکه آهک دیگر جذب کلر
نکند مقدار این دو جزء را نمیتوان بتحقیق معین کرد زیرا که در حین گرفتن کلر
مغناسیا که استعمال میکنند از حیثیت قوه بسیار مختلف اند و چون سنگ طبیعی
و چیز مصنوعی اند از حیثیت ترکیب نیز اختلاف کلی دارند [illegible] هیپ کلریتی
که ساخته شده است امتحان کرد اگر چنانچه یافتند که جذب کلرش کما ینبغی
نیست تکرار عمل کنند آنچه غالبا معمول است این است مغناسیا یکجزء جوهر نمک
سه جزء آهک آب دیده [illegible] را مطابق معمول در انبیق [illegible] که
[illegible] از ظرف [illegible]

ریگ [illegible]

سیکه [illegible] از جوهر نمک [illegible] آهک باید بقدر کفایت آب دیده باشد
زیرا که در حرارت متعارفی آهک خشک از کلر متغیر نمیشود باید مطابق معمول اگر
شکفته کنند و از آنکه وزن آن به نسبت [illegible] بچهار زیاد شده است
باید بقدر آب [illegible] که این نسبت متحقق شود پس از آن [illegible]
[illegible] مطمئن شوند که بخوبی [illegible] شده است و از آنکه [illegible]
نازک در طبقات طاقچه [illegible] مخصوص [illegible] این حجره
کوچک [illegible] در آن چوبی است و [illegible] شده است از
یک ورقه سرب [illegible] در [illegible] از احکم البته [illegible]
[illegible] بهتر است که کلر [illegible]
وارد نشود زیرا که اگر درجه حرارت مرتفع شود مقداری از هیپ کلریت
[illegible] به کلرور و کلرات [illegible] است که اگر [illegible] در این
کار [illegible] زیاد [illegible] چندین روز [illegible]
[illegible] وقتی که تمام کار [illegible] که دیگر [illegible]
[illegible] تمام است [illegible] قناعت کنند [illegible]
[illegible] مغناسیا [illegible] ساخته امتحان کنند

هیپ کلریت دو شو مایع

جهت ساختن این هیپ کلریت در قاعده متداول است قاعده اول

مغناسیا	۱	جوهر نمک	۴
آهک شکفته	۱	آب	۵۰

آهک را در آب [illegible] کنند و کار کلر را بآن [illegible]
تا آهک در حالت [illegible] باقی ماند در آب [illegible] آنچه حاصل شود باید ۲۰۰
[illegible] اگر [illegible] باید قدری آب افزود که به این درجه [illegible]

هیپ کلریت	۹۰	آب	۱	۴۵

[illegible] از این آب هیپ کلریت [illegible] کنند [illegible] این نیز ۲۰۰
[illegible] در صورتیکه قوت هیپ کلریت خشک از ۹۰ و بیشتر [illegible] آب
[illegible] نسبت [illegible] هیپ کلریت دو شو معمول است در [illegible]
در صورت باید [illegible] معین کنند که درجه [illegible] از ۲۰
تا ۱۲۰ است این [illegible] که در [illegible] کلرور دو کلسیوم [illegible]
[illegible] که کلرور دو شو [illegible] انتقال کنند در صورت [illegible]
[illegible] در ظرف [illegible] که بخواهند [illegible]
[illegible] آن محلول [illegible]
[illegible] زیرا که [illegible]
[illegible] آهک [illegible]

هیپ کلریت دو شو وقت [illegible] تجزیه اجزاء [illegible]

[illegible]

آن [illegible] که [illegible]
آن هیپ کلریت دو شو [illegible] است و همچنین اگر آن را مخلوط کنند [illegible]
این مخلوط را در شیشه [illegible] *detonation*
(صوت عظیمی که همراه برق [illegible]) که اگر کلرور دو شو [illegible]
[illegible] تمام شود و این حالت [illegible]
روغن [illegible]

کلرور دو شو خشک	۳	[illegible]	۲
روغن [illegible]	۶	[illegible]	۱۶

مطابق معمول مخلوط کنند

هیپ کلریت دو سود   *hypochlorite de soude*

این را معروف است بکلریت دو سود و کلرور دو سود و آب   *liqueur*
de labarraque [illegible] معمول است مرکب است از
یک [illegible] هیپ کلر [illegible]
[illegible] امتحان قوت کلر [illegible] هیپ کلریت دو شو است
[illegible] در ظروف [illegible] از مجاورت
هوا محفوظ باشد

جهت ساختن آن هیپ کلریت دو شو را با [illegible] تجزیه کنند [illegible] کربنات دو شو

شود که غیر محلول در آب میباشد و هیپو کلرت دو پتاس محلول میگردد در همیشه قدری
بیش از اندازه نمک قلیائی میگذارند تا مطمئن شوند که تمام الکل را آب شده
و علاوه بر این زیادتی قلیا موجب دوام دوا است مقدار امتزاج اجزاء دوا
از این قرار است هیپو کلرت دو پتاس ۹۰ درجه یک نمک قلیائی منعقد در آب
۴۵ هیپو کلرت دو پتاس را در ۲۰ جزو آب ممزوج کنند و چنانکه
بجوشانند اجزاء آن متلاشی شده که از بعد ساعت با ذه صاف انرا خارج کنند و اگر
بخواهند صاف کنند نخ از کاغذ صافی بگذرانند و نقلیکه در ظرف ته نشین شده است
در همان کاغذ ریزند و بعد فوت ده جزو آب انرا بشویند و در ظرف دیگر به احتیاط
حرارت نمک قلیا را در ۱۵ جزو آب حل نمایند و بعد از سرد شدن محلول انرا با
محلول هیپ کلرت مذکور ممزوج کنند فورا رسوب وافر از کربنات دو پتاس را حل نمایند
هیپ کلرت دو پتاس محلول میشود که از رسوب ته نشین شود صاف انرا خارج
نمایند ازان غلیظ بگذرانند در صورتیکه هیپ کلرت دو پتاس قوتش از ۹۰
کمتر باشد باید بر مقدار آن افزود لابار اکه صاحب که مخترع این دوا بود
برین قاعده میساخت

مغناسیا	۲	جوهر نمک	۸
نمک قلیائی منعقد	۱۵	آب	۶۰

نمک قلیا را در آب حل کنند و محلول را صاف کنند و بخار کلر را داخل آن نمایند

این هیپ کلرت دو پتاس که بطریق ساخته شد همیشه دارای بوی کربنات دو پتاس میشود و کردن
قاعده اول الکل ترجیح دارد بر این قاعده زیرا که این است شرط کلی در ساختن هیپ
کلرت‌ها اینست که هرگز از درجه اشباع تجاوز نکنند زیرا که زیادتی کلر کربن کسیه را
خارج کند و تولید کلرور نمایند لهذا هیپ کلر خارج شود و چون تنها نه کلرت کسیه که
تجزیه شده است ان مرکب شود و تولید کلرات نمایند لهذا اینها از درجه قوه
دوا کاسته شود هیپ کلرت دو پتاس ترجیح دارد بر هیپ کلرت دو سود در بستن قروحات
زیرا که ملایم‌تر است و اجزاء مجاور زخم را ضرر نمیرساند در درجه قوت محلول
بسته به تشخیص طبیب است انرا در بستن قروحات ردیه بکار برند و نیز گاه از طرف
انرا در سوختگی بواسطه تجربه استعمال کنند فایده کلی دیده است بهترین طریق
که عضو محترق را با لته کوچک که قدری روغن در روی آن کشیده بپوشانند
و در روی آن قدری پنبه که آن گذارند که لته بر سر شیئ روان شود هر روز سه دفعه
نوبت آن پنبه‌ها را از محلول هیپ کلرت دو سود که به درجه دار شده تر کنند

در ادویه برمی

le brôme برم

برم جسم مفردی است که در سنه ۱۸۲۶ بواسطه مسیو بالار balard
فرانسوی کشف شد بسیار شباهت دارد بکلر و ید و از جنس خواص شیمیائی قوت
کلرش از برم و ید است تقسیم که انها را از ترکیبات خود خارج میکند و همان قسمت

است بر نسبت به ید
برم مایعی است قرمز سیاه رنگ در صورتیکه مقدار آن معتنا به باشد و قرمز
لعلی است در صورتیکه پرده نازک از آن حایل میان چشم و نور شود بوی آن
تند و نامطبوع است و شباهت کلی به بوی کلر دارد و طعم آن در نهایت
تند است جلد را زرد رنگ کند ولی بزودی محو شود آن از زایل شود
که در صورتیکه حرارت متعادل باشد وزن مخصوص آن ۲/۹۶۶ است
است در ۲۰ - جامد شود در هوا همیشه بخارات نارنجی رنگ از آن
منتشر شود و از این بابت است که هر وقت این مایع را از ظرفی بظرفی
میکنند مقدار زیادی از آن تلف شود در ۴۷ حرارت بجوش آید در آب
بسیار کم محلول است
جهت ساختن آن پس از خارج کردن ید از آبهای شور در کانهای ید راجع
کرده آنها را با جوهر گوگرد و مغناسیا تقطیر کنند برمور منیزی که در آب داده
است تجزیه شود و برم آن بواسطه عملیکه در ساختن کلر ذکر کردم جدا شود
برم و ترکیبات آن اثر طرف شان نیست و نیز ترکیبات آن است در امراض
خنازیری استعمال مفید است یکی از اطباء در دردهای مولکه که گزیده برم و
چند جزو از مقطر داشت مقدار شش تا نه قطره در درد استعمال نمود
در فرمول مقدار برم را چهار برابر کرد و لیکن بعد حطه طبیب دیگر برم را در دامنه

بدمت آورد و آلات حاسه را ضعیف کند همچنین در آلات تناسلی
باصره و ... ضعف آورد

le bromure de potassium برمور دو پتاسیم

برمور دو پتاسیم منعقد شود بشکل بلورات مکعب مستقیم الزوایا بشکل مکعب طعم آن تند
است آب انعقاد ندارد در آب بسیار محلول است و در الکل اندک
جهت ساختن آن برم را مجاور پتاس محرق کنند بطریق که پتاس را تقریبا در ۵ ۱
بار وزن خود آب حل کنند و در ظرف باریک ریزند بواسطه قیفی که لوله از آن باریک
باریک که لوله با پنبه برم را داخل طبقات تحتانی محلول کنند و اندک اندک بهمزنند تا آنکه
مایع ممزوج شود وقتی که رنگ مایع بواسطه زیادی برم اندک مایل بصفرت شد انرا
تبخیر نمایند تا درجه یبوست و آنچه میمانده به حرارت قرمز کم کنند و دوباره در
آب حل کنند انرا قبلاً کنند در حین ساختن برمور دو پتاس محرق هم تولید
برمور میشود هم تولید برمات از این بابت است که بحرارت قرمز کم میکنند
تا برمات نیز تبدیل به برمور شود
برمور دو پتاسیم را محلول در آب هم در داخل بدن هم در خارج استعمال کنند و لیکن اغلب
عجب آن بر روغن آن معمول است در جمیع نسخی که ید در ید دو پتاسیم جزو است برمور
دو پتاسیم میتواند قائم مقام آن شود و همچنین مستعمل است در جمیع امراض عصبانی
و تشنج اختناق رحم و امراض دماغی مانند صرع و غیره مقدار شربت آن از ۲ گرم الی

médicaments iodiques

کمیت قالب است در مدت روز

روغن برورو پتاسیم

برورو پتاسیم	۱	مرهم ساده	۸

مطابق معمول مخلوط کنند

روغن بروره

برمورو پتاسیم	۴ گرم	برای	۱۸ قطره
مرهم ساده	۹۶ گرم		

مطابق معمول مخلوط کنند

ید iode

ید جسم متبلوری است که اسم آن [illegible] است با رنگ خاکستری تیره مایل به بنفش براق
آن جسمی است [illegible] و غالباً بشکل ورقه‌های نازک [illegible] بشکل [illegible] در منقبضه
[illegible] صاحب [illegible] بشکل [illegible] تند است شفاف [illegible]
مخصوص قریب [illegible] بوی [illegible] مطبوع است [illegible]
بخار شده [illegible] در ۱۰۷ ذوب شود و در ۱۷۵ بخار گردد چنانکه
در کره [illegible] بخار آن بنفش [illegible] خوشرنگ است در آب بسیار کم حل شود [illegible]
بمجاورت آن [illegible] در الکل و اتر [illegible] معادله آن ۱۵۸
است از حیثیت خواص [illegible] شباهت تامی با کلرو برم دارد و در خاصیت [illegible]

بغیر

منفیه بود از آن [illegible] است که جمیع ترکیبات ید با الکتریک
منفیه آنها است و بواسطه کلرو برم تجزیه شوند و همچنین جمیع ترکیبات آنها که کلرو برم
با ید الکتریک موجبه‌اند [illegible] و بواسطه ید تجزیه شوند ید عمده از [illegible] در کارخانه‌جات
ساخته میشود و [illegible] محتاج ساختن آن نیست ولی چون گاهی مغشوش میکنند
با [illegible] در الکل حل کنند و قدری [illegible] تصفیه نمایند [illegible]
در [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] بسیار [illegible] است [illegible] در گواتر goitre [illegible]
[illegible]
و نیز [illegible] است [illegible]
[illegible] آن [illegible] تنطور الکل [illegible]
و قدر شربت آن از یک الی پنج [illegible] است و عمده از چند گرم است
[illegible] آن [illegible]
[illegible]

electro-positif
electro-negatif

تنطور ید

ید	۱	الکل مصفی ۹۰	۱۲

بحرارت [illegible] حل کنند [illegible] صاف نمایند [illegible] این تنطور را [illegible]
زیرا که [illegible] از الکل [illegible]

و در این [illegible] اثری ندارد [illegible] رنگ [illegible] آید

حقنه یدوره ولپو injection iodée (velpeau)

که در قیله [illegible] ریزند

تنطور ید	۱۰۰ گرم	آب	۲۰۰ گرم

صاف کنند در ضرورت مقدار [illegible] از [illegible] بشود [illegible] تجربه [illegible] از اطبای
[illegible] ۱/۱۲۶ [illegible]

روغن ید

ید	۱	روغن ساده	۱۶

مطابق معمول خوب مخلوط نمایند و در ظروف [illegible] سربسته محکم ضبط نمایند زیرا که
ید [illegible] بخار شود و رنگ روغن [illegible] شود

تجویز ید

یکی از اطبای معروف [illegible] بکار برده [illegible] از یک الی چهار مثقال
[illegible] کیسه کوچک ریزند و در وسط [illegible] پنبه نازک قرار دهند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

الکی

دقیقه طبیب ناچار [illegible] است به [illegible] طبیب [illegible] در حین ضرورت ساخت [illegible]
ید در روغن [illegible]
[illegible] از منقولات است

ید	۵	روغن بادام شیرین	۱۰۰۰

[illegible] روغن [illegible] کنند و [illegible] روغن مخلوط نمایند و مخلوط را در ظرف
[illegible] کنند [illegible] صاف کنند [illegible]
[illegible] روغن [illegible]
[illegible]
[illegible] روغن جگر [illegible]
[illegible] روغن [illegible] روغن جگر [illegible]
[illegible] فسفر [illegible]

ید	۵۰	فسفر	۱

روغن بادام شیرین ۱۰۰۰۰۰

[illegible] روغن [illegible] کنند [illegible] روغن [illegible] فسفر را حل کنند [illegible]
روغن را [illegible] روغن [illegible] نمایند [illegible] روغن [illegible]
روغن [illegible] روغن [illegible] معمول است

یدورو دامیدون iodure d'amidon

سابقاً مذکور داشتیم که یدور مرکب می‌شود با نشاسته و رنگ آزاد می‌کند هر قدر مخلوط
نشاسته کمتر باشد میل این رنگ به بنفش بیشتر می‌شود طبابت حال اتفاق افتاده که جسم محصول
از این ترکیب را در دوا استعمال کنند نشاسته دانه دانه را که با محلول الکلی ید
مجاور نمایند رنگ آبی پیدا کنند و آن رنگ نفوذ کند در دانه نشاسته و مقدار
نشاسته که سیاه شود [illegible] سابقاً این یدور را استعمال می‌کردند یکی از اطبای معروف
یدور دامیدن محلول استعمال کرده و [illegible] ملاحظه کرده که هر قدر اجزاء
نشاسته را کمتر باشند سرعت اثرش بیشتر است لوبرال صاحب به تجربه رسانید
که اگر بجای نشاسته متعارفی نشاسته تیزابی استعمال کنند یدور دامیدن سریع
الاثرتر می‌شود و نشاسته تیزابی را چنین سازند که هزار جزء نشاسته را با
۳۰۰ جزء آب یکی با دو جزء جوهر گوگرد ترش شده مخلوط کنند و بدون احتیاج
حرارت گذارند در هوا خشک شود در صورت ساختن یدور دامیدن
سهل‌تر و سریع‌تر شود

نسخه

نشاسته تیزابی	۹	آب	۲
ید	۱		

نشاسته را با آب تر کنند و در هاون چینی کم کم با ید صحیه کنند مخلوط را
در قرع ریزند و در آب جوش نگاه دارند تا وقتیکه یدور بکلی قابل انحلال

در آب شود و از بلور بخیه یک عدد با یک عدد و نیم کافی است در صورتی که
دامیدن غبار سیاهی می‌شود بسیار زیاد که در آب حل می‌شود و رنگ آبی قشنگ پیدا کند این
یدور مخلوطی است از یدور دامیدن و یدور دکسترین مقدار این یدور تا بسیار مختلف
است

شربت یدور دامیدن

کویه	۴٫۵ گرم	کوئن نشاسته تیزابی	۳۰ گرم
آب	۵۲۰ گرم	قند	۱۰۴۰ گرم

نشاسته را در هاون چینی ریزند و در لوله شیشه‌ای لبه‌دار ریخته قدری از آب
افزایند و بهم زنند و صاف [illegible] در [illegible] نشاسته حل کنند [illegible] در این لوله
آب افزایند و کرار عمل کنند تا تمام یدور که محلول در آب شود و ممزوج نشاسته
گردد وقتی که بیشتر آب [illegible] رسیده یدور دامیدن را با آب در شیشه در داری
ریزند که وزن آن را [illegible] ته شده و در حال سرد گذارند اول در شیشه را
برداشته تا تمام از خارج شود بعد از آن در را بگذارند و گلوی شیشه را با ریسمان بسته
و ریسمان را محکم نگاه دارند تا شیشه به واسطه بخار آب توانند صعود و نزول کند
گاه گاهی بهم زنند بعد از یک ساعت یدور دامیدن کاملاً محلول است [illegible]
را بگیرند و آن مقدار آبی که بخار شده اضافه کنند و قند را در این محلول حل نموده
شربت می‌سازند یک جزء این شربت را اگر در ۲۵۰۰ جزء آب حل کنند

بازرنگ بنفش نمایان است هزار جزء از این شربت تقریباً ۲٫۵ یدور دارد که
قدری از آن بکار است اسید یدیدریک است محال است که منع تولید این اسید کرد و با این همه
قسمی عمل کرد که در ساختن این شربت قدری از ید تفریط شود طعم این شربت
بسیار تند است و کره مریض است

اسید یدیک acide iodique IO^5

ترکیبات ید و اکسیژن هنوز کاملاً مشخص نشده‌اند بعضی از شیمیست‌ها اسیدی از ید
قائل شده‌اند و اسید یدیدر نیز گفته‌اند و ما جزء [illegible] چیزی نظر نداریم آنچه محقق
است اسید یدیک و اسید هیپریودیک acide hyperiodique
(یده ۷) که در یک معادله ید ۵ و ۷ معادله اکسیژن دارند اسید یدیک در طب معمول نیست
و لیکن [illegible] معمول اند ناچار باید ذکر از آن شود اسید یدیک منعقد کننده البومین
[illegible] است [illegible] منعقد [illegible] بسیار رنگ
وزن مخصوص آن از جوهر گوگرد بیشتر است به واسطه حرارت به اکسیژن و ید تجزیه شود بسیار
محلول است در آب [illegible] جاذب رطوبت هوا است در الکل نیز حل شود تقریباً
تمام فلزات را [illegible] طلا را با اسیدها مرکب شود و املاح [illegible] که نسبت اکسیژن
اسید [illegible] به اکسیژن اسید به ۵ اول [illegible] یدات [illegible] ساخت
و اغلب [illegible] یدات بواسطه جوهر گوگرد [illegible] را از اسید یدیک
جدا نمود [illegible]

ید	۱۰۰	کلرات دو پتاس	۱۰۰
آب	۴۰۰		

تمام اجزاء را در قرع ریزند و کم کم به هر لوله اضافه کنند و حرارت ملایم کنند
تا وقتی که دیگر کلر متصاعد نشود وقتی که این عمل تمام شد ۹۰ جزء کلر و در هر بار جزء جوهر
آن کنند تولید یدات [illegible] شود که با چند [illegible] تعیین خالص کنند [illegible]
ذره قائم مقام قدری اسید کلریک شود و این اسید یدات [illegible] اسید یدیک [illegible] و این
اسید یدیک قائم مقام اند که از اسید کلریک کلرات شود و تولید اسید یدیک [illegible]
و همچنین تا تمام کلرات تجزیه شود و کلر متصاعد گردد یدات [illegible]
[illegible] جمع کنند و در [illegible] قسمت این رسوب که [illegible] قسمت جوهر
گوگرد که در ده [illegible] قسمت آب ممزوج کرده باشند بریزند و تا نیم ساعت بجوشانند
و بواسطه [illegible] صاف [illegible] یدات را از مایع جدا کنند [illegible]
محلول است از اسید یدیک [illegible] تغلیظ شربت قوام آورند و در گرمخانه گذارند در
گرمخانه پس از چند روز کریستال‌های [illegible] آبدار [illegible] نیز [illegible] تغلیظ در گرمخانه
کریستال تازه دهند

یدورهای فلزی

یدها غالب فلزات مرکب شده است و ظن غالب آنست که با تمام آنها توانند مرکب
شده یدورها از حیثیت ترکیب مطابق اند با اسیدهای فلزی تقسیم که هر یک از معادلات

اکسیژن کمتری قائم مقام میشوند بهمان معادله صنعت محرزه یدورها از اختراعات کرد
جوهر نوره یدرا از انها جدا کنند و اگر مقدار انها کم باشد انها مطلوب نشسته ممزوج
مخلوط کنند بمحض اینکه به کالت ازاد در رسید اکثر مخلوط ابا شود و اگر یدورها جامد باشند
انهارا با کربونات دو پتاس کرم کنند بخار رسید کربون و یدید تصعید شود یدورها از
حیثیت خواص طبیعت آن معادن یدین است و از طرز استعمال آن بسهولت از
آن جمع

یدور دو پتاسیوم *K i iodure de potassium*

یدور پتاسیوم به جسم وجود آید اول یدور دو پتاسیوم نه KI دوم بی یدور دو پتاسیوم نه KI
سیم تری یدور دو پتاسیوم نه KI این دو جسم اخیر از فرط یدور یدور متعارف وجود
آیند یدور متعارف جسمی است جامد و لغیه که بشکل مکعب منعقده گردد در وزن آب منحل
طعم آن تند است جاذب الرطوبه است لهذا البته در آب محلول است چنانکه صد جزء آب
در ۱۸ درجه حرارت ۱۴۳ جزء یدور دو پتاسیوم را حل کند در الکل نیز محلول است
و اتقریباً برابر وزن آن از الکل لازم است
بجهة ساختن آن مخلوط از پتاس محرق با زنه که سی درجه میزان الغلظه نشان دهد
و بتدریج یددران ریخته بهم زنند تا وقتیکه بواسطه زیادتی ید محلول رنگین شود و بعد
تبخیر کنند و در اواخر تبخیر قدری زغال مسحوق بران بیفزایند و تبخیر را تا درجه
یبوست رسانند و در دیگ آهنی بحرارت قرمز کم کنند و در ... اثر محرق

بجل

ودیگر کوبش را و بعد ذوب شود و پارچه مذاب را در روی تخته مرمر ریزند و بعد
قطعه قطعه نموده در چهار یا پنج برابر وزن آن آب حل کنند و صاف نموده در کاسه
چینی که کاپسول capsule نامند قرار آورند براین طریق که آن کاسه را
در روی حمام شن گذارند و هر قدر که از آب آن بخار میشود بکار آن محلول رقیق خارج گردد
و وقتیکه این محلول کامل غلظت را بهم رساند آن کاسه در روی حمام شن سرد شود
و بعد از سرد شدن دانهای منعقده مکعب قشنگ یدور دو پتاسیوم منعقده شود و ابهای باقی که
بواسطه صحن و حقه اگر لیسیه باشد تازه دهد و ما صحن و حقه اخرها به تصفیه شود از انکه
قدری رنگین است و در احیای سابق الذکر عمل کنند در پتاس و از اتیه یدیت یدور
دو پتاسیوم و یدات دو پتاس نام واقع در شش معادله ید و شش معادله پتاس است
که پنج معادله یدور دو پتاسیوم بوجود آورد و یک معادله یدات دو پتاس بین قرار ول

$$6I + 6KO = 5KI + IO^5, KO$$

و تا به تکلیس این ترکیب با زغال آنست که یدات دو پتاس را تبدیل به یدور دو پتاسیوم
نماید و زغال با اکسیژن اسید یدیک ترکیب کند و معمول بعضی دواسازان آنست
که قدری بیشتر از اندازه پتاس محرق استعمال میکنند زیرا که یدور دو پتاسیوم زودتر
و آسانتر منعقده میشود و یک نوع کثافتی پیدا میکند که در تجارت مطلوب خلائق است
و یکی از جهات زدن ملتفت شد که پتاس معمولی در ساختن این دوا به عمارت از نمک
است زیرا که یدور دو پتاسیوم که بوجود می آید کم کم با مجاورت هوا تجزیه شود به ید و کربونات

و بعد خاصه در حین تکلیس و آنچه از جوادات رازان قاعده مخصوص در ساختن یدور
دو پتاسیوم بکار برده اند که معمول بود بر قاعده سابق ترجیح میدادند و علت که بر
این قاعده داشتند آن این بود که بواسطه امتزاج با آهن بکلی یدور دو پتاسیوم تصفیه
بوجود آید و قدری از ید تلف میشد بجهة اینکه احتیاج بدوباره و طرز عمل چنین است

ید	۳۲	براده آهن	۱۰
کربنات دو پتاس خالص	۲۶		

در ابتدا صد و ده جزء آب ریزند و با هم مخلوط کنند آهن ید و آهن را که با آن آب اجزاء انها
علی الاتصال بهم زنند تا این مخلوط تقریباً بی رنگ شود و بعد از آن اندکی کنند تا
آهن که دو وقتیکه معادن زنند تا چار ید و بر این آهن اکسیژن کم زیرا که محلول
است مواد یکه در حین ترکیب ید و آهن احداث میشود موجب تبخیر قدری
مرکب شده شود و رنگ این مخلوط در اول سبز تیره است زیرا که تولید یدور
دو فر یدوره شده است و بعد از آن این رنگ زایل میشود زیرا که تتمه آهن باقی
ید را جذب کرده است و وقتی که عمل تمام است که مایع بکلی بی رنگ شود و یا اگر
رنگ سبز کم رنگ باقی بماند و مایع یدور که از اهن است بیرون اکنند و در صورت اینکه
صاف کنند و زیادتی آهن که باقی مانده بشویند و آب غساله را ضمیمه مایع مصفی
کنند محلول یدور دو فر خواهند داشت و در این محلول قدری بیشتر از اندازه کربنات
دو پتاس ریزند تا وقتیکه دیگر در دیگ ... شود و تولید یدور دو پتاسیوم شود که در

بجز

محلول باقیمانده کربنات دو فر راسب شود و یک ربع ساعت این مخلوط را بجوش نه
تا قوه انفصالیه کربنات دو فر بیشتر شود و جدا کردن آن آسانتر گردد و بگذارند
قدری باقی بماند کربنات دو فر تجزیه شود و از آب جوش مکرر بشویند و ابهای
غساله و مایع مصفی را جمع نموده در دیگ چدنی تا درجه یبوست تبخیر کنند حاصل
تبخیر یدور دو پتاسیم است ممزوج با اندکی آهن و بعد از آن در چهار برابر وزن
خود آب حل کرده صاف کنند و مطابق آنچه در قاعده اول ذکر شد عمل انعقاد
را بانجام رسانند و بعضی بجای آهن روی استعمال میکنند

آب میخز یدوره *eau gazeuse iodurée*

یدور دو پتاسیم	نخود ۸	آب میخز	مثقال ۲۰۰

اول در اندکی آب یدور دو پتاسیم را حل کنند و در قعر بطری ریزند و با آب میخز مطابق
معمول بطری را پر کنند و یا انکه شیشه آب میخز را باز کنند و فوراً یدور دو پتاسیم
را دران انداخته و دهان بطری را محکم ببندند

آب معدنی مصنوعی یدوره

ید	نخود ۱	یدور دو پتاسیم	نخود ۲
آب مقطر	مثقال ۲۰۰		

مطابق معمول حل کنند

شربت یدور دو پتاسیم *sirop d'iodure de potassium*

یدور دو پتاسیم	۳۰	آب	۳۰
شیره قند	۹۳۰	شربت پوست نارنج	۳۰۰

یدور دو پتاسیم را در آب حل کنند و با شربتها مخلوط نمایند و هر دو مثقال این شربت
۵ نخود یدور دو پتاسیم دارد

روغن یدور دو پتاسیم — pommade d'iodure de potasse

یدور دو پتاسیم	۱	آب	۱
روغن ساده	۷		

یدور دو پتاسیم را در آب حل کنند و با روغن ممزوج نمایند باید روغن تازه باشد
والا روغن رنگین شود زیرا که روغن کهنه حموضت پیدا کند و باکه حموضت آن
سبب تجزیه یدور دو پتاسیم شود و ید خالص آزاد ماند و روغن را رنگین کند بعضی
از دواسازان بجهت منع رنگین شدن روغن یدور قدری جوهر [illegible] هم اضافه نمایند
زیرا که آن جوهر مانع آزاد شدن روغن میشود

بلسان یدور دو پتاسیم — baume ioduré

یدور دو پتاسیم	۲	الکل ۹۵ درجه	۸

در ظرف دیگر محلولی از صابون حیوانی ۳ الکل ۹۵ درجه ساخته با حرارت ملایم حل
کنند و این محلول را در حالت گرمی با محلول سابق ممزوج نمایند و با چند قطره از یکی
از عطریات معطر کنند و در شیشه های کوچک دهن گشاد تقسیم نمایند که زود ببندد

وجود آید که غرغره با مخلوطی از این شکل معروف است به غرغره خناق

محلول یدور دو ید

ید	۱	یدور دو پتاسیم	۸
آب	۱۲		

مطابق معمول مخلوط کنند باید این محلول را در شیشه های دردار حفظ کنند از انجهت که بخار
قروحات گوشت و تحریک بخار غیر طبیعی ببار برند و همچنین در ضماد ایکه به اللهم داخل
ممزوج کنند ولیکن باید وقتیکه ضماد قوه رنگ است سرد باشد از این محلول اضافه کنند

ید محرق

ید	۱	یدور دو پتاسیم	۱
آب مقطر	۲		

مطابق معمول حل کنند این محلول را در صورتیکه محلول محرق از اثر خفته بکار برند
خاصه در صورتیکه جمیع اطراف قرحه سخت شده باشد

حمام یدور

ید	۴۰ نخود	یدور دو پتاسیم	۳/۵ مثقال
آب	۱۲۵ مثقال		

مطابق معمول محلول کنند این مقادیر متعارفی است ولیکن بنا بر نسخه طبیب و حالت
مریض میتوانند کم و زیاد کرده این استعمال باید در ظروف چوبی بشود زیرا که ید تمام فلزات

رامبورد

قطره یدوره

ید	از ۱ تا ۲ گرم	یدور دو پتاسیم	۸ نخود
گلاب	۴ مثقال		

مطابق معمول محلول کنند و در رمد های خنازیری استعمال کنند

روغن متعارفی ید

ید	۱	یدور دو پتاسیم	۳
روغن ساده	۲۴		

مطابق معمول مخلوط کنند و این روغن را غالبا در جلد طلا کنند بجای آنکه ید
جزو بدن شود یدور دو [illegible] و یدور دو [illegible] نیز گاهی استعمال شده ولیکن معمول
به اطبا نیست یدور دو فر در فصل آهن ذکر خواهد شد

یدور دو پلمب	ید سرب

یدور دو پلمب جسمی است جامد زرد لیموئی که بگرمای ۲۳۵ درجه جزو آب برود
محلول میتواند تا ۱۲۳۵ جزو آب جوش بیشتر حل نشود و پس از سرد شدن آب جوش
با شفافیت بسیار در دهد و پس از خشک شدن از شفافیت آن بکاهد و در مقابل
در هوا باز تیره رنگ شود

جهت ساختن آن بگیرند یدور دو پتاسیم ۳۰ نیترات سرب خشک ۱۵

مطابق آنچه در فصل یدور دو پتاسیم ذکر کردیم اول یدور دو فر بسازند و در ظرف دیگر محلولی
از نیترات سرب بسازند و کم کم محلول یدور دو فر را در محلول نیترات سرب ریزند تقسیم که در ابتدا قدری
مقدار یدور پیش افتاده از همان در وقت که حاصل میشود با آب ترش از جوهر سرکه بشویند تا اکر
مقدار قلیل از آهن مانده باشد خارج شود پس از آن با آب خالص مکرر بشویند و در جای
روشنائی نه تاریک بخشکانند

روغن یدور دو پلمب

یدور دو پلمب	از ۱۲ تا ۲۴	روغن ساده	۱۰۰		

مطابق معمول مخلوط کنند

یدور دو سولفر	ید گوگرد

معلوم شده که از ترکیب این دو شبه فلز چندین جسم میتواند بوجود آید ولیکن آنچه معمول
به اطبا است جسمی است که تقریبا مرکب است از یکمعادله ید و دو معادله گوگرد و رنگ
تیره رنگ که الیاف آن منبعث مانند است

جهت ساختن آن ید و گوگرد را بعد واسطه مرکب کنند اینعمل در نهایت شدت جاری
شود بلکه بعضی اوقات که در مقدار معتنابهی عمل میکنند خطر نیز دارد

طرز عمل چنین است در ماون مرمری چهار جزو ید و یکجزو گوگرد را صلابه کنند و غبار
محلول را در قرع شیشه ریزند و آن قرع را در جای بنحوه پاشنی قرار دهند و در
کوره ملاویش دار وضع کنند و با چند حبه زغال کوچک حرارت ملایمی بقرع دهند

کم کم قطران مخلوط تر شود و از قطران تر که کم کم بسطح رسد و این قیچه جدا نمایند

این مرهم است قدری به درجه حرارت بگذارند تا ذوب بشود اگر بخار حرارت هوا

یکدفعه حرارت دهند یکنوع طوفان شود که احتراز از آن قطعاً مقدار مقتضاء

بهتر از ماله است

روغن یدور دو سولفر

یدور دو سولفر	۴ تا ۶ مثقال	روغن ماله	۱۰۰ مثقال

مطابق معمول مخلوط کنند در بعض امراض جلدی معمول است

یدوفرم $C^2 H i^3$ iodoforme

یدوفرم تقریباً نه عشر وزن خود ید دارد و زرد لیموئی است و طعم آن ثابت

تند است محلول بسیار رقیق آن شبیه است تماماً بمحلول زعفران و ابو طعم آن

اندکی شیرین است در صد درجه حرارت تصعید شود تقریباً در آب غیر محلول است

و الا در الکل اثبات حل شود

جهة ساختن آن اشاده صاحب قاعده خوبی قرار داده و آن این است که دو جزء

ید و دو جزء کربنات دو پتاس و شش جزء آب و یک جزء الکل ۸۰ درجه را بردارند

و تمام اینها را در قرع بریزند و با حمام ماری گرم کنند تا وقتیکه این مخلوط بیرنگ

شود و دو جزء ید مجدداً اضافه کنند و همه را گرم نمایند که مجدداً بیرنگ شود و

اگر بواسطه حمام ماری بیرنگ نشد چند قطره محلول پتاس اضافه کنند تا بیرنگ شود

مخلوط را

مخلوط را صاف کنند و در روی کاغذ صافی بریزند و جدا کنند از یدوفرم

بشویند با آب سرد بعد از تبخیر هوا در سایه و هیئت طرز عمل مطابق قانون

علمی موافق است طرز عمل یدوفرم را در امراض کوفتی کثیر الاستعمال

کنند بقسمیکه هر جا بکشد یدوفرم داشته باشد همچنین تریاک روغن آن که مرکب

است از یک جزء یدوفرم و ۱۴ روغن در امراض جلدی مجرب است و لیکن بواسطه

آنکه بوی بسیار از ید و کوکو اکنون میزنند که مجرب تر است تقریباً

این جسم متروک است

ادویه کوکردی

کوکرد ۵

کوکرد جسم مفرد است جامد زرد لیموئی بی طعم که بواسطه اشتراک بوی بیمزه در

۱۰۵+ تا ۱۱۰ ذوب شود در نهایت سیال و جریان مفرط دارد و رنگ

آن زرد است در حوالی ۱۶۰+ آغاز غلظت کند و رنگ آن مایل بقرمز است شود

این تغییر حالت رفته رفته زیاد شود تا ۲۵۰+ و اگر در نهایت کوکرد را

فوراً سرد کنند نرم میماند و بعضی شرایطی که در کتب شیمیائی مذکور است

بانحالت نرمی معمول نباشد مانند کوکرد ذوب در ۳۱۰+ بجوش آید و

بخار آن بواسطه مجاورت هوا آتش گیرد بخار آن سولفور کند که بوی آن تند

و نافذ است و معروف هر کس است در آب حل نشود و الا الکل اندکی از آنرا

حل کند و اما ثابته و فراره نیز از آن حل کنند بامانت حرارت و پس از

سرد شدن کوکرد در آنها منعقد شود

کوکرد را در کران بها است و در طب بسیار معمول است در دواهای تصفیه دم

و اخراج بلغم استعمال کنند اثرات بیشتر در عروق جاذبه و جلد است و ترشح بلغم را

نیز زیاد کند مقدار زیاد مستعمل است و بالخصوص کوکرد استعمال میشود در امراض جلدی

خاصه در جرب رطب و بیرغالب خواص شیمیائی خود را چنانکه با انعام کرمیشود

میدهد آنچه معمول است در بازار کوکرد دو حالت خرید و فروش میشود یکی

معمول است که آنرا باصطلاح تجار لاکوکرد مینامند یکی غبار زرد است

که مکی کوکرد کهنه و حاصل شده است از تصفیه کوکرد در ظرف سرد چون این یکی

کوکرد همیشه قدری آلوده است بجوهر کوکرد و اسید سولفوریک در حین استعمال بواسطه

تغسیل از اقصفیه نمود و اما در طب غبار بسیار زرد کوکرد که بواسطه ترکیب

اسید آمده بلکه بسیار معمول است

soufre lavé

جهة شستن کوکرد کوکرد را در آب جوش ممزوج کنند بقسمیکه خمیر

متمادالاجزا حاصل شود و در این خمیر تمام اجزاء کوکرد مخلوط بواسطه اب

تر شود پس از آن آب جوش اضافه کنند و بهم زنند و بگذارند ساکن باشد

آب آنرا بواسطه عمل انحراف خارج کنند و چندین نوبت تکرار تغسیل نمایند

تا دیگر آب شفاف اثر در کاغذ معرف نکند در این صورت بگذارند قطرات

آب آن

آب آن در روی صافی جدا شود و از انجام شستن کوکرد خشک میشود در حیکه

خوابیده باشند آنرا در وجهی استعمال نمایند

کوکرد رسوبی soufre précipité یا سولفور در شیره

مقدار منظور جوهر نمک مقدار کافی در بعضی سولفورها شایع استعمال کنند چنانکه

عنقریب ذکر خواهیم کرد این سولفور را بطریقه رطبه میسازند و کوکرد پاکی

و آلوده از اقلاً ۱۰۰ تا ۱۲۰ یا ۵۰ برابر وزن خود آب جمع کنند و کم کم جوهر

نمک بر آن افزایند و مع الاتصال بهم زنند تا وقتیکه جوهر نمک بیع زیاد شود و دیگر

کوکرد رسوب نشود گذارند ته نشین شود آب آنرا بواسطه عمل انحراف بیرون ریزند

و با چندین آب کوکرد را شویند تا وقتیکه ابهام غباله در روی کاغذ معرف ازین

کنند در روی پارچه صافی ریزند پس از خشکیدن آب آن گذارند در هوا خشک شود

جوهر نمک بازار در بعضی استعمال نشود زیرا که بواسطه اندکی آهن و روی که دارد

کوکرد را از جلوه میاندازد و از همین بابت است که سولفور در شیره را با سولفور

در حالت ترجیح میدهند در حین امتزاج سولفور را یک با جوهر نمک یا اسید را باز

در جائی بایسته که هوا زیاد رسیدن نماید و بهتر باشد که هوا دارد محفوظ

محفوظ باشد زیرا که مقدار وافری بخار سمیه رژن سولفور متصاعد میشود و

استنشاق این بخار خطرناک است بلکه بهتر آنست که بیرون یا در صحرا از این بخار

متصاعد میشود بقسمیکه در فصل سمیه رژن سولفوره ذکر میکنیم بسوزانند کوکرد

راب مرکب است با قدری سیرزنی لولفوره و در اینحالت اثرش بیشتر است از کوکو مغسول کوکوورا درد جفتیه تنهائی یا مرکب با ادویه که بجهت تقویت استعمال آن یا افزودن بر خاصیت آن میشود استعمال کنند ازین جهت است که غالبا آنرا با قنه و صمغ و پیاز عنصل و کافور و کثیره و امثال آنها مخلوط کنند و در کتب دوا سازی نسخه ایکوینه بوراها متعدد است بهتر است که طبیب مطابق حالت مریض نسخه دهد و عمده ادویه مرکبه کوکوورا معین نمائیم

قرص کوکو

کوکو مغسول	۱	قنه مسحوق	۸
لعاب کتیرا با گلاب	مقدار کافی		

گلاب و کتیرا را لعاب کنند و مطابق معمول اقراص ه گرمی سازند چون اتصال غشاء که در این اقراص است کم است باید لعاب کتیرا را از لعاب باید اقراص بیشتر گرفت

قرص مرکب کوکو

کوکو مغسول	۲۴	جوهر حسن لبه	۲
ریشه ایرسا	۵	عطر بادیان	۱
قنه	۵۰۰	لعاب کتیرا	مقدار کافی

مطابق معمول قرص سازند

کوکو کوکو و صمغ

کوکو مغسول	منقاد ۳/۵	صمغ مکلس	۳/۵

مطابق معمول گلوله سازند و به ۱۸ البته تقسیم کنند و روزی یک البته بجوزند و اتراد اگر ما صرف ویشرا بارتی استعمال کنند

کوکو مرکب کوکو

کوکو مغسول	۱	صمغ کالسینه لیر مکلس	۱
طوط	۱		

مطابق معمول مخلوط نموده مخلوط صبح و مخلوط عصر میدهند و را ئی است آزموده در اوائر

روغن کوکوئی

کوکو مغسول	۲	روغن جالیفوس	۷
روغن بادام شیرین	۱		

کوکو را با روغن صلایه کنند و همینکه امتزاج کامل شد روغن بادام را بیفزایند و قدری بهم زنند

روغن دیگر

کوکو کوکو	۱	روغن ماهه	۳

مطابق معمول مخلوط کنند

روغن ضد پیریازیس

کوکو کوکو	۱۶	نوشادر	۱

زاج لقیه	۱	روغن ماهه	۳۲

اعلاج را سحق نموده با کل کوکو مخلوط روغن کنند

روغن محبوب به جهة پیریازیس

کل کوکو	۴	کربنات دوپتاس خشک	۲
روغن ماهه	۱۶	آب	۱

کربنات دوپتاس را در آب حل کنند و محلول را در مخلوط روغن و کوکو جا نفه نمایند

روغن کوکو صابونی

صابون لقیه	۱	آب	۳
کوکو	۱		

با عانت حرارت کمی صابون را در آب حل کنند و در ظرف نقره یا چینی وکوکو را با افزایند

برای پیریازیس

کوکو مصعد	۵	کربنات دوپتاس	۳
صابون حیوانی	۴	آب کلی	۲۰

صابون را در آب کلی حل کنند و محلول کرا را مخلوط کوکو و کربنات دوپتاس نمایند و بهم زنند تا سرد شود در حرب بسیار معمول است

سیرزنی لولفوره

و این بخار را با سید لولفیه رنگ و با سید سیرزنی لولفوریک نیز نامند و فرمول آن ... است بخاری است بیرنگ با بوی بسیار زحمت که شبیه است به بوی تخم مرغ کنه یره وزن مخصوص آن ۱۱۷۱ است بسمیت معروف دارد در آب حل شود و بواسطه مجاورت متمادی هوا سیرزنی آن کم کم محترق شود و کوکورا بر گرداند غالب فلزات را سیاه کند و لیسی از املاح فلزی را تجزیه نموده لولفورهای رنگی فلزی و جو آورد در طب جلدی ان معمول است جزو بسیاری از ابهای معدنی معدنی طبیعی است و آن اتواع مختلفه بدست آورده اند معمول ترین است لولفور دو فیمو ان مسحوق یک جوهر نمک ۴ انجمیرا در شیشه ... میقیع با قرع ... تیاجا رمیکنند ... که میخواهند بیرون از جوهر نمک را در روی لولفور فلزی ریزند و به حرارت ملایم اعانت در جرای عمل کنند و حینیکه دیگر بکار مقاصد تحقیق معلوم است که در شیمی کلر جوهر نمک با فیمون مرکب شود و سیرزنی آن با کوکو در ظرف محلول کلر وارد فیمو دو با ... و ... بعلت اسید تجزیه شده آن مخلوط

قاعده دیگر — لولفور آهن ۲ جوهر نمک ۳ باید جوهر نمک را کم کم در روی لولفور ریخت زیرا که درین قاعده سرعت عمل بیشتر است از لولفور فیمو دو افزودن بواسطه حرارت ملایم باید مخلوط را اگر کوکو متوان بکار جوهر نمک بجوهر کوکوی که بواسطه حرارت ۳ برابر وزن خود آب ضعیف شده باشد استعمال کرد حاصل عمل یکی است و لطرزات مختلف است با جوهر نمک تو لیه کلرور آهن و سیرزنی لولفوره

میگردد و بجوهر گوگرد ترکیب زاج سبز و ئیدروژن سولفوره میشود زیرا که آب اسید مخلوط
تجزیه شود و اجزای آنرا [illegible] جزء آن بجوهر گوگرد ترکیب شده
زاج سبز بوجود آورد و ئیدروژن آب با گوگرد تولید ئیدروژن سولفوره کند به این فرمول

$$FeS + SO^3,HO = FeO,SO^3 + HS$$

قاعده دیگر — باده اجزا ۲ گوگرد یک اجزا [illegible] را مخلوط نموده در قرع
ریخته و قدری آب افزایند که خمیر [illegible] شود و قرع را اندکی گرم کنند تا
اثر [illegible] حرارت زایل شود و آنگاه مخلوط سیاه گردد وقتی که
به [illegible] رسید دهان قرع را با چوب پنبه و لوله [illegible] بخارگیری شده و [illegible] کنند
و [illegible] جوهر گوگرد رقیق یا جوهر نمک داخل قرع نمایند بخار ئیدروژن سولفوره متصاعد
شود فضیلت این قاعده اینست که در وقت ضرورت بلافاصله مصنوعی سولفور
آهن میسازند و چون ذرات این سولفور جدیدالتولید را [illegible] اثر
جوهرات ترش در آنها سهلتر و سریعتر شود و ئیدروژن سولفوره بسهولت به
آن [illegible] بنا بر نصیحت [illegible] صاحب [illegible] این قاعده
را [illegible] در کارخانه خود قاعده اول را [illegible] استعمال
میکنند زیرا که اگرچه ظاهراً [illegible] کردن [illegible] صرفه اش بیشتر
است از [illegible] ترکیب [illegible] خالص [illegible]
[illegible] ئیدروژن

سولفوره بدست آورد که عاری از ئیدروژن باشد نیز سولفور [illegible] ترجیح داده
زیرا که [illegible] سولفور [illegible] مصنوعی [illegible] کفت که [illegible] از این [illegible] ئیدروژن
آب که از مجاورت آهن [illegible] تولید میشود مخلوط با ئیدروژن سولفوره میگردد
جهت ساختن محلول ئیدروژن سولفوره قرع را [illegible] لوله [illegible] شیشه [illegible]
[illegible] شیشه اول را آب کم ریزند تا [illegible] ظرف غسل شود و اگر [illegible]
است که بخار ئیدروژن سولفوره متصاعد شود در آن آب محلول شود و شیشه [illegible]
پرکنند از آب مقطر که تازه ساخته اند یا آب مقطر کنند که جهت خروج هوا جوشانیده
باشند و لوله شیشه [illegible] برخیزد که دارای [illegible] است تا زیاد [illegible]
ئیدروژن سولفوره [illegible] و [illegible] شیشه [illegible]
[illegible] منفصل [illegible] شیشه [illegible]
[illegible] چوب پنبه [illegible] آن چوب را [illegible]
[illegible] از [illegible] مجاورت هوا [illegible] این محلول [illegible]
زیرا که ئیدروژن آن با اکسیژن هوا تولید آب [illegible] گوگرد [illegible]
در آن آب [illegible] سولفور [illegible] گوگرد [illegible] این آب [illegible]
بکار [illegible] محلول [illegible] و [illegible]
[illegible] بسیار کثیر الاستعمال

سولفورهای قلیائی

گوگرد با جمیع فلزات مرکب میشود غالب با فلزات قلیائی بچندین نسبت
ترکیب شده سولفورهای متعدد بوجود آورد که بواسطه کثرت انحلال
آنها در آب و بوی ئیدروژن سولفوره که از آنها متصاعد میشود داخل
طب شده [illegible] آنها در امراض جلدی بسیار کثیر الاستعمال اند یک [illegible]
گران بهائی بوجود آورده که در درد حنجره [illegible] و در ضیق النفس
[illegible] استعمال کنند و [illegible]
ادویه بیشتر در خارج بدن است جهت رفع امراض جلدی و خنازیر و قروح
[illegible] خاصیت عمومی این ادویه [illegible] هر یک از این فلزات
با گوگرد [illegible] مرکب [illegible] تولید [illegible] سولفور [illegible] که غالبا
بلفظ سولفور تنها خوانند [illegible] از حیثیت ترکیب [illegible]
است [illegible] یک معادل گوگرد و یک معادل فلز [illegible]
عنصر [illegible] بهار
[illegible] که [illegible] این سولفور را که فلز را [illegible]
به [illegible] گوگرد [illegible] سولفات [illegible] و اگر
[illegible] سولفات [illegible] تولید [illegible] سولفور [illegible]
سولفور قلیائی [illegible] ۱ و ۲ و ۳ و ۴ برابر [illegible] گوگرد مرکب
شود و این ترکیب [illegible] و [illegible] ترکیب [illegible]

دیگر اینکه سولفور قلیائی است و تاکنون سولفوری دیده که پنج معادل گوگرد
بیشتر [illegible] سولفور [illegible] و هر قدر گوگرد [illegible] بیشتر میشود رنگ زرد
[illegible] آنها تیره تر میگردد و [illegible] از حموضات [illegible] سولفور
ریزند [illegible] آن ریزند آب تجزیه میشود یک معادل ئیدروژن مرکب
میشود با یک معادل فلز سولفور و تولید [illegible] مرکب شده
بوجود آورد و ئیدروژن آب با یک معادل گوگرد تولید ئیدروژن سولفوره کند پس
معلوم میشود که [illegible] سولفور [illegible] حموضات و آب [illegible] قلیائی
و ئیدروژن سولفوره میشود [illegible] بوجود آورد و اگر سولفوری
استعمال کنند که [illegible] گوگرد [illegible] تجزیه میشود [illegible]
بوجود میآید و [illegible] گوگرد [illegible] فرض کنیم [illegible] سولفور [illegible]
که پنج معادله گوگرد داشته [illegible] یک معادله اکسیژن [illegible]
با [illegible] تولید [illegible] کند و ئیدروژن با یک معادله گوگرد [illegible]
سولفوره بوجود آورد و چهار معادله گوگرد [illegible] و اگر سولفور را
[illegible] در [illegible] مختلف میشود [illegible] ئیدروژن سولفوره بوجود [illegible]
[illegible] که عبارت از [illegible] سولفور و ئیدروژن که [illegible]
[illegible] گوگرد [illegible] در [illegible]
[illegible] از [illegible] سولفور [illegible] گوگرد

ئیدروژن میکند و اما چون این جسم سریع الفساد است و ثابت نمی‌ماند کم کم در مجاورت
اسیدات حامضه و علاوه بر اینها تجزیه شدنش سریع میشود و در مجاورت سولفورها
خفیف تجزیه میشود و تولید ئیدروژن سولفوره نماید و ... کم کم آب را تشکیل میشود
این مدت و واسطه تنازع صاحب شده است و علاوه بر اینها بنا بر
مدتی که بر ژلیوس صاحب ئیدروژن سولفوره که جدیداً التولید است وارد
شده اثری کند در پرسولفور که هنوز تجزیه نشده و چهار معادله کوکورد
را بحد قلیایی هر دو اثر ... میکند به پرسولفور و آن مرکب شود و چیزی وجود دارد
که مرکب است از پرسولفور پتاسیوم و ئیدروژن سولفوره و بالعکس اگر شکسته جا
پرسولفور را در ماده حامضه ریخته شود این پرسولفور تجزیه شود و پرسولفور و ئیدروژن
که بوجود آمد و واسطه قوت ماده حامضه ثابت مانده و تجزیه نشود و فقط که محلول است
سولفور قلیایی را محلوی در جوار آن ماند ... رنگ شود و هر چند جای درست
متمایل گردد آن رنگ تیره تر گردد و اگر بیشتر شود که تا آن به حد درجه
کم رنگ آن کم میشود و عاقبت فقط به رنگ میگردد و در این حالت شبیه است به
سولفیت شده است و علاوه بر اینها قدری سبک تیز در این ایام متمایل
محلول شده و تولید کربنات قلیایی کرده و بسته پرسولفورهای قلیایی
کوره پرسولفورهای قلیایی اند با ئیدروژن سولفوره مرکب شود
نقصی که در سولفور قلیایی و ئیدروژن سولفوره است کوکورد و در آنجا که

سولفور

یک نوع تجارت دیگر می‌آید که ئیدروژن سولفوره بکار میبرد و سولفور قلیایی
دکسید است از این جهت است که ایشان اصلاح را سولفیدرات و اسیدها در
پتاسیوم کردند خاصیت این اصلاح است که بعد از مجاورت با مواد حامضه
برای ئیدروژن سولفوره مینماید و کوکورد را رسوب میشود این اصلاح بواسطه
کوکورد تجزیه شود ئیدروژن سولفوره انها متصاعد شود و کوکورد باید سولفور
و تنها پاسولفور کند

سولفورهای پتاسیوم

پنج سولفور از پتاسیوم معروف است که ترکیب ظاهر آنها از قرار است
در ملح و در ملح و در ملح و در ملح و در ملح و هیچیک از این
سولفورها در حالت خلوص معلوم نیست الا آنکه سولفورهای که کوکورد زیاد دارند
جزوا دوایی هستند که معروف است به جگر کوکورد و سولفور دو پتاس

جگر کوکرد خشک

کوکرد مصفی	۲	کربنات دو پتاس خالص خشک	۳،۴

این دو جسم را خوب ممزوج کنند و در قرع مسطح القعر ریزند و در حال بسته
گرم کنند تا ذوب شود و ذوب ادامه یابد کنند که دیگر ... ترشح شود و قرع را بشکنند
و ماده محصول را خارج نمایند و در ظرف دهان بسته محکم حفظ کنند در این عمل است
که یک کربنات دو پتاس خارج شود و وقتی که دیگر حباب از سولفور دار

متصاعد شده علامت اتمام است که عمل است در آن حالت کوکورد اثر کنند در
پتاس و در سه جزو پتاس دو جزو اکسیژن ... را با کوکورد و تولید اسید سولفوره
شود که با پتاس تجزیه شده سولفیت و بعد آمد دو جزو پتاسیوم که
تنها مانده و با تمام کوکورد تولید ترسولفور دو پتاسیوم مینماید اگر مقدار کوکورد را
بیفزایند سولفور نیز مقدار کوکوردش زیادتر میشود در صورتیکه بخواهند این
سولفور را در داخل بدن استعمال کنند باید در قرع شیشه عمل را جاری
نمایند ولی در حمامات چون مقدار زیادی میسازند در پاتیل چدنی که
سر آن پوشیده باشد و مقدار کوکورد و کربنات دو پتاس یک است و در عمل باید
احتیاط چنان است که سابق ذکر کردیم قبل از تا تمام ذوب آید حرارت
دهند و پس از آن در روی صفحه آهن ریخته بعض برد شده میشکنند و حفظ
کنند و رنگ سولفور دو پتاس زرد مایل به سبز است و با بعد متحد الاجزای
و قوی باتمام آن در آب حل شود و این جسم را به وطر زمیسازند با سولفور
فوق را در آب حل میکنند با کوکورد با محلول پتاس الکال میجوشانند در این
عمل مختلف طبیعت طاهر سولفور محلول شده است و لا در خواص ... و

پاسولفور دو پتاسیوم مایع که کس

سولفور دو پتاسیم خشک	۱	آب	مقدار کافی

حل نموده صاف نمایند محلول باید سی درجه میزان بقطه شدن ... هر وقتی که سولفور

در پتاسیوم خالص داشته باشند نیز کربنات معمولی آنها خالص باشد و دو جزو آب بگیرند
سولفور را بالتحقیق حل کنند ولی در صورتیکه با کربنات دو پتاس بازار ساخته باشند
تحقیق مقدار آب ممکن نیست ولیکن چند دفعه دور راز ساخته اول بنوعی معلوم است
که در این محلول ... وزن سولفور خالص است

پرسولفور دو پتاسیوم که کس

کل کوکرد	۱	پتاس الکال مایع	۳

کوکورد را با محلول قلیایی امتحان کنند و به اعانت حرارت در قرع با ظرف ...
حل نمایند و حاصل عمل را در ظروف دهان بسته محکم حفظ کنند در این عمل نیز
قدری کوکورد بواسطه پتاس مذاب اکسیژن کنند ولی در این حرارت قلیل تولید
اسید سولفوریک نمیشود بلکه اسید سولفوروز بوجود آید و مقدار کوکورد با پتاسیوم
تنها مانده تولید سولفور نماید که مقدار کوکوردش بیش از سایر جانب است و محلول
این سولفور رنگ بسیار تیره دارد و میتوانند دوباره کوکورد حل کنند و بعد از
افزودن آب کوکورد نازک ته رسوب شود در صورتیکه در شیشه محکم بسته بیخ در
محفوظ میمانند مگر آنکه در آن باز کنند و در این صورت میل ... از جای درست
هوا بواسطه تولید سولفیت جدید و ترکیب کوکورد کدر شود

شربت سولفور دو پتاسیم

سولفور دو پتاسیم خشک	۲	آب	۱۰ نخود

شیره بکر — مثقال ۲۰

سولفور را در آب حل کنند و ممزوج با شیره بکر نمایند این سولفور را باید با کربنات
دو پتاس خالص ساخته باشند که تمام در آب حل شود چون این دوا در دواخانه استعمال
میشود باید قدری تشخیص تجدید معلوم باشد و اگر سولفورهای زمینه او را استعمال کنند که
نباشد این محلول درست تجدید شود و شربت بسیار بد است و نباید او را تهیه کرد
مگر قدری به احتیاج از این باب است که تقریباً متروک است

ابزن گوگردی *bain sulfureux*

ابزن گوگردی را از حل کردن سولفور دو پتاسیوم خشک در آب یا محلول سولفور
دو پتاسیوم مایع با آب می سازند و مقادیر مختلف میشود باختلاف شدت و ضعف
مرض و اغلب از ۶۴ تا ۱۲۵ گرم است از سولفور خشک و ۱۵۰ تا
۲۰۳ گرم است از سولفور مایع و گاهی اوقات بنا بر نسخه طبیب محلول بسیار کم
جوهر گوگرد اضافه میکنند تا تمام سولفور تجزیه شود و از افزودن جوهر گوگرد قدری
گوگرد رسوب شود و بخار اسید سولفوره متصاعد گردد و محلول جوهر گوگرد همیشه باید
بسیار کم باشد زیرا که تصاعد بخار اسید سولفوره خطرناک است و اگر لازم
باشد مقدار کثیری از این بخار در حمام اثر کند باید خزینه ابزن را پوشانند تا حتی که
سر مریض خارج از خزینه باشد و استنشاق بخار اسید سولفوره نکند

ابزن گوگردی ژلاتینی

سریشم	۲۰۰ مثقال	سولفور دو پتاس مایع	۲۰ مثقال
آب	مقدار کافی		

سریشم را با حرارت در مقدار کافی آب حل کنند و با سولفور دو پتاس ممزوج
نموده ابزن نمایند این نسخه معمول در مریضخانه های پاریس است

روغن گوگردی منسوب به ژادلو

روغن گل مختلف معروف	۱۰	صابون سفید	۵
سولفور دو پتاس مسحوق	۱		

صابون را با اندکی آب بحرارت حمام مریم نرم کنند و روغن را کم کم جزء آن نمایند
و تا قیمت سولفور اضافه نمایند در جرب مجرب است

سولفور دو سدیم *sulfures de sodium*

از ترکیب گوگرد با سدیم مانند پتاسیوم پنج سولفور بوجود آمده و اما پروتو سولفور
و تری سولفور و پنتا سولفور در طب معمول اند که فرمول آنها از این قرار
است NaS و NaS^3 و NaS^5

پروتوسولفور دو سدیم $NaS+9aq$

پروتوسولفور دو سدیم متبلور در صد جزء ۷۶ جزء آب دارد و خالص آن بی رنگ
است و جاذب الرطوبه است لهذا معلوم میشود که بسیار محلول در آب میشود و لیکن
اندکی رجعت از این حل کند و بسهولت در هوا تجزیه میشود و تبدیل به سولفیت میشود

از این بابت باید آنها در ظرف کوچک دهان بسته حفظ کرد و در طب گلیسیرین را کمی اضافه
و سهل ترین قاعده ساختن آن این است که بخار اسید سولفوره را بمحلول سود خالص از
محلول سود محرق که ۳ درجه غلظت داشته باشد تا هنگامی که بخار دیگر جذب نشود
داخل کنند و در این کار استعمال میکنند آلتی را که در دواخانه برای جوهر نمک ذکر کردیم
و محلول سود باید در یک شیشه باشد و بیش از سه ربع آن ممتلی نباشد هر قدر که جذب
بخار اسید سولفوره میکند در آنها کریستال کوچک در قعر شیشه جمع میشود
اگر خواسته باشند در آنها کریستال بزرگتر شوند باید بتدریج حرارت ملایمی پس از
اتمام عمل در آنها گرم کرد رامجدداً در آب حل کنند و بگذارند تا بلوره شود

سولفور دو سدیم را نیز از تجزیه کردن سولفات دو سود بزغال میتوان بدست آورد
بطریقی که بگیرند ۸ جزء سولفات دو سود و ۵ جزء از دوده حمام و گردی زغال
مسحوق که آلوده باشد بقدری روغن نباتی و این اجزاء را مخلوط نموده در بوته ریزند
که اطراف او آلوده شده باشد بروغن و قدری دوده که مانع کند سولفور را
که حل ... کند و در منقل ... دارا ... تا ... ساعت حرارت دهند و بعد از
سرد شدن بوته را بشکنند و محصول را در حرارت با آب مقطر حل کنند و با شیشه که
ظرف آن ممتلی باشد تا محفوظ از هوا شود در آنجا بعد صاف کنند و مایع مصفی
را در قرع انبیق ... آورند تا غلظت انعقادی این سولفور در دو درجه معمول
نیست و اما در ساختن ابزن های معدنی مصنوعی و ابزن های گوگردی مستعمل است

ابزن بارژ

سولفور دو سدیم متبلور	۶۴ گرم	نمک قلیائی متبلور	۶۴ گرم
نمک طعام	۶۴ گرم	آب خالص	۳۲۵ گرم

املاح را در آب حل کنند و بسرعت در شیشه ریزند و دهان شیشه را محکم مسدود کنند
و در حین استعمال آب آن شیشه را در ابزنی ریزند که یکصد دوار آب داشته باشد
این ابزن در کمال خوبی با قایم مقام آبهای معدنی طبیعی گوگردی میتواند شد

کوبود صاحب

سولفور دو سدیم متبلور	۳	آهک آب ندیده	۱۰
نشاسته	۱۰		

مطابق معمول مخلوط کنند در حین استعمال باید که آن را خمیر و در جلد نهند پس از
یک تا دو دقیقه با آب نیم گرم بشویند مو آن جلد بریزد

سولفور دو کلس

سولفور دو کلس گاهی خشک و گاهی محلول در آب ساخته میشود

سولفور دو کلس خشک

کربنات دو کلس خشک خالص	۲۷	گل گوگرد	۲۰

مطابق آنچه در سولفور دو پتاس گفتیم عمل کنند اثر و طرز فعل و انفعال
همان است که ذکر کردیم و لیکن بجهت تأثیر حرارت درجه حرارت باید مرتفع

تریاق باید بلقفت شود در وزن مساوی که کواین سولفور پیش از کو سولفور
در حمام است زیرا که معادله بید و کمتر از معادله حمام است مطابق مسئله شیمیائی
یکیز سولفور در حمامی خشک کوکوش مساوی است با ۸ ره سولفور دو سه از
سولفور دو را در با طبیب صرف ریزنده و سنگ قلیائی متعارف را بازی استعمال کننده
چون آب انفعالاز زیادی دارد مقدار آن سنگ را کمی قرار دهنده

سولفور دو سه مایع

سولفور دو خشک ۱ آب مقدار کافی

محلول با یه ۵ ۲ غلظت داشته باشد وقتی که این سولفور را با اجزاء خالصه ساخته
باشند محلول ۵ ۲ دو محقق یک ربع سولفور دو سه خالص دارد و این
سولفور دو را به سولفور در حمام بطریقه رطبه نیز میتوان ساخت

یا سولفور دو سه مایع

کبریت کوکو ۱ محلول سه محرق ۵

محلول سه باید ۵ ۲ غلظت داشته باشد در با طبیب صرفی بجوشانند تا کوکو
محلول شود و کذارند سرد شود و بواسطه افزودن آب غلظت محلول را به ۲۵
رسانند این سولفور را به ندرت در کوبی مرضخانه تمیز کنند و بیس و پایر
مرضخانها معمول است زیرا که صرفه اش از سولفور در حمام بیشتر است
در هر ابزن از ۲۰ الی ۳۰ مثقال اوزان زیرند

بوتر اولو

شربت سولفور دو سه

سولفور دو سه خالص ۳ گرم آب ۱۵ گرم

شربت ساده ۲۰ مثقال

مطابق معمول مخلوط کننده و آنچه در شربت سولفور در حمام گفتیم در این شربت
نیز مرعی دارند چون مقدار سولفور در این شربت مساوی است معلوم میشود در وزن
مساوی شربت سولفور دو سه اقوی است

سولفور دو کالسیم

سه سولفور از کالسیم معروف است $Ca\,S$ و $Ca\,S^{2}$ و $Ca\,S^{5}$
پنت سولفور جسمی است لفیه و حاجب و در اوپا برفرمه ها نمین رز صاحب
آب از اجزا تجزیه کنه و سولفیه رات دو سه دارد
و از کوکوبی ممزوج به آهک میسازند پنت سولفور ز دو آهک است و تنقید الکل
است در آب کمتر سولفور است بنابر معروف در حالت میعان لفی اطن از
جهة ساختن مرهم استعمال کننده بطریق که خمیری زمین از آهک هم زنه
و بخار تیه رزش سولفور ۱۰۰ در دو آن میکنند تا وقتی که رنگ آن فولاد یا برنجی
آید شود این توان بواسطه سولفور شدن آهن است که در آهک است عنصر را
که میخواهند موش را بریزند از این خمیر زیاد میپوشانند

سولفور دو سه خشک

کوکو ۱ آهک شکفته شده ۳

آب ۵

در کاسه لعاب داری اجزا را مخلوط کننده و لیه بجوشانند و بهم زنند تا وقتیکه ازقه برای
از آن مایع را سرد کننده حقه شود آنوقت آنها را در هوی سنگ مرمری ریزند و قطعه قطعه کنند
و هنوز سرد نشده در ظروف دهان بسته محکم حفظ کنند فقط رستان سبز رنگ است و
مقدار کثیری از آنها در آب محلول اند و محلول آنها زرد رنگ شود این قاعده که ذکر کوی
موافق کدکس است ولی در نسخ دیگر طرق مختلفه است چنانچه بعضی این نسخه را استعمال
کننده

پتاس مکلس ۸ کوکو ۳

روغن مقدار کافی

پتاس و دوده را خوب ممزوج کننده و آنکه روغن برای مخلوط افزاینه و آن کوه چوب را
در قرع ریگ کلی کرفته ریزنده و سه چهار ساعت حرارت شدید دهنده به این قاعده سولفور
و کلسیم خالص یا نوع کتیاس سبت میآید ولی چون حرارت زیاد لازم میشود که در بعضی
مرضخانها ممکن نیست چنین قاعده دیگر لکی ربوده اند از آنجمله است

کبریت کوکو ۸ آهک آب ندیده مسحوق ۱۴

مخلوط نموده اول حرارت ملایم دهند و بعد حرارت را شدید کننده
سولفور دو شو در طب کمتر معمول است زیرا که قوه انحلالش کم است در جرب معمول است

باهم کوبیده به هر ل بطریق که بسته ها ده نخود سولفور دو شو خشک بر زنند و باهک
روغن نباتی و شاه در کف دست تقریباً نمایند در سوده نیز از آنها استعمال را بخوراند و روغن
مخلوط نموده بالنسبه ابزن آن مقدار از ۲۵ الی ۴۰ مثقال معمول است ولی غالباً با ابریشم
همراه است

سولفور دو شو مایع

آهک آب ندیده ۱۴ کبریت کوکو ۳۶

آب ۱۵۰

آهک را شکفته کننده و کوکو افزاینه و با آب یک ساعت بجوشانند و هر قدر آب
آن بخار میشود کم آب افزاینه و صاف کننده محلول باید ۵ ۲ غلظت داشته باشد ظاهراً
اثر ان است که در سولفور ها قلیائی دیگر کدام این سولفور را نیز در ابزنهای
ترکیبی استعمال کننده

سولفور دو کربن CS^{2} sulfure de carbone

این سولفور جسمی است سیال شفیف با بوئی عفن و ثقل مخصوص وزن مخصوص ان ۱۲۹ را
است در ۰ ۳ حرارت جوش آید تقریباً غیر محلول است در آب ولی به مقدار در
الکل و اتر حل شود در صد جزء ۸۴ ر ۱۵ کربن و ۲ ر ۸۴ کوکو دارد
بجهة ساختن آن قرع ریگ لوله داری را بکار برند و لوله نقا را در آن فرو برند
بقعر قرع رسد و قرع را پر از زغال کنند و در روزنه وصل را با گل حکمت گل

کنند و انبوبه تقرع متصل نمایند و در قابله‌ای که آب ریزند وقتی که زغال
بحرارت قرمز شد کم کم پارچه گوگردان بیفزایند این گوگرد
کربن را بواسطه تکرار تقطیر خالص کنند محرکات بسیار قوی که لثه است از جهت
رایحه کنند و دوران در راس ربع نماید در نقرس و وجع مفاصل مستعمل است و از آن
قطره قطره دهند

درادویه فسفری

فسفر   سلیم

فسفر جسم مفرد است که معادل آن ۳۹/۲۳ است و جسم است در حرارت متعارفی
جامد و لطیف و بیرنگ و یا آنکه اندکی مایل است برنگ کوشت و وزن مخصوص آن
۱/۷۷ را است و اگر از آن استشمام شود در ظروف دهان بسته به ۳۵+ درجه
ذوب شود و بواسطه همزدن منعقد شود و فی الحقیقه ذائب است اگر در ۴۳+
۲۱۵
و در ۲۹+ بجوش آید و بخار شود و بواسطه اثر روشنائی حرارت که از
درجه تجاوز کند قرمز رنگ شود و ترتیب ذرات آن تغییر کند که مبدل بر آن
با سایر عناصر کمتر شود و فسفر در ۷۰+ در اکسیژن مشتعل شود و اگر درجه حرارت از
تقاطع بیفکنند و یا فشار زیاد شود در بخار اکسیژن مشتعل گردد و شعله آن بسیار
مفرط و خیره است و حاصل اشتعال اسید فسفریک است و بهمین قسم است که از
اشتعال فسفر در هوای متعارفی نیز تولید اسید فسفریک شود و شعله آن نیز نورانی

داده و اگر سطح فسفر مرطوب باشد و هوا نیز رطوبت داشته باشد و درجه حرارت
آن قدر متعارف باشد احتراق فسفر با شعله کم نوری است که جز در ظلمت ملحوظ نشود
و در رطوبت هوا اقدری از آن بحالت اسید فسفرجلی مشود و قدری از آن بحالت
اسید فسفریک در هوا پراکنده میگردد و مخلوط این دو اسید را اسید لک فسفریک
اسید فضا سیک نامیده‌اند اگر درجه حرارت اندکی ارتفاع بیابد اکنه حرکت
اشتعال بیشتر شود و تمام فسفر به اسید فسفریک مبدل گردد و فیتی را اندکی نیز سبب
احتراق فسفر میشود و از این جهت است که فسفر را باید با احتیاط زیر و زبر کرد و همچنین
از جهت سرعت قابلیت فسفر است در مجاورت هوا که ناچار اند از داروسازان محافظت
کنند و آن آب نیز باید پوشیده باشد تا آنکه ابدا از هوا عاری شود و وقتی که فسفر
در آب مانده پوشیده میشود از پرده سفیدی که حاصل تغییر ترتیب ذرات است
گاهی فسفر قرمز رنگ است و این در صورتی است که دهان ظرف کاملا مسدود
نباشد و یا آنکه ظرف مجاور اشعه نور شود و آن ماده قرمز اکسید فسفر است و بنابر
زعم و گمان چو مرکب است از ۳ فسفر و ۲ اکسیژن و بنابر تجارب و ثول
فسفر میتوان بواسطه تاثیر روشنائی محض قرمز شود بدون اینکه حاجت باکسیژن در
مجاورت آن شود و در این صورت آن تغییر محض تغییر ترتیب ذرات خواهد بود و فسفر
بسیار قلیل الانحلال است در آب ولی در الکل و اتر و ادهان طیاره و دولت
حل شود و حرارت بر قوه انحلال آن بیفزاید و لیکن از سرد شدن قدری از آن

راسب شود و در طب قلیل الاستعمال است و محرکات بسیار قوی که اثر آن تعلق
با عصاب میگیرد و لکن چون استعمال آن خطرناک است قواعد طبیان چندان
معلوم نشده زیراکه فسفر مجاورت هوا بسیار سریع الاشتعال است خاصه
در صورتیکه اجزاء آن پراکنده و خرد باشد و یا آنکه درجه حرارت اندکی
ارتفاع بیابد

طرز ساختن آن — استخوان تکلیس کرده ۱۲ جزو گوگرد ۹
آب مقطر ۸۰ و استخوان تکلیس را ترجیح داده زیراکه ترکیب اجزاء آن کمتر است
با کوبیده استخوان و آب خمیری بسیار رقیق بسازند و کم کم جوهر گوگرد را بیفزایند
و جوش شده برهم زده شود و بخارات متصاعد گردد و اجزاء کرم و غلیظ شود
هرچه غلظت بیشتر باشد بواسطه افزودن اندکی آب بگذارند غلیظ شود و ۲۴
ساعت بحالت خود بگذارند بماند و با آب جوش اندکی رقیق کنند و از پارچه
صاف بگذرانند و صاف کنند و درد را بشویند و آبهای غساله را با آب اصلی
منضم نمایند و این مایعات را در دیگ سربی قوام آورند تا سه ربع آن بخار
شود و بگذارند قدری راسب باشد و بعد آنکه راسب شده بواسطه عمل انحراف
یا تصفیه از آن جدا کنند و بعد از آن تبخیر نمایند تا غلظت شربتی را و چهار
پنج برابر آب بر آن بیفزایند و صاف کنند و بعد از آن در دیگ چدنی
قوام آورند تا بغلظت شربتی را و ربع وزن آن زغال مسحوق بیفزایند

و حرارت دهند تا خشک شود و قدری حرارت دهند که قعر باطن قرمز شود و این
اجزاء را در قرع ریکا ریزند و قرع را با گل حکمت بپوشانند و آن قرع را در کوره
روش دار نهند و متصل کنند با نوبه مسی که وابسته به قابله آب دار میشود و این
قابله نوله دیگری دارد که بخارات حاصله را راه خروج بدهد و بخصوصه دقت
کنند و محل اتصال قرع و انبوبه را با خمیر چوب جگر محکم بپوشانند و روی آن خمیر
را گل گیرند سطح آب قابله نباید از حد خط متجاوز باشد زیراکه فشار زیاد موجب
احتراق بخار فسفر میشود بعد از آنکه خمیرها بسته و وصل‌ها خشک شد قرع را حرارت
ملایم بدهند و سرخ کنند در این هنگام بلکه در تمام مدت عمل باید زغال بیفزایند
و سرخ شده در زیر قرع گذارند زیراکه اندک اختلاف درجه حرارت موجب شکستن
آن شود و مدت قرمز کردن قرع در سه ساعت باید طول بکشد بعد از قرمز شدن باید
آتش زیادی در کوره ریخت اول بخارات متصاعد شود که از مجاورت هوا مشتعل
آتش بگیرند و بعد فسفر متصاعد شود و در قابله مجتمع گردد و همیشه با فسفر بخار همراه
است که بواسطه مجاورت هوا مشتعل میشود این بخار و لیکن کم زیادتر آتش نیز جهت
اکسیژن و این بخار بسیار باشد در خاکستر ریزند به بسته شده و اگر کم باشد قوت آتش را زیاد
کنند فسفریک اوله آهنی بر ده کش کرده بیفزایند و چسبکه آتش زیاد باشد و بخار متصاعد
شود علامت اتمام عمل است که از آن به باب سرد شود
در عمل استخوان تکلیس مرکب است از مقداری از فسفات دو گوی بزرگ گیرند

باهم دارد کربنات و ترشی فسفرون جوهر گوگرد مانند جذب ایک است بالآن
آلیه گاه که غیر محلول که آب بتواند حل نماید که ازمنه باید است که مخلوط
غلظت سه اسیکه و در انحلالات اگر آب زیاد ممزوج کنند ممکن است که کلسیم
شود تقسیم که اجزاء محلوله از آنها بدان سه اکسید و جوش که در ضمن سه اسیدی بیرون
صعود به اکسید و تجزیه شدن کربنات و ترشیات چون درحین صعود
اسید کربنیک قدری جوهر گوگرد هم همراه میبرد لازم است که آن
بخارهای متصاعده را از کوزه و تنه است جوهر گوگرد تمام فسفات و ترشیها تجزیه
کنند بلکه از آنچه مزاج به فسفات و ترشی نیز که در آب حل قدری از آنهاست
و ترشی نیز در آن آب حل میشود و لازم است که از آن جدا کرد زیرا که از تلف در حین
عمل گوگرد جوهر آید که ممزوج با فسفر میشود از طرف دیگر گوگرد با اسید فسفوریک
شود و تولید فسفات و ترشیها که بواسطه حرارت تجزیه نمیتوانند بشوند لهذا لازم
است از فسفر نگاه داشتن را بواسطه تقطیر خاکستر و در کوره از آن بگیرند قسمت
مخلوط زغال و فسفات را که خوب خشک کنند تا در قرع اول کنند چنانچه
بزرگ و تولید نمایند بخارات اول که متصاعد میشود عبارتست از سیدوژن کربنیک
و اکسید کربن که نتیجه ترکیب زغال است با عنصر آب پس از آن اسید
فسفوریک بواسطه زغال تجزیه شود و آنچه از قرع متصاعد میشود عبارتست از
اسید کربنیک و اکسید کربن و فسفور سیدوژن کربنه و سیدوژن فسفره و بخار

سیدوژن فسفره است که فقط در هوا مشتعل میشود و در عمل بجهت آتش دادن و
علاوه بر اینها بخارات متصاعده مقدار کثیری از فسفر بخود همراه میبرند لازم است
که قرع با ظرف مطابق مقدار حاصل عمل شود تا اسید فسفوریک فسفات تجزیه شود و ک
را لفاظه و جو آنکه زغال دیگر در آن اثر کند فسفر بواسطه قلیت
القصه که داخل در قرع بخار شود و از انبوبه کنند و خلوص آن مختلف
میشود باختلاف زمان عمل هر قدر آن زمان مقدار او بیشتر قابلیت
ذوب آن کمتر میشود و قسمتیکه در کوره انبوبه منعقد میشود خیلی خالص است
که سبب این اختلاف کیفیت کاستن مقدار از زغال است و تولید و فسفر
فسفر را که بر این قاعده ساخته اند خالص نیست از آن در کیسه چرمی ریخته در آب
گرم که در آن ذوب شود و بفشرند تا از خلل و فرج چرم خارج شود و جهت اطمینان از خلوص
بهتر است که از آنچه در اقطر کنند ولی اینعمل بسیار خطرناک است و احتیاط و دقت را
بکار آورند و عمل کنند که در مقادیر کم از بخار اشتعالات خطرناک ذوب در
آب گرم کافی است فسفر را غالباً بشکل لوله های مستطیل در آب جوشیده
نگاه دارند

جهت ساختن این لوله ها فسفر را در آب گرم ذوب کنند و لوله بلور دراز
فرو برند و از سر دیگر لوله با دهان مکیده فسفر در آن لوله صعود کند باندازه
که میخواهند پس از آن دهان را از لوله برداشته شصت را بکار آن

گذارند و لوله را در آب سرد جوشیده فرو برند فسفر منجمد شود شصت را برداشته
فرو افتد

اطر فسفری

فسفر	مقدار معین	اطر	مقدار ۴

بنحوی را با اطر خالص کوفتی که بواسطه تقطیر و تجدید کرده باشند الکل که فسفر
شود ولی از آن زیاده آب از آن تقطیر در روی کلرور دو کلسیم بگیرند نتیجه آنکه
محلول اطر و فسفر گاهی باشد و بعضی سهل تر شود بعد که اجزاء فسفر متلاشی
و پراکنده بهم چسبند عاقبت بتوان فسفر را با حالت غبار بسیار نرم کرد بدین نحو
که در شیشه در دار فسفر و الکل ریزند و در حمام مریم گرم کنند و قتیکه فسفر
خوب ذوب شد شیشه را با شدت حرکت دهند تا وقتیکه منجمد شود فسفر حالت
انجماد به آنکه فوراً الکل از آن بریزند و غبار زردی که حاصل شده است باید در آن
اطر شسته و اثر غساله را خارج کنند و شیشه را پر از اثر تازه نمایند و در
جای تاریک گذارند و تا چند روز نگاه کاهی از آن بجنبانند پس از آن اثر شسته
را در شیشه دیگر که از کاغذ سیاه پوشیده باشد از زیر فیلتر آنچه بران جای
تجربه کرده است در هر یک از هفت عشر فسفر است در صد جزء یا به عبارت
اخری هر مثقال ۵۰ حبه که فسفر دارد

روغن فسفری

فسفر	۱	روغن	۵۰

کم وزن روغن را در شیشه در دار ریزند قسمی که پس از ذوب آن تمام شیشه پر شود
با حمام مریم از آن ذوب نمایند و فسفر اضافه کنند و گذارند که باز و در آن بسته با
کاغذی در شیشه و کهن آن جای دهند تا معبر هوا در شیشه شود و بعد
بجنبانند تا فسفر حل شود پس از آن شیشه را از آب جوش بیرون آورند و متصل بجنبانند
تا وقتیکه خوب سرد شود و قتیکه باید کوهست که وقتی که شیشه سرد است که قدری در آب
جوش فرو برند و وقتی هم که بسیار گرم است بالای در آب گذارند و بیرون آورند تا آنکه
سرد شود دوباره در آب فرو برند بدون این وقت شیشه خواهد شکست

روغن دیگر

فسفر	۱	روغن زیتون	۵۰

شیشه را پر از روغن کنند و فسفر اضافه نمایند و مطابق آنچه در روغن
سابق گفتیم در حمام مریم جوش گرم کنند

بیرون فسفر

بسیار مشکل است که بواسطه فسفر را قدری نرم نمود که در بیرون جمع
باز بالاترین از فسفر را در لعاب صمغ عربی صلایه میکردند تا اجزاء آن
پراکنده شود ولی این قاعده معیوب دارد یکی آنکه اجزاء با تقسیم
نمیشوند و دیگر آنکه فسفر محترق میشود باستعمال اطر فسفر در این مواقع بسیار

خوب است خاصه در صورتیکه خواسته باشند مقدار کمی فسفر در دو ضمن [illegible] کوچک باشند اگرچه فسفر در [illegible] از آنچه میشود و انکمی ذرات بسیار خوب است که امتحان باید با روغن میمانند خاصه در صورتیکه باید از [illegible] و دانسته باید نسخه معمول برای آنست

شربت صمغ عربی	مثقال ۱۲۳	عرق نعناع	مثقال ۱۲۳
اتر فسفری	مقدار کافی		

شربت را در شیشه در دار بکنند و اتر را بیفزایند و بواسطه حرکت دادن بهم زدن امتزاج و این را ممزوج کنند عرق نعناع را به دفعات اضافه نمایند و بهم زنند تا ۴ نخود اتر فسفری استعمال میکنند که هر کدام فسفر داشته باشد در بعضی امراض استعمال اتر ناشی مضر است در ضرورت استعمال روغن فسفری انفع است زیرا که از روغن میتوان مقادیر بسیار قلیله در لیمون ریخت تا چنانکه فسفر داراو که در دوا چنین استعمال میکنند [illegible] از [illegible] شربت [illegible] تا طعم [illegible] ناگوار فسفر طعم روغن را شبیه [illegible] میکنند و [illegible] است [illegible] است که [illegible] مسطور ضمیمه نمایند تا آن طعم را [illegible] بطریق

روغن فسفری	نخود ۲۰	صمغ عربی مسحوق	نخود ۲۰
عرق نعناع	مثقال ۲	شیره [illegible]	مثقال ۱۲

با صمغ عربی و [illegible] مثقال عرق [illegible] بسازند و در [illegible] بریزند و در [illegible] روغن

فسفر را

فسفر را در آب درست [illegible] و تا چند دقیقه [illegible] حرکت دهند [illegible] و به دفعات [illegible] و تتمه عرق را بیفزایند و مکرر بهم زنند به طریق لیمون [illegible] با فسفر ساخته میشود زیرا که فسفر در روغن [illegible] است و ذرات روغن [illegible] پاک کنند [illegible]

در این [illegible] خطری نیست و [illegible] شیشه [illegible] لیمون را [illegible] فسفر [illegible] ۵ [illegible] روغن [illegible] روغن [illegible] فسفر [illegible] حل کرده [illegible] لیمون [illegible] فسفر خواهد بود

خمیر فسفر

فسفر	۱	آرد	۱۰
آب جوش	مقدار کافی		

در [illegible] آرد را خمیر کنند و در [illegible] که آب در جوش است فسفر را در آب [illegible] بیفزایند و بهم زنند تا خمیر متحد الاجزا شود

نسخه دیگر

فسفر	۱	آرد	۲۰
پیه	۲۰	روغن گردو	۱۰
قند مسحوق	۱۲	آب جوش	۲۰

آب جوش و فسفر را در [illegible] بریزند و آرد را [illegible] اضافه کنند و پیه را [illegible] [illegible] خمیر [illegible] ممزوج [illegible] کنند [illegible] قند مسحوق را

بیفزایند این خمیر را جهت کشتن موش استعمال کنند زیرا که این حیوانات [illegible] میل این خمیر را میخورند

در [illegible] سیانوژن

در سنه ۱۸۱۴ [illegible] صاحب فرانسوی کشف نمود که اسید پروسیک [illegible] پروسیا تنها دارای جسم مرکب مخصوصی هستند از کربن و ازت آنجسم را سیانوژن نامید تا از اسم آن معلوم شود [illegible] که در فرنگستان معروف است به [illegible]

و از جمیع [illegible] سیانوژن مرکب است از یک [illegible] کربن و یک [illegible] ازت که [illegible] کیمیایی از ترکیب [illegible] یک [illegible] سیانوژن [illegible] خاصیت [illegible] سیانوژن [illegible] که [illegible] عنصر آن [illegible] در [illegible] مفرده است که دارای [illegible] منفیه [illegible] مفرده [illegible] ترکیبات [illegible] که در این ترکیبات [illegible] سیانوژن و [illegible] الکتریک منفیه [illegible] و [illegible] و [illegible] اسید سیانیدریک و [illegible] بدست [illegible] وزن ذره سیانوژن ۳۲،۵ [illegible] مرکب است از [illegible] ازت و [illegible] کربن و علامت آن Cy است

اسید سیانیدریک Cy H acide cyanhydrique

این اسید که باسم اسید [illegible] acide hydrocyanique و اسید پروسیک acide prussique و [illegible] Cyanure d'hydrogène [illegible] معروف است [illegible] از [illegible] سیانوژن و [illegible] و بعبارت اخری [illegible] از [illegible] در [illegible] ترکیب این [illegible] اسید [illegible]

اسید سیانیدریک خالص [illegible] بی رنگ [illegible] بسیار [illegible] است و [illegible] زیرا که [illegible] در ۷ درجه حرارت [illegible] و وزن مخصوص آن در ۷ درجه حرارت است و وزن مخصوص [illegible] آن ۰،۹۴۳۷ است در [illegible] ۲۶ [illegible] معتدل است اگر [illegible] آب بهم زنند [illegible] و [illegible] در آب [illegible] در الکل [illegible] حل شود [illegible] اسید [illegible] ساخته [illegible] تجزیه [illegible] رنگ [illegible] تغییر کند [illegible] تجزیه [illegible] [illegible] ۱۶ [illegible]

از این تجزیه [illegible] معادله [illegible] ۱۲ معادله کربن [illegible] معادله [illegible] سیانوژن [illegible] فرمول

$6 aq C^2, H = aq H^3, aq C^2, H + aq^4 C^{??}, H^2$

اسید سیانیدریک جهة بکارات طبی آلات منقلب معمول است بعضی از اطبا ازا
در درجه اعلی سم استعمال کنند و بخصوصه استعمال آن در امراض عصبانی است چنین
در امراض حکم عصبانی و سیاه سرفه که از اطبا ازا مانند تجویز با قطره در دفع بعضی
قطره یا قرص قرنیه استعمال و فواید کثیره به دهر که از ابکالات خالص در آب استعمال
کنند بلکه همیشه ممزوج است با آب جهة ساختن این جنه قاعده معمول است

قاعده گیلوسک صاحب

سیانور دو مرکور محوق ۳ جوهر نمک ۲۲ ۲

سیانور را در قرع انبیق ریزند و آن قرع را با لوله بزرگی که عرض قرار
داده اند بسته و وصل کنند و در ثلث اول لوله که متصل بقرع است پارچه های
کوچک سنگ مرمر گذارند و در ثلث دیگر از آن پاره از قطعات کلرور دو کلسیم کنند
انتهای لوله متصل است به چوب پنبه که دارای لوله باریک منحنی است که در لوله مذکور
رشته قابله مانند پس از آن وصل کنون لوله با قابله را از یخ پوشانند
و کم کم جوهر نمک را از گلوی قرع داخل سیانور کنند و خوب بهم زنند تا ممزوج
شده و لوله قرع را به هوا کنند و اندکی حرارت دهند ترکیبه کلرور دو مرکور
اسید سیانیدریک شود که در حین تصعید قدری آب و جوهر نمک با خود همراه برد
پس از عبور از پارچه های سنگ مرمر جوهر نمک آن گرفته و ترکیبه کلرور
دو کلسیم و بخار آب و اسید آبکی شود بخار آب گرفته و بعد در کلرور دو کلسیم خشک

در ثلث دیگر لوله دو جامی عبور در لوله عرض جمع شود و تمکیه تنه اکثر از اینکه
منظره در لوله جمع شده عمل را متوقف نمایند و یخ ها را از اطراف لوله
کنده و لوله را قدری گرم کنند تا اسید سیانیدریک از لوله در لوله قابله شود و بعد
مجدداً بقرع حرارت دهند و مکرر این عمل را نمایند

اسید سیانیدریک طبی

این اسید مذکور جهة استعمال در طب با نه بار آب ممزوج شود مطابق آنچه در
کدکس نوشته شده با هر یک کیله آن در شش کیله آب حل شود این امتزاج
را بواسطه ظروف منقسمه مدرج داده و در صورتیکه بخواهند وزناً کنند ممزوج
کنند باید در شیشه دودار مخلوط اسید سیانیدریک با آب را با همدیگر
آب مقطر بکنند و محفوظ نمایند

قاعده لیسنا صاحب

سیانوفرور دو پتاسیک ۱۸ جوهر گوگرد ۹
آب ۱۲

جوهر گوگرد را مطابق معمول با آب مخلوط کنند پس از سرد شدن این مخلوط
از دو قرع انبیق که دارای لوله دراز که واقع است در حمام [illegible] ریخته و سیانوفرور کوبیده
محوق را داخل قرع کنند و با لوله [illegible] منفذ قرع را مسدود کنند
قرع را با انبیق و قابله وصل نمایند و با کاغذ و سریشم درزها را محکم کنند

از ۵ یا ۶ ساعت قابله را در میان یخ نهند و با حرارت ملایم قرع را
گرم کنند این اسید تقطیر شود فرمول اسمی چنین است که ما معادله سیانور تجزیه شود
و در آن سا معادله ۳ معادله پتاسیم و ۶ معادله اسید و ۱۴۰ معادله سیانوژن
است و از شش معادله آب نیز تجزیه شود و پتاسیم [illegible] آمده که با جوهر گوگرد
شود و از آن آب تجزیه شده با سیانوژن سیانور قوه اسید سیانیدریک شود
اگرچه این قاعده [illegible] است و از آن [illegible] اسید آن همیشه
ممزوج است با مقدار آبیکه در هر شیشه مختلف است و کلیمس صاحب نیز معلوم کرده
است که اسید سیانیدریک غالب اوقات تجزیه شود [illegible]
به اسید فرمیک و اماتیاک [illegible] بدین فرمول

$$Az\,C^2,H + 4\,HO = Az\,H^3 + C^2H\,O^3,HO$$

قواعد متعدده دیگری در ساختن این اسید است ولی بواسطه قاعده لیسنا صاحب
را بر آن قواعد ترجیح میدهد

شربت اسید سیانیدریک

اسید سیانیدریک طبی ۵ گرم شربت [illegible] ۷ مثقال

مطابق معمول مخلوط کنند این نسخه از شرح [illegible] صاحب است که مقصود که کس نوشته
شده است و بعضی از دواسازان معتبر این نسخه را قبول نکرده اند زیرا که نسبت
مابین اسید سیانیدریک با آب و شربت بگوز صاحب که معتبرتر

دواسازان عصر خود بوده در شرح [illegible] صاحب [illegible] این مخلوط که اسید
سیانیدریک با آب [illegible] است که هرگز استعمال نشده و نخواهد شد در جمیع معالجه بهتر آن
مقادیر اسید سیانیدریک که جزو شربت شود در آن شربت داخل نمایند کرده باشند
نسخه [illegible] است که [illegible] کم است

لیمونات [illegible]

مطبوخ گل گاوزبان ۱۲ مثقال شربت خطمی ۲ مثقال
اسید سیانیدریک ۵ قطره

هر سه ساعت فاصله یک قاشق از آن بخورند و در حین استعمال شیشه را بهم زنند

غسول اسید سیانیدریک

اسید سیانیدریک ۲۰ الی ۸۰ قطره آب کاهو ۲۰۰ مثقال

مطابق معمول مخلوط کنند این مایع را در رفع خارش و قرحات سرطانی [illegible]
کنند و در سرطان رحم فرو [illegible] نمایند یا اماله کنند

روغن اسید سیانیدریک

اسید سیانیدریک ۲۰ قطره روغن بادام ۶ مثقال

سیانورهای فلزی Cyanures métalliques

سیانورهای فلزی مرکب از یکمعادله فلز و یک معادله سیانوژن که مطابق شرح با
اکثر اکسیدها [illegible] مطابق [illegible] سیانور که معادله سیانوژن با

سطح ... است . اکسیژن که مشهور است که به فرنگی مولد اکسیژن و یک مولد
آهن دارد و سیز کوئید که به فرنگی و نیم اکسیژن دارد همین قسم است سیانور
و پرسیانور دو فرنگی مولد و یک مولد و نیم سیانوژن دارند سیانورهای قلیائی
و سیانور خرات خاکی و سیانور زیبق محلول‌اند در آب و تمام سیانورهای دیگر غیر محلول
اند حموضات با مجاورت آب غالب سیانورها را تجزیه کنند اکسیژن آب
با فلز سیانور اکسید بوجود آورد که با ماده حامضه ترکیب کند و ئیدروژن
آن با سیانوژن اسید سیانیدریک بوجود آورد

سیانور دو پتاسیم — Cy K

این نمک معروف است به سیانیدرات و سیانیدرات ... و پروسیات و
پتاس سیانور دو پتاسیم بشکل مکعب منعقد شود سفید و بی بو است ولی بوی
هوا ... از آن استشمام شود بسبب تجزیه شدن آن از مجاورت رطوبت
و اسید کربنیک هوا طعم آن تند و قلیائی و تلخ است اثر آن در حالت
... است و سمی است لیکن قدری ... است در آب و در الکل کم حل
شود محلول مائی آن را ... در حالت ... سیانات ... کند ولی
آن جزء پتاسیم و سیانوژن جزء دیگر ... که بخار ... را تجزیه
کند بخار اسید سیانیدریک متصاعد شود و قلیه کربنات دو پتاس گردد
معلوم است که رطوبت نیز جزء ... باشد و قتیکه محلول سیانور دو پتاسیم

قوامی آورد ... از آن تجزیه شود بخار اما ... اسید سیانیدریک متصاعد شود و
محلول سیانور تجزیه شده و پتاس محرق و فرمیات دو پتاس و کربنات دو پتاس باقی ماند
بهترین قاعده ساختن آن این است که در قرع اجزائیکه تا اندازه اسید سیانیدریک
ساطع شود قاعده ... ریزند و قرع را ... وصل کنند با لوله که ۲۰ سانتیمتر
طول داشته باشد قرع باید ... بسمت عقب منحرف باشد تا تقطیر که آنچه در کوره
و در لوله ها جمع میشود ... در قرع ریزد و دوان لوله را متصل کنند
لوله که ... ۳۰ الی ۴۰ سانتیمتر طول داشته باشد و مستقیم باشد و آن لوله
پر کنند از کلرور دو کلسیم خشک ... این لوله ... مقصد است بیک منحنی ... از آن
که ... رقابله که ... در آن ممزوج با نمک در لوله قرع لوله ...
نصب کنند باین شکل که ... و ... جوهر کوکو ...
در زیر لوله کلرور دو کلسیم متصل ... که از ... زغال افروخته
در آن نهند و در قابله محلول پتاس خالص در الکل ۹۵ ریزند و این محلول را در
حین ... ساخت در قرع باید مخلوط از مقدار باشد

سیانور فرو دو پتاسیم	۱۰۰	جوهر کوکرد	۵۰
آب	۷۵		

و در قابله محلول عبارت است از

پتاس الکل	۲۰	الکل ۹۵	۱۰۰

پس از اتمام عمل شده وصل را از هم زنند و آنچه در قابله است از پارچه صافی که
دقیقتر ... و در کمال سرعت تفل را در کیسه ... ریخته ... حرارت ... نهند
تا خشک شود و در ظروف ... لبته محکم ضبط کنند الکلی که از پارچه صافی گذشته
باز قدری سیانور دارد باید آن را در قرعی تقطیر کرد تا ... و ... تفل تقطیر را
باید با قدری الکل ... مقدار ... از سیانور ... است ... آن ...
سیانور اول ... کمتر است لیکن اثر آن باید در ... استعمال کرد این قاعده سیانور
بهتر است از قاعده که باید بواسطه حرارت سیانور فرو دو پتاسیم را تجزیه کرد قبل از
که ... این نمک ... تمام آب ... این نمک را خارج کرد ... عنصر آب
و عنصرهای سیانور دو پتاسیم ... و انفعال کنند و بخار شده سیانات ... و
دو کربنات ... متصاعد شود در حالتیکه ... سیانور دو پتاسیم را از سیانور فرو
... باید اول در کرم ... از ... تمام آن از آب ... شود
به در قرع ... و قرع را در کوره ... و ... بواسطه چوب
... شده وصل کرد ... لوله ... قائم الزاویه که سر آن ... در آب ... به
شود و قرع را بحرارت ... ... بخار ... متصاعد شود و صعود ...
را ... بواسطه ... شدن ... در آب ... ملاحظه میکنند پس از آنکه
صعود بخار منقطع شد لوله را بردارند و دهان قرع را بخوبی محکم کنند و گذارند سرد شود
پس از سرد شدن قرع را بشکنند اگر بقدر کفایت حرارت داده باشند ... سفید

منعقد سیانور دو پتاسیم در اطراف قرع منعقد شده است و قدری آهن و زغال
نیز ممزوج است ... این اجزاء از ... قرع را که می
شکنند ... سیاهی ... و آن ... از ... اجزاء و ... از ...
زغال ... باید در ... آن پارچه را در آب حل کرد و ... صاف نمود
و ... تبخیر کرد تا خشک شود بلکه ... و در ظروف ... لبته محکم حفظ کرد
... است زیراکه اگر ... حرارت ... قدری از سیانور آهن دار
تجزیه شود و محلول سیانور دو پتاسیم زرد گردد و اگر حرارت ... از اندازه ... شود
سیانور دو پتاسیم تجزیه شود ... تجزیه شدن سیانور دو پتاسیم کمتر ... است تا
تجزیه شدن سیانور آهن زیراکه ... متعارف ... که ... بیش از
اندازه حرارت ... سیانور دو پتاسیم ... غالبا کربنات دو پتاس ... بولند ...
شناخت ... است زیراکه اگر کربنات دو پتاس داشته باشد قوت ...
آن در الکل ... شود ... رقیقه ... که سیانور دو پتاسیم
... اسید سیانیدریک استعمال کنند ... از ... واجب ... و ... از ...
اجزاء ... تجزیه شود بهترین ... آن محلول مائی است

... نافع ...

آب کاهو	مثقال ۱۲	سیانور دو پتاسیم	... ۱
شربت ...	مثقال ۷		

مقداری محلول‌ها را مخلوط کنند و را به اسید از سیانور خیلی کم بخ در قطره قطره پاک کنند

شربت سیانور و پتاسیم

شیره بکر	مثقال ۲	سیانور و پتاسیم خشک	گندم ۱/۴
آب مقطر	۵ ۲ گرم		

سیانور را در آب حل کنند و مخلوط با شیره بکر نمایند

محلول مسکن

سیانور و پتاسیم	۵ نخود	آب مقطر	مثقال ۲

مقداری محلول کنند این محلول را در خارج جهت رفع اوجاع عصبانی و صداع علاجیه کنند

سیانور و زنگ $Cy_2 Zn$

جسمی است سفید بطیع غیر محلول در آب و محلول در امونیاک و اکراو و طرق بدست آورند آنها که در محلول سولفات و زنگ که عاری از آهن باشد محلول سیانور و پتاسیم ریزند در سیانور و زنگ حاصل شود از آن شوئیده و خشک کنند تا آنکه در محلول کلرور و زنگ جاری محرق ریزند تا در و سید رات و اکسید و زنگ حاصل شود آن رسوب را شوئیده و در شستن آن کلی دقت را بکار آورند و مروج با آب مقطر کنند و بکار اسید سیانیدریک از آن مخلوط عبور دهند تا دیگر مجذوب نشود با مقدار اسید سیانیدریک بیش از اندازه باشد ولی از مجاورت ۲۴ ساعت باید

با درد و با زمین هم اشتمال شود طرز فعل و انفعال دارد قدری سهیل است که محتاج به بیانات نیست و باین فرمول قناعت میکنیم $CyH + ZnO = Cy_2Zn + H_2O$ تا مدتی کنند با حرارت ملایم را در هر حرکه حل کنند و بکار اسید سیانیدریک را در آن داخل نمایند تا آنکه قدری اسید سیانیدریک بدون تغییر بماند قدری که دیگر [illegible]

موارد استعمال سیانور و زنگ مانند سیانور و پتاسیم است یکی از معتبرین اطبای یکی از فرنگ او را [illegible] در امراض دیدانی اطفال و تشنج معده قدر شربت ۵۱ از ربع تا یک گندم در شبانه روز است

سفوف ضد تشنج منسوب به [illegible]

سیانور و زنگ	گندم ۱/۴	منیزی مکلس	گندم ۱/۲
دارچین	گندم ۳		

چهار ساعت بچهار ساعت بنوشانند

سیانورهای قلیائی

سیانورها میتوانند با یکدیگر مرکب شوند و در آن ترکیبات یک سیانور قلیائی و سیانور دیگر فلزی است مشهد سیانور از ترکیبات سیانور قوامی است که سیانور دار ژاون آن بکار بسته است [illegible] اکثر [illegible] منغنه است و سیانور [illegible] و سیانور فرات سیانورهای قوامی هستند که سیانور زیبق و آهن دارند است

سیانور و آهن سیانور است که غالب جزء سیانورهای قوامی شوند و همیشه در مجموع بنفش واقع میشود که نسبت سیانوژن آن بسیانوژن سیانور دیگر مثل نسبت یک است به ۲ قسمی که فی الحقیقه ولیه سیانور قوامی میشود نسبت مقدار [illegible] است این ترکیبات را بجنس این قسم می نامند مثلا که میان سیانور و فرو پتاسیم و فرو سیانات و پتاسیم و یا سیانات [illegible] قوامی آهن بسی تعلق میگیرد به سیانور و قوام آهن و پتاسیم فرو سیانات که بسیار قابل ملاحظه اند زیرا که معرفین شیمیا یا هیچ وجود آهن را در آنها نمی توانند معلوم کنند چنانچه با قلیات آهن [illegible] که سید و با سید رژن سولفور و [illegible] سولفور و باطلی [illegible] تمامات در دو شود فقط که سیانور قوامی آهن و سرب را با سید رژن سولفوره مجاور کنند که سرب را بحالت سولفور در آورده و سید رژن با سیانوژن سیانور و پتاسیم اسید سیانیدریک ثابته و آن اسید مرکب شود با سیانور و فرو تولید یک سیانور قوامی حقیقی نماید زیرا که اسید سیانیدریک که سیانور و سید رژن است در برابر سیانور آهن سیانوژن داده این جسم مرکب را اسید فروسیانیدریک و اسید سید فروسیانیک نامیده اند در جزئی که مجاور [illegible] شود سیانور و سید رژن با اکسیژن [illegible] تولید آب نماید و با فلز آنها تولید سیانور کند که با سیانور آهن مرکب شده سیانو فرات [illegible] قلیائی و خاکی در آب محلول اند و [illegible] سیانورهای قوامی دیگر غیر محلول اند بعضی از آنها آب جزء ترکیب آنها میشود و در صورت مقدار آب کمتر است که اکسیژن آن [illegible] تمام فلزات را اکسید

کند و تمام سیانوژن از اسید سیانیدریک [illegible] فروسیانات قلیائی و خاکی آب انفصال خود را در خلاء از دست دهند یا آنکه بحرارت ملایم [illegible] از آن بر دارند [illegible] سیانورها که آب انفصال دارند بسهولت دست از آن بردارند و با [illegible] درجه حرارت آنها را مرتفع کنند و در صورت تجزیه شود و اکسیژن آب آنها فلز آن سیانورها را [illegible] سید رژن آن با سیانوژن اسید سیانیدریک [illegible] حاصلات فروسیانات که اسید سیانیدریک و [illegible] تازه کنند و [illegible] در فرو آنها بدون تجزیه شدن از آن [illegible] جدا شود

سیانور و فرو پتاسیم صفراء

$$FeCy, 2KCy + 3aq$$

سیانو فرو و پتاسیم جسمی است جامد و منشوری زرد رنگ که [illegible] بحرارت ملایم در مجاورت هوا و بی حرارت در خلاء شکفته شود [illegible] آب انفصال خود را از دست دهد و [illegible] رنگ آن سفید شود آب [illegible] بحرارت [illegible] است متصاعد شود و بارچه سیاه [illegible] که مخلوط است از سیانور و پتاسیم و کربور و [illegible] فرو [illegible] در آن اثری [illegible] از محلولات املاح را وارد کند با رنگهای مختلف [illegible] معرف [illegible] محلول جمیع املاح در با سیانورهای قوامی غیر محلول اند این سیانور را در صنایع و کارخانه جات بجهت رنگ سازی

جهت ساختن آن براده آهن و پتاس و یا از مواد حیوانی که بهترین آنها خون
خشک شده است مخلوط نموده حرارت شدید دهند آهن سیانور در طب بعضی ترتیبات
سبب تنگی کاران است که معروف کرده بسیار است و در کارخانه جات و انبار
همیشه بکار است

نیل رومی bleu de prusse

این جسم را چند اسم است چنانچه آنرا سیانور دو فر cyanure de fer
و سیانو فرات فریک cyanoferrate ferrique و
سیانور فرزو فریک cyanure ferroso-ferrique و
سیانور دوبل دو فر هیدراته cyanure double de fer hydraté
و غیره نامیده اند نیل رومی اول سیانوری است که کشف شده است سه قسم آن در
بازار یافت شود نیل رومی خشن و نیل رومی محلول و نیل رومی نرگ
۱ نیل رومی خشن ترکیب است از سه سیانور دو فر و یک سیانور فرو در محلول
متعادل سیانور ... برابر سیانور پست سیانور است و قاعده سیانو
ها قرار از سیان رفته نیل رومی تیز آب بانحطاط دارد و اخراج آب را از د
نمیه در حرارت شدید و در نهایت قدری از آن تجزیه میشود جامد است رنگ
آن بسیار قشنگ دارد و بطعم و بدبو است با حرارت تجزیه شود در آب و ... سیانا
دارا ... ترکیبات دارا ... از آن متصاعد شود و ... غیر محلول است

ابر

در آب و در الکل و در اتر نیز حل نشود پتاس و سود آنرا تجزیه کنند و تولید سیانو
فرو نانید اکسید آهن نیل رومی را در حالت جوش تجزیه کند و تولید سیانور
آهن نموده اکسید آن فرو رود نشود
۲ نیل رومی محلول وقتیکه محلول یکی از املاح پروکسید آهن را در محلول سیانو فرور
پتاسیم ریزند بقسمی که همیشه مقدار آن ... داشته باشد رسوبی
شود که در آب محلول ... حل نشود ولی در آب خالص بخوبی محلول گردد و ترکیب است
از دو معادله سیانو فرور پتاسیم و سه معادله نیل رومی خالص
۳ نیل رومی نرگ وقتیکه سیانور فرو را مدتی در هوا گذارند اکسیژن
هوا جذب یک قدری آهن آن شود و آنرا اکسید کند و سیانوژن آن متدرجاً تجزیه شده
با قدری سیانور تولید بی سیانورها که با تمام سیانور تولید نیل رومی نماید
ولی این نیل همیشه اکسید آهن را با خود دارد که کم کم به ترکیبات دیگر میشود
سیانور نرگ در ... نیل رومی متعارف است در آب حل شود و بالطبع
افزودن الکل ... نیل رومی را در صنعت ... اول
و خون را ... تقلیس میکنند و ... املاح ... عکس را تجزیه کنند
در ... نیل رومی است ولی ... قدری سیانو فرسفید ...
است آهن سیانو فرسفید را ... تا آنکه وقتی که نیل رومی
را خواسته باشند ... استعمال کنند نیل را ... تصفیه میکنند بطریقی که ...

کوبیده با جوهر نمک یا جوهر گوگرد بسیار رقیق مخلوط کنند حاصلات الوان کیمیا
در خرابه ... را حل کنند ... مدتی ... بشویند و خشک کنند نیل رومی را
چند کنند جهت قطع حمیات استعمال کرده اند و نیز در امراض عصبانی معمول است

بادام تلخ amandes amères

بادام تلخ از حیثیت خواص دوائی متعلق است به ادویه سیانوژنیه و هرچند اسید
سیانیدریک در بادام تلخ بالطبع موجود نیست ولی معلوم خواهیم کرد که خاصیت آن
... از بادام تلخ و روغن فرار که از حیثیت خواص مشابه است ... تولید
اسید سیانیدریک است و خاصیت ... نیز ... جوهر است لهذا این
دوا را در فصل سیانور ذکر نمائیم بادام تلخ متعلق است بطایفه Drupacées
... که شعبه ایست از طایفه بزرگ رزاسه rosacées و مرکب است
از دو جزء ثابت ... synaptase
نیز نامیده اند و امیگدالین amygdaline ... بادام و ...
صمغ و ... طایفه ... از حیثیت خواص مشابه بادام تلخ
و ... تجزیه واقع شده ... از حیثیت
تجزیه ... و در ... جوهرات ...
... روغن ... از این ... روغن ...
از ... بادام تلخ ...

بالطبع

بالطبع در بادام تلخ موجود نبوده چنانچه اگر بادام کهنه خشک را فشرده روغن شیرینی
بدست آید و حال آنکه اگر بادام دارای روغن شیرین و روغن فرار ... موجود
... از ... حرارت موجب تولید این
جوهر ... از ... که ...
تولید این جوهر بواسطه رطوبت است ... استعمال ...
... بادام تلخ را در الکل و اتر ...
... بادام تلخ ...
... نیست ... و الکل ... جوش ...
... که ... از محصولات الکل
... بادام تلخ ... از ...
رطوبت ... بادام تلخ گرفته ... از ...
emulsion ... بادام تلخ ... منعقد که میتوان از بادام
گرفت و آنرا امیگدالین نامیده اند
امیگدالین ماده ایست سفید و منعقد که ... بادام تلخ
... در آب ... حل شود در الکل سرد کم و در الکل ... محلول است
ولی در الکل مطلق بدون حرارت ... بسیار قلیل از آن حل کنند مرکب است
از ... ۲۲ ... ۲۰ ... وقتیکه در آب منعقد شده ...

داده و دراین صورت بشکل منشورات مستطیل جریر مانند منعقد شود و در صورتیکه
در محلول الکل منعقد شود کنند بجای محلول آب انعقاد قبول کنند و در این صورت
بشکل لوزنمائی کوتاه [illegible] از این منعقد گردد قلیا نباتات عرق از تجزیه
نمیه تولید اما نیاکو والیه امیکدالیک ac. amygdalite
کنند و جز عنصر آب سیب این فعل و انفعالند

جهت بدست آوردن امیکدالین بادام کرچه را با الکل ۹۴ درجه بدست جوش کنند
و از پارچه صاف نکرده راند و تفاله را فشرده مایع که از آن حاصل میشود غالبا و در این
میه هرکه باید چه الکل و آن مایع را که صاف کنند و گذارند چند روزی بماند
قدری امیکدالین منعقد شود اما باید الکل را تقطیر کنند تا قلیله انها ته بس شود و غرض
با اثر کننده امیکدالین در روی شود در هر کاغذ به لعاب جمع کنند و بفشرند تا تمام
باقی روغن جرب آن خارج شود با اتر آنرا بشویند و در الکل جوش قرص کنند
قدراز سرد شدن امیکدالین منعقد شود

سفید بی تازکه بعبارة اخری امولسیون مانند کلات شده است را با البومین داده
تا خرنگلی و کثیف و تحت است غیر محلول در آب و محلول در الکل است محلول او
در درجه حرارت منجمد شود و از این حیثیت شبیه است با البومین چنانکه بعضی
از حکما فرض برانند که این ماده نوعی است از البومین خاصیت مخصوصه آن
این است که مانند فرمان در امیکدالین اثر کند و آنرا تجزیه کند بهر جا با هم کنند

تولید جوهر بادام تلخ واسطه مایعیکه دهد و [illegible] در علم شیمی چنانچه گفته اند که بجز [illegible]
و انها فرض کرده اند که یک ماده فرضی جهة موجود است که از این نیز [illegible] benzoyle
نامند و او مرکب میشود با اکسیژن و کلر و برم و امثال اینها و جواب مختلفه ترکیب
آورد و بنزوئیل مرکب است $C^{14}H^{5}O^{2}$ و مشتقات آن عبارتند از
جوهر حسن لبه که مرکوم است باسیه بنزوئیک و بنزوئیک لیک درجه عبارت است از یک هیدروژن
بنزوئیل و هیدرات له کسیژن و جوهر بادام تلخ که مینامند روبنزوئیل نامیده که عبارت است
از هیدرات له بنزوئیل و هیدرات له نیه ژن و کلرور و برمور و ادولغور بنزوئیل جوهر بادام
تلخ بواسطه مجاورت هوا اتبدیل بجوهر حسن لبه شود بجهت که هر دو که جذب میکنند
و نیه ژن آن روغن را بمحترق نموده تولید آب مینماید

بجهت ساختن جوهر بادام تلخ بادام تازه فشرده را کوبیده و قدری آب سرد خوب بهم
که خمیر نرم شود و مدت ۲۴ ساعت در دیگ ۲ ب تقطیر گذارند بخیسند و بعد از آن
سرپوش دماریچ را با آن بسته و وصل کنند و بواسطه بخار آبیکه در دیگ دیگر جوش آید
انرا ع الاتصال در قعر دیگ تقطیر بخار وارد کنند تا وقتیکه حاصل تقطیر شیر مانند باشد
و هر حاصل تقطیر را در قابله مخروب بطوریکه ضبط کنند که از اکثر محصولات
راجع بمعنی جوهر بادام تلخ که روغنی است سنگین در قعر ظرف جمع شود آنرا جدا
کنند و عرق که از آن با تمامه جمع و تقطیر کنند چنین روغن بادام تلخ زرد رنگ
است و همیشه قدری جوهر حسن لبه دارد و ماده دیگر منعقد دارد که گاهی بواسطه

بخار از آن جدا میشود و بنزوئین که ماده ایست جامد و بابو و از حیثیت ترکیب
طبیعت شبیه است با جوهر بادام و اسید پروسیک دارد بعضی از سمیت آن قائل
بوده اند که تولید این اسید بمرور از تجزیه شدن روغن میشود در هر صورت وجود
این اسید مانند خواص دوائی روغن بادام تلخ است این روغن خالص نشده و دوائی
بسیار قوی است که خواص طبی آن مانند اسید پروسیک است لهذا باید آنرا
کمال احتیاط استعمال کنند زیراکه احتمال سمیت آن زیاد است

عرق بادام تلخ نیز معمول است و بنا بر تجزیه یکی از معلمین در ۱۰۰ مثقال آن
عرق ۰٫۰۳ میلیگرم اسید پروسیک خالص است که معادل است با ۱۲ گرم
اسید طبی این عرق را مانند مقویات در بعضی لیمونادها و جلاب ها استعمال
کنند و لکن غالبا عرق غار البالوئی مطلوب تر است زیراکه از حیثیت طعم
گوارا تر است

غار البالوئی laurier - cerise

این گیاه نیز متعلق است به نباتات طایفه وردئیاسه و دارای اسید سیانیدریک
و اینکه روغن فرار است که بالطبع در آن موجود بود و اکثر فی ماده خصائص
و ماده تلخ مخصوص دارد و این اجزا در اغلب نباتات طایفه مذکوره
وردیاسه موجود است غالبا عرق برگ این نبات معمول است بجهت کشیده عرق آن
که بفرانسه l'hydrolat de laurier - cerise و او دیستیله [illegible]

eau distillée de laurier - cerise نامند برگها
قطعه قطعه کنند و در دو من بفشرند و در دیگ بخار تقطیر ریخته با آب تقطیر کنند مطابق
که کس از یک جزء برگ دو جزء عرق گیرند و در صورت ما ما میشود بسیار قوی و باید با کمال
دقت و در جای فرار از آن اجتناب کنند زیراکه سمی است بسیار شدید

روغن غار البالوئی

عرق غار	۳	روغن بادام شیرین	۴
موم سفید	۱		

این روغن را بعضی از اطبا در رمد های کهنه و در زخمهای سرطان متقرح استعمال کنند

روغن زمس

جوهر غار	۱	روغن ساده	۸

مطابق معمول مخلوط کنند جهت التیام و رفع زخمهای سرطانی بکار برند

املاح پتاس

بدون استثنا تقریبا تمام املاح پتاس محلول در آب اند و محلولات غلیظ آنها را اگر با جوهر طرطر
بیامیزند در وطرطر منعقد بلوری شود و اگر آنها را با محلول کلرور پلاتین ممزوج کنند پس از
چندی تولید راسب زرد شود کلرور دوبل پلاتین و پتاس در دو وزن کلرور و پتاسیوم
پلاتین دهد

کلرور پتاسیوم chlorure de potassium

این نمک مرکب است موریات د پتاس muriate de potasse
و نیز کلرات یا کلرهیدرات د پتاس hydrochlorate ou
chlorhydrate de potasse و نمک قاطع الحمی سیلویوس
sel fébrifuge de sylvius و غیره و نمک آن sel
است بلوری و منعقد شود بشکل مکعبات چهار زاویه که آب انعقاد ندارد
طعم آن شبیه است به نمک طعام و مادی حرارت در آب محلول است و در الکل
بسیار کم حل شود از یک الی سه کم ازامانه محلل استعمال کنند اجداد و اطبا از جوهر
نمک و کربنات د پتاس قلیان بدست آورند و ما در وقت ساختن جوهر طیار از
تبخیر یا یکدیگر از ترکیب طرطرات و ... حاصل میشود قدری کلورور د پتاسیوم در جا
حاضر است مرآنکه از ساختن آن مستغنی اند

سولفات د پتاس sulfate de potasse

این نمک معروف است به نمک دو اثر sel duobus و جوهر
کوکرد فرمول آن ... است آب انعقاد ندارد سفید و بلوری است طعم آن
تلخ و کره است بشکل منشورات مسدس کوتاه منعقد شود در آب سرد کم حل شود
آب ۶۳ ر ۸ در اجزا حل کند در صفر درجه و از افزایش هر درجه حرارت
۱۷۴۱ ره بیشتر حل شود تقسیم که در ۱۰۵ + ۲۷ ر ۲۵ آن حل شود در الکل
بکلی غیر محلول است در طب از امانه مسهلات از ده الی شش مثقال استعمال

کنند جهة از دیاد شیر زنان مرضعه معمول است
سولفات د پتاس خالص فراوان است و ما اجداد و اطبا از ترکیب کوه
جوهر کوکرد و کربنات د پتاس قلیان بدست آورند

بی سولفات د پتاس bi sulfate de potasse

نیز مته اول است که از ابقای جوهر طرطیر جهة ساختن اسباب منجر استعمال کنند
و ان نمک است بسیار ترش کثیر الانحلال در آب و در هوای مرطوب جاذب
الرطوبه بهترین طرز ساختن آن اینست که در کپسول چینی در دیگ چینی
سفید تمیز ده جزء جوهر کوکرد متعارف ریزند و کم کم صد جزء سولفات
د پتاس خشک بیان افزایند و حرارت دهند و مع الاتصال بهم زنند و چندی که
آن مایع منعطف زیاد بیند اکبر ظرف را از روی آتش بردارند و بهم زنند تا
سرد شود به این طریق بی سولفات د پتاس دان وان بدست آورند که بسیار
مناسب استعمالات طبی است آنرا در ظروف دهان بسته حفظ کنند

کلرات د پتاس chlorate de potasse

این نمک نیز آب انعقاد ندارد و بیرنگ است طعم آن خنک و تند است
بشکل تیغه های رقیقه منعقد شود در آب گرم خیلی بیشتر از آب سرد محلول است
چنانچه در حرارت متعارفه صد جزء آب تقریبا ۳ جزء آنرا حل کند و در
۱۰۵ + صد جزء آب ۶۰ جزء آنرا محلل ... اگر مخلوط با جسام

قابل الاشتعال مخصوصا ضربه زنند انفجار کند شدت و تمامیوس حاصل شود
از این باب باید همیشه در وقت ساختن دواها که کلرات د پتاس ممزوج
دارد صرف نظر از این خاصیت نکنند و ملتفت باشند و علاوه بر این اگر کلرات
د پتاس را با اجزا ممزوج نمایند بهتر است از امتزاج صلابه کنند یا بخصوص خیلی
تند زنند فقط آورند و گرنه احتمال زیاد دارد مولد استعمال آن
در طب کم است آنرا در ... وسواس امراض کوفتی استعمال کنند
محلول آنرا در خارج جهة حال کهنه قروح مزمنه استعمال کنند مقدار آنرا در
ممنوع نمیداریم و در استعمال کردن هر یک از آنها مریض آنرا در
۶۰ یا ۵۰ گرم شربت قند محلول نموده هر ساعتی نصف قاشق بطفل دهند
کلرات د پتاس در امراض دهان خاصه صحه که و اطبا استعمال نمودند حتیه عارض
شده استعمال میکنند

جهة ساختن کلرات د پتاس کلر را داخل محلول کربنات د پتاس خالص که ۳۰ میزان
انتصف شده ده کنند تا به اشباع رسد و در این وقت رنگ آن زرد تیره شود
بهتر آنکه ظرفی است که در آن تولید کلر نمایند و ظرف ... محلول قلیا را
دارد که داخل محلول پتاس میشود باید دهانه وسیع باشد و گرنه مسدود میشود بواسطه
کلرات د پتاس که تولید شده و از لوله شیشه یک مثلثه اینی داخل کنند که سر کج
داخل و تقسیم که در شعبه متوازی بنا کنند که هر آن تیغه را حرکت دهند تقسیم که

سر لوله دهان لوله را باز کنند در حین ورود بخار کلر مشاهده شود که در درون ظروف
دوان عبارت است از کلرور د پتاسیوم که مخلوط است با بی کربنات د پتاس و پس
از آن کلرات د پتاس منعقد شود که با کلرور د پتاسیوم مخلوط میماند کلر و کربنات
د پتاس اثر میکند و قائم مقام اسید کربنیک آن میشود و آن اسید کربنیک از کربنات
د پتاس تجزیه شده تولید بی کربنات د پتاس نماید و این بی کربنات نیز هر قدر که
کلر زیاد میشود تجزیه شود از اثر کلر در د پتاس اول تولید اسید کلریک د پتاس و کلرور
د پتاسیوم شود پس از آنکه مقدار کلر در آن محلول زیاد شد اسید کلریک محدود
متحد از دیگر کلرور د پتاسیوم شود و تولید کلرات د پتاس نماید میتوان این عمل را
بواسطه این حرارت ۸۰ تا ۱۰۰ درجه بعمل و سریع تر نمود و در این حالت
قدری از اکسیژن تلف میشود و قتیکه عمل کلر بانجام رسید رسوب منعقد است
آنکه مخلوط است از کلرات د پتاس و کلرور د پتاسیوم و در مایع بیشتر
کلرور د پتاس مخلوط با اندک کلرات د پتاس و مقدار زیادی کلرور
د پتاسیوم باقی میماند این رسوب را در قیف ریزند تا یاد قابل نگاه و در ظرف
ریک وسفال بجوشانند تا بیرون کلریت آن بر طرف شود و گذارند سرد شود نمک
که منعقد میشود جمع کنند و آب آنرا هم در ریزند نمک را در حالت مرطوب بکشند و در
برابر وزن آن آب حل کنند بواسطه قلیان پس از سرد شدن کلرات د پتاس
منعقد شود که تقریبا خالص است و چنانچه حل و عقد را مکرر نمایند خالص تر شود

خواص آن در دو کردن مجلد سنگ جهنم است در بسیاری از کارخانه‌های فرانسه که چون
بواسطه کلرات دوشو و کربنات دوپتاس با کلات حرارت کلرات دوپتاس را
میسازند کلرات دوپتاس بازاری غالباً خالص نیست و اغلب کلرور دوپتاسیوم دارد
در خصوص مجلد سنگ جهنم در دو چینی بکش و چون آب بدو که در جوهر شوره عرق
محلول و در جوهر نوشادر محلول است و گاهی شوره ممزوج کنند در آن صورت
قدری از آن را با آب و قراضه مس مخلوط کنند و چند قطره جوهر گوگرد بیفزایند
بخارات زنگ نارنجی متصاعد گردد و حال آنکه کلرات خالص بخار زرد
کم رنگ کمیته در کلر متصاعد کند

ازتات دوپتاس KO, AzO^5 azotate de potasse

این نمک آب تبلور ندارد و سفید رنگ است و طعم خنک دارد و منشعه شود بشکل منشورات
[illegible] در هوا فاسد نشود در آب گرم بیشتر محلول است تا از آب سرد چنانکه صد جزء
آب در صفر درجه ۱۳ و در ۱۸ درجه ۲۹ و در ۴۵ درجه ۷۴
و در ۱۰۰ درجه ۲۴۶ جزء از آن را حل کند در الکل خالص بکلی غیر
محلول است در طب بسیار استعمال شود مقدار دو سه نخود تا ده نخود به این مقدار مدر
است و دافع عفونت دم است و مقدار زیاد آن که در نیم تا هفت مثقال باشد
مسهل است و صورت دوائی آن متعدد است خالص آن در بازار یافت شود
باید اطلاع نظر را در دو کنه تا علامت عاری بودن آن از نمک طعام بیند

خالی از آن بواسطه تکرار حل و تبلور خالص میکنند و گاهی از آن ذوب کنند و مثل مهره
نامند جهت امتحان شوره را در بوطه مخصوص که معروف است به بوطه حس ذوب
کنند و در ظرف نقره مسطحی ریزند و منجمد نمایند بجهات منجمده تا چه‌های نازک
در نمک در آن ظرف گسترده شود این شوره بیچیده با شوره متعارف تقلبات دیده شود
لیته و این عمل خالی از منفعت است متفقا بین شیمی‌دان معتبر میکردند جهت خالص
کردن شوره در ارطا بهار خاک که بواسطه حرارت تجزیه شود
غیر مستعمل است با آن جوهر گوگرد و زاج نفیه زاج سبز ساخت گردد و در لغات دوا فرنگی
و جوهر ربع

کربنات دوپتاس

در شیمی دو نوع کربنات دوپتاس معمول است کربنات دوپتاس خنثی [illegible] و دو
کربنات [illegible] ۲، ۰ [illegible] در طب بکربنات معمول است کربنات خنثی نمک است
زود لیمو و بسیار خوش رنگ بطعم کره و تلخ و بسهولت انحلال پذیر و در حرارت متعارف
در ۸۳ جزء آب حل شود و در آب جوش بیشتر مقدار محلول است
بی کربنات دوپتاس بشکل منشورات مستقیم الزوایای کوتاه منعقد گردد و رنگ آن قرمز
ندارد طعم آن تلخ و قلیایی است در ده جزء آب سرد حل شود و در آب جوش
خیلی زیاد محلول است اب انحلال ندارد و در هوا فاسد نمیشود بواسطه حرارت
بکربنات تجزیه شود و از آن جهت احیای فروعات غذایی استعمال کنند و بعضی جا

محلول غلیظ از آن جهت بر داشتن بعضی لکه و گاه ذوب شده آن را کوفتی استعمال کنند

استات دوپتاس $KO, \bar{A}$ acetate de potasse

استات دوپتاس دارای آب انحلالی نیست و متوانه بشکل تخریرات کوچک لوزی منعقد
شود رنگ آن سفید و طعم آن نمک است بسیار جاذب الرطوبه است و بمحض مجاورت هوا
رطوبت از آن جذب نماید و به همین سبب است که در این صورت مستعمل است در آب
نیز مقدار زیادی از آن را حل کند در طب مانند مدرات و خاصه مانند محللات مستعمل است
و مخصوصا از آن در امراض صفراوی از قبیل یرقان و [illegible] استعمال و تجویز کنند
بیاز ۱۰ تا ۲۰ نخود از آن بلکه بیشتر استعمال شود و چند روز مواظبت کنند
جهت ساختن آن کربنات دوپتاس خالص را در آب مقطر حل کنند و کم کم جوهر سرکه بر آن بیفزایند
تا از جوش بیفتد بلکه قدری جوهر سرکه زیادتر از اندازه بریزند و این محلول را در ظرف
نقره حجم آورند تا کیفیت آن نصف شود قدری ذغال حیوانی به آن بیفزایند
و چند دقیقه بجوشانند و صاف کنند و قدری جوهر سرکه بیفزایند که محلول حموضت پیدا
کنند و تبخیر نمایند و [illegible] محلول [illegible] کفایت [illegible] منعقد [illegible]
باید [illegible] کش آن [illegible] کرد و تبخیر [illegible] که [illegible]
خارج شود بلکه [illegible] رطوبت نیز که از [illegible] در [illegible]
[illegible] خوب خشک شود و [illegible] در ظرف کنند و [illegible] ظرف را در [illegible]
[illegible] این استات دوپتاس را از [illegible] سرکه مقطر و [illegible] کربنات دوپتاس

واست می‌آورند و نمک را در سرکه میریختند نه آنکه نه آنکه سرکه را در جوهر نمک ریزند
زیراکه ماده قلیائی اثر در ماده اسید که در سرکه مقطر است کنند با وجود این استات
دوپتاس بقیه است نمایند استات دوپتاس بازاری بواسطه تجزیه استات دوپتاس نا
دوپتاس است می‌آیند و گاهی بکار ساخت استات دوپتاس استعمال میکنند در صورت
دوران زیاد متحیر است زیراکه بیندارد این کنه [illegible] خالص است جهت رفع اشتباه
قدری از آن را در آب مقطر حل کنند و بکار نیترات دوپلومب ریزند و اگر بر آن محلول
اگر از اطلاع مرکب مخلوط آن مانند [illegible] در دو سیاه خواهد کرد و غیر مستعمل است

قرابه از [illegible] مهره [illegible]
واطلاع کیمیا صحیح

طرطرات دوپتاس tartrates de potasse

در طب دو طرطرات دوپتاس معمول است طرطرات خنثی و طرطرات اسید

طرطرات اسید tartrate acide

معروف است به طرطیر crème de tartre مرکب است از کمیاد
پتاس و کمیاد و آب بدین فرمول $KO, \bar{T}, HO$ که یا است برنگ و بدبو طعم
ترش در زیر دندان صدا کند ترتیب وانهار منعقد آن مغشوش است و ما بین تبلور
غبرات است اما همیشه از مشتقات آن کثیف است طرطیر در آب سرد بسیار کم حل
شود یک جزء آن ۹۵ جزء آب لازم دارد و در آب جوش پانزده جزء لازم است در
الکل غیر محلول است در طب مقدار کم مانند مبردات مستعمل است و مقدار زیاد از دو تا هفت
مثقال مسهل است و جهت ساختن بسیار از اطلاع مانند طرطرات‌ها قوام معمول است

وانچه در بازار مستعمل است طرطیر مخلوط است از بی طرطرات پوتاس و طرطرات
دوشو که چون اکثر آن محلول است ولا از ملاح بیتفاوت ظاهر معروف است که میرزا باش
مغشوش کرده اند و بواسطه آب جوش میتوان کشف این غش را نمود

طرطرات خنثای پتاس tartrate neutre de potasse

$A + 2 KO$

نمک است سفید بطعم تلخ و گاه بشکل منشورات مستقیم الزوایا منعقد شود و دارای آب
انعقادی نیست و در هوا رطوبت پذیر است و البته از بی طرطرات پوتاس محلول تر است
چنانکه در چهار جزء آب سرد حل شود و تقریبا در آب جوش بهر مقدار محلول است و محلول
آن بواسطه اضافه حموضات کدورت پیدا کند زیرا که قدری طرطیر را در ظرف از
نمج تامه تخم او مانند مدرات و محللات معمول است و از نیم تا هفت مثقال
آن مسهل است

جهة ساختن آن در پاتیل ابرا بجوش آورده و ربع وزن آن طرطیر خواهند و کم کم
کربنات پوتاس خواهند تا بجهة اشباع آن مخزن دارکاغذ صاف از گنه صاف کنند و تا چه
خشک در باطیه نقره قوام آورند

طرطیر محلول Crème de tartre soluble

نمک است سفید بطعم ترش انعقاد پذیر تقریبا بهر مقدار در آب محلول طرز ساختن
بگیرند

طرطیر مسحوق	۴	اسید بوریک منعقد	۱
آب	۲۴		

در باطیه نقره با حرارت حل کنند و حرارت دهند تا منعقد شود و بالاتصال
بهم زنند در کرم کردن بخشکانند در ظرف بسته مسهل بجای طرطیر استعمال کنند و ترجیح او
بر طرطیر قوت انحلال است اگرچه مقدار آب کم باشد و درجه حرارت نزول کند
قدر شربت آن از سه تا هفت مثقال است و بر حسب الطبع میتوان از اثر مزج و معطر
کرد در خارج از نامبرده ۱۲ مثقال در یک لیتر آب جهة غسول از برای قرحه و جلد
استعمال کنند

بی کسالات پتاس oxalate de potasse

این نمک معروف است به نمک ترش sel d'oseille و از املاح
اسیدیه است در چهل جزء آب سرد و سه جزء آب جوش حل شود و در صورت قرص
آن معمول است

قرص آن pastilles sel d'oseille

بی کسالات پتاس	گرم ۱۲	قند سفید	گرم ۵
کتیرا	گرم ۵	آب	گرم ۴۴
عطر لیمو	قطره ۱۶		

اقراص ۱۲ گرمی بزنند و در ظروف دهان بسته حفظ کنند

املاح سود

املاح سود بهیچیک از معروفترین شیمیائی در دوره نامه و بواسطه امتزاج با بیکاربنات ها که
از انها است اشتها نشود و این صفت ممیز است از املاح پوتاس در بی بوجه بی طرطرات
منعقد طرطیر نده و بمحلول کلرور پلاتین سفید نیز رسوب نده و این از جمله بینه امتیاز است
از املاح آمونیاک و مابین املاح سود را باب کنند

نمک طعام na cl

این نمک مرکب از دو جزء است از عناصر طبیعت است سه جزء از مرکب
است از ۳۹,۶ سدیم و ۶۰,۴ کلر دارای رنگ و بو نیست طعم آن شور و مطبوع
است بشکل مکعب منعقد شود بدون آب انعقاد سه جزء آب در ۳۵+ یخ
جزء از آن حل کند و در ۱۰۵ ۳۹,۶ محلول شود در الکل غیر محلول است
ولادر عرق مقطر رقیق حل شود در طب در دواها مانند و اکثر استعمال کنند و بیادر
غالب از نهار مصنوعی نمک را داخل مانند و استعمال محلول آن محرک ضعیف است و در محققه
سه از نمک را قدری بریزند که تقریبا شبیه به آب دریا شود در استحمامات تقریبا
ولیت مثقالی نمک میریزند نمک طعام ساخته بالطبع مقدار زیاد در اماکن مختلفه و حوض
متعدد و یافت شود در فرنگستان غالبا این نمک را از آب دریا میگیرند و انرا
متبلور کنند تا دیگر در اماکن منعقد و جبب جمع گردد آن بکار رفتن است و اضافه
است که خیلی ماده منعقد است ولی بعد دیگر نیز دارد و آن ارتفاع درجه

حرارت است تا آنکه آبیه که غالبا جزء املاح خاکستری رنگ است بر طرف شود و کمی
از بعضی بعضی از بیتفاوت تجزیه و آب بواسطه کنوار صاف و جهة تصفیه کنند

سولفات دو سود sulfate de soude $NaO, SO_3 + 10 aq$

این نمک معروف است به نمک گلوبر sel de glauber جسمی است
بی رنگ و بی بو طعم تلخ و گاه بشکل منشورات مسدس که منتهی شده اند بر رئوس منعقد
شوند و لا تقریبا همیشه دانها منعقد بلدی پیچیده و شکل را مغشوش کنند بهوا است در
هوا شکفته شود و تمام آب انعقاد آن خارج گردد و در صفر درجه حرارت سه جزء آب
۲۰ ر۰ از این نمک را حل کند و در ۳۳ + ۵۰,۶۵ و در ۱۰۳ درجه
۴۲,۶۵ از این نمک را محلول می‌نماید معلوم میشود که درجه اعتدال این نمک در آب
۳۲ + بیشتر است از سه درجه در الکل بهیچوجه حل نشود از ۸ تا ۳۰ گرم آن
مسهل است و لا غالبا بمسهلات دیگر آنرا شریک کنند بالطبع در بعضی از آبهای
معدنی یافت شود و در فرنگستان بطلب اساطه تبخیر آن آبها این نمک را از دست آورند

آب مسهل

سولفات دو سود منعقد	۳۲ تا ۶۴ گرم	نوره	۱۰ گرم
انتیمونی سق	۵ ره گرم	آب	۱ لیتر

قبل از قنجان بخورند مسهل است نافع

نمک شوره به کندر

برافات سودیوم کف شده	۲۴ گرم	شوره	۱۲ گرم
ذغال سفید	۵ گرم		

مطابق معمول مخلوط کنند و در آب یا الکل مانند مسهلات تجویز نمایند

فسفات دسود phosphate de soude

$$2NaO,HO+PhO^5+24aq$$

نمکی است بیرنگ و بلورها بطعم بسیار کمی تلخ شوراست و منشورهای منحرفه شود و در هوای گرم شکفته شود و در حرارت متعارفی در چهار برابر وزن خود آب و در صد درجه در نصف وزن خود آب حل شود و در الکل غیر محلول است در طب ازاو از ۶ تا ۱۲ مثقال مانند مسهلات تجویز نمایند و چون طعم آن کم و لیسار کره نیست غالبا ازاو برای اطفال مسهل بود و منزل ترجیح میدهند

جهت ساختن آن یکی از استخوان مکلس ۱۲ جوهر گوگرد ۹ آب ۳۰ گرم

استخوان مکلس را ممزوج با آب کنند و کم کم جوهر گوگرد اضافه نمایند و با هم مخلوط کنند بعد از چند روز آن پارچه که رسوب آمده در آب جوش حل کنند و از پارچه صاف بگذرانند و آنچه در ته صافی میماند با آب جوش بشویند آبهای صاف شده را با تتمه محلول جمع نموده تبخیر کنند تا غلظت شربتهای بهم رساند آنگاه قرابیه و صاف کنند تا گچی که ته نشین شده خارج شود چنانچه در فصل فسفر ذکر کردیم بعد با مایع نمک قلیا اشباع کنند تا وقتیکه آن محلول اثر رنگ مخصوص را ... کند ... آبی که لیتموس حل شده ...

شود و از فسفات ... و دورها رانفوتیه و محلولات را قوام آورند تا ... میزان الغلظه ... و بگذارند منعقد شود و بواسطه تکرار ... ازا خالص کنند فسفات ... را اگر بخار از آب انفصال کنند و حرارت ... کم نماید تبدیل به نمک دیگر میشود موسوم به پیرفسفات ... دو ... در طب استعمال ازاو و در علمای جهت ... عکس معمول است و در ساختن پیرفسفات ... که در فصل آهن ذکر خواهیم کرد نیز استعمال شود

غیر متحد است با املاح آهک و ... سرب و ... و املاحی که ... فسفات ها غیر محلول ... آورند

$NaO,2BO^3+10aq$ borax بوره

بوره منعقد در صد جزء ۱۰ و ۴۷ آب دارد نمکی است بیرنگ بلورها ... قلیائیت دارد در هوا ... اندکی شکفته شود در صفر درجه حرارت صد جزء آب ۲ و ۸۳ جزء بوره را حل کند و در صد درجه حرارت ۲۰۱ جزء بوره محلول شود بوره را مانند محللات و مدرات ... استعمال میکردند بلکه بعضی از اطبا ... سهولت وضع حمل مانند ... بکار میبردند بعضی اطبا نیز از اطفال ... استعمال میکنند قدر شربت آن از ۱۲ تا ۴۰ ... است ولی در خارج ... نیز استعمال شود غرغره آن در ... و آبدزدک ... معمول است روغن آن در بعضی امراض جلدی خاصه آنهائیکه خارش و ... دارند استعمال شود از ... کربنات ... در دفع حصاة مثانه استعمال کنند ...

در ... و بلیه ... رامی کنند ... آن ... اول است

غرغره آن

بوره	۸ گرم	مطبوخ برگ ...	۲۵۰ گرم
عسل	۳۲ گرم		

مضمضه آن

بوره	۴ گرم	عسل	۳۲ گرم

شربت آن

بوره و شیره ... را ... مساوی مخلوط کنند و ... اطفال ... به ... بنویسند

غسول آن

بوره	۱۰ گرم	آب	۱۰۰ گرم

مطابق معمول حل کنند ... خارش و ... را با آن بشویند خاصه در ... فرج و ... فرج دخترهای کوچک

روغن بوره

بوره	۱	روغن ...	۸

مطابق معمول مخلوط کنند

غیر متحد است با آب ... قلی ... و ... و ...

نیترات دسود NaO,AzO^5 azotate de soude

روش بوره با عسل ... از ... بشود

و این نمک را نیز شوره مکعب nitre cubique مانند نمکی است بیرنگ با بطعم خنک در ... صد جزء آب ۳۳ جزء ازاو در ۱۵+ و ۲۱۸ جزء در ۱۱۹+ حل کند و جذب رطوبت هوا ... در الکل نیز حل شود در طب ... استعمال است در ... معمول است باید ازاو در ظروف ... حفظ کرد قدر شربت آن از ... (... است)

استات دسود $NaO,\bar{A}$ acetate de soude

نمکی است ... رنگ طعم آن ... و ... منشورات ... منعقد شود در حرارت ... تقریبا در سه برابر وزن خود آب حل شود در آب جوش ... است در الکل ... نیز محلول است در طب ازاو مانند محللات و مدرات از ۲ تا ۸ ... استعمال کنند و ... مسهل است

جهت ساختن آن کربنات دسود را با جوهر سرکه اشباع کنند و قوام آورند و بگذارند منعقد شود غیر متحد است با ... ادویه که غیر متحد است با استات دپتاس

تارترات دسود $2NaO,\bar{T}+2aq$ tartrate de soude

این نمک تازه در طب جهت مسهل معمول شده در صد جزء ... جزء ... انحلال دارد و در ... برابر وزن خود آب سرد حل شود و در آب جوش تقریبا ... محلول است

جهت ساختن آن محلول غلیظ نمک قلیا را با جوهر طرطر اشباع کنند ... ازاو ... قیمتش زیاد است مسهل خوبی است قدر شربتش ۳۰ گرم است و ... ازا ممزوج

کنند باید از شربت تهیه نوشیدنی مطبوع بسیار از دوا سازان ازاد در حین ضرورت میسازند
بر این نسخه که معروف است بافشره طرطرات دو سود

بیکربنات دو سود	۵ گرم	جوهر طرطیر	۳۵ گرم
آب	۳۵۰ گرم	شیره شکر	۵۰ گرم
تقطیر پوست لیمو	قدر کفایت		

اگر خواسته باشند این افشره مسهل باشد ۳۰ جزو بیکربنات دو سود افکنده در آن [illegible]
و قدریکه میخواهند دهان بطری را به پنبه خفه نمایند

طرطرات دو پتاس دو سود tartrate de pot. et de soude

$KO, NaO, \bar{T} + aq$

این نمک بسهولت منعقد شود و در صد جزو ۳۰ جزو آب انحلال دارد بیکات است
بیرنگ و بی بو با طعم اندکی تلخ دارد منعقدات بسیار منظم و درشتند و چون نمک دارای
آن که منشوریه قطع شده اند از طرف محور خود منعقد میگفتند که این نمک شکل قبر
منعقد میشود در بالای زمین tombeaux در وزن خود آب حل شود در الکل
غیر محلول است و معروف است به نمک سنیت sel de seignette
مسهل است که از ۳۰ تا ۶۰ گرم میخورانند
طرز ساختن آن طرطیر ۴ نمک قلیا ۳ آب ۱۲ آب را در پاتیل ریخته
و پس از آنکه بجوش آمد کم کم و بنوبت طرطیر و نمک قلیا اضافه کنند پس از آنکه تمام

rhomboidaux
منشورات [illegible] [illegible]

انحلال شد امتحان کنند باید ان محلول اندکی قلیائیت داشته باشد و اگر ضرور باشد
اندکی نمک قلیا دیگر بیفزایند و صاف کنند و قوام آورند و بگذارند منعقد شود
و بواسطه تکرار عمل دفعه انرا تصفیه نمایند

سیترات دو سود citrate de soude $3NaO, \bar{C} + 11aq$

این نمک را اخیراً مسهلات استعمال کنند زیرا که دارای طعم زننده نیست و عده
برین املاح منیزی را داده ولی ترک داده اند زیرا که در حوالی آن املاح در بعضی از
امراض موجب تولید سنگ مثانه شود که از فسفات قوام داده اند که و منیزی حاصل
شده این نمک منعقد است و طعم بسیار کمی دارد در هوا شکفته شود در آب
بسهولت محلول است و صد جزو آن ۸۰ ۲/۲ جزو آب دارد
جهت ساختن آن محلول غلیظ نمک قلیا را با جوهر لیمو اشباع کنند

املاح بریت sels de baryte

تشخیص این املاح بسیار آسانست زیرا که با جوهر گوگرد و سولفاتها همیشه در جوهر غیر
محلولی دهند که در جوهر گوگرد و جوهر ازوت هیچوجه حل نشود

کلرور دو باریوم chlorure de baryum $BaCl + 2HO$

این نمک در صد جزو ۷۵ ۱۴/ آب انحلال دارد بیکات است سفید بیبو با طعم تند که
منشورات چهار سطحی منعقد شود صد جزو آب در صفر درجه حرارت ۶۰ ۳۲/ و در
۱۰۵+ ۵۹ ۵۹/ از آن را حل کنند در الکل غیر محلول است در طب انرا بجهت

رفع خنازیر و سل استعمال کنند سمی است شدید و باید باحتیاط بکار برند بکلای قدیمی
یکی از اطبا داده انرا جهت حفظ بدن اموات استعمال میکنند و کلرور ژنگ منجمد میکنند
جهت ساختن آن سولفور دو بریوم را بواسطه جوهر نمک تجزیه نمایند یا محلول از
سولفات دو بریت و کلرور دو کلسیوم را بواسطه حرارت تجزیه نمایند

املاح اهک sel de chaux

این املاح اگر محلول باشند طعم تلخ و تند دارند و بواسطه اسید اکسالیک یا اکسالات
دامونیاک دورد شوند اگرچه محلول خیلی رقیق را داشته باشند بکربنات قلیا ها درد
سفیدی دهند و با بیکربناتها هم درد دهند و هم جوش نمایند املاح اهک در الکل محلولند
رنگ اطراف شعله را قرمز کنند

کلرور دو کلسیوم chlorure de calcium $CaCl$

بیکات است سفید بیبو با طعم تند و محرق و تلخ بشکل منشورات مسدس منعقد شود در هوا
انیدریتی [illegible] جذب رطوبت دارد و در هوای مرطوب در مدت کمی جذب رطوبت
آن نموده سیال میشود و ... در صفر درجه حرارت در ربع وزن خود آب حل شود و تقریباً
در حرارت بیشتر بهر مقدار محلول است محلول غلیظ ان در زیر از صد درجه حرارت بجوش
نیاید این نمک در الکل نیز محلول است کلرور دو کلسیوم محرک است که در خنازیر
روزی از چند گرم تا پنج گرم میخورانند و عمده استعمال ان در بعضی از تهیه های

معمولی است
غیر مستعمل است با آن اسید بریک و اسید ازتیک و اسید اکسالیک و جوهر گوگرد و سولفاتها
و قلیائیات و کربنات انها
جهت ساختن ان اهک یعنی سفید را با جوهر نمک اشباع کنند یا انکه نمکی که در ساختن
جوهر نوشادر باقی میماند تکلیس نموده ذوب نمایند و در ظروف دهان بسته حفظ کنند

سولفات دو شو sulfate de chaux $CaO, SO_3 + 2aq$

گچ یکات است سفید بیطعم و بیبو که بالطبع منعقده آن بسیار است در ان صورت و در معادن یافت
دارد و در آب بسیار کم حل شود تقریباً ۵۰۰ جزو آب یک جزو ازان حل کند در طب استعمالی
ندارد مگر در بعضی ابزارهای صنعتی

فسفات دو شو یا ستخوانی تکلیس phosphate de chaux $3CaO, PhO_5$

فسفات دو شو که در طب استعمال میشود انست که بالطبع در استخوان موجود است یکات است
سفید که جهت ارتیکیب آن گاهی اختلاف نموده اند و ما هرگز از این فرمول سه را
نشود که در صد جزو ۵ ۴۰/ ۵ اهک و ۵ ۵۵/ اسید فسفوریک دارد بسیار
است سفید بیرنگ و بیبو تقریباً غیر محلول در آب و بسهولت محلول در مایعات حامضه
در استخوان ممزوج است با اندکی فسفات منیزی و کربنات دوشو و کمیه در فسفر استخوان
مکلس داخل میشود در مطبوخ سفید نیسانم و محض همین استعمال جهت اکثر ازان
معمولی است

جهة بدست آوردن آن باید انتخاب کنند استخوان را زیرا که ترجیح دارد بر چیزهای دیگر
چند اجزا را بروی یکدیگر مرتب کنند و پنجره متعدد که در کوره ها می‌گذارند بر حسب
آن قرار دهند و در دور ظرف آن اجزا با چند اجزاء دیگر و خاک بالا آورند
و استخوانها را در میان پنجره ریزند و مواظب باشند که بالا متراکم نشوند و از زیر آتش
کنند عنقریب دود می‌کند که در استخوان است مشتعل شود و احتراق مستدام گردد
و ماده الیه خارج شود و به تدریج حرارت از کوره های تحتانی به کوره های فوقانی سرایت
کند و قتیکه احتراق تمام شد و شعله مخفی شد و فرو نشست حتی بالا رسیده است به وقت
استخوانها مکلس را دست چین کنند و هرچه سیاه رنگ است جدا نمایند تا در تکلیس
مجدد داخل نمایند و استخوانهای سفید را در هاون بکوبند و از موی اریشمی بگذرانند و در
ظرف مخصوص مانند سماق استخوان سائید چنانچه در شیمی فیزیکی الوان گفته شد
تا استخوان بحالت غبار شود مانند سرمه و با آنها خمیر سازند و قرص قرص کنند
و در کوره‌ها بگذارند صلابه استخوان مکلس مرکب است بیشتر از فسفات کلسیم
استخوان مکلس را بکوبند و از غربال بگذرانند و پنج جزء از او با سه جزء جوهر گوگرد
مجاور کنند و گاه گاهی بهم زنند و قتیکه آن مایه غلظت تامی یافت اگر دو ان قدر
آب اضافه نمایند تا حالت خمیری بیابد که بعد از دو سه روز آن مخلوط را در آب
ریزند و از صافی بگذرانند و در پاتیل چدنی ۱۲ جزء نمک طعام را در ۴۰
جزء آب حل کنند ظرفیت پاتیل باید قدری باشد که بیش از دو ثلث آن

بر نشود محلول را بجوش آورند و در زیر پاتیل آتش شدید کنند و کم کم محلول استخوان
مکلس را اضافه کنند بقسمی که غلیان همیشه باقی باشد و قتیکه تمام محلول در پاتیل
ریخته شد باید از قلیائیت جزئی داشته باشد بگذارند آن مخلوط ته نشین شود
و در دوراب آب فراوان بشویند و در میان پارچه ریزند تا آب آن بچکد و مطابق
معمول از آن اقراص سازند

طبقه دندان

اکسید کلسیم محروق ببارزن ۱۳ اسید فسفریک انیدر ۱۲
در کمال سرعت ممزوج کنند و در داخل دندان کرم خورده کنند در دقیقه
به در کمال استحکام شود

استات دو شو $Ca\,O, \bar{A}$ acétate de chaux

استات دو شو نمک است سفید بد بو با طعم تلخ بشکل منشورات دراز منعقد شود در آب به ثبت
و در الکل انیز کمی حل است در طب از او مانند محرکات و محللات غده غذائیه رنگ
بطنی استعمال کنند و اینجا رت قدر شربت از ۱ تا ۴ گرم است
جهة ساختن آن آهک را با جوهر سرکه اشباع نمایند و قوام آورند تا بعد در میان ال تبخیر
شود کذارند منعقد شود

املاح فوشادری

شناختن املاح فوشادر بسیار سهل است زیرا که صلابه انها با قلیائیات ثابته است

با قلیائیات خاک مرجع صعود امونیاک شود که بوی آن معروف جمیع مردم است
زاج امونیاک $aq\,H_{4}O, SO_{3}$ + aq sulfate d'ammoniaque
نمک است سفید بدبو با طعم کزنده و بشکل منشورات مسدس منعقد شود بشکف نشود
در هوای بسیار گرم بضعف آب انعقاد آن خارج شود در دو برابر آب سرد و یک برابر
آب جوش حل شود و با الکل غلیان متمادی قدری از او تجزیه شود از دو دهد و دیگر
اسید شود در الکل غیر محلول است اکنون مورد استعمال آن در طب کم است از یک تا
گرم از او مانند مسهل استعمال کنند در بازار ساختن فراوان است و از او از تجزیه قوام
کربنات دو امونیاک ولو لغات بدست آورند و بعد از طعم میدان جوهر گوگرد با امونیاک
یا کربنات دو امونیاک اشباع کرده آن محلول را در ظرف چینی یا سرب جاری شود

ازتات دو امونیاک $aq\,H_{4}O, AzO_{5}$ azotate d'ammoniaque
نمک است سفید بدبو با طعم تلخ و کزنده که به صورت مختلف منعقد شود بحسب طرز ساختن آن
و امونیاک که معروف است به شوره قابل الاشتعال nitre inflammable
در طب مانند مدرات معمول است
قدر شربت آن از یک الی ۵ گرم است و اما ندرتاً استعمال شود
جهة ساختن آن جوهر شوره را مطابق جوهر شوره قدر آن با امونیاک یا کربنات دو امونیاک اشباع
کنند و قوام آورند تا بعد در میان ال تبخیر شود و گذارند منعقد شود و بهتر آنست که همیشه
از کل امونیاک زیاده در محلول داشته شود

استات دو امونیاک $aq\,H_{4}O, \bar{A}$ + aq acétate d'ammoniaque
جسمی است سفید بدبو با طعم تند و خنک که مانند سوزنهای مستطیل منعقد شود در الکل و آب به ثبت
محلول است چنانچه آن مرکز در طب معمول نیست و مایع آن مشهور است و در عرق بسیار خوب است
و معروف است که جوهر مندرروش esprit de mindererus
جهة ساختن آن یکمرتبه باید اسید استیک متدار منظور کربنات دو امونیاک متدار کافی اشیاع
را در قرع و انبیق کرده کنند و کم کم کربنات دو امونیاک اضافه نمایند تا آنکه قلیائیت آن تفاضل صید
که صاف نموده و در شیشه های سربسته حفظ کنند لیس از جهة ریختن دو امونیاک باید شود زیرا که
قدری از امونیاک آن متصاعد میکرد و آنچه استات دو امونیاک مایع بخ درجه میزان الغلظه
نشان دهد و در سیزده جزء یک جزء از نمک منعقد داشته باید با املاح سرب و نقره را سبب
نشود از مدا تا صد گرم آن معمول است غالبا از اجزای سیونها و ترکیبها کنند
کلرئیدرات دو امونیاک Chlorhydrate d'ammoniaque
نوشادر $aq\,H\,Cl, H_{4}O\,aq$
نمک است سفید بدبو با طعم گزنده و بشکل مکعب یا هشت وجهی منعقد شود و اما نمک ... ابتدا
کمال قرب را بیکدیگر پیدا کنند و بشکل رشته‌ها درآیند در ۲ ۷/۲ آب متعارف حل
شود و آب جوش یک برابر وزن خود از آن محلول سازد و در ۸ برابر الکل حل شود
در طب بسیار معمول است محرک و محلل است در تب و امراض خنازیری بسیار معمول است از
۵ تا ۱۰ گرم قدر شربت است و محلول از او در صد گرم آب معطر جرعه جرعه

قاطع حمل بسیار خوب است و [illegible] دولت خورند خارج نیز از جهت نفخ و [illegible]
مانند غسول استعمال کنند و [illegible] از درصد [illegible] آب حل کنند در غرغره نیز
به [illegible] از ان معمول است و در [illegible] کمتر جهت قطور استعمال مانند [illegible] در [illegible]
معمول است بهتر انست که [illegible] از [illegible] حل کنند در ظروف نقره و در [illegible]
نگاه دارند

غیر مستعمل ان [illegible] قلیائیات و کربنات انها [illegible] و جوهر [illegible] و دیگر [illegible]
و سنگ [illegible]

املاح منیزی

[illegible] املاح منیزی [illegible] به واسطه پتاس یا سود یا کربنات [illegible] انها در و سفید [illegible]
فسفات [illegible] در محلولات منیزی [illegible] فسفات [illegible] منیزین [illegible]
رقت محلول بسیار [illegible]

کلورور منیزیم Chlorure de magn. $mg\,cl + 6aq$
منحل است این نمک ۶ معادله آب [illegible] که در صد جزء [illegible] آب [illegible]
سفید [illegible] بلوری [illegible] منشورات [illegible] منحل [illegible] از املاح جاذب الرطوبه
قرینست در [illegible] آب سرد و ۲۷ [illegible] آب جوش حل شود و در [illegible]
محلول است [illegible] آن [illegible] استعمال [illegible]
جهت ساختن آب منیزی را در جوهر نمک حل کنند [illegible]

املاح

سولفات دومنیزی sulfate de magnésie
نمک فرنگی $mgo, so^3 + 7aq$
منحل است این نمک در صد جزء ۱۵ جزء آب [illegible] نمکی است سفید [illegible] بلوری [illegible] منشورات
ربع منشور [illegible] در هوا شکفته گردد [illegible] غالباً [illegible] بازار [illegible] حالات [illegible] زیرا که
قدری کلورور دومنیزیم chlorure de magnésium
مخلوط انها است و ان جاذب الرطوبه است در آب [illegible] سهل است معروف
قدر شربت ان از ۸ تا ۳۰ گرم است و گاهی تا پنجاه گرم نیز استعمال کنند [illegible]
در بازار موجود است
غیر مستعمل است [illegible] قلیائیات و کربنات آنها و فسفات ها [illegible] که دارای
[illegible] که سولفات انها غیر محلول بود

سیترات دومنیزی citrate de magnésie
$3mgo, \bar{Ci} + 11aq$
نمکی است سفید بسیار کم طعم در آب سرد بسیار کم حل شود اگر [illegible] با آب گرم کنند [illegible]
شود به سیترات [illegible] که محلول گردد و سیترات [illegible] که [illegible] اکنون در [illegible]
مانند [illegible] بسیار معمول است غالباً قدری جوهر لیمو [illegible] ضمیمه آن کنند
[illegible] سیترات
[illegible] تا اثر [illegible] در طبیعت [illegible]

سولفات دومنیزی [illegible] سیترات دومنیزی [illegible] را استعمال کنند
غالباً صورت دوائی ان بطور افشره است [illegible] ان مطابق این [illegible] است

افشره	گرم ۱۰	گرم ۲۰	گرم ۳۰	گرم ۴۰	گرم ۵۰	گرم ۶۰
جوهر لیمو	۶٫۵	۱۳	۱۹٫۵	۲۶	۳۲٫۵	۳۹
منیزی مکلس	۱٫۸۵	۳٫۷	۵٫۵۵	۷٫۴	۹٫۳	۱۱٫۱
منیزی سفید	۴٫۱	۸٫۲	۱۲٫۳	۱۶٫۴	۲۰٫۳	۲۴٫۴

[illegible] اتفاق می افتد که [illegible] منیزی [illegible] منیزی [illegible]
[illegible] سیترات دومنیزی [illegible] افشره [illegible] معمول
ترین انها است

افشره ساده limonade simple

سیترات دومنیزی	مثقال ۱۰	منیزی مکلس	گرم ۹
جوهر لیمو	گرم ۳۲	آب	گرم ۳۰۰
شربت لیمو	گرم ۷۵		

بجای منیزی مکلس میتوان [illegible] گرم منیزی سفید استعمال کرد [illegible] فی الحقیقه [illegible]
به نسخه طبیب است [illegible] از وقت نتوان او را [illegible] زیرا که پس
از چند روز [illegible] شود

افشره [illegible] سیترات دومنیزی limonade gazeuse

افشره ملکی

منیزی مکلس	گرم ۵٫۳۰	یا منیزی سفید	مثقال ۲٫۵
جوهر لیمو	مثقال ۵٫۶	منیزی سفید خالص	نخود ۴
شربت لیمو	مثقال ۱۶	آب	مقدار کافی

املاح الومین sels d'alumine
مطلق املاح الومین طعم عفص و ترش دارند [illegible] محرق در انها
در [illegible] و در صورت [illegible] معروف [illegible] محلول شده [illegible]
[illegible] سفید [illegible] منعقد گردد
و از خواص ممیزه انها است که با حرارت [illegible] آب [illegible]

زاج سفید sulfate d'alumine et de potasse
$KO, SO^3, Al^2O^3 + 4aq$
نمکی است بیرنگ و [illegible] عفص رنگ [illegible] را [illegible] منتظم
منحل شود [illegible] آب [illegible] آن [illegible] شکفته شود در [illegible]
[illegible] آب [illegible] محلول [illegible] منحل [illegible] در صد جزء
۴۷٫۵ آب [illegible] بازار [illegible] سولفات [illegible] سولفات [illegible]
دارند [illegible] زاج [illegible] قابضات
معمول است و در [illegible] جهت قطع [illegible] که از [illegible]

بو بصورت لیمون و حب مقدار چند که میخورانند در رفع برنزه مانند قابضات
و محرقات ضعیف بکار برند غالباً بشکل قطور و غرغره و غسول استعمال کنند قوت
ثمرات آن بسیار مختلف است و باید بر حسب تقاضای مرض طبیب نسخه مخصوص در کار
در دو حق غبار را نفوخ کنند و اغلب مکلس آن معمول است

حب هلوتیوس *pilules alunées d'helvétius*

زاج نقیه	۲	خون سیاوشان	۱
عسل مصفی	مقدار کافی		

حب‌ها بیشتر کنید بسازند

غرغره قابض *gargarisme astringent*

گل سرخ	۸ گرم	آب جوش	۲۵۰ گرم
عسل مصفی	۳۲ گرم	زاج نقیه	۴ گرم

یکساعت گل را در آب دم کنند و بعد آنرا از پارچه صاف نموده عسل و زاج را
اضافه کنند

مضمضه زاج *collutoire d'alun*

زاج نقیه	۴	عسل	۲۰

مخلوط نمایند مخلوط کنند و دهان اطفال مبتلا به برفک را با آن بشویند

غرغره محلل *gargarisme résolutif*

زاج

زاج	۱۰	آب	۱۰۰

مخلوط نمایند محلول کنند جهت رفع ... و دهان در صورتیکه عیب در کام زخم باشد

قطور زاج *collyre alumineux*

زاج منقی	وزن ۳ تا ۱۵ سانتیگرام	گلاب	۲۵ گرم

مخلوط نمایند حل کنند در بعض امراض مزمن چشم استعمال کنند

خمیر درد دندان *pâte odontalgique*

زاج	مقدار منظور	اتر نیتریک الکل‌دار مقدار کافی

خمیر بسازند و دندان را پر کنند و در حین ضرورت بفاصله تجدید کنند

زاج مکلس *alun calciné*

غالباً از ۳۵۰ تا ۴۰۰ گرم زاج نیم کوب را در ظرف سفال ریزند و آن
ظرف را در حرارت اجاق نهند و اجر را در پنجره کوره گذارند و اطراف
آنرا که آتش کنند و آتش را بقسمی ترتیب دهند که زاج ذوب شود و اداره
بقسمی کنند که آب بتدریج بخار شود ولی مدت آن بخار را بیکه منتصاعد شود
هم زاج را بسیار کنند بقسمی که قدری از آن از ظرف خارج شود و قتی که دیگر صعود
بخار نیامد ... عمل نیز بانجام رسیده اگر در عمل آتش را بجائیکه ... داده شده
جزاب ... جزئی خارج نشود زیرا که زاج تا حرارت قرمز اول درجه تجزیه
میتوانند شود ولی اگر حرارت زیادتر باشد قدری از سولفات دالومین تجزیه گردد

بخار شود و تبدیل به سولفات شود و اگر حرارت باشد اوش بیشتر شود ممکن است که تا بحد
که کو منتصاعد شود و یک مخلوطی از پتاس و الومین باقی ماند زاج را اگر بخواهند مکلس کنند
در آب بکمال سختی حل نمایند و در اول وهله منظر غیر محلول باقی و با مجاورت متمادی آب سرد
تمام آن حل شود این بکمال الحلال است بیک حالت ایزومری مخصوص است که کشف آن ...
است اطلاع الومین را غالباً جهت نگاهداری جسد حیوانات استعمال میکنند و آب است
معروف بمایع گانال و آن عبارتست از محلول هزار گرم سولفات دالومین پتاس و صد
گرم کلورور دوسدیم و ده لیتر آب مطلق محلول تعفین و محلول نامیده و یک لیتر و نیم آب
ازان بدست آورند و در حفظ طیور از حلقوم و در حیوانات بزرگ از سبات دو
مرتبه تزریق کنند و جهت حفظ پر طیور آنها را آغشته کنند بتعفین که از صد گرم کوچوله و یک
لیتر و نیم الکل ساخته باشند و در صورتیکه از مرغ نقیه باشند بجای کوچوله ارسنیک استعمال
کنند

ادویه حدیدی *Médicaments ferrugineux*

تا کنون آنچه از فلزات در طب استعمال شده از هیچیک مانند آهن مفید تر منتقل نشده
در هر صورت که بدن آهن هر روز لازم است و هر مرضی که سبب آن نقصان گلبول خون است
است و در فقر الدم و کلروز و جلد نقیه بسیار نافع است که از این قابضات معمول است
و اکنون از ادویه مقصبه است و آنچه از ترکیبات آن در طب معمول است از جنس قرار گرفته
در صورتیکه آهن فلزی اصلاً تاثیر در آن ترکیبات مقدار آهن از قرار اما ذریست

آهن

دوده فر ۱۸
تانات دوفر ۱۶
کلرور دو فر امانیاکال ۱۲
سیترات دو فر امانیاکال ۱۲

آهن فلزی fer métallique

آهن فلزی که در صورت خوص بشبیه نقره است و اغلب خاکستری رنگ است و نسج آن لیفی و ورقه است وزن مخصوص آن از ۷ و ۷ تا ۸ و ۷ است و بسیار محکم است و قابلیت مفتول شدن درجه دوم را دارد ولی در سکه قابلیت تخته شدنش کم است درجه و شصت درجه میزان الحراره ذوب شود قابل جذب مقناطیس است در هوای مرطوب بسهولت کهنه شود و حرارت معین آتشی است و مایل به کذب اکسیژن بسیار است و در حرارت قرمز با مجاورت کلیه آب را تجزیه کند و معادل آن ۲۸ است آهن متعارف هرگز خالص نیست و تقریبا همیشه کربن و فسفر و گوگرد و ارسنیک دارد ولی مقدار بسیار کم بقسمی که در خواص طبی آن تغییر نمی انگیزد و لهذا بهتر است که آهن نرم استعمال کنند و چون همچه براده آهن معمول است و از دکان ریخته گری ابتیاع میشود باید کمال دقت را نمود که آلوده به براده مس نباشد بعضی دواسازان براده آهن را از استعمال مقناطیس خالص میکنند ولی این قاعده کافی نیست زیرا که هنگام دواسازی معلوم شده است که اکثر آهن و مس که در تحت مس داشته باشند نیز مجذوب مقناطیس میشوند

۲۰ از

بهتر است که آهن را نحو براده کنند آهن فلزی همیشه بحالت غبار بسیار نرم معمول است و غالبا آنرا در هاون رشته صلابه میکنند تا از زنگ عاری شود و از مو بیز فلزی بگذرانند و بعضی را مکرر کنند و قسمی که دیگر زنگ از آن بیرون نشود جمع دارند بعد از موبیز مو بگذرانند و بدون آب در ظرف محکم مانند شیشه یا سنگ و در ظروف در آن بسته محفوظ کنند تا از هوای مرطوب و زنگ زدن محفوظ مانند زیرا که غالبا ضعیف آهن عادی کرده است زیرا که بسیار ملوث و زنگ و بهتر است که آهن احیا شده از اکسید ها بواسطه ئیدروژن استعمال کنند

آهن ئیدروژنی fer réduit par l'hydrogène

خواص نیکو که ذکر کردیم آهن معمولی در طب به کمال نرمی را داشته باشد و چون این آهن مطلوب محض مراحات درجه حرارت است اگر بقدر کفایت گرم کنند احیا شده آن با تمام نرسد و اگر بیش از اندازه حرارت دهند آهن احیا شود ولی ذرات آن با یکدیگر مجتمع گردند و نرم شود نه قابل گذشتن از مو بیز شود و شرط دیگر است که نقاط مجاورت ئیدروژن و اکسید دوفر را منعقد کنند و گرنه بنحو معمول اکثری ئیدروژن تلف میشود بهترین اسباب برای این آهن احیا شده بطور معمول در سطح زاویه است که لوله را در ستیمر از طرف فوقانی آن ببرند و آنرا وسیع کنند و قسمی از نیه که بگذرد آنها مانند سرپوش باشد آنرا بجهت بهتر است که آن اسباب را با حکمت مخروب به سر زده در کنند تا ظرف از اثر هوا و آتش محفوظ باشد و آهن حاصل بخار ئیدروژن است که در ظرف دیگر تولید میشود بقسمی که بخار ئیدروژن در قعر ظرف آهن وارد میشود و در آن شیشه زعفران کمیه

بخش و سرپوش از جهت ثانیه و لوله دیگر نیز در روز آنرا با یکدیگر و آهن شیشه را در تجربه کرده همین نه زیرا که اندازه معلوم است که ارتفاع کرده به قدر بخش که لوله کج آن ارا داشته باشد و بجز لوله مذکور اسباب جاری آهن جاری است از لوله دیگر که در آن تولید ئیدروژن میشود و لوله خالی که در آن قدری از بخار آب سلیمانی میکنند و لوله دیگر که در آن جوهر گوگرد غلیظ است که بخار ئیدروژن را ایضا خشک میکند و علاوه بر این دلیل است بطور شخص معادی زیرا که واسطه سرعت و البته حباب ها میفهمد که تولید بخار را باید کم یا زیاد کرد لیرا از آنکه بخار از آهن مجاری خارج شده و داخل میشود در لوله که ممتنع است از کلرور دو کلسیم و از آنجا داخل بدان ظرف آهن میشود کرده را بقدری زنگال ریزند که در ظرف آهن بکلی و شیشه است لیرا از آنکه زنگال آلوده شده در خاکستر زیرا به بند و لهذا کمتر منتفعی است بگذار رنگ که احتراق در کمال شیشه او نباشد سر کرده را ضیا تخته آهن بپوشند بنظر نقش کش آتش کم میشود و حرارت در درجه قرمز به الوله ها در مختلف میمانند و آن درجه است که بید آهن احیا شود و بهتر است که قبل از حرارت دادن و بواسطه جریان بخار ئیدروژن اسباب را از هوا عاری کنند و همچنین پس از اتمام عمل آتش را بکشند ولی بخار ئیدروژن همیشه در ظرف ساری و جاری باشد تا وقتی که تمامی سرد شده آهن را که بتقسیم اسبا گرفته در نهایت نرمی است و غبار فولادی است که در حرکت تا بخوبی حل شود و چون

۲۰ از

اجزاء آن در کمال صغر است بسهولت در روی معده ملحق میشود و لهذا در اغلب امراض آهن منفعت را دارد که بخار ئیدروژن را مخرج با طبیعی اجاب اسیده مانند غاز و ترش خارج میکند و عیب دیگر در قیمت گران است لهذا در اشخاص فقیر استعمال براده آهن بهتر است

حب مریخی

براده آهن پر فیر زده	۸	صبر سقوطری	۱
دارچینی		شربت معطر	مقدار کافی ۱

مطابق معمول حبوب درست کنند و این حبوب را نباید با شکر حبه را احتیاج زیرا که درست قلیل سختی زیاد پیدا کند

قرص مریخی

براده آهن ساییده	۱۷	دارچینی سحوق	۲
قند	۱۸۰	کتیرا	۱
عرق دارچینی	۸		

کتیرا را با عرق دارچینی لعاب کنند و مطابق معمول قرص ۲ اکنسی سازند هر قرص یک کنه آهن فلزی دارد

حب دیگر منسوب به بلیه اتام

آهن ساییده	مقدار منظور	عصاره افسنتین	مقدار کافی

مطابق معمول قواعد شیمی که می‌سازند

اکسید دو فر oxyde de fer

آهن با اکسیژن دو اکسید تولید میکند یکی اکسید دو فر و دیگری اکسید دو پرفر نسبت
اکسیژن در این دو اکسید مثل یک است به یک و یک است به یک و نیم اکسید اول
معمول نیست مگر در حالت ترکیب با اسیدها و بواسطه قلیائیات از ترکیبات خود
منفک شده بشکل غبار سفید رسوب شود و دلمه مانند است ولی از اندکی زمانی سبز رنگ گردد
و بعد بواسطه جذب اکسیژن هوا قرمز رنگ شود به اکسید آهن معمولی است
و در رنگ قرمزی دارد که مختلف میشود باختلاف طرز ساختن آن و علاوه
بر اینها اکسیدی از آهن در طب معمول است معروف باکسید سیاه و آن ترکیب
است از بیست اکسید و پراکسید، اکسید سیاه آهن و اکسید قرمز زعفران آهن و قلقطار
یکنوع قوه انقباضیه دارند که در جمیع حالات بطور نیکو حل نشوند از این جهت است
که قوه دوائی آنها نسبت به سایر ادویه حدیدی کمتر است ولی زعفران آهن را اگر
بطریقه رطوبیه بسازند سریع الانحلال تر است زیرا که اغلب دارای کربنات
و نیز جهت رسم جلابرین است که این ادویه را همه از این نسخه میکنند
ولیا به تحقیق رسید که تا این ادویه بدون متواتر شدن از مجاری تغذیه
خارج میشوند مگر آنچه در ترشیها و کلورها و قلیائی تواننده حل شد

پراکسید دو فر Fe^2O^3 peroxyde de fer

قلقطار

colcothar

و قلقطار را نیز گویند زاج سبز متبلور را بگدازند و در اطلیس به شاهد حرارت قرمز
تیره گرم کنند تا آب انعقادش بکلی خارج شود و بحالت غبار سفید گردد بعد از آن
آنرا در بوته در دار یا قرع ریزند و بحرارت قرمز تند گرم کنند تا دیگر بخا
رات اسید متصاعد نشود آن ماده قرمز که از جمیع جهت می‌آید بکوبند و با
چند نوبت آب جوش بشویند تا وقتیکه ابدا خاصه دیگر با سیانور در د
نده و خشک کنند و صلایه نمایند کولفات ... معکس آهنی بحالت پر
اکسید است ولی چون حرارت بیشتر شده قدری از جوهر گوگرد آن تجزیه شود و بیست
اکسید را تبدیل به پراکسید نماید و خود باسید سولفوریک مبدل شود و در این هنگام قدری جوهر
گوگرد با آب نیز متصاعد شود اگر حرارت قدر کافی است امتداد نیابد قدری از
جوهر گوگرد به اکسید در رنگ میماند و سبب تکرار تغسیل همان است که اس
حل کنند کولفات ... که خشک است ولی کولفات در پراکسید
را بحالت خود باقی میگذارد زیرا که بواسطه آب نه حل میشود و نه تجزیه میشود
و وجود آن ضرری در استعمالات طبیه نخواهد داد در خاصیت به قلقطار است
خاصیت قلقطار مانند اکسیدهای آهن است در داخل آنرا از دو ... گرم تا چند
نخود میخورانند ولی چون چنانچه گفتیم قوه انقباضیه زیاد دارد و بسهولت
در جمیع حالات حل نمیشود کمتر از سایر ادویه حدیدی استعمال شود

شمع توب کانه onguent canet

منشع ساله	۱	دیاخلیون صمغی	۱
موم زرد	۱	روغن زیتون	۱
قلقطار	۱		

قلقطار را صلایه کنند با قدری از روغن زیتون تا مانند خمیر نرم شود
ظرف دیگر سایر اجزا را ذوب کنند و این خمیر را با آن ممزوج نمایند تا
مختلفه این شمع در کتب مختلفه و ساختن باختلاف جزئی نوشته شود چنانچه
گویند شمع قابض شمع دافع شمع مقوی و امثال آن ولی بهترین نسخه
همان است که ذکر شد

زعفران آهن قابض

هیدرات در پراکسید دو فر را که زعفران آهن مغنیت نامند و در ته ... و اینها
یا در بوته گرم کنند آب آن خارج شود و پراکسید باقی ماند ... پراکسید خالص ... ماند
نیست و دارای آهن است که پراکسید شده است ولی در دواسازی ... بکار آن
ضرری مترتب نیست سابق براین زعفران آهن را از گرم ... اکسید ... این ...
مرطوب بدست می‌آوردند و لاکن این اکسید ... است پراکسید ...

hydrate de peroxyde de fer هیدرات دو پراکسید دو فر

$$Fe^2O^3 + 2aq$$

این هیدرات در صد جزء ۱۸٫۴ آب دارد

بطمه ار

جهة بدست آوردن آن در محلول رقیق پرکلرور دو فر که از حل کردن ماقیت در جوهر
نمک بدست آورده اند محلول کربنات دو سود ریزند و با چند نوبت آب خالص سرد
بشویند و در ظروف دهان بسته بحالت خمیری حفظ کنند اگر اکسید آهن را بواسطه
پتاس یا سود رسوب نمایند اکسید قدری از آن قلیائیات را در حالت مرکب نگاه
دارد و اگر آن ماده قلیائی قدر کافی نباشد در دکه حل میشود لازم است نه اکسید و پراکسید را
که بواسطه امونیاک رسوب کنند اگرچه اندکی از آن ماده قلیائی سریع التصعید در ... میماند ولی
مضر بودن طبی آن نیست بهتر است که با کربنات ... این کار را بکنند
با زاج سبز نیز میتوان ساخت بطریق که در اطلیس شده ... ریگ ... گرم زاج سبز
و ده هزار گرم آب و سه بیست جوهر گوگرد مخلوط ... کنند و ظرفیت ... قدری
بشر که تا این مخلوط نصف ازا ... که مخلوط را بجوش آورند و کم کم ... جوهر تیزاب
بران ریزند تا وقتیکه افزودن تیزاب موجب صعود بخارات زرد رنگ نشود و ظرف
را از آتش بردارند و محلول را در ۲۰ یا ۳۰ برابر وزن خود آب سرد بریزند و ...
پس از اندازه امونیاک در رد کنند و رسوب را در آب خالص سرد بشویند و بحالت خمیر
نرم در ظروف دهان بسته حفظ نمایند

عمل اول از بابت آن بود که کولفات ... اکسید ... تبدیل کولفات پراکسید
شود و سبب افزودن جوهر گوگرد آنست که هر قدر این جذب اکسیژن کند ... هم
مقدار اسید که از آن خفش میکند بیشتر شود و علاوه بر این چون قدری کولفات برنگ

غیر محلول و جوهری آید جوهر شوره می افزایند این تیزابات را میتوان بحرارت ملایم
خشک نمود در صورتیکه بهیچوجه فشار پیدا نکنند و استعمال طبی آن بعینه مثل رب بلغ
و تریاق کبیر الاستعمال سم الفار است زیرا که مرکب شده از کبریت زرنیخ
و جوهر آهن که سمی نزاید و این اثر بروز کند مگر در صورتیکه ایشیه آهن را با قوه
انفصالیه کم کشش سر تتم جا در سم الفار نمایند لهذا همیشه انرا بکشش مرطوب شده
همیشه لطف ببیند از معلوم است که چنان ترتیب قرار داده اند باید همیشه حاضر داشته باشند ولی
بهتر است که گاه گاهی شیشه آن را وارسی کنند زیرا که مطابق تجربه یکی از دوا سازان
این تیزابات بطور دهور نصف آب خود را از دست داده منعقد شود و در این
حالت که با حالت اول سم الفار در دو نزده ه تمام این جوهر اثرات یکی داشت ولی
از وقتیکه دوی صاحب کشوف کرده است که تریشزی این خاصیت را دارد چون این
دوا همیشه حاضر و سهل الاستعمال است از فضیلت برکیبه کاسته شده است
در روز بهار بازار کلی سم الفار موجود است و تیزابات و فرقی که انرا نهایت نیز
نیز سم الفار روا افزو لهذا باید اول زاج را خالص کرد بطوریکه بکار ببرند در ان
تولغوره سم الفار انرا دور کنند

زعفران آهنیه بنفشت

زاج سبز را در آب خالص حل کنند و در ظرف دیگر نمک قلیای منعقد را حل باشند
تقریبا جهت ۱۷ جزء زاج ۲۰ جزء نمک قلیای کافی است محلول زاج را در ظرف

بزرگ ریزند و آب افزایند و کم کم محلول قلیا را اضافه کنند تا دیگر درد نزد بلکه
قدری مقدار قلیا تفاضل پیدا کند بعد گذارند خوب ته نشین شود آب روی آنرا بگیرند
و چندین آب دیگر روی آن بشویند تا اینکه آب شستن آن عاری از طعم شود در روی پارچه ریزند
وگذارند قطرات آن بچکد در سایه گذارند بهمه بعد از خشک شدن انرا غبار
کنند و از موبیز ابریشمی انرا بگذرانند از امتزاج کربنات دو اکسید و املاحات در قوت
قلیه تولفات دو اکسید که بالات حل یافته اند و بواسطه تغسیلات خارج شود
و تنها در دو نقطه رگه که عبارت از کربنات دو پروت کسید ور فز ولی بزودی
این نمک جذب اکسیژن هوا کند که اول سبز و بعد قرمز رنگ گردد و این اثر در
مدت تغسیلات و خشکانیدن زعفران آهنیه عاری میشود تقسیم که پروت اکسید
بعک تبدیل به پراکسید میکرد دو از این جهت اگر این زعفران آهنیه را نعت بنمایند
کربنات دو فر بنامند صحیح است اگرچه در اغلب اوقات جوش که میکنند بواسطه تیزاب
کربنات دو پراکسید دو فر است زیرا که کاملا چنین جاده ها انتقال است و بوسیله حامض
ammoniac‍ دو تجزیه زعفران آهنیه یکیه دقت رنگ است جا و دیرت هوا داشته
در صد جزء هشت جزء اکسید کربنیک یافته است پس معلوم میشود که زعفران آهنیه
پراکسید است ممزوج با کربنات دو فر

جهت ساختن آن باید این ملاحظات را مجری داشت زعفران آهنیه بنفشت
عبارت است بسیار زرد طعم با رنگ قرمز مایل به قهوه اغلب هوا افزودن انرا ممزوج

با کمی از من با حوکه شده سفیدی که ... جوهر اکسید چندان اهمیتی ندارد زیرا که اجزا
خارجی محلول نشود ندوقان این جوهر ... زعفران آهنیه قوه انفصالیه بیش از قلقط
و زعفران آهنیه قابض کمتر است لهذا در طب ترجیح بر انها دارد قدر شربت آن
از چند گرم تا چند گرم است در روز

poudre cachectique (hartmann)

سفوف روانشت مزاج منسوب به ارتمان

زعفران آهنیه بنفشت	۱	دارچین مسحوق	۲
قند	۵	مطابق معمول مخلوط کنند	

اتیپ مصدری *fe + fe²o³ ethiops martial*

معلوم میشود که مخلوط است از پروت اکسید و پراکسید بهترین قواعد ساختن آن این است

زعفران آهنیه بنفشت	۸	سرکه سقطر	۳

با یکدیگر ممزوج کنند و در قرع ریخته در درجه حرارت معمولی حفظ کنند تا آب آن
خارج شود و کم کم درجه حرارت را بقرمزی رسانند در این درجه حرارت باید اسید
تجزیه شود و محصولات محترقه از آن خارج گردد که چندی طبیعت باقی دارند و لا
قدری از پراکسید آن و کمی آن تولید آب و اسید کربنیک کنند با اکسیژن پراکسید
ور فر لهذا قدری از این اکسید تبدیل پروت اکسید شود در صورتیکه تمام تجزیه ارغنه
خارج نشود کمتر از دو اسانس بکار برند که ۱ و ۲ و ۵ تا ۵ استعمال کنند و مقدار

که بدین قاعده کرده اند است که قدری زغال در محصول باقی میماند و لاجرم باستقلال
علی چسبیده شده بود این اکسید اسامی متعدده است از آن جمله اکسید دو فر و اکسید سیاه
آهن *oxyde ferroso-ferrique* و اکسید زنگار *oxyde de fer noir*
نیز نامیده اند و قواعد مختلفه در ساختن آن معمول است و بهترین انها است که ذکر
شد

حب آهن منسوب بالنوریو

اتیپ مصدری	صمغ عربی	عصاره افسنتین
مقدار کافی	مقدار کافی	

مطابق معمول حب چهار شیر گرمی سازند

قرص اتیپ *pastilles éthiopique*

اکسید سیاه آهن	۴	دارچین مسحوق	۱
قند	۲۰	لعاب کتیرا	مقدار کافی

مطابق معمول قرص سه گرمی سازند هر یک از انها در کم اتیپ مصدری دارد

تولغور آهن

براده آهن	۶	گوگرد مسحوق	۴

مخلوط کنند و در بوته ریخته کم کم حرارت دهند تا بقرمزی تیره رسد در آن درجه اثر
شروع کند و امتداد حرارت زیاد و کاربات گوگرد شود وقتیکه مخلوطات بآنجا رسید
بوته را قرمز کنند و ماده ذوب از آن خارج نمایند این تولغوریکه برآید از جهت

ترکیب بطی شباهت تامی دارد با کلرور طبیعی مقناطیس آهن که مرکب است از
دو معادله پرت کلرور و یک معادله پرکلرور و لیکن فی الحقیقه مخلوطی است از کلرور
های مختلف آهن این کلرور معمول است جهت ساختن نیمه رزن کلرور که از زناد حاصل
از ابعاد این پاشش کنند و در صنعت جزء اوایل [illegible] استعمال کنند

املاح حدیدی sels ferrugineux

هم از حیثیت خواص شیمیایی و هم از حیثیت خواص دوائی باید تمیز داد مابین املاح پروت
اکسید دو فر و املاح پراکسید دو فر

املاح پروت اکسید دو فر اکثر منعقد بشده سبز رنگ اند و طعم قابض مخصوص دارند جمیع آنها
پس از مجاورت متمادی هوا اکسیژن جذب کرده پراکسید شده و مایل بزرد می شوند و تماس و نمو
در انها رسوب نفیه مایل بسبز حاصل کنند که بمجاورت هوا اول سبز و بعد قرمز شود
سیانور فرو پتاسیم در انها رسوب نفیه دهد که از مجاورت هوا آبی شود و سیانور فری
و پتاسیم فرو در انها رسوب آبی دهد کلرور در انها طلائی احداث شود تیز از خاصیت
و باعث حوادث رنگ انها را قهوه که نیم رزن کلرور رسوب کنند املاح را
مر اعلی که اسید شان بسیار ضعیف است و کلرور فیه رات و ماننیا کل تمام انها را تلخ
درد و سیاه رسوب کنند فوراً مجلی رسوب سکنت بریانی دارند که

املاح پراکسید دو فر عموماً رنگ انها زرد است و تباین و طعم واده ناک در انها درد
قرمز نفیه رات پراکسید دو فر دهند که با تمام تحلیل قلیائی تیز همین اثر را دارند و بکار
[illegible]

اسید کرینیک ازانها متصاعد شود سیانور فرو پتاسیم در انها درد آبی دهند و سیانور فری
تغییری در انها نداده مگر اینکه رنگ محلول را مایل بسبزی کند نفیکن درد و سیاه می دهد
که اسید نیم رزن کلرور که در انها درد گرد دهد و انها را تیره بی احداث پروت کسید
نماید از حیثیت خاصیت دوائی باید دانست که منظور و الود که چون خواص آهن است در
بدن که جزء دوائی دم شود و دوائی باقی مانده لهذا املاح آهن را باید ملاحظه شود در مقدار
آهنی که جزء هر یک از املاح است و این در صورتی است که تمام ترکیب حدیدی جزو بدن
نمانده شده و ممکن است که نصف اینها بروز نکنند زیرا که در معده و امعاء بعضی که
قابل حل انها نیست نشود و اینکه قوه اتصالیه آن املاح که بیشتر که انها جذب شود
حدت حدیدی تحلیل شود لهذا باید اولاً بیه حدیدی را بر سه قسم نمود اول املاح محلوله
که بلا واسطه جذب میتوانند شد ثانیاً املاح غیر محلوله که بسهولت در ترشح معده
حل میشوند مانند کربنات و تکلقات و طرطرات آهن که بلا واسطه سرعت انحلال
انها در ترشح معده شامل بشوند با املاح محلوله بلا واسطه ثالث املاح یا سایر ترکیبات
حدیدی که قوه اتصالیه بکار دارند لهذا محلول و جذب نمیتوانند شد مگر در مدت
بسیار مدیدی مانند اکسید های آهن و کربنات طبیعی آهن و چنین باید گمان نمود که رسوب
معده از شش منحصر است به انکه تعلق با اسید های ... بلکه بواسطه ... مواد ...
الاستحاله اثر آن ترشح تغییر میکنند نه انکه صعب شود در املاح حدیدی باید ملاحظه
اسید انها را نمود که اکثر بعضیه منقبضه دارند و همچنین ملاحظه اسید های نباتی انها را

کرده مضرات معده از قبیل جوهر گوگرد و غیره و گاهی زیادتر از معده است و بجز خود جزئی
نکاه میدارند تقسیم که معده بسهولت تحمل انها را میکند مگر در صورتی که محلول انها
غلیظ باشد املاحی که اسید شان نباتی است طعم شان مطبوع تر است و در بین جد طرطرات
طرطرات ها و سیترات و تارتاریک و سیترات و فریک و لاکتات فریک در سایر املاح ترجیح
دارند پس از اینکه داخل در خون شدند اسید های نباتی محترق میشوند و بنا بر این در فر
باقی میماند و غالباً تفاوتی که فیما بین املاح محلوله و املاح غیر محلوله است منحصر است
به همین مگر در صورتی که جسم مرکب آهن خود یک اثر مخصوص داشته باشد مثل یدورور فر
و هنوز میانه علمای این فن گفتگو است که املاح پروت اکسید ترجیح با املاح پراکسید
دارند یا بالعکس و شکی نیست که هر دو موثراند بعضی بر آنند که املاح پروت اکسید
بجهت اینکه زودتر تغییر شده و جاری به تبدیل پراکسید شوند و جذب بکثرت از بعضی انها
اکثر ماهرانه مولد میباید صاحب که از اکابر فنون دوائی است به این عقیده است و میگوید
که املاح پراکسید بواسطه تجزیه تام با البومینات در خون تبدیل به البومینات
در فر شود و در انجا که باقی ماند و حرکت کند که باقی در خون است که دو والی آهن جاذب
عمل است که هنوز معلوم نشده بهتر آنست که در گونه مطالب که هنوز به تحقیق نرسیده
خاموش باشیم

املاحی که از آهن در طب معمول اند مقید دانه و روز بروز قدر اوشان بیشتر میشود
و املاح جدیده روز بروز اقرار واقع میشوند چون منظور ما آن است که اقتصار [illegible] شود

[illegible]

آهن است علم طبابت محتاج به اینهمه صور مختلف نیست حقیقت رحمت که طبیب را
مختار در انتخاب میکنند و گاهی در میان انها که را پیدا کنند که بمنسبه گوارا تر
باشد از سایر املاح منقلب بمزاج مریض که تحمل هیچیک از انها را نتوانند
املاح حدیدی را به تقسیم تقسیم کرده اند اولاً املاحی که اسید شان معدنی است و عبارتند
از پروت کلرور دو فر و پرکلرور دو فر و فسفات سبز و نیترات و فسفات و کربنات
دو فر ثانیاً ... و دو فر ثالثاً املاحی که اسید شان نباتی است و عبارتند از طرطرات
و سیترات و لکتات و استات و مالات و تانات

کلرورهای آهن

از ترکیب آهن با کلر و کلر دو معروف است پروت کلرور و پرکلرور که از حیثیت معادله
شیمیائی شابهند با دو کسید آهن پرکلرور جسمی است نفیه بطی عفص که در حرارت قرمز
متصعد میتوانند شد و در آب و الکل زودتر محلول است و در ازدیاد فشرده و در جوهر
ضرب به هفتان hoffmann نیز حل شود و در هوا مرطوب بسهولت
در رطوبت حاله شود که از اینجهت پرکلرور قابل انحلال و کلرور غیر قابل انحلال
نامیده پرکلرور دو فر قرمز رنگ است و طعم بسیار تند دارد به حرارت جزء متصعد
میتوانند شد در آب و الکل و اتر نیز محلول است

پروت کلرور دو فر

براده آهن را در جوهر نمک تقطیر حل کنند که در قیمی حل شده در ادامه انجرات

مستعار ... و به عمل ... کنند بحرارت ملایم ... را صاف نموده تا درجه ... قوام
آورند و بعد غلظت ... کنند تا آهن منجذب ... این نکته معلوم است
کلرور دو فر ... به سبز رنگ ... و اگر ... نقره ... باشد دال بر وجود پرکلرور است
این کلرور خشک ... است که معمول به طبابت ... منعقد کرد
... و در ... به قوام ... و ... دارد
اگر ... کلرور ... و حرارت ... اول قدری آب ...
... و پرکلرور ... تقطیر شود و اگر حرارت ... پرکلرور ...
شود ... و آنچه در قرع باقی میماند عبارت از کلرور که سبزتر
رنگ است در بعض کتب ... که این کلرور را در ...
که دهان آن ... از ... مصعد ... علاوه بر اینکه ...
رنگ ... که پرکلرور ... خاصیت
پرکلرور ... است
در ساختن ... معمول است

تنقیص پرکلرور

پرکلرور خشک ۱ الکل ... ۶
این ... در شیشه‌های دهان بسته کوچک حفظ شود زیرا که ...
... قدری ... را ... کرده ... ساختن ...

... تحقیق ... شده است

پرکلرور دو فر $Fe^2 Cl^3$ perchlorure de fer

جسمی است ... در حرارت ...
مصعد شود ... در آب ... و بعض ... در رطوبت ...
... که ... آورند ... جوهر نمک ... و ...
کرد این نمک را بطرق مختلفه بدست می‌آورند

پرکلرور خشک perchlorure de fer anhydre

قاعده اول ... مقداری ... در جوهر نمک حل کنند در ...
... حرارت ... بحرارت ... کنند ... جوهر نمک ...
آهن ... کنند ... و ... آب ...
آب ... کنند ... بحرارت ملایم قوام آورند ...
... که ... قوام آورند ... که ...
... این قاعده ... زیرا که ...
... کلرور ... در قرع ...
... حرارت ... در ... قرع را ... کنند ...
... قرع ... اول قدری ... آب و جوهر نمک متصاعد شود ...
... در دهان قرع ... نصب کنند که ...

... قرع را بشکنند ... پرکلرور در ... قرع جمع شده خارج نمایند و فوراً در
ظروف کوچک دهان محکم حفظ کنند ... که در قرع باقی میماند ...
و ... که ذکر شد ... آهن ... از ... جوهر نمک ...
... خشک شدن این ... از ... متصاعد
شود ... که جوهر نمک ... این جوهر ...
خشک نماید

قاعده دوم ... شیشه ... که واقع است در ... دارد ...
آن ... بیشتر از ... آن ... که دارای آهن است
باید در جزء ... که واقع در ... است ... حرارت ... بحرارت ...
... کلرور خشک ... اول کلر ... پرکلرور ...
و ... پرکلرور ... است ... کلر ... کنند و ...
به پرکلرور نمایند و چون پرکلرور بحرارت ملایم مصعد میشود در جزء ... مجتمع
شود این قاعده ... قاعده اول است

پرکلرور منعقد perchlorure de fer hydraté et cristallisé

این کلرور ده ... آب دارد ... قسمت ۲ و ۴ آب ... دارد ...
... در ظرف ... نماید ... رطوبت ...
... جهت ... این کلرور ... باید ساخت

طرز ... از ... است پرکلرور دو فر را که از ... در جوهر نمک ...
... در کپسول ... بحرارت ملایم قوام آورند ... غلظت ... کفایت ... کپسول
را ... تقطیر ... که ... کپسول ...
... کپسول را ... بخار ...
... تقطیر شود زیرا که ... بخار
آب است زیرا که ... جوهر نمک ...
... تقطیر بخار ... اگر قطره ...
... که آن کلرور را در ... که ...
و ... حکمت ... کلرور ... قطعه در ...
بسته ... بشکنند و در شیشه‌های کوچک دهان محکم حفظ کنند چنین کلرور ...
... در ظروف دهان بسته محفوظ ... کلرور ...
مرکب ... آب ... زیرا که ۸ ... ۲ ... کلرور ... معادل
است با ... کلرور خشک

تنقیص پرکلرور دو فر teinture de perchlorure de fer

پرکلرور منعقد ۱ الکل ۸ ۸۴
... حل کنند ... وزن این ... پرکلرور ... آب است ...
... پرکلرور ... از ... در جوهر نمک ...

در ساختن این نقنقین بکار میبرند و در صورت یقین در قدر این ایمیلیر
تموّن آن داشت و علاوه برین مایع حموضت دارد علاوه بر اینها چیزی که با
املاح آهن شترک دارد بعضی از اطبا از مقدار ۱۵ تا ۲۰ قطره در جرعه میخورانند
نقنقین دیگر منسوب به بستوشف teinture de bestucheff
پرکلرور دو فر منقعه ۱۶ مایع منسوب به هفمان ۸۴
مطابق معمول حل کنند

کلرور فرز امونیاکال chlorure ferroso-ammoniacal
این نمک را از امونیم منقعه و ساخته است چنانکه مورابات وکلرورات و غیره دیگرات مرقرادا
امونیاک و کلسیریخ فوشت در نامیه داد
جهة ساختن آن یکمرتبه کلرور فرز خشک ۱ قسمت در ۳ ... نمک را در ...
مقدار ابکه ممکن است حل کنند و قوام آورند تا خشک شود بعد از اتصال بهم زنند و محلولا
در شیشه از حک دار محکم حفظ کنند

سولفات آهن sulfates de fer
معمول به اطباء سولفات است سولفات دوبت کیسید فر $fe\,o, s\,o^3 + 7\,aq$ رسد o, s, o
و سولفات دو پرکسید فر $fe^2 o^3$ و $3 o^3$
سولفات دوبت کیسید فر sulfate de protoxyde de fer
که زاج سبز نامند $fe\,o, s\,o^3 + 7\,aq$ o, s, o

(sulfate ferreux, vitriol vert, couperose vert.)

تا ...

که است معروف ... آن فرنی و شبیه ... مرکب در کتانها منعقده آن سبز مایل بآبی است
و نمک آن لفیه است در هم وزن خود آب سرد و سه ربع وزن خود آب جوش حل شود
و در الکل غیر محلول است منعقده آن در صد جزء ۲۵٫۵۶ آب دارد و در درجه
درجه حرارت بیشتر مساوی رنگش خارج شود و کم کم آب آن خارج شود که گرد است
بیاد چون ... از آهن ... آن آلوده است باید کسی در استعمالات طبی او را با زیادت
از خلوص ان مطمئن باشد و امتحان آن بسیار سهل است در محلول ... آن پاره آهن
فرو برند فوراً ... میشود از این جهت استعمالات طبی باید از آهن ... زنگ زاج
سبز همه ... را بواسطه تکرار حل و حقه تصفیه میکنند بر او آهن را در جوهر گوگرد که
بواسطه هفت هشت برابر آب رقیق کرده اند حل کنند و در این زمان عمل ... اثبات
حرارت و در انجا عمل حرارت ... و تفسکه بر جو بعون ... دائم
دیگر حل شود عمل است اثمامی است ... تمام دارند ... آورند تا ۲ یا ۳ میزان
بعد از آن منعقده شود ... آهن ... تجزیه کند ... از ... در سالنو
و کمال سرت کیسید فر شود که جوهر گوگرد مرکب شده سولفات در ... شود
و غیره ... آن متصاعد شود و ... این گونه زاج رنگ سبز ... داد و بعد
از آنکه آهن پرکسید داده

بهترین قاعده خلوص سولفات دو فر تجارتی آن است که بوزن معین که
است و آن این است که یک کیلوگرام سولفات دو فر ... را بر ... در ظرف
با سه وزن آن آب و ۵۰ گرم براده آهن و ۱۰ گرم جوهر گوگرد خالص ...

است را سیب شود و بعد قاطع تقاطر ... آهن اورد صحیح

کم نامیه در جوهر ... تا اینکه دیگر بخار ... متصاعد نشود که از ... منعقده که ... دقت
سیر ... مایع ... سولفات دو پرکسید فر را می که در سولفات تجارتی ... از
دوا سازان بکار ... اینکه نمک محلول را در حالت حرارت منعقده کنند در الکل
میریخت و نتیجه ... در ۵ جزء زاج ۵ جزء آب و ۴ جزء الکل ۹۰ استعمال
میکرد

و من در ساختن زاج سبز خالص چنین عمل میکردم شیشه که تقریباً یک لیتر ظرفیت
داشت پر میکردم از آب و لیته ریک سانتیمتر مکعب ... میگذاردم و قدری براده
آهن در آن میریختم ولی از آن قدری جوهر گوگرد اضافه مینمودم که یک لیتر تا پر شود
و کف ... شیشه میگذاردم و چند ... زیر و بالا میکردم و بدین
طریق سولفات دوبت کیسید فر ... سولفات دو پرکسید فر ... نخیته
و دواسازان ... شربت و بعضی از ... ان معمول اند و ... مخلوط است
به نسخه طبیب و در ... معنوی ذکر آن خواهیم کرد قدر شربت
آن از ۵ تا ۳۰ گرم است و بیشتر که ... نامیه
غیر معتبر است آن جوهر ... و ... که دارا ... است که ... ... شود
cachou و قلیانیات ... را ... ۴ و غیره
شربت منسوب به ویلیس sirop de willis

زاج سبز	۲	آب	۳	شربت صمغ	۶

sirop chalybé de willis

تا ۱۱۶

زاج را به اعانت حرارت در آن مقدار قلیلی آب حل کنند و محلول را با شربت ممزوج
نمایند و دواسازان در ... بخلاف عقیده دارند و ... مقدار نمک آهن را ... کنند
سولفات دو پرکسید فر sulfate de peroxyde de fer
مرکب است از یک معادله پرکسید فر و سه معادله جوهر گوگرد و محلول است در آب و انواع
قرمز رنگ ... و بعد از ... با آب سرد ... زاج ... کنند که در اول درجه
غیر محلول بنظر آید و بعد از یک دو روز کم کم حل شود و از ... ... از جوشاندن
آن احتراز کنند زیرا که بواسطه غلیان منعقده گردد
جهة ساختن آن میتوان ... بواسطه سنگ معدن معروف به ... را با جوهر
گوگرد نامیه با اعانت حرارت ... از قرمزی ... زیرا که با ... جوهر گوگرد متصاعد
شود و ... آنکه سولفات تجزیه شود با محلول زاج سبز و جوهر شوره ... ممکن
است

شربت ... منسوب به لاسنی sirop albumino-ferrugineux de lassaigne

سفیده تخم مرغ	۱۱۰	آب	۲۰۰

مطابق معمول بهم زنند و اجزا ... از آن جدا کنند و محلول ذیل ... زند
محلول زاج سبز که ۳٫۵ ... آب ۵۰
این محلول را با محلول ... فوق ... از ... که در برد او
... ۳ آب ۵۵
و در این محلول ۵۹۰ جزء قند حل کنند و صاف نمایند ... آهن در این شربت

هنوز نامعین است در هر حالت باید موافق قاعده داخل در شربت فاسد
نباید اگر که بیشتر قابل جذب شود مقیاس آلات قند باید کرد و هر درمثقال این شربت
خمس گندم آهن دارد

فسفات دو فر phosphate de fer

فسفاتها که در طب معمول‌اند عبارتند از فسفات فنشامیت کهیدر و پیروفسفات دو فر
فسفات فنشامی phosphat de fer 2fe o, ph o5
گرد است غیر محلول در آب اگر این نفیه‌ای ... در هوا نگهدارند جذب کرده ...
قابلیت فنشامیت ... معمول عبارتند از زاج سبز ۱۰ فسفات دو لو ... ۱۲ قند
معطر و انیس vanille ۱۸۰ جز در هاون زاج آهن را ...
کنند و قند افزایند و آن سفوف را در شیشه‌های بسته حفظ کنند ۵ نخود این سفوف
خمس گندم آهن فسفات دارد

مقدار و فتح عطش است قدر شربت آن ۲۵٫۰ تا ۵٫۰ گرم است
شربت فاسف فسفات دو فر sirop de phosphate de fer

زاج سبز خالص	۱۰	فسفات دو لو	۴۰
جوهر آب لیمو	۱۵	آب	۳۸۰
قند	۶۲۰		

اول زاج را در ۱۰ مثقال آب صاف نخلصه صاف نمایند و جوهر آب لیمو را در ۲۰ وزن

خود آب حل کنند و فسفات دو لو را در بقیه آب محلول نمایند و مایعات را مخلوط کنند

پیروفسفات دو فر pyrophosphate de fer
3ph 2o5, 3o2 fe2

پیروفسفات فریک حاصل شود به واسطه تجزیه قوام زاج سبز و پیروفسفات دو لو
گرد است نفیه ... غیر محلول در آب محلول در محلول ... پیروفسفات دو لو
و با آن مع قوام حل می‌نماید که جهت استعمال دوائی مناسب است
شربت پیروفسفات دو فر sirop de pyrophosphate de fer

زاج سبز	۳٫۶۰	آب	۶۰

زاج را در حرارت ۴۰ تا ۵۰ در آب حل نمایند و پس از آن در
ظرف دیگر محلول ... را درست نمایند

پیروفسفات دو لو کرسیتو	۱۵	آب	۲۳۰
عرق نعناع	۱۰۰		

مخلوط کنند و محلول زاج را به آن افزایند در دراب شود و بعد از محلول کرده و پس از
صاف آن ۹۰۰ مثقال قند بر آن افزایند و در ۳۰ درجه ... شیشه‌ها را جاری
کنند این شربت دارای رنگ سبز روشن است یک قاشق آن دارای ۲ صد گرم آهن است به حالت پیروفسفات قوام

کربنات دو فر carbonate de fer fe o, co2
کربنات دو پروت کسید آهن گرد است نفیه به رنگ تقریباً غیر محلول در آب در حالت مرطوب

با کمال سرعت و بمیل جذب اکسیژن هوا نموده رفته رفته سبز و زرد و بالاخره قرمز
رنگ شود و در نهایت تبدیل شده است به کربنات پراکسید دو فر
کربنات دو فر در استعمالات دوائی بر سایر املاح حدید ترجیح داده‌اند که اکسید
آهن قوت اقتضائیه بسیار زیاد که موجب قبض میل املاح است در ترکیب و جهت معاشرت
زیرا که کربنات دو فر مرکب است از پروت کسید آهن که از ترکیب قوی است و اسید کربنیک
که اسید است بسیار ضعیف لهذا به سهولت در ترشحات آلات هضم محلول شود و اخلاط
سرعت المحلول برسایر املاح غیر محلول آهن ترجیح داده‌اند و هم این است که بدون
اثرات مجاری هضم خارج شود و در سایر املاح محلوله آهن نیز رجحان دارد زیرا که
حد آن در ترشحات معده مرور شود و اثر آن متعدد ظاهر می‌گردد بر خلاف املاح محلوله
که یک دفعه معده را تسکین کنند ولیکن همیشه طبیب دوا را به هفت شبانه میل مخلوط
اثرات به اکسیژن که در کمال سهولت فاسد شود در بعض اجسام طبیعی به صورت محلول است به
اسید کربنیک ... در بنیات استعمال این بسیار خوب است و باید بخصوص است حفظ
آن از اکسیژن هوا چنانچه در فصل آرسنیک هم خواهیم دید باید اندکی زهر آهن آن به
حالت کلوئیدها رنگ قرمز رنگ دار شود

سفوف حدید منگنز poudre ferrugineuse de menguer

زاج سبز منعقد	۱۰ نخود	قند مسحوق	۳۰ نخود

مطابق معمول صلایه نموده با قند آسانه و از طرف دیگر نمک جوش ۱۰ نخود قند

۳۰ نخود مطابق معمول صلایه نموده ۱۲ بسته بار نموده در بسته‌ها اول نمره یک و در
بسته‌های دوم نمره دو گذارند و در حین استعمال در دو ظرف یک بسته از نمره یک
یک بسته از نمره دو را حل نموده مخلوط کنند فوراً بنوشند و این قسم هم از جذب اکسیژن است
زیرا که در هنگام استعمال ساخته شده هر بسته به کار بندند و این زاج داده و تولید
کنند و این کربنات دو فر حل نماید

سفوف دیگر مولد گاز poudre ferrée gazifère

نمک جوش	۱۸	جوهر طرطیر بسیار نرم	۲۴
قند مسحوق	۵۷	زاج سبز منعقد	۱

زاج را بسیار نرم صلایه کنند و خوب ممزوج با قند نمایند و تتمه اجزا را اضافه کنند
و این دوا را در ظرفی که فرانسه است و جهت یک لطر آب کافی است لطر را پر از
آب کنند و مخلوط را در آن ریخته فوراً دهان آن را به بند نموده حرکت دهند پس از
اندکی زمانی تمام آن محلول شود نسبت معتدل از جوهر طرطیر و نمک جوش قدری است که پس از
فعل و انفعال اینها در یکدیگر با زجوهر آب باقی است لهذا مشروب شیرین حامض دارد
این بسیار خوبی دارند که به واسطه زیادتی اسید کربنیک آهن آن محلول شده است در جوف
جو این شیشه‌ها که در آن ... دارند به جوهر طرطیر و نمک جوش آنها را بسیار نرم
صلایه کنند تا در جوف در یکدیگر فعل و انفعال کنند

حب فوب به دارت pilules de carbonate ferreux

(formule de vallet)

زاج سبز منعقد خالص ۵ نمک قلیای منعقد ۶

عسل مصفی ۳

در پاطیلی که چدنی باشد آب را بجوش آورند و زاج را حل نموده حرارت را زیاد
کنند وقتیکه غلیان در نهایت شدت رسیده باشد نمک قلیا را اضافه کنند بطوریکه
نگذارند از جوش بایستد ولی از آن وقت پاطیل را لبه بگذارند تا مواد آن بزودی
ته نشین شود باید مدتها را حتی الامکان بالا نگاه داشته آب آنرا با سیفون خارج کنند و در
کمال سرعت رسوب را در صافی ریخته و فوراً روی آنرا با ورق کاغذ آلوده
بشیره شکر بپوشانند و گذارند قطرات آن خارج شود و در وقتیکه گذارند تا زیاده آب
آن خارج شود در وقتیکه مشغول بکار هستند عسل را در حمام ماری تبخیر و تغلیظ کنند
و کربنات را فوراً در نهایت سرعت صلایه نموده ممزوج به آن نمایند و در حمام ماری
گذارند تبخیر شود تا غلیظ شود حب را که اکثر آنرا در ظروف دهان بسته زیر شیشه
نگاه دارند این تفصیل که درین نسخه ذکر کردیم لبید را بسیار ولیکن است از انجهت
دواسازی ذکر کرد

حب بلُد (blaud) pilules ferrugineuses

زاج سبز خالص ۳ مثقال کربنات دو پتاس خشک ۳ مثقال

عسل مصفی مقدار کافی

زاج بکوبند و در گرم کن چینی در صحن بگذارند تقریباً بجوش وزن آن لبکها بجوشد تا
بکوبند و کربنات دو پتاس خشک را ممزوج آن نمایند و بعد از عسل اضافه نمایند که خمیر نرم
شود پس از آنکه نرم خمیر سخت کرد و از آن حب نمایند هر حب یک گرم و حب
کربنات دو فر دارد که $\frac{3}{5}$ گرم آهن آن میشود در حین امتزاج زاج و کربنات
دو پتاس بعلت رطوبت عسل تجزیه آن شود و تولید کربنات دو فر و سولفات دو پتاس کرده بیفزول

$$FeO,SO^3 + KO,CO^2 = FeO,CO^2 + KO,SO^3$$

پس معلوم شد قاعده کلیه ساختن کربنات دو فر جدید درست یا از کربنات تنها جدید است
یا از اعدام رکیبه آهن و چون سولفات دو پتاس و سولفات دو پتاس مدتها از جلیع از
چندان ضرری ندارند و ایست که کربنات آن تولید و چون سولفات زاج سبز استعمال آن
حب دوائیست بسیار معروف است در امراض کم خونی و جلوه شبه لغیه که یا آنکه کربنات دو فر
کربنات دو پتاس معین بعمر آن میشوند در اول در حب دو گرم که سه و چهار روز یازده تا
۸ و ۹ حب میرسند

Fe I iodure de fer یدور دو فر

فرمول این یدور مطابق است با یوت که یدور فر مرکب است از ۸۲ یدور و ۱۸ آهن
این یدور در سرهای فقوه است بسیار با شکال منعقد شود زیاد که لیته محلول است در آب
و بلکه جاذب الرطوبه است محلول آن بجا درست هوا اضافه کرده که آهن با قدری یدور
رسوب کرده و در آب به یدور دو فر باقی مانده طعم این یدور مانند زاج سبز است

جهت ساختن آن جا نچه در فصل یدور دو پتاسیم ذکر کردیم باید براده آهن و آب و
یدور را با شرایط مذکوره مجاور نمود بطوریکه از ان عمل درست میاورند بسرعت تبخیر کنند
تا خشک شود و محصول را فوری در ظروف دهان بسته محکم ضبط نمایند و با بطرز
یدور دو فرهمیشه اند که یدور خالص و اند که اکثر یدور دو فر داده بهتر این است که او کر
احتیاج به آن قاعده بدهند و آن این است که محلول یدور دو فر دایما درست براده
یا دینه آهن صیقلی بگذرانند و قوام اورند تا وقتیکه اگر قطره از انرا خارج نمایند به
بنده و او وقت آنرا در جای صفحه شیشه جینی بریزند پس از سرد شدن بزودی قطعه قطعه
نموده در ظروف دهان بسته حفظ کنند و در صورتیکه خالص نتوان از محلول با براده آهن
بپوشانند و چنانچه ذکر شد تمام اعمال را عاری از هوا نمایند محلول خالص یدور دو فر است
که با تمامه در آب حل شود و محلول آن سبز رنگ با آنکه این یدور دارای خاصیت دو ملکه
بزرگ است که آهن و یدیش از او در جهت ظلمت و جلوه لغیه و امراض خنازیری و در ...
اول بدن بیتقال میکنند چون دوا سریع الفساد است لهذا ابتدا دو دوا سازان جهت
استعمال آن نسخه های معینه دارند

لیکر محلول یدور دو فر

ید	۸/۲	براده آهن خالص	۴
آب مقطر	۴۰	قند	۵۵
صمغ عربی مسحوق	۸		

یدور براده آهن را با ده مثقال آب مقطر در قرعی بریزند و گرم کنند بعد از آنکه بیرنگ شد
و رنگ آهن زنگی که یدور در صافی ریزند و با ده مثقال آب که باقی مانده است انرا بشوئید
و فوراً قند و صمغ را در ان حل کنند بدین طریق صد جزء محلول است آید که عشر آن یدور
دو فر است این محلول را در شیشه های کوچک پر حفظ کنند

شربت یدور دو فر

محلول اصلی	۱	شربت صمغ	۱۱
شربت بهار نارنج	۳		

مطابق معمول مخلوط کنند و مثقالی این شربت ۵ گرم یدور دو فر دارد

حب یدور دو فر

یدور دو پتاسیم	۱۱ گرم	زاج سبز منعقد	۹ گرم
خمیر نان	۱۲ گرم	ریشه ختمی مسحوق	مقدار کافی

زاج را نرم صلایه کنند و یدور دو پتاسیم را افزایند و بعد خمیر نان و ختمی مذکور را بیفزایند
و اندازه قسمت کنند و در حین حبها شده مخلوط نمیشود بلکه بهتر است که از ملایمه مزو نمایند
تا از مجاورت هوا محفوظ مانند هر حب یک گرم یدور دو فر داده این نسخه سهل و بهترین
نسخ است

نسخه دیگر در منسوب به بلانکار pilules d'iodure de fer

(blancard)

اگر چه قدری شکر قوام دو ترکیب را خوب بست بهتر ۲۰ نخود یُد ناب تکه آهن
۱۰ نخود آب ۴۰ نخود عسل ۵ نخود سفوف جاذب ۷۰ نخود یدور دو فر را
مطابق معمول بسازند و آنرا در کپسول آهنی معین الوزن صاف کنند و کاغذ صافی
را با ۴۰ آب عسل بشویند و با هم یادت مجمعه عسل افزاینداول به تند تبخیر
نمایند ولی دوران حرارت را ملایم نمایند تا وقتیکه تمام اجزاء منتهی شود پس از آن
سفوف جاذب ... و رب خطمی را اضافه نمایند و ۱۰۰ حب ساخته در اینجا نه
مخلوط نشود حب ها را با حرارت ملایم خشک نمایند و سطح آنها را از ورق طلا و یا نقره
توجیه چه در مجلد اول ذکر کردیم بپوشانند هر حب شش گندم یدور دو فر
دارد

آب معدنی یدور دو فر

محلول صاف | نخود ۱ | آب معدنی | ... |
شربت صمغ | مثقال ۱ |

در هر بطری یک نخود یدور دو فر است

قرص یدور دو فر

محلول صاف | مثقال ۲۰ | صمغ عربی | مثقال ۵٫۶ |
قند مسحوق | مثقال ۶۰ |

با محلول صاف و صمغ لعاب سازند و قند اضافه نمایند و چهار صد قرص سازند هر قرص
دانه

اهر کنید یدور دو فر دارد که عبارت باشد از عشر گندم آهن

شراب یدور دو فر

زاج سبز | ۲۲ | یدور دو پتاسیم | ۲۶ |
شراب بقیه | ۱۰۰ |

اجزاء را با یکدیگر صلایه کنند و شراب اضافه نمایند و صاف کنند ۲۰ مثقال این شراب
شش گندم یدور دو فر دارد که یک گندم آهن باشد

نقلی یدور دو فر

زاج سبز متبلور | ۱۱ | یدور دو پتاسیم | ۹ |

این دو نمک را با یکدیگر صلایه کنند و قدری قند افزایند با سفوف ثلث دور ۶۰۰ جزء
نقل خمیر نموده قرصهای شش مثقالی سازند هر قرصی دو نخود یدور دو فر دارد

روغن یدور دو فر

یدور دو فر | ۱ | آب | ۱ |
روغن ... | ۷ |

مطابق معمول مخلوط کنند به قدر فنجه قند بسیج و عطر سیر فوق ... هر روز افزار را تمیز کنند

ازن یدور دو فر

یدور دو فر | مثقال ۱۳ | آب | مقدار کافی |

مطابق معمول حل کنند و بر دو ۳ مثقال ۳ مثقال بر مقدار یدور بیفزایند

ذرق یدور دو فر

یدور دو فر | نخود ۱ | آب مقطر | مثقال ۵ |

مطابق معمول حل کنند ریکرد صاحب انداد را از نمک استعمال میکرد

طرطرات دو فر tartrates de fer

در طب طرطرات بیت یکیه دو فر و طرطرات ثانی آهن و پتاس معمول است طرطرات پروت tartrate de protoxyde de fer.
یکیه که عبارت از T, O, fe^2 کات است در آب بسیار کم حل میشود در ۲۰۶۳ جزء
آب سرد و ۴۰۵۲ جزء آب جوش حل شود و محلول آب انعقاد داده از اجزاء تجزیه
آن زاج سبز و طرطرات است و دو نه طرطرات دو یکیه آهن فرو نوش است T, O, fe^2 tartrate de peroxyde de fer
کات است انعقاد ناپذیر با رنگ قهوه ای تقریبا زرد محلول در آب و محلول آن در
هوا فساد ناپذیر به تنهائی کمتر مستعمل است و از جزء تفراد و ثانیه معمول میشود طرطرات ثانی tartrate de fer et de potasse
داهن فرو نوش T, O, fe^2, KO در صد جزء آن ۲۰ جزء پروتکسیده آهن
با ۲۰۰ جزء آهن است این نمک مانند فلس های قهوه رنگ مایل بقرمزی منجمد گردد و
انعقاد ناپذیر است طعم آن اندکی عفوصت دارد تقریبا در هر مقدار آب حل شود در
الکل نیز کم با محلول کرده در ۱۲۰ درجه حرارت تجزیه شود و باید که نمک مقطع
نشود لهذا باید در خشک کردن آن حرارت بسیار ملایم باشد از خیلی قدیم ترشح سه
طرطرات دو یکیه را بکار برده اند و این بهتر است که این نمک را باید در ..
مدت مدیدی ساخت نه و ابطه خیلی در عقب بود استعمال طبی آن ترجیح بدهیم

داده زیرا که با وجود کثرت انحلال چندان عفوصت نداده و کدورت ندارد و
با آهن و این نمک بطوری مرکب شده است که قلیائیات بسیار قوی از آن جدا نمی توانند
کرد لهذا از خاصیت جراحی افزوده میشود

جهت ساختن آن بگیرند طرطر صاف مسحوق، آب مقطر و نیترات دو پروتکسیده
آهن مقدار کافی تمام اجزاء را با یکدیگر مخلوط کنند و در موضعی بنهند که ۵ درجه حرارت
داشته باشد و باید پروتکسیده را کاملا با دو نگاه دارند تا وقتیکه دیگر قلیائی صدریا یکیه کند صاف نمایند
و با حرارت ملایم تبخیر کنند تا خشک شود بلکه بهتر است که پس از تغلیظ مایع آنرا در
ظرف شیشه پهن بگذارند و در گرمخانه گذارند و در صورتیکه پروتکسیده خالص نباشد بهتر است
انجام میگیرد و لهذا اگر در حین ساختن مقدار زیادی قلیایی تقاضا کند خالص باشد
بنا کلی ماننده از آنکه می بینند و رفع آنرا واسطه افزودن اندکی پتاسی قرو اکلی
محلول طرطرات ثانی آهن 1. tartrate de fer et de potasse

طرطرات آهن و پتاس | ۱ | آب | ۵ |

با امانت حرارت گذارند حل شود این محلول را در ..فتانه جهت رفع قرحه های
گوش و اکله استعمال کنند قدر شربت آن از یک الی ۲ قاشق است در روز

شربت آن sirop tartrate de fer et de potasse

طرطرات ثانی | ۲ | عرق دارچینی | ۲ |
شیره شکر | ۷۶ |

مطابق معمول مخلوط کنند و در امراض خنازیری قاشق قاشق خورانند دیگر نیز

بسیار نافع است و منتفع این ترکیب چهار جنس کنند این دارو

قرص ... pastilles de tart. ferrico-potassique

طرطرات قلی	۱	قند	۱۶
سحوق معطر محکک	مقدار کافی	لعاب صمغ	مقدار کافی

مطابق معمول قرصهای ... سازند

حب ... pilules de tartrate ferrico-potassique

طرطرات قلی	شقیق ۵	رب ...	مقدار کافی

مطابق معمول حب سازند که هر یک ... طرطرات قلی فرنگی که آهن داشته باشد

در طب مخلوطهای مختلف معمول است از طرطیر و آهن و طرطرات های قلی مقادیر و وضع استعمالشان مختلف است و اسمها طرطیر فولادی و طرطیر مریخی محلول و تنقیع مریخی طرطیری و عصاره مریخی و گلوله مریخی می‌نامند

طرطیر فولادی

براده آهن	۱	طرطیر	۴
آب		۲۰	

در ساعت ... بجوشانند ... تبخیر نمایند و گذارند منعقد شود به حجم ...

از طرطیر

از طرطرات در پاتاس خنثی و طرطیر مقدار تغییر پذیری از طرطرات آهن و ... مقدار

همیشه ضعیف است لهذا از ادویه کامله نیست زیرا که طبیب از مقدار آهن آن

اطلاعی ندارد

teinture de mars tartarisée تنقیع مریخی طرطیری

براده آهن	۲	طرطیر مسحوق	۵

در ... ریزند و با آب خمیر نرمی سازند و گذارند یک شبانه روز بماند بعد از آن در

۵۰ جزو آب ... کنند و در ساعت ... گاه گاهی آب ... تا آنکه

بخار ... آن ... باشد گذارند ته‌نشین شود آب آن را ... صاف کنند و تا ۳ یا ۴ میزان الغلظه تبخیر کنند بعد از آن ... الکل ۸ بر آن ...

رنگ این محلول بسیار تیره است

extraits de mars عصاره مریخی

تنقیع مریخی طرطیری را ... غلیظ عصاره قوام آورند اکنون غیر معمول است

tartre martial soluble طرطیر مریخی محلول

کریمه طرطرات خنثی پتاس	۱	تنقیع مریخی طرطیری	۴

طرطرات در پاتاس را ... کنند و با تنقیع ... تا خشک تبخیر نمایند

citrate de fer سیترات دو فر

در طب سه سیترات معمول است سیترات آهن اماتیاکی و سیترات آهن اماتیاکی

citrate de fer سیترات دو فر

نمک است خنثی که فرمول آن ... $Fe^2 O^3$ 3 است و در صد جزو آن ۳۲ جزو

در ... ۲۲ آهن موجود است رنگ آن ... است بسیار محلول است در آب

و در هوا فاسد نمی‌شود طعم آن ... است

جهت ساختن آن ... آهن را در محلول جوهر آب لیمو ریخته گذارند ...

بعد از آن ... صاف ... قوام آورند و در ... نمایند و ...

... اکنون این سیترات معمول ترین اقسام ... است و ...

ندارد

استعمال ... بصورت حب و ... و شربت و قرص قدر شربت آن از ۲۵ ...

تا ۲۵

citrate de fer et d'ammoniaque سیترات اماتیاکی آهن

این نمک ... سابق الذکر است و ... کثرت انحلال ندارد و فرمول حقیقی

معین نیست

جهت ساختن آن ... آب مقطر ۱۰ جوهر آب لیموی منعقد ۵ اماتیاک ... ۲

در ظرف ... جوهر لیمو را حل کنند و اماتیاک افزایند و در ... گذارند تا

آنکه ... آهن ... آهن ... افزایند ...

تازه ... صاف ... قوام آورند ... غلظت شربت و در ...

...

... نمایند و در ... سیترات ... صد جزو این نمک ۱۲ جزو آهن است

سیترات آهن اماتیاکی

عبارت است از نمک محلول و جاذب الرطوبه که هیچ طعم ندارد و حال آنکه نمک ...

... مطبوع ... سیترات آهن ... در آب حل کنند ...

... افزایند که ... حرارت ... قوام آورند و در ... نمایند

و در ... این نمک جاذب الرطوبه و کثیر الانحلال در آب است و ... طعمی

ندارد لهذا به نمک ... ترجیح دارد

با آن شربت و حب و قرص سازند مطابق آنچه در طرطرات قلی آهن ذکر کردیم

لاکتات دو فر lactate de fer ... fer

... آن بسیار ... است و در آب سرد ... و در آب گرم ... است ...

بسهولت ... هوا ... شود و ... آن ...

... در طب ... و ... این ...

آهن ندارد

جهت ساختن آن براده آهن ...

... آورند و گذارند منعقد

شود و ...

و ... است که ... را از ... قلی ...

از ...

سبز خالص منعقد بدست می‌آورند بدین طریق

زاج سبز خالص منعقد ۹۰۰ آب ۲۰۰۰

گلکات دوتو ۱۰۰۰

گلکات دوتو را در ظرفی نقره ریخته و آب افزوده حرارت دهند تا آنکه حل شود وقتیکه بخلی(؟) آنرا که فقط کمی گرم است زاج سبز را افزایند بمحض اینکه مخلوط شد ظرف را از روی آتش برداشته و در روی پارچه صاف ریزند و باید دست(؟) باقیه از اغتشاش مخلوط را گذارند ساکن باشد و روز بعد پارچه منعقد شود و مجدداً در قیمه(؟) گذارند و بعضر(؟) بعد به اعانت حرارت آب جوش خشک نمایند و آنچه باقی ماند همین سبز گلکات تازه میباشد

قرص گلکات دوفر — ۵۰۰

گلکات دوفر ۱ قند ۱۲

لعاب صمغ عربی مقدار کافی

مطابق معمول قرصهای ۱۲ گرمی سازند

مالات دوفر malate de fer

براده آهن ۱ آب سیب ترش ۸

سه روز در حرارت کمی مجاور یکدیگر کنند و قوام آورند تا نصف شود و از صافی گذرانند و در حمام ماریه غلظت عصاره قوام آورند و آنرا از مجاورت هوا حفظ کنند بجهت

اول

مرکب داراتی‌ها اجزاء شیرین و ترش و صمغ سیب است و علاوه بر این مالات

پتاس آهکیه و مالات پرکلیه دارد و چون مالات آهن در آب و الکل قابل حل است

این بحال را خاذب الرطوبه میکند خواص آن مانند سایر املاح مختلف آهن

است و امروز کمتر استعمال شود زیرا که هرگز درجه اثر آن کاملاً معلوم نیست

استات دوفر acetate de fer $Fe_2O_3 A$

در طب استات دو پرکلیه دوفر مستعمل است که نمک بسیار محلولی که بسهولت قدری از ترکیب خود را

از دست دهد

جهت ساختن آن نیترات دو پرکلیه دوفر جدید الترکیب را غالباً در سرکه چوب ریزند

تا آنکه دیگر حل نشود پس از آن قدری دیگر سرکه افزایند و با حرارت حمام ماریه قوام آورند تا

خشک شود و بعد این نمک را در شیشه‌ها در دار ریزند زیرا که اگر در ظروف درباز بماند

منعقد دار بلکه شیشه‌ها نیکه چوب پنبه در آن را گرفته از زر نه قدری پنبه الکل آن

گاهی منعقد شود اوقات با تمامه در آن حل نشود حفظ این نمک همیشه مشکل است

استات حل شده در سازند بطریق جوهر سرکه ده درجه را با حرارت ملایم با نیترات

دو پرکلیه دوفر اشباع کنند ۱۰۰ اجزاء این محلول تقریباً معادل ۲ جزء استات خشک دارد

الکل استات دوفر

استات دوفر خشک ۱ الکل ۵ ۷

نسخه دیگر

استات دوفر مایع ۱ الکل ۵ ۵

شراب استات دوفر

استات دوفر خشک ۲ گرم شراب بعیه(؟) ۶ مثقال

نسخه دیگر

استات دوفر مایع ۳ گرم شراب بعیه(؟) ۶ مثقال

سرکه حدیدی

براده آهن ۱ سرکه نعیه(؟) ۱۲

هشت روز مجاور کنند و صاف نمایند آب تجزیه شود و آهن را اکسیده کند و اکسید با سرکه

الکتیک(؟) ترکیب یافته و نمک تشکیل شود که در طبیعت طبقات دوفر باشد و باید بجهت آنکه مقداری

آهن در این سرکه تغییر پذیر است بهمان نسبت حرارت سرکه‌ها تغییر می‌پذیرند

تنفین(؟) کلاپروت teinture de Klaproth

جوهر سرکه قوی مقدار منظور نیترات دو پرکلیه دوفر مقدار کافی

با اعانت حرارت ملایم نیترات را با اکسید اشباع کنند و صاف نمایند و بگیرند از محلول مذکور ۹

اثر اسیک ۲ الکل مصفی ۱ مطابق معمول مخلوط کنند این تنفین تقریباً یک وزن خود

استات دو پرکلیه دوفر است در خواص مانند سایر املاح حدید است

تانات دوفر tannate de fer $Fe_2O_3 T + 9aq$

نمکی است سیاه رنگ غیر محلول در آب که در طب از او بکار بردن تازه شود و در روز استعمال کنند

جهت ساختن آن صد جزء استات دوفر مایع را بردارند و کم کم ۵ جزء الکل تانیک بر آن

افزایند فوراً رسوب سیاهی پیدا شود شسته و در کرمخانه خشک نمایند

مرکب encre

مرکب ترکیبی است از اکسید آهن و جوهر مازو که تانن و اسید گالیک است در حالتی که این

مرکب غیر محلول است و معلق مانند در آب لعاب دار بگیرند

مازو ۲ زاج سبز منعقد ۱

صمغ عربی ۱ آب مقدار کافی

مازوهای درشت را در آب بجوشانند تقریباً که ۳ جزء مایع داشته باشند صمغ را در آن

حل کنند و زاج را در دو جزء آب سرد محلول نموده پس از سرد شدن مایع بر آن افزایند و

آنها را مخلوط نموده بعد از دیگر افزایند تا مانع از خراب مرکب شود بعضی اشخاص در مرکب

قدری روغن و قدری کات کبودی افزایند از جهتیکه قلمهای فرنگی آهنی شده است

کات قدری نمود زیرا که قدری را میخورد مرکب که در مجاورت هوا جذب اکسیژن نموده رنگین

تر شود

مرکب آبی encre bleue

نیل هندی مسحوق ۱۵ جوهر گوگرد ۴۰

امونیاک مقدار کافی صمغ عربی مسحوق ۲۵

آب ۱۰۰۰

نیل و جوهر گوگرد را در قرع شیشه ریزند و در حرارت ملایم حل کنند آن محلول را در آب ریزند و با املیاک آن را اشبع کنند و صمغ را در آن حل نمایند

مرکب قرمز encre rouge

چوب برزیل ۸ الکل ۵ درجه ۳

بیست و چهار ساعت بخیسانند و از صافی گذرانند قوام آورند تا ۳۰ جزء باقی بماند

زاج سفید ۱ صمغ عربی ۲

قند ۱ روغن بادام

مرکب زرد encre jaune

تخم اورنگ graine d'avignon ۳۰ آب ۱۲۰

طبخ غلیظ سازند و صاف کنند و در آن زاج سفید ۴ صمغ عربی ۱ بیفزایند نیز همان بواسطه الکل حصاره رنگ زرد با آب مرکب زرد بدست آورند

مرکب سبز encre verte

زنگار متبلور ۱ طرطیر ۵

آب ۴۰

محلول را بجوشانند تا نصف شود و صاف کنند

مرکب برکشت encre

کربنات دو کوپر ۲ نشادر ۲

آب

اب ۲۰ درده ۱

در شیشه سربسته محفوظ بدارند که اگر این مرکب را جهت نشان کردن لباس بکار برند که در انبار ها میریزند بکار میبرند

manganèse دارو و دوایی مأخوذه از معدن سیا

بنا بر رای بعضی از اطبا املاح منگنز در بعضی مواقع میتوانند بجای املاح آهن در بعضی امراض استعمال شوند و اتفاق میافتد که بعضی از این امراض مقاومت با املاح حدید میکنند و به اینها علاج نشوند ولی به املاح منگنز رفع شوند و گاهی املاح آهن و منگنز را مخلوط بکار برند و لیکن بسیار بر آن شده اند که املاح جدیده مختلفه از منگنز استعمال کنند و لیکن فایده بالت دیگر بنا بر منگنز مانند سایر املاح آن بهیچ وجه در هوا فاسد نشود و املاح پروت کسیه منگنز بی رنگ اند و یا اینکه اندکی بهره دارند و بواسطه اکسیژن تیاس در سفید رنگ هستند که در زیاده متعرض میشوند ولی در محلول قلیائی و جز گرده و آهن در مجاورت هوا اکسیژن تیره رنگ شود و عاقبت سیاه گردد و بعضی فورا سیاه کنند و گوگرد تیاس و لیکن در دو سفیدی دهند که از مجاورت متبلور با سیاه نگردد و تیاب و فرو کردن در اینها در سفید چهره دهد و تیاب فور قرمز دهد و در قطعه رنگ دهد سیاه و فورک در اینها دردی نمیدهد و لیکن رات ولی اما نیاک در اینها در قرمز عصفوری رنگ دهد که از مجاورت هوا تیره شود و چهره نور در اینها درد نمیدهد

کربنات منگنز carbonate de ma. $mn\,o, c\,o^2$

در صد جزء این کربنات ۲ و ۸ ۳ کسید منگنز دارد و غبار است سفید و طعم غیر محلول در آب و فعلا بدرست در هوا

جهت بدست آوردن آن نمک قلیا را در محلول سولفات یا کلورور منگنز میریزند تا دیگر رد نزند و رسوب را بشویند و خشک کنند نیکونیت که این بهترین املاح منگنز است و در اعمال طبیه زیرا که طعم ندارد و بسهولت در معده حل شود و بعضی کربنات میزنیت که بسهولت در هوا فاسد شود

کلورور منگنز mn cl chlorure de man.

این کلورور متبلور معادل آب دارد و رنگ آن چهره است و طعم آن صدمه است و جاذب الرطوبه است و هادر ۵ درجه ۲ حرارت در هوا شکفته شود در آب و الکل محلول است محلول این کلورور بسیار در علاج برنگ استعمال میکنند و در دواهی مرکب این کلورور را جهت علاج امراض بوده و بکار برده اند و استعمال آن در رفتن امراض بعضی مفید است جهت رفتن آن مخصوصا که در رفتن کلر بمعنا سیاه و جوهر نمک بدست آمده بود داشته در آب ریزند و صاف نمایند حرارت دهند تا خشک شود و قدری سفید روی اخفای آن اهن که مخلوط است در دل شوند از ۲۴ ساعت از صاف شدند قوام اورند و منعقد کنند

سولفات منگنز mn o, s o³ sulfate de mangan.

کلاهست سفید با اندک رنگ صورتی و طعم آن صدمه است و بلغم منثور منعقد شود که اندکی در

آب

هوا شکفته شود در دو برابر وزن آب سرد حل شود و در آب جوش بیشتر محلول است و الکل او را حل نکند منعقد آن ۵ معادل آب دارد و وقتی که در هوا شکفته شده است یکمعادل آب آن خارج شده و اگر او را در موضع خشک مثلا از هوا شکفته کنند بیش از دو معادله آب بخورد نگاه نمیدارد و بهترین قاعده ساختن آن عبارت است از اینکه کلورور منگنز را بواسطه نمک قلیا رسوب کنند و آن رسوب را جمع کرده بشویند و در جوهر گوگرد آبدار حل نموده قوام آورند و گذارند منعقد شود و بعلت استعمال در طب نداده و بکار در رفتن بعضی از آبهای معدنی صنعتی میشوند

یدور منگنز mn i iodure de manganèse

مرکب است از ۱۸ جزء منگنز و از ۸۲ جزء ید و از ۱۱ از تجزیه توان یدور را از سولفات منگنز بدست آورند و صاف نموده و بعد در مجاورت هوا تبخیر کنند ولی این یدور بسیار سریع الفساد است و با آن شربت درست میسازند مطابق شربتهای دیگر که در املاح آهن ذکر کردیم

شربت یدور منگنز sirop iodure de manganèse

شیره شکر یدور پتاسیم ۲۰۰ مثقال ۵ دیگر ۳ کنند

سولفات منگنز را در قرع ریزند و در ۲۰ مثقال آب حل نمایند و به اعانت حرارت محلول کنند و بعد از آن یدور پتاسیم بیفزایند بعد از حل شدن گذارند سرد شود آب صاف را با چیزی انحراف بگیرند و بشویند تا سولفات پتاس آن خارج شود و باید

بجای آب دزدکها الکل معطر استعمال کنند بیاید را جمع نموده صاف کنند و شربت را
جوش آورده و محلول پوره روی متکثر را در آن ریزند و یک جوش دیگر دهند تا الکل
خارج شود این شربت مطابق است با شربت پوره روی ... در ... مثقال آن یک نخود
پوره روی متکثر است

ادویه روی zinc

علاج روح در طب چندان زیاد معمول نیستند در دواخانه ادویه مسکنه و ضد تشنج
بکار میبرند و لا در ارثکی است زیرا که همیشه از امزوج مسکنه با ادویه ضد تشنج بیا
قوی دانند نسبت به طب و بزرابیخ و چند به شر و مثال اینها در خارج جنبه روح محققات
انرا در بعضی و غضب ... استعمال کنند و همچنین در لوها ای جرب نیز استعمال نمایند از املاح
روح جز کلورور و لولفات و ... در طب معمول نیستند یک اول محرق است و اما
دیگر قابض و محلل اند و معمول به عامه اند املاح جز بی رنگ اند و طعم فلزی دارند و دوا
هیچ فلزی را رسوب نشوند ... و لو و اما نیاکد در انها در دو نفیه رود که در ...
معروف محلل کولود سیانوفورور پتاسیوم در انها در دو نفیه رود و سیانوفور قرمز در
نفوذ جوکنین ده سازند در انها اثری نیست ... در انها در ...
کرد در صورتیکه ... املاح بسیار ضعیف باشد و ... دو نفیه رات ... اما نیاکد در انها
در دو نفیه رود

روی فلزی است نفیه و وزن مخصوص آن ۸ ر ۶ تا ۲ ر ۷ است قابلیت مفتول

شدن ...

شدن آن کم است و اما اگر از بیست و پنجاه درجه گرم کنند این قابلیت خیلی زیاد شود
و اما بعد از سرد شدن این قابلیت از آن منع شود در ۳۰۰ درجه حرارت ... شود و
در حرارت قرمز نفیه بخار شود و قتی از آن در مجاورت هوا حرارت زیاد دهند با شعله
زیاد می سوزد و دود ... سفید و رنگ ... که ... بر جنبه های کوچک سبک ... است
و از آنجمله روی ... روی از جمله فلزات است که ... آب را در حرارت
قرمز تجزیه کند و بسهولت در ... آب ... محلول شود ... مثقال ... کرد

... فلزی در طب استعمال ...

پنبه روی oxyde de zinc

اکسید روی ... که ... آن در طب خیلی معمول است ... آن نفیه
... که از آن کمتر ... رنگ شود و بعد از سرد شدن نفیه را دوباره ... که
قصعیه نیست ... معمول است در آب ... ها ... کنند و چنبه روی را در
طب ... ادویه ضد تشنج در رفع امراض عصبی ... کنند ... است ... دهند
و در بسیاری از ... متعلق با امراض چشم ... کنند ... اینها ... مختلفه
داده اند

جهت استعمال آن در طب ... از ... بواسطه ... در ... از ...
املاح محلول آن ... از ... معروفه ... است آورند

قاعده اول — بواسطه ... در کوره ... قسم که ...

زاویه ... کوره را سقف نمایند ... حکمت ... کوره ...
را گیرند روی را در بواسطه ریزند و بحرارت قرمز نفیه که ... حرارت ... است
بجهت اینکه روی ... آید و بخارات ... نه آنکه سطح روی که ... ذوب شده بشود
از ... درجه حرارت روی ... روی ... بشود ... که ...
... در کارخانه ... پنبه نفیه ... که ... بسیاری از ... نیز
در سمت ... مرتبه ... که در اول مرتبه ... آینه ... های
... امتزاج ... ها را ... و ... در صنایع
در کارخانه جات ... را در ظرف بسیار بزرگ ... کنند و بواسطه ... که
در بالای کوره ... هوا را ... از ... عبور دهند

چنبه از روی ... است امتزاج ... که ... نفیه ... از ...
... که محلول آن ... و ... در دو ... که ...
... در آتش ... که ... آب ... رنگ
شود

قاعده دوم — ده جزء لولفات و ... ۳ جزء آب جوش
حل کنند و ... از ... کنند ... که ...
... که ... از ... نمایند
... در ... ریخته در آتش ... کنند ... قلیا ...

منضم ...

... در ظرف دیگر در آب ... نمایند و ... لیکه بر کشنه ...
... در ... که ... داد و در ... و در ...
... قطرات آب ... خارج شده از ... قطعه که ...
در ... که ... را در ... که ... و ... در
کوره ... حرارت ... کنند آب ... که ... مقاعد شود و ...
... تا ... داده ... در ... است اگر ... حرارت
داده باشند زرد رنگ شود و اگر حرارت موافق قاعده ... نفیه ... شود
... کوره ... و ... باشند تا ... حرارت ... کنند ولوله را
بیشتر از حرارت قرمز ... نمایند کوره ... استعمال کرد

گو پنبه روی نشاسته

نشاسته	۶	پنبه روی	۱

مطابق معمول ممزوج کنند ... acné ... و ...
... herpès ... و اگر ... از ... که ...
... استعمال ...

روغن پنبه روی pommade d'oxyde de zinc

گره تازه بی نمک	۳۰	پنبه روی	۳ ...

مطابق معمول مخلوط کنند ... تازه ...

روغن دیگر

پیه روی	۱	مرهم رزا	۲
کره با گلاب شسته	۲		

مطابق معمول صلایه کنند در جرب چشم و غیره معمول است

روغن خوب به جهت [illegible]

روغن لاله	۱۲	پیه روی	۱
[illegible]	۱		

مطابق معمول مخلوط کنند در قرحه جفون معمول است

کلورور زنک ZnCl chlorure de zinc

جسمی است سفید محرق که اندکی قبل از صد درجه حرارت ذوب شود و متصاعد شود گرد حرارت قرمز بخار متصاعد و در آب حل شود در دهن مجذوب بسیار کم از ما نه لوده به ضد تشنج استعمال کنند و امروزه استعمال زیادش مانند محرقات است و کانکوان صاحب ازاد در معالجات سرطان بسیار استعمال میکرد یکی از اطبا ازاد در امراض دندان بکار میبرد منفعت میکرد به طریق که کلورور زنک که به سبب رطوبت منحل بود و الوده ان تکه اورا از پنبه چوب تا نه محلول غلیظ کلورور زنک که ۴۰ درجه میزان [illegible] ده اگر ۳ یا ۵ دقیقه از [illegible] داده [illegible] کنند [illegible] محلوط [illegible] جهت ساختن آن [illegible] در جوهر نمک [illegible] حل کنند [illegible]

ایضاً

آنچه آن تبخیر به پر یکسان شود در کپسول چینی قوام آورند تا خشک شود و زیادتی جوهر نمک خارج گردد بعد کلورور را در آب حل کنند و قدری سفیده [illegible] تا نیم ساعت صاف نموده تا حد [illegible] قوام آورند و این کلورور زنک باید اندک رطوبت داشته باشد

خمیر دکتر کانکوان (۱) pâte canquoin

کلورور زنک خشک	۱	آرد	۲

نمره (۲)

کلورور زنک	۱	آرد	۳

نمره (۳)

کلورور زنک	۱	آرد	۴

نمره (۴)

کلورور زنک	۱	آرد	۵

کلورور زنک را خوب صلایه کنند و با آرد ممزوج نمایند و دو قسمت کنند یکی قسمت خمیر سازند و قسمت دیگر را جزو آن کنند و خوب مالش دهند تا امتزاج کامل گردد و با غلطک اهار او ورقه نمایند تا از یک الی سه میلیمتر ضخامت داشته باشد و به اندازه که خواهند قطعه قطعه نمایند و اگر قدری کلورور دانتیموان ضمیمه ان کنند بهتر می‌شود و استعمال آن در ضرورت در ضرر سرطان سخت و غیره ساو ترجیح داده شده و خمیر آتیه

خمیر انتیموانی کانکوان pâte antimoniale

کلورور انتیموان	۱	کلورور زنک	۲
آرد	۵		

مطابق معمول مخلوط کنند و در سرطان صلب غیر متقرح بکار برند

اترول ethérole de chlorure de zinc

کلورور زنک	۱	الکل	۲
اتر	۴		

مطابق معمول مخلوط کنند چند قطره آن ضد تشنج است

سولفات دو زنک sulfate de zinc ZnO, SO³ + 7aq

این نمک در حالت انفتاح در صد جزء ۴۹ و ۴۳ آب دارد و از هفت معادله هفت معادله را به سهولت از دست دهد و آخر معادله هفتم را نتوان از آن گرفت مگر به ۱۳۰ بلکه ۴۰۰ درجه حرارت محلول غلیظ آن در حال غلیان این نمک را متبلور نماید منعقد رسوب کند که جنس او یک معادله آب دارد و نمک است سفید و طعم آن تلخ و عفص است به شکل منشورات ۴ زاویه منعقد شود صد جزء آب در صفر درجه حرارت ۱۱۵ جزء و در ۲۰ درجه حرارت ۱۶۱ جزء و در صد درجه ۶۵۲ جزء سولفات دو زنک منعقد را حل کند سولفات دو زنک ازاد دوایه قابضه است و بنابرین در داخل استعمال شود زیرا که اگر اندک مقدار از آن تناول کنند و به ۱۰ یا ۱۲ گرم رسد سمی است در خارج محلول آن در چشم یا پیلو را امالهٔ دیگر است

جهت استعمال

جهت داخل استعمال کنند و بهتر آنست که دوا ساز از آن خوب نمونه زیرا که سولفات دو زنک بازاری غالباً آهن دارد و محلول آنها اغلب از مجاورت هوا کدورت پیدا کند و آنچه آهن در دو شود و جهت خارج کردن این گونه سولفاتها باید آنها را در بوته انگلیس محو نمود زیرا که زاج سبز زودتر تجزیه شود و قوت بعد سولفات پر اکسید آهن گردد که غیر محلول است پس از آن در آب جوش حل نموده و صاف کنند و بگذارند منعقد شود و بهتر آنست که کربنات دو زنک را که سابقاً ذکر کردیم استعمال شود و حقیقتاً کشف که طرز ساختن سولفات دو زنک خالص منحصر است به اینکه کربنات مذکور را در جوهر گوگرد خالص حل کنند و کرنه تا امکان جدی دارد اینکه این جسته که به سهولت تحت آن صحیح اگر

طرز ساختن آن موافق گرگس است که جدا سلطه ۲۰۰ جزء روی خالص را در ۱۵۰۰ جزء آب و ۲۵۰ جزء جوهر گوگرد خالص کرده اند تدریجاً ...عدل قوام آورده کنار منعقد گردد

غیر مستعمل است باآن قیلیات و کربنات القیلیات و املاح سرب و در کنه و املاح و موادی که دارای تانن اند و فسفات ها و غیره

قطره چشم collyre avec le sulfate de zinc

collyre astringent

سولفات دو زنک	۱	گلاب	۲۵ شیشه

مطابق معمول حل کنند این نسخه که منسوب است بیماده قبض شده میکنند

سولفات دوزنگ

سولفات دوزنگ ۲۰ نخود گلاب ۱۰۰ مثقال

لودانوم سیدنهام ۲۰ نخود

مطابق معمول حل کنند بعضی از اطبا بکار سولفات دوزنگ سولفات دوکدمیوم که فرمولش [illegible] جانشین استعمال کنند مقادیر استعمال آن نیز مطابق سولفات دوزنگ است

استات دوزنگ $ZnO, \bar{A}$ acétate de zinc

نمکی است سفید با بو با طعم تلخ و عفص بشکل تیغه‌ها [illegible] منعقد شود در آب بسیار محلول است مثل استعمال نموده در خارج که در قطرات چشم [illegible] از ۶ تا ۸ گندم آنرا در ۲۰ مثقال آب حل کنند

جهت ساختن آن کربنات دوزنگ را در جوهر سرکه حل نموده قوام آورند

در ادویه ماخوذه از سرب

بخصوص ادویه سربی که داخلا بدون نقصان [illegible] مسمومیت شدیده [illegible] شود

از این باب است که نسخه‌ها [illegible] از ادویه سربیه جهت استعمال بجز معدودی

نسخه داخل ندارند و جز [illegible] سرب که آنرا در اسهال سخت و عرق شدیده و سلولین و نفث الدم بکار میبرند [illegible] در داخل معمول نیست

médicaments plombique

سرب plomb

فلزیست معروف سفید خاکستری رنگ که چون از ذوب شفاف زیادی داشته باشد از بخار و رطوبت سطح آن کدر شود و بسرعت [illegible] است با چاقو میتوان آنرا برید وزن مخصوص آن ۱۱،۳۵ است و قوه انعطاف آن کم است قابلیت مفتول شدن آن نیز کم است و بسهولت تخته شود و از سنگینی که دارد ورقه‌ها [illegible] از آن توان ساخت در ۳۳۲ درجه ذوب شود و در حرارت قرمز سفید [illegible] آمده بخار گردد و بسهولت جذب اکسیژن نموده و تولید املاح مختلف کند سرب فلزی در طب استعمال نشود ولی ورقه‌های سرب را در التیام قروح بکار میبرند

اکسید سرب oxyde de plomb

سرب با اکسیژن مرکب شده تولید دو اکسید و یک معتدل [illegible] اکسید میکند

پروتکسید [illegible] PbO protoxyde de plomb PbO

زرد رنگ قابل ذوب در حرارت قرمز [illegible] از ذوب آن [illegible] آن سفید است و در صنایع معروف است به [illegible] اکسید که از کارخانجات سرب نقره دار خارج میشود [illegible] منعقد است معروف به مرداسنگ که بفرانسه لیتارژ litharge نامند و مرداسنگ اکسید خالص نیست همیشه مقداری اکسید آهن و مس مخلوط دارد و لهذا رنگ آن مایل بقرمز است و گاه شود که اکسید

بعضی اجزاء خارجه در آن یافت شود در جلد اول در فصل مسمومات طریقه ساختن مرداسنگ خالص را ذکر کردیم و اگر خواسته باشند از تحقیق تجزیه کنند باید چنین عمل نمایند مرداسنگ را در جوهر شوره که ۷ یا ۸ برابر آب داشته باشد حل کنند اگر تمامی آن حل شود و آهک داشته باشد اجزای خاص شود محلول تیزاب را قوام آورند تا مقدار کثیری از اسید نیتریک خارج شود و آب افزایند تا رقیق گردد و سولفات دو سود افزایند تا سرب کاملا سولفات رسوب کرده پس از آن در مایع اموتیاک بیفزایند اگر آهن داشته باشد درد شود و اگر مس داشته باشد در [illegible] رنگ آبی گیرد از وزن سولفات و [illegible] مقدار حقیقی مرداسنگ معلوم شود و در اکسید آهن را که [illegible] بگشته و وزن آنرا معلوم نمایند مقدار اکسید مس تحقیق از شده است و ضعف رنگ آبی کلی معلوم گردد مرداسنگ چندان حقیقی هیچ مداخله ندارد و در ساختن بسیاری از لوله [illegible] است و در ساختن مشمعات بسیار که به ترجیح دارد

اکسید [illegible] PbO^2

پراکسید سرب PbO^2 peroxyde de plomb

در طب غیر معمول و از آن اجزاء معروف است به اکسید کبکاری [illegible] عمیق است و [illegible] بوجود آنها اکسید

سرنج oxyde rouge de plomb سرنج عبارت است از یک اکسید توامی از سرب که ۲ معادله پروتکسید و یک معادله پراکسید دارد و پس مقدار اکسیژن

oxyde puce de plomb

اینجا و اکسید در سرنج مساوی است رنگ آن معروف و قرمز تند است خصوصیات آن که دارا میکنند فلزیست اکسید را جذب نمایند و پراکسید را تنها گذارند غالبا سرنج‌های بازاری را با مواد ارضیه قرمز مغشوش کنند جهت شناختن این غش بمحلول استات دو پلمب [illegible] در صورتیکه خالص باشد به جز اکسید کبکاری [illegible] تماما دو بیت اکسید محلول شود سرنج را تنها در طب استعمال نمایند ولی جزو بسیاری از ادهان و مشمعات است

املاح سرب sels de plomb

صفت ممیزه املاح سرب [illegible] از این قرار است طعم آنها شیرین و عفص است پتاس در آنها درد سفید رسوب که در زیادتی معرف حل شود و سولفات سدیم خالص سفید رسوب دهد پتاسیم در آنها زرد رنگ بسیار قشنگ میدهد که در زیادتی یدور و پتاسیم [illegible] حل شود کرمات قلیائی در آنها اشکال درد سفید رسوب کند بسیار خوش [illegible] پتاسیم در آنها درد سفید در بسیار خوش [illegible] در آنها در دهند کرمات پتاس درد و زرد دهد الکل‌ها کلیه وتیغه ارزن [illegible] سولفوره در آنها رسوب دهند آهن و روی و قلع سرب را از محلولات آن بشکل ورقه شفاف جدا کنند

کربنات دوپلمب $PbO, aq + 2PbO, CO^2$ carbonate de pl.

سفیداب سرب بازاری ترکیبی است از اکسید دو پلمب ئیدراته و کربنات دو پلمب سفید بو و بی‌طعم و غیر محلول است در طب استعمال نموده در خارج خاصیت التیام قروحات را

او بعضی ان میدانند و جزء ادویه مسکنه می شمارند از او در خارج جهت رفع امراض عصبانی شدیده استعمال نموده اند بغیه اب با زاوی خنا با کلی بغیه یا لوفات چوب یا لوفات ها دیگر مخلوط شده در جلد اول طرز ساختن این غش را ذکر کرده ایم

مرهم آن

بغیه اب	۱	روغن بادام	۵

مطابق معمول مخلوط کنند این مرهم مخفف است و در مرض بیهوشی استعمال است

مرهم دیگر جهت امراض عصبانی

بغیه اب	۲	مرهم جالینوس	۱

مطابق معمول مخلوط کنند و به اندازه موضع مؤوف در روی پارچه بگسترند و روی آنرا از کاغذ یا لعاب بپوشانند و روی کاغذ را کهنه اندازند

شمع بغیه اب

بغیه اب خالص	۱	روغن زیتون	۲
آب	۲	موم بغیه	$\frac{1}{5}$

مطابق معمول بغیه اب و روغن شمع ساده سازند این ترکیب بسهولت جاری میشود بعلت صعود بغیه اب که چون بیاید پیدا شود

استات دو پلمب

در طب دو قسم استات سرب معمول است استات خنثی و استات بزیک

الکل زرنی

استات خنثی pbo, $\bar{A}$ + 3 aq acetate neutre de plomb

این نمک که مونوبازیک است از املاح دیگر الرضص منعقد آن در صد جزء ۲۱، ۱۴ است دارای ترکیبات بغیه طعم آن در اول شیرین و بعد قابض است بشکل منشورات ۴ زاویه منعقد شود در حرارت ۱۰۰ درجه که شکفت کرده در آب بسهولت محلول است صد جزء آب در حرارت ۱۵ جزء را حل کنند محلول آن بواسطه اسید کربنیک کدر شود و بخود ۱۱۵ حرارت را حل کنند این نمک در خارج مانند قابضات معمول است و اعمال در این موضع استات بزیک را ترجیح دهند در داخل از آنجهت به اسهال شدید و ذوب الدم استعمال کنند و در رفع عرق شبانه مسلولین نیز منفعت دیده اند و برور قدر شربت از ۱ از جو تا ۵ گندم دیده اند

حب استات سرب pilules d'acetate de plomb

استات سرب	۲۰ نخود	عسل	۵ نخود
شربت ساده	مقدار کافی		

مطابق معمول ۳۰ حب نمایند از ۴ تا ۵ عدد در روز میدهند جهت به عرق مسلولین

حقنه جهت اسهال مسلولین

استات سرب	۴۰ نخود	نمک قلیا	۲۰ نخود
لودانوم سیدنهام	۴ قطره		

در بسیاری از مرض این لاله را صحیح و شاید کهنه اند به اسهال شده و رفع عرق شب واضح است که از امتزاج استات سرب و نمک قلیا تولید استات دو لو و کربنات دو پلمب شود چون مقدار استات سرب تخفیف داده اند که با لاست استات بیاید

استات بزیک acetate de plomb basique

سه قسم استات بزیک معروف است

استات تری پلمبیک acetate triplombique

(3 pbo , $C^4H^3O^3$)

که سه معادله اکسید سرب و یکمعادله جوهر سرکه و یکمعادله آب دارد شربت تلفیه را از کنه و بواسطه اسید کربنیک تجزیه شود و تولید استات خنثی کرده و مقداری کربنات دو پلمب در رسوب شود قابلیت انحلالش از استات خنثی کمتر است و ابعضی از محلولات تحویل شود جهت ساختن آن مقداری اکسید را با محلول استات خنثی اضافه

استات سزکوئی بزیک acetate sesquibasique

(3 pbo , 2 $C^4H^3O^3$)

۶ معادله مرداسنگ و ۳ معادله جوهر سرکه و یکمعادله آب دارد تعجب در است که از استات خنثی محلول تر است و از استات تری بزیک تیز داده میشود از اینکه محلول آن بسهولت منعقد شود

جهت ساختن آن سه معادله استات خنثی و یکمعادله استات تری بزیک را در آب

حل نموده

حل نموده تا قوام آورند تا منعقد شود

استات سپلمبیک

این نمک بسیار کم محلول است جهت ساختن این مرداسنگ را با محلول استات خنثی مدتی در کتنه مقداری از آن محلول شود و بقیه آن بغیه رنگ که دو آن خبر بغیه خارج است از استات سپلمبیک این نمک در طب معمول است و محلول آن معروف است به جوهر زحل و همیشه در خارج استعمال شود مسکن و محلل و دافع و رادع است و جلد برخی و داروش در قروحات را سریع میکند

خلاصه زحل extrait de saturne

استات سرب منعقد	۳	مرداسنگ	۱
آب مقطر	۹		

در باطیه سربی ریخته بجوشانند تا مرداسنگ حل شود و محلول را جوشانند تا ۳۰ درجه میزان استعمال شود و در دو ظرف سر بسته که عبارت از کربنات دو پلمب که در مرداسنگ بود جهت احتیاط اینکه مقداری از مس نیز حل شود بهتر است که یک رحه سرب در باطیه اندازند تا اگر جزئی از مس که حل میشود آن سرب از آن اب کند ممکن است که در بعضی از اوقات حرارت با پیمانه شود و بدین نسخه رفتار کنند

		استات سرب	۳۰
مرداسنگ مسحوق	۱۰	آب مقطر	۶۰

شکر سرب را در آب مقطر بجوشانند و مردارسنگ [illegible] در ظرفی ریزند و تا چند روز
بهم زنند عصیر زحل مخلوط است از املاح خفیفی و سرکه با رنگ وقتیکه قدری از او را
در آب ریزند آب سفید رنگ و کدر میشود و علت آن در درجه تشکیل میشود زیرا که آبهای
متعارف دارای کربنات و کلرورات املاح اند و در اینجا کربنات و کلرورهای
غیر محلول میشوند و املاح سرب در آب مقطر است غالبا از ۵ تا مثقال تا
۶ مثقال از این عصیر زحل را در ۲۰۰ مثقال آب ریزند و در خارج استعمال کنند

آب گولارد l'eau de goulard

عصیر زحل	۱۵	آب	۹۲۵
الکل ۸۰ درجه	۵۰		

قطره محلول

گلاب	۱۲۵	عصیر زحل	۴
الکل مصحح	۸		

مخلوط کنند در مرض [illegible] بسیار معمول است

روغن سرب گولارد cérat de goulard

روغن جالینوس	۸	عصیر زحل	۱۰ر۵

مخلوط کنند

روغن گولارد baume de goulard

موم زرد

موم زرد	۳ مثقال	روغن گل	مثقال
عصیر زحل	۱ر۵ مثقال	کافور	۵ گندم

اول موم و روغن را آب کنند و بعد کافور و عصیر زحل را اضافه کنند

تانات دو پلمب tannate de plomb pb o, T + 2 aq

گرد سفید رنگ است با نمک الدهنل که از آمیختن جوهر مازو در محلول شکر سرب
بدست آورند و در دوا جمع شده خشک کنند بسیاری از اطبا از جهت رفع
قرحه هائیکه از زیادی طول امراض حاده در مواضع تکیه گاه بدن پیدا شده استعمال کنند
و موافق افتاده و در حین استعمال با روب تازه از الکل یا پیه یا خشک نموده
از او با مرهم دیگر ممزوج نموده بموضع میگذارند از او در برابر سفید نیز نافع یافته اند

در ادویه که دارای قلع اند

ادویه قلعی در طب استعمال ندارند مگر جهت قتل دیدان معدی و معوی و بعلاوه قلع جزء از
جمیع ترکیبات قلعی معمول است در اواخر فلز و در قلع را جهت اوجاع سرطانی استعمال
کرده اند

قلع sn etain

قلع فلزیست نقره سفید بسیار نرم و سریع الانعطاف که قابلیت ورقه شدن
زیادی دارد وقتیکه از منعطف میکنند صدای مخصوص میکند که معروف است بصوت قلع
وزن مخصوص آن از ۷ر۲۸ تا ۷ر۲۹ است در ۲۲۸ + ذوب شود و متعلق است

بعلاوه فلز اینکه اکسیژن را جذب نکند مگر در حرارت شدیده و آن را تجزیه کند
مگر در حرارت قرمز بسیاری از قلعهای بازار دارای سرب اند که در حین استعمال
آن باید احتراز کرد میل او با اکسیژن از سایر فلزات بسیار کمتر است چنانچه
اکسید های قابل تعلیم نیستند بلکه اکسید آن اسیدیست مثلا ۲ر۵۲ ر۷ ۲ است
و علامت او سی [illegible] است قلع فلزی جهت قتل دیدان خاصه حب القرع معمول است
قدر شربت او از ۲۰ گرم تا ۳۰ مثقال است باید چنان شد که خالص باشد
بجهة اطمینان از خروج آن از امعاء و ترشح نکنند قلع تیز میشود باید تنگ
که در حالت رسوب باقی میماند از آن محلول را صاف کنند و قوام آورند تا خشک شود و بعد
خالص و صاف کنند اگر آنکه سرب داشته باشد از قرصهای که از مو فاسد بود از
قبیل کربنات سرب و بعد و بعد بکار برده دو کربنات در رنگ سیاه رنگ لولو معلوم شود
غالبا بلکه همیشه قلع را بحالت براده استعمال کنند و براده از او بسهولت با ریزه
چوب تراش معمول است آوردند و جهت اینکه مریض اکراه در خوردن آن را نداشته
باشد از او از چیزهای مخلوط میکنند عسل و شانه تا بشکل معجون شود بعضی اطبا را عقیده
بر این است که قلع را بخصوصه در حبس متاثر است و کیسه اثر او مکانیکی است نه تاثیر
طبی در قلع بسهولت ورقه شده نیز بالا است که [illegible] قاعده مخصوص باید دانسته باشد
قاعده اول اینکه ورقه قلع سرب نازک را با نمک طعام یا کربنات و [illegible] مساوی
کنند اسفنج بسیار ریزی بدست آید و بواسطه نمک قلع غبار بسیار ریزی شود و دانه‌ها

مش کرده با آب جوش [illegible] مخلوط را بشویند و در حین کاغذ صاف قلع مسحوق را جمع کنند
این قاعده را باید ترک کرد زیرا که قلع های بازار همیشه سرب دارند
قاعده دوم اینکه یک قوطی مدور از چوب که از درست باز شود بدارند و اندرون او را از
گل سفید اندود کنند و قوطی را بحد حرارت دهند و قلع مذاب در آن ریزند و در
قوطی را محکم ببندند و از پارچه بپوشانند و در دست حرکت دهند تا وقتیکه درجه حرارت
نزول کند و قلع منجمد شود بواسطه حرکت شدید فیمابین ذرات قلع جدا افتاده غبار
بسیار ریزی بدست آید از او از موسیرا از حشیمه تنگ بگذرانند از صنعتی الکل بکار
اتفاق افتد که پارچه بزرگ از قلع منجمد شود که گاه اتصال داده کار قوطی آهنی و چیز
نیز میتوان بجای گلوله فضیلت آهنی است که بسهولت گرم میشود
قاعده سوم اینکه بزرگ آهنی را با زغال سرخ کنند و سر دسته هاون را نیز حرارت دهند
حرارت این هاون باید بقدری باشد که قلع ذوب در آن بحالت ذوب بماند و دسته هاون
بحالت سرخ شده قلع مذاب را بهم زنند معلوم است که چون دسته هاون گرم است باید از
پارچه ضخیم دست را بپوشانند و حرکت را تا حین انجماد قلع ادامه سازند تا گرد محلول را از
غربال حشیمه تنگ بگذرانند اجسامی که قطعات خالص بالا میگیرند و بخوبی مجزا نشود مکرر در هاون بکوبند
مقدار قلع کم باشد
قاعده چهارم هاون را چنانچه ذکر کردیم گرم کنند و در جای دیگر نمک طعام را بحرارت
قرمز خوب کنند هاون را خوب پاک نموده نمک طعام مذاب را در آن ریزند و فورا

قلع مذاب را فرفره صلایه کنند چون حرارت کم شود مذاب بسیار است قلع ...
بحالت میعان باقی است و از صلایه ممزوج در آب کم شده بحالت غبار بسیار نرم
میشود پس از آن با آب جوش مکرر بشویند و خشک کنند و از غربال چشمه تنگ بگذرانند و این
قاعده که معمول به دواسازان فرنگ است بعموم است جاری شود

معجون قلع

سفوف قلع ۱ عسل ۱
مطابق معمول مخلوط کنند

حب قلع

سفوف قلع ۱ صندل [illegible] ۲
شیره شکر مقدار کافی مطابق معمول مخلوط کنند

ملغمه قلع

قلع خالص ۳ زیبق ۱

در قاشق آهنی قلع را گداز کنند و زیبق را فرا [illegible] و به تیغه آهنی بهم زنند تا
امتزاج و ترکیب حاصل شود گذارند سرد شود و صلایه نمایند این ملغمه را از [illegible]
کنند تا خشک شود جهت قتل دیدان استعمال کنند یا بشکل سفوف یا بشکل
معجون کمیه ای قلع معمول نشده

سولفور قلع sn s² persulfure d'étain

قلع و گوگرد به مقدار مرکب شوند که نسبت قلع به گوگرد مثل نسبت یک به یک و یک
به یک و نیم و یک به دو میباشد [illegible] سولفور آن معمول است رنگش زرد
طلائی است و به این سبب او را ذهب الموزاییک mussive می‌نامند بشکل
فلسهای شفاف منفصله [illegible] آن [illegible] است نرم شود و با
[illegible] در آب [illegible] قلع [illegible] گوگرد [illegible] جهت قتل
حب القرع و سایر دیدان [illegible] استعمال کنند [illegible]

معجون سازند

[illegible] که به این قاعده سازند

بگیرند قلع خالص ۱۲ زیبق ۶
گوگرد ۷ نشادر ۶

اول قلع را با زیبق ملغمه کنند به اعانت حرارت و این ملغمه را با گوگرد صلایه کنند
و نشادر را [illegible] صلایه کنند تا امتزاج کامل شود این مخلوط را در قرع شیشه
ریزند و در [illegible] کم کنند تا دیگر [illegible] که [illegible] سولفوره [illegible]
متصاعد شود [illegible] سرد شود در [illegible] بسته شود [illegible] عبارت است از
سولفور دو [illegible] protosulfure و [illegible]
فلس [illegible] شفاف [illegible] منفصله شود که [illegible] سولفور است

کلورور قلع chlorures d'étain

کلورور قلع دو جسم مرکب بوجود آورد sn cl و sn cl²

اول (protochlorure d'étain) را از حل قلع به اعانت
حرارت در جوهر نمک بدست آورند جسمی است سفید منفصله که در صنایع معمول است و معروف
است به ملح القلع muriate de [illegible] و [illegible] جهت [illegible] بسیار بکار برند
ثانی کلورور قلع که سابق موسوم بوده [illegible] liqueur
fumante de libavius [illegible]
[illegible] است [illegible] در ۱۲۰
حرارت [illegible] و در هوا [illegible]
هوا [illegible] منفصله
[illegible] کلورور قلع منفصله [illegible] در امراض سرطان [illegible]
که معمول [illegible] سرطان [illegible]
[illegible]

معجون کلورور قلع

کلورور قلع $\frac{1}{2}$ آب مقطر [illegible] ۱۰۰
مطابق معمول حل کنند این محلول را [illegible] سرطان [illegible] و با آن [illegible]
سرطان را بشویند
دهن آن

کلورور قلع ۱ تا ۲ دهن [illegible] ۶
مطابق معمول ممزوج کنند [illegible] قسمت [illegible]
[illegible]

درلوو [illegible] مشتقه از بیسموت bi bismuth

بیسموت فلزی است سفید [illegible] منعکس از آن [illegible] است [illegible]
است [illegible] وزن مخصوص آن ۹٫۸۳ [illegible] در ۲۴۶ + [illegible]
شود [illegible] درجه حرارت [illegible]
[illegible] آن ۱۰۶۵۲ بیسموت [illegible]
[illegible] بیسموت [illegible]
[illegible] بهترین قاعده این است که بیسموت را صلایه کنند [illegible]
[illegible] حرارت [illegible] کنند [illegible]
کنند [illegible] بهتر است که بیسموت را [illegible]
کنند [illegible] که معمول است نیترات
است

نیترات دو بیسموت nitrate de bismuth

بیسموت [illegible] در تیزاب حل شود [illegible]
[illegible] بیسموت و ۳ مقدار تیزاب و [illegible]

و غالباً به ملاحظهٔ آب انعقاد دارد و چندین اسم مختلف بآن داده‌اند و لیکن اسم حقیقی
اش ازنترات دبسموت است. sous-nitrate de bismuth
جسمی است سفید با طعم ... بی‌بو تقریباً لاینحل در آب و الکل اما در اکثر اسیدها حل شده
منعقد شفاف منعقد شود و زمان آن عبارت است از Bi O Az O⁵ HO
طرز ساختن آن از متعارفات مگر بسموت خالص ۱ تیزاب ۳ بسموت را در هاون
جزء جزء صلایه کنند تیزاب را در قرع ریخته به اعانت حرارت ملایم گرم کنند و کم کم
بسموت بر آن افزایند این فعل و انفعال موجب صدور حرارت شده و شود و مقدار
کثیری از بخار ... از تیزاب متصاعد شود وقتیکه تمام فلز مخلوط شده در ... اثر قلم
آورند ولی از تغلیظ گذارند مخلوطات خویش ... و لیه از وقوف ... آب
زیاد تا از اعمال انحراف خارج کنند و بعد به ترتیب نماید منظور از قلم کردن این ازنت
تجربه دارد تا تیزاب است که ... شده قسمت انحلال ... قسمت تجزیه کند ازنترات
دبسموت که قابل استعمال طبی است عبارت است از آنکه ... کنند از اینکه از ...
نداشته باشد و ... اسباب ... این ... بسموت مسلم شود

سفوف دیگر

ازنترات دبسموت	۵ نخود	عصاره کاهو تلخ	۱۰ نخود
اکاکیا مسحوق	۵ گندم	قند آغشته به جوهر لیمو	۱ مثقال

مطابق معمول مخلوط کنند و ۹ قسمت نمایند و در تنبج معده استعمال کنند

سفوف دیبه تاس

کتیرا	۵ نخود	ازنترات دبسموت	۳ تا ۵ نخود

مطابق معمول مخلوط کنند این نسخه را سه نوبت در روز جهت رفع کاستر دینی و دیگر
استعمال کنند gastrodynie

در ادویهٔ مستخرجه از مس cuivre

médicaments cuivriques

ادویهٔ مس شهرتی دارند که اطبای سابق را در استعمال داخلی آنها دارند مگر
در صورتیکه مرض قوی و شدید یافت شود که به مقاومت سایر ادویه را باید داد زیرا
ثابت است که ادویهٔ مس را ... قلیله در حلق و استحالات قوی و تلف الدم شده
خاصه تلف الدم را هم استعمال کنند و در خارج مانند ... بلکه محرقات استعمال کنند
مس فلزی است قرمز رنگ وزن مخصوص آب آن ۸٫۸۵ و لیکن اگر آن را از مسکوکه گداخته
یا چکش کوبیده وزن مخصوص آن ۸٫۹۵ میشود از فلزاتیست که قابل تخته شدن
بسیار است و چکش خوار آن نیز زیاد است در ۷۸۸ درجه حرارت ذوب شود در هوای متعارفی
بصورت اکسید شود و با مرور دهر زنگ سبز رنگ سطح آن را می‌پوشاند که عبارتست از
کربنات دکوئیر و لیکن اگر درجه حرارت ارتفاع یابد اکسید ... جذب کرده
خواهد و در اینجا ... اکسید ... اکسید شود ... اکسید مس قرمزی
دارد و لیکن در حالت انفکاک ... رنگ است و ... باشکال ... املاح
نماید و غالباً در ... آنها ... مس ... اکسید کنند که ...

قرمز آن ... سپید یا شده و اکسید مس سیاه رنگ است و نیترات آن آبی و روشن
است بسهولت با سیانور ترکیب شود و ... ترکیب ... رنگ است که قرمزی ...
... و یک اکسید دیگر هست از مس که ... و ... نیترات و با اکسید
آب ترکیب ... آورند که ... در ... شود و در ... اکسیژن
... از آن ... مس و اکسید آن در طب استعمال ندارند

املاح مس sels cuivriques

املاح مس معموله در طب منحصر از املاح ... که صفت ممیزهٔ آنها بسیار زیاد ...
رنگ آنها سبز است یا آبی و طعم آنها ... گس و تلخ ... کره است ... در آنها
در ... که در ... معروف ... شود و ... سیاه رنگ ... آنها رنگ
در آنها در سبز رنگ ... که ... معروف ... شود در رنگ ... به نقش
ظاهر شود که ... املاح مس ... رنگ زنگ تیره
شده ... کنند ... در آنها ... زنگ ... زرد ...
... که ... که ... سیاه رنگ ... نماید ... مس
و آهن ... اکسید مس ... رد کنند
املاح مس جزو ادویه قابضه‌اند و لیکن در ... استعمال آنها ... مواظبت را
بکار آورد ... املاح ... که ... آنها ... است ... از املاح ... که ... خاصیت
آنها مضر ... است

کلورمس chlorure de cuivre

کلورمس از دو نوع مختلف ... است کلورور دکوئیور protochlorure
... cu² cl de cuivre جسمی است منعقد ... که ...
جذب اکسیژن هوا کند و تبدیل شود به کلورور دکوئیور oxydochlorure
bichlorure de cuivre ... یا کلورور دکوئیور de cuivre
cu cl که ... رنگ است و ... انعقاد ... سبز است و در ...
آب انعقاد دارد

le chlorure de cuivre et d'ammoniaque

کلورور ... مس و آمونیاک که ... رنگ است و طعم مس دارد ... مرکب است
مرکب است از یک معادله کلورور و آمونیاک و یک معادله ... کلورور دکوئیور ... است
و ... استعمال شود ... غالب ... در صرع ... از
جامع ... مانند ... و غیره بکار میبرند

حب مرکب ...

کلورور دکوئیور	۱۵ نخود	نشاسته	۲۵ نخود
آب	۱۲ مثقال	این حب را قطره قطره جهت رفع صرع	

... استعمال کنند

کات کبود Cu O, SO³ + 5 aq sulfate de cuivre

منفعت این نمک ۵ معادل آب دارد و در صد درجه حرارت ... رطوبت خود را از
دست دهد و تغیر رطوبت را ثابت نگاه دارد و بعض از ۲۰۰ تا ۲۴۰ +
آن رطوبت را از دست نه در رنگ این نمک آبی قشنگ سرد و ثابت و طعم آن عفص
دیگر است ۱۰۰ جزء آب در صفر درجه حرارت ۱۸/۲۳ و در ۲۵ +
۸۸/۸۸ و در ۱۰۰ + ۲۰۱ از کات کبود حل کند کات در بازار غالباً ممزوج
است با زاج سبز و سولفات دو زنک غالباً بعضی تجار ... که کات کبود را ... کبود
اند و بسطه اقرص تیزاب چون ... آهن ... بعد ... ریکه ... محلول
د و بسطه اقرص ... و کثیره انحلال درد در ... و حجم آهن ...
ثابت مخلوط کات کبود ... بدن ... محرقه ضعیفه استعمال کنند و دانه
منفعت ... بکار ... از ... در ۲۰ مثقال آب ... جهت
... ۵ ... در ۲۰ مثقال ... جهت ... در ... بکار ... و ... از
که ۱/۱۵ کات ... جهت ... جراحات ... در ... از ... جهت
قطع ... استعمال کنند ... آلوده ... از
... از ... در ... استعمال کرده ... دیده است

قطور کات کبود collyre au sulfate de cuivre

کات کبود ۱/۲ گندم — آب ۲۵ مثقال

مطابق معمول حل کنند

قطور ...

قطور جهت لکه قرنیه collyre contre les taches de la cornée

کات کبود ۱۰ گندم — سولفات دو مرفین ۲ گندم
زاج سفید ۵ نخود — آب مقطر ۲۰ مثقال

مطابق معمول مخلوط کنند روزی ده تا بیست نوبت ۳ قطره از این محلول در یک قاشق
آب ریخته چشم را بشویند بنابر رای دکتر ... این قطور بهترین معالجات است جهت رفع
لکه قرنیه

روغن کات کبود

کات کبود ۳ تا ۸ — کره تازه بی نمک ۱۰۰
کافور ۴

خوب ممزوج کنند بعضی از اطبا این روغن را با روغن جوزه قرمز ترجیح میدهند زیرا که
در بعضی امراض روغن جوزه قرمز تحریک شدید کند

محرق کات کبود pate caustique au sulfate de cuivre

کات کبود مسحوق — ... — زرده تخم مرغ — ...

خمیری سازند و در ... هر چیز ... بشمع ... این خمیر خاصیت ... را دارد
که ... عمیق ... اقروحات ... نماید

آب ضد ... liqueur contre le piétin

سرکه ... ۴۰ — کات کبود ۵

جوهر کبود

... آب کنند بعضی ... حیوان را ... کنند

حجر الهی pierre divine

کات کبود ۱۰۰ — زاج سفید ۱۰۰
نترات ... ۱۰۰ — کافور مسحوق ۵

اجزاء را خوب صلایه کنند و مخلوط را در کوزه با حرارت ... ذوب کنند به ...
که ذوب ... شود و تجزیه نشود ... کافور را اضافه نمایند که ...
... و بعد از ... منفعت ... را ... درجه ...
... در ... که ... از ... بشود ۲۰ ...
در ۲۰۰ مثقال آب ... قطور معمولی ... است

کات کبود ... sulfate de cuivre ammoniacal

... رنگ ... ترکیب ... از ...
و جوهر کبود و آب ... از ... آن ...
$CuO + SO_3$ ... و ... ترکیب شده است با امونیاک ...
$SO_3 + H_2O$ ... این نمک را تجزیه کنند و قدری کات کبود
و قدری سولفات د امونیاک ... سولفات ...
... این نمک ... رنگ آن ... در ...

... از ...

امونیاک کبود را از دست داده است و اگر او را در هوای آزاد نگاه دارند پس از
... امونیاک خود رطوبت خود را نیز از دست دهد و سبز رنگ شود
جهت ساختن آن کات کبود را ... صلایه کنند و امونیاک مایع غلیظ در ... آن ...
... تا ... در ... منعقد ... کنند و ...
... تا ... در ... و در ... هوا
حفظ کنند و در شیشه های ... محکم حفظ نمایند اگر در مجاورت هوا ... خشک ...
پس از ... امونیاک این نمک خارج شود ... است ... در ...
قطرات استعمال کرده اند ... شروع کنند ...
... آن ... است و ... بیمار ...
است دکتر ... این نسخه را ...

سولفات دو کوپر امونیاکال ۸ گندم — آب ۲۵ مثقال
شیره ... ۸ مثقال — لودانوم سیدنام ۲ مثقال

این مخلوط را روزی از ۲ تا ۳ قاشق چای خوری در قطرات استعمال نمایند قطور از او
جهت تحریک ...

آب آسمان ... eau céleste

کات کبود منعقد ۱ گندم — امونیاک مایع ...
آب مقطر ۶ مثقال

کات را در آب حل کنند و از کاغذ صافی بگذرانند و قطره قطره امونیاک بیفزایند تا
رسوب فات دو کویور که راسب شده است مجدداً حل شود رنگ آن آبی بسیار قشنگ میشود اکنون
قطرات آن در چشم باید یک برابر آب مقطر در مخلوط کنند

Carbonate de cuivre et d'ammoniaque

کربنات دو کویور دامونیاک

این نمک استعمال جز بات میان نداشته میگیرند

کات کبود متبلور	۲	کربنات دو پتاس	مقدار کافی

کات را در آب حل کنند و کربنات قلیائی ما را در آن بریزند و وقت رسوب و نفشره
تا آب آن خارج شود و از آن جدا در محلی خشک کنند سزکوئی کربنات دامونیاک آب مقطر
۳ و کربنات دو کویور که حاصل شود بصورت درطب استعمال شود کاهی از آن جهت رفع
حیاته که اثر مقاومت جمیع ادویه را آورده اند استعمال کرده اند نفع تحقیق حاصل است

استات دو کویور acetate de cuivre

دو قسم استات مس در طب معمول است یکی زنگار متبلور و دیگری استات زنگ در طب موسوم
زنگ مس معروف است

زنگار متبلور $CuO, \bar{A}$ acétate neutre de cuivre

زنگار نمکی است متبلور که در حالت انفعال کمی از آب دارد و وزن در صد جزء ۹٫۹۹
آب است سبز تیره است طعم فلزی و کریه دارد مانند تمام ادویه کاسیه تقطیر رشته را منعقد

شود قابل انحلال است در آب خاصه به اعانت حرارت چنانچه یک جزء آن در ۵ جزء آب
جوش حل شود و در الکل نیز انحلال محلول است استعمالات طبی آن مانند کات کبود است و بیشتر
استعمال آن در مرهم‌ها جهت کرفتن جوهر سرکه است و از آن دو اسید زنگار بنفش نیز که
در بازار خالص آن بسهولت یافت شود

De cuivre

استات زنگ مس $2CuO, \bar{A}+6aq$ acétate bibasique

با ترکیب مس با جوهر سرکه چهار نمک زنگ تولید میکند که در طب مورد استعمال دارند کر استات دو
زنگ اینها که معروف است به زنگار آنها از مانند محرق بصورت لوف و کاهی متبلور در
لوله‌ای و کاهی ریخته یا مخلوط به استعمال میکنند چون شمعی است که معروف است بمرهم سبز
که در جنبه انگشت یا استعمال میکنند

شمع استات دو کویور emplatre d'acetate de cuivre (syn. cire verte)

سقز نفتیه	۲	موم زرد	۴
ترباتین	۱	استات دو زنگ	۱

موم و سقز و ترباتین را ذوب کنند و در این شمع لرز استات را که کم مخلوط کنند

شمع سبز onguent de cuivre (syn. onguent vert)

لرز استات دو کویور	۱	شمع بازیلیک	۱۵

سطح آن را مخلوط کنند و در استعمال قروحات خبیثه کوفتی بکار برند

شمع عسل miel escharotique
(syn. mellite d'acétate de cuivre, onguent egyptiac)

که انواع عسل لرز استات نیز نامند

عسل مصفی	۱۴	سرکه	۷
لرز استات دو کویور مسحوق	۵		

مخلوط نموده در پاتیل مس بجوشانند تا تمام لرز استات حل شود و در کنار غوامض کردد و غلظت
عسل شود واجب است که پاتیل آن بزرگ باشد زیرا که واسطه صعود بخارات حجم بهار عظیم
میباشد این شمع را چند روز باقی گذارند از کمی بالا جزء مس آن راسب کردد
پس از آن ترکیب در ته آن جمع شود در حین استعمال این دو جزء را مجدداً مخلوط کنند
معلوم است که این گونه دوا همیشه در خارج استعمال شود و اکال است و مخصوصه در بیطاری
مستعمل است

ادویه زیبقی medicaments mercuriaux

زیبق یکی از ادویه بسیار معتبره و قوی دین است و نه همین در امراض کوفتی فواید کثیره
دارد بلکه در بسیاری از امراض عروق جذابه و غدد زیر دلب و بسیاری از امراض مزمنه جلد
منفعت زیاد دارد عده ادویه مرکبه زیبقی که معمول به اطبا است بسیار است و از یکدیگر
متمایز است هم بواسطه ترکیب و هم بواسطه اثرات و همین آنها را به دو شعبه بزرگ
منقسم نموده اند املاح عالیه و املاح سافله تمام املاح عالیه شدید الاثر اند و قوت
املاح سافله کمتر است

زیبق فلزی Hg mercure métallique

زیبق تنها فلزی است که در حرارت متعارفی مایع است رنگ آن نقره و براق است در
۴۰° - منجمد شود و جامد آن قابل چکش میکند وزن مخصوص آن ۱۳٫۵۹۳ تا ۱۳٫۶۰
است در ۳۶۰° + بغلیان آید و قتیکه منجمد باشد بسیار از کثیر آن اندکی بخار
بخار شود بواسطه حرارت متوسطه بکسید سرخ مبدل شود در حرارت متعارفی با حرارت
شدید این ترکیب صورت نگیرد بلکه حرارت شدید موجب تجزیه کسید زیبق است
معادله آن ۲٫۵ است جوهر بازار خالص شسته و غالباً دارای قلع و سرب و بیسموت
و روی و قتیکه مقداری از این اجزای خارجه زیاد باشد زیبق دنباله دار میشود لیکن کاهی
چنان قطرات منتشره بلکه قطرات آن دنباله باریکی میسازد و لیکن
باید احتیاط کنند از آن که زیرا که زیبق خالص مرطوب دنباله دار میشود و حال آنکه زیبق
غیر خالص هرگز دنباله پیدا نکند در هر صورت باید زیبق بازار را تصفیه نمود بطریقی که
زیبق را در قرع انبیق زجاجی بریزند و اگر ممکن شود قرع آهنی بهتر است آن قرع را
متصل بقابله کنند و در آن قابله آب بریزند دهان قرع باید نزدیک سطح آب باشد ولی
در آن فرو نرود باید گذاشت قرع را حرارت بدهند و قابله محکم ببندند
سرآن را در آب سرد پس از آن شروع به تقطیر کنند از این قاعده زیبق خالص
صرف میشود زیرا که بعضی فلزات خاصه قلع و روی و بیسموت را کم و زیاد فرار اند اگر
خواسته باشند زیبق خالص کاملا بدست آورند باید مقداری شنجرف و کمی براده آهن
را با آن آب بریزند در قرع ریخته با آهن و شنجرف مطابق آنچه ذکر کردیم تقطیر نمایند در تعبیر

اینست با اینکه بکوکو شنجرف تولید میشود که زیبق تصعید شود بسیار تعجب است که
زیبق نمی‌تواند اثر کند در اوقات عمومی و معلوم کرده‌اند که در بسیاری از صور روانه فقره [illegible]
اینکه ممکن است جمیع ادویه که [illegible] زیبق خالص میسازند [illegible] و خارج جمیع انها و مریض را
[illegible] رحمت میدهد

آب زیبقی ساده eau mercurielle simple

زیبق	۱	آب	۲

در قرع شیشه تا ده ساعت بجوش بیندازند گمان میکردند که این آبیکه از زیبق
خارج میشود دارای کیفیت زیبق است ولی از تجارب ویژه صاحب معلوم میشود که قدری از
زیبق در آب حل شده بجهت اثبات وجود زیبق قدری تیزاب فرانسه و قوام
آورند زیبق تبدیل به ازطات در مرکز میشود که بواسطه معروف ایشان [illegible]
میشود

آب زیبقی را مانند لوبیه ضد کرم استعمال میکنند و معلوم است که اگر کار آب مطبوخ
نباتات مره و قابضه را استعمال کنند اثرش بیشتر است

زیبق شکری mercure saccharin

زیبق	۱	قند سفید خشک	۲

صلایه کنند تا زیبق ناپدید شود مخصوصاً این دوا متعلق است به اطفال که بمقدار
در قهوه و چای میخورند

اقراص زیبقی tablettes mercurielles

زیبق	۱۶	صمغ عربی	۸
قند	۷۵	وانیل	۱

با یکدیگر صمغ عربی را با قدری جزء آب لعاب بسازند و زیبق را در آن ریخته صلایه
کنند تا حباب های زیبق ناپدید شود بعد از آن قند و فرانسه در صورتیکه پیش با وانیل
اول صلایه که باشند اقراص یک مثقالی بسازند هر قرص در کنار زیبق دارد

زیبق صمغی mercure gommeux de plenck

زیبق	۱	صمغ عربی	۳
شربت دیاکد diacode	۴		

مطابق معمول زیبق را بواسطه صلایه بکشند این دوا در دهن و در خارج معمول است

حب پلنک pilules de plenck

زیبق	۱	عسل	۲
عصاره شوکران	۱	خطمی مسحوق	۲

جیوه را در عسل بکشند و عصاره شوکران و مسحوق خطمی را اضافه کنند و چهار درکه ای
سازند هر حب نیم گرین زیبق دارد

حب زیبقی ساده یا حب آبی pilules mercurielles simples ou pilules bleues

زیبق	۲	گلقند	۳
عصاره بیمیلیس مسحوق	۱		

جیوه را در گلقند بکشند و مسحوق عصاره را اضافه [illegible] بکنند و حب سازند هر حب یک گرین
زیبق دارد

حب بلست pilules de belloste

(syn. pilules mercurielles purgatives codex)

زیبق	۶	عسل سفید	۶
کوهبر کاپ caps	۶	ریوند مسحوق	۳
سقمونیای مسحوق جیر	۲	فلفل مسحوق	۱

زیبق و عسل را در هاون مرمر صلایه کنند و بعد از آنکه کشته شد مسحوقات را بعد ریخته
و چهار یک گرمی سازند تقریباً هر حب یک گرین زیبق دارد مسهل قوی است بجهت اطفال
نادر است

نسخه دیگر دون

زیبق	۱	ابدال مقشر	۴
زهره گاو	۱۲	اروبرغ	۱۲
شیره نکرد	۱۶	ریشه خطمی مسحوق	۳

مطابق معمول چهار صد کنند و بعد از سنگ و صمغ عربی پوشانند هر نفقه

قدری از نیم گرین بیشتر زیبق دارد

حب لانو pilules de lagneau

روغن جیوه بنجاب	۱۶	ریشه خطمی مسحوق	۱۲

مخلوط نموده ۴۰۰ حب سازند هر حبی ۵ صدم گرم که زیبق دارد

حب سدیلو pilules de sédillot

(syn. pilules mercurielles savoneuses)

دهن بنجاب	۳	صابون طبی	۲
عصاره سوق	۱		

مخلوط نموده حب ۲۰ صدم گرمی درکه ای سازند هر حب دارای یک گرین زیبق است

دهن بنجاب pommade mercurielle

(syn. onguent mercuriel double, onguent napolitain)

پیه خوک شسته	۴۶	جیوه	۵۵
موم سفید	۴		

پیه و موم را از نصف یک جزء از انها با زیبق در یک هاون چینی یا مرمر ریخته
صلایه نمایند پس از آنکه حبابهای زیبق ناپدید شد قدری از انها را که در روی کاغذ
خاکستری مالیده و بچشم ذره بین نگاه کنند هیچ ذره از انها زیبق نمودار نشود دوا

وقت بحرکت روغن را بهم زده و صلایه نمایند

ساختن این روغن خیلی طول دارد و بسیار زحمت داده اند که عمل را مختصر کنند چنین قاعده

بدرجه اول است و بهتر درک شده از ترکیب Soubeiran آنچه را که سنه

است آنست که قدری از روغن نباتی کهنه ضمیمه روغن میکنند و روغنی که استعمال میکنند از روغن

است که در انبار مانده و زرد شده باشد

در حالت اول باید اول زیبق را با ثمن وزن خود روغن قدیم صلایه نمود ولی از آنکه

زیبق فلزی نا پدید شد هم وزن ۱۵ زیبق جرعه تازه اضافه کنند آنچه از تجارب معلوم شده

در روغن نباتی زیبق تقریباً تا مدتی بحالت فلزی است و تجارب که در ... که اندازه

قرار است روغن نباتی را اگر مجاور الکل کنند تا چه بدرجه شود و حال آنکه زیبق فلزی

باقی مانده ولی نیز همین حالت داشت و گاهی قدری اکسید خاکستری زیبق نیز پیدا میشود

و اگر از یک نباتی یک وزن زیبق تا وزن کنند و همچنین اگر روغن نباتی را مجاور جوهر

الکل کنند که سه برابر آب داشته باشد زیبق بحالت فلزی مقدار میشود و بعضی در ...

بعضی زیبق ... روغن نباتی با اولیه زیبق حل کنند جوهر ... روغن نباتی

اسانس و ... این روغن نباتی را روغن مضاعف نامند و در انگلیس مرسوم است

این روغن پیش از مطلب حلیه میشود لهذا روغن دیگر ساخته اند موسوم به روغن خاکستری در

زمانیکه روغن نباتی را خارج ... از ... کار نمیکنند تشخیص این تعقیب را

ترتیب را ... و ... باید هر روغنی که باید در مخلوط ... جوهر کرکو

و یک جزء آب بس از سرد شدن خود روغن بیاید کرد

روغن خاکستری onguent gris

(syn. pommade mercurielle simple)

روغن نباتی	۱	روغن نارنجیه	۳

مخلوط نمایند

این روغن ثمن وزن خود زیبق دارد در آب مقطر فرو میرود

روغن زیبق دار بانشاسته pommade mercurielle amidonnée

(contre les pustules de variole)

روغن نباتی	۳	نشاسته	۱

مخلوط کنند روزی دو سه نوبت دانهای آبله را با این روغن تمریخ نمایند لیکن کلیه

آنها همیشه پوشیده باشد مانند اثر آبله فضیلتش بر روغن نباتی متعارفی آنست که غلیظتر

است و جریان پیدا نمیکند

مشمع زیبق emplatre mercuriel

(syn. emplatre vigo cum mercurio)

مشمع ساده	۶۲۵	موم زرد	۳۲
سقز نقیه	۳۲	اشق	۱۰
الیبان	۱۰	مقل	۱۰

مرمکی	۱۰	زعفران	۶
زیبق	۱۹۲	روغن ساده	۲۴
ترباتین	۳۲	ماء صابُ	۹۶
عطر اسطوخودوس	۱		

زیبق و روغن را چنانچه گفتیم صلایه کنند و در ظرف دیگر مشمع ساده و موم را ذوب

نمایند و سقز و ترباتین و ماء صابُ را اضافه کنند پس از آنکه تمام آنها مبتلا

گویند از پارچه گذرانند و صموغ سقز مسطوره را مجلول منفعه و منعقد عمل آورده

مخلوط به آن کنند پس از آنکه مشمع درجه حرارتش تنزل کرد باید الکو روغن زیبق

را با آن مخلوط نمایند و در اواخر زعفران و عطر اسطوخودوس افزایند این مشمع موسوم است

به دیگو de vigo و معلوم است در ماده ای رکوقی ... نیز حفظ داشته

باید که از با قیمانده اثر در ابتدا این مشمع زرد رنگ است و بعد خاکستری رنگ

شود بعلت آن زیبق

مرهم زیبق Digestif mercuriel

روغن نباتی	۱	مرهم ساده	۱

مساوی معمول مخلوط کنند

مرهم liniment mercuriel ammoniacal

روغن نباتی مضاعف	۱	روغن زیتون	۱

onguent Digestif simple

ترباتین ۴۰ زرده تخم مرغ ۳۰ روغن زیتون ۱۰

... دو زرده ... زرده تخم مرغ ... مرهم ...

امنیاک مایع ۱

با حرارت بسیار ملایم روغن چربی را با روغن زیتون در شیشه دهان گشاد ذوب

کنند و امنیاک را فوراً بهم زنند تا مخلوط شود این روغن جهت تحلیل خنازیر معمول

است

اکسیدهای زیبق oxydes de mercure

از فلز زیبق دو اکسید مختلف است پروت اکسید در مرکور یا اکسید مرکورو Hg^2O

و دو اکسید در مرکور یا اکسید مرکوریک HgO

پروت اکسید مرکورو protoxyde de mercure Hg^2O

(syn. oxyde mercureux, oxyde noir de mercure)

این اکسید بحالت تنها کمتر یافت شود جهت ساختن آن کلمل را با محلول پتاس تند داغ

مجاور کنند بدون اعانت حرارت زیرا که اگر حرارت در میان آید مخلوطی از زیبق

و دو اکسید بدست می آید

زیبق محلول مسکانی mercure soluble de mascagni

کلرور مرکورو	۱	آب آهک	۶۰

مخلوط را قدری بجوش آورند و در ورقه صافی صاف شود بشوید و خشک نمایند کلرور مرکورو تجزیه شود

... در کلسیوم ... که در ... باقی مانده بصورت اکسید در ... از آنکه ... غبار

خاکستری رنگ است که مخلوط است از پروت اکسید و زیبق

دُتُکسید دو مرکور Deutoxyde de mercure HgO

(syn. oxyde mercurique, oxyde rouge de mercure, précipité rouge, oxyde mercurique jaune, oxyde de mercure par précipitation)

این کسید را رسوب احمر وغیره نیز نامند غالباً قرمز رنگ است و در صورت تهیه آن
زرد رنگ قبل از حرارت قرمز بگیرد و زیبق تجزیه شود ... که در آب حل است و طعم آن
فلزی کند به حرارت تجزیه و مرکب شود در طب از او در خارج مانند معرقات خفیفه و لیکن
قدرت کوفتن استعمال کنند و بعضی از جزء غالباً در مرهم معمول است بعض اطبا آنرا
که در وجع اعضا ... عمل آن در ... باقی است
چنانچه شهرت گرد

جهت ساختن جیوه قرمز گیرند

جیوه خالص	۱	جوهر شوره	۳۵	۱

زیبق را در قمقمه قرعی ریزند و در جای آتش گذارند جوهر شوره را بر آن بیفزایند
بدون اعانت حرارت زیبق و جوهر شوره در یکدیگر فعل و انفعال کنند پس
از آنجا اثر بحرارت ملایم گرم کنند تا در اول خشک شود و بعد حرارت را زیاد
تر کنند تا از ظاهر ... تبخیر ... کسید قرمز شود و با عمل بسته رفتار

[illegible]

آتش است بهتر است که در چند قرع مختلف و یک جای آتش بزرگ عمل کنند و آتش از
چوب بید که به هر سمتی که خواهند بنا بر تقاضای عمل کم و زیاد کنند باید تا قسمت کار
... حرارت داده ... چون در اینجا عمل ملاحظه این بخارات بسیار مشکل
است بهتر است که گاه گاهی با میله بلوری از کون قرع ... واقع در آن ... که
... میله سخت است و شیشه در آن فرو نرود و علامت ... از آن ...
است دقیقه تا آن تجزیه شده باشد میله بلور بسهولت در آن فرو میرود و چون از بیرون
آمد و شسته میشود از قطعات قرمز رنگ اگر حرارت را کمتر از آنچه باید ...
درجه کرده ... رسوب احمر کامل میشود و اگر حرارت را زیاد کنند زیبق ... میشود
... محض اطمینان از عیب ... در چشم ... رسوب احمر را از ...
زیبق بحرارت ... آن ... در قرعهای ... که کوه
... بسیار ... که ... در این عمل ...
با زیبق مرکب میشود ... رسوب ... précipité perse
... در بازار جیوه قرمز را با ... مغشوش میکنند امتحان آن
به واسطه حرارت سهل است زیرا که جیوه قرمز خالص بالتمامه تصعید میشود

آب محرق eau phagédénique

دارو شکنه	۶ گرم	آب آهک	۲۰ مثقال

دارو شکنه را در مقدار بسیار قلیل آب حل کنند و محلول را با آب آهک ممزوج نمایند

... در ورد ... و چون ... این آب را در ... قروحات کوفتی و خنازیری
بهم ... استعمال کنند

pommade d'oxyde rouge de mercure (syn. pommade au précipité rouge, pommade de lyon.) روغن جیوه قرمز

جیوه قرمز	۱	روغن ساده	۱۶

روغن جیوه سرخ باید همیشه مطابق حالت مرض و نسخه طبیب باشد زیرا که در کتب مختلفه دوا
سازی مقدار آن مختلف است و این مقدار را که ذکر کردیم مناسب ... جهت درمان جوش
... باید همیشه تازه و تنک ساخته باشند

مرهم جیوه قرمز onguent brun de larrey

مرهم ...	۱۶	جیوه سرخ	۱

مطابق معمول مخلوط کنند اگر این مرهم را دیر زمانی ... گذارند ...
رفته رفته زیبق آن احیا شود

pommade ophthalmique de saint-yves

روغن ...

جیوه قرمز	۵ نخود	...	۵ نخود
کافور	۶ گرم	موم	۱ مثقال
کره تازه	۲ مثقال		

مطابق

مطابق معمول مخلوط کنند

pommade ophthalmique de desault

نسخه دیگر

جیوه قرمز	۲۰ نخود	زاج مکلس	۲۰ نخود
شکر سرب منعقد	۲۰ نخود	دارو شکنه	۲ گرم
روغن گل سرخ	۲ مثقال	توتیای ...	۲۰ نخود

مطابق معمول مخلوط کنند

نسخه دیگر pommade de régent

جیوه قرمز	۴ گرم	شکر سرب	۴ گرم
کافور	۱/۵ گرم	کره	۲ مثقال

مطابق معمول مخلوط نمایند

سولفور زیبق sulfures de mercure

زیبق دو گونه با سولفور معین ترکیب کند پرت سولفور ... Hg_2S
و دوتو سولفور HgS
پرت سولفور، سولفور مرکور ... sulfure mercureux, protosulfure ...
جسمی است سیاه رنگ که بسهولت به زیبق و دوتو سولفور تجزیه شود این سولفور را
استعمال در طب نمانند

دُو تو سولفور یا سولفور مرکوریک معروف بواسطهٔ تصعید بواسطهٔ آتش شنجرف cinabre
پیدا حاصل میشود ترکیب یا ماده‌ای قرمز ارغوانی تیره که حاصل میشود از کریستالهای لیفی
وزن مخصوص آن ۱۲۴ر۸ است

شنجرف بواسطهٔ اثر حرارتیکه متصاعد حرارت درجهٔ اديه است تا ۵۰۰ درجه قسمتی بکلی تبخیر
میشود و هرگاه در مجاورت هوا باشد کم کم ثانیه بکار کرده بدون بخار ...
و رنگ بخاران زردتر است

هرگاه سولفور مرکوری را باشد در مجاورت هوا اکسیژن ثانیه یک جزء از آن فرار
میشود ~~متفرقه~~ تا وقتیکه جزء دیگران چون تنها رکفات بجذب اکسیژن تنها محترق
گردد و بنقطهٔ ابتدا رنگ سرخ شد منقلب میشود انیدرید سولفورو با آب و اکسیژن ...
را

Deutosulfure de mercure Hg S

(syn. cinabre) شنجرف

شنجرف طبیعی ارکبیر و صنایع میسازند و در بازار بقدر یک بار معادل صنعتی با خبار رسانید
مخ وشرا میشود

منعقد از آن زیادتر مغشوش کرده که با تبعیت غش آن از این ثبوت ... دمانیه
آن لیمونات مغشوش میشود

و چون شنجرف بواسطهٔ حرارت مصعد میشود بطور امتحان بحقیقه رکانده است که

قمل

قدری از آن را در قاشق حرارت دهیم شنجرف خالص جزئی تقه گذارده و چون
ممکن است که در غشورت زرنیخ réalgar داشته باشد قدری از آن را در
جوف زغال افروخته ریخته بوی سیر استشمام شود

بعد از شنجرف را در داخل استعمال کنند بعضی از اطبا از ماکول میدانند و بعضی
تبخیر را در بیماران از آن قوی باید اثر میدانند و در خارج جهت بعضی امراض جلدی دفع
بیشتر استعمال کنند

poudre tempérante de stahl گرد معتدل اشتال

سولفات دو پتاس | ۱ | نتره | ۹
شنجرف مسحوق | ۲ | |

بواسطهٔ سحق مخلوط نمایید

fumigation de cinabre بخور شنجرف

شنجرف از یک الی ۴ مثقال (۴) از آن را در صفحهٔ آهنی که بشدت گرم باشد بریزند
تا بخار شود مریض ، چنانچه باید در جای بسته باشد که شنجرف بدون اینکه بقیض
آن بخار را باعصاب مرکز برسانند و در حین صعود شنجرف کاملاً تجزیه میشود و لهذا حقیقه
آن بخور مخلوط است از بخار اسید سولفورو بخار زیبق و بخار شنجرف

ethiops minéral دوده فلزی

(syn. sulfure noir de mercure)

سولفور سیاه زیبق

دوده فلزی مخلوط است از سولفور زیبق با گوگرد یا با زیبق فلزی هم مخلوط
داخل میگردد

زیبق | ۱ | گوگرد مصعد شسته | ۲

این دو جسم را در هاون چینی صلایه کنند تا مخلوط سیاه رنگ شود و حباب زیبق پیدا
شود این سولفور جهت آن تقریباً با شنجرف تفاوت و مثل آن گوگرد زیاده داخل دارد
در استعمالات مطبی آن سولفور را که است غیرمنحل است تجویز میدادند و بیشتر جهت قطع دیدان
معمول است و از ۲ الی ۱۰ گرم آن اطفال را جهت خنازیر هر روزه بخورانند

گرد ضد کرم زیبقی sucre vermifuge mercuriel

اتیوپ فلزی | ۲ | زیبق | ۳
قند | ۷ | |

زیبق را با سولفور با هم بسایند بعد از آنکه خوب مخلوط شد قند افزایند

شکلات ضد دود Chocolat vermifuge

اتیوپ فلزی | ۱ | شکلات | ۱۲

در ب نماید شکلات را در ظرف نماید اتیوپ فلزی را در خمیر منقسم نماید به اقراص کوچک
کنند

حب ضد خنازیر pilules antiscrofuleuses

صمغ نیا | ۴ | اتیوپ فلزی | ۴

زنجبیل

انتیمون محروق | ۱ | صابون طبی | ۲

مطابق معمول حبهای یک گرمی سازند

ethiope antimonial de malouin

سولفور دو انتیموان مسحوق | ۲ | زیبق فلزی | ۱

سحق نماید تا ذرات از زیبق فلزی باقی نماند

sels de mercure املاح زیبق

املاح زیبق هم از حیثیت خواص شیمیائی و هم از حیثیت خواص دوائی چیاید و در قسمت نوع
املاح است الکیه و املاح دو الکیه و از خواص شیمیائی املاح زیبق است که بواسطهٔ
حرارت و مجاورت قلیائیات زیبق از آنها احیا میشود و در روی صفحهٔ مس که لطیف است اندازه
نمایند که بواسطهٔ حرارت زایل شود

املاح یک الکیه لطیفه یا املاح اند قلیائیات الکل در املاح رنگ سیاه رنگ و در سیاه زنگ
فر و رو یا تیم در دو لطیفه و سیاه فرنگ در یا تیم درد و قرمز املاح لطیفه و در نیم زرد سولفور
در سولفور قلیائی در و سیاه و نه که در زیادتی معروف حل نشوند و در روی یا تیم درد و زرد
های سبزی و کربنات ها تیر درد و قرمز رنگ ده جوهر یک و گوهر کار قلیائی در آنجا
درد لطیفه و دیه که بواسطهٔ گوهر حل میشود در آنجا

املاح دو الکیه زیبق سیاه ترس درانها در زرد رنگ و دانایه که در لطیفه و کربنات ها
سیاه درد و قرمز رنگ و کربنات و دانایه که در لطیفه قوتیه کنند سیاه فرو در ابتا میشود

سفیده دهد که مجاورت   با رنگ شود شبه ارژن بلوره و بلورها قلیائیه دهد
فاکتری دهند که املاح نقره بزودی بقرمزی شود و اگر مدتی در کوره گرمی بگذارند سیاه رنگ شود
یدور پتاسیم در دو قرمز مایل بزردی تولید کند جوهر نمک و کلرورهای جزئی از آن را رسوب کنند
جمیع املاح سوبلیمه زیبق بواسطه کلرورهائیکه در اخلاط بدن موجوده تجزیه شوند
و کلمل تولید کنند و این کلمل بکلرورهای قلیائیه و عناصر البرمن همراه و بیاض البیض
بروتید هیدرار اژنه شود و نیز ترکیب کلرور محلول با جوهر آهک بواسطه لزوم این قسم
ترتیب هر املاح سوبلیمه جز بواسطه نیست و بسیاری از آنها دفع شوند بدون اثر ولی
املاح یک سوبلیمه فقط در بدن بواسطه کلرورها تبدیل بیدرار اژنه شوند و این دوا را اژنه
کم کم تبدیل به کلرور قوی میشود که بسیار محلول است و بیاض البیض مرسوب ترکیب آن
نشو نمایند املاح یک سوبلیمه ادویه قویه هستند و اثرشان قوی است

کلرورهای زیبق chlorures de mercure

کلرور زیبق دو قسم است کلرور Hg^2Cl یعنی کلمل و دو کلرور $HgCl$ یعنی سوبلیمه
اکّاله کنه

کلمل protochlorure de mercure Hg^2Cl

(syn. chlorure mercureux, mercure doux, calomélas, calomel, panacée mercurielle,

بجز.

جسم است سفید با ذائقه ملح منقطع شود بشکل مخروطات ذو اربعة سطوح که منتهی شده‌اند
بدون ذو اربعة سطوح قاعده تصعید است و در وقت تصعید آن از دوا را باید گذاشت
در آب و الکل غیر محلول است قلیاها آنرا سیاه کنند و کلرورها آنرا تبدیل به هیدرار اژنه کنند
یوت کلرور در مرکز دوا بسیار معمول است جهت دفع دیدان و مسهل است برای اطفال
گوفی و خنازیری و اخلاط است جلدی استعمال کنند و قتیکه نه مسهل بکار میبرند باید کم
داده و زیاد داده و قتیکه بخواهند آثار زیبقی از آن بروز کند بمقدار قلیله منقسمه دهند
و در آن صورت بسرا از زمانی تحریک براق کند
از باب مرطوب استعمال کلمل در طب انواع متعدد است که هیچیک اختلاف ترکیب
جزئی ندارند و از حیثیت حالت قوه اتصالیه ذرات در عمل بسیار مختلف اند
اول کلمل متعارف ثانیا کلمل بخاری ثالثا کلمل رسوبی

کلمل متعارف mercure doux cristallisé

جهة ساختن آن بعد از علم همقدار زیبق و همقدار دواء اکّاله را با یکدیگر ترکیب کنند
بفرمول $HgCl + Hg = Hg^2Cl$ بگیرند

دواء اکّاله	۲	زیبق خالص	۳

با هم کوبیده دوا اکّاله را در هاون چینی صلایه کنند بعد از آن زیبق را اضافه
نمایند تا وقتیکه تمام زیبق کشته شود در کرم خانه خشک کنند و در قرعهای مسطح العقر را
تا نصف از آن پر کنند و با حرارت ملایم تصعید نمایند اگر قدری از زیبق

از اثر دوا اکّاله محفوظ مانده باشد بکلمل مخلوط شود از این جهة کلمل را گرفته با الکل
را صاف کنند و کرت دیگر تصعید نمایند
کلمل را قبل از استعمال در طب باید خوب صلایه نمود و با آب مقطر شست تا وقتیکه
آب با غده دیگر بواسطه نیترات دو نقره و بواسطه سولفور ... رنگین نشود در صورتیکه مطلبی
میشود که بقدر جزئی از دوا اکّاله است و این کلمل از تمام دیگران کمتر است و
شکی نیست که ضعف آن بواسطه زیادتی قوه اتصالیه و عدم صغر اجزا است در مزاج
بجهة کلمل بخاری قایم مقام آن میکنند

کلمل بخاری calomel à la vapeur

مقصود که جهة ساختن آن در فضای واحد ونزدیک واحد بخار آب و بخار کلمل را
داخل میکردند بخار کلمل از مجاورت بخار آب منجمد میشد زیرا که حرارت بخار آب کمتر از حرارت
است که کلمل بواسطه آن بخار شده و در نتیجه کلمل بقدری بسیار ریز منجمد میشود زیرا که بخار آب
فیمابین ذرات آن حایل میشود و از مجاورت و التصاق ذرات ممانعت میکند لکن از جهة بخار
دوا سازان اسباب مخصوص جهة بخار فراهم آوردن که تا در جمیع دوا خانه‌ها
خانه‌جات دوا سازی معمول بود و ساختن آن صعب بود و هرگز کلمل انگلیسی نمیتوانستند
بقاعده بسیار سهل است برآورند بخار کلمل را داخل فضای بزرگی میکنند تا آن بخار قبل
از التصاق باطراف ظرف در هوا که ذرات آن منجمد است منجمد شود هوا فیمابین
ذرات آنها حایل شده و التصاق آنها را مانع میشود زیرا که در آنها کلمل را

بجز.

کار میکنند عبارتست از لوله‌های سفالی مستطیل که ده سانتیمتر قطر و ۵۰ تا ۶۰ سانتیمتر
طول دارند که یک طرف آنها مسدود است و طرف دیگرشان باز است ظرفیت آنها از سه تا
هفت لیتر کلمل است در حکمت خارج لوله‌ها را میپوشانند تا یک لوله در چندین عمل بکار
برده شود بخار کلمل را داخل کنند در قابله بسیار بزرگی که در سمت فوقانی آن چند
سوراخ موجود است لوله‌ها را بقوت در آن سوراخها فرو برند و در وزرا با گل حکمت
بگیرند و در سمت فوقانی این قابله منفذی است که هوای متخلخل از آن خارج شود و
آن منفذ را با یک صفحه شیشه بگیرند و کار این قابله میتوان حجره بکار برد که دیواره
کره آن از اجر باشد و لوله‌ها از آن برآمده که در اطاق قبل مخصوصه کلمل در آن شود که ۴
ذرع مکعب ظرفیت داشته عمل کرده و نتیجه نیک دیده است و اما در صورتیکه مدة از کلمل
از ۲ تا ۳ من تبریز ساختن لازم است بهتر است که قابله حوض چینی باشد از یک تا چهار و تنظیف
و تبدیل آن سهل باشد باید که حتی الامکان قابله نزدیک بکوره باشد تا مانع شود که کلمل
در انتهای لوله منجمد شود و لوله را مسدود نماید باید که حرارت حادثه از کوره قابله را گرم
نکند بجهة این در ابتدای لوله قدری شن و گل بایند و دور حلقه جز فلزی بر آنها
نصب میکنند این حلقه‌ها قابله را از حرارت شعاعی حفظ کنند و هیچ چیز از حرارت
آتش در منفذ سهل تر نیست اول لوله را بحرارت قرمز تیره گرم کنند و شروع نمایند از
جزئیکه نزدیکتر است بقابله و رفته رفته تا اجزاء لوله را بحرارت دهند و هکذا
نیز تا در ساعت عمل تصعید کلمل بکار می‌برند ازانکه از اتمام عمل مطمئن شدند گذارند تا

سرد شود و آنرا در [illegible] را [illegible] ذره کلمل قابل را با آب مقطر تقطیری بشویند که بخار آن
را لوزه دیگر رنگین نشود و حرارت [illegible] اجزا تحلیل نشود و [illegible] را [illegible] نیز [illegible]
جاری کنند و [illegible] عبارت است از یک قرص [illegible] کوچک که [illegible] بزرگ [illegible]
در شناختن کلمل به کمال اهتمام را بکار آورد زیرا که همیشه قدری دارا [illegible] در آن [illegible]
خواه بواسطه سبقت در دادن قبل از تصعید و خواه آنکه نتوانیم بگوئیم کلمل را
کاملا تصعید نمود مگر آنکه قدری از آن تبدیل به زیبق فلزی و دارا [illegible] شود و تولید زیبق فلزی
موجب است که کلمل [illegible] نشود لهذا در حین تصعید کلمل بهتر است که [illegible]
دارا [illegible] دفع کنند تا اگر زیبق وجود آید دارا [illegible] را تبدیل به کلمل کند و از همین
بابت است که جهت رفتن کلمل بخاری کلمل متعارفی را تصعید میکنند زیرا که مخلوط زیبق و
دارا [illegible] احتمال تصعید زیبق آن بیشتر است در این ایام کلمل که استعمال میکنند منحصر است
بهمین قسم زیرا که بواسطه صغر اجزاء اثر دوائی آن بیشتر است

کلمل ترسیبی — précipité blanc

(syn. protochlorure de mercure par précipitation)

بیت ازتات دو مرکور منعقده	مقدار منظور

آن دانهای منعقده را در [illegible] جوهر [illegible] که آب [illegible] جوهر [illegible] آلوده
[illegible] صلایه کنند و صاف [illegible] خارج نمایند با مقدار [illegible] در آب [illegible] بخشی [illegible]
[illegible]

کنند و تکرار نمایند تا آنکه ازتات [illegible] شود [illegible] محلول را جمع کنند با قدری زاید برآنها
جوهر نمک [illegible] کنند و بوقت [illegible] را بشویند تا آنکه آب [illegible]
[illegible] رنگین نشود و [illegible] که مقدار کثیری از [illegible]
آن خارج شده [illegible]
جوهر نمک [illegible] ازتات [illegible] را تجزیه کند و تولید آب و کلمل شود [illegible]
[illegible] آب [illegible] ازتات [illegible] شود [illegible] ازتات [illegible]
محلول وازتات [illegible] جوهر نمک [illegible] خاص محلول [illegible] در صورت
معلوم است که تجزیه [illegible] تولید ازتات [illegible] و [illegible]
[illegible] کلمل [illegible] آن جزء [illegible] ازاد [illegible] مرکب [illegible] به نسخه
طبیعی نه [illegible] کلمه [illegible] آن در [illegible] مختلفه بسیار مختلف است [illegible]
[illegible] منفعت [illegible] اولا [illegible] کلمل [illegible] در [illegible] استعمال [illegible] زیرا که
کلمل بواسطه [illegible] با اجزاء [illegible] که تبدیل [illegible] شود [illegible]
در کتب [illegible] آن [illegible] ذکر [illegible] که از استعمال [illegible] در کلمل
[illegible] است با نمک طعام [illegible] در صورتیکه اجزاء [illegible]
[illegible] ضعیف است [illegible] است [illegible]
[illegible] است که [illegible] تحریک [illegible] کنند [illegible]
از مواد [illegible] را داده [illegible] کلمل را [illegible] و [illegible]

نکنند زیرا که تولید زیبق فلزی و جوهر نمک [illegible] از آن جوهر نمک در
[illegible] تولید [illegible] تجزیه [illegible]
[illegible] زیرا که [illegible] جمیع مواد مذکوره فوق را [illegible]
[illegible] که از تجزیه [illegible] آب [illegible] اصلاح [illegible]
[illegible] زیبق [illegible] کلمل را [illegible]

قرص کلمل

کلمل بخاری	۱	قند مسحوق	۱۱
لعاب کتیرا	مقدار کافی		

اقراص سه نخودی بسازند این اقراص در دیدان [illegible] اطفال مستعمل اند هر قرصی [illegible] کلمل دارد

حب [illegible]

کلمل	۵ نخود	خمیر نان	۵ نخود
آب	مقدار کافی		

مطابق معمول ۳۰ حب کنند

شکلات مسهل

کلمل	۲	جلپ مسحوق	۳
شکلات	۳۱		

مطابق معمول اقراص ۲۰ نخودی سازند هر قرصی یک نخود کلمل و یک نخود و نیم جلپ دارد

[illegible] جهت [illegible]

کلمل	[illegible]	خمیر [illegible]	مقدار منظور

مخلوط نموده مطابق معمول بسازند

روغن کلمل

کلمل	۱ تا ۲	روغن ساده	۸

مطابق معمول مخلوط کنند

روغن جهت اکزما

روغن ساده	[illegible]	کلمل	۱۰ تا ۲۰ نخود
کافور	۵ تا ۱۰ [illegible]		

بهتر است که کافور را اول در کمی روغن حل کنند و بعد جزء روغن نمایند [illegible]
خارش شدید اگر [illegible]

روغن [illegible]

صابون [illegible]	۱	روغن زیتون	۲
کلمل	۱		

با یک ثمن وزن خود آب صابون را در حمام ماری حل کنند و بعد از آن روغن و کلمل بیفزایند

زرق کلمل

کلمل بخاری	۲۰ نخود	صمغ عربی	۴۰ نخود

آب مثقال ۲۵ مطابق معمول مخلوط کنند

لعوق مرکب ونیترن

کلمل ۱۹۹ سم الفار ۱

مطابق معمول مخلوط کنند در لعوقها استعمال معمول است

دارشکنه

دارشکنه که معروف به مصعد اکال است

جسمی است سفید طعم آن نهایت تند و کره است یا از سموم معروفه قاتله است از جمله
سریع التصعید است قابلیت انحلالش در آب کم است صد جزو آب در +۱۰°
۶،۵۷ و در ۲۰°+ ۷،۳۹ و در ۱۰۰°+ ۵۳،۹۶ از آن حل میکند
ولی از سر شدن آب رسوب منعقد زیادی شود که آب انحلال خالی و در الکل
بیشتر از آب حل شود چنانچه ۳ جزء الکل جهت حل آن کافی است و اگر حرارت
معین شود خیلی بیشتر حل کند دارشکنه در خارج و در داخل مخصوصاً جهت امراض کوفتی
معمول است البته چون سمیت دارد و خطرناک است در استعمال آن باید کمال احتیاط
را بکار برد

جهت ساختن ... و مرکور را با نمک طعام تجزیه کنند بطریق که کبریت ...
و مرکور و نمک طعام مشتور ... که هر یک از این اجزاء ...
پس از آن با یکدیگر خوب مخلوط کنند و ... را از این مخلوط ...

کنند

کنند قرعها را در حمام شن تا گردن فرو برند پس از چهار پنج روز آتش کنند بهتر اینکه
آتش هیزم باشد زیرا که با آتش چوب میتوانند حرارت معینی را از موضعی زیاد کنند
حمام شن باید در زیر ... کش باشد که هوا داشته در ابتدا عبور کند اول حرارت ملایم
دهند تا رطوبت مواد مستعمله خارج شود و وقتیکه بخار آب خارج میشود دهان شیشه
ها را باز نگاه دارند وقتیکه معلوم آمد که رطوبت خارج شده است قرعها را
از شن بیرون آورند بقسمی که شن نصف قرعها بیشتر فرا گیرد و در دهن هر قرعی
یک کاسه کوچک معلق کنند و آتش را زیاد کنند و حرارت باید منظم باشد نه بسیار
قوی و نه بسیار ضعیف باشد باید ملتفت باشند که جهت تصعید دارشکنه کفایت کند و بقدری
تند نباشد که جزئی از دارشکنه بصورت بخار خارج شود باید بتوسط آتش را کم و زیاد
کنند قریب از ۸ تا ۱۰ ساعت طول میکشد اگر شیشه نشود که فوراً همه آن کثیری از
دارشکنه تلف میشود بالای قرعها فرود آورند پس از آنجا ... حرارت نشده
دهند تا دارشکنه ذوب شود و ذرات آن الحاق و الصاق شده ... کنند
بطوریکه قدری سخت است زیرا که اگر بیشتر از اندازه تند و تیز دهند قدری از دار
شکنه تلف شود پس از آن قرعها را از شن کم ... نه ... گذارند ببرود سرد شود
زیرا که اگر یکدفعه سرد شود فوراً خرد شود قرعها را بشکنند و قرصهای دارشکنه
را جدا کنند معلوم است که در ... فعل و انفعال چگونه میشود

$HgO, SO^3 + NaCl = HgCl + NaO, SO^3$

و ... دارشکنه مغنسیا و قرابیه الملکه تجزیه قوی از الکیه یا کولفات و مرکور
بحالت ... الکیه ... مغنسیا تجزیه ... الکیه و اکر مطلق باشند
که کولفات ... بحالت الکیه است از استعمال مغنسیا معاف دارند
بجهت اطمینان از کولفات باید قدری از آن را در محلول جوش نمک طعام بریزند
اگر در دو مقدار ... معلوم است که تمام ... بحالت الکیه است حفوره ... داند
دارشکنه ... منقسم شده اند یکی آنکه در آنها دارشکنه داخل میشود
بدون انقلاب دیگری آنکه دارشکنه جزو آن میشود و لیکن بصورت اجزاء
دیگر انقلاب شیمیائی پیدا میکند

préparations qui contiennent le sublimé corrosif inaltéré.

ادویه که دارشکنه بی انقلاب دارند

لیکور وان زویتن liqueur de van swieten

دارشکنه	۱	آب مقطر	۹۰۴
الکل خالص	۹۶		

دارشکنه را در الکل حل کنند و آب را قرابه ... مقال این آب خمس
کنند دارشکنه دارد

بعضی از اطباء ... مناسبت ... ادویه ... گرم ... جزء آب
۲ جزء نوشادر و ۲ جزء نمک طعام ... قرابه ... ترتیب ...
پیدا نشود

قطورات

قطورات collyre au sublimé corrosif

دارشکنه	گرم ۱	آب	مثقال ۲۸

مطابق معمول حل کنند

زلق ان

دارشکنه	گرم ۳	آب	مثقال ۲۰

مطابق معمول حل کنند

غسل آن lotion antipsorique

دارشکنه	۴	آب	۵۰۰

حل کنند

غرغره ضد کوفت gargarisme antisyphilitique

دارشکنه	نخود ۵	آب	مثقال ۲۲/۵

حل نمایند

آب قرمز معروف به آلبیر

دارشکنه	نخود ۲۰	آب مقطر	مثقال ۱۰۰

مطبوخ شقایق ... جهت ... معمول است

روغن سیریل pommade de cirillo

دارشکنه	۱	روغن ...	۸

مخلوط کنند واز ١٠ تا ٢٠ نخود از آن بخورند و ضد تریاق نایند

نقرس دار اکثنه trochisques escharotiques

دار اکثنه	١	نشاسته	٢
لعاب کثیرا	مقدار کافی		

مطابق معمول داروها ساخته کنید می سازند قرص چون

قرص سرنج trochisques de minium

دار اکثنه مسحوق	٢	سرنج مسحوق	١
خمیر نان	٨	آب مقطر	½

مطابق معمول داروها ساخته کنید می سازند قرص چو که بعد از خشک شدن به کار برند و این

داروها سرنج است که در این حالت دار اکثنه که نوع انقلاب جزئی پیدا میکند که حتی

قریب ذکر خواهیم کرد و تقریباً تمام آن کالی مخلوط میشوند

کلودیون محرق Collodion caustique

کلودیون	٣٠	دار اکثنه	٤

حل نمایند

ثانیا لوازمی که در آنها دار اکثنه منقلب میشود

preparations pharmaceutiques dans lesquelles le deutochlorure subit diverses modifications

صفت

یکی از خواص مخلفه دار اکثنه است که با بعضی منسوج آلیه ترکیب میشود و این خاصیت

در طب بسیار معتبر و به است مثلاً وقتی که در محلول دار اکثنه یکی از منسوج آلیه را

فرو برند مانند چوب و عضله و پوست و مو و امثال آنها دار اکثنه جذب در این

آلات میشود و فی الحقیقه با آنها نوع ترکیبی پیدا میکند و آن آلات محفوظ میمانند اکثنه

بلکه فساد پذیر نمیشوند و بواسطه این خاصیت در حفظ جثه حیوانات و اعضای آنها

مجرب است اگر دار اکثنه را مجاور بیاض البیض منعقد کنند نیز همین حالت روی دهد و

چنانکه بیاض البیض منعقد در ماء ملح و بواسطه دار اکثنه راسب میشود و آن نوع ترکیب

حقیقی پیدا میکند و آن جسم مرکب تا این قابلیت انحلالش در آب بسیار کم است و لیکن

در مقدار زیادی بیاض البیض محلول میشود از همین جهت و بخصوصه در نوشادر و مایر کلورورها

قلیائی نیز محلول میشود زیرا که اوایل حکمای طبیعی مشهور بران بودند که مخلوط دار اکثنه

با دوات بیاض البیض نیز یک حلول میشود و در این باب گفتگو زیاد کرده اند

یکی از آنها که لاسنی صاحب نام داشت ثابت نمود که دار اکثنه با اجزاء آلیه مرکب میشود

بدون انقلاب و بنا بر این حکم این جسم مرکب عبارت است از ٩٣٫٥٥ بیاض

البیض و ٦٫٣٣ دار اکثنه این تحقیق فایده کلیه دارد و در حالت طبیه دار

اکثنه زیرا که مسموم شدن دار اکثنه را بیاض البیض مخلوط با آب نافع است از بابت

اینکه ترکیب مذکور که حالت آن مطلقاً کمتر است و معلوم میشود از این

معلوم میشود که استعمال دار اکثنه با بعضی مواد آلیه انفع است زیرا که اثرهای آن کمتر است

Lassaigne

و مع هذا نتیجه محقق تر است و مشخص میشود که دار اکثنه چون محلول در بیاض البیض

البیض شد هر چند حالت و خواص کمتر میشود از اثر حقیقی آن ولی کار او از این

بهتر است که تیز و شدید نیست و سفیده تخم مرغ با الکل و مواد صمغی با دار اکثنه

انحلالی پیدا میکند لهذا تریاق اند و لیکن باید ملاحظه کرد که تمام مواد آلیه

دار اکثنه انحلالی را دارا نه شده اند و در آنها هیچ وجه اثری نمی باشد و بعضی

مواد آلیه از آن بیرون تجزیه کنند و در اینجا از املاح آن کلی ولی آن

زیبق خفیف نمایند از همین قبیل اند و اما آنکه دارای مواد عصاره و نبات باشند

و نیز تنها مرکبه و عصارات طبیعیه در حین استعمال دار اکثنه مختلف این

مواد باید میانه صاحب بواسطه تجارب مسلمی شده است معلوم نمود که لوازمی که بعضی

در این جزو با کوچک ترکیب شده اند که عبارت از دار اکثنه و کلورور

قلیائی و بیاض البیض لهذا این نسخه را بنویسند

آب مقطر	٥٠٠ نخود	نمک طعام	٥ نخود
نشادر	٥ نخود	سفیده تخم مرغ	١ عدد
دار اکثنه	٥ گندم		

سفیده تخم مرغ را با آب مقطر بهم بزنند تا کف کند و بعد از استراحت صاف نمایند

و اجزاء را در آن حل نموده صاف کنند و مشتق این محلول در ضمن که دار

اکثنه دارد

حب گلوتن دار اکثنه pilules de sublimé corrosif au gluten

دار اکثنه مسحوق	١ گندم	گلوتن تازه	١٦ گندم
صمغ عربی مسحوق	٤ گندم	ریشه خطمی مسحوق	٨ گندم

گلوتن و دار اکثنه را در هاون تا ده دقیقه صلایه کنند و صمغ عربی را به آن و صلایه را

مکرر کنند و ریشه خطمی را افزوده حب سازند هر حبی ثمن گندم دار اکثنه دارد و گفته

بودن است که دار اکثنه درین حبها تغییر کلی پیدا میکند و میگویند که بیش از دو ماه

درین حب دار اکثنه فاسد یافته نمیشود الکعدام

حب هفمان pilules majeures d'hoffmann

دار اکثنه	١ نخود	خمیر نان	٢٠ نخود
آب مقطر	مقدار کافی	مطابق معمول ٢٣٠ حب سازند هر	

حب چهار هزارم گرم دار اکثنه دارد

حب دوپوئیتران pilules de Dupuytren

دار اکثنه	١ نخود	عصاره افیون	٢ نخود
عصاره کایاک	٤ نخود		

بیست حب سازند هر حبی خمس گندم دار اکثنه دارد و خمس عصاره افیون

غالب مریض این حب را بدون زحمت میخورند و بهتر است که کم کم استعمال نمایند

زیرا که بواسطه تجربه بعضی از حکما رفع شبه در یک لحظه میشود

chlorure ammoniaco-mercurique

کلورور ثانی زیبق و امانیاک

دو کلورور در طب مستعمل است یکی محلول است و حاصل شده است از ترکیب دارشکنه و
نوشادر و دیگری غیر محلول است و حاصل شده است از ترکیب دارشکنه با امانیاک کلورور اول
کلورور محلول عبارت است از $Hg\,cl, az\,H^4\,cl + aq$ و در صد جزو آن
۵ ر ۶۸ دارشکنه است منعقد شود بشکل منشورات مسدس الاضلاع متقارن
و املاح منعقده آن در هوا شکفته نشده کثیف شوند و جزو آب سرد سه جزو از آن حل کند
و مقداری در آب جوش محلول است جهت ساختن کلورور محلول بگیرند

دارشکنه مسحوق	۱	نوشادر مسحوق	۱

با یکدیگر نیکو ممزوج کنند اگرچه این مخلوط فی الحقیقه کلورور ثانی شیمیایی نیست ولی در
طب رجحان دارد جهت ساختن منعقده آن به مقدار با اندکی نوشادر زیادتی جهت
زیادتی حل وقت خود ترجیح این ترکیب دارشکنه کثرت قابلیت انحلال است حاصل
در صورتیکه خواسته باشند محلولات غلیظه استعمال کنند چنانچه در اینجا اکثر دارشکنه حاصل
بکار برند مقدار کثیری از آن در قلیل حل در دو نشود و جزوی که از آن حل شود نوشادر معین
بر کثرت انحلال است و بیشتر مولد جلمان است

مایع معروف به گولند liqueur de gowland

بادام تلخ	۱۸ مثقال	آب مقطر	۱۰۰ مثقال

دارشکنه

دارشکنه	۶ گرین	نوشادر	۵ ر ۰ مثقال

با بادام تلخ شیره آب زنند و نوشادر و دارشکنه را در مقداری آب حل نموده با آن مخلوط نمایند
فی الواقع چنان معلوم است شیره صاف شود و املاح ترکیب محلول میماند
این مایع مستعمل است در معالجه پوردیگو prurigo و بیماری‌ها از آن
با آب ترقیق کنند و جهت حفظ لوکار برند

روغن آن

دارشکنه	۱	نوشادر	۲
روغن	۷		

مطابق معمول مزج را با اهم صلایه نموده با روغن مخلوط کنند

شمع آن

دارشکنه	۱	نوشادر	۲
موم سفید	۱۵	نقره	۳۰

مطابق معمول مزج را مخلوط کنند و جزو موم و نقره نمایند

کلورور نوشادر زیبق غیر محلول $Hg^2\,cl\,az\,H^2$

chloramidure de mercure

(syn. chlorure ammoniaco-mercuriel insoluble)

صفت آن بگیر نزد دارشکنه مقدار منظور امانیاک مایع مقدار کافی دارشکنه را در
آب سرد حل کنند و قدری بیش از اندازه امانیاک در آن ریزند در رسوب سفیدی حاصل شود دار
شود جهت آب شوینده خشک کنند معلوم است که در این نصف کلر دارشکنه
قدری پیه رزن امانیاک را جذب بیکند و تبدیل بجوهر نمک میشود و با امانیاک مرکب
شده تولید نوشادر کند و جزو دیگر پیه رزن با ازت تولید جسم مخصوصی نماید که آمید
نامند و آن با زیبق دارشکنه تجزیه شده مرکب شود در بعضی کتب طرح ادویه
جسم را با اسم رسوب ابیض ذکر کرده اند و ما آن اسم را به فقط تعلق کرده
چنانچه در محل آن ذکر کردیم

pommade antipsorique de zeller

روغن معروف بزلر

کلورور مرکور	۱	پیه	از ۱۰ تا ۲۰

مطابق معمول مخلوط کنند

برومور زیبق bromures de mercure

دو برومور از زیبق معمول است که از حیثیت معالجه و خواص شبیه است کلی بدو کلورور
مذکور دارند

protobromure de mercure $Hg^2\,br$ پروتوبرومور
غبار است سفید غیر محلول که بعضی از اطبا در مواد ... استعمال کرده اند ولکن تقریبا ترک

شده است

شده است جهت ساختن آن رسوب خیرات دو مرکور را با برومور پتاسیم تجزیه
کنند

deutobromure de mercure $Hg\,br$ دوتوبرومور زیبق
متبلور است با دارشکنه قابلیت ذوبان و تصعید و حل در آب و الکل دو تا مقام
دارشکنه می توانند شد و اکثر استعمال کنند

یودور مرکور iodures de mercure

در طب دو یودور از زیبق مستعمل است یودور و یودور ثانی و هر دو اینها هم در
داخل و هم در خارج استعمال شوند

proto-iodure de mercure $Hg^2\,i^2$ پروتو یودور مرکور
غبار است زرد مایل به سبز تصعید آن قرمز رنگ است و مایل از زردی شدن آن اول
محو کند قابل تصعید است و در آب و الکل حل نشود یا از البتوت تبدیل
پروتو یودور طریق متعدد در ساختن آن منطبع کرده اند و ما در دستور العمل دوا
زیاده قاعده معروف به دستور berthemot قبول شده است و بکار میبرند
که بهترین قواعد است صفت آن

زیبق	۱۰۰	یود خالص	۱۲۶
الکل	مقدار کافی		

یود زیبق را در هاون چینی ریخته قدری الکل اضافه نمایند که خمیر نرمی شود صلایه کنند تا

تا با زیبق ناب ییده شود جسم الحاصل زرد مایل بسبزی کرده و بعد از آن آتش ملایم دهند چون
از آب شسته شود تا وقتیکه بعد از تبخیر بالمرّه خفیف نتیجه اثری از ییدور نداشته باشد پس
آن را در گرمای ملایم خشک کنند و از روشنائی پرهیز نموده در ظروف سیاه رنگ یا پوشیده
شده از کاغذ سیاه حفظ کنند زیرا که روشنائی پرت ییدور را تجزیه نموده تولید
بی‌ثبات رنگ و گسیده زیبق نماید و بواسطه رطوبتی که در هوا موجود است مقدار ییدور زیبق
و زیبق ثالث تولید پرت ییدور است و الکل باید بسهولت ترکیب این جسم است و علاوه
برین اثر مقدار کثیری دو ییدور تولید میشود الکل باید بسهولت ترکیب آن با ییدور است
با زیبق خلقی بحسب الامکان تمام اجزای پرت ییدور کند و همچنین مقدار قلیل الکل
چند قطره الکل کافی است و هرگاه مقدار زیادی از الکل بریزند مقداری از الکل بخار شود زیرا که
در مجاورت زیبق و ییدور در یکدیگر فعل و انفعال میکنند و احداث حرارت کثیری شود بلکه
گاهی بدرجه اشتعال رسیده جسم الحاصل از آن بواسطه نوع طوفانی خارج شود بلکه احتیاط
مقتضی است که از ... هر دفعه قطره قطره بریزند تا اجزاء از [illegible] مخلوط
در ساختن این ییدور بکار بجهة انداز ... صاحب که معلم ...
طب ... است قاعده مسطوره را ... ترجیح ... بشرطیکه ...
که ذکر کردیم کرده شود

pilules de proto-iodure de mercure حب پرت ییدور

پرت ییدور زیبق	۵ نخود	نشاسته مسحوق	۵ نخود

از آن

شربت ... مقدار کافی ... ساخته حب کنند

pilules de proto-iodure de mercure opiacées

حب پرت ییدور زیبق افیونی

پرت ییدور زیبق	۲۵ نخود	عصاره افیون	۱۰ نخود
گلوسین یاسوس	۲۵ نخود	عسل	مقدار کافی

عصاره افیون و گلوسین را با آب مخلوط نمایند و پرت ییدور را بر آن اضافه نمایند
بعد از آن ... عسل ... مجموع را صد حب نمایند
هر حبی دارای یک گندم پرت ییدور و دو خمس گندم عصاره افیون است

pommade de proto-iodure de mercure

روغن پرت ییدور مرکور

پرت ییدور مرکور	۵ نخود	روغن ساده	۳ مثقال و ۴ نخود

collutoire d'iodure de mercure

پرت ییدور مرکور	۵ نخود	عسل	۲/۵ مثقال

در تقرحات ... طلا نمایند

deuto-iodure de mercure HgI دو ییدور زیبق

(syn. bi iodure de mercure, iodure mercurique)

جسمی است قرمز ... خوش رنگ با حرارت زرد رنگ شود و بعد از آن ... تصعید

گردد و مصعد آن متعفه و زرد خوش رنگ است در الکل محلول است خاصه با حرارت
حرارت و بعد از سرد شدن دانه‌های متعفه در آن متعفه شود و خاصیت آن ...
که با ییدور‌های قلیائی مرکب شده ییدور‌های ... و جوهر دو ییدور زیبق حالت ...
و ییدور‌های قلیائی حالت ... پیدا کنند
جهة ساختن آن در دو ظرف و در آب ... خالص جزو ییدور پتاسیوم و
... جزو دار ... حل کنند و دو محلول را در یکدیگر ریزند رسوب قرمز ... را شسته
و خشک نموده در شیشه ... از روشنائی حفظ کنند اگر محلول ... را در محلول ییدور
پتاسیوم ریزند رسوب قرمزی که در اول ... آمده بعد از ... ناپدید شود زیرا که
آنچه که جسم مرکب ... از ییدور زیبق و ییدور قلیائی میشود که محلول است بعد از آنکه مقدار
... کفایت ... دیگر رسوب حاصل نشود و رنگ قرمز خوش رنگ ...
... بشرطیکه مقدار ییدور پتاسیوم ... داشته باشد زیرا که اگر ...
ییدور پتاسیوم زیاده ... ییدور ... آن ... قرمز
محلول ییدور پتاسیوم است ... که خواه ... را به ییدور پتاسیوم ...
خواه ییدور پتاسیوم را به ... شرط ... خوش رنگ ... ییدور ... که همیشه ...
ییدور پتاسیوم زیادی ... اگر ... از ییدور ... حل میکند ... مقدار ...
... جسم الحاصل ... خوش رنگ است
جهة شناختن آن ... ییدور زیبق خالص ... که ... رنگ آن در قرمزی ...

با الکل

وجود ... تصعید است اگر ... مغشوش ... باشد مشخص شود و همچنین اگر ...
خاصیت اکسید ... شنجرف ... باشد مشخص شود زیرا که شنجرف
... تصعید ... از دو ییدور و علاوه بر آن دو ییدور خالص زیبق با ییدور
محلول ییدور پتاسیوم بدون ... حل شود

pilules de deuto-iodure de mercure حب دو ییدور

دو ییدور زیبق	۱ گندم	عصاره ...	۱۲ گندم
... مسحوق	مقدار کافی		

هشت حب کنند هر حبی ... گندم دو ییدور دارد

pommade de deuto-iodure de mercure روغن آن

دو ییدور زیبق	۱	روغن	۴۰

مخلوط نمایند

iodure double de mercure de potassium

ییدور توأم زیبق و پتاسیم

این ییدور توأم ... مقدار مختلف موجود شود و آنچه بیش از همه ... دارد
... دو ییدور و یک ... ییدور پتاسیوم دارد و از ... محلول غلیظ ییدور پتاسیوم
... دو ییدور مرکور ... جسم ... آید ...
... یک ... ییدور مرکور ... و آب ... که ... بعد از سرد شدن

بود نهایت زود مستطیل منعقد شود و این نمک ایست جدید و مرکب است از دو معادله یدور
زیبق و یک معادله یدور پتاسیم در صد جزء ۱۹٫۴ آب انعقاد دارد و از خواص این
است که بمجاورت آب تجزیه شود و چه اگر چه در آن یدور زیبق ان رسوب کرده و دیگر
محلول میماند یک معادله یدور پتاسیم و یک معادله یدور زیبق است و این نمک انعقاد
نامیده است بجهت درست آوردن آن باید مایع را تا حد یبوست قوام آورد

شربت دکتر ژیبر sirop de Docteur gibert

بی یدور دو مرکور	۱	آب مقطر	۵۰
یدور پتاسیم	۵۰		

دو یدور را با اطلاع صحیحه در آب حل کنند و قدری شیره شکر جدا نمایند که میزان به
ده هزار رسد چهار مثقال این شربت حل کنند یدور زیبق داده کنند یدور پتاسیم
داده

pilule d'iodure double de mercure et de potassium

حب یدور دوگانه زیبق و پتاسیم

بی یدور زیبق	۲ گندم	یدور پتاسیم	۱ مثقال
صمغ عربی مسحوق	۲٫۵ نخود	عسل	بمقدار کافی

بیست حب سازند هر حب چهار دهم مثقال این شربت را میگیرد

کلرو یدور زیبق chloro-iodure de mercure

دارالکل

دارالکل و با یدور زیبق با یکدیگر مرکب میتوانند شود و در حجم معین با هم آورند با
ذرات نهایت زود زرد رنگ است و در صد جزء ۳۶٫۲ دارالکل و ۳۷ و ۶۳٫۳ یدور
داده و دیگری از آنها نمکی و آنها منعقد سفید است و جهت یدور در آن ضعف قسم
اول است علاوه بر این یکی از اطبا در کلینیک نهالستانی مخلوطی بکار میبرد که آن نمک قوای
منحصر بجهت آزادی یدور است و کنون تقریبا جمیع این ترکیبات متروک است دار
الکل و با یدور زیبق را بجهت ارسال دیگر یعنی دارالکل را در الکل حل کنند و به
یدور جداگانه نمایند قدری از آن محلول شود و قوام آورند تا درجه یبوست رسد

pommade de chloro-iodure de mercure

روغن کلرو یدور زیبق

کلرو یدور زیبق	۲ گندم	روغن ساده	۲ مثقال

مطابق معمول مخلوط کنند و روزی ه نخود از آن در عضو مالند و فرو نمایند

سیانور مرکور cyanure de mercure Hg Cy

از حیثیت ترکیب معادله این سیانور مطابق است با دارالکل و با کلسید زیبق و جوهرات
بیرنگ بالجمله بسیار تکرار و منشور است بیکفی منشورات مجنبه منعقد شود و آب
انعقاد ندارد و در آب حل شود خاصه با حالت حرارت در الکل نیز محلول است این نمک در
طب معمول است و بر دارالکل ترجیح داده زیرا که قابلیت انحلالش بیشتر است و دیر قبول فساد
و تجزیه میکند لهذا ازا با مواد عصاره نباتات ترکیب میتوان کرد

جهت ساختن آن اکثر بزنند

نیل روسی	۴	جوهر قرمز	۳
آب مقطر	۳۰		

اجزا را جداگانه را خوب نرم کنند و در ظرف چینی با آب بجوشانند و قتیکه از رنگ
مخلوط قمح شد مایع را جدا کنند و ثفل را با آب تازه بجوشانند و جدا نمایند
کنند محلولات را قوام آورده که ارنه منعقد شود بسیار زود در است که در اول وهله
سیانور خالص درست آید علامت خلوص آن عدم لون و دیگر آنکه ذرات منعقده است
که سطح انها ستونی و مدور براه کاو شده است اگر مایع رنگین باشد دال بر زیادی
این است و کرستال هم دار و لیکن پس زیادی جوهر قرمز است در حالت اول باید
محلول را در پی جوهر قرمز تازه ریخت تا آنکه این دو شود و اما در حالت ثانی قدری از اکسید
زیبق باسیانور آن مرکب شده تولید ذرات حلیه دار کنند بجهت زوال آن باید بکار
نیم رنگی مولوره داد آن نمایند تا وقتیکه مایع را خوب بهم بزنند اثر کبودی
ابدا ظاهر نشود

قاعده دیگر جهت ساختن آن نیز معمول است بزنند

سیانور زرد	۲	سولفات زیبق	۳
آب جوش	۱۵		

یک ربع ساعت بجوشانند و صاف نموده با حرارت ملایم قوام آورند منعقد

شود با

شود با الکل جوش ۹۰ درجه سیانور زیبق را حل نمایند سیانور این سولفات
در تمام غیر محلول میماند

oxydocyanure de mercure

کلسید سیانور زیبق
همان است که در مطلب پیش گفتیم که تولید کرستال بسیار میکند و محلول ترات
از سیانور متعارف و این فرمول بیان ترکیب اجزاء آن است $Hg\ C^2az,\ Hgo$
جهت ساختن آن صد جزء سیانور زیبق و ۲۲ جزء جوهر قرمز را مخلوط در آب
کنند و صاف نموده قوام آورند و لذا در حرارت بسیار رها کنند زیرا که بسهولت
تجزیه میشود یکی از اطبا این سیانور را یکی از ادویه نافعه میدانند و اما چون سمی است
خطرناک باید در مصرف استعمال آن کمال مراقبت را بکار برد

سولفات زیبق سولفات مرکورو sulfate mercureux Hg^2o, So^3

برات سولفات زیبق نمکی است قلیل الانحلال که یک جزء آن در ۵۰۰ جزء آب سرد
۲۸۷ جزء آب جوش حل میتوان نمود

جهت ساختن آن یکی از املاح زیبق را با یکی از سولفاتها محلول تجزیه توام کنند
یا آنکه جیوه با زیبق و جوهر گوگرد را کم میکنند بدون اینکه بجوشانند و پس از آنکه
تمام زیبق تجزیه شد نمک سفید درست از محل گیرند این سولفات غیر معمول است

سولفات مرکوریک sulfate mercurique Hgo, So^3

جوهر است سفید رنگ بسیار قلیل الانحلال که ۲۰۰۰ جزء آب سرد و ۶۰۰ جزء

آب جوش جهت حل نمودن داده بیشتر مستعمل است در ساختن مرکور زیبق و مخصوصاً جهت
ساختن یک سولفات زیبق که معروف است به تربه فرنگی بصفت مشتبه رنگ
زرد تیره

جهت ساختن آن بگیرند

زیبق خالص ۶ جوهر گوگرد دودی مخصوص ۱.۸۴ را ۸

این دو جزء را در قرع انفلاطون یا کلی که جثه ریخته و قرع را در کوره سروش داری
که اشتعال به آن شده و حل کنند این الجمله با بیرون داده شود در خمره آید و دود آن بود
اش سنگین و باید به سطح آب داده شود و فرو زده کوره را آتش کنند و تا ...
حرارت ملایم دهند در قرع با بقیه خشک شود ... که عبارت است از بالفات
مرکور در این حالت است که این نمک جهت ساختن دار نگهدارند لکن اگر جوهر گوگرد
جوهر گوگرد زیاد داده اگر خواسته باشند از اخلاص کنند باید در آب سرد بشویند
گرم اتفاق افتد که قدری از این نمک ممزوج است با پرسولفات جهت
ساختن آن قدری از آن را در مقداری جوش نمک طعام اندازند تولید رسوب سفیدی
و حوبرت سولفات است از آنجا قدری جوهر گوگرد داده کنند و مجدداً ...

تربه فرنگی $3HgO, SO^3$

sulfate mercurique basique

(syn turbith mineral, sulfate trimercurique)

افزار

سولفات مرکور با سی الکل را با جنبه آب جوش صعدیه کننده تجزیه شود بسولفات
اسیدی که در آب محلول است و سولفات بازیک که زرد رنگ است و در آب حل نمی‌شود این
رسوب را خوب بشویند تربه فرنگی عبارت از آن استعمال آن در طب محض
خارج است و در رفع کردن قروحات کوفتی مستعمل است.

pommade de turbith minéral روغن آن

تربه فرنگی ۱ روغن ماله ۸

مخلوط کنند جهت رفع مفرازات کردن و رفع کچلی teigne مستعمل است

pommade antiherpétique de Cullerier

روغن دیگر جهت رفع امراض جلدی

تربه فرنگی ۱ روغن بیه ادام ۱

کافور ۰.۵ روغن ۸

مخلوط کنند

azotate de mercure ازتات زیبق

در طب دو ازتات زیبق مستعمل است ازتات و دو ازتات

پروتازتات مرکور $HgO, AzO^5 + 2aq$

azotate mercureux (syn nitrate, azotate de protoxyde de mercure)

این نمک بسهولت انعقاد پذیر است و عمل داعلم زیبق را که در تیزاب سرد
حل کنیم و اگر با تیزاب بسیار رقیق تو ثابت است می‌آید عاطفا بشکل منشورات
مستقیم منعقد شود که فرمول آن $HgO, AzO^5 + 2aq$ میباشد که بشکل خود
تهیه کرد اول پروتازتات مرکور منعقد شود بشکل منشورات رجینه‌ای
بی‌رنگ که رنگ آن نباتی را قرمز کند آب از آنجا تجزیه ازتات اسیده محلول
یک تیزازتات زرد روشن غیر محلول کنند را اگر گرم کنی غبار زرد را با آب جوش
بشویند زرد بسیار خوشرنگ شود و متعهدین از آن تربه تیزابی گفتند

جهت ساختن بگیرند

زیبق ۱ تیزاب ۲۷ ۱

حرارت ملایم دهند تا بخارات زرد ما رفع شود و بجوش آورند گاه گاه
آب افزایند تا قائم مقام آب بخار شده شود ازتات مرکور محلول
بسیار قوی است در قروحات کوفتی مزمنه در داخل تیزابات استعمال کنند زیرا که
بسهولت حل شود و با ادویه دیگر ترکیب می‌توانند شود

solution caustique d'azotate mercureux محلول محرق ازتات مرکور

پروتازتات ۳ تیزاب ۲

آب مقطر ۱۰

دراوردن

در آوردن بعضی ازتات را صعدیه کنند در آب و تیزاب را مخلوط کنند بدان فرو برند
و مجدداً صعدیه کنند تا همه را که اول در آب بود خود این محرق مانند با ازتات
مرکور صحیح نیست زیرا که جدا کننده بیشتر ابداً گرفته نمی‌شود

pilules azotate mercureux حب آن

پروتازتات مرکور ۰.۱ کنیم اپیل تجو ۱۰

مطابق معمول ده حب نمایند

دو ازتات مرکور HgO, AzO^5

azotate mercurique (syn. nitrate, azotate de deutoxyde de mercure)

کاج است انعقاد ناپذیر بسیار محرق آب کم و سرد از آن تجزیه بی‌بو ازتات خیر
محلول و ازتات اسیده نماید در طب استعمال او بر دو ... خارج نموده در امراض کوفتی

azotate acide de mercure ازتات اسیده زیبق

(syn. nitrate acide de mercure)

زیبق ۲ جوهر شوره ۲۵ ۴

مطابق معمول حل کنند تا از اجزا تجربه چهار جزء دو این شود این محلول مصعد در مریض
خانه‌ها پاریس است

pommade citrine روغن لیمویی

(syn. onguent citrin, pommade d'azotate de mercure)

روغن زیتون ۱۶ روغن ساده ۱۶

زیبق ۲ تیزاب ش ۳ ۳

زیبق را به اعانت حرارت جزئی در تیزاب حل کنند و آن محلول را در روغنهائی که اختیار کرده‌اند بیفزایند و بهم زنند و در قالبهای کاغذی بریزند سابق بر این این روغن را با گوگرد تنها می‌ساختند و فضیلت افزودن روغن زیتون آنست که دیرتر سخت شود سهل الاستعمال است بلکه بعضی معلمین دواسازی برآنند که منحصراً روغن زیتون بجهة ازوتات دو مرکور بکار برند

زیبق محلول هانمان mercure soluble d'hahnemann

(syn. azotate ammoniaco-mercureux)

پروتازوتات دو مرکور مقدار منظور امونیاک مائع مقدار کافی

ازوتات دو مرکور را در هاون شیشه یا چینی ریخته با قلیلی از تیزاب ترش شده صلایه کنند تا آن نمک محلول شود حرارت را نگاه دارند بمقدار تیزاب کم کم و در آن محلول کم کم امونیاک بریزند و باید رسوب خاکستری که بسته ریخته شد الاتصال بهم زنند و قدری که در دو روز ته‌نشین شد گرفته رسوب را بعد از آب جدا کنند و بشویند و بحرارت ملایم بخشکانند لکن متعمیت ... در باب ترکیب آن ... [illegible]

جوهر ارا

حب زیبقی هانمان pilules mercurielles (hahnemann)

زیبق هانمان نخود ۵ رب سوس نخود ۱۵

مطابق معمول ۵ حب کنند

زیبق محلول هانمان نخود ۱۰ تریاک نخود ۵ / ۱

صمغ عربی نخود ۲ مثقال ۳

قند و شربت در نخود یک کنند ۱ / ۴ کنند

شربت زیبقی هانمان sirop mercurielle (hahnemann)

زیبق محلول هانمان نخود ۵ صمغ عربی منتخب نخود ۵

شربت خطمی مثقال ۲۰

زیبق و صمغ را مخلوط نموده در هاون چوبی با قدری شربت صلایه کنند و تتمه شربت را بر آن افزایند

استات دو مرکور acetates de mercure

جوهر سرکه و زیبق دو استات بوجود آورند و استات دو پروت که اول معمول است که فرمول آن $Hg_2O, \bar{A}$ است نمک است با بو و بارنگ با اندکی ... [illegible]

poudre mercurielle (hahnemann)

گرد زیبقی هانمان

۱

دهانه قلیلی از صمغ با تیغه از طلق است بعضی نقره و املاح دیگر در تابش نور سیاه شود در ۲ ۳ ۳ درجه در آب سرد حل شود و در آب گرم محلول تر است و در نباتات قدری از زیبق بجا میشود و قلیه استات دو پروت کمی میکرد در این نمک بکار جهة رفع کرفت از جمس ... معمول است و همیشه بصورت حب استعمال شود اثرات حاد تر از دو اسکنه است

جهة ساختن آن محلول پروت ازوتات دو مرکور را با محلول استات دو پتاس یا دو سود مخلوط کنند بطریق که ازوتات دو مرکور را با آب ترش تیزاب صلایه کنند تا تمام آن حل شود و به محلول استات قلیائی را قدری بیش از حد اشباع بیفزایند استات دو مرکور را شود با آب سرد بشویند و در سایه و روشنائی بخشکانند

حب نقره کیزر pilules ou dragees de keyser

استات دو مرکور نخود ۵ شیرخشت یا شکر مثقال ۴

مطابق معمول ۵ حب سازند و در ورق نقره ... کنند [illegible]

tartrates de mercure $2HgO, \bar{T} + 2aq$

طرطرات دو مرکور

جوهر طرطر نیز با زیبق دو طرطرات بوجود آورد و طرطرات دو پروت که معمول است نمک است سفید صرف با کمی زیبق بی نمک و بی بو غیر محلول در آب و محلول در جوهر طرطر تیزاب الغلا در روشنائی

الجم ...

جهة ساختن آن پروت ازوتات دو مرکور را با آب ترش تیزاب صلایه کنند و آن محلول را در محلول طرطرات دو پتاس ریزند فوراً در دو طرطرات دو مرکور حاصل شود آن را بخشکانند و از روشنائی محفوظ دارند

ادویه که از نقره سازند médicaments a base d'argent

نقره در حالت نمک جسم محرق بسته اول اطبا است در درجات مختلفه تحریق و در حال غیر نمک جسم و بعضی دیگر از املاح نقره را جهة رفع صرع استعمال کرده‌اند و اینچه از تجربه یافته‌اند معلوم است که هر نمک نقره بیش از دو سه روز بیتربیه بکار برده دارد زیان ... و آن کلورور و بواسطه کلورورها جلد طبیعی محلول شده مجذوب میکرد و بیشتر ادویه را که از نقره درد دارند میخ راجع میشود بکار برده دار دارند مرضائیکه مدت بعلاج نقره کرده‌اند رنگشان تیره شود و گویا بواسطه اثر کلورور دار زیان است در تمام جمله نقره جسمی است سفید خالص شفاف براق و بعد از طلا از تمام فلزات قابل مفتول شدن بیشتر است استحکام آن نیز زیاد تر است وزن مخصوص آن از ۱۰٫۴۷ تا ۱۰٫۵۴ اختلاف میدهد بسته در درجات مختلف ... درجه حرارت و در ۵۰ درجه ذوب شود در حرارت شدید بصعود گرود با گوگرد ترکیب یابد و محلول است ۱۰٫۸ است در طبیعت از املاح کمی کلورور دو ازوتات استعمال میکنند

پروتکسید دارژان protoxyde d'argent AgO

جسمی است جامد زیتونی رنگ با طعم و بی بو در حرارت بسهولت نقره آن جدا شود

جهة ساختن آن در محلول سنگ جهنم اندکی بیش از نصف اشباع بتدریج حامض مُحرق ریخته و در جریان شمسه بحرارت ملایم در پناه روشنائی بجنبانند این گیه در دواخانه جهة رفع افتد و صرع استعمال شود اول از دو خمس شروع کنند و تا ده کشند در روز استعمال کنند چون این گیه بسهولت خوش جایگیر نباید بقدر دوا نیا تا شریکه شود بعد برسانند که سنگ جهنم مرتب کرده در جهة شود

کلرور دار ژان chlorure d'argent. ag cl

(syn. chlorure argentique, argent corné)

کیفیت سفید ملایم و با بو بدتر و اختلاط در روشنائی که از آن تنفس کنند قبل از حرارت قرمز ذوب شود بعد از انجماد قرنیت بهم رسانند نه در آب و در حموضات غیر محلول است و در دوا و دواها بسهولت حل شود

جهة ساختن آن جوهر نمک یا یکی از کلرورهای محلول را در محلول سنگ جهنم ریخته بعد بپرانند که این نمک نیز جدا را رنگین کند تقریباً شربت ۱۵ ۰ ملی گرم است

سنگ جهنم ازوتات دارژان azotate d'argent ag o, az o

(syn. nitrate d'argent)

کیفیت سفید بلوری است محرق و جدا را منقش کند تعبیر که مونث شود بشکل قطعه‌های بس و نازک منعقد شود بدون آب انحلال در کلیه معروف اثر نکند در روشنائی سیاه شود خاصیه یکی و رت مواد الیه که بعد آنها در ربع اون شود در هم وزن خود آب محلول است

بجهان

الکل نیز به اعانت حرارت متقدار کثیری از آن حل کنند پس از سرد شدن بسیاری از آن رسوب کرده و در طب محرق مستعمل است و محلول آن در آب نیز دوا است قطرات ضعیفه استعمال کنند و در دواخانه از آن برای جهة رفع صرع بکار برند

جهة ساختن آن بکیرند

نقره قال	۱	تیزاب ش ۳۳	۲

نقره را در قرعی ریزند و تیزاب را در روی آن ریخته بحرارت ملایم حل کنند بخارات نو نارنجی متصاعد شود محلول را در کپسول ریزند و اندک قوامی آورند پس از سرد شدن سنگ جهنم منعقد بدست آید آبهای باقیه پس از تبخیر مقدار جدید سنگ جهنم دهد چنین سنگ جهنمی همیشه قدری تیزاب زیادتی دارد و در صورتی که خواسته باشند در دواخانه استعمال کنند باید در آب مقطر حل و تصفیه نمایند و چنانکه نقره معمولی دارای مس باشد آنکه محلول آن آبی است و در دوا انجاز کرستیان مس موجود است بجهة تعیین مس موجود با نقره را از مس جدا کرد اول دانه آن را با سنگ جهنم در آب مقطر حل و تصفیه کنند چون ازتات دارگوی و رلبیا محلول است در ابعاد باید ثانیاً آنکه و انجاز کرستین را در قیف ریخته با جوهر نوره خلیط شود تا ازتات دارگوی ور حل شود و سنگ جهنم باقی ماند در آب مقطر حل کنند و تصفیه نمایند ثالثاً آنکه محلول را قوام آورند تا درجه سیوست و بعد در بوته نقره ذوب کنند ازتات دارگوی ور تجزیه شود و سنگ جهنم خالص باقی ماند که بواسطه حل و تصفیه تصفیه خالص را با شکل برسانند

حب سنگ جهنم pilules d'azotate d'argent

سنگ جهنم منعقد	۵ نخود	نمک طعام	۲۰ نخود
نشاسته	۵ نخود	صمغ عربی	۵ نخود
آب مقطر	مقدار کافی		

مطابق معمول حب کنند هر حب خرد که یک سنگ جهنم دارد

قطره سنگ جهنم collyre a l'azotate d'argent

سنگ جهنم	گندم	آب	مثقال

مطابق معمول حل کنند و در ده دقیقه استعمال کنند

حقنه سنگ جهنم مثویت جیو lavement a l'azotate d'argent

سفیده تخم مرغ	عدد	سنگ جهنم	۲ : ۶ گندم
نمک طعام	۲ تا ۶ گندم		

سفیده تخم مرغ را در ۵۰۰ مثقال آب مقطر بهم زنند و از پارچه بگذرانند و در ظرف دیگر سنگ جهنم و نمک طعام را حل کنند و مخلوط محلول سفیده ایض نماید اندکی رسوب که بواسطه البومینات و ارژان بوجود آید بعد و او در نمک طعام حل کنند این حقنه مستعمل است جهة رفع flux intestinaux فرنسیون و بیماری ...

مرهم جهة رمد pommade ophthalmique

سنگ جهنم	گندم ۱	پیه	۲۵ نخود

در ریق سنگ ۱/۲ تا ۳/۴ مخلوط نمایند (velpeau)

روغن ضد باد سرخ

روغن ضد باد سرخ pommade contre l'érysipèle

سنگ جهنم	از ۵ تا ۱۰ نخود	آب	از ۵ تا ۱۰ نخود
پیه	۲۵ نخود	مخلوط نمایند	

مرکب جهة نشان کردن پارچه encre pour marquer le linge

سنگ جهنم منعقد	۱۵	کات کبود	۵
نمک تیزاب خالص	۱۵	صمغ عربی سحوق	۱۳
آمونیاک	۳۰	آب	۴۲

مطابق معمول محلول کنند و در شیشه‌های کوچک لبه تحفظ نمایند و بعد با چوب یا نقره پارچه را نقش کنند

نسخه دیگر (۱)

سنگ جهنم منعقد	۱	صمغ عربی سحوق	۵
آب مقطر	۸		

مطابق معمول مخلوط کنند (۲)

سرکشی ...	۲۰	نمک قلیایی منعقد	۱۶۰
آب	۱۰۰۰		

حل کنند و گذارند تا نشین شود و صاف از ناحیه که باید اول با این محلول قلیایی پارچه را آلوده کنند و گذارند خشک شود بعد با مهر نقره از محلول اول نشان نمایند این مرکب

در پاره‌ای از فرمولها ... میگیرند و در اینحالت مرکب اول ترجیح داده

سنگ جهنم مذاب azotate d'argent fondu

(syn. nitrate d'argent fondu, pierre infernale)

نقره را چنانچه ذکر کردیم در تیزاب حل کنند پس از سرد شدن دانه‌های متبلوره از ... آب ... را در حال آتش تبخیر کنند تا خشک شود پس از آن بوته نقره را در جایی گذارند ... در وسط منقل ... گذارند و سه ربع از اجزاء از سنگ جهنم کنند و حرارت دهند تا ذوب شود ... و در قالب ریزند ... [illegible] ... تا سنگ جهنم ... پس از سرد شدن قالب را باز کرده ... پاک کنند و در قوطی گذارند ... سنگ جهنم ... است ... قالب ... سنگ جهنم در حالت ذوب ... دود ... میکند ... مخصوص ... ardoise ... از نقره ... ذرات ... چون ... سنگ جهنم ... بعد در ذوب اول ... سنگ جهنم معلوم است که ... قیمت ... میشود ... آب ... و بعد ... سنگ جهنم ... نقره در ... قالب آورند ...

بعد رسم است که قلمهای سنگ جهنم را در شیشه گذارند و شیشه را ... تا ... در صورت استعمال ... داخل ... سنگ جهنم ... از یک ... نقره ... شده

سنگ جهنم مخفف azotate d'argent mitigé

سنگ جهنم منعقد ۱ شوره ۱

این دو سنگ را در کمول ... ذوب نمایند و این مذاب را در قالب ریزند ... جنس این قلمهای سنگ جهنم مخفف ... میشود در اعمال جراحی

ادویه ماخوذه از طلا médicaments à base d'or

ترکیبات ذهبی در امراض ... شهرت دارند ... آن ... معمول‌ترین آنها ... طلا ... ترکیبات ذهبی ... کلرورها ... است ... از آنها ... طلای ... معروف است ... قوه ... آن کم است ... قابلیت ... آن از ... بیشتر است وزن مخصوص آن از ۱۹٫۳ تا ۱۹٫۵ است ... از نقره ... در [illegible] حرارت ذوب شود ...

... حرارت آینه‌ها ... طلا ... مرکب ... ترکیب ... ۲۴۶ است

کلرور طلا chlorure d'or

چون قابلیت ... طلا ... است از ... چند قاعده ... است

اول ... طلا را ... در ۲ و ۱ یا ۷ یا ۸ برابر ... کنند تا وقتیکه ... آب ... در ... طلا ...

ثانیا اینکه کلرور ... در آب حل کنند و ... شیشه ... ۲۴ تا ۳۶ ساعت گذارند ... طلا ... در ... اجزاء ... کنند به این قاعده ... طلا در ... است ... آن ... است ...

قاعده سیم اینکه در ... کلرور ... طلا ...

... که در ... جوهر نمک ... و با آب ... حرارت ... ساعت ... طلا ... جمع کنند ... جوهر نمک ... اول ... با آب ... قاعده ... مؤلف ... قواعد ...

چهارم اینکه طلا ... زمین ... طلا ... آن جهت امراض ... است که ... مؤلف حق دارند

اکسید طلا oxyde d'or

اکسیژن با طلا در ترکیب ... ۲۴۶ + ... اکسیژن و طلا ... ترکیب است ... جوهر نمک ... طلا ... در آب ... از ...

... peroxyde d'or ... acide aurique

... ۱۰٫۷۷ ... آن مختلف است ...

قواعد ساختن آن زیر قرار است در صورتیکه بواسطه بعضی از مولودات قلیائی
راسب شده باشد اگر دوا حاضر قوی باشد و در صورتیکه ضعیف باشد زنگ [illegible]
است و اگر از افزودن محلول اوزات [illegible] بواسطه نمک قلیا راسب کنند [illegible]
است در ۲۴۵ درجه حرارت تجزیه شود و فوراً طلا از املاح [illegible] احیا کند
لهذا باید در شیشه های سیاه از روشنائی آنرا حفظ کنند با قلیائیات مرکب شود
و با حامضات ترکیب نیابد در آب غیر محلول است در طب جهت امراض خنازیری
[illegible] بسیار از اطبا بسیار نافع است [illegible] تا [illegible] در حب
میسازند قرص و حب این نیز مثل اول است

جهت ساختن این نمک طلا را در چهار جزء تیزاب سلطانی حل کنند و تا ته دیگ
بحرارت تبخیر نمایند و آب مقطر افزایند قدری طلای جدا شده [illegible] کلرور در غیر
محلول [illegible] تیزاب را از آن جدا کنند و محلول را تبخیر [illegible] رسانند و [illegible]
محلول طلا محلول نمک و کلرور [illegible] افزایند و باین مخلوط [illegible] محرق [illegible] کنند
[illegible] طلا [illegible] در بوته [illegible] بواسطه کثرت [illegible]
[illegible] این [illegible] در تیزاب [illegible]
[illegible] حفظ کنند

حب [illegible]

کلیه در	[illegible]	عصاره [illegible]	مثقال ۲

[illegible]

[illegible] معمول [illegible] کنند [illegible] که [illegible] طلای [illegible]
[illegible]
ترکیبی است از [illegible] طلا [illegible] تجزیه [illegible] در باب این جسم مرکب
بسیار مختلف شده [illegible] قواعد که در ساختن خالص آن قرار داده‌اند
[illegible] است [illegible] طلا را در تیزاب سلطانی که [illegible] جزء جوهر نمک [illegible]
[illegible] حل کنند [illegible] تبخیر نمایند [illegible] تیزاب [illegible] شود در
آب مقطر حل کنند [illegible] قلع [illegible]
[illegible] منظور را در [illegible]
[illegible] معلق است [illegible]
[illegible] حرارت [illegible] ظرف قلع [illegible]
[illegible] انحراف [illegible] طلا [illegible]
آن قلع است [illegible] دارند

قاعده ساختن آن در [illegible] باین طریق است

کلرور در	۱	آب مقطر	۲۰۰

مطابق معمول حل کنند و در ظرف دیگر

قلع خالص	۱	جوهر نوره	۳۵
جوهر نمک	۲	آب مقطر	۱۰۰

قلع را پاره پاره که در مخلوط آن دو جوهر ریخته حل کنند و محلول را با آب مقطر
[illegible] نمایند [illegible] در محلول طلا ریزند [illegible] بواسطه انحراف [illegible]
در طب [illegible] ترکیبات طلا استعمال کنند

کلرور در au cl Chlorure d'or

کلرور طلائی که در طب معمول است [illegible] طلا [illegible] آن [illegible]
[illegible] آب [illegible] زنگ [illegible] اگر [illegible] کنند اول به
کلرور [illegible] تجزیه شود که زرد کم رنگ است و اگر حرارت بیشتر شود کلرور
[illegible] طلا [illegible] تجزیه شود [illegible] در طب معمول [illegible] رنگ [illegible]
[illegible] آن کمتر است از کلرور خالص [illegible]
آن [illegible] طلا [illegible] ترکیبی است از جوهر نمک [illegible] کلرور [illegible]
[illegible] حرارت [illegible] اول جوهر نمک [illegible] جوهر نمک [illegible]
این نمک در هوای خشک بدون [illegible] محفوظ [illegible] در هوا [illegible]
در هوای مرطوب [illegible] کلرور [illegible] در طب معمول [illegible]
[illegible] است که [illegible] است [illegible]
است [illegible] آن جهت ساختن این [illegible]

طلا	۱	جوهر نمک	۳
جوهر نوره	۱		

[illegible]

طلا را در [illegible] جوهر [illegible] به [illegible] اند که حرارت [illegible]
حل آن کنند [illegible] محلول را در [illegible] قرع [illegible]
[illegible] محلول [illegible] قوام [illegible]
محلول [illegible] بیرون آورند [illegible] کذارند [illegible]
منعقد شود

محرق [illegible]

کلرور در	کینه	تیزاب سلطانی	مثقال

مطابق معمول حل کنند [illegible] محرق استعمال نمایند

کلرور [illegible] طلا و سدیم na cl, au cl + 4 aq

Chlorure d'or et de sodium (syn. muriate d'or et de soude, chloro-aurate de sodium, chlorure aurico-sodique.)

کلرور طلا با کلرور [illegible] قلیائی ترکیبات [illegible] نمایند که در آنها [illegible]
کلرور طلا [illegible] کلرور قلیائی مثل ۳ است به ۱ از این ترکیبات [illegible]
[illegible] در طب معمول است [illegible] منعقد
شود و در آب محلول است [illegible] استعمال این [illegible]

جهت ساختن آن بگیرند

طلای خالص	۱۰	جوهر نمک	۳۰
جوهر شوره	۱۰	نمک طعام خالص	۳

طلا را در تیزاب سلطانی حل کنند و محلول را قوام آورند تا غلظت شربت که چون
امکان زیاده تیزاب خارج شود قدری آب افزایند و نمک طعام را در آن حل کنند
و تا حد قشر رقیق آورند پس از سرد شدن منعقد شود در ظرف محکم حفظ کنند این دوا را
در داء جنسی مزمن بقند و عصارات و شربتها استعمال کنند و لهذا این دوا را
کنند بعضی از اطبا جهت آنکه بعضی از معضی اوقات در جوف شیشه باشد با ولته اریب یکه هوا
آب و الکل تمام مواد محلوله اش را زیر که شیشه ممزوج کنند و این اجزا
را در هاون شیشه کوچکی ریزند و در بسته ها کوچک ریخته در شیشه محکم حفظ
کنند

sirop de chlorure d'or et de sodium

شربت کلرور قوام طلا و سدیم

کلرور قوام طلا و سدیم	گندم ۱	شربت ساده	مثقال ۴

مخلوط کنند

tablette de chlorure d'or et de sodium

قرص کلرور قوام طلا و سدیم

کلرور قوام

کلرور قوام	گندم ۱۰	قند	مثقال ۱۲
لعاب کتیرا		مقدار کافی	

مطابق معمول قرص سازند هر قرص شش گندم کلرور دارد و چون این دواها طلائی را
همیشه بمقدار کم و در حین استعمال سازند زیرا که سریع الفساد اند

pommade de chlorure d'or et de sodium

روغن کلرور قوام طلا و سدیم

کلرور قوام	۱	روغن ماهی	۳۰

مطابق معمول مخلوط کنند

iodure d'or au i — یدور دور

گرد است زرد مایل بسبز غیر محلول در آب سرد و آب جوش مقدار لیس قلیع از آن
حل کنند تا دیگر به ۱۵۰+ تجزیه شود و طب کاهی استعمال شود
جهت ساختن آن محلول یدور دو پتاسیم را در محلول کلرور در ریزند تا دیگر در دو ر... که دار
ته نشین شود و بار مقطر شوینه تا تمام کلرور دو پتاسیم خارج شود و در کرمان تحلیل شده
زیاده خارج شود و بدیه ملتفت شوند که بیش از اندازه یدور دو پتاسیم نریزند زیرا که
یدور در حین الولیه در زیاده یدور دو پتاسیم محلول شود

سیانور دور — au cy + ½ aq cyanure d'or

غبار است زرد غیر محلول در آب

جهت ساختن آن کلرور دور را در ده برابر آب مقطر حل کنند و جوهر سیانور
دو پتاسیم را در آب حل نموده محلول را مخلوط کنند در خاصیت مانند سایر
املاح طلا است بعضی اطبا بر کلرور ترجیح دهند

platine pt — طلای سفید

دکتر هوفر hoefer ترکیبات طلای سفید را در امراض ... نافع
یافته است این طبیب که خیلی به استعمال کلرور دو طلا و کلرور قوام
طلا سفید و سدیم را و نفع در انواع این مواد طریقه ترتیب آنها مانند ادویه
که در طلا ترتیب داده میشد خواص که بعضی املاح طلای سفید در رفع امراض
که قبلا ذکر شد داشتند و این ترکیبات در جزو ادویه طبی بسیار کم بکار برده
میشوند و هیچ قسم که ذکر نمودیم

médicaments antimoniaux — ادویه انتیمونی

ادویه مأخوذه از انتیمون اثر ضعیف دارند در معده و امعاء تهوع و قی و اسهال
این اثر در انتیمون مثل معروف عامه است و در تمام ادویه انتیمونی عام است و هر
قدر محلول تر باشند البته قوی تر است و ادویه بر قابلیت انحلال مخصوص
انها در معده و امعا جراحات و تقلیبات جنبی انها ملاقات کنند که بزرگ
شده و قلیه املاح محلول می نمایند و املاح انتیمون را خاصیت که آن است دیگر
است که عبارت است از بطی کردن حرکت قلب و حرارت دم لهذا از ... نفس
را نازل

نیز کم شده حرارت حیوانی نزول کند و این خاصیت منفعت کلی دارد در ذات
الریه که ریه ها و ضیق النفس استراحت دهند و املاح انتیمون در بیماری
قدیمه کلی دارند معمول ترین املاح انتیمون مقیء و کرمس است

antimoine purifié — انتیمون خالص

فلزی است سفید نقره فام بسیار براق شکننده و ورقه ورقه است و دانهای بسیار خورد
دارد در صورتیکه لخته سرد شده باشد شکسته است وزن مخصوص او ۶ ر۷ است
در ۴۳۲+ ذوب شود و در حرارت قرمز سفید منصعد گردد و به واسطه هوا بخار
مرکب شود

در صنایع انتیمون فلزی را از کبریت سولفور طبیعی او با آهن بدست آورند
با آنکه بواسطه تسویه اول از اکسید کنند و بعد با ذغال و کربنات دو پتاس در بوته ذوب
بهتر است که بطریق ساده بگیرند

سولفور دو انتیمون	۱۰۰	براده آهن	۴۲
سولفات دو سود خشک	۱۰	ذغال	۲

خوب مخلوط نموده در بوته ذوب کنند انتیمون فلزی در قعر بوته مجتمع شود آهن گوگرد
سولفور را بگیرد و متحد از که ذکر شد ماحصل گوگرد است که از انتیمون جدا گردیده
شود و اگر زیادتر باشد با انتیمون مرکب شده موجب عدم خلوص آن شود و چون وزن
سولفور دو فر که حاصل می آید با وزن مخصوص انتیمون خیلی نزدیک است به آنکه

در ازدیاد کحال و امولینها بجسم نه ابدا استعمال کنند و بعضی اوقات ورم و بطلان ل
تنه میشود به سولفور ریزه که معدن ان است اثیمون شود وقتیکه با نوره و طرطر
خواسته باشند جمع کنند

سولفور دانتیمون	۸	طرطر	۶
نوره	۳		

مخلوط نموده در بوته که پخته ریخته فورا در انرا بگذارند و حرارت داده تا ذوب شود
انتیمون فلزی شده است در طب مستعمل است بر روی صاحب انرا در ذات الریه و وجع
مفاصل تا ۲۰ نخود استعمال میکنند از جهت سیرون عصبی میباشد واز انحلال طلای
بدو برابر روغن ... اثر که از انتیمون خیلی منظور است ... هر چه اینرا
از انتیمون فلزی ... بنظر میاید ... است که انتیمون محض ... است
اطبا است ... ضعیفه ... اکسیژن ... که ... بکار
کنند

اکسید انتیمون oxyde d'antimoine

انتیمون با اکسیژن چهار جسم ترکیب آورد سو اکسید sous-oxyde
و اکسید قابل تبلیغ Sb_2O_3 protoxyde d'a
انتیمونیک Sb^2O^4 که ... acide antimonieux
نیز گویند peroxyde d'atimoine و اسید انتیمونیک

اسید انتیمونیک $Sb\,O^5$ acide antimonique.

پس از اکسید ... قدری ... است ... هر وقت که انتیمون ...
... سفید رنگ است و سریع الذوبان
... است که با جسمهات مرکب شده ... اصلاح
کنند انتیمون در طب ... اکسید انتیمون ... آن معمول است و تردیل
صاحب ... ترکیبات انتیمون ... که ... این ترکیبات از
خواص ... با انتیمونیات ... بکار ... اشخاص
... استعمال کنند

انتیمون معرق $KO, 2SbO^5 + 6aq$ antimoine diaphoretique
(syn. biantimoniate de potasse, dimeta-antimoniate de potassium.)

قاعده ساختن این دو انتیمونیات در ... که ... است بگیرند

انتیمون فلزی	۱	نوره	۲

اجزا را صلایه کنند و خوب ممزوج نمایند و کم کم در بوته سرخ شده ریزند
در هر دفعه که میریزند ... تجزیه شده نوره و اکسید
شده انتیمون تا نیم ساعت بگذارند در ... قرمز باشد بگذارند سرد شود و
را بشکنند و اجزا را در آب ریزند تا پاک شود ... آب سرد بشویند
تا ... آب ... در کاغذ صافی ریخته بگذارند بخشکد

سولفور دانتیمون sulfure d'antimoine

هر چند که انتیمون با گوگرد چند مرکب بوجود آورده ولیکن سولفور دانتیمون در طب
معمول است و با سولفور آن در طب معروف است به گوگرد مطلق انتیمون ...
خاکستری رنگ ... فلزی است ... منعقد شود ... اگر ...
... حرارت ... سولفور و اکسید دانتیمون
شود با سولفورهای قلیائی ترکیب شود ... انتیمون نیز میتوان مرکب نمود
جهت ساختن آن گوگرد با انتیمون ذوب کنند سولفور دانتیمون بازار ...
دارای سولفور سرب و آهن و ... است البته این سولفور ... احتراز از آن
است و بعضی ... اگر ... بسیار ... کنند ...
... خالص شود ... که ... بطریق که در ...
... انتیمون فلزی را در بوته ذوب کنند و در حین ذوب یک ...
... گوگرد ... این سولفور در طب جهت امراض جلدی ...
مستعمل است و در وزن از ۲۰ تا ۴۰ نخود ... مؤلف ...
و غیر مستعمل است ... صلایه ... آن در ... و ...
آن از ... صلایه ... آن با آب تا وقتیکه دیگر ذرات فلزی ... مرئی
نگردند بدست آورند
قرص آن

حب اشترنج	۴۰ نخود	قند	۱۵ مثقال
...	۲۰ نخود	دارچین مسحوق	۱۵ نخود
سولفور دانتیمون	۲۰ نخود	کتیرا	۵ نخود

اجزا را به اعانت قند صلایه کنند و لعاب را با ... ممزوج نمایند و اقراص ۵ نخودی
سازند که هر یک ... سولفور دانتیمون دارند

کلرور دانتیمون $Sb\,Cl^3$ protochlorure d'antimoine
(syn. trichlorure d'antimoine, beurre d'antimoine)

کلرور دانتیمون جسمی است ... و منعقد ... لطیف ... در صد درجه
حرارت ذوب شود و ... در ... و ... با آب ...
... تجزیه ... و ... کلر ... شود در طب ...
معمول است جهت ساختن ... کلرور نیز استعمال کنند
جهت ساختن این ... قاعده معمول است
قاعده اول عبارت است از ... کردن کلر در انتیمون فلزی بطریق که انتیمون را
ذوب کنند و در آب سرد ریزند تا اجزائش پاکیزه شود و در ... داری تخته
... کلر ... کنند
قاعده دوم ... بگیرند

سولفور دانتیمون مسحوق	۱	جوهر نمک	۵

سولفور را در قرع ریخته جوهر نمک را بر آن بریزند به حرارت ملایم حل کنند
و اگر خواسته باشند بخار سولفوره که از آن متصاعد می‌شود ضبط کنند پس
از آنکه بخار به تمام رسید اجزا را از قرع بیرون آورده گذارند ته‌نشین شود صاف
از آن بیرون آورده در کپسول ریخته در جای دودکش‌دار قوام آورند پس از آنکه با نوک
لوله چینی از آن بگذارند منجمد شود کپسول را گذارند سرد شود و اجزای منعقده را از آن جدا
کنند و آب مادر را تقطیر کنند

قاعده سیم الکل معمول به منعقد این بود و اکنون [illegible] بصرفه نیست کمتر [illegible]

دارالشنه ۳ انتیمون خفی ۱

خوب صلایه کنند و ممزوج را در قرع شیشه ریزند و در کوره سرپوش‌دار مطابق
معمول تقطیر نمایند اگر قدری از آن در گلوی قرع منجمد شود به واسطه حبه زغال
گرم کرده در زیر آن نگاه دارند در تا به جمع خواهد شد و از تقطیر جهت تصفیه شود و
آن نیز معمول است کلورور دانتیموان خشک را به آبی [illegible] کنند [illegible]
کند [illegible] بسیار محرقه است به که از کلورور جامد [illegible] استعمال [illegible]

اکسی کلورور دانتیموان oxidochlorure d'antimoine

(syn. poudre d'algaroth, mercure de vie)

کلورور دانتیموان را در جوهر نمک حل کنند و محلول را از روی آن جدا کنند
آورند و گذارند منعقد شود تا تمام سولفوره‌ها خارج شود و [illegible]

رنده

زیاده جوهر نمک نیز خارج گردد آن گرد سفید را در آب سرد ریخته بهم زنند تا دیگر
در وی بر وزن با آب سرد شسته خشک کنند این دوا معروف است بسفوف
الگاروس و زیبق زنده و در ترکیب طبیان اوایل تجزیه کنند کالا می
نیست کاهی جهت ساختن آن انتیمون مقی استعمال شود و در خصوصیت به جهت
قوت آب جوش از آن است

انتیمون مقی $KO, SbO^3, T + 2 aq$

tartrate de potasse et d'antimoine

(syn. tartrate antimonico-potassique, tartre stibié, tartre émétique, émétique)

این طرطرات قوام بیاض و انتیمون کاربست بیرنگ و بدون طعم آن تند و نامطبوع
است لکن تیز از رنگ آنکه در لطیف منعقد شود و در هوا ابر [illegible] شود
و در ۱۴ برابر آب سرد و ۱۹۸ را آب جوش حل شود آبهای مستعار را ولا به طه
کربنات حل شود کربنات و هر چیزی که دارند و قرار داده کنند و اگر حرارت
معین شود فورا در وده به نباتات عفصه خاصه ورست کنند موجب رسوب
اکسید دانتیموان شود لکن یک چیز معمول اثرات آنها در انتیمون مقی منعکس
مواد میاحات بسیار از اطبا شده و دکتر تمولش بنابر رساله که در این
باب نوشته میگوید که مقی بودن انتیمون بکلی بر طرف شود اگر بخوف بوست

کند که ترا بازوبا آن استعمال کنند مطبوخ بازو نیز بامثال آن را داده به مطبوخ پوست
که کنه خلع آن قوت از آنکه جوهر کنه که نیز تقریبا اثرش مانند بخوف پوست
چند نی قاعده در ساختن انتیمون مقی معمول است و بهترین آنها است اول واسطه نمک
جوش و محلول کلورور دانتیموان کربنات دانتیموان زنند و در رو را شو بیند و قدری از آن را
نخشک نشد تا وزن تمام آن به دست آید و با طرطر فاضل عمل را تمام کنند بر طریق که به جهت
که بخوش حک است ۱۰ طرطر مسحوق ۱۲ آب جوش ۱۰۰ یک خمیر زمین بیازند و
۲۴ ساعت گذارند با هزوزنا وقت ابا بیفزایند و بجوشانند بعد الکله یک عرق غلاف را
در باطلیق نقره ظرف ریزند صاف نموده تا درجه ۲۰ میزان الثقل ملح قوام آورند و گذارند
منعقد شود و آبهای مادر را مجددا قوام آورده منعقد کنند و قواعد ساختن این نمک معروف
قدری مختلف است که میتوان گفت که در هر طبی با هر دوا از صاحب دوای و قواعد هم
مخصوص داشته در بیان مناسب تر از همه است که ذکر شد

انتیمون مقی را در بیرون ۱ و تیزن ۱ و در خارج جز مشمعات و دواهای استعمال کنند
و دوای اغلب مخلوط است به نسخه طبیب که به ملاحظه مرض و بعضی مقادیر آنها را کم و زیاد
میکنند

شراب‌ان vin émétique

(syn. vin antimonié)

انتیمون مقی ۲ کنیا شراب قرمز مثقال ۷

صبر کهنه

صبر که تو شانه

potion vomitive dite eau bénite

آب مقی معروف به آب مقدس

انتیمون مقی ۶ کنیا آب مقطر مثقال ۵

حدر کننده معمول است در قولنج سربی

آب غوس با eau de casse avec les grains

غوس ۱۲ مثقال نمک فرنگ ۷ مثقال

انتیمون مقی ۲ کنیا آب نیم گرم ۲۰۰ مثقال

غوس را بکنند و با آب نیم گرم با شیره از صافی بگذرانند و نمک و انتیمون را اضافه
کنند این دوا نیز در قولنج سربی معمول است و معروف است به آب برادران شرته

ابزن انتیمون bain avec l'émétique

انتیمون مقی از ۷ تا ۱۴ مثقال آب نیم گرم ۱۰۰ من

این ابزن را در لوله دیگه استعمال کنند

روغن آن pommade stibiée

(syn. pommade d'autenrieth)

انتیمون مقی مسحوق ۱ روغن ۳

خوب صلایه کنند یک قطعه قاب این روغن را مانند مشمعات قرص خصه در بیان سرفه و نزله

نرمی به ترشح کننده مقدار انتیموان و روغن در امراض مختلفه چند ماده که سابق بکار میبردند که

نوف انتیموان ژامس poudre antimoniale de james

سولفور د انتیموان نمک ۱ براده شاخ گوزن ۱

و هر دو را مخلوط نموده تسویه کننده و بعد القلیل بیفزایند تا وقتیکه خاکستری رنگ شود خوب نرم سائیده

کننده و در لوله ای در بوته بگذارند در لغی عدد دیگر حرارت دهند و در داد نموده که نقطه دیگر

میدارند و چون قواعد مختلف بست البته ترکیب ظاهر انها مراقی نخواهد بود لهذا اجزای

تامی نیست اینکه است که در لغت ماکم شده است و در نوف و ورشه ژامس هر کدام

نوف خود را بوفور شده این نوف معرق و مسهل است و مخصوصه ازاد در قطع حمی نوف

بکار کرده اند و اما چون حکیم ژامس این ترکیب را مخفی نموده این نوف تنقیه میکرد که که بکار

میخورانده گویند سبب شهرت او بواسطه زیاد که کرده بوده است

کرمس

kermes

(syn. Kermes mineral)

این جسم عبارت است از سولفور دانتیموان ئیدراته مرکب قدری سولفوریقیدئ مخلوط

مقدار مختلف از دو ترکیب دانتیموان گلوبر glauber کشف این جسم نمود

و یکی از شاگردان او موسوم به شسته نه chastenay وا و این

به برادر ligerie که در پاریس جراح بود و یکی از کشیش‌ها از اجله

معالجه حدد از امراض سینه خود بکار برده و شفا یافت و او به شهرت رسانید قسمیکه

۱۷۲۰ از

در ۱۷۲۰ دولت فرانسه طریقه ساختن کرمس را از برادر خریده

قاعده ساختن آن مطابق فرمول عبارت است از اینکه هشت حصه در جوش

آب خالص ۴ جزو سولفور دانتیموان و یک جزو کربنات دو پتاس را بجوش نشند و در حالت

جوش صاف کنند کرمس در حالت سرد شدن ته نشین شود و مجدداً آب صافی اول را

نقل بر مقدار عمل اول و در مع جزو کربنات دو پتاس تازه بجوش نشند و بعد از سرد شدن

مقدار مجدد کرمس بدست آورند و در سایه خشک نمایند اکنون قاعده که در ساختن کرمس

بکار میبرند بسیار متعدد اند و همه میتوان انها را به قاعده کلیه تحویل کرد اول اینکه

سولفور دانتیموان را با کربنات در پتاس یا سود تنها بجوش نشند دوم اینکه بجای کربنات

در پتاس مخلوط پتاس محرق بکار برند سیم اینکه بجای کربنات مخلوط از سولفور دانتیموان

و کربنات در پتاس را ذوب کنند و پارچه مذاب را در آب جوش حل کنند مصنفین

در مقدار سولفور دانتیموان و اجزای قلیائی اختلاف کرده اند و همه متفق اند

بر اینکه اجزای تو ترجیح بر اجزای پتاس داده و کرمس انها قشنگ تر است یکی از شرایط

ساختن جمع کرمس اینست که کوشش کنند که حتی الامکان سرد شدن محلول انها را بطی

نمایند زیرا که هرچه کرمس بطی تر رسوب نماید خواص خوب تر و نجیح تر است این

قواعد را بتر الا ذکر کنیم و هر یک از انها را نسبت دهیم بشخصیکه اختراع کرده اند

و هم از سایرین بوده اند

قاعده اول منسوب به کلوزل cluzel بجز به

سولفور دانتیموان سحوق ۱ نمک قلیای منعقد ۲۲٫۵

آب ۲۵۰

آب را در ظرفی چدنی بجوش آورند تا هوای آن خارج شود و نمک قلیا بریزند و بعد از آن سولفور

دانتیموان اضافه کنند و در ساعت جوش نشانند آتش را بکشند و بواسطه عمل انحراف مرحله

است صاف مایع را جدا کنند و تقسیم مایع را در چند قیف ریزند که در تحت در روی

کاسه‌های چند رنگدان گذارده در آب گرم جا دارند تا حتی الامکان دیر سرد گردند فوای

از روز کرمس راسب شود و از او بواسطه صافی جدا نموده با آب سرد جوشیده بشویند و نیز

و در گرمخانه حرارت خشک نمایند و آب ما که کرمس در انها ته نشین شده جمع نموده با اینکه

قلیا چند دفعه مجاور کنند و تکرار عمل نمایند مجدداً قدری کرمس بدست آید و با این که

ناقص و بعضی ناقوس بازر کرمس بدست آورند و اما چون در عمل سیم کرمس کم رنگ شود

بهتر است که در تکرار عمل فرست کردن دفعه نمک قلیا و یکدفعه سولفور دانتیموان اضافه

کنند و این بهترین اقسام کرمس بدست آید و رنگ آن قرمز مایل به قهوه است و

مخمل شکل است و عیب این قاعده است که به مقادیر کثیره ساخت استعمال کرد

و مقدار قلیل کرمس بدست آید و مقدار کرمس که بدست می‌آید اند کمتر است

از سولفور دانتیموان که استعمال کرده اند مطابق بنتوره و بعضی ها کرمس که با سیم

دوا ساز استعمال کند منحصر است به کرمس کلوزل زیرا که اثرش بیشتر است از

همه اینکه با کربنات قلیا ساخته شده است و مطابق نسخه که مایه شهرت کرمس است

ذیل ما

کرمس یکی از ادویه قویه است و باید دوا ساز خوب بفهمد زیراکه باب تجزیه و تشخیص

این قسم کرمس از سایر اقسام آن سبب مطول مشکل است و دوا ساز نمی‌تواند بذهن تشخیص

دهد و ناچار دوای بر قوت را بجای دوای قوی مشتبه نماید و کرمسی که عموماً در تجارت معمول

است کرمسی است که عمل ذوب بدست آمده است و غالب مخلوط است با انتیموان طلائی که

بواسطه ۲ ان عمل موجود شده است و رنگ این در ابتدا آن و کلی از این کرمس خالص

نیست رنگ آن میباشد که ۲ نشود و اگر انتیمون طلائی داشته باشد زود تیره رنگ شود و اما به جهت

بعضه رنگ آهن ولی ازین دوا که به وجه حقیقه میگویم که کرمس تمامه در جوهر

حل شود و محلول خالص آن بیرنگ است و اگر آهن داشته باشد زرد و قرمز شود و با بواسطه

سیانور و و زرد و بعد از نمی ازرق دهد و مکاست که کرمس که بواسطه قلیای کربنات

محرق و عمل ذوب بدست می‌آید غلیظ است تر است از کرمس کلوزل و دوا خانه

با استعمال کرده باید در کتب آن قواعد ذکر میکنیم به جهت عمل انها دهیم از

بسته اینکه در بعضی از نسخ استعمال کنند

قاعده دیگر پیر ژیر pinderit بجز به

تاس محرق مایع ۳ سولفور دانتیموان ۱

آب ۱

مطابق قاعده ساختن الکرچنین کنند و تاس محرق از کربنات قلیائی بیشتر کرمس تولید

کنند و رنگ آن قرمزتر و تیره است

قاعده سیم مذوب به برزلیوس صاحب bergelius بگیرد

سولفور دانتیموان	۳	کربنات دو پتاس	۸

صلایه نموده مخلوط کرده در بوته در دار ذوب کنند پس از آنکه ماده مذاب سرد شد قطعه قطعه کنند و در آب بجوشانند و بعد صاف نمایند بشرطیکه در قاعده اول ذکر کردیم بخانند و احتیاط که بعضی از علما نیز میدانند که تمام اجسام در کرمس و هم وهاین قاعده کرمس درست میآید ریزتر و به رنگ کرمس اقرب است و برزلیوس عالم معروف و معتبر اعمال شیمیایی این قاعده را تولید کرمس را که مشروحا نوشته است مناسب تر است که در شیمی رجوع بکتب شیمیایی کنیم

قرص کرمس tablettes de kermès

کرمس	۱	قند	۵۵
صمغ عربی	۴	بهارنارنج	۴

خمیر تحت ساخته قرص به نحو ترتیب داده و هر قرص خمیر کنه کرمس داشته باشد در ظرف محکم ایشان را حفظ کنند و اگر لعاب کتیرا بزنند پس از خشک [illegible]

سفوف پلمر poudre de plumer

کلمل	۱	انتیمون طلائی	۱

مخلوط نموده در ظرف محکم حفظ کنند

حب پلمر pilules de plumer

لوز:

سفوف سابق	۳۰ نخود	رب السوس	مقدار کافی

مطابق معمول ۳۰ حب کنند

ادویه ارسنیکی médicaments arsénicaux

تمام مشتقات از ارسنیک خیلی خطرناک و با خطر سم اند و از این بابت است که در استعمال آنها به کمال دقت را بکار آورد بلکه حتی الامکان احتراز از آنها کنند و هرقدر قابلیت انحلال آنها زیادتر باشد مانند ارسنیات اسید ارسنیکی خطرناکتر است و آنهائیکه انحلال کمتر دارند مانند سولفورها زیادتر بلا ضرر هستند و بالاتر از آنها که در بدن انسان مؤثر میشوند زیرا که بواسطه اثر هوا و گرمی در بدن تبدیل میشوند با ملح محلوله سمیه و استعمال ارسنیک خالص مخصوصا در امراض جلدی سخت و مزمن است و ملح سم الفار در این ایام بجهة از کم جهة قطع حمیات دائره معمول بسیار از اطبا است و

ارسنیک فلزی است خاکستری فولادی و شفاف مانند فلز و علاوه بر این از مجاورت هوا که درست پیدا کند و پوشیده میشود از یک لایه سیاه رنگ و وزن مخصوص آن ۵.۷۰ است و در ۱۸۰ درجه حرارت متصاعد میشود بدون ذوب و بخار آن بوی سیر تند دارد و منقبض نشده است و در حرارت متعارفی با اکسیژن هوا ترکیب میشود و تولید میکند یک لایه سیاه رنگ را و به انقات حرارت در اکسیژن میسوزد و شعله آن آبی رنگ بخته است و تولید سم الفار کند و بمجاورت بعضی اجسام ترکیب کند مانند گوگرد و جوهر آن تبدیل میشود با سیاه ارسنیک که متحد با اکسیژن بیشتر و محلول تر از سم الفار است و ارسنیک فلزی در طب معمول نیست و در کار

معروف است

سم الفار acide arsénieux AsO^3

(syn. anhydride arsénieux, arsénic blanc, oxyde blanc d'arsénic)

جسمی است سفید تنه و مهوج و جسمی است شیشه مانند قابل تصعید است و قسمیکه از دود ذغال آنرا در بخته ریزند بکار سفید و پس از آن متصاعد شود بسبب این تولید اندکی از ارسنیک فلزی است که بواسطه ذغال جدا شده سم الفار وقتیکه تازه ساخته شده باشد لطیف است و بمرور در هوا کثیف میشود و از مجاورت املاح فلزی کثیف شود و در بین در حالت اتحاد یک فرق بعضی خواص سم الفار کثیف و سم الفار لطیف قابلیت انحلال بیشتر است چنانچه یک لیتر آب ۱۳ گرم از آن حل کند و علاوه بر این زود تر متغیر میشود اگر از گونه از قابلیت انحلال میکاهد و چنین بنظر میآید که قدری از آن تحویل سم الفار کثیف شده است سم الفار کثیف خیلی کم محلول است چنانچه یک لیتر آب بیش از ۱۳ تا ۱۴ گرم از آن حل نکند و با مجاورت متمادی آب تحویل شود بسم الفار لطیف و عمل آن با آب مایه سرعت این تحویل گردد بدون اینکه بسیار شده و در اثنا از آن ذغال نخواهند نمیکنی بخورند که از آنها مشتری را آشنا نشده و از او نوشته بکار برند و با وجود این سمیت آن را دوا به بسیار نافع و ظاهر است در دوا جهته قطع حمیات دائره عامی از علاج علاجه جهته ... از امراض دائره روز از این ایام تأثیر کند و در بیوس ریشه

دارالفنون

در امراض خنازیری و کوفتی که سرایت نموده و در استخوان که بسته استعمال کنند و در علاج جهته دوام سرطان و بعضی از امراض جلدی استعمال کرده اند در دو جنس از اکثر سفوف و حب حلوی و اکثر ریزند و بعضی او و به سم الفار را در طب بنابر این و در نسخه های معینه استعمال کنند علاوه بنابر ضرورت نحو و شربت آن جهتها نماید

حب آسیائی pilules asiatiques

(syn. pilules arsenicales)

سم الفار مسحوق	گندم ۱	فلفل سیاه مسحوق	نخود ۳
صمغ عربی	گندم ۲	آب	مقدار کافی

اول سم الفار و فلفل را در هاون آهنی صلایه کنند و صمغ و آب بافزایند و مطابق معمول ۱۲ حب سازند هر حب تقریبا ۱/۱۰ گندم سم الفار دارد

سفوف سم الفار poudre arsenicale

ارسنیک مسحوق	۱	خون سیاوشان	۲
شنجرف	۲		

مطابق معمول مخلوط کنند این سفوف جهته سوزاندن قروح سرطانی معمول است در حین استعمال با بزاق یا آب صمغ عربی خمیر از آن درست کنند

سفوف سم الفار poudre arsenicale

سولفور دانتیموان	۸	سم الفار	۴

مطابق معمول مخلوط کنند و در ابتدا خوب بخیسانید و بعد خیلی غلیظ شود صلایه کنند و
مطابق نسخه از یک تا ۳ جزء عصاره جوز مخلوط کنند

روغن سم الفار *liniment arsenicale*

سم الفار سفید	۱	روغن ساده	۸

مخلوط کنند

روغن دیگر *liniment arsenicale de swediaur*

سم الفار سفید	۱	روغن زیتون	۸

مخلوط کنند و در قروحات جلدیه بکار برند

سیگارت سم الفار *cigarettes arsenicales*

سم الفار مسحوق	گندم $\frac{1}{5}$

و این نسخه منسوب است به بودن *boudin* این مقدار از جزء را در وسط کاغذ
مربعی که جهت تهیه یک سیگارت کافی است گذارند و قطره قطره آب بر آن
کاغذ بچکانند که تمام آن آلوده شود بگذارند خشک شود و سیگارت بپیچند

نسخه دیگر منسوب به تروسو *trousseau*

ارسنیات دوسود	گندم ۵	آب مقطر	مثقال ۳

با این محلول ۳ ورق سیگارت را تر کنند و خشکانیده به تهیه مرض بدهند
از او استنشاق نماید و دود قصبة الریه کنند در روز اول بیش از چهار پنج دفعه

ساده

بکار کنند در امراض مزمنه حلق و ضیق النفس عصبانی معمول است
در بعضی از نسخ دیگر سم الفار و دو کاسکیتم آدل نسخه که در شورای مدرسه بزرگ
دواسازی پاریس منعقد شده

patte arsenicale pour la destruction des animaux nuisibles خمیر سم الفار جهت هلاک حیوانات مضر

پیه گداخته	مثقال ۲۰۰	آرد گندم	مثقال ۲۰۰
سم الفار مسحوق	مثقال ۲۰	نمک	۲
سفیداب	نخود ۵		

پیه را در کاسه بگدازند و سایر اجزاء را فقره فقره مخلوط کنند این خمیر را به تنهائی
یا ضم با پیه با گوشت جهت هلاک حیوانات موذی مثل موش بکار برند

savon arsenical pour la conservation des dépouilles d'animaux صابون سم الفار جهت حفظ حیوانات مرده

سم الفار مسحوق	مثقال ۳۲	کربنات دو پتاس خشک	مثقال ۲۴
آب مقطر	مثقال ۳۲	آهک آب ندیده مسحوق	مثقال ۸
کافور	مثقال ۲		

در کپسول چینی آب و سم الفار و کربنات دو پتاس را ریخته و حرارت دهند و کرم
بهم زنند تا اینکه آن سهولت خارج شود و حرارت را مستدام کنند و ما...

بقوام آورند تا تمام سم الفار حل شود بعد از آن صابون فقره فقره از حرارت دور کرده بعد
از آنکه صابون حل شد آهک و کافور را افزوده اجزا را با یکدیگر خوب ممزوج کنند و در
کوزه های در دار یا شیشه های دهان گشاد حفظ کنند در حین استعمال مقداری از این صابون
را در گرم، و نیم دو جزء آب امتحان کنند با مو نفیسه رنگ کرده بعد از آن روی پوست
حیوانات را که می خواهند نگاه دارند طلا نمایند

formules des préparations arsenicales arrêtées par le conseil des professeurs de l'école vétérinaire d'alfort نسخ دواهای سم الفاری مدرسه بیطاری الفور

préparations destinées a l'usage externe

نسخ خارجی نمره ۱

گرد جهت آبزن منسوب به تسیه *n° 1 - poudre pour bain de tessier*

سم الفار	۲۰	زاج سبز	۷
پتاکسید آهن	مثقال ۱۸۰	ادویه خطمی و کتیرا مسحوق	مثقال ۸۰

سم الفار و زاج را علیحده در هاون کوبیده و با یکدیگر ممزوج کنند و اکسید آهن و خطمی
را فقره فقره به او امتزاج داده در ظرف شیشه محکم حفظ کنند

نمره (۲) آبزن تسیه *n° 2 - bain de tessier*

گرد مذکور	۵ درم	آب مقطر	۲۰

گرد را در دیگ چدنی ریخته آب افزاینده بجوشانند و از آتش بردارند و در خمره ریخته
جهت آبزن استعمال نمایند

نمره (۳) غسول تسیه *n° 3 - lotion de tessier*

گرد تسیه	۱۲	آب	لیتر ۱۰

در دیگ چدنی ریخته بجوشانند تا نصف شود آنچه بخار شده اضافه کنند و از ۸ تا ۱۰ دقیقه
بجوشانند در ظرف ریخته عضو ناخوش را بشویند

préparations arsenicales caustiques

ترتیب نسخ ارسنیک محرق

n° 4 - poudre caustique d'après la formule modifiée du frère côme نمره (۴) گرد محرق منسوب به برادر کم

سم الفار	مثقال ۲	شنجرف	مثقال ۱۲
خون سیاوشان	نخود	اجزا را در هاون علیحده صلایه کنند	

و مخلوط نمایند با آب صمغ عربی یا لعاب این گرد خمیر مانند سازند

نمره (۵) روغن محرق *n° 5 - pommade cathérétique*

گرد سم الفار	نخود ۲۵	شنجرف	نخود ۱۰
روغن ساده	مثقال ۱		

خوب ممزوج نمایند در هاون چینی

ارسنیت دو پتاس arsénite de potasse

چندین قسم ارسنیت دو پتاس در شیمی موجود است خنثی و اسید و زیک و اسیدیک
از آنها خالصا در طب معمول نیستند اما محلول آنها نفیسه [illegible] بسیار [illegible]
آب مولد استعمال ارسنیت دو پتاس مانند محلول سم الفار است
جهت ساختن آن سم الفار را در محلول کربنات دو پتاس حل کنند و مقادیر مختلف میشود
باختلاف نسخ معمول ترین آنها این نسخه است

مایع فولر liqueur de fowler

سم الفار	۲ مثقال	کربنات دو پتاس خالص	۲ مثقال
آب مقطر	۲۰۰ مثقال		

در قرعی بجوشانند و ۱۰ مثقال عرق نعنا در حین سرد شدن بیفزایند و بقدری آب مقطر اضافه
کنند که مجموع مایع ۲۰۰ مثقال شود این مایع یک صدم سم الفار دارد و در حالت
ارسنیت دو پتاس است مخلوط با قدری پتاس زیاده

آب معروف به [illegible]

سم الفار	۲ گیرا	کربنات دو پتاس	۴ گیرا
آب مقطر	۲۰۰ مثقال	عطر نعنا	۵ نخود
تغیین قرمز دانه	مقدار کافی		

وا[illegible] مانند آب فولر است قوت این آب ۵۰ برابر کمتر از آب فولر است

اسید ارسنیک

اسید ارسنیک و ارسنیاتها acide arsénique et arséniates

فرمول اسید ارسنیک AsO^5 است جسمی است جامد و سفید و بیرنگ و طعم آن بسیار
ترش است سمیت آن در بدن بسیار شدید است جاذب الرطوبه است در هوا جذب آب
کرده بسهولت حل شود اسید ارسنیک در طب معمول نیست و لیکن جهت ساختن ارسنیاتها
بکار رود جهت ساختن آن بگیرند

سم الفار	۱	جوهر نمک	۲
جوهر شوره	۴		

در حمام شن در قرعی شیشه حرارت دهند و قرع را با انبیق و قابله ببندند و هر وقت آنقدر که
تا سم الفار حل شده و مایع تجویف [illegible] در حمام شنی که واقع در کوره [illegible]
دارد بشه گذارند و تا حرارت قرمز کم کنند اسید ارسنیک مانند غبار سفید باقی ماند
نباید بیشتر از قرمز تیره حرارت داد و اگر نه زیاد و تصعید اسید ارسنیک میرود

بی ارسنیات دو پتاس bi arsénite de potasse $KO, AsO^5 + 2aq$

اسید ارسنیک با پتاس دو نمک متمایز ایجاد کند خنثی جاذب الرطوبه و [illegible]
است در طب استعمال [illegible] بی ارسنیات معمول است که کاتس سفید [illegible]
قوی الاثر در بدن حیوانات بمقدار بسیار کم بکار برند سم الفار استعمال کنند جهت ساختن آن
بگیرند

سم الفار	۱	شوره	۱

اجزا را [illegible] کنند و مخلوط نمایند و در قرعی ریخته و مدتی بعد قرع را با
حرارت قرمز کم کنند و تا وقتی که دیگر بخار متصاعد نشود قرع را گذارند
گذارند سرد شود جرم سفید که باقی مانده در آب حل کنند و [illegible] گذارند متبلور
شود در عمل سم الفار که اسید ارسنیو است تبدیل باسید ارسنیک شود [illegible] از
شوره اخذ میکند و اسید ارسنیک با پتاس شوره تولید ارسنیات دو پتاس نماید

arséniate de soude $2NaO, HO, AsO^5 + 8aq$

ارسنیات دو سود

سود با اسید ارسنیک دو نمک مختلف ایجاد کند یکی خنثی و دیگری اسید و در عکس ارسنیات های
پتاس ارسنیات دو سود جاذب الرطوبه و متبلور نیز است و همین ارسنیات خنثی
منعقد شود [illegible] منعقد شود در
[illegible] آب [illegible]
طعم آن تند است و بسهولت در آب حل شود مانند ارسنیات دو پتاس در جمیع
دائره و امراض جلدی معمول است جهت ساختن آن بگیرند

سم الفار	۱۲۶	ازتات دو سود	۱۰۰

مطابق آنچه در ارسنیات دو پتاس ذکر کردیم عمل کنند و اما چون ارسنیات دو سود
خنثی مطلوب است [illegible] که زیادی اسید
ارسنیک آن خنثی شود

بر

solution officinale d'arséniate de soude
(syn. liqueur arsénicale de pearson)

آب ارسنیکی موسوم به پیرسن

ارسنیات دو سود	۱ گندم	آب مقطر	۶ مثقال

مطابق معمول حل کنند

arséniate d'ammoniaque $2AzH^4O, AsO^5 + 6aq$

ارسنیات دامونیاک

ارسنیات دامونیاک که در طب معمول است خنثی است کاتس سفید و منعقد که در هوا شکفته
شود و اما در حین شکفته شدن از رطوبت آن کف [illegible] از امونیاک آن کاسته شود [illegible]
در آب محلول است در ۲۰ مرا[illegible] ارسنیات دو پتاس و لو معمول است و اما اختصاصش
در امراض جلدی بیشتر است جهت ساختن آن محلول اسید ارسنیک را با امونیاک یا کربنات
دامونیاک اشباع کنند و مطابق معمول حل و صاف نمایند

ارسنیات دو فر arseniate de fer $2FeO, AsO^5$

در طب ارسنیات پروتکسید آهن معمول است و آن کاتس سفید غیر محلول که
از جاذبت هوا فورا بی از ترکیب خارج شود و سبز رنگ گردد و مخلوط شود از ارسنیات
پروتکسید و ارسنیات دو پراکسید و آن را از تجزیه تواماً محلول [illegible] سبز و از
ارسنیات دو سود بدست آورند از او در [illegible] جهت رفع امراض سرطانی و ابوای

قرصه استعمال کنند و بخصوص اطبای انگلیس معمول دارند

حب آرسنیات آهن pilules arséniate de fer

ارسنیات دوفر	۳ گرم	عصاره جنتیان	مثقالی
ریشه خطمی مسحوق	هر قدر کافی		

مطابق معمول ۵۰ حب کنند

یدور دارسنیک iodure d'arsenic As I

جسمی است جامد قرمز رنگ که قابل تصعید و محلول در آب و در طب جهت رفع بعضی امراض پوستی

جلدی معمول است جهت ساختن آن بگیرند

ارسنیک فلزی	۱	ید	۵

ارسنیک را صلایه کنند و با ید ممزوج نمایند و در قرع شیشه ریخته در حمام شنی بحرارت

ملایم گرم کنند اند که حرارت تا ترکیب این دو جسم بیکدیگر کافی است و با حرارت زیاد کنند

جهت آنکه ید در تصعید شود زیادی ارسنیک فلزی نمایند

سولفور دارسنیک sulfures d'arsenic

در بازار دو قسم سولفور دارسنیک معمول است که معلوم است باسم الفار که زرنیخ سرخ

و آنکه مطلقا نمی توان از یافت که réalgar یا زرنیخ قرمز با طبع منقش

باجسامهای زرد کوچک برجو است و فرمولش As S دیگری زرنیخ زرد که

است به ارسنیات orpiment فرمولش As S قابل تصعید

ارسنیک

است و قسمتی از آن را با آب جوش تشنه قدری از آن تجزیه شود و سم الفار محلول گردد و

قسم زرنیخ موجود است یا منعقد و زرد طبیعی سولفور خالص است و دیگری

دکهای مصنوعی که کثیف زرد تیره است و آن مخلوط اکسید سم الفار دارد با زرنیخ است

استعمال ظاهری آن احتراز کنند زرنیخ در طب مقدار کمی جهت رفع حمیات دایره معمول است

و جهت ساختن کود و خمیر زایل الشعر نیز معمول است

گرد تب بر هکر poudre fébrifuge de hecker

زرنیخ زرد orpiment	۱/۲ گرم	قند تصفیه	۱۲ گرم
عطر بادیان	۱۲ قطره	مطابق معمول مخلوط کنند	

نوره pate dépilatoire

زرنیخ	۱	آهک	۱۶
نشاسته	۱۰		

اجزاء را سائیده مخلوط کنند و در ظرف سربسته حفظ نمایند و در حین استعمال قدری

آب افزایند که خمیر نرم شود خمیر را در عضو مطلوب ضماد کنند و بگذارند خشک گردد بعد از آن با

آب بشویند

زرنیخ آهک با ترکیب فلیکس پلاتر felix plater مرکب است از

زرنیخ	۱	آهک آب ندیده	۴

غبار نرم ساخته با قدری سفیده تخم مرغ و تیزاب صابون نرم خمیر ساخته با استعمال

قوه این نوره بیشتر از قسم سابق است

صابونها savons

صابونها عبارتند از املاح چربی که قلیایی شود از جامدات مثل پیه و دنبه با قلیاهای ثابت

ارپتاس و سدیم و از این پیه ها و روغنها با قلیات تغییر ترکیب داده

گلیسیرین از آنها جدا شود که ماده لیست شیرین و خود اسید استئاریک و اسید اولئیک

و استئاریک که با قلیا ترکیب صابون نامند صابون معمولی طبی صابون سفید است که

با قلیا و روغن زیتون ساخته اند و علاوه بر این صابون متعارفی صابون روغن بادام

و صابون حیوانی نیز در دواخانه ها ساخته شود صابون در داخله مسهل است و مدر است

و در خارج مانند محللات و منضجات استعمال کنند

صابونهای طبی savons médicinaux

تیزاب صابون	۱۰	روغن بادام شیرین مصفی	۲۱

روغن را در ظرف سفالی چینی ریزند و کم کم از آن تیزاب قلیایی بیفزایند تا مخلوط

کامل شود و در درجه که درجه حرارت آن از ۱۸ تا ۲۰ درجه باشد گذاشته مکرر بهم زنند

تا قسمتی خمیر غلیظ شود آنکه آن وقت آنرا در قالبهای مربعی چوبی قالب گیری

کنند و بگذارند با قالب چند روز بماند تا منجمد شود از قالب بیرون آورده

تا مدتی بگذارند بماند در هوای خشک صابون بعد از آن با علم چوب قلیایی داشته

و علامت آنکه قلیایی دارد آنرا بچشند اگر طعم تند داشت مجددا صلایه کنند

اگر نه

رنگ شود

صابون حیوانی savon animal

مغز قلم گاو	۲	تیزاب صابون	۱

مغز قلم را از اجزای خارجه پاک کنند و در کاسه چینی با آتش ملایم ذوب کنند و

تیزاب صابون را بیفزایند و مدت یک ساعت خوب بهم زنند تا امتزاج

کامل شود و حرارت را بسیار ملایم کنند صفحه رنگ است که ماده دسمه در آن

میان با آن صابون را در قالب ریخته بعد از ۸ روز بیرون آورند

صابون زود ترکیب شود بجای میل زیراکه حرارت معین بزرگ شود

صابون حیوانی savon animal

پیه گاو خالص	۵۰۰	لیقوق که درجه غلظتش ۳۲ باشد	۲۵۰	(که مطابق است ۳۵ درجه بومه)
آب	۱۰۰۰	نمک طعام	۱۰۰	

پیه گاو و آب را در کاسه چینی در ظرفی از نقره ریخته گرم نمایند بعد از ذوب

شدن سه ربع لیقوق را می افزایند و بلا انفصال مخلوط را بهم زنند و

حرارت دهند و بعد این را بکار دارند تا صابون بسته شود

آن وقت میافزایند نمک طعام را و آب آنرا در حل نمایند و با بهم زدن ملایم

چون صابون غیر محلول است در محلول نمک شور بر این و بالا از مایع جدا شده در

سطح آن قرار گیرد و از آن جدا نمایند میریزند در کیسه و به واسطه حرارت ملایم

بگذارند منجمد شود و بریزند در قالبها و بسته شود و با ظرف سرد شدن

شیاف صابون suppositoire de savon

با صابون سفید طبی به اعانت کارد مخروطها چند برابر زنند

تنطور صابون teinture de savon

صابون سفید بازاری ۲۴ کربنات دو پتاس ۱

الکل ۵° ۹۶

بدون اعانت حرارت حل کرده صاف نمایند

جوهر صابون essence de savon

صابون سفید ۲۴ آب مقطر ۳۲

الکل ۵° ۶۴ کربنات دو پتاس ۱

عطر دو سیتو مقدار کافی

بدون اعانت حرارت صابون را حل کنند و کربنات و عطر بیفزایند و صاف کنند در تنظیف بدن مستعمل است

mitées

حب صابون pilules de savon

صابون طبی ۲۴ ریشه ختمی مسحوق ۴

ترده ۱

مطابق معمول حبهای یک گرمی سازند و در نشاسته بغلطانند

حب صابون

حب صابون pilules de savon

صابون طبی ۱۰۰ گرم

صابون را در هاون مرمر بکوبند تا خمیر نرمی شود و حبه حبه نموده در نشاسته بغلطانند هر حبی دارای یک گرم صابون است

شمع صابون emplatre de savon

شمع ساده ۱ موم سفید ۴

صابون ۶

صابون را رنده کرده و خوب خوابانند در ظرف علاحده موم و شمع را ذوب نمایند و صابون را قدری خوب بهم زنند کاملا در هر هزار جزء ۸ جزء کافور اضافه کنند در این حالت با یک پاره جزء از ۶ جزء بکار برند تا کافور موجب زرد خمیره نشود

حقنه صابون lavement avec le savon

صابون سفید ۴۰ گرم آب مقطر ۱۰۰ مثقال

به اعانت حرارت حل کنند

غسل صابون lotions avec le savon

صابون سفید ۱۳ مثقال آب ۲۵۰ مثقال

به اعانت حرارت حل کنند

مرهم صابونی liniment savonneux

تنطور صابون ۳ مثقال روغن زیتون سفید ۱ مثقال

الکل مصفی ۳ مثقال

بهم زنند تا ممزوج شود (مریضخانه پاریس)

مرهم آهکی liniment calcaire

(syn. liniment oleo-calcaire. — savon calcaire)

آب آهک ۸ روغن بادام ۱

بدون اعانت حرارت مخلوط نموده صابون در روی پارچه اندازند جمع کنند این صابون را با پنبه جهت معالجه سوختگی بکار برند بسیار نافع است عضو محترق را از این صابون نموده و در روی آن پنبه محلوج گذارند

صابون نقره

بسیاری از املاح نقره را میتوان با قلیا نباتات مرکب نمود و تولید املاح نامید که اغلب مواد از صابون یا از این صابونها که اغلب بالفعل میسازند در صنایع مستعمل است صابون نقره که مستعمل است اطبا است مخلوطات از نقره منظور با صابون طبی و منظور طبیب تقسیم کردن ذرات نقره است چنانچه در فصل نقرهها ذکر کردیم

اترها éthers

لفظ اتر در اصطلاح اهل تحقیق دلالت بجسمی که از فعل و انفعال الکل و جوهر که

ابتدا

دیگر که تولید میشد و لهذا اکنون این اسم شامل است محصولات عدیده که در بعض خواص کلیه مانند رقت قصعیه و طعم نفذ و سرعت اشتعال مشترک که پس از چندی تحقیقات شد که الکل با بعض حامضات دیگر جاری است به ترکیب آمده لهذا لفظ اتر عمومیت بهم رسانید و لیکن معلوم شد که با وجود اجزاء شرایط شد به تقسیم اترها اخیرا مثل اتر قسم اول نیست و لفظ اتر را از آنها قطع کرده و لهذا از معنای اتر و دیگر رقت قصعیه معنی نمیشد بلکه منظور از اتر جسمی است که از فعل و انفعال حامض با الکل تولید شود و ترکیب عنصری اترها خوب محقق شده و لهذا از ترکیب آن عناصر واضح است و محققین شیمی چندین قسم در ترکیب اترها کرده اند و لهذا هیچیک از آنها کامل نیست کافی نیستند و بنا بر ترکیب باطنی اینها را به سه قسم کرده اند قسم اول آنهائیکه هیچوجه در آنها ماده مولد اینها باقی نمانده مانند اتر کلوریدریک و اتر فلوریک و غیر اینها مثل اینها که بعد از جذب الکل به ماده آب اینها شبیه اند و حقیقتاً اینها را مرکب دانست از ترکیبات شیه روشن پر کرده و نیم گویند بخار آب هرگاه با اترها شبیه رادیکال مرکب شده اند و حقیقتا اینها را مرکب دانست از ترکیبات سیاه و شبه روشن پر کرده مانند اتر نیترویک و به شبه ترکیب و امثال اینها قسم ثالث اینها هستند که تولید شده از واسطه یک ... و اینها را حقیقتا مرکب دانست از یک ... و شبه روشن ترکیب و بخار آب اینها در قسم اخیر در اینها قدری است که مثال آن اتر سولفوریک این ترکیب که ذکر کردیم چون علمی و تجزیه است بیک وسیله است و ابتدا از یک

در وقتیست که بخواهیم بدانیم ذرات این عناصر چگونه مرتب و مرکب شده و بهتر آنست که در
تحقیق عمل اتر ها رجوع بشیمی کنیم لاکن از آثار قسم اول چنانچه ذکر کردیم آنها هستند که از اسید
مولده را نهایت جوهریه باقی مانده و فی الحقیقه این قسم منحصر میشود بآنکه اگرچه اسامی مختلف به آنها میکنند
بنابر طبیعت خاص که موجب تولید آنها شده چنانچه گویند اتر فسفریک و نیتریک و
ارسنیک و فلوئوریک فرمیک همه آنها [illegible] میل ازاله اتر شیه را اتیک و اسید
و [illegible] جسمیست بسیار سیال بیرنگ با بوئی تند و نافذ
النفوذ کم کننده دهان وزن مخصوص آن در ۲۰+ ۰٫۷۱۵ است بسیار سریع التصعید
است در ۳۵٫۶ درجه حرارت بجوش آید در درجه تکثف [illegible] تا [illegible] تبخیر شود
بخار آن زیاد است و مساوی است به ۲٫۵۸۶ اماره وقتیکه اتر را در بعضی جاها بحکاکی
احداث برودت شدید میکند بعلت سرعت تصعید آن و حرارتی که بعلت تبخیر آن
جذب از مجاورت میکند هوا ابر و رقیق شود و ترش شود توید جوهر سرکه و اتر ایتیک
نماید کلر فوراً اتر را تجزیه میکند بسم و به در آن حل شود و کم کم تولید شیه ریه تیک و
شیه ریه تیک نماید گوگرد و فسفر در اتر حل شود ولی از تبخیر کرده اند نهایت منعقد کرده
فسفر نیز در اتر حل شده است اگر اتر و آب را با یکدیگر بهم زنند ، منه در دقیقه از یکدیگر جدا
شوند بطبقه فوقانی عبارت از اتر است که اندکی آب حل کرده و طبقه تحتانی آبست که یک
تسع وزن خود اتر حل نموده و بعلت تبخیر اتر و آب بزودی جدا شوند
جهت ساختن آن الکل و جوهر گوگرد را بملایمت حرارت ملایم در قرع تقطیر کنند و اسباب

والدت معموله آنها بکار مختلف و متعدد است وقتی که مقدار کم بخواهند اسباب زنجابی
اسباب مناسب است قرع بزرگ لوله دار اغلظ لوله شیشه را بر داشته که دهان لوله
آن وسیع باشد از دو دهانی که دارند و تقدیری در آن ۴ فرو برند که سطح آن سیاه شود
پاسخ میکند در آن خواسته و بحث و انبوبه را بقرع متصل نمایند که واسطه های
آن و مارپیچ مردب باشد آن انبوبه و انبوبه میشود بقرعی که واقع است در جهت مارپیچ
مردب متعارف مارپیچ آن طرف مردب منتهی میشود به انبوبه که لوله طویلی دارد
قابله را از اسباب تقطیر در رکنند بفاصله از قرع و به ارتفاعی شایسته شیشه بلوری بزرگ
لوله و شیر دار گذارند که در آن الکل ریزند و مربوط کنند لوله بلوری منحنی قرع و شیشه
و انبوبه را از لوله دیگر چوب پنبه را که بلوله قرع نصب کرده میزان حرارة
داخل کنند که لوله آن تقریباً بلند باشد که ۱۲۰ درجه آن از بیرون خوانده شود
و شده و وصل این اسباب بقدری در شکل خوب فهمیده شده است که محتاج به تفصیل
نیست با وقت تمام درزها و اتصالات را بسته کنند پس از آنکه اسباب شده وصل شده
در کاسه الکل و جوهر گوگرد را مخلوط کنند ولی باید جوهر گوگرد را در الکل ریخت نه
الکل را در جوهر گوگرد زیرا که چون مقدار جوهر گوگرد در مرتبه اول تفاضل به اکنه
قدری از الکل را از غال میکند در هر حال احداث حرارت شدید میشود لهذا باید
تدریجاً این امتزاج را حاصل نمود مخلوط را در قرع ریزند و متصل کنند از لوله منحنی
بلوری پس از آنکه درزها را بستند حرارت دهند تا حرارت ادویکان مخلوط برسد

بجوش دیده مخفی آنکه درجه حرارت به ۱۳۰ رسید شیر را باز نموده بمرور الکل را داخل
مخلوط کنند تا درجه حرارت همیشه فیمابین ۱۳۰ تا ۱۴۰ باشد تا وقتیکه جمع
شود میزان الکل و جوهر گوگرد از این قرار است

الکل ۸۵	۷	جوهر گوگرد ۶۶	۱۰

ولی الکلی که در شیشه است باید ۹۵ باشد و مقدار آن مختلف میشود و بعضی از آنها الکل
مشخص نکرده اند میتوان دید نخست وزن الکل مخصوص باشد و وقتیکه تقطیر اتر روبکاهش
گذاشت دست از عمل بکشند اسبابی که ذکر کردیم مناسب مقادیر ضعیفه اتر است ولی در
صنایع که صرف در ساختن زیاد دیده اند اسباب تقطیر مسی و سربی چنانچه در کتب
شیمیایی مبسوط شرح کرده اند بکار برند اتری که در صنعت بدست می آید خالص نیست بلکه
دارای آب و الکل و اسید الوف و نیک و روغن شیرین شراب میباشد جهة خلوص
آن از آنها بمحلول غلیظ بوتاس محرق مخلوط نموده یک یا دو شبانه روز مکرر بهم زنند در بعضی
از کارهای بتاس استعمال توان نمود بواسطه عدم انحراف بیخ اتری را از محلول قلیائی جدا
نموده بواسطه تقطیر مجدد تصفیه کنند این تقطیر مجدد در حمام مریم با اسباب تقطیر بواسطه
آب گرم مجری میشود از مصنف به ترتیب مطبوعی داشته باشد و اگر قطره ازآن از اردر دست
بچکانند پس از تبخیر شدن نباید هیچ بوی روغن شراب استشمام شود اتر طبی مخلوطست
با الکل و درجه آن ۶۵ است تحقیقات قلیله اتر را از رواج کیمیا کتب شیمیائی
اتر در طب استعمال زیاد دارد بخصوصه در مقویات و محرکات و مقویست چند قطره از آن در

قند یا لیمون مرض تحکانند و بریت نمجه معالجه صداع عصبی تطول کنند دربعضی
مواقع از نکاه واسطه رجوعی است که احداث میکند علاوه بر این جزو اعظم اتر است

بیع عنوان liqueur d'hoffmann

(syn. ether sulfurique alcoolisé)

اتر ۶۵	۱	الکل ۸۵	۱

مخلوط کنند

آب اتری eau ethérée

اتر ۶۵	۱	آب مقطر	۸

در شیشه دهان تنگی ریخته گرم بهم زنند بعد از یک شب نه روز شیشه ها را سرازیر که ها بر با
بردن اتر زیادتی که در طبقه فوقانی واقع است بطرز راند که آب جشر وزن خود اتر
حل کند

شربت اتر sirop d'ether

اتر ۶۵	۱	شیره شکر	۱۶

شیره شکر و اتر را در شیشه ریزند که سمت تحتانی آن لوله داشته باشد این لوله را با
چوب پنبه بگیرند و یک لوله مجوف بلوری در آن چوب پنبه نصب کنند و دهان لوله
را با چوب پنبه کوچکتری مسدود سازند شیره شکر را البته بهم زنند و مخلوط را تا چهار
پنج روز مکرر کنند بعد گذارند ساکن باشد شربت که در داخل اگر بود کم کم صاف شود از

زیرا آن شربت را بیرون آورده در این شربت مقدار اتری که بکار رفته از بین تمام
داخل نشده و لازم است که در ابتدا مقداری بیش از اندازه اتر بکار برند

شربت اتر الکلی sirop

این شربت در حوادث عصبی و بیحسی‌ها زیاد داشت و صفت آن پوشیده بود بیش از
تعفنات ... این نسخه اثر آن شربت مشهور بطهور رسیده است

الکل ۵ خوشاب شراب ۳۴ ۵ اتر ۱
چنانچه در شربت سابق ذکر کردیم عمل باید نمود

و از اترهای قسم ثانی در طب اتر نیتریک و اتر یدریک معمول است

اتر کلریدریک éther chlorhydrique C^4H^5Cl

مایعی است بیرنگ بو و طعم اندکی تند در ۱۱+ بجوش آید چنانچه اگر
آن را در کف دست ریزند فورا بجوش آید و احداث برودت شدید کند در ۵+ وزن
مخصوص آن ۰٫۸۷۴ و وزن مخصوص بخار آن ۲٫۲۱۹ میباشد و در ۵۰ جزو آب
حل شود و در الکل بخوبی حل است و در هوا بسوزد و اطراف شعله آن سبز رنگ است
و در حین احتراق تولید جوهر نمک کند و بطلان اجزا تجزیه شده ...
جهت ساختن آن جوهر نمک و الکل را در تحت مناسب حرارت دهند و آن بخار
حاصل را از قرع ... که داخل است برطرف کرده و آنچه که از قرع آمده داخل شود
بظرفی که در ۲۰ تا ۵ درجه حرارت کم شده ... داده ... از این شیشه ... شود

بمراوتی ... که واقع است در مخلوط سرد و در قرع مقدار ماده الکل بسیار
قوی و جوهر نمک ریزند بلکه بهتر است که الکل را ریزند که از بخار جوهر نمک اشباع شده
باشد زیرا که هر قدر مقدار آب این مخلوط کمتر باشد مقدار اتر محصول بیشتر خواهد بود و کمی
قرع را حرارت دهند آب و جوهر نمک و الکل و اتر تقطیر شوند و به حجم اول در شیشه
آب باشد ولی چون آب ۲۵ درجه حرارت دارد و اتر کلریدریک در ۱۱ درجه حرارت
بجوش می‌آید اتر از آن شیشه متصاعد شده و در سرد شدن میعان پیدا کند و او را
باید در سرداب حفظ کرد و مورد استعمال این اتر مانند اتر سولفوریک است و در
[illegible] تجویز کرده‌اند و چون ... [illegible] ... استعمال آن
[illegible] ... الکل ... میکنند

اتر یدیدریک éther iodhydrique C^4H^5I
(syn. iodure d'éthyle)

مایعی است سیال ... و در ۷۱٫۵ درجه حرارت بجوش آید وزن مخصوص
آن ۱٫۹۲۰۶ را میباشد و از مجاورت هوا ... شده ... استعمال
آن را در معالجه قروحات ریه و در رفع امراض خنازیری تجویز کرده‌اند بطوریکه از
۸ تا ۱۰ قطره این اتر را با یک قهوه‌خوری آب در ته شیشه بزرگی ریزند و
مریض را بگویند که تنفس از هوای آن شیشه نماید و جهت ساختن آن در قرع ده
مثقال الکل صرف ریخته و ده مثقال ید بران افزایند و قرع را در آب

فرو برند و کم کم به دو مثقال فسفر قطعه قطعه ... افزایند ...
کنند ولیکن باید آنها را بتدریج ... و شیشه را در آب سرد ... و وقتیکه
... از فسفر ... بیفزایند بلکه ... قرع را ... حرارت
هم بدهند و وقتیکه رنگ ید زوال ... کذارند سرد شود ۵ مثقال
دیگر ید افزایند و در حین ... نیز باید قرع در آب سرد باشد و وقتیکه این مرتبه
حل شده ۵ مثقال دیگر ید افزایند و ... حرارت ... کنند ...
مایع را ... کرده آب ممزوج کنند ... رنگ ... کلرور
کلسیوم ... تا رطوبت آن گرفته شود و در قرع شیشه تقطیر کنند و در ...
... فسفر ... رنگ ... الکل را ...
پیدا شود

از اترهای قسم ثالث این اترها مرکب‌اند از یک الکلیه ...
اتر ... مرکب آن ... روغن ... شراب ...
... روغن شراب ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
آید و چنین ... که در روغن اول ...

با ... است ... جوهر گوگرد و الکل ...
... شربت وزن مخصوص آن ۱٫۳۱۹ میباشد حرارت ... جهت تجزیه
آن کافی است در آب و الکل ...
[illegible]
... جوهر گوگرد و الکل تجزیه ... در طب معمول است ...
... استعمال کنند ...

جوهر گوگرد الکلیزه acide sulfurique alcoolisé
(syn. eau de rabel آب رابل)

الکل ۸ جوهر گوگرد ۳ ۱
الکل را در قرع ریخته جوهر گوگرد بروی آن ریزند و بهم زنند تا ممزوج شود ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و الکل ...

اکسیر حامض هالر l'élixir acide de haller ...
از مقدار ... الکل و جوهر گوگرد

الکسیر حامض دیپل élixir acide de Dippel معروف است از

یک جزء جوهر گوگرد و سه جزء الکل و یک جزء زعفران و یک جزء کاس جواه

آب ربی در طب مانند قابضات و مقویات هم در درد چشم و هم در خارج مستعمل است

و آنرا مقدار چند قطره در لیمو یا تیزاب داخل کنند

شربت ۱)

شربت کل	۱۳ مثقال	آب	۱۲۶ مثقال
آب ربی	۱۵ نخود	مخلوط کنند	

غرغره ۱)

۱) شیر	۴ مثقال	عسل	مثقال
آب ربی	۵ نخود	مطابق معمول مخلوط کنند	

اترازت éther azoteux C^4H^5O, AzO^3

(syn. éther nitreux, azotite d'éthyle, éther éthylnitreux)

مایعیست نفیس و بی رنگ و بوی [illegible] مانند سیب [illegible] و جوش در ۱۸ + وزن مخصوص آن ۰٫۹۴۷ در ۴ درجه [illegible] بخارش آسان [illegible] افروخته مشتعل شود [illegible] آب ممزوج [illegible] قدری از آن [illegible] و قدری از آن تجزیه شود قاعده که معمول است در ساختن

اتر بواتری

آن عبارتست از آنچه تنار صاحب دست داده قرع لوله دار بزرگی برداشته

و چنانچه در شکل است در حمام پایه آهنی گذارند و قرع لوله دار متصل نموده

دو لوله [illegible] و صدا [illegible] هر یک از شیشه های سباب تا نصف پر است از آبیکه

از نمک طعام سیر شده باشد و قطعه در ظرف مبرده کنند که [illegible] و نمک طعام داده

بعد از ماده جوهر شوره ۵۰۰ و الکل ۸۰ درقع ریزند و چند حبه زغال

افروخته در زیر پایه گذارند بمحض اینکه غلیان شروع کند زغال ها را بر دارند

گذارند که بخودی خود آن در جوهر در کار فعل و انفعال کنند و بعد طوفان به زیر شود

مقدار کثیری از اتر بعمل در قرع و در شیشه ۱ و ۲ ب و ولف جمع شود وقتیکه

غلیان شروع بخودی خود آن تمام است آنها بعمل است درقع باقی زرد رنگ و در

سه اجزاء شورانه که اتر یک شود این محصولات را باید که جمع نموده در قرع کوچک

تقطیر کنند و قابله را در ظرف مبرد قرار دهند بجهت اینکه این اتر را بهتر است

تا یکدو بار آن مجذوب شود بالعه حمام آهک اتر را از آن مخلوط جدا کنند

این اتر را در طب مانند محرکات و مدرات و جهت رفع قولنج و رفع قولنج

ریحی استعمال کنند معمول است تعریف آن بهتر که با یک برابر الکل ممزوج کنند

بطور اسید acide azotique alcoolisé

(syn. alcool nitrique, esprit de nitre dulcifié)

الکل ۸۰	۳	جوهر شوره ۱۳۲	۱

که جوهر را در الکل ریزند فعل و انفعال در ابتدا ضعیف است ولی بعد

قلیلی از از نمک و جوهر شوره و اسید یک کیک و اسید یک اسید یک و بعد شروع

رفته رفته تند گردد این الکل را در لیمو ها و تیزاب ها از نیم تا ده نخود داخل

کنند مانند مدرات است و مشروبات است که او را حدود یکه قدر کفایت قند

برای [illegible] قراینه

اتر سرکه éther acétique C^4H^5O, A

مایعیست بیرنگ بوی تند و مانند اترو جوهر سرکه وزن مخصوص آن ۸۶۶ ر

در ۷ + بجوش آید خالص آن بدون فضله تماما محلول شود و با برابر

آن مرو در وجوه و ته هم در الکل و اسید سرکه شود در ۷ برابر آب حل شود

به مقداری از الکل ممزوج گردد بواسطه قلیا نبات به سهولت تجزیه شود و جوهر

گوگرد و شوره و تیک از تجزیه نموده تولید اتر نموده و اتیک الکلیه یک و از

دو جوهر سرکه کنند

قاعده متعارف ساختن این اتر معروف است به تنار Thenard که از

الکل ۸۰	۱۰۰	جوهر سرکه غلیظ	۶۲
جوهر گوگرد غلیظ	۱۷		

بهتر باب یک عبارتست از قرع لوله داری که در حمام شن گذارند و انبیق و قابله

که در دست مدت [illegible] اند قصد برد کنند اول الکل و جوهر سرکه را در قرع ممزوج نموده

و بعد جوهر گوگرد و قراینه و حرارت دهند تا ۱۲۵ جزو آن تقطیر شود محصول را در

شیشه ریخته که از کربنات دو پتاس و قراینه تا جوهر سرکه آزاد آن اشباع شود

از شیشه خارج نموده مجددا تقطیر کنند تا صد جزو آن در قابله جمع شود این اتر است

و با میزان اتیمتر مخصوص ۲۳ تا ۵ درجه و در الکلیات که بواسطه تکرار تقطیر

با آب گرفتن آن ممکن است بنابر این باید یک بار از آن با آب شسته بعد و در کلورور

دو کلسیم نمود و با کلورور تازه تکرار عمل کنند خالص آن در طب معمول نیست در نظر

این اتر را از تقطیر مخلوط از جوهر گوگرد و الکل و سرکه آستاتیک بدست می آورند بعضی

سهل و اصرف است ولی به تفسیر داد در مقدار جوهر گوگرد و آستات معمول زیراکه

مطابق میزان که مرکب جوهر سرکه شده در مقدار جوهر گوگرد باید تفاوت کند

و قاعده که نسبت مقدار جوهر گوگرد قدری بیش که باید آستات معمول اشباع شود چنین

آن جوهر گوگرد قدر نصف وزن الکل شده

فره (۱) آستات دو پتاس acétate de potasse

آستات دو پتاس خشک	۳	جوهر گوگرد	۲
الکل ۸۰	۳		

فره (۲) آستات دو سود acétate de soude

آستات دو سود خشک	۵	جوهر گوگرد	۴

الکل ۸۶ ۶

نمره (۳) زنگار acetate de cuivre

زنگار منقح	۳	جوهر کوکو	۲
الکل ۸۶	۳		

نمره (۴) سفیدآب سرب خشک acetate de plomb

سفیدآب سرب خشک	۵	جوهر کوکو	۲
الکل ۸۶	۳		

اثر منیک را در دو حقنه است استعمال کنند و ما خلال آن جهت رفع اوجاع مفاصل

معمول است و معمول‌ترین فنج ان این نسخه است بگیرند

صابون حیوانی رنده شده	نخود ۲۰	کافور	نخود ۲۰
اثر منیک	مثقال ۱	روغن خزاوزتم	قطره ۱۰۰

مطابق معمول صرف نموده در شیشه دهان بسته حفظ کنند

کلرفرم $C^2 H Cl^3$ chloroforme

این جسم در ۱۸۳۱ کشف از ران صاحب و اول بیک شد بعد است اثر بنگر

فرمول آن $Cl^3 H C^2$ ثابت بیرنگ طعم آن تند و شبیه به اثر است طعم آن

اگرچه گزنده است و اما از حدودت نیست بسیار سیال است و حال آنکه وزن

مخصوص آن زیاد است و مساوی است به ۱٫۴۸ را در ۱۰+ بجوش آید قابلیت اشتعال

[illegible]

آب کم است آب تقریباً یک صد وزن خود از آن محلول شود و با در الکل و اثر به درست

محلول است

جهت ساختن آن بگیرند

کلرور دو شو خشک	۱۰	الکل مصفی	۳
آب	۶۰	الکل ۸۵	۲

کلرور دو شو و الکل را با آب ممزوج کنند و این ترکیب را در انبیق بقطیر ریزند

که هر کدام از یک ثلث دیگ پر نکنند و الکل را افزوده و سرپوش و مارپیچ را نهاده

و حمل تخته بیرون از دو روز مضاف نموده آنکه تقریباً حرارت شده در زیر دیگ و هشته و در

نزدیک ۸۰° + غلیان و انفعال شده می‌شود که مخلوط طوفان کند به نحوی که اگر آتش را

کم نکنند از سرپوش و مارپیچ بگذرد و دست را در حالی عمل در سمت فوقانی دیگ گذارند

صعود حرارت دیگ علامت نزدیک اثر است و چون در منتصف به برقی دارند که

تنزل نوبت بر همه‌جز رسیده و بعد از ان که زمان تقطیر شروع کنند در نهایت

سرعت و تقریباً نحوی خوش عمل تمام شود و اگر ملاحظه کنند که قوه قوی در عمل سهوا

شده باز آنکه حرارت را دهند تا از عمل باز نمانند و قسمت کمی مقطر را دارای طعم

کم از کلرفرم است عمل تمام است بعضی مقطر را هم که در آن به سهولت

در تقطیر شوند و به ده تحتانی سنگین و آنکه فوقانی سبک است و عبارت از کلر

فرمی که ممزوج است با الکل و الکل است با آنکه کلروفرم قوه فوقانی که

بیشتر است مخلوط است از آب شیرین که و الکل و کلروفرم پس از یک شبانه

روز به زیر کلروفرم از روی جدا شود و اگر که اعمال قوی است بیاری بشکنند

بهتر است که این آب را در دیگ ریخته و بعد ثانی تقطیر کنند و در حمام

مریم خیرات آن را با آب ریخته و تقطیر کنند در عمل الکل و حب کلورات در گوگرد

کلروفرم و قلیه فرمیک و کلرور کلسیم می‌شود و ما در این اثنی نوراز از

حب کلورات در ترکیب فرمیک خالص شده به کار برده اسید کربنیک و ذوب نمی‌شود

میشود که طوفان روش از صعود این بخار است استعمال کلروفرم معمول

کلی است در حالی که چون چند قطره از آن را در جی و بیشتر اکثر بخار آن نگاه

بینی نگاه دارند تا مریض استنشاق و تنفس کند و همین طریق در اعمال دیگر

و جراحی هم استعمال کنند و در داخله نیز از مسکن بسیار خوب است که تجربه

۱۵ تا ۲۰ قطره در لیمون مربیه شربتی هم کنند ۵ کرم کلروفرم و ۲ مثقال

شربت و شکر ترتیب داده و در خارج از اجزای مخلوط یکی برابر وزن خود روغن

که جهت رفع اوجاع عصب و مفاصل و تسکین حکه که در باطن مقعد است

حاصل می‌شود استعمال کنند

نسخه کلروفرم بگیرند

کلروفرم	مثقال ۲٫۵	سیانور دو تاسیم	مثقال ۲٫۵
روغن بادام	مثقال ۱۲		

[illegible]

مطابق معمول مخلوط کنند در امراض عصبانی در حال موقوف وضع کنند

کلروفرم بازاری عبارت از خالص است کلروفرمی که ممزوج باشد که به واسطه آن پر

مفهوم میشود و اگر الکل همچنین به آن باشد پیدا از این قواعد کشف غش میتوان کرد

او اول آنکه چند قطره از آن در ظرف محتمع از آب بریزند کلروفرم خالص در قعر ظرف

جمع می‌شود بدون کدورت و اگر رنگ شیرین به آنکه علامت الکل است دوم آنکه

با یک الکل دو دانه نباتی در لوله حوری ریزند اگر شیرین رنگ شد علامت الکل است ثالثا

آنکه تکه قطعه از کرمیک متبلور در آن اندازه پس از آنکه چند نوبت بهم زنند

اگر الکل داشته باشد بعد از آن کرمیک به رنگ مخلوط سبز شود

مواد متصاعده از احتراق produits pyrogénés

مطلق اجسام نامیه به واسطه حرارت تجزیه شوند و ناچار رقیقه ایشان جدا می‌شود در صورتی که

دین تجزیه عمق چند ان بیه الکنه از قسمی که نامیده را آن عبارت از آنکه به واسطه

حرارت تمام رطوبت محتویه مانند نامیه را خارج کنند و اجزا فوقیه جسم تا نوعی نامیه

که نتیجه آن تغییر لون و وزن است معلوم است که عده اجسام نامیه بسیار است و با

طبیعت آنها مختلف میشود باختلاف طبیعت جسم تری و شکی نیست که خاصیت آن اجسام نیز

اختلاف به امکنه چنانکه قسمی تلخ میشود و رونه خاصیت قیمتی برطرف میشود و بعضی از

حکمای المانی مخصوصا در ثبوت تجارب عدیده مخصوص رسانده که با دقت تمام

در اختلاف کامل مواد ترکیبیه یک جسمی خاص آنها خاصیت دارد که از جمیع مواد که از آن

[illegible]

بدو رابطه آتش با اجسام نامیه معلوم شود چنانچه واضحا است اسامی نامیه از لغت
ازو لغت یونانی که ترجمه تحت اللفظ شوریدن است مانند برشته‌ شدن و کرّ [illegible]
کباب و قیمه که این ماده نه کرده و در اینها بعضی از زیادی رطوبت و حرارت و بود
بدون همین جسم است

استاماکره assamare جسمی است حاصله لطیف بنفتائی نیز به صمغ مانند
و رنگ زرد کهربائی و طعم تلخ و آنها را ... داده و نه کرده است تا این ... بدست
و لیست ... ادراک ... است و ... رطوبت است که هر وقت اجزاء
زوال رطوبت حرارت و نه قبل از آنکه رطوبت بخود از دست داده تجزیه میشود
معلوم است که با این تفصیل مواد نباتی را از آب خالی و محلل کرد آن در هوا
سهولت خانه نشود و رقیق کرده تحرک آن زیاد شود بلکه هر قدر ضعیف تر باشد
از دوام بیشتر حدی که در اثر تکلم تحلیل است یا از اجسام غیر محلل یا از اجسام غیر متفاوت
نیز بهیچوجه نه با قلیائیات و نه با حوامضات ترکیب شود قوی باشد که جسم را حیات کند و اکسید
کاربن را انحلالت است اکسید ... و ... و ... آن ... و اکسید ... مختلف
چنانکه ... وارد می‌کند حرارت در مواد نامیه که در آن اجزاء که رابطه آن
فی و نیز ... تجزیه شوند انواع احتراق نامند و وقتیکه در ... ورود هوا و ...
... نیز ... احتراق حقیقی نامند در صورت جزئی ... که
که مواد ... که عبارت از اعلام و اجزاء ... باشند و اگر در ظرف ... است

عمل احتراق جاری شود عمل تقطیر و قدری است تنها فقط که حاصل تقطیر را ضبط میکنند
و آنچه باقی میماند زغال است و حال آنکه در عمل دیگر که احتراق حقیقی است تمام اجزاء
قابل احتراق ماده نامیه بواسطه اکسیژن هوا میسوزند و حاصل احتراق کلیه عبارتند
از بخار آب و اسید کاربنیک انتواز اودروتها و آنها که هوا را نه در صورتیکه مخلوط
است آورده زغال چراغ است و بواسطه حرارت بقیه تمام ماده برکنار شده و رطوبت انتخوان
و شاخ کردن خارج میشود و معلوم است که اگر نه احتراق تعلق نمی‌گیرد و اگر مواد نامیه
خواه حیوانی و خواه نباتی پیش از آنکه همه چیزهای نباتی را در قرع حرارت دهند
یا بکار میشوند و یا تجزیه میکردند بعضی از اینها بدون فساد بکار میشوند و برخی تخالفاً میکردند
و بعضی دیگر قدری از اینها بکار میشود بدون فساد و قدری از اینها تجزیه میکردند و وقتیکه مواد نباتی
نامیه را تقطیر کنند بعد کلیه تجزیه شوند و حاصل تقطیر همیشه مشابه است باختلاف جزئی
و وجه اختلاف که فیما بین آنها مقطره بخار آب و اسید کاربنیک و جوهر سرکه و اکسید
دو کاربن و روغن فرار و یک ماده غلیظ سیاه قیرمانند دارد که در روغن فرار محلول است و ...
که نه متصاعد شوند و زغال باقی مانده تقریبا تمام مواد نباتی حاصل تقطیرشان عبارت از اجزای
مذکوره و بیان تولید این اجزاء بسهولت میشود زیرا که میدانیم که عموما مواد نباتی مرکبند از
اکسیژن و ئیدروژن و کاربن و وقتیکه فقط حرارت ملاحظه کنند مشاهده میشود که مواد اکسیژن دار
در اول وهله به تقطیر آمده مانند آب و اسید کاربنیک و جوهر سرکه پیش از آن رفته رفته مقدار
اکسیژن و کاربن و روغن محترق زیاد شود و ئیدروژن کربنه تخصیص در انتهای تجزیه صعود کند و

باید ملتفت شد که جمیع مواد مذکوره در تمام مدت عمل تولید میشوند زیرا که مواد نباتی چون ملایم
حرارت نشسته باشند در اینها بتدریج از آنکه قشر آن بعضی که نزدیک است به آتش اول
تجزیه شود در حالتیکه بعضی فوقانی آن تازه شروع در تجزیه شدن میکند بهر جهت که مقدار
اکسیژن که در ماده تجزیه شده باقیه اختلاف مقادیر اجزاء مذکوره میشود همین اثر در مولد کربن
ئیدروژن و کاربن هم بیشتر است بروز میکند اینهائیکه ئیدروژن و کاربن زیاد دارند اجزاء
اکسیژن کم دهند و بالعکس مقدار کثیری ئیدروژن کربنه و روغن از اینها تقطیر شود و بعضی
خالی از زغال باقی گذارند و اینهائیکه اکسیژن زیاد دارند جوهر سرکه زیاد دهند و مقدار زغال
و بخار رقیق اشتعال آن کم است لهذا نکته اینکه تقطیر زغال سنگ جهت تحصیل گاز قابل
احتراق و تقطیر چوب جهت بدست آوردن جوهر سرکه منتخب شده است بر آید وقتیکه
بجای حرارت قوی یک دفعه و تدریجا درجه حرارت جسمی را مرتفع کنند کاشف است که درجه مخصوصی
آغاز تجزیه شدن میکند و اگر در آن وقت حرارت را معدوم کنند تا درجات ثابت مذکور
منقطع شود و تجزیه عبارت است از احتراق عدم کربن با ئیدروژن و گاهی از احتراق معدوم
که تولید بخار آب در اسید کاربنیک میشود و جسم ثابت نیز بوجود آید که در آن درجه حرارت
تجزیه شود و این قاعده کلیه است در شمع آلا که توز صاحب مکشوف کرده است مثلا اسید ملیک
به آب و مالئیک و اسید مکنیک و اسید کاربنیک و اسید پیرمکنیک تجزیه شود و وقتیکه
این تغییر اول در مواد نباتی داده شد و مجددا حرارت داده و در آن درجه
حرارت تولید جسم جدیدی میشود اطلاع قاعده اولئه مثلا اسید مکنیک با تولید

اسید کاربنیک کند و تبدیل شود باسید پیرمکنیک و لهذا چون ممکن است که حرارت را
کاملا منتظم و بتدریج رسانید لهذا در حین عمل واحدی تولید اجزاء مختلفه میشود که
هیچیک از محصولات محترقه نباتی مولد اشتعال اجسام نشده اند مواد حیوانی در تقطیر
با به تقریبا همان تغییرات مواد نباتی را میکنند تفاوت فقط که اسیدهای مولده از آنها
با مقدار کمی یا زیادی امونیاک مرکبند و بخار آلیه در آن یافت شود و زغالیکه از بعضی
اینها باقی میماند ازوت ترکیبی دارد و وقتیکه روغن محترق سیاهی که از تقطیر مواد
نامیه حاصل میشود مجددا تقطیر کنند روغن فراری بدست آید که در ابتدا کم رنگ است و بعد
قدری بعد از رنگین تر میشود و در قرع بکار رفتن ممنوع است نسبتا فیما بین این روغن حاصل
اجزاء پیرامی حیاته و عموما اینها را روغن محترقه را پیرو ... گفته در صورتیکه
با آب باشند و پیرو الیترین گفته اند در صورتیکه جامد باشند پیر الیئن که عبارت است از آن
روغن محترق است که خیلی خواص معروف نیست و مختلف میشود این خواص از جمله
زمان تولید آن مثلا مواد که مانند چوب مقدار کثیری از حامضات از آنها
تقطیر میشود چنین منظور آید که پیر الیئن اینها مخلوطی است از چندین جسم مختلف سیال
رنگ و شفاف است مانند روغن با حرارت شمس نرم شود و پیر الیئن هم که از تقطیر
اجسامیکه حامضات زیاد نمیدهند بدست می آید نیز بی مرکب است از چندین پیر ... مانند اکه
... محترقه باید باشند عموما کثیر السیولانند و بعضی جامدند که زود رنگ اند
... دارند طعم آنها تند است بسیار سریع الاشتعال اند و با شعله پر رنگ

میسوزند و بسیاری از آنها از جای درست منتشر میشود که رنگین و غلیظ شوند و عاقبت
ته بی بیرین کهوند بعضی اینها در الکل کم محلولند و در ادهان فراره و لوان
دسمه دار لیکن صرف شده نقره‌ها را نیز حل کنند جهت حل کائوتشو بهترین حلالند
اکثر چندین قسم از این مواد محترقه در شیمی معروفند بعضی از آنها اجزاء حاصلات
مانند جوهر سرکه و اسید ... و اسید ... و امثال اینها و بعضی از جنس
قلیائیات اند مانند انیلین aniline و لیکنین lichenine
و ... و امثال آن و بعضی خنثی اند مانند نفتالین و ... و جوهر چوب و ...
... و کرازت و بنزین و امثال آن تمام این اجزاء مذکوره ...
ساختن شان بسیار طول دارد و پرخرج است و صرفه نیست ... در کارخانجات ...
بعضی از این ترکیبات در طب معروفند و آنها عبارتند از نفتالین و کرازت و ادهان
محترقه مخصوصه از تقطیر قطران و کهربا و پیرتنه pyrothonide و ...
کاغذ و کهنه و نقره سیاه و دوده و قیر

نفتالین naphtaline

این جسم جامد ازکثیری در لوله‌های تقطیر زغال سنگ خاصه در قیر ناخود دارو ... زغال
یافت شود جهت خلوص آن ... که ... به تدریج ... تصعید کنند
... از ... در الکل ... و ... [illegible]
... آن ... است در ۷۹ + ... شود در ۲۱۲ غلیان ...

اجزاء

مرکب است از ۵ کیله کاربن و ۴ کیله ئیدروژن در آب بر وغن محلول است در
اب جوش مقدار بسیار رقیق از آن حل شود در الکل و اتر و لوان دسمه و لوان
فراره به‌ت محلول است با قلیائیات مرکب نشود جوهر کوگرد با آن ترکیبی پیدا کند
مانند اسید ... و ... یا از اطبا معروف نفتالین را در داخل جهت رفع ...
مزمن استعمال میکنند و از ۲۰ نخود تا ۵ نخود در ... داخل میکنند
۵ نخود آنرا در مقدار قلیل الکل با حرارت حل نموده در ۲۵۰ مثقال شربت
ساده داخل میکنند و قراص چندی که واسطه عطر ... میسازند که هر یک ...
کم نفتالین دارند

کرازت Kréosote

مایعی است مرکب لطیف وزن مخصوص آن ۱٫۰۳۷ را بو دارد ... شبیه ... گوشت
... آن ... کامل است در ۲۰۸ ... آب ... ئیده
محلول تولید کند که یا در صد جزء آب ۲۵ را کرازت و دیگری در صد جزء ده جزء
کرازت دارد الکل و اتر و ادهان فراره به مقدار کرازت را حل کنند جوهر
سرکه نیز ... کرازت که ... خنثی است با قلیائیات مرکب
شود ... ضعیف ... خاصیت آن ... از دست او گرفته کرازت
... نقره‌ها را حل کند ... که ... را ... حل کند
و از خواص ... جسم ... رقیق در مقدار بسیار ...

آب حل شده مانند کرازت آن را آب ... که از خواص مخصوصه کرازت است که
... ضعیفه جهت ... استعمال شود
و ... کرازت از بت ... حفظ ... حیوانات
... گوشت ... کرازت ... بیرون
آورده ... بعضی ... رنگ ... است شود
همیشه ... است ... مطبوع
... در قطران ... از چوب ... بعضی قطران ... و ...
... کرازت ... در کارخانجات ... در
سازی ... تصفیه ... آن ... و ...
... کرازت ... در قرع ... میزان الحراره ...
... آن ... حرارت ... کرازت تقطیر شود ...
درجه حرارت در ۱۸۷ ... از تقطیر ... کرازت در قرع ...
... کرازت ... حرارت ... شود ...
درجه حرارت از ۲۰۸ ... این کرازت ... کفایت ...
است ... آن ... صاحب ... دستور ...
قطران ... از چوب ... تقطیر کنند ... آن ... شده ...
... آب ... در قرع ... تقطیر کنند ... حرارت

...

... محلول غلیظ ... کرازت ... تقطیر
... تصفیه ثانیه
کرازت را در طب جهت دندان ... استعمال کنند و در ... فالج نیز محلول است
و ... در ... و ... بسیار ... که ...
مخلوط با آب در بعضی ... استعمال کنند
محلول الکلی

کرازت	۱	الکل ۹۳	۱۶

... محلول ... این محلول ... دندان ... فرو برند ...
... شود
آب کرازت

کرازت	۱	آب	۸۰

مخلوط نموده در شیشه ... ذکر کنند این محلول جهت گوشت حیوانات ...
استعمال شود و در خارج جهت ... قرحات صعب العلاج و درد دندان ...
معمول است

قطران goudrons

مخلوطی است از ... ...
... مرکب اند ... جوهر سرکه و جوهر ... و ادهان محترقه و ...

خارج از اعضا نمایند حرکات خاصه در جرب و لوا استعمال کنند و مخصوص در بطلان معمول است و در درد حنجره و مشهور و مسرع ضمه است و مخصوصه از او در نزله مزمن ریه و مثانه به طریق استعمال کنند

قطران	١	آب	١٦

این دو ماده را در کوزه ریزند و گذارند ده دقیقه روز بماند و مکرر آن را با مرهم کش چوب بهم زنند و آب قطران حموضت دارد و دارای بوی محترقه است که با طعم جوهر سرکه مخلوط شده است و لون آن قواره و محترقه نیز دارد و کر ارت یکی از اجزا است و مقدار آن را مذکوره قدری کم است که ۲۰ مثقال این آب بگیرند از این اجزا مالوم ... آب عنبی این آب قطران را ترکیب کنند و غالب در اسکوربت scorbut و کاشکسی cachexie مزمن است مزاج و کار در بدن استعمال کنند

شربت آن

قطران	١	شیره شکر	٣٠

در حمام ماری در قرع شیشه تا یکساعت حرارت دهند و بهم زنند و گذارند سرد شود در ... تصفیه کرده صاف نمایند شربتی است با طعم قطران و طعم شیرین و از ادویه قوی است در نزله مزمن ریه و شعب قصبه و مثانه معمول است ... جهت ... و ... خوردن از ... است

روغن بادام	٤	قطران	١

مطابق معمول مخلوط کنند در جرب معمول است حکه را کم کند و بعضی موجب تشفی شود در ... نیز نافع است

بخور قطران

قطران	مقدار منظور	آب جوش	مقدار کافی

این بخور مخصوصه در نزله مزمن ریه معمول است و غالب در حجره مریض ... گذارند و آب و قطران را در آن بجوشانند که هم اثر بخار آب و هم اثر مواد محترقه جهت مریض نافع است

پیرولئین قطران pirolèines de goudron

قطران را در قرع ریکا ریخته بحرارت معتدل تقطیر کنند تا وقتی که دیگر روغن تقطیر نشود بنا به حرارت زیاد شده نشود زیرا که منظور از این تقطیر تقطیر اداهان محترقه است نه تولید ادهان جدیده این ماده مقطره موجب فرایش دکتر امری در لودا منفعت زیاد میکند به این قسم که ۸ جزء روغن بادام را با یک جزء بلکه کمتر از این پیرولئین مخلوط نموده تمریخ کنند و ضلعش ... روغن قطران انسکه جامه و دستمال را از چرک ... نگاه میدارد

روغن کاد huile de cade

این روغن یکی از ادهان محترقه است که از تقطیر چوب ... و ... حاصل شود که اسم آن juniperus oxycedrus است ... معرب قدره

رنگ منقبض ادهان نباتی با بوی تند و تغیر و طعم تند و محرق در بطلان مخصوصه معمول است بعضی متقدمین آن را در امراض جلدی و جرب نافع یافته اند در کچلی بسیار نافع است و مخصوصه در ... ذره دانه ... بوده است ... مو و روغن را در اندر عضو ... و ... تجدید کنند تا شفا حاصل شود دکتر ... bagin از اراده درد ... نیز از او ... تحو استعمال میکنند

پیرتینه pyrothonide

پارچه‌های کتان و پنبه کهنه را در ... قلیل القعر ریخته آتش زنند و دخان آن را جمع کنند ... و بوی تند و سریع النفوذ دارد و جمع کنند یکی از اطبا این را در امراض مزمنه ... مخاط خاصه در ... مزمن بسیار تعریف کرده است و اکنون غیر معمول است

انتراکوکالی anthrakokali و فولیکوکالی fuliyokali

... این دو ... دوا ... جهت امراض جلدی معمول بود که طرز ساختن آن عبارت بود از زغال سنگ مسحوق یک ... با بیکربنات ... ۲ درجات جوش مخلوط کنند و بهم زنند سرد شود و غبار سیاهی است که در ظروف محکم حفظ کنند که ... در آن ... داخل میکردند

و فولیکوکالی عبارت بود

پیاس محرق	٢٠	دوده	١٠٠

آب مقطر	٢٠٠٠

بجوشانند تا یکساعت و تا صورت تبخیر نمایند

برای فولیکوکالی کبریتی fuligokali sulfuré

کوکو	١	دوده	٣٠
...	٣		

مطابق نسخه فوق عمل کنند اکنون تمام این ادویه متروکه

دوده suie

وقتیکه هیزم را در ... خانه‌های معمولی بسوزانند دود و جریان هوا به ... خارج اجزاء آن متصاعد شود بدون احتراق و آن اجزا که مخلوط اند با مواد زغالی و خاکستر ... مادهٔ مرکب است از مقدار کثیری پیرتین pyrétine که ... محترق ... ترکیب با جوهر سرکه و ... جوهر سرکه با ... مقداری از خاکستر ... نیز دارد در ... معمول است

مطبوخ دوده décoction de suie

آب	٢٢٠ مثقال	دوده چوب	٣ مثقال

نیم ساعت بجوشانند و بدون فشار صاف کنند ... در کچلی ... و ... و در ... معمول است

حقنهٔ آن lavement de suie

دوده ۵ مثقال آب ۴۰ مثقال

جهة رفع کرمی اطفال چند روز متوالی حقنه نمایند

injection alumineuse fuligineuse [illegible]

مطبوخ دوده ۲۰۰ مثقال زاج سفید ۳ مثقال

آب ۴۰ مثقال

زاج را در آب حل کنند و با مطبوخ مخلوط کنند این حقنه در طمث سفید نافع است

extrait de suie عصارهٔ دوده

دوده چوب ۱ آب جوش ۸

از پارچه صاف کرده تا حد قوام تبخیر نمایند

collyre de suie قطور دوده

عصارهٔ دوده ۱ سرکه ۱۲

مطابق معمول حل کنند چند قطره از او در یک فنجان آب بریزند در امراض چشم مثل التهاب [illegible]

teinture de suie تنطور دوده

دوده چوب ۲ انقوزه ۱

الکل ۲۴

پس از ۸ روز صاف کنند قطره قطره از او در امراض عصبی استعمال کنند

teinture de suie تنطور دیگر

دوده چوب ۱ الکل ۸

ده روز بخیسانند و صاف کنند

pommade de suie مرهم دوده

دوده ۱ روغن [illegible] ۲

مطابق معمول مخلوط کنند در [illegible] جراحی و کچلی معمول است

huile de suie روغن دوده

دوده ۱ روغن زیتون ۱۰

در ساعت با حرارت ملایم گرم نگاه دارند و صاف کنند در امراض جلدی معمول است

charbon زغال

کربن یکی از اجسام بسیطه است و معادل [illegible] است جسمی است جامد برنگ شفاف و لطیف و منعقد و عبارت است از الماس و کربن در سایر اقسامش سیاه و کثیف و بیرنگ است دارای بو و طعم نیست قابل ذوب نیست با هیچ حرارة که تا کنون [illegible] معلوم است که او را بخار نمود با اعانت حرارت با اکسیژن مرکب شده تولید اسید کربنیک و اسید کربنیک [illegible] ترکیب می‌نماید [illegible] مرکب بخار [illegible] اسید کربنیک وقتی تولید می‌شود که کربن با شرایط متعارفه در هوا محترق شود و اسید کربن وقتی تولید می‌شود که احتراق در حرارت شدید [illegible] از آن [illegible] زغال را که در طب استعمال کنند عبارت است از کربن که [illegible]

وقتیکه حاصل شود از احتراق مواد نباتیه بی‌روشنی در بسته دارد و وقتیکه از احتراق اجسام حیوانیه بدست آید دارا است زغال با مواد عفونیه مرکب شود و این صفت جهة زوال لون بسیاری از جواهرات حیوانی و نباتی ایشان بکار میرود زغال حیوانی این خاصیت را بیشتر از زغال نباتی دارد و خاصیت دیگر زغال اینکه بسیاری از اجسام متخلخله جهة اکثر گازها در خلل و فرج خود ضبط میکند لهذا در اراضی مرطوب متعفن از او استعمال میکنند زغال در طب مواد استعمالش کم است در دفع حمیات از آن جهة رفع حمیات عفنه و حمیات اضطرابیه بسیار شهرت داشت و او در بعضی حالات در [illegible] و اسهال [illegible] فایده بخشیده و بسیاری از اطبا از او در وجع معده تجویز میکنند در خارج از او در زخم قروحات فاسد کنند که اثر تیمیه میکند و دفع تعفن را میکند و در تعفن مریضخانه بسیار نافع است جهة پاک کردن دندان پاک خوب است زیرا که دو خاصیت دارد هم رفع تعفن میکند و هم تنظیف دندان چنانچه زغال را در کیسه در بعضی امراض جلدی استعمال کنند اما در طب زغال چوب بید [illegible] ترجیح بهتر است که چوب بید را دسته دسته آتش زنند تا [illegible] تا آنکه سوزان شود با آب جوش شویند و خشک کنند و در ظروف دهان بسته حفظ کنند بنابر رای بعضی از دواسازان زغال سفید از ترجیح بر سایر زغالها دارد

poudre dentifrice au charbon گرد زغالی

زغال چوب بید ۵۰۰ کوبیده کنه کاسی ۱۰۰

جوهر نعناع فلفلی ۱

پس از آنکه زغال را شسته خشک نمودند کوبیده نرم میکنند با زنند و مخلوط نمایند با کوبیده کنه و جوهر نعناع فلفلی

tablettes de charbon قرص زغال

زغال نباتی مسحوق منخول ۱ قند سفید ۱

سقمونیا ۳ لعاب کتیرا مقدار کافی

مطابق معمول اقراص ۵ نخودی سازند جهة عفونت نفس نافع است

tablettes de charbon نسخه دیگر

زغال نباتی مسحوق منخول ۱ قند ۳

لعاب کتیرا مقدار کافی

مطابق معمول اقراص ۲ نخودی سازند

distillation sèche de la corne de serf

تقطیر خشک شاخ گوزن

شاخ گوزن را گرفته قطعه قطعه نمایند و در قرع ریگی گرفته ریخته قسمی که تقریباً پر شود قرع را در کوره سروش دار گذارند و انبیق و قابله بران متصل نمایند و اتصالات را بگل حکمت سد کنند و رفته رفته حرارت ملایم دهند که درجه آن اندکی مرتفع تر از درجه [illegible]

یک ربع ... تقطیر شود که در ریزند و قسمی که آن ربع تا نیمه یک [illegible]

نصب کنند که بخارات متصاعده را تواند داد و لوله کش که انبیق و قابله را اتصال

با آب جاری سرد کنند و حرارت را کم کم زیاد کنند تا قرع قرمز شود از ابتدا تا انتها بخارات

کثیف می‌دارند و وقتیکه دیگر چیزی تقطیر نشود علامت اتمام عمل است در انبیق و قابله ترکیبات

دامونیاک آلکالی‌ها که در دهن محترقه جمع شود این نمک معروف است به ملح فرار شاخ

گوزن که متصاعد [illegible] ذره ذره به جداره [illegible] جمع شود [illegible]

تا محصولات تقطیرات معروف است به جوهر فرار شاخ گوزن و دیگر محلول

از اول‌ها محترقه [illegible] معروف است به دهن فرار شاخ گوزن

ملح فرار شاخ گوزن sel volatil de corne de cerf

[illegible] اجزا از انبیق و قابله جدا کنند در صورتیکه آن ربع [illegible] را خارج کرده در

شیشه‌های کوچک محکم حفظ کنند و از روشنائی احتراز نمایند این کربنات دامونیاک

ترکیب [illegible] کربنات دامونیاک مختلف دارد و علامت ممیزه آن اینست

که بکلی در الکل محلول شود و [illegible] کربنات دامونیاک [illegible] دارد

دهن فرار شاخ گوزن huil volatil de corne de cerf

از اول اجزا [illegible] بطریق جدا کنند که مجموع مقطر را در [illegible] صافی [illegible]

و قسمی که تمام اجزا [illegible] صاف [illegible] را [illegible] روغن را در ظرفی ضبط کنند

جهت تصفیه آن [illegible] قرع [illegible] شیشه نمود

[illegible]

تقسیم که اطراف کوی قرع را چرکین کند و در حالی که تقطیر کنند تا تقریبا

ربع آن روغن مقطر شود این روغن مقطر تقریبا بیرنگ است باید او را در شیشه‌های کوچک

محکم حفظ کنند و از روشنائی نیز محفوظ داشت این روغن کم کم رنگین شود قسمی که

تیره رنگ شد باید دوباره تقطیر کرد این روغن دارای مقدار کثیری امونیاک است و

[illegible] لین و [illegible] در [illegible] از [illegible] مانند انیلین

[illegible] لین و امثال اینها دارد و بعضی از [illegible] نیز در آن موجودات

جوهر فرار شاخ گوزن esprit volatil de corne de cerf

عبارت از محصول تقطیر اول [illegible] که از اول تقطیر [illegible] تصفیه کنند

[illegible] آن مقطر شود از آن نیز [illegible] محصولات شاخ گوزن باید در شیشه‌های کوچک

محکم ضبط کرد و از روشنائی حفظ نمود قسمی که [illegible] رنگین شد دوباره از تقطیر

کنند این جوهر عبارت از محلول [illegible] دامونیاک و کربنات دامونیاک [illegible] اجزای

دهن فرار ذکر کردیم

کود جهت بخور

ریزه شاخ گوزن ۴ انفقده ۱

[illegible] کنند این کود [illegible] بتشنج [illegible]

آن کنند [illegible] در [illegible] معمول است

کاربا succin

(syn. ambre jaune, Karabé)

کاربا جسمی است جامد [illegible] شکسته سخت و [illegible] نمی‌گردد [illegible]

مخصوص آن ۱٫۰۶۵ است تقریبا غیر محلول در آب [illegible] محلول در الکل و اتر در

۲۸۷+ درجه ذوب شود [illegible] شعله [illegible]

تقطیر کاربا Distillation sèche du succin

کاربا از جنس مواد [illegible] که [illegible]

[illegible] از دهن فرار و اسید سوکسینیک و [illegible] محلول در اتر [illegible]

در الکل [illegible] در حالت [illegible] حرارت [illegible]

دهن [illegible] مرکب [illegible] از کاربا عبارت از [illegible]

که از [illegible] کاربا [illegible] در الکل و اتر [illegible]

[illegible] غیر محلول است اگر کاربا را ذوب کنند در الکل و اتر [illegible]

[illegible] محلول شود [illegible]

[illegible] است که [illegible] کشف [illegible] محلول در الکل

و اسید سوکسینیک [illegible] تنقیص الکل و تنقیص

اتر کاربا معمول است [illegible] کاربا

[illegible] احتراق کند

در [illegible] معروف [illegible]

[illegible]

کاربا [illegible] مقدار منظور

در قرع [illegible] ریزند تا نصف شود این قرع را در کوره [illegible]

[illegible] انبیق و قابله [illegible] وصل کنند [illegible]

[illegible] حرارت [illegible] حرارت

[illegible] اسید سوکسینیک پس از آنکه [illegible] حرارت مرتفع شد

آن [illegible]

[illegible] در قابله جمع شود و [illegible]

که اسید سوکسینیک [illegible] بدون خوف حرارت

[illegible] روغن [illegible] تقطیر [illegible]

حرارت را [illegible] قرع [illegible] جمع شود

از تقطیر کاربا [illegible] اسید سوکسینیک [illegible] معروف است

به نمک فرار کاربا که در اطراف [illegible] چرکین است [illegible]

محترقه [illegible] معروف است به جوهر فرار کاربا

و آن عبارت از محلول [illegible] اسید سوکسینیک و دهن محترق [illegible]

در [illegible] تصفیه کنند [illegible] دهن فرار کاربا که عبارت از دهن محترق

[illegible] دارای اسید سوکسینیک [illegible] اسید سوکسینیک [illegible]

فرمول آن [illegible] است در ۱۸۰+ [illegible]

و درجه حرارت مرتفع‌تر در حالت دیگر نیز خارج شود پس [illegible] قسمت تصفیه
او کسینات [illegible] و تا این زمان از مولودات [illegible] که و در تجزیه
[illegible] تعریق املاح این است از املاح [illegible] روغن [illegible] در طب [illegible] تقطیر
دیگر استعمال کنند اسید سوکسینیک غیر خالص و جوهر فرار و روغن فرار [illegible]
[illegible]

سوکسینات دامونیاک غیر خالص succinate d'ammoniaque impure
(syn. liqueur de corne de cerf succinée)

جوهر فرار شاخ گوزن مقدار منظور اسید سوکسینیک طبی مقدار کافی

فایده اسید سوکسینیک اشباع امونیاک است که در جوهر فرار شاخ گوزن است قدری روغن
محترق از این مخلوط جدا شود و بواسطه کاغذ صافی انرا جدا کنند

آبهای معدنی مصنوعی eaux minerales artificielles

آبهای معدنی حقیقی عبارتند از آبهای چشمه‌های طبیعی که بعلت ارتفاع درجه حرارت یا
طبیعت و مقدار مادهٔ محلوله در آنها خاصیتی پیدا کرده‌اند در [illegible] باعتقادات
متعارفه [illegible] نشده و خواص مختلفه پیدا کرده‌اند که علم طب جهة شفای بعضی امراض
از آنها استمداد میکند شکی نیست در خاصیت کلیه که حاصل میشود از آشامیدن آبهای [illegible]
مرض در سر چشمه انفع از جمیع جاها است و علاوه بر اینها رفتن بر سر چشمه این‌ها
بعضی خواص‌ها دارند مثل تفرج [illegible] و استراحت [illegible] معیشت از نتایج

اینها است و احوال مریض و فوائد مسافرت او بحسب نفع هیچ‌گونه طبابت است
لهذا آبهای معدنی را از سر چشمه اماکن مختلفه حمل و نقل کرده‌اند و فقدان شرایط
مذکوره است از خواص این آبها کاست و نتایجی که از سر چشمه حاصل میشد از آبهای حمل
شده رفته زیرا که طبیعت آب تغییر میکرد خواه بواسطه عدم مواظبت حمل و نقل یا طبیعت
مخصوص آن و سرعت فساد آن که با هیچ مواظبتی حفظ ممکن نیست و میتوان گفت که
طبیعت این چشمه‌ها و آبها مختلف میشود در مریض بحسب فقد شرایط استعمال آنها خاصه در
صورتیکه تفرج در هوای [illegible] و مصفا حرکت و مسافرت و تعطیل از کار با شرب آبها
مقارن نباشد با آنکه آن آب چشمه سرد نشود و حال آنکه در سر چشمه حرارت معینی طبیعی آن
خالی از حموضت نبوده تغییر آبهای طبیعی حمل شده از سر چشمه‌ها سبب اختراع صنعتی تازه شد
که آن عبارت است از تقلید آبهای طبیعی و رفته رفته فواید این صنعت جدید و سهولت
استعمال آبهای مصنوعی بقدری مستحسن و مشهور شد که کارخانجات آبهای معدنی مصنوعی چشمه
های طبیعی تفوق و رجحان پیدا کرد و نحوه [illegible] فیما بین معتقدین به آبهای طبیعی و
مروجین آبهای مصنوعی واقع شده معلوم است که هر یک از این دو طبقه به بعضی لحاظ محق
و به بعضی لحاظ خاطی بوده‌اند زیرا که این مباحثه با تشبث یکی و به آبهای حمل شده طبیعی
و آبهای مصنوعی زیرا که واضح است که خاصیت چشمه‌های معدنی ثابت نشده است بلکه
بر فواید مسافرت و وضع طبیعی جغرافی چشمه هرگز کاملاً معتقد و از مشخصات آب
آن آب طبیعی نبوده زیرا که شرایط لازمه غیر ممکن الوقوع است اول علاوه که به آب

طبیعی حمل شده وارد می‌آید این است که پس از خروج از چشمه‌ها تا فاصله آن آبها و دیگر
بخصوصه حالت آب را اول را نداده و شکی نیست که بعضی از آنها مولف و دارای بعضی
میشوند که بیکلی طبیعت شان بر میگردد مانند آبهای گوگردی و امثال آن و بعضی دیگر
بعد از آنکه در اجزاء محلوطه خود تغییر داده‌اند بی‌تعفن پیدا میکنند مثل آبهائیکه
دارای مواد عفونی‌اند باشند متعفن میشوند و بواسطه آن مواد [illegible] السولفورها
قلیائی و از یکونه چشمه‌ها اسید [illegible] میتوان گفت که بعضی آبهای گوگردی طبیعی از یکونه
تجزیه قلیه میشوند چنانچه کوانتو صاحب میگوید که سبب فساد آب سلز وقوع حرارت است
یا کاهی خوابیده و جنبیده که در وقت حمل و نقل در بطری‌ها میشود و علاوه عدم مواظبت
حفظ در ابتداء مبتلی نمیگیرد دیگر بعضی از آبهای معدنی و بسیاری از آنها در کمال خوبی
محفوظ میمانند اگر در وقت بطری کردن مواظبت کنند و به دقت دهان شیشه را محکم
نمایند در فرنگستان این چشمه‌های معدنی ملک اشخاص معینه است و بدیهی است که در
هر آن چشمه‌های خوب کمال مواظبت را بکار آورند تا باعث شهرت ملک آن شود و علاوه
دیگر آبهای طبیعی اسکه تغییر ترکیب باطنی پیدا کنند و حال آنکه آبهای مصنوعی و بطریق
معینه همیشه ترکیب باطنی شان معین است و شکی نیست که مقدار املاح محلوله بعضی
آبهای طبیعی تغییر میکند در بسیاری از آبهای معدنی فرنگستان تجربه کرده‌اند مانند سلز و
فرنگ و به تحقیق پیوسته و بوبرال این تغییر را در همه آنها ثابت است بلکه میکوید
این تغییر در خود سر چشمه‌ها نیز متحقق میشود زیرا که فرض میکنیم که منبع این چشمه قدری

عمیق باشد که ترکیب باطنی و درجه حرارت آن تغییر پذیر باشد و این آبهای عمیق همیشه
قدرتی میکنند با آبهای طبقات فوقانی زمانی که انها بر حسب موسمی و فصلی کم یا زیاد میشوند پس
بدیهی است از اینکه باشند در فصول و ایام مختلفه مقدار املاح محلوله آب معدنی و حرارت
کم یا زیاد شود و از این جهت است که گاهی چشمه‌های پر فیض [illegible] در منبع‌شان نیست
اختلافات ترکیب جزئی دارند خواه از حیثیت درجه حرارت خواه از حیثیت مقدار
املاح محلوله و باید دانست که این اختلافات ترکیب باطنی در چشمه واحد بسیار است
میشود و اختلاف هم بسیار کم است مگر که همیشه آب چشمه واحد را بمقدار معینی در امراض معینه
استعمال کرد معتقدین آبهای طبیعی نیز بر مروجین آبهای مصنوعی ایرادی گرفته‌اند که حق
با طرف آنها است ایراد وارد میشود که خاصیت منتظره چشمه‌های طبیعی و قواعد مخصوصه که با
قواعد آبهای چشمه‌ها ترکیب می‌یابند و طبیعت مخصوصه حرارتیکه برای آبها داده
زاید از شأن است بلکه بعضی معتقدند که بیک اکسیری که در آبهای طبیعی است مقاومت
با یکی مثل اسید کربنیک است که در آبهای مصنوعی است و بدیهی است که اگر طرف از مطلعین
طبیعی این بار و بمیل مصنوعی آن مایل در هوای انداخته شود محلول طبیعی دیرتر از محلول مصنوعی حرکت
خود را از دست داده برای تحقیق میکوید بار دیگر و دیگر این تجربه را کردم بهیچ وجه فرق
و کم بزرگترین قدری که برای آبهای معدنی مصنوعی کرده‌اند اینکه اگر چه بواسطه تجربه ارز قبضی
مقادیر و مواد مختلفه آبهای معدنی بعلمای فنی محقق شده است ولی یقین است که اختلاط
مواد متعارفه بیکدیگر در همه حالات لازم است نیست و بعضی مواد که در بعضی آبهای معدنی

یافت میشود مصنوعی مادامی که آنها حاصل است ساخته شود و هرقدر قیمتی باشد نمیتوان
از عمل قدر او کرد زیرا که از عمل هر تجزیه اسباب مخصوص است و با وجود اینکه روز
بروز کم به میشود موارد نقایص واقع نمیشود و یکی از بزرگان [illegible] ثابت کرده
است که آبهای معدنی را که متفقها این خواص آنها را بواسطهٔ [illegible]
به آنها مختص است به رولوزها و قلیا که در آن آبها موجود است و بسیاری از آنها از
حیثیت خاصیت مرتبط هستند به ترکیبات ید و برم و ارسنیک و نقره و غیره که [illegible]
وجود آنها احتمال هم داده اند از غیر است آبهای معدنی مصنوعی نمیتوانند گفتگو کرد بواسطه
آنچه که از این مقدار [illegible] تحقیق کرده اند و حق است که از این بابت هیچ آب معدنی مصنوعی
نمیتواند مقابل کند با آب معدنی طبیعی [illegible] بواسطهٔ تکرار تجربیات آب مصنوعی را
مابین آب طبیعی [illegible] را در این موارد تقلید جایز نیست [illegible] است و علاوه
بر این گفتگو که در آبهای طبیعی و مصنوعی است از کار میرود فهمید که فقدان مادهٔ معدنی در آن
آب طبیعی جسم معین دیگر حالت ترکیبش چگونه بوده است اگرچه تجزیه معلمین شیمیا در این باب
بواسطهٔ فرمولها متحقق است ولی [illegible] این معنی [illegible] است از اینکه جسم
هر شده و به نسبه متفقها این رفتار کنند که اینکه مختصر از این مباحثات علمیه در [illegible]
آنها ذکر کنیم بهتر آنستکه آنچه متحقق است بیان نمائیم و آن این است که آبهای طبیعی ترجیح دارد
بر آبهای مصنوعی در صورتیکه نمیتوانند [illegible] و [illegible] آنستکه آب آن چشمه بواسطهٔ شیمیست
قابل تجزیه شده باشد و مواد ثابتهٔ آن و آن آب مصنوعی مطابق دستورالعمل آن شیمیست از روی تجزیه ساخته

شود ولی

شود و مقدار [illegible] که مصنوعی را از آنجهت بیرون جسم معین اجزاء [illegible] ممکن نشود در این
موارد آبهای طبیعی رجحان کامل بر آبهای مصنوعی دارند اگرچه [illegible] نقص آنها و بواسطهٔ قواعد تجزیه که
در دست است نمیتوان به تحقیق ثابت کرد که فقدان ماده که از فقدان اسباب [illegible] ذکر شده شود در طول
بچه حالت بوده و اگر قواعد تجزیه را تغییر و تبدیل دهیم خود نیز تغییر یابد هر چند که مواد آن
صاحب و بعضی از شیمیست ها قائل به این شده اند که [illegible] که بیشتر معلوم اند در آبهای معدنی
بحالت [illegible] کثیرالانحلال اند مثل اینکه دارای [illegible] و [illegible]
ما میدانیم که در آن آب بیکربنات [illegible] و کربنات دو سود یا بالعکس کربنات [illegible] و بیکربنات
دو سود چون میدانیم که بالخاصیه کربنات [illegible] محلول تر است از کربنات دو سود حکم میکنیم که دو سود
آن بحالت بیکربنات و [illegible] آن بحالت کربنات است و [illegible] معتقد باید قول
نیست و این مسئله را [illegible] و میگویم که [illegible] ممکن است که تعیین عناصر املاح
مختلفه آبهای معدنی را کرد و [illegible] در بعض آبهای معدنی بر حسب وضع طبیعی چه چیز است
در قسمی مواد [illegible] معادله [illegible] در ساختن آنها نیست
و ممکن نیست که آثار آنها در آبهای معدنی موجود است خواه بواسطهٔ وجود خودشان و خواه بواسطه
ترکیبات با سایر اجزاء آبهای معدنی [illegible] مختصر از مطلب آنکه آبهای طبیعی ترجیح
دارند بر آبهای مصنوعی در صورتیکه [illegible] محفوظ مانند و [illegible] آبهای معدنی طبیعی
و مصنوعی ما بین یکدیگر اند در صورتیکه کاملا نمیتوانند تقلید طبیعت کنند و [illegible] در صورتیست
که در آب طبیعی بواسطهٔ شیمیست قابل تجزیه شده باشد و از روی تجزیه آن شیمیست تقلید طبیعت

کرده باشند و در آن آب طبیعی چیزی موجود نباشد که مصنوعی ساختن آن ممکن نباشد [illegible]
و علاوه بر اینها [illegible] معروفه در ازمنهٔ متمادی از هر قسم آب استعمال کرده باشند و اثر
واحدی از آنها دیده باشند [illegible] میشود که آبهای مصنوعی ترجیح بر آبهای معدنی دارند مثلا
اگر مقدار زیادی اسید کربنیک داشته باشد [illegible] کنند از آنست [illegible]
[illegible] بدون آنکه از سایر خواص آنها بکاهد مثلا آب سلتز را که مصنوعی
مقدار زیادی اسید کربنیک [illegible] ترجیح داده
بر آب طبیعی که [illegible] حاصل میشود در این موارد است که میتوان گفت صنعت
بر طبیعت تفوق دارد [illegible] هر نوع شباهتی که ما بین آبهای طبیعی و آبهای مصنوعی فرض کنیم
و هر چند میتوان گفت که صنعت کاملا تقلید طبیعت کرده [illegible] مشابهت
[illegible] که اثر آبهای مصنوعی در استعمالات [illegible] و شفاء امراض [illegible]
کرده اند ساختن آبهای مصنوعی [illegible] زیرا که [illegible]
میکنند متعدد و [illegible] ترتیب [illegible] تحصیل این
علم را [illegible] کنیم اول قواعد عمومی در ساختن کلیه [illegible] آنها ذکر نمائیم
که [illegible]
[illegible] این فن [illegible] مختلف المائیه که در [illegible]
است [illegible] ترتیب شرایط ساختن آبهای متحرکه که عبارت است از اسید کربنیک [illegible] در اینجا
ساختن آبهای [illegible] ذکر نمائیم

آبهای متحرکه

آبهای متحرکه preparation des eaux gazeuses

اسید کربنیک که داخل [illegible] آبها میشود از [illegible] جوهر نمک جوهر گوگرد در کربنات [illegible]
[illegible] بیکربنات [illegible] بوجود آمده و اسید کربنیک [illegible]
در [illegible] که استعمال میکنند یا مرمر [illegible] در صورت اول جوهر نمک [illegible]
[illegible] بهتر آنستکه [illegible] آن آب [illegible] بخارات [illegible]
مرمر [illegible] زیرا که چون [illegible] مرمر [illegible] جوهر نمک [illegible]
[illegible]
[illegible] از مرمر [illegible] جوهر نمک [illegible] کربنات [illegible] جوهر گوگرد
[illegible] زیرا که [illegible]
[illegible] جوهر گوگرد [illegible]
جوهر نمک خالص داشته باشد [illegible] استعمال مرمر [illegible]
[illegible] جوهر نمک [illegible]
کارخانه آبهای معدنی جوهر گوگرد را [illegible] زیرا که اسید کربنیک [illegible]
[illegible]
بواسطهٔ [illegible] اسید [illegible] جوهر نمک [illegible] جوهر گوگرد [illegible]
[illegible]
[illegible] مرمر را استعمال میکنند [illegible] آب [illegible] جوهر

مکث نماید که از مبخر نفخه نماید کمی نفخه اشتعال کنند زیرا که چون اجزاء این گرمات
تراکم نموده تقریباً منضغط جوهر رنگ در تمام نقاط آن قدری است و بخار بسیار کم تنگ
طوفان کند و از طوفان تا که نفخه منطفی می‌شود و عمل تقاوه بجای میگردد بجهت نفتن بخار بسیار
کم تنگ و بواسطه مرور جوهر رنگ بلکه بخار بر مطابق ذیل که ۲۰ یا ۲۵ یا بیشتر
ظرفیت داشته ظرف جوهر رنگ است و در لوله ربع فوقانی لوله در سمت تحتانی دو
یا دو لوله های فوقانی بسته است و باز نمود و قتیکه تمام جوهر رنگ صرف
رسیده باز و بگیرید آن الفلز شود و لوله دیگر متصل است به لوله سربی که با چوب پنبه خوب
بسته و چون که این لوله سربی منحنی شود و داخل شود بظرفی که نفتالین است لوله تحتانی
بیاب دارای شیری است از طرز که داخل در یکی از لوله های بظرف شود و قتی جوهر رنگ
بظرف مخصوص را که بن بن نامند و قسمت در تحت شیشه که وسه لوله دارد لوله سربی را
بر از سرب شکسته کنند یکی از لوله های متصل است بلوله سربی که بخار بسیار کم تنگ را از
مجری لوله خارج میکند و لوله دیگر متصل است به شیشه فوق در حباب که آن شیشه را
به بنه نموده باز کنند تا جوهر رنگ در جسم مجرای رسیده شود و لوله که بواسطه این بخارات
این ظرف است اثرش در لسکه قشر زیادکه در بن بن احداث می‌شود در شیشه بنزد ... لو
شود و آن فشار مانع جریان جوهر رنگ گردد و وقتیکه جوهر رنگ شیشه کند همه کمی نفخه بخار
میرسد دارد و آب خیلی مایل را فقط بانه شود با کمی نفخه را در بنه جوهر و تمام آب محفوظ
کنند و به دفعات جوهر رنگ را یا دن فرا نماید که بهم زنند تا سطح کمی نفخه از یکی پر شده شود

و قتیکه جوهر رنگ کوچکی کنند بیاب و جرار ایکار برند و دو عبارت از ظرف سربی است که
بواسطه لوله کمی نفخه کرده نموده و محفوظ آب را داخل آن کنند بطرف دیگر بمحل قسمت
در جزو ظرف اول و بالای مجرم شده است و مجرای جوهر رنگ که منضغط است بشریح را باز
کنند و جوهر رنگ داخل لوله کمی نفخه شود و بواسطه لوله سربی داخل ... و از این ... رخنه
دارا بطرف دهنه و مجرا اینکه در قسمت در ظرف فوقانی و از سرب ساخته شده است
در لوله سربی محرکه است که دسته دارد که ... آن محکم محفوظ را بهم زنند و سطح جوهر کمی نفخه
را اینکه بنا نماید در صورتیکه بخار بسیار کم تنگ را در فتح با بهشت تا مجرای دیگر
را که بعوض بخود آورده خارج اینه این تعیین با نواع مختلف می‌شود یوریال جا
یک خمره چوبی یا یک بانه رنگ اشتعال میکنند که لوله مجرای بخار را از فوق با شعوار بندد
و آب آن خمره تا سطح بلند است بخار که داخل مجوری است از اینکه محدود است
از بهیه چوبی که دارا بلوره و شعار ... ده کوچک است لهذا لنگر جا بهار کوچک
صعود میکند و مجاورت آن با نسبه با سطح آب باز می‌شود لهذا از حرکات خارجه
جاری میکرد و هر دفعه که آب با کمی نفخه باز ترمیم شستن بسیار کم تنگ اشتهار می‌شود
کاز متر   و فن مقیاس البخار مرکب است از ظرف بزرگ الطرفین
سر قطع انه دهن بعلامت ... مطابق تکثر از اجزا بر از ابر کنند و یک سر ابر شمعون
سر قطع انه ده بعلامت ... که بواسطه وزنه سایر کرده شده است بخار در بالا ... + ...
داخل سر ابرش ... خارج میشود در صورتیکه ... با زمن قتیکه خواسته باشند

وقت ممتد از بخار معمول را مقایس کنند و دارای سیرش بیاب دارای ستاره منقسمه است
که بواسطه آن میتوان مقدار کیله های الستریک بخار کاز متر را اندازه بجهت دخل بسیار کم تنگ
درا بهار مبخر هر چند که آب هم کمی محفوظ از آن بخار حل کند و آن محلول بجهت اشتعال کافی
است و لهذا لزوم بجای آن شده است بواسطه آلات منضغطه بیش از اندازه بخار بسیار کم تنگ
را داخل بر آب کنند تا در وقت اشتعال جوش زیاد ... رود که و در قاعده مختلف
در صنایع این بخار معمول است در یکی از آن در قاعده یک لوله تمیمه متنفس منضغط بخار
را از مخزن با کاز متر میکشد که در آن مخزن فشار آن بخار متعارف است و لهذا آن
تلمبه بخار را در بیاب بسته متراکم میکنند
و در قاعده دیگر بسیار کم تنگ در بیاب عمده تولید نمیشود بلکه در خود بیاب
معمول تولید آید و تراکم و انضغاطش بواسطه خود بخار است معلوم است که در مخزن های
مختلفه آلات بجای مختلف خواهد بود و قتیکه بخار را در خارج بیاب در مقدم آلات و
بیاب مخصوص که یک رخانه آب مبخر نماید و هر یک از قواعد معروفه ساختن بسیار کم تنگ
میتوان عمل کرد و در صورتیکه انضغاط بخار با بر از خود آن مبخر و ضع ظروف که در انها بسیار
کم تنگ تولید میشود به نسبت کار بیاب متصله بنا داشته باشند و ناچاریم که این قاعده
را مشروحاً ذکر کنیم
در قاعده اول که بخار در خود بیاب تولید میشود و تراکم و ضغطه اش از خود است
یک تلمبه متنفس منضغط و اسطه بجای جراثقیل مختلفه بخار را با فشار متعارف از کاز متر

کشیده و بقوت تمام در داخل خمره چوبی ضخیمی کند و دمه از آن محکف میشود بنا بر موانع سبعای آن
آب مبخر این طرز حل بخار در آب منوط بدو قاعده مختلف است در یکی از آنها که قاعده منفصله
یا قاعده متناوب است نخستین تمیه قابله که آب در آنجا حل بخار بسیار کم تنگ میشود
ظرفیت زیادی دارد و دو قسمتیکه تمام بسیار کم تنگ حل شد از زیر تمام آن آب
مبخر را کشند و تکرار عمل کنند در قاعده دوم که قاعده متصله یا قاعده متوالی
بر با میتوان نامید قابله که حل آب و بخار است ظرفیت کمی دارد و ...
پس از آنکه مقدار معینی بخار در آن آب حل شد عمل مستدام است و بتدریج هر چه
آب مبخر ساخته شده را از قابله خارج میکنند آن قسمت یک مقدار تازه از آب
و بسیار کم تنگ داخل قابله کنند تا قائم مقام آب مبخر شود و بترتیب اگر قاعده
ثانیه را قاعده متوالی به ورق که با وجود اینکه انضغاط و تراکم بخار بواسطه خود
آلت ثابت کاری قاعده سابقه دارد و قاعده متناوب به برابر اما خواهیم کرد که قاعده
ثانیه هر چند که این قاعده کمتر از سایر قواعد معمول است ولی شروع آن یکنیم
بجهت اینکه اولین قاعده است و سازنده این آلتها با این قاعده را بر سایر
سایر قواعد کشنند و دلکانها را که در آن ذکر بکنیم در سایر قواعد نیز منفعت باشند
و نسبت این بیاب ساده بر آلتهای مبخرشی نسبت بیابت دارات است سایر
چرخهای بخار که بواسطه آن بیاب سهل مختصر با سابقهای سطوح بلکه
میتوان بود چنانچه گفتیم قاعده ثانیه عبارت است از تراکم کردن بخار بسیار کم تنگ

در ظرف را از دیاقیمی که بخار در آن آب حل شود و از اضطراب جوش نمود نتیجه آنکه
درست تحقیق این مطلب را بکنیم ناچاریم که بعضی بیانات قبل از تعریف آلات و ادوات
که شود هوا و امثال آن بیان کنیم و هر بخاری که بخار و کیفیتی معطر در ظرف واقع شود از جهات
سته بلکه در اطراف ظرف نحو فشار وارد میاورند و اگر اطراف آن ظرف کماینبغی
مستحکم نباشد ممکن است اتفاق بیفتد که بشکند و این فشار در هوای متعارف تقریبا در هر سانتیمتر
مکعب هزار گرام است و کسری که معادل است بوزن ۷۶ سانتیمتر زیبق زیرا که در اینجا ارتفاع
ستون زیبق میزان الهوا مساوی است به ۷۶ سانتیمتر و معمول است که میگویند در این حالت
فشار معادل یک جو است زیرا که این فشار فی الحقیقة معادل فشار متعارف هوا است پس
اگر گوئیم بخاری دارای یک جو فشار است منظور آنست که فشاری که از داخل بر اطراف
ظرف خود وارد میآورد مساوی است با فشاری که در حالت متعارف از هوا بر اطراف
خارجی جسم وارد میشود در کره ارض وارد میآید پس اگر در ظرفی بخاری و آن فشار آن
معادل یک جو بود و مقدار تازه از بخار را داخل ظرف کنیم بر فشار اطراف ظرف
بیفزاید پس اگر کیله آن بخار را مضاعف و یا سه امثال کنیم فشار اطراف ظرف
نیز مضاعف و یا سه امثال شود و بعبارة اخری فشار اطراف ظرف نسبت مستقیم دارد
با مقدار بخار محصور و در صورتیکه فضا را واحد فرض کنیم مقدار بخار مختلف شود
واحد وزن بدست میآید

۱۶۰

حجم بخار	فشار	جو
۱	۷۶	۱
۲	۱۵۲	۲
۳	۲۲۸	۳
۴	۳۰۴	۴
۵	۳۸۰	۵
۶	۴۵۶	۶
۷	۵۳۲	۷
۸	۶۰۸	۸
۹	۶۸۴	۹
۱۰	۷۶۰	۱۰

پس در صورتیکه حجم بخار در ظرف معین مشخص باشد بسهولت میتوان فشار وارد بر اطراف آن
ظرف را حساب کرد و بالعکس اگر فشار معین باشد بواسطه آن تعیین حجم میتوان نمود
و این قاعده کلیه است در ساختن اسباب مختلفه که بواسطه آنها تعیین فشار بخار را
میتوان کرد و آن ادوات را مانومتر manomètre نیز میزان الضغط
نامیده اند و یکی از حکمای طبیعی فرانسه که ماریوت نام داشت قاعده کلیه در دست داد
که هرگاه فشاری بر بخاری وارد آید حجم آن بخار نسبت معکوس پیدا میکند با مقدار فشار اگر
لوله موئی که دهانش سر [?] دهان مفتوح آنرا در ظرف آب که اندازه آب در آن لوله
صعود کند زیرا که قوة فشار هوای داخل لوله با هوای خارج تعادل پیدا کند و هوا آن مقدار
فشاری که از خارج بواسطه هوای جو وارد بر سطح آب میشود از داخل نیز بواسطه هوای
جو وارد بر سطح آب میشود از داخل نیز بواسطه هوای لوله وارد بر سطح آب میشود بعبارة
اخری هوای لوله یک جو فشار وارد فرض میکنیم که هوای خارج تعاضد فشاری پیدا کند مشدد

بواسطه هوا یا بواسطه فشار زیبق یا مثلا آب واقع باشد در ظرفیکه لوله کج و باریک در آن تعبیه
میشود و متراکم میگردد از فوق آب در لوله صعود کند تا وقتیکه تعادل فیمابین فشار خارج
و داخل پیدا شود معلوم است که حجم هوای داخل هر قدر فشار هوای خارج زیادتر شود کمتر میشود
و هر قدر حجم آن هوا کمتر شود فشار و قوت انبساطش بیشتر میگردد و اگر فشار خارج مضاعف
یا سه امثال و یا اربعه امثال هوای داخل شود قوه فشار هوای داخل نیز مضاعف و سه امثال
و اربعه امثال خواهد شد و بنا بر قاعده ماریوت چون بخار نسبت معکوس دارد با فشار واقع
بر آن از حجم هوای داخل میتوان تعیین بر فشار خارج را نمود فرض میکنیم صفحه که هوا را
در یک جو فشار دارای کمیتها تغییر کننده به تغییر فشار مطابق لوحه

فشار	حجم	فشار	حجم
۱	۱۰۰	۷	۱۴٫۳
۲	۵۰	۸	۱۲٫۵
۳	۳۳	۹	۱۱
۴	۲۵	۱۰	۱۰
۵	۲۰	۱۱	۹
۶	۱۶٫۵	۱۲	۸٫۲۵

و شکل یکی میزان الضغط به این قسم است که دارای
لوله [?] مربوط است با حجره آب در صورتیکه فشار
زیاد کنند زیبق در شعبه دیگر لوله صعود نماید
بواسطه نقصان حجم هوای داخل از مقدار فشار آن
بخار متحصر شوند و اینگونه میزان الضغط همیشه دو

[illegible]

خیلی شکننده است و دیگر آنکه پس از آنکه فشار خیلی تعاضد پیدا کرد چون مقدار حجم بسیار کم
اختلاف پیدا کند که [?] و بسهولت معلوم نمیشود و از این
میزان الضغط قرار داده که این معایب را نداشته
جهتی اسباب بیش از چهارده سانتیمتر ارتفاع ندارد
و وقتیکه میخواهند آن را بسازند در ظرف کوچک
آنرا فرو برده فرض میکنیم که ظرفیت تمام این آلت یعنی حجم هوای داخل آن که با فشار هوای
خارج تعادل پیدا کند صد [?] بین جوف ظرفیت حباب بزرگ ۸۰ ظرفیت حباب کوچک
۱۰ و ظرفیت لوله باریک آب ۱۰ تا وقتیکه زیبق شروع بیالا رفتن در لوله باریک
کرده است یعنی حجم هوای داخل به نصف رسیده از اسباب جزئی معلوم نشود و چون شروع
بصعود کرد معلوم میشود که پنج جو فشار بر آن وارد شده و چون در ساختن اینها همه [?]
بخارات با فشار زیاد مخلوط به آب کرده اول آن فشار پنج جو است و از این بابت لوله
میزان الضغط را قرار داده اند که پنج کرده کنند
احتمال شکستن کمتر است و اگر از پنج جو فشار بیشتر شود
آنوقت زیبق شروع بصعود کند و چون سطح فوقانی
این اسباب بر قسمت شده یکی لوله دیگر حباب
فوقانی فاصله مابین درجات زیاد شده است

لهذا این اسباب حساس تر است چنانچه از وضع این لوله میتوان استنباط کرد و دید

میزان الضغطه را درش مطابق شکل [illegible] و قسمت در محفظه برنجی مجوف است [illegible] و در اطراف
آن تیغه‌های برنجی مجوف است که جای دارد
که درجات تقسیم بر آنها رسم شده و دهانه محفظه
برنجی فی‌الحقیقه تعبیه الله است و در نقطه
ج آن منفذ کوچک است و این جزء اصلی
حباب و قسمت در ظرف برنجی ح که دهان
آب ریزه تعبیه که نقطه ح فرو رفته و
ظرف ح دارای لوله کوچک است بلندیست
[illegible] که رابطه است فیما بین خود میزان
الضغطه و حباب [illegible] بر آن نصب شده و وقتیکه میخواهند از آن ایکار ببرند لوله
میزان الضغطه را در آب ظرف ح فرو برند که حرارت هوای درونی مساوی با حرارت
هوای محیط و این شرط موجب از دیاد صحت عمل است و لوله آب را بر زمین ترجیح داده
زیراکه لوله را چرکین نکند و هموارتر است و در هر عمل میزان [illegible] آن کرد و اگر [illegible]
بعد از این مقدمات تفصیل حباب آب [illegible] را بیان خواهیم
حباب خمره که جای آب و بخار است میرسد و قطر [illegible] دارد و [illegible] است
و ظرفیت آن مختلف است و اغلب صد لیتر ظرفیت دارد و در سمت فوقانی آن [illegible]
بزرگ است [illegible] مطابق شکل [illegible] و سرپوش بسته میشود دارای [illegible] که [illegible]

که میخواهند حباب را بشویند و سرپوش این حباب نیز دارای لوله‌ای است که [illegible]

تا تمیز حوض دارد و [illegible] در بخار بسته میشود و [illegible] محفوظ دارد که بسهولت پیچ میشود و رابطه این
دریچه است که آب خمره را پر میکنند و در نقطه [illegible] این حباب یک لوله است که لوله‌های
بخار را بآن متصل میکنند و آن بخار را به آرنجک و رابطه تلمبه و لوله خمره میشود و بازکردن و بستن
آن رابطه [illegible] است [illegible] عبارت از شیر کوچک و قسمت در سمت تحتانی خمره که در وقت لزوم
خواهد شد و [illegible] عبارت از لوله بسته دارد که پایه چند [illegible] در حالت [illegible] است و در باب
قطعات حباب [illegible] بدین ترتیب اند اول حباب که در آن [illegible] بخار را به آرنجک میشود
مطابق شکلی که سابق ذکر شد و دوم خمره تغذیه که شکل آن نیز ذکر شد سیم ظرف [illegible] انتهی

چنانچه بیان کردیم چهار تلمبه که بخار از کار [illegible] میکند بقوه دو خمره [illegible] بخار
[illegible] خمره اگر شیر دارد [illegible] که جای بخار است [illegible] حافظ [illegible] محفوظ
بیندازد و خمره را از آب خالص پر کنند و [illegible] منفذی که جای [illegible]
[illegible] است و رابطه تلمبه بخار به آرنجک را [illegible] دو خمره کنند و شیر [illegible] باز نمایند و وقتیکه
[illegible] لیتر آب آن خارج شده و بخار [illegible] مقام آن شود و [illegible] در سطح فوقانی خمره و [illegible] رابطه
[illegible] است که [illegible] در میان جنقدها [illegible] که در جهات مختلفه آب
پیدا شود حرکت بیشتر واقع شود [illegible] در سطح آب [illegible] به آرنجک [illegible]
شود که [illegible] اتصال [illegible] در آن [illegible] هوای آن را خارج کند
زیراکه هوای متقاربه در آب [illegible] ناقص و بدون فایده فشار بر آب وارد
[illegible] در حرکت تلمبه را [illegible] میکنند و [illegible] اخراج هوای آب [illegible] است ولازم است
که در وقتیکه [illegible] است هوای ظرف تغذیه خمره وارد [illegible] رابطه را [illegible]
آرنجک خارج [illegible] باشد [illegible] بهتر است که حباب را در جای [illegible] گذارند
[illegible] که در زمستان و تابستان [illegible] در حفظ بخار [illegible] هر قدر که [illegible]
[illegible] آرنجک دارد و خمره میشود بر سطح آب فشار وارد آورد و در آن آب بسهولت
[illegible] میشود و رابطه [illegible] که از میله جنقد [illegible] خوب است که [illegible] بخار را
[illegible] دو خمره [illegible] از حرکت میله جنقدها [illegible] زیراکه در [illegible] حرکت تلمبه‌ها
[illegible] حفظ شده است که همیشه مقدار بخار که در سطح آب [illegible] بیشتر است

از آنچه در خود آب است و آب یک برابر حجم خود به آرنجک راه میکند و جهت آنکه بیشتر
[illegible] به بخار که در سطح آن واقع است فشار [illegible] داشته باشد و بمحض آنکه این فشار نقصان [illegible]
[illegible] آنکه به آرنجک آب فوراً شروع بجوش [illegible] مقاومت نشود و اگرچه میزان [illegible]
هر وقت [illegible] این بخار [illegible] در آب و بخار واقع بر سطح آن [illegible] به آرنجک
آب خارج نشود [illegible] نیست و هرچه [illegible] توانسته‌اند که [illegible] آن بخار واقع
در سطح خمره به آرنجک در آب [illegible] و وقتیکه ۵ برابر حجم خود به آرنجک [illegible]
[illegible] ۵ لیتر بخار [illegible] آن بخار واقع در سطح آب [illegible] در ظرفیت یک لیتر
[illegible] لیتر بخار داده و اگر [illegible] از هوای [illegible] باشد تفاوت [illegible] بیشتر
خواهد بود و رابطه مقیاسی که در بخار [illegible] داده‌اند [illegible] که دو خمره [illegible]
[illegible] واقع خمره را با رابطه میزان الضغطه که به آن نصب کرده‌اند [illegible]
آن [illegible] صحیح‌تر است زیراکه از میزان الضغطه هرگاه [illegible] به آرنجک
معلوم میشود اول [illegible] اخراج آب [illegible] اند دارای [illegible]
[illegible] که بسهولت تمام [illegible] شده و [illegible]
هرچند که [illegible] و ضعیف [illegible] مختلف [illegible] شده است [illegible]
که [illegible] و یک دریچه کوچک داشته است که [illegible] بخار [illegible]
[illegible] است و این تیغه [illegible] که در آب [illegible] منقصت [illegible]
آب [illegible] خروج از خمره حبابهای متعدده بخار را از آن خارج [illegible]

که بعد حرکت میکرد و یک نوع خفقانی به ایشان میشود که مقدار کثیری از بخار قند میته و کربن
شیری که استعمال میکنند بیرون رفته است و لوکه آن چند ای مدتی از خانه و آن شرط
است به پرامه و در [illegible]
چند است که در قوز است وضع شده است و قواعد مختصه کارخانجات و [illegible]

preparation et formules des eaux minerales

طرز ساختن و نسخ آبهای معدنی مصنوعی

این آبهای معدنی را که مصنوعاً درست می‌آورند تقلید طبیعت میکنند از حیثیت ترکیب بطرز
به سه قسم میکنیم و بترتیب آنها را ذکر مینمائیم اول آبهای ترش مزه که دارای املاح چندی
هستند بحالت انحلال و علاوه بر آن بواسطه گاز اسید کربنیک است که ترش
مزه میخوانند دوم آبهای [illegible] که [illegible] است سوم آبهای گوگردی
مقدار کمی یا زیادی [illegible] دارند و در این نسخ که ذکر میشود
[illegible] کم و کسورات آن در یک لیتر آب قرار داده اند زیرا که در حساب این
نسخها سهلتر است

آبهای شور و غیر ترش — eaux salées

اب دریا — eaux de mer

از تجزیه ما زیر چنین بر آید که آب دریا مرکب است از اجزاء ذیل

نمک طعام	۲۸,۰۰	سولفات دو سود	۱۲,۳۴

کلرور دو کلسیوم ۲,۵۵ — اب ۱۰۰
کلرور دو منیزیوم ۱۵,۳۷

و اگر چه این تجزیه با دقایق شیمیایی معادن آب دریا نیست ولی با این اجزاء
و این مقادیر آبی درست می آید که کمال مشابهت با آب دریا دارد و خواص طبی
آن خیلی نزدیک به آب دریا است و معلوم است که منظور ما در خواص است که از نهایی
آب دریا دارند و این آب دریای مصنوعی فوائد در واقع جایی که در آبهای دریای
طبیعی موجود است ندارد و همچنین کربنات دو لیتو و کربنات دو منیزی که بحالت بی
کربنات در آبهای دریا موجود اند و بواسطه غلیان [illegible] در این آب نیست و
[illegible] در آب دریا مرکب است با منیزی و مواد حیوانی نیز در این
آب نیست و چون در فرنگستان نمک طعام شان را از آب دریا میگیرند لهذا
اگر نمک خاکستری غیر خالصشان را بجای نمک خالص استعمال کنند بیشتر تقلید طبیعت
کرده اند و بعضی از دواسازان مصلحت چنین میدانند که آب دریا را که [illegible]
[illegible]
بطور حفظ کنند [illegible] که جهة ساختن یک لیتر آب دریا ذکر
شد مطابق تجزیه آب طبیعی است و اغلب چون [illegible] در آب دریا کافی است
است اغلب [illegible] لیتر از آن را میسازند لهذا نسخه چنین میشود

نمک طعام	۸۴۰۰	سولفات دو سود متبلور	۳۷۰۲

کلرور دو کلسیوم متبلور ۷۶۵ — کلرور دو منیزیوم متبلور ۳۱۱۱
و اغلب اینکه قبل از نمودار کثیری غبار [illegible] که آب دریای مصنوعی میسازند
غبار [illegible] مرکب است از این اجزاء سولفات دو سود شده ۵۴۵
کلرور دو کلسیوم خشک ۱۳۰ کلرور دو منیزیوم متبلور ۱۰۳۷ کلرور دو منیزیوم را در کپسول
ریخته و قدری از آب [illegible] آن را بکار کنند بدون اینکه حرارت [illegible]
که جوهر نمک از آن متصاعد شود [illegible] کنند و در ظرفی
حفظ نمایند و در وقت استعمال این مخلوط را در آب ریخته و ۲۸۰۰ گرم نمک طعام
برای [illegible]

آب معروف به پوگ

این آب که از چشمه [illegible] خارج میشود تجزیه آن از این قرار است

بی کربنات دو لیتو	۰,۰۱۸	الومین و فسفات	۰,۰۰۸
بی کربنات دو سود	۰,۱۸۸	مواد آلیه	۰,۰۲۹
بی کربنات دو فر	۰,۰۰۷	آب	۱۰۰۰
سولفات دو سود متبلور	۰,۰۱۶	سیلیس	۰,۰۵۶
نمک طعام	۰,۰۱۵		

[illegible] که در [illegible] از چشمه [illegible] آبها بوجود آید مرکب
است از سیلیس ۰,۳۰ الومین ۵,۶۱ کربنات دو [illegible] ۵,۷ [illegible] ۲,۸

و این آب [illegible] منفعت که [illegible] در صورتیکه در سر چشمه آن رفته و [illegible]
[illegible] نمی شود زیرا که مواد آلیه با [illegible]
[illegible] و علاوه بر این مصنوعی [illegible] مواد آلیه [illegible] و آب
طبیعی [illegible] و سیلیس و الومین که در آب طبیعی است در آب مصنوعی [illegible]
[illegible] و در آب مصنوعی بی کربنات و [illegible] نمک طعام را [illegible] و کلسیوم [illegible]
قلیا کرده به [illegible]

بی کربنات دو سود	۰,۲۱۰	[illegible]	۰,۰۱۱
کلرور دو کلسیوم متبلور	۰,۰۲۸	آب خالص	[illegible]
سولفات دو سود متبلور	۰,۰۱۶		

و بی کربنات دو سود و سولفات دو سود و نمک اینها را بترتیب در آب حل کنند و با [illegible]
کلرور دو کلسیوم [illegible] که [illegible] و این آب را [illegible]
کنند و در صورتیکه بخواهند [illegible]

آب [illegible]

بنا بر تجزیه [illegible] لیتر این آب مرکب است از اجزاء ذیل

نمک طعام	۶,۸۰۲	سولفات دو پتاس	۰,۰۵۳
کلرور دو منیزیوم	۱,۰۷۴	کربنات دو لیتو	۰,۲۷۰
[illegible]	۰,۸۰۲	کربنات دو منیزی	۰,۰۳۰

سیلیکات دو سود ۰٫۰۱۳ برومور دو منیزی ۰٫۰۳۲

برومور دو لیتیوم ۰٫۰۰۳

طبیعی این آب کم و زیاد می‌شود که با ملاحظه آنچه است که در آب مصنوعی می‌توان داخل کرد مصنوعاً این آب را به جهة آشامیدن میسازند و لا ازین آن معمول تر است و هر جنبه‌ای منعقد
فیما بین آب مشروب و آب ابزن بجز اسید کربنیک او مانیت و ماغنیسیه این مواد را
میسازند و در این آب مصنوعی بی‌کربنات دو سود و قدری از نمک طعام با کم کلسیوم و کلرور
و کلسیوم منعقد و نمک جوش چنانچه نمود و همچنین کربنات دو منیزی را با قدری نمک طعام و دیگر
با کلرور و کلرور دو منیزی و نمک جوش ریخته و نسخه به این طریق میشود

	در یک لیتر	در یک بطری
نمک جوش	۰٫۵۱۷	۰٫۴۱۸
نمک طعام	۵٫۷۵۶	۳٫۶۰۰
کلرور دو منیزی منعقد	۲٫۴۱۲	۱٫۵۱۷
کلرور دو کلسیوم منعقد	۱٫۸۸۲	۱٫۱۷۵
سولفات دو پتاس	۰٫۰۵۳	۰٫۰۳۳
سولفات دو سود منعقد	۱٫۹۰۰	۱٫۱۸۷
برومور دو پتاسیوم	۰٫۰۴۰	۰٫۰۲۵

در ظرف علیحده کلرور دو کلسیوم و کلرور دو منیزی را حل کنند و تقسیم در بطریها نمایند و محلول سایر
املاح را در حالتی که به کلیه بخار اسید کربنیک داده باشند که به شدت در بطریها بریزند

بطریها

تا پر شوند و وقتی که این آب را در ابزن بخواهند استعمال کنند بخار اسید کربنیک دیگر
لازم نیست و آب سیر از امتزاج املاح فوراً درد میشود و بعد از اندک زمانی کدورت
پیدا گشته و رفته رفته درد آن پیدا شود

اسید کربنیک که جزء املاح محلوله چیز دیگر ندارند

ساختن اینگونه آبها کمال سهولت را دارد و املاح را مطابق معمول در آب حل کنند و گاز
اسید کربنیک را وارد بر آنها کنند و اگر مقدار املاح کم باشد اول محلول غلیظ از آن املاح
میسازند و به اندازه در بطری ریخته و از آب خالص اسید کربنیک دار پر کنند

آب مجز ساده eau gazeuse simple

این آب بسیار معمول است و در فرنگستان قدری معمول است که جزء جمیع قهوه‌خانه‌هاست و از
دواها ذکری نمیخواهد و آبهای بازار فرنگستان بیش از چهار کیلو اسید کربنیک در بطری دارند
و وقتی که در جام سرریز نموده کیله اش قدغن میشود این را در صورتی استعمال کنند که جوهر
آلات تغذیه که از خواص اسید کربنیک مراد نداشته باشند و این آب در فرنگستان معروف
است به آب سلتز eau de seltz و بغیر جزء بخوده است

آب قلیائی مجز eau alcaline gazeuse

	در لیتر	در بطری
بی‌کربنات دو پتاس	۴ گرام	۳٫۴ گرام
آب مجز کیله	۱ لیتر	۶۲۵ گرام

هر مثقال این آب ۰٫۰۲ گرام بی‌کربنات دو پتاس دارد و هفت حصه کلیه و شانه

و در صورتیکه ما آن حصاة اسید اوریک باشد

لیموناد مجز

مشروب بسیار مطبوعی است و مبرد است و بهترین قسم آن است آنکه بگیرند مقدار نارنج
تازه ۹۰۰ عدد و الکل خوش طعم یک لیتر که از آن یک هفته تقطیر شود تا بیاید بگیرند جوهر
آب لیموی تازه، آب مجز مطابق معمول حل کنند. قدری بگیرند از تقطیر فوق ۱/۵ لیتر و از
محلول فوق ۱/۵ لیتر شربت قند ۱۰ لیتر مطابق معمول شربت کنند. بعد بگیرند از شربت
نارنج فوق ۱۵۰ گرم آب مجز یک بطری

آب سدلیتز eau de sedlitz

(syn. eau saline purgative)

اینها را که مصنوعاً استعمال میکنند تقلید است نه از آب طبیعی و لاترجیح بر آن دارد
زیرا که مقدار کثرت بخار اسید کربنیک طعم آن گوارا تر است و مریض بهتر تحمل میکند
و آن بخار باید است که نمک فرنگی را ممزوج نماید و تا حاضر نشود و بنا بر مقدار
نمک فرنگی بطری این آب را ۸ و ۱۶ و ۲۴ و ۳۲ گرم رقم کنند و نسخه
که کمتر است

	در لیتر	در بطری
سولفات دو منیزی منعقد	۱۳ گرام	۸ گرام
آب خالص	۱ لیتر	۶۲۵ گرام
اسید کربنیک	۴ لیتر	۴ کیله

محلول

و معمولی این نسخه است و چون منظور از استعمال این آب مسهل بودن معمول است پس از تقلید
آب طبیعی گویا فایده ندارد و بعضی در دواخانه‌ها این آب را به طریق سازند که
نمک جوش را در یک بطری آب حل کنند و ۲۰۰ گرام سولفات دو منیزی قبل نمایند و تا ترد و یک بطر دیگر
با ۳ گرام جوهر لیمو فوراً به بنه و اسید کربنیک را دهند و در آن ۵ گرام
سولفات دو سود و سولفات دو منیزی میشود و طعم چنین آبی گوارا تر است
از سولفات دو منیزی خالص

پودر سدلیتز انگلیسی

جوهر طرطیر	۲ گرام	نمک جوش	۲ گرام
طرطرات دو پتاس دو سود	۶ گرام		

جوهر طرطیر را کوبیده و در دو انوله کاغذ نفیه بپیچید و آن دو نمک را نیز کوبیده و
مخلوط نموده در دو انول قسمت مثل نموده و در کاغذ ابیض بپیچید و در حین استعمال یک بسته
را در یک لیوان آب حل کنند و یک بسته نمک را اضافه نموده فوراً تا در حالت
جوش است بنوشند

آب سود کربناته eau de soude carbonatée

(syn. soda-water)

نمک جوش	۱٫۶ گرام	آب مجز	۱ لیتر

سودا واتر

جوهر طرطیر مسحوق ۶ گرم نمک جوش ۲۴ گرم

جوهر طرطیر را تماماً سائیده و به دو دفعه بسته کاغذ سفید تقسیم کنند و همچنین نمک جوش
را در دو دفعه بسته کاغذ آبی قسمت نمایند و در حین استعمال یک بسته ترش را در استکان
بزرگی که یک ثلث آب خالص دارد حل کنند و یک بسته نمک جوش را اضافه و هم زنند
و بنوشانند هرچند که این آب محتوی اسید کربنیک زیاد است تقاضی به حرارت ترش دارد و
مع هذا این آب ترش مزه و گوارا است زیرا که نمک جوش را در حینی که مشتمله
بتمامه در آب حل نشده، علاوه براین آب آلوده است به اسید کربنیک

آبهای ترش مزه طبیعی با املاح غیر معدنی سازند

آب [illegible]

	در یک لیتر	در بطری
[illegible]	۶ گرم	۴ گرم
آب خالص	۱ لیتر	۶۲۵ گرم
اسید کربنیک	۶ لیتر	۶ کیلو

و باید که [illegible] را تازه استعمال کرد زیرا که پس از کهنه شدن در تر معلول شود و جهت این
معلول مخلوط جوش نمک فرنگ را با قدری بیش از همه اشباع نمک قلیا در کنند و با قوت
بنوشانند و در جای گرم بایستی ریخته که اندکی بیش بگیرد و قدری از آن در دو ظرف داشته و دو ده
از آنجمله و در کمال جنگ که مجموع و بگشته و آنچه حاصل میشود [illegible] خالص است
دیگر زیاد معادل است با ۲٫۴ جزء [illegible] و این مقدار را در آب حل کنند

کنند و بکار اسید کربنیک بران داده آورند و پس از ۲۴ ساعت مجاورت بکار [illegible]
آب را در ظرفها ضبط کنند

آبهای ترش مزه که دارا املاح غیر معدنی و بواسطه [illegible] است

آب [illegible]

صورت تجزیه این آب مطابق تفصیل ذیل است

برمور دو پتاسیم	۰٫۰۵۵ گرم	کربنات دو [illegible]	۰٫۷۸۹
کلرور دو سدیم	۶٫۰۵۱	آب	۱۰۰۰
کلرور دو کلسیم منفعته	۱٫۸۵۶		

و علاوه بر مواد مذکوره قدری ماده قطرانی در این آب موجود است که مصنوعاً ممکن نیست
ساخته شود و این آب اسید کربنیک زیاد دارد و در آب مصنوعی رسم است که اضافه
کنند و نسخه مصنوعی آن از این قرار است

	لیتر	بطری
برمور دو پتاسیم	۰٫۰۵	۰٫۰۳۵
نمک طعام	۵٫۰۴۲	۳٫۵
کلرور دو کلسیم	۳٫۲۵۰	۲٫۲
سولفات دو سود منفعته	۱٫۸۵۶	۱٫۲
بیکربنات دو سود منفعته	۰٫۸۱۹	۰٫۵۴
آب	۱ لیتر	۶۲۵

اسید کربنیک ۵ کیلو ۳ کیلو

آب کارلسباد

مطابق تجزیه برزلیوس این آب دارای اجزاء مفصله است

سولفات دو سود منفعته	۵٫۸۸۵	کربنات دو ترنسیم	۰٫۰۰۰۹
کربنات دو سود منفعته	۲٫۳۲۸	کلرور دو کلسیم	۰٫۰۰۳
نمک طعام	۱٫۰۴۳	فسفات دو [illegible]	۰٫۰۰۰۲
کربنات دو [illegible]	۰٫۳۰۱	فسفات دالومین	۰٫۰۰۰۳
کربنات دو منیزی	۰٫۱۲۸	سیلیس	۰٫۰۷۵
کربنات دو فر	۰٫۰۰۶	آب	۱۰۰۰
کربنات دو منگنز	جزئی		

این آب دارای بوی تیره به واسطه مواد نامیه که در آن موجود است و مصنوعاً خالی
از آن ممکن است و نسخه مصنوعی آن از این قرار است

	لیتر	بطری
سولفات دو سود منفعته	۵٫۲۱۲	۳٫۵
سولفات دو منیزی منفعته	۰٫۵۱۶	۰٫۳۴
نمک قلیا منفعته	۳٫۸۱۰	۲٫۳۸
نمک طعام	۰٫۳۸۴	۰٫۲۵۰
کلرور دو کلسیم منفعته	۰٫۶۲۳	۰٫۴۵۰

سولفات دو [illegible] پتاس و آهن ۰٫۰۱۳ ۰٫۰۰۰۸

آب [illegible]

تجزیه‌ای که در این باب کرده‌اند مطابق نسخه معتبرتر از همه تجزیه‌ها از صاحب است مطابق
تفصیل ذیل

اسید کربنیک	۲٫۷۴۰	برمور قلیائی	علامت
بیکربنات دو سود	۰٫۹۹۹	سولفات دو سود [illegible]	۱٫۱۵۰
بیکربنات دو [illegible]	۰٫۵۵۱	فسفات دو سود	۰٫۰۴۰
بیکربنات دو منیزی	۰٫۲۰۹	سیلیس دالومین	۰٫۰۵۰
بیکربنات دو ترنسیم	علامت	ماده نامیه	علامت
بیکربنات دو فر	۰٫۰۳۰	کربنات دو [illegible]	علامت
نمک طعام	۲٫۰۴۰	آب	۹۹۳٫۱۹۰
کلرور دو پتاسیم	۰٫۰۰۱		

واکنون آب [illegible] جوشاننده شربت متعارف فرنگستان است و بیچوجه در مصنوعی آن برگ
و املاح آهن داخل نمیکنند و بهترین نسخ نسخه‌ای است که از حقیقت علم چنانچه آب
طبیعی متفرقه داده بطریق

کلرور دو کلسیم منفعته	۰٫۵	۰٫۳۳
کلرور دو منیزی منفعته	۰٫۴	۰٫۲۷

کربنات دو سود منعقد	۰٫۹	۰٫۶
نمک طعام	۱٫۶	۱٫۱
سولفات دو سود منعقد	۰٫۰۰۸	۱٫۰۰۵
فسفات دو سود منعقد	۰٫۱	۰٫۰۰۷
آب مخزن یخ یک	لیتر ۱	۶۲۵

و اغلب در کارخانجات بجای املاح را اضافه میکنند و تقریباً آبهای را اینها دارای
اسید کربنیک تنها است و دارای جوش متعارف جهت ساختن همین آب است

دارای جوش

جوهر طرطر مسحوق ۲ کرم نمک جوش ۲ کرم

و انفعه قسمت مساوی کنند و جوهر طرطر را در کاغذ سفید و نمک جوش را در کاغذ آبی
یک قسمت از آن را در گیلاس بزرگ ریخته ثلث از آب کنند و نمک جوش را افزایند
و در حین جوش بنوشند

آب ویشی

تجزیه آن از قرار است

کربنات دو سود منعقد	۱۳٫۵۹۲	کربنات دو فر	۰٫۰۰۳
کربنات دو ثو	۰٫۳۵۶	سولفات دو سود منعقد	۱٫۰۶۱
کربنات دو منیزی	۰٫۰۸۵	نمک طعام	۰٫۵۸۰

ار

آب ۱۰۰۰

علاوه بر این در آب ویشی مقداری اسید و قطرات کربونات که در اثر آن بخلیت دارند
مقادیر قلیله از یدور و برمور نیز در آن یافت شده معهود جزو آن نیز از قرار است

	لیتر	بطری
کربنات دو سود منعقد	۱۴٫۸۸۶	۱۰
نمک طعام	۰٫۱۶۷	۰٫۱
کلرور دو کلسیوم منعقد	۰٫۷۷۵	۰٫۵
سولفات دو سود منعقد	۰٫۷۴۰	۰٫۵
سولفات دو منیزی منعقد	۰٫۲۴۶	۰٫۱۶
طرطرات دو پتاس و دو فر	۰٫۰۰۹	۰٫۰۰۶
آب	لیتر ۱	۲۲۵
اسید کربنیک	لیتر ۵	۵ کیلو

آبهای حدیدی

تقلید آبهای حدیدی طبیعی قدری مشکل است بجهت تعیین مقدار اهن در آن آبها زیرا که قواعد
معموله در تجزیه مقدار اهن در این آبها موجب اطمینان نیست و انواع منعقده این تجزیه
را کرده اند و ناچار باید مکرر تجزیه نمود علاوه بر این در بعضی آبهای حدیدی اغلب هم انفاق
موجود است و معین نکرده اند که اهن دوا رسید یا العضی که مقدار و به چه حالت است
و آبهای حدیدی بایست از هوا عاری گردند لهذا قدری از آنها را باید جوش داده در جای

مجاور هوا گذارند که سرد شود و کدر نه اهن آن تبدیل به پیکسید شود و رسوب کرده علاوه بر این
اهن اثر کند در مواد تنن دار چوب پنبه و رسوب شود پس از آنکه زمانی شد دیده که
چوبهای بطری سیاه شده اند و بجهت رفع این منقصت هرگاه چوبهای در بطری را در ظروف
دهان بسته مجاور محلول زاج سبز کنند تا هر قدر داده باشد زود در آن چوب جذب اثر
نخورد و در عرض اهن که به آب داده باشد جو تا چند دقایق بخب پس از آنکه زمانی رسوب پیدا
ورقه که در آب مصنوعی ظاهر شود

اسید سولفوریک

زاج سبز ۱۱ گرم ½   آب جوشیده ۳۲۵ گرم

محلول مصنوعی حل کنند و در بطری محکم حفظ کنند و الیا معمول است که آب آهن را بطرز
میخورانند به طوریکه میخ حدیدی که تخته را فاصله کنند و زنگ نمره آنها را در آب بریزند
بعد از سرد شدن می نوشند بهتر است که در حین نوشیدن کوزه را بهم زنند تا مقدار
کافی از اکسید اهن صرف شود و گرنه آب صاف آن تقریباً از اهن عاری است

آب حدیدی حامض

طرطرات دو پتاس و دو فر	۲ لیتر	آب جوشیده	۱ لیتر
اسید کربنیک	۵ لیتر		

آبهای گوگردی

این آبها دارای اسید سولفیدریک یا سولفورها قلیائی یا هر دو اند وقتیکه اب معدنی

دارای هر

دارای هرود بنده هم محلول سولفور سازند و هم در طرف دیگر آبرا از پیه رزی سولفوره
اشباع کنند و ممزوج یکدیگر نمایند و سولفور دو سدیوم تنها سولفوری است که در منزل معمول
است و در اصلاح سدیوم ذکر کرده ام و چشمهای گوگردی در نقاط مختلفه کره ارض موجود
و از حیث خواص معروفند و لازم به گفتگوی آنها نیست

